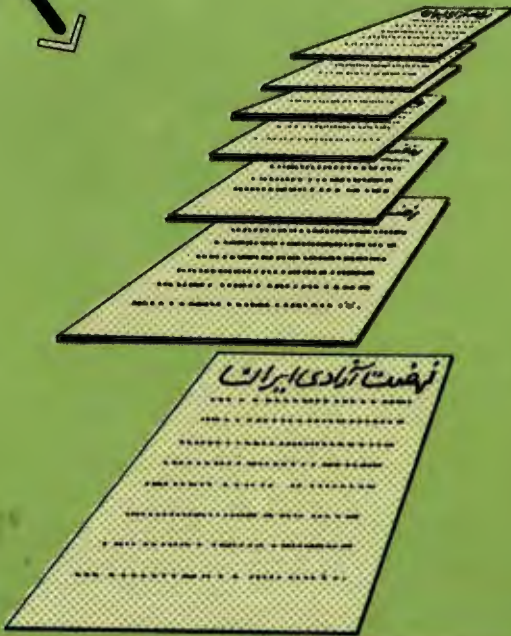


تاریخ معاصر ایران



اسناد نهضت آزادی ایران

جلد ۹ - دفتر دوم . جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

یعقوبی
(۲)

۱

۲

۱۱

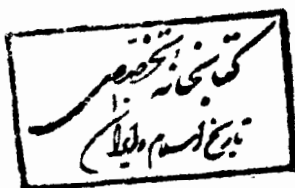
آزادی ایران

تخصص

اسناد

قیمت ۷۵۰ ریال

مرکز بخش: دفتر نهضت آزادی ایران
تهران - خیابان استاد مطهری - شماره ۲۳۴ تلفن ۸۳۳۷۵۷



۷

صفحاتی از:

تاریخ معاصر ایران

اسناد نهضت آزادی ایران

۱۳۵۴-۱۳۵۷

جلد ۹- دفتر دوم: جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر



صفحاتی از تاریخ معاصر ایران - اسناد نهضت آزادی ایران
جلد ۹ - دفتر دوم: جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر
گردآورنده و ناشر: نهضت آزادی ایران
چاپ اول: اسفند ماه ۱۳۶۲
تیراژ: ۳۰۰۰ جلد
چاپ: نراقی

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

سپاس خدا را که بما توفیق داد تا بتوانیم علیرغم مشکلات فراوانی که بعد از حمله ۶ آبانماه به دفتر نهضت آزادی ایران داشته و داریم ، دفتر دوم از جلد نهم اسناد نهضت آزادی ایران را منتشر سازیم . این مجموعه شامل بخش پنجم از اسناد نهضت آزادی ایران و مربوط به سالهای ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷ یعنی اسنادی پیرامون " جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر " می باشد .

اندیشه تأسیس " جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر " بدنبال پایمال شدن حقوق و آزادیها از طرف رژیم پهلوی از یکطرف و اعلام سیاست حقوق بشر دولت کارتر ، در اوایل سال ۱۳۵۶ در ایران مطرح شد . در شرایطی که خفقان و فشار سراسر ایران را فرا گرفته و همه مبارزین چه در زندان و چه در تبعید زیر فشار شدید استبداد شاهنشاهی قرار داشتند و حرکتهای مسلحانه سالهای ۱۳۵۰ به بعد وحشیانه و با شدت سرکوب شد و تشکیلات آنها عملاً " از هم گسیخته بود ، جمعی از مبارزین قدیمی فکر " حقوق بشر " که بمنظور جبران شکست مفتضحانه آمریکا در ویتنام از طرف کشورهای بزرگ صنعتی جهان و برای حفظ قدرت و توسعه اعتبار و منافع خود در دنیا مطرح شده بود ، بعنوان وسیله و محملی برای بیان موارد نقض حقوق بشر در ایران و بازگو کردن ددمنشی های رژیم و دردهای مردم و نهایتاً " باز کردن فضائی که در آن نیروهای فعال بتوانند به مبارزه خود با رژیم ادامه دهند ، انتخاب کردند .

جمعی از سران و اعضای نهضت آزادی ایران از موسسین این جمعیت بودند که برای تحقق اهداف آن فعالانه مشارکت داشتند . اگرچه بعضی از موسسین جمعیت

از ابتدای سال ۱۳۵۶ اقداماتی در جهت تحقق اهداف جمعیت بعمل آورده بودند، لکن فعالیت رسمی آن در تاریخ ۱۶ آذرماه ۱۳۵۶ با ارسال نامه‌ای از سوی ۲۹ تن از شخصیت‌های مبارز و روحانی شامل اساتید دانشگاه، حقوقدانان، نویسندگان و سایر مبارزین سرشناس بعنوان موسسین جمعیت، به دبیرکل سازمان ملل متحد، آغاز شد. این جمعیت از آن زمان تا ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ و پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تشکیل دولت موقت بفعالیت خود ادامه داد.

"جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر" در طول ۱۴ ماه فعالیت خود توانست منشاء خدمات نسبتاً موثر و با ارزشی در هموار کردن راه برای گسترش مبارزات مردم و گروه‌ها و وسیله‌ای برای تدارک انقلاب باشد. در جبهه داخلی موفق گشت با افشای ماهیت رژیم استبداد شاهنشاهی بویژه انعکاس وسیع وضع زندانیان سیاسی و دادخواهی آنان و شخصیت‌های تبعیدی و خانواده‌هایشان و گزارش اقدامات وحشیانه و ضدبشری رژیم در کشتار مردم و تخریب شهرها به مقامات مسئول و در سراسر جهان و... جو ترس و رعب و وحشت را بشکند. و در جبهه خارجی توانست با انتشار وسیع اوضاع ایران و جلب توجه شخصیت‌ها و سازمان‌های جهانی تبلیغات رژیم شاه و رسانه‌های وابسته بین‌المللی را خنثی ساخته با کنار زدن انقلاب دروغین مردم دوستی و پیشرفت‌های کاذب و قرار دادن ایران در آستانه تمدن بزرگ! چهره واقعی رژیم استبدادی و وابسته ایران و مظلومیت و حقانیت مبارزات مردم قهرمان ایران را بدینا نشان دهد.

اقدامات این جمعیت و فعالیت سایر مبارزین در خارج از کشور، بدون تردید از عوامل موثری بود که قبل از مسافرت امام خمینی در آبانماه ۱۳۵۷ به پاریس زمینه را برای توجه وسیع و بی سابقه مردم دنیا به نظرات ایشان بعنوان رهبر مبارزات ملت ایران فراهم ساخت.

جمعیت طی نامه مورخ ۱۶ / ۹ / ۵۶ به عنوان دبیرکل سازمان ملل متحد ضمن برشمردن موارد نقض حقوق بشر در ایران و مظالم و تجاوزات رژیم شاه دیدگاه خود را در مورد حقوق بشر چنین توصیف می‌کند:

"... اجرا و رعایت حقوق بشر لازمه رشد و اعتلاء شخصیت انسانهاست و محیط اجتماعی و سیاسی مملکت ما در یک ربع قرن اخیر در جهت

نفی آزادی و شخصیت افراد تحول یافته و این تحول زائیده حکومت خودسرانه فردی و نتیجه آن اختناق عمومی و سلب حیثیت ذاتی هموطنان است."

در همین نامه برای نشان دادن یکی از موارد نقض حقوق بشر به گفته شاه، بهنگام اعلام حزب واحد رستاخیز اشاره شده است.

"کسانیکه عضویت حزب واحد رستاخیز را نپذیرند خائن و بیوطن شناخته می شوند و باید کشور را ترک کنند و یا هیچگونه توقعی از دولت نداشته باشند."

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر در نامه‌ای بعنوان محمدرضا شاه

در تاریخ ۱۳۵۷/۲/۱۱ چنین می نویسد:

"در هر حال وظیفه الهی و وجدانی و قانونی خود میدانیم مطالب ذیل را مستقیماً" باستحضار اعلیحضرت که کلیه اختیارات و انتصابات و فرمانها که برخلاف صریح قانون اساسی و بدیهی ترین اصول آزادی سیاسی در قدرت انحصاری خود قرار داده اند و بنا بر این منطقاً "یگانه مسئول جریانهای مملکت و عملیات دولت می باشند برسانیم."

"انقلاب سفید، دموکراسی رستاخیزی در تمدن بزرگ که اعلیحضرت دائماً" نوید میدهند و محصولش خفقان و آزار و زندان و شکنجه و کشتار از یکطرف و نابسامانیها و تنگناهای کمرشکن و از بین رفتن تولیدات ملی از طرف دیگر است، چه ارزشی برای ملت ستمدیده ایران دارد؟"

علاوه بر نامه پراکنی و تظلم، جمعیت در اقدامات عملی مبارزه نیز شرکت داشت. یکی از اقدامات چشمگیر آن مطرح کردن برنامه راهپیمایی عمومی در روز حقوق بشر است که در اثر تصادف این روز با تاسوعای حسینی (مورخ ۵۷/۹/۱۹) و زنده شدن خاطره حق کشیهای امویان و حق جوئی حسینیان باشکوه بی سابقه‌ای برگزار شد.

بدنبال کشتار وسیع ۱۷ شهریورماه (جمعه سیاه) و حاکمیت مستقیم نظامیان و اتخاذ سیاست وحشت و خشونت، جو رعب و ترس بیشتری حاکم شد و مبارزات شکل مخفی تری بخود گرفت. بطوریکه اجتماعات عمومی و علنی مشابه اجتماع عید

فطر و راهپیماییهای بعدی آن امکان پذیر نبود. اگر اجتمات و اعتراضات موضعی شکل میگرفت بشدت بخاک و خون کشیده می شد. برگزاری راهپیمایی تاسوعا و تکرار آن در روز عاشورا سرآغاز تحول جدیدی در روند مبارزات مردم و گسترش آن گردید.

جمعیت ابتدا مبداء راهپیمایی را از مقابل ساختمان دادگستری مقصد آنرا دفتر جمعیت واقع در ابتدای خیابان قبا (شهرزاد سابق)، در شمال حسینیه ارشاد اعلام کرد. ولی پس از اعلام راهپیمایی توسط مجاهد نستوه حضرت آیت الله طالقانی (ایشان از راهپیمایی جمعیت اطلاع نداشتند) و تشکیل کمیته برگزاری راهپیمایی با شرکت نمایندگان آیت الله طالقانی، جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر، روحانیت مبارز تهران، نهضت آزادی ایران، انجمنهای اسلامی مهندسين، پزشکان و معلمان، جبهه ملی و جمعیت حقوقدانان ایران که بمنظور ایجاد هماهنگی در راهپیمایی تشکیل شد، مبداء راهپیمایی ده نقطه اصلی شهر و مقصد میدان آزادی (شهید سابق) تعیین گردید. همین کمیته راهپیمایی روز عاشورا را نیز تدارک و اداره نمود. در قطعنامه راهپیماییهای تاسوعا و عاشورا که توسط کمیته برگزاری راهپیمایی تهیه شده بود، چنین می خوانیم:

"تقارن این روز بزرگ مذهبی که با روز اعلامیه حقوق بشر غنیمت دانسته و اعلام میداریم که نه تنها تأمین حقوق فطری و طبیعی بشر از اساسی ترین هدفهای جنبش ماست بلکه اسلام خود مبتکر رسمی و حقیقی حقوق بشر بوده است."

* * *

متأسفانه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران کسانی که با نظرات و عقاید موسسین این جمعیت مخالف بوده، جمعیت را مورد سؤال قرار داده و با تحریف سوابق و واقعیتها سیل حملات و تهمتها علیه جمعیت و موسسان آن جاری شد. محور اصلی این حملات این بود که چون سازمان جهانی حقوق بشر به ابرقدرتها وابسته است، بنابراین "جمعیت" نیز که بنام حقوق بشر تشکیل شده است وابسته به ابرقدرتها بوده! و لاجرم!! مجری برنامهها و توطئههای آنان در جهت ضربه زدن و یا به انحراف کشانیدن انقلاب اسلامی می باشد!! ضمن اعتراف به سوء استفاده

ایرقدرتها از سازمانهای جهانی بایدگوئیم که "جمعیت" این سازمانها را بعنوان بلندگوئی که بتواند جنایات شاه را بجهان اعلام دارد، بکارگرفت تا ایران را آزاد سازد. در هر حال عملکرد این جمعیت و بخشی از اسناد آن که در این مجموعه گردآوری شده خود می تواند پاسخگویائی به اینگونه حملات باشد.

آیت الله حاج سیدابوالفضل موسوی زنجانی که از موسسین این جمعیت هستند، برای رفع این شبهه در بیانیه خود بمناسبت تشکیل جمعیت می نویسد، این جمعیت:

" نه بعنوان اعتقاد بهمه مواد منشور حقوق بشر و یا اطمینان به یک عمل موثر از طرف سازمان ملل بلکه نظر بقانون منطقی جدل (یعنی الزام طرف مناظره به آنچه که خود قبول کرده و تعهد نموده است) . . ."

تشکیل گردید.

در هر حال اسناد این مجموعه نشان میدهد که "جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر" محل و بستر بسیار مناسبی برای انجام بسیاری از فعالیتهای لازم در سالهای ۵۶ و ۵۷ در داخل و خارج از کشور بوده است. لحن نامه بسیاری از شخصیتهای روحانی و سیاسی، که در آن روزگار سیاه به این جمعیت نوشته اند، نشانگر آن است که این جمعیت ملجاء و تکیه گاه مجاهدان و مبارزان زندانی و تبعیدی بوده و اقدامات آن در جهت کاهش فشار رژیم و فعال کردن مبارزین و تشدید مبارزه موثر واقع شده است. بررسی و مطالعه اسناد این مجموعه می تواند واقعیتها را بر اهل خرد و تقوی روشن ساخته، گامی در ثبت صحیح تاریخ معاصر بردارد.

* * *

تذکر این نکته مفید است که آنچه در این مجموعه منتشر می شود کلیه اسناد جمعیت نیست زیرا اولاً اسناد و مدارک و اموال "جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر" در حمله ساواک با همکاری فرمانداری نظامی در ساعات منع عبور و مرور در تاریخ ۵۷/۸/۲ ربوده شد، لذا آنچه در این مجموعه گردآوری شده است نمودار بخش کوچکی از عملکرد جمعیت می باشد. ثانیاً اسنادیکه از گزند این حمله مصون مانده بودند، در هشت فصل تنظیم گردیده بود که متأسفانه آنهم در حمله ۶ آبانماه جاری به دفتر نهضت آزادی ایران، همه آنها بویژه اصل برخی از اسناد که منحصر بفرد بود، برده شد. اسناد موجود باستثناء فصل هشتم که مربوط به

"اقدامات جمعیت در خارج از کشور" می باشد در این مجموعه تنظیم شده است .
امیدواریم در آینده بتوانیم علاوه بر اضافه کردن اصل اسناد و تکمیل آنها فهرست
اعلام و موضوعی را نیز ضمیمه کنیم .

* * *

نهضت آزادی ایران امیدوار است با جمع آوری و ارائه اسناد "جمعیت ایرانی
دفاع از آزادی و حقوق بشر" که بخشی از اسناد انقلاب اسلامی ایران است ، بوظیفه
خود عمل نموده و موجبات رضای خدا و خدمت به خلق را فراهم ساخته باشد .

نهضت آزادی ایران

بهمن ماه ۱۳۶۲

اسناد نهضت آزادی ایران
۱۳۵۴ - ۱۳۵۷
جلد نهم - دفتر دوم
جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

فهرست مطالب

✽ فصل اول: حقوق بشر از دیدگاه اسلام و سازمان ملل متحد

- ۱ - کلیات حقوق بشر از دیدگاه قرآن مجید، سنت حضرت خاتم الانبیاء و ائمه هدی صلوات الله و سلامه علیهم ۵
- ۲ - تاریخچه و خلاصه ای از حقوق بشر ۲۲
- ۳ - اعلامیه جهانی حقوق بشر ۲۵
- ۴ - سیاست جدید دولت آمریکا درباره حقوق بشر ۳۴
- ۵ - اساسنامه جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر ۳۵
- ۶ - فرم درخواست عضویت در جمعیت ایرانی دفاع از حقوق بشر ۴۲

✽ فصل دوم: اقدامات بعضی از مؤسسين جمعیت قبل از تأسیس

- ۱ - نامه آقای مهندس بازرگان به علمای اعلام و مراجع عظام راجع به محکومیت و زندانی شدن آیت الله طالقانی ۴۵
- ۲ - اعتراض آقای دکتر سحابی به دادرسی ارتش در مورد محکومیت مجدد آیت الله طالقانی ۴۷
- ۳ - اعتراض وکلای انتخابی آیت الله طالقانی به رأی دادگاه نظامی و تقاضای فرجام ۴۹

۴ - اعتراضیه آقای دکتر سحابی به روزنامه کیهان راجع به افتراات

۵۱ مندرج در کیهان مورخه ۵۶/۲/۱۶

۵۵ - بیانیه جمعی از رجال اسلامی و ملی و اعلام خواستهای ملت

۶ - نامه جمعی از شخصیت‌های اسلامی و ملی به نخست‌وزیر و اعتراض

۶۴ به حمله‌های فاشیستی مأموران رژیم به مردم

* فصل سوم: اقدامات جمعیت تا پیروزی انقلاب

۱ - نامه مؤسسين جمعیت به دبیرکل سازمان ملل متحد و اعلام

۷۱ تأسیس کمیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

۸۴ ۲ - اعلام تأسیس کمیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

۳ - نامه به نخست‌وزیر و اعتراض به مقاله مندرج در روزنامه اطلاعات

مورخه ۱۳۵۶/۱۰/۱۷ که در آن به ساحت پیشوای ارجمند اسلام اهانت شده

۸۵ بود

۴ - متن خطابه به حضار اولین مصاحبه مطبوعاتی کمیته ایرانی دفاع

۸۸ از آزادی حقوق بشر

۹۱ ۵ - شرح اولین مصاحبه مطبوعاتی کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر

۶ - پاسخ به اظهارات وزیر امور خارجه مندرج در روزنامه کیهان

۹۸ ۱۳۵۶/۱۰/۲۵

۷ - نامه به نخست‌وزیر در رابطه با اعمال خلاف قانون اطاق اصناف

۱۰۱ و تقاضای انحلال دادگاه‌های ویژه امور صنفی

۸ - تسلیم جمعیت به مراجع عظام در ارتباط با فجایع رژیم در قم

۱۰۵ و تبریز

۹ - تلگرام جمعیت به نخست‌وزیر و اعتراض به بازداشت و تجدید

۱۰۸ محاکمه زندانیان سیاسی که حاضر به تقاضای عفو نیستند

۱۰ - نامه به نخست‌وزیر و هشدار به رژیم در ارتباط با حمله دستجات

۱۱۱ متفرق و مجهول به بانکها، ساختمانها و توقف قطارها

۱۱ - نامه به کمیسیون حقوق بشر دبیرکل سازمان ملل متحد و جمعیت

- ۱۱۳ صلیب سرخ جهانی در ارتباط با اعتصاب غذا و ملاقات زندانیان سیاسی کشور
- ۱۱۵ ۱۲ - نامه به شاه بعنوان مسئول مستقیم جریانهای مملکت و عملیات دولت
- ۱۱۸ ۱۳ - دعوت سه تن از مؤسسين جمعيت از مردم برای شرکت در مجلس شهدای یزد، جهرم و اهواز
- ۱۱۹ ۱۴ - نامه به مراجع و آیات عظام بمنظور ابراز انزجار عملیات وحشیانه رژیم در قم
- ۱۲۱ ۱۵ - بیانیه دعوت به تحصن سراسری به مناسبت سالروز قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲
- ۱۲۴ ۱۶ - اعلامیه به اعتصاب عمومی ماندن در منازل به مناسبت کشتار فجیع ۱۵ خرداد ۱۳۴۲
- ۱۲۵ ۱۷ - اطلاعیه خطاب به دانشجویان رانده شده از کوی دانشگاه جهت اسکان آنها
- ۱۲۶ ۱۸ - درخواست مدیریت اجرایی جامعه بین المللی حقوق بشر از جمعیت جهت پیوستگی به آن جامعه
- ۱۲۷ ۱۹ - پاسخ به نامه مدیریت اجرایی جامعه بین المللی حقوق بشر و قبول پذیرش وابستگی به آن جامعه
- ۱۲۹ ۲۰ - دومین مصاحبه مطبوعاتی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر
- ۱۴۱ ۲۱ - پیوست دومین مصاحبه مطبوعاتی جمعیت
- ۱۴۴ ۲۲ - نامه به نخست وزیر، دادرسی و دادستان ارتش در اعتراض به بازداشت غیرقانونی آقای مهندس صباغیان
- ۱۴۵ ۲۳ - نامه به دبیرکل سازمان ملل متحد جهت اعزام کمیسیون صلاحیتداری برای رسیدگی به رفتار ضد انسانی رژیم
- ۱۴۷ ۲۴ - نامه به اتحادیه بین المللی حقوق بشر و روزنامه ها و استمداد از سازمانهای جهانی در رابطه با کشتارها، آتش سوزیها و خرابکاریهای رژیم

- ۱۴۹ - ۲۵ - نامه به نخست‌وزیر در رابطه با فاجعه سینما رکس آبادان
- ۱۵۵ - ۲۶ - تلگراف به جامعه بین‌المللی حقوق بشر و . . . و درخواست اعزام هیئتی جهت رسیدگی به فاجعه سینما رکس آبادان
- ۱۵۶ - ۲۷ - اعلامیه در تأیید راهپیمایی عید فطر و درخواست آزادی فوری زندانیان سیاسی
- ۱۵۷ - ۲۸ - تلگراف به جامعه بین‌المللی حقوق بشر و . . . و تقاضای کمک به نجات ملت ایران در رابطه با فاجعه ۱۷ شهریور
- ۱۵۹ - ۲۹ - نامه به معاون وزرات امور خارجه ایالات متحده - قسمت حقوق بشر در رابطه با فاجعه ۱۷ شهریور
- ۱۶۱ - ۳۰ - اطلاعیه در رابطه با پایان تحصن عده‌ای از اعضاء جمعیت در منزل آیت‌الله شریعتمداری
- ۱۶۳ - ۳۱ - توضیح یکی از اعضاء جمعیت متحصن شده در منزل آیت‌الله شریعتمداری
- ۱۶۴ - ۳۲ - نامه دکتر سبحانی به حضرت آیت‌الله شریعتمداری راجع به پایان بخشیدن به تحصن اعضاء جمعیت
- ۱۶۶ - ۳۳ - نامه به اتحادیه بین‌المللی حقوق بشر و اعتراض به محاکمه متهمین سیاسی در دادگاههای نظامی
- ۱۶۷ - ۳۴ - نامه به اتحادیه بین‌المللی حقوق بشر و اعتراض به ناپدید شدن امام موسی صدر و تقاضای اعزام هیئتی جهت رسیدگی
- ۱۶۸ - ۳۵ - نامه به سفیر کبیر عراق در ایران و درخواست ارسال اعتراض‌نامه جمعیت نسبت به رفتار دولت عراق با حضرت آیت‌الله خمینی به رئیس جمهور عراق
- ۱۷۰ - ۳۶ - نامه به نخست‌وزیر و اعتراض به اعمال وحشیانه ماموران دولتی نسبت به دانش‌آموزان دبیرستان پهلوی کاشان و توقیف چند تن از اعضاء جمعیت
- ۱۷۶ - ۳۷ - مصاحبه سخنگوی جمعیت و اعلام آمادگی جهت رو در روئی و مباحثه با دولت
- ۱۷۸

- ۳۸ - نامه به رئیس جمهور فرانسه و درخواست حفظ شعونات و تامین آزادی و امنیت برای حضرت آیت الله خمینی
۱۷۹
- ۳۹ - گزارش هیئت اعزامی مشترک جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر و جمعیت حقوقدانان ایران راجع به واقع فجیع کرمان
۱۸۰
- ۴۰ - مصاحبه سخنگوی جمعیت با خبرنگاران و اعلام استمرار مبارزه
۱۹۱
- ۴۱ - اطلاعیه جمعیت خطاب به همه کسانی که از عزیزان خود بی خبرند یا آنها را از دست داده اند
۱۹۲
- ۴۲ - مصاحبه سخنگوی جمعیت در مورد سرقت دستگاه فت‌کپی و ماشین تحریر جمعیت در ساعات حکومت نظامی
۱۹۳
- ۴۳ - بیانیه مشترک جمعیت با سازمان ملی دانشگاهیان، جمعیت حقوقدانان، کانون نویسندگان و کمیته دفاع از زندانیان سیاسی
۱۹۴
- ۴۴ - اعلامیه در اعتراض به تشکیل دولت نظامی، برقراری سانسور کامل و دستگیری چندتن از اعضاء جمعیت
۱۹۷
- ۴۵ - اعتراض جمعیت به تعطیل مطبوعات و مدارس و دانشگاهها و کشتار مردم و دستگیری دکتر سنجابی و داریوش فروهر
۱۹۹
- ۴۶ - نامه به اتحادیه بین‌المللی حقوق بشر و اعتراض به اختناق و کشتار در ایران و تقاضای رساندن فریاد ملت بگوش جهانیان
۲۰۰
- ۴۷ - متن نامه شماره ۷۵۵۴/ب مورخ ۱۳۵۷/۹/۱۲ کانون وکلاء دادگستری به آقای نجفی وزیر دادگستری
۲۰۲
- ۴۸ - دعوت از مردم آزاده ایران برای راهپیمایی روز تاسوعا و روز جهانی حقوق بشر
۲۰۴
- ۴۹ - نامه به رئیس جمهور ممالک متحده آمریکا و درخواست عدم دخالت علیه ملت ایران
۲۰۵
- ۵۰ - نامه به ارتشبد ازهاری و اعتراض به آتش‌سوزیها، اختناق و آدمکشی‌های دستجمعی دولت غیرقانونی
۲۰۹
- ۵۱ - قطعنامه راهپیمایی روزهای تاسوعا و عاشورای ۱۳۹۹ در تهران
۲۱۲

- ۲۱۵ ۵۲ - بیانیه مشترک جمعیت با احزاب و گروه‌های اسلامی و ملی
- ۵۳ - اعزام هیئتی از جانب جمعیت به معیت دو نفر از مخبرین
یونایتد پرس و جمعیت حقوق بشر آمریکا برای تحقیق در مورد جنایات رژیم
در قزوین
- ۲۱۷ ۵۴ - هشدار نسبت به احتمال اجرای توطئه کودتای خونین و اعلام
تصمیم برگشت ناپذیر ملت ایران و احیای حق حاکمیت ملی خود
- ۲۱۸ ۵۵ - اعتراض شدید به بازداشت خودسرانه و غیرقانونی دکتر علی
اصغر حاج سیدجوادی نایب رئیس جمعیت و درخواست آزادی وی
- ۲۲۰

* فصل چهارم: تظلم و دادخواهی شخصیت‌های سیاسی و روحانی و خانواده زندانیان سیاسی

- ۱ - نامه استاد شیخ علی تهرانی از تبعیدگاه چاه‌بهار در ارتباط با
دروغ‌گوئی‌های رژیم و معنای آزادی و حقوق بشر در ایران
- ۲۲۳ ۲ - نامه طاهر زرگر آزادی‌جمعیت و درخواست آزادی‌فرزندش
- ۲۲۵ ۳ - استفتاء آقای صدر حاج سیدجوادی از مراجع عظام راجع به تبعید
فضلائی قم
- ۲۲۶ ۴ - رونوشت استفتاء جمعی از مدرسین حوزه علمیه قم از مراجع عظام
در مورد تبعید آقایان علماء و فضلاء که به جمعیت تسلیم شده‌است
- ۲۲۹ ۵ - نامه والدین منصور فرسیدی به جمعیت و تقاضای تحقیق در مورد
سرنوشت فرزندشان
- ۲۳۰ ۶ - نامه حجج اسلام سید علی خامنه‌ای، محمد کاظم راشد یزدی، سید
محمد علی موسوی و سید فخرالدین رحیمی خرم‌آبادی از تبعیدگاه ایرانشهر
به جمعیت
- ۲۳۴ ۷ - نامه دانشجویان دانشگاه تهران به جمعیت در ارتباط با حمله‌های
عمال رژیم به خوابگاه و ضرب و شتم و اخراج دانشجویان از کوی دانشگاه
- ۲۳۶ ۸ - نامه اهالی شهرستان قهدریجان اصفهان به دبیرکل سازمان ملل
متحد و . . . و کمیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر راجع به جنایات و

- مظالم رژیم ۲۴۰
- ۹ - اعلامیه حوزه علمیه قم در ارتباط با زندانی بودن حضرات آیات
- ۲۴۲ طالقانی و منتظری و رونوشت آن به جمعیت
- ۱۰ - نامه همسر آیت الله طالقانی به جمعیت و تقاضای رسیدگی به
- ۲۴۵ وضع بیماری ایشان در زندان اوین
- ۱۱ - نامه جمعی از شخصیت‌ها به شهربانی کل کشور در رابطه با بازداشت
- ۲۴۶ غیر قانونی آقای مهندس صباغیان و رونوشت به جمعیت
- ۱۲ - نامه آقای حسین هنردار به جمعیت و تقاضای دیدار فرزند
- ۲۴۸ زندانی اش
- ۱۳ - نامه یک شهروند شیرازی به جمعیت و شرح وقایع شرم آور ماموران
- ۲۵۰ رژیم در مسجد نو شیراز
- ۱۴ - نامه نهضت آزادی ایران خارج از کشور به رئیس جمهور عراق
- ۲۵۲ و اعتراض به مزاحمت‌های پلیس برای امام خمینی و رونوشت به جمعیت
- ۱۵ - تلگرام خانواده‌های زندانیان سیاسی به جمعیت و . . . تقاضای
- ۲۵۴ اعاده حیثیت از تمام زندانیان بدون هیچ قید و بندی
- ۱۶ - اظهارات آقای محمدشانه‌چی در مورد وقایع رقت‌باری که ماموران
- ۲۵۶ رژیم بر ایشان تحمیل کرده‌اند .
- ۱۷ - نامه خانواده معین به جمعیت و تقاضای رسیدگی به بی‌عدالتی‌های
- ۲۵۹ که دادگاه مستبد نظامی بر فرزندشان روا داشته‌است
- ۱۸ - نامه والدین محمد دزیانی به جمعیت و شرح شهادت یکی از
- ۲۶۰ فرزندان و زندان کردن فرزند دیگرشان
- ۱۹ - نامه زندانیان عادی زندان مشهد به نخست‌وزیر، جمعیت و
- ۲۶۳ مجلسین و تقاضای آزادی بدون شرط رضایت مدعی خصوصی
- ۲۰ - تقاضای مادر محمد رضا راتبی زندانی سیاسی بوسیله روزنامه
- ۲۶۴ کیهان از جمعیت
- ۲۱ - نامه کارکنان بانک مرکزی به کانون وکلاء دادگستری و رونوشت
- ۲۶۵ به جمعیت و تقاضای اقدام عاجل از آزادی همکارانشان

- ۲۲ - اعلامیه جامعه پزشکی شهرستان قم و اعلام تاسیس کمیته دفاع
از مجروحین و مصدومین و تقاضای کمک از جمعیت ۲۶۶
- ۲۳ - نامه آقای جاوید مقدس به جمعیت در بیان علت خرابکاریها
توسط عوامل ضد مردمی در سطح انتقال نیرو ۲۶۷

* فصل پنجم: اقدامات جمعیت در رابطه با شکایات واصله

- ۱ - نامه به دادسرای شهرستان مشهد و تقاضای رسیدگی نسبت به
ضرب و جرح و تجاوز به دانشجوی زندانی محمد غزی سبزواری ۲۷۱
- ۲ - نامه به نخست وزیر و . . . و تقاضای رسیدگی به فجایع ماموران
رژیم در حمله به خوابگاه دانشجویان ۲۷۲
- ۳ - نامه به دادستان کل کشور و تقاضای اعلام نتیجه عمل غیرقانونی
بستن دکان چندتن از تجار بوسیله اطاق اصناف ۲۷۴
- ۴ - نامه به دادسرای شهرستان تهران و تقاضای رسیدگی به اعمال
غیرقانونی مامورین با زندانیان سیاسی قصر بجرم اقامه نماز جماعت ۲۷۵
- ۵ - نامه به دادسرای شهرستان تهران و تقاضای معالجه دیدگان مهندس
لطف‌الله میثمی زندانی سیاسی ۲۷۶
- ۶ - تلگراف به دادستان شهرستان اصفهان و اعتراض به حمله اوباش
زندانی به زندانیان سیاسی شهرستان اصفهان و تقاضای رسیدگی ۲۷۷
- ۷ - تلگراف به دادگاه جنائی اصفهان و اعلام پشتیبانی از دانشجویان
در حال محاکمه و تقاضای تامین آزادی دفاع برای متهمین ۲۷۸
- ۸ - تلگراف به دادستان کل کشور و اعتراض به اعمال وحشیانه قوای
نظامی در مراسم بزرگداشت دکتر شریعتی در بابلسر ۲۷۹
- ۹ - نامه به نخست وزیر و اعتراض به اعمال ضد بشری کماندوهای
شهرستانی نسبت به زندانیان سیاسی ۲۸۱
- ۱۰ - نامه به نخست وزیر و هشدار به مسئولان نسبت به مداوای فوری
حضرت آیت‌الله طالقانی در زندان شهرستانی ۲۸۲
- ۱۱ - نامه به دادسرای استان تهران و تقاضای رسیدگی به بیماری

- ۲۸۴ خانم دکتر سیمین صالحی زندانی سیاسی زندان قصر
- ۱۲ - نامه به دادسرای شهرستان شیراز و درخواست علت زندانی کردن
- ۲۸۵ آقای مهندس رضا کاشانی
- ۱۳ - نامه به دادسرای شهرستان سنندج و تقاضای اعلام نتیجه عاملین
- ۲۸۶ تیراندازی و ضرب و جرح نسبت به مردم سنندج
- ۱۴ - نامه به نخست‌وزیر و تقاضای رسیدگی و تعقیب عاملین به آتش
- ۲۸۷ کشیدن شهر کرمان و سرمایه مردم
- ۱۵ - نامه به دادگاه بخش دورود و تقاضای رسیدگی و اعلام نتیجه
- ۲۸۹ به دستگیری و ضرب و شتم دو تن از مردم بوسیله پلیس
- ۱۶ - نامه به دادسرای دیوان کیفر و تقاضای رسیدگی نسبت به تضییع
- ۲۹۰ حقوق و تصرف خلاف قانون املاک در گنبد
- ۱۷ - نامه به دادسرای شهرستان بهشهر و تقاضای اعلام نتیجه نسبت
- ۲۹۱ به تعقیب کسانی که آقای رستم غذائی را مضر و ساختند
- ۱۸ - نامه به دادسرای شهرستان تهران و تقاضای رسیدگی نسبت به
- ۲۹۲ حال وخیم آقای حسین حسین‌زاده
- ۱۹ - نامه به دادسرای شهرستان سراب و تقاضای رسیدگی نسبت به
- ۲۹۳ علت ضبط کتب مجاز و دستگیری غیرقانونی چند نفر

✽ فصل ششم: اقدامات انجام شده در رابطه با بمب‌گذاری منازل بعضی از

موسسین جمعیت

- ۱ - بیانیه نهضت آزادی ایران خارج از کشور در مورد بمب‌گذاری در
- ۲۹۷ منزل مهندس بازرگان
- ۲ - نامه آقای رحیم صفاری یکی از اعضاء موسس جمعیت به نخست‌وزیر
- ۳۰۰ در پاسخ اخطار و تهدید تلفنی ایادی رژیم
- ۳ - اعلام جرم آقای مهندس بازرگان خطاب به دادستان شهرستان
- ۳۰۲ تهران در ارتباط با بمب‌گذاری منزل ایشان
- ۴ - نامه جمعی از شخصیتها خطاب به نخست‌وزیر در ارتباط با بمب

- ۳۰۳ کذاری عوامل رژیم در خانه موسسین جمعیت و . . .
- ۵ - درخواست موکد مجمع جهانی حقوق بشر از نخست‌وزیر جهت رسیدگی به بمب‌گذاری اخیر در منازل سه تن از رهبران جمعیت
- ۳۰۶ ۶ - نامه آقای دکتر عبدالکریم لاهیجی سخنگوی جمعیت به دادستان شهرستان تهران جهت تعقیب عاملین حمله به ایشان
- ۳۰۸ ۷ - نامه آقای دکتر عبدالکریم لاهیجی به دادستان شهرستان تهران جهت تعقیب عاملین انفجار دفتر کار ایشان
- ۳۱۰ ۸ - گزارش خبرنگار کیهان مبنی به در دست تحقیق قرار گرفتن شکایات آقایان مهندس بازرگان و دکتر سنجابی علیه کمیته انتقام در دادگستری
- ۳۱۱ ۹ - گزارش خبرنگار کیهان درباره بمب‌گذاری سازمان زیر زمینی انتقام و رسیدگی به شکایات مهندس بازرگان، دکتر سنجابی و وکلای دادگستری
- ۳۱۲ ۱۰ - گزارش خبرنگار روزنامه رستاخیز درباره آغاز رسیدگی به شکایت دکتر سنجابی و مهندس بازرگان در دادگستری
- ۳۱۵ ۱۱ - اطلاعات بیشتر درباره بمب‌گذاری منازل مخالفین دولت
- ۳۱۶

* فصل هفتم: گزارش ناظران و سازمانهای جهانی پیرامون نقض حقوق بشر در ایران

- ۱ - مقدمه اطلاعیه فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر در مورد تحقیقات ناظر حقوقی آن سازمان در تهران
- ۳۲۲ ۲ - شرایط زندان و زندانیان سیاسی در ایران - گزارش آقای ایوب‌دلو وکیل دعاوی در دادگاه تجدیدنظر پاریس
- ۳۲۴ ۳ - گزارش آقایان برنارد گونه وکیل دادگاه عالی و برتراند والت وکیل دادگستری پاریس درباره اقامتشان در تهران
- ۳۲۶ ۴ - وضع کنونی فشار و اختناق سیاسی در ایران از ژان میشل برونشویک وکیل دادگستری پاریس
- ۳۴۶ ۵ - قسمتی از گزارش میشل ژست
- ۳۶۲ ۶ - تجاوز به حقوق بشر و شکنجه در ایران گزارش سازمان بین‌المللی

- عفو در کنفرانس ۱۹۷۷ آمستردام ۳۶۷
- ۷ - ضمیمه ۱: عفو بین‌المللی چه نوع سازمانی است ۳۸۴
- ۸ - ضمیمه ۲: ۳۸۶
- ۹ - ضمیمه ۳: ۳۹۲
- ۱۰ - ضمیمه ۴: نقل از خبرنامه عفو بین‌المللی، مجله ۲۷ شماره
ژانویه ۱۹۷۷ ۳۹۷
- ۱۱ - ضمیمه ۵: رسوائی هرچه بیشتر رژیم شاه ۳۹۸
- ۱۲ - نامه رئیس مجمع جهانی حقوق بشر به شاه که در تاریخ ۲۴ ژوئن
۱۹۷۷ (۱۳۵۶/۴/۳) متن آن علنی شد ۴۱۴
- ۱۳ - نامه رئیس مجمع جهانی حقوق بشر به وزیر خارجه آمریکا ۴۲۳
- ۱۴ - گزارش ماموریت آقای نوری‌البلاء وکیل دادگستری دادگاههای
استیناف پاریس ۴۲۸

بخش پنجم

جمعیت ایرانی

دفاع از آزادی و حقوق بشر

فصل اول:

حقوق بشر از دیدگاه

اسلام و سازمان ملل متحد

کلیات
حقوق بشر

از دیدگاه قرآن مجید، سنّت حضرت خاتم الأنبياء
و ائمه هدی صلوات الله و سلامه عليهم

استخراج حضرت آیت الله حاج سید ابوالفضل موسوی زنجانی
از مؤسسه جمعیت

ربیع الاول ۱۳۹۸ برابر با اسفند ۱۳۵۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کرامت و شرف انسانی بموجب آیه کریمه ولقد کرّمنا بنی آدم از طرف آفریدگار جهان مسجل شده و شامل همه اعضاء خانواده بزرگ بشری است و اعتراف به آن و بحقوق انسانی زیربنای آزادی ها و عدالت و صلح جهانی و همزیستی مسالمت آمیز است. متأسفانه در طول تاریخ جز در فترت های کوتاه مدت (یعنی دوران رهبری و حکومت پیامبران و پیشوایان الهی) این حقیقت در جامعه های بشری بیوته فراموشی سپرده شده است و مورد بی اعتنائی قرار گرفته و همچنان ادامه دارد. هم اکنون ما ناظر جنایتها و خونریزیها و درنده خوئیها و حق کشیها هستیم که بشر را برتبه وحشیتربین حیوان تنزل داده و وجدان انسانی را آزار میدهد. ظلم و استبداد و استثمار از یکسو و ترس و گرسنگی و بینوائی و عصیان از سوی دیگر درگیر شده نه تنها همزیستی مسالمت آمیز را ممتنع ساخته بلکه ادامه حیات بشر را بخطر انداخته و بانقراض تهدید میکند و از انفجار قریب الوقوع خبر میدهد. احساس خطر و نه عواطف انسانی و دلسوزی! زعمای دولتهای نیرومند را بچاره جوئی برانگیخته و در پایان دومین جنگ جهانی منشوری مبنی بر اعتراف بحقوق انسان و لزوم رعایت آن تنظیم نموده و روسای قدرتهای مشترک و بیشتر کشورهای دیگر آنرا تعهد و امضاء نمودند که در بدو امر نوید امید بخشی تلقی گردید. ولی برخلاف آرزو و انتظار پس از اندک زمانی بصورت پندنامه و توصیه درآمد و فاقد ضمانت اجرای بین المللی گردید. چنانکه هم اکنون تجاوز بحقوق افراد و ملت های ضعیف در سرزمینهای مختلف بحال خود باقی است و سازمان ملل با خونسردی تماشاگر

آنست و تنها بصدور قطعنامه اکتفا میکند!! مع هذا اینجانب باتفاق جمعی از دانشمندان و نویسندگان محترم نه بعنوان اعتقاد بهمه مواد منشور حقوق بشر و یا اطمینان بیک عمل مؤثر از طرف سازمان ملل بلکه نظر بقانون منطقی جدل (یعنی الزام طرف مناظره با آنچه که خود قبول کرده و تعهد نموده است) نامه منی بر شرح اوضاع جاری کشور و موارد نقض حقوق بشر به دبیرکل سازمان ملل نوشته و فرستادیم که شاید هنوز هم تحت بررسی است!! ولی اساساً معتقدم دفاع از حق پیش از اینگونه تشبثات بعهدہ خود صاحب حق است و آئین مقدس اسلام قرنہا پیش از انقلاب فرانسه و تاسیس سازمان ملل (که بعضی از بیخبران بغلط آنها را مبتکر و پیشگام میپندارند) حقوق بشر را با توجه به ارزشهای انسانی حتی شامل جنین در رحم مادر که چشم بجهان نگشاده است کلاً و جزء "معین کرده و ضمانت اجرای آنرا دستور اکید امر معروف و نہی از منکر بعهدہ ملت رشید مسلمان محول نموده است وَكَوْلًا دَفَعُ اللّٰهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْاَرْضُ! و چون قیام بمطالبه حق فرع آگاهی از حق است لازم بنظر رسید تا آنجا که فرصت مراجعه بمدارک آن بود قسمتی از کلیات حقوق بشر مستخرج از قرآن مجید و سنت حضرت خاتم الانبیاء و ائمه هدی صَلَوَاتُ اللّٰهِ وَ سَلَامُهُ عَلَیْهِمْ را در طی بیست و سه ماده باطلاع برادران ایمانی برسانم تا هرکس مایل باشد آزادانه از آن پشتیبانی نموده و بطرفداران حقوق بشر بپیوندد. توفیق همگی را از پیشگاه قادر متعال خواستارم.

ماده اول

همه افراد بشر عضو خانواده بزرگ انسانی و دارای احترام و حقوق متقابل هستند وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَا هُمْ فِي الْبَيْرِ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَا هُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَا هُمْ عَلٰی كَثِيْرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيْلًا. و همه آنها از موهبت خرد و وجدان

۱- اگر خدا برخی مردم را در برابر برخی دیگر (زورگویان) برنمیانگیخت فساد روی زمین را فرا میگرفت.

۲- همانا فرزندان آدم را ارجمند داشتیم و خشکیها و دریاها را برایشان

بر خوردارند وَاللّٰهُ اَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ اُمَّهَاتِكُمْ لَّا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ
وَالْاَبْصَارَ وَالْاَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ! وَلَا اَقْسَمُ بِالنَّفْسِ اللّٰوَاْمَةِ . و همگی از یک پدر و
مادر بوجود آمده اند و طبعاً " برادر و خواهر یکدیگرند . يَا اَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا
رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَّاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا " كَثِيْرًا وَّنِسَاءً .^۳
و امیرالمومنین صلوات الله عليه فرموده: انسان اخو الانسان احب ام گره^۴

ساده دوم

اختلاف رنگ بشره و نژاد و لغت و زاد و بوم نمیتواند منشاء امتیاز و برتری
گروهی بر گروه دیگر یافردی بر فرد دیگر باشد و همه افراد بشر بیکیسان از حقوق
انسانی بهره مند هستند يَا اَيُّهَا النَّاسُ اِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَّاُنْثٰى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوْبًا
وَقَبَاۗئِلَ لِتَعَارَفُوْا اِنَّ اَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللّٰهِ اَتْقٰىكُمْ .^۵ كُلُّكُمْ لَآءٌ دَمٌ وَّآدَمٌ مِنْ تُرَابٍ لَيْسَ لِعَرَبِيٍّ

→ هموار ساختیم و از غذاهای پاکیزه روزیشان کردیم و آنانرا بر بیشتری از آفریده هامان
برتری دادیم (۷۵ سوره اسری)

۱- خدا شما را از شکم مادرهاتان بیرون آورد در حالیکه هیچ چیز را درک
نمکردید و برای شما چشم و گوش و خرد قرار داد شاید شکر این نعمتها را بجای
آورید . (۷۸ سوره نحل)

۲- سوگند بروح ملامتگر انسانی (کنایه از وجدان بشری) (۲ سوره قیامت)
۳- ای مردم بهره‌زید از پروردگارتان آنکه شما را از یک تن آفرید و جفت
اورا از جنس خود او قرار داد و مردان و زنان فراوان از آندو پدید آورد و بر روی
زمین پراکنده نمود (۷ سوره اسری) *

۴- انسان برادر انسان است چه بخواهد چه نخواهد . (نهج البلاغه)
۵- ای مردم همه شما را از یک مرد و زن آفریدیم و بصورت ملتها و خاندانها

←

عَلَىٰ عَجْمِيٍّ وَلَا لِعَجْمِيٍّ عَلَىٰ عَرَبِيٍّ وَلَا لِأُمَّ حَمْرٍ عَلَىٰ أَسْوَدَ وَلَا لِأُمَّ سُوْدَ عَلَىٰ أَحْمَرَ فَضَلُّ
 اللَّهُ بِالتَّقْوَىٰ. ۱ النَّاسُ سَوَاسِيهِ كَأَسْنَانِ الْمَشْطِ. ۲ و خدا بشر را برد و نوع آزاد و برده
 نیافریده است و همه آنان آزاد بوجود آمده‌اند لِأَتَكُنَّ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ
 جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا. ۳

ساده سوم

همه افراد بشر در برابر قانون مساوی بوده و قانون بدون تبعیض باید درباره
 همه اعم از خویشاوند و بیگانه و توانگر و تهیدست و دوست و دشمن اجرا بشود
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ
 وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ. ۴ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ
 شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَنْ لَا تَعْدِلُوا. ۵ إِنَّمَا هَلَكَ مَنْ قَبْلَكُمْ أَنَّهُمْ كَانُوا إِذَا سَرَقَ فِيهِمْ
 شَرِيفٌ تَرَكَوهُ وَإِذَا سَرَقَ ضَعِيفٌ أَقَامُوا عَلَيْهِ الْحَدَّ. ۶ عَلَيْكُمْ بِالْعَدْلِ عَلَىٰ الصَّادِقِ

→

در آوردیم تا یکدیگر را بشناسید همانا ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزکارترین
 است. (سوره حجرات ۱۳)

۱- همه‌تان فرزندان آدم هستید و آدم از خاک پدید آمده است و عرب را
 بر عجم و عجم را بر عرب و سفید را بر سیاه و سیاه را بر سفید برتری نیست جز
 به تقوی. (حدیث نبوی ۴۳ سیره ابن هشام)

۲- مردم همه یکسان و برابر هستند مانند دندان‌های شانه.

۳- بنده کسی نباش همانا خدا تو را آزاد آفریده است. (سهج البلاغه)

۴- ای گروه مومنان پاسدار عدالت باشید در گواهی دادن خدا را در نظر
 بگیرید هر چند بزبان خودتان یا پدر و مادر و خویشاوندانتان باشد و بنا حق از
 هیچکس چه توانگر باشد چه تهیدست جانبداری نکنید خدا اولی برعایت حق آنان
 است و در حکم و شهادت هرگز از هوای نفس پیروی نکنید. (سوره نساء ۱۳۵)

۵- دشمنی با قومی شما را به بی عدالتی و ادا نکردن (سوره مائده ۸)

۶- پیشینیان شما نابود شدند بدان سبب که بمساوات حکم نمی‌کردند هرگاه

←

ماده چهارم

همه افراد بشر حق دارند از نعمت حیات برخوردار باشند و این حق برای همه تضمین شده است وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ. ۳ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا. ۴ و همچنین از حق امنیت همگی بهره مند هستند و هیچ کس را از کسی دیگر سلب امنیت نکند و سخت ترین کیفر درباره او مقرر شده است إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أَن يُقْتَلُوا أَوْ يَصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ. ۵ و نیز همه افراد از حق آزادی برخوردارند و نمیتوان کسی را به بردگی گرفت یا تجارت برده فروشی پرداخت فلَا أُقْتَحَمَ الْعَقَبَةُ. وَ مَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ. فَكُ رَقَبَةً. أَوْ أُطْعَمُ فِي يَوْمٍ ذِي

→

یک نفر از سردمداران دزدی میکرد او را رها مینمودند هرگاه فرد ضعیفی دزدی میکرد مجازاتش مینمودند. (حدیث نبوی ۴ بخاری)

۱- بر شما است در باره دوست و دشمن بعدالت رفتار کنید.

۲- به اهل قبله (مسلمانان) زور نگوئید و به اهل ذمه (غیرمسلمانان) ستم روا ندارید. (نهج البلاغه)

۳- هرگز کسی را که خدا خودش را حرام کرده است بنا حق نکشید. (۱۵۱) (سوره انعام)

۴- هر کس نفسی را که خونی نریخته و با فساد در روی زمین برنمانگیزد است بقتل برساند مانند آنست که همه مردم را کشته است. (سوره مائده)

۵- همانا مجازات کسانی که با خدا و رسول او بستیز برخواسته و در روی زمین فساد برانگیزد و سلب امنیت مینمایند آنست که کشته شوند و یا بدار آویخته شوند و یا دست و پایشان چپ و راست بریده شود. (سوره مائده ۳۲)

مَسْعَبَةَ ۱ شَرُّ النَّاسِ مَنْ يَبِيعُ النَّاسَ ۲.

ماده پنجم

هیچ یک از افراد بشر را در مورد اخذ اعتراف یا بهر منظور دیگر نمیتوان آزار و شکنجه روحی یا بدنی داد یا درباره اش وحشیانه و توهین آمیز رفتار کرده و بشرف و آبرویش لطمه وارد ساخت. إِنَّ اللَّهَ يُعَذِّبُ الَّذِينَ يُعَذِّبُونَ النَّاسَ فِي الدُّنْيَا ۳ - ظَهَرَ الْمُسْلِمُ حِمِّيَ إِلَّا بِحَقِّهِ ۴ مِنْ آذَى زِمِّيًّا فَقَدْ آذَانِي ۵.

ماده ششم

همه افراد بشر حق دارند برای احقاق حق خود یا دفاع و رفع تجاوز دیگران به دادگاه صالح مراجعه و دادخواهی نمایند و یاری طلبند و بقانون عدل دادرسی بشوند و لمن انتصر من بعد ظلمه فاولئك ما عليهم من سبيل، انما السبيل على الذين يظلمون الناس و يبغون في الارض بغير الحق ۶.

- ۱- بشر ناموفق برفع مشکلات زندگی انسانها تن در نداد بردگی و گرسنگی را از میان برداشت. (۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-سوره بلد)
- ۲- بدترین مردم کسی است که انسانها را میفروشد.
- ۳- خدا آنانرا که در دنیا بمردم شکنجه و آزار میدهند عذاب خواهد کرد. (حدیث نبوی ۴۴ - مسلم)
- ۴- پشت و سر و بر مسلمان در حمایت قانون است و جز بحکم قانون نمیتوان بوی تازیانه زد. (حدیث نبوی ۴۴)
- ۵- هرکس فرد ذمی را که در حمایت اسلام زیست میکند آزار بدهد مرا آزار داده است. (حدیث نبوی ۴۳ - شرح ابن میثم)
- ۶- هرکس که ستمی بر او رفته بداد خواهی برخیزد و یاری طلبد نباید مورد مواخذه شود مسئولیت و مواخذه متوجه آن گروه است که بمردم ستم روا میدارند و در روی زمین بنا حق زور میگویند (۴۱ - ۴۲ شوری)

ماده هفتم

هیچکس را نمیتوان خودسرانه بازداشت یا زندانی یا تبعید نمود و الذین یؤذون
المؤمنین والمؤمنات بغير ما اکتسبوا فقد احمَلوا بُهتاناً واثماً مبیناً^۱

ماده هشتم

متهم مادام که در دادگاه صالح و علنی و بیطرف با در اختیار داشتن وسیله
و آزادی در دفاع از حق خود چرمش ثابت نشده و محکوم علیه نگشته است
بری و بیگناه شناخته میشود فاذلکم یأتوا بالشُّهداءِ فاولئک عند اللّهِ هم الکاذبون^۲
و هیچکس را بیشتر از آنچه که قانون معین کرده است نمیتوان مجازات کرد
جزاءً وفاقاً^۳ و لکنه یضع بهم علی قدر جنایتهم^۴

ماده نهم

هیچ کس نباید در خصوصیات زندگی افراد و خانواده هاشان و در مراسلات
آنان فضولانه مداخله کند یا خانه و محل کار اشخاص را مورد تفتیش قرار بدهد
ولا تجسسوا^۵ و نباید سرزده بخانه کسی پای بنهد لا تدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی
تستأنسوا و تسلّموا علی اهلها. و اذ قیل لکم ارجعوا فارجعوا^۶ همه افراد بشر حق دارند

- ۱- آنان که مردان و زنان با ایمان را بی هیچ جرم و تقصیری میآزارند آشکارا
مرتکب افترا و گناه میگردند (۵۸ - احزاب)
- ۲- آنان که بی اقامه دلیل و شاهد ب مردم تهمت میزنند در پیشگاه خدا (در
حکم قانون اسلام) مردم دروغ پردازانند (۱۳ - نور)
- ۳- کیفر متناسب با جرم است. (۲۶ - نباء)
- ۴- پیشوا و زمامدار مسلمین میتوانند مجرم را تنها با آنچه که قانون اسلام
مقرر کرده است مجازات بنمایند. (وسائل ج ۱۸ ص ۵۳۴)
- ۵- هرگز جاسوسی نکنید. (۱۲ - حجرات)
- ۶- بهیچ خانه جز خانه خودتان بی اجازه قدم نگذارید. (۲۷ - نور)
- ۷- و اگر گفته شد برگردید حتماً برگردید. (۲۸ - نور)

از اینگونه تعرضات ناروا در امان باشند .

ماده دهم

هر کس حق دارد در کشور خود هر جا که مایل باشد اقامت گزیند و یا آزادانه بکشور دیگر مهاجرت بنماید یا عبادی آن ارضی و وسیعۀ فایای فاعبدون! یا در اثر فشار و سختگیریهای ناروای دستگاه حاکم بکشور دیگر پناهنده شود قالوا ألم تکن ارض اللہ و وسیعۀ فتهاجروا فیها! خیر الیلاد ما حملک! ۳

ماده یازدهم

هر کس حق دارد آزادانه تابعیت کشور دلخواه خودش را بپذیرد کیس بلد یا حق ینک من بلد! ۴ من صیعه الاء قرب اتیح له الاء بعد! ۵

ماده دوازدهم

هر یک از مرد و زن که بسن ازدواج رسیده اند حق دارند بارضا و رغبت خود

- ۱- بندگان من زمین من پهناور است در همه جا مرا بپرستید . (۵۶- عنکبوت)
- ۲- فرشتگان بهنگام مرگ زیر دستان که تن بستم داده و بگمراهی کشانده شده اند عتاب کرده و گفتند مگر زمین خدا پهناور نبود که بسرزمین دیگر کوچ کنید . (۹۷- نساء)
- ۳- بهترین شهرها شهری است که ترا در برگیرد و آنجا در امان باشی . (نهج البلاغه)
- ۴- هیچ سرزمینی از سرزمین دیگر برای تو و اقامت تو سزاوار نیست . (نهج البلاغه)
- ۵- کسی که از آشنایان و نزدیکانش روی خوش نبیند . و قدر شناسی از وی نکند بیگانه و دور دست از وی پذیرائی خواهد کرد . (نهج البلاغه)

همسر انتخاب کرده و تشکیل خانواده بدهند و کسی دیگر نباید در امر ازدواج آنها مداخله کند **وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ** ۱. و لکن زن مسلمان نمیتواند و حق ندارد با مرد غیر مسلمان ازدواج بکند **لَا هُنَّ لَهُمْ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ** ۲. هر یک از زن و شوهر در آغاز ازدواج و دوران زناشویی و بهنگام جدائی از حقوق مشروع و متقابل بهر خوردار خواهند بود **وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ** ۳. و در دوران زناشویی ریاست و وظیفه سرپرستی و ترفیه وضع زندگانی خانواده با شوهر است. **الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ ۴. وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ ۵.**

ماده سیزدهم

هریک از مردان و زنان حق تملک و استقلال تصرف دارند و میتوانند از این حق چه بصورت انفرادی چه بصورت اشتراکی استفاده بنمایند **لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لَهُنَّ مِمَّا كَتَبْنَا لَهُنَّ مِمَّا كَتَبْنَا لَهُنَّ** ۶. شوهر حق ندارد چه در دوران ازدواج چه بهنگام جدائی زن را زیر فشار قرار داده و یا بحیله و نیرنگ و تهمت زدن بر وی همه یا قسمتی از مهر یا سایر اموال زن را از او بگیرد **وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ**

- ۱- زن را مانع نشوید از اینکه با شوهر مورد رضایت خودشان ازدواج کنند. (سوره البقره ۲۳۲)
- ۲- نه زنان مسلمان بر مردان غیر مسلمان حلال هستند و نه مردان غیر مسلمان بر زنان مسلمان. (۱۰ ممتحنه)
- ۳- زن را بر شوهران حقوقی است همانند حقوق شوهران بر زنان. (۲۲۸ سوره البقره)
- ۴- مردان بسبب تفاوت در فطرت و نیرومندی بیشتر کفیلان و سرپرستان زنان هستند. (۳۴ نساء)
- ۵- مردان را یکدرجه مزیت بر زنان است. (۲۲۸ سوره البقره)
- ۶- مردان و زنان از آنچه که بکسب و کاربردست آورده اند برخوردار هستند. (۳۲ نساء)

مَا تَيْتُمُوهُنَّ أَزْوَاجًا مِّمَّنْ أَحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا ۚ

ماده چهاردهم

یهودی و مسیحی و زرتشتی که در کشورهای اسلامی در حمایت جامعه مسلمانان بسر میبرند از حقوق انسانی و همزیستی مسالمت آمیز بشرط مراعات شروط ذمه برخوردار خواهند بود و در احوال شخصیه و حل و فصل اختلافات فیما بین خودشان حق مراجعه بقضات و روحانیان مذاهب خود دارند و میتوانند مراسم و آداب مذهبی خودشانرا بصورت انفرادی و بصورت دسته جمعی در معابدشان برگزار نمایند. لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ۳. ونباید آنها را برترک دین شان مجبور کرد لا اكره في الدين ۴

ماده پانزدهم

نوع بشر که از مواهب فکر و بیان و قلم برخوردار است حق دارد همه این تجهیزات و موهبتها را بکار برد و در امور مربوط بدین و دنیا بتفکر بپردازد. كَذَلِكَ يبين الله لكم الآيات لعلكم تتفكرون فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۗ أَفَلَا تَفَكَّرُونَ ۵

- ۱- بزنان سختگیری نکنید تا بدین وسیله قسمتی از مهریه که بآنها داده اید پس بگیرید یا اصلاً مهریه شانرا ادا نکنید. (۱۹ نساء)
- ۲- هر قدر مال فراوانی بزن خود داده باشید نباید بزور یا تهمت زدن بوی چیزی از آنها پس بگیرید. (۲۰ نساء)
- ۳- خدایما را از نیکوکاری و رفتار بعدالت در باره آنگروه غیر مسلمانان که با شما بجنگ نپرداخته و از خانه هاتان بیرون نرانده اند نهی نمیکند و عدالت پرورانرا دوست میدارد. (۸ ممتحنه)
- ۴- دین و عقیده کار قلب است و اکره بردار نیست و با حجت و برهان میتوان در دل مردم نفوذ کرده و عقیده شانرا تغییر داد. (سوره البقره)
- ۵- خدا آنچه ان آیات خودش را بر شما روشن میسازد تا در کار دنیا و آخرت

صَافِيَةً^۱ وحق دارد افکار خود را شفاها "بديگران عرضه بنماید خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ^۲ وحق دارد اندیشه‌هایش را بقلم آورد وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ^۳ وحق دارد آراء و افکار دیگران را هم بررسی بنماید و آنچه را که بهتر و سازنده‌تر بدانند برگزیند قَبَسْرٌ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ^۴ من استَقْبَلُ وَجْهَ الْأَرَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَايَا^۵

ساده شانزدهم

هر کس حق دارد آزادانه عضویت جمعیتی را بپذیرد یا در اجتماعات مسالمت جو شرکت بنماید و نمیتوان کسی را بعضویت جمعیت مخصوصی مجبور نمود قُلْ يُعْمَلُ عَلَيَّ شَاكِلَتِي^۶

ساده هفدهم

هر کس حق دارد با داشتن صلاحیت و کفایت در شرایط متساوی بدون در نظر گرفتن طبقه اجتماعی وی متصدی مشاغل کشوری بشود و هیچ چیز جز کاردانی

تفکر بنمائید . (سوره البقره) .

۱- فکر آینه‌ایست روشنگر . (نهج البلاغه)

۲- خدای رحمن انسان را بیا فرید و بوی سخن گفتن آموخت (۳-۴ سوره الرحمن)

۳- پروردگار کریم و بخشاینده‌تر تو همان است که به انسان خط نوشتن آموخت .

(۳-۴ سوره علق)

۴- مزدهرستگاری بده به بندگان من آنان که بسخن دیگران گوش فرامیدهند

آنگاه از نیکوترین آنها پیروی میکنند آنان هستند که خدا هدایتشان نموده و

آنانند صاحب‌دلان . (۱۸- زمر)

۵- هر کس بعقاید و آراء گوناگون روبرو گشت بخطا و اشتباه آگاه میشود .

(نهج البلاغه)

۶- بگو هر کس درخور فطرت و ملکات نفس خود کار میکند . (۸۴- اسری)

وامانت شرط ارجاع مقام و منصب نیست **إِنَّ خَيْرَ مَنْ أَسْتَأْجَرَ الْقَوِيَّ الْأَمِينُ ۱** و **وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ ۲** **لَوْ سَلَّمْتُمْ الْأَمْرَ لِأَهْلِهِ لَسَلِمْتُمْ ۳** ولی تصدی منصب زمامداری و فرماندهی و قضاوت و سیاست و سربازی و سپاهیگری مخصوص و مختص بمردان است .

ماده هیجدهم

هر کس حق و وظیفه دارد کار و پیشه مشروعی برای خود انتخاب کند **فَلَا تَكْسَلُ فِي مَعِيشَتِكَ فَتَكُونَ كَلًّا عَلَى غَيْرِكَ ۴** و حق دارد مستقلاً " از شمره کار و کوشش خودش بهره مند باشد و فحشاء ایدیه هم **لَا تَكُونَ لِغَيْرِ أَقْوَاهِمُ ۵** و اگر از طرف کارفرما بکاری گماشته شود حق دارد از مزد متناسب با کار و کافی برای زندگانی خود و خانواده اش برخوردار گردد و فرصت استراحت و تجدید قوی بوی داده شود و در بحرانهای بیکاری مورد حمایت دولت و جامعه قرار گیرد و بفقیر و ذلت نیفتد **سَتَعْمَلْتُمُوهُ حَتَّىٰ إِذَا كَبُرَ وَعَجَزَ مَنَعْتُمُوهُ! أَنْفَقُوا عَلَيْهِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ ۶** و هیچ کس را نمیتوان بکاری که مایل نیست مجبور کرد **لَا أُؤَدُّهُ إِلَّا أُؤَدُّهُ أَحَدًا ۷** علی عمل یکرهه ۷.

۱- بهترین کسی که بکار میگماری کاربردار امین است . (۲۶ - قصص)

۲- خدا طالوت را بفرماندهی گماشت و بر نیروی دانس و قدرت جسمانش

افزود . (۲۴۷ سوره البقره)

۳- اگر کار را بکاردان بسپارید سلامت رسته‌اید (نهج البلاغه)

۴- در تحصیل معاش تنبلی مکن تا بار دوش دیگران نشوی . (حضرت جعفر

بن محمد علیه السلام وسائل ج ۱۲ ص ۳۷)

۵- دستچین زحمتکشان مخصوص دهان خودشان است نه دیگران . (نهج البلاغه)

۶- این مرد نصرانی را تا توانائی داشت بکار گماشتید همینکه پیر و نابینا شد بحال خودش رها کردید تا بذلت گدائی افتاد معاش او را از بیت المال تاهمین کنید . (نهج البلاغه)

۷- روا نمی بینم کسی را بکاری که مایل نیست مجبور بنمایم . (نهج البلاغه)

ماده نوزدهم

هرکس حق دارد از معیشت متوسط و از سلامت و رفاه خود و خانواده‌اش از جهت غذا و مسکن و لباس و بهداشت و سایر خدمات اجتماعی برخوردار شود و در حوادث غیر اختیاری مانند بیماری و از کارافتادگی و زیانهای طبیعی مانند سیل و زلزله و غیره بالخصوص بیوه‌زنان و کودکان بی سرپرست مورد رعایت دولت و جامعه قرار گیرند و آنفقوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُتَخَلِّفِينَ فِيهِ. و به فساد و آلودگی بکارهای غیر انسانی کشانده نشوند و تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى.

ماده بیستم

چون قوای هرکشور ناشی از ملت و توده مردم است هرکس حق دارد در امور و اداره کشور خود مستقیماً یا بوسیله نمایندگانی که با آزادی کامل انتخاب شده باشند اظهار نظر بنماید وَاْمُرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ. و حق دارد از کارهای خلاف مصالح عمومی و تصمیمات ناروای زمامداران انتقاد و اعتراض بنماید وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ اَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْتُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ. مَنْ رَأَىٰ مِنْكُمْ فِئْرَةً بِيَدِهِ وَاِلَّا فَبِلِسَانِهِ وَاِلَّا فَبِقَلْبِهِ. اَفْضَلُ الْجِهَادِ كَلِمَةٌ

۱- از مالی که سپرده الهی است و چند روزی بنوبت بدست شما رسیده است بخل نورزیده و در مصالح عامه صرف کنید که اجر فراوان بدنیال دارد. (۷ سوره حدید)

۲- در احسان و نیکوکاری و نگاهداری مردم در حریم تقوی همکاری کنید. (۲ سوره مائده)

۳- آنان که کارهای اجتماعی‌شان بامشورت یکدیگر انجام مییابد و از آنچه روزیشان کرده‌ایم در راه خیر و صلاح صرف میکنند. (۳۹ سوره شوری)

۴- مردان و زنان با ایمان یاران و دوستداران یکدیگرند بکارهای شایسته همدیگر را وادار مینمایند و از کارهای زشت باز میدارند. (۷۱ سوره توبه)

۵- هر کس ببیند بدعتی برخلاف آئین اسلام پدید آمده است با آن مبارزه

حَقِّ عِنْدَ سُلْطَانِ جَائِرٍ! وهرگاه روش دستگاه حاکم بمنقض قوانین اسلام وباستبداد و خودسری بیانجامد حق عصیان تا آنجا که حاکم جائر را سرجای خود بنشانند برای توده مردم محفوظ است وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ ۱. وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ ۲. لِاطَاعَةِ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ وَإِنَّمَا الطَّاعَةُ فِي الْمَعْرُوفِ ۳.

ساده بیست و یکم

هر کس حق دارد برای رشد وکمال شخصیت انسانی خود از تعلیم و تربیت برخوردار گردد اعم از تعلیمات ابتدائی و متوسطه و حرفه و در شرایط مساوی و آمادگی از تعلیمات عالیّه طلب العلم قریضه علی کلّ مسلم ۵. الْأَوَّلُ طَلَبُ الْعِلْمِ أَوْجِبُ عَلَيْكُمْ مِنْ طَلَبِ الْمَالِ ۶. و نیز حق دارد از علوم و معارف ملل دیگر استفاده و اقتباس بکند أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ ۷.

→

برخیزد و اگر از مبارزه ناتوان است زبان بااعتراض بگشاید و اگر قادر بااعتراض نیست در دل از آن بیزاری جوید . (حدیث نبوی ۴۴)

۱- برترین جهاد سخن حق است که رودر روی حاکم جائر گفته شود . (حدیث

نبوی ۴۴)

۲- اگر خدا برخی از مردم را در برابر برخی دیگر برنمایانگبخت (فرمان مبارزه

نمیداد) فساد روی زمین را فرا میگرفت . (سوره البقره ۲۵)

۳- آنان هرگاه مورد ستم و تجاوز واقع شدند بمبارزه برمیخیزند (سوره شوری ۳۹)

۴- از کسی که از فرمان آفریدگار سرپیچی میکند نباید اطاعت کرد . اطاعت

از زمامداران آنجا لازم است که برطبق قانون امر و نهی کنند . (حدیث نبوی ۴۴)

۵- تحصیل دانش بر هر مسلمانی لازم است . (حدیث نبوی)

۶- طلب علم بر شما واجب تر از کسب مال برای معیشت است . (حضرت جعفر

بن محمد علیهما السلام وسائل ج ۱۸ ص ۱۲)

۷- دانشمندترین مردم آنست که علوم دیگران را بادانش خود یکجا گرد آورد .

(نهج البلاغه)

ساده بیست و دوم

آزادی افراد محدود است باینکه موجب زیان و تجاوز بحق دیگران و سلب آزادی آنان نباشد **لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ!** و نیز بر خلاف مصالح عمومی عملی انجام ندهد **إِنَّ قَوْمًا رَكِبُوا فِي سَفِينَةٍ فَأَقْتَسَمُوهَا فَصَارَ لِكُلِّ رَجُلٍ مِنْهُمْ مَوْضِعٌ فَتَقَرَّرَ جُلٌّ مِنْهُمْ مَوْضِعَهُ يَفَاسٍ فَقَالُوا لَهُ: مَاذَا تَصْنَعُ؟ قَالَ: هُوَ مَكَانِي أَصْنَعُ فِيهِ مَا شَاءَ فَاخْذُوا عَلَيَّ يَدَهُ نَجَا وَ نَجُوا وَ انْ تَرَكَوهُ هَلَكَ وَ هَلَكُوا!**

ساده بیست و سوم

هرکس حق دارد از نظامی که در آن همه این حقوق موبو اجرا میشود برخوردار گردد **إِعْتَصِمُوا بِإِلْدَمِّ مِمَّ فِي أَوْتَادِهَا!**

پایان

سید ابوالفضل موسوی

ربیع الاول ۱۳۹۸

۱- در قانون مجاز نیست کسی ابتدائاً و یا بعنوان معارضه بمثل بدیگران زیان برساند. (حدیث نبوی ۴۴)

۲- برای روشن ساختن محدودیت آزادی افراد مثلی است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله آورده است جمعی کشتی نشینان صحنه کشتی را در میان خودشان قسمت کردند یکی از آنان هوس کرد جایگاه مخصوص بخود را با تیر بشکافتند گفتندش داری چه میکنی گفت اینجا مخصوص بخودم است هرچه خواستم میتوانم انجام بدهم فرمود اگر دست او را بگیرند و مانع از خرابکاریش بشوند هم او را نجات داده اند و هم خودشان نجات یافته اند و اگر آزادش بگذارند هم او، هم خودشان نابود شده اند.

۳- بنظامی چنگ بزنید که گردانندگانش بر سر قول و قرار خودشان استوار و در پیمانی که بسته اند وفادار باشند نه عهد شکنان بی بندوبار. (نهج البلاغه)

تاریخچه و خلاصه‌ای از حقوق بشر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زمانی که بنیان‌گذاران سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ طرح تشکیل این سازمان را پیاده کردند، مهمترین موضوعی که روی آن تأکید داشتند و در قسمت اول منشور ملل متحد ذکر گردیده است، نجات دادن نسلهای آینده از جنگ و خونریزی بوده است، بلافاصله بعد از آن از حقوق بشر و احترام او و حق یک موجود انسانی ذکر به میان آمده است، برای بقای انسان باید به حقوق او احترام گذارد و آنرا حفظ کرد.

برای اعمال حقوق بشر، کمیسیون حقوق بشر که یکی از فعال‌ترین و عملی‌ترین کمیسیونهای شورای اجتماعی و اقتصادی است در سال ۱۹۴۶ بوجود آمد. کار این کمیته فوق‌العاده وسیع و پر دامنه است و هر مسئله‌ای که با حقوق بشر سروکار داشته باشد قابل طرح و تصمیم‌گیری در این کمیسیون می‌باشد.

اعضای این کمیسیون متشکل از ۳۲ نفر هستند که معمولاً برای مدت سه سال انتخاب میشوند. علاوه بر اعضای ثابت و دائم، نمایندگان کشورهای مختلف عضو سازمان ملل نیز بنا بر درخواست اعضای کمیسیون در مواقع مقتضی و گاهی برای پاسخ و توضیح درباره سئوالات اعضای کمیسیون مربوط به رعایت حقوق بشر در جلسات شرکت میکنند. تصمیمات کمیسیون هنگامی تصویب میشود که توسط اکثریت اعضاء حاضر به نفع آن رأی داده شود. کمیسیون بعد از هر نشست خود به شورای

حقوق بشر چیست؟

حقوق بشر اساساً یعنی احتیاجات یک انسان به زندگی آبرومند و توأم با برخورداری از احترام و آزادی و حمایت، این فکر و ایده بالاتر از رفاه و آسایشی است که تکنولوژی و علم به بشر عرضه میدارد. وقتی که صحبت از حقوق بشر میشود مقصود فقط احتیاجات جسمی اون نیست، مقصود ایجاد آن شرایطی است که در تحت آن شرایط یک بشر بتواند آزادانه قابلیت‌های خود را مثل هوش، وجدان، و اخلاقیات و احتیاجات روحی‌اش را توسعه و پرورش داده و از آنها آزادانه استفاده کند. دارا بودن این حقوق برای یک انسان ضروری و حیاتی است و بدون داشتن آن ادامه زندگی انسانی امکان پذیر نیست.

اعلامیه جهانی حقوق بشر

در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلامیه جهانی حقوق بشر را تصویب نمود و بموجب آن برای اولین بار در تاریخ، یک اجتماع بین‌المللی مسئولیت حفظ و رعایت حقوق بشر را تقبل نمود و آنرا بعنوان تعهدی دائمی پذیرفت. این اعلامیه دارای ۳۰ ماده است که هم حقوق سیاسی و مدنی و هم حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در بر میگیرد.

ماده یک و دو مواد کلی هستند که میگویند "همه افراد بشر آزاد بدنیا آمده و از حیث مقام و حقوق برابرند" و سزاوار برخوردار از همه حقوق و آزادیهای مقرر در اعلامیه بدون هیچ گونه تبعیضی از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و غیره...

حقوق مدنی و سیاسی که در مواد ۳ تا ۲۱ اعلامیه شناخته شده شامل حقوق

زیر است:

حق حیات، آزادی و امنیت شخصی، آزادی از بردگی و بیکاری، آزادی از شکنجه و یا رفتار و یا تنبیه ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیر آمیز. حق شناسائی بعنوان یک شخص در نظر قانون، برخوردار از حمایت قانونی مساوی، حق برخوردار

از غرامت قانونی، آزادی از توقیف، بازداشت، و پاتبعید خودسرانه، حق برخورداری از محاکمه منصفانه و علنی بوسیله محکمه مستقل و بی طرف، حق برخورداری از اصل برائت تا اثبات جرم، آزادی از دخالت خودسرانه در خلوت، حرمت منزل، خانواده و مکاتبات، آزادی حرکت، حق پناهندگی سیاسی، حق داشتن تابعیت، حق مالکیت، آزادی فکر، وجدان، مذهب، آزادی عقیده و بیان، حق پیوستگی به جمعیت‌ها و ورود به مجامع، حق شرکت در حکومت و حق برخورداری مساوی از خدمات عمومی.

بعد در باره حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی که در مواد ۲۲ تا ۲۷ ذکر گردیده است. مثل: حق تأمین اجتماعی، حق کار، حق استراحت و تفریح، حق برخورداری از سطح زندگی مناسب با بهداشت و رفاه، حق برخورداری از تعلیم و تربیت، حق شرکت در حیات فرهنگی اجتماع.

در پایان این اعلامیه یعنی مواد ۲۸ تا ۳۰ گفته شده است که هر کس شایسته برخورداری از نظم بین‌المللی است که در آن تحقق کامل این حقوق و آزادیها امکان پذیر باشد. مجمع عمومی اعلامیه جهانی حقوق بشر را "مقیاس عمومی پیشرفت برای همه ملل و مردم" دانست و صریحاً "از تمام دول عضو سازمان خواسته است که حقوق ذکر شده را رعایت کرده و آنرا ترویج نمایند. همه ساله ۱۰ دسامبر بنام "روز جهانی حقوق بشر" جشن گرفته میشود.

میثاقهای بین المللی حقوق بشر

مجمع عمومی در ۱۶ دسامبر ۱۹۴۸ دو میثاق بین المللی حقوق بشر یکی پیرامون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و دیگری در مورد حقوق مدنی و سیاسی را تصویب نمود. پیش نویس این دو میثاق بدنبال تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر توسط مجمع عمومی در سال ۱۹۴۸ بود.

این دو میثاق به مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر شکل قانونی داده و در بسیاری از موارد آنرا بسط میدهد.

مهمترین حق منظور شده در هر دو میثاق که در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیامده بود حق تعیین سرنوشت توسط خود مردم است (Self-determination).

از جمله در استفاده کردن بطور آزادانه از منابع طبیعی و ثروت‌های خود می‌باشد. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مسائل مربوطه به شرایط کار، اتحادیه‌های تجاری، امنیت اجتماعی، حمایت خانواده، سطح زندگی و بهداشت، آموزش و حیات فرهنگی را در برمیگیرد. این میثاق اشعار میدارد که حقوق منظور شده باید بسرعت و بدون تبعیض شناخته شوند.

میثاق بین‌المللی در مورد حقوق مدنی و سیاسی موضوعاتی مانند آزادی، حرکت، مساوات در مقابل قانون، احتمال بیگناهی، آزادی وجدان و مذهب، آزادی عقیده و بیان، اجتماعات صلح آمیز، آزادی اجتماع، شرکت در امور عمومی و انتخابات و حقوق اقلیت را مورد ملاحظه قرار داده.

این میثاق محروم ساختن خودسرانه از زندگی، شکنجه، رفتار یا تنبیه ظالمانه غیر انسانی یا تحقیر آمیز، بردگی و بیکاری، توقیف یا تبعید خودسرانه، دخالت خودسرانه در خلوت، تبلیغات جنگی، حمایت از تنفر نژادی یا مذهبی را شدیداً منع میکند. بر اساس این میثاق ایجاد یک کمیته حقوق بشر برای پی‌گیری اجرای این مواد لازم شمرده شد.

بر اساس این میثاق و پروتکل اختیاری آن افرادی که ادعا میکنند که قربانی نقض حقوق بشر و هر کدام از این حقوق ذکر شده می‌باشد میتوانند با این کمیته ارتباط برقرار کرده و با آنجا شکایت کنند تا کمیته به شکایت آنان رسیدگی نماید. این میثاق را چنانچه ۳۵ دولت تصویب مینمودند لازم الاجرا میگردید. تا اوائل سال ۱۹۷۵-۳۱ دولت میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را پذیرفتند و تصویب کردند. و در مورد میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تا اوائل ۱۹۷۵ مورد تصویب و پذیرش ۲۹ دولت قرار گرفته است.

نقض حقوق بشر:

معمولاً "برنامه‌های ارسالی به سازمان ملل که مربوط است به رعایت و احترام به حقوق بشر در یک لیست غیر محرمانه خلاصه شده و همه‌ساله در اختیار کمیسیون حقوق بشر قرار میگیرد. اما مبادلاتی که مربوط است به نقض حقوق بشر و اعتراض نسبت به انکار این حقوق در لیستی محرمانه منظور و بطور خصوصی در اختیار

اعضای کمیسیون و کمیسیون فرعی منع تبعیض و حمایت از اقلیتها قرار میگیرد. معمولاً مشخصات نویسندگان نامه‌ها فاش نمیشود مگر اینکه خود آنها بخواهند و نسخه‌هایی از مراسلات خلاصه شده محرمانه را بکشورهای عضو میفرستند و جواب آنها را با لیست محرمانه به کمیسیون میفرستند.

کمیسیون در سال ۱۹۶۷ تصمیم گرفته است که نقض حقوق بشر و آزادیهای اساسی را هر ساله مورد ملاحظه قرار دهد.

شورا بنا بر تقاضای کمیسیون به کمیسیون فرعی اختیار داده است تا اطلاعات مربوط به نقض حقوق بشر و آزادیهای اساسی مندرج در مراسلات را که توسط دبیرکل فهرست شده است بررسی نماید و طی تصویب شورا چنانچه کمیسیون گزارشی از نقض مداوم حقوق بشر در مملکتی دریافت دارد میتواند که کمیسیونهایی تشکیل داده و قطعنامه‌هایی در این مورد صادر نماید.

کمیته کارشناسان کمیسیون حقوق بشر که در سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۶۸ در جنوآ به‌طور منظم دعاوی مربوط به رفتار نامناسب با مخالفین آپارتاید و سایر سیاستهای نژادی در جنوب آفریقا را گزارش کرده است.

در سال ۱۹۷۰ به کمیسیون فرعی اختیار داده شد که هر سال قبل از اجلاس کمیسیون، یک بررسی دقیق درباره نقض حقوق بشر در ممالک مختلف نماید و بوضع ممالکی که یکسره این حقوق را نقض میکنند رسیدگی نماید و از حکومتها توضیح بخواهد. در سال ۱۹۷۴ مجمع عمومی اعلامیه نگاهداری زنان و کودکان را در مواقع اضطراری و برخوردهای مسلح تصویب نمود. این اعلامیه اشعار میدارد که حمله و بمباردمان افراد غیر نظامی "بویژه زنان و کودکان که آسیب پذیرترین اعضای جامعه هستند" باید منع شده و چنین اقدامی محکوم میشود. در این اعلامیه همچنین ذکر شده است که باید تمام کوشش‌های لازم را در جهت دور ساختن زنان و کودکان از خرابیهای جنگ بعمل آورند و کلیه شکل‌های شکنجه و رفتار تحقیرآمیز غیر انسانی را با زنان و کودکان جنائی توصیف مینماید.

اعلامیه جهانی حقوق بشر

در دهم دسامبر ۱۹۴۸ (۱۹ آذر ۱۳۲۷) مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلامیه جهانی حقوق بشر را تصویب و اعلام نمود که متن کامل آن در صفحات بعدی مندرج است - در تعقیب این اقدام تاریخی مجمع عمومی از کلیه کشورهای عضو دعوت نمود که متن اعلامیه را منتشر کرده و موجبات پخش و انتشار و تفسیر آنرا مخصوصاً " در مدارس و مؤسسات تربیتی فراهم سازند بدون اینکه از لحاظ وضع سیاسی کشورها و سرزمینها تبعیضی بعمل آید .

این متن از طرف حکومت ایران تصدیق شده است .

سایر متون این اعلامیه به پنج زبان رسمی سازمان ملل متحد یعنی اسپانیولی ، انگلیسی ، چینی ، روسی و فرانسه که از مجمع عمومی گذشته ، در دسترس میباشد .

آخرین متن رسمی اداره اطلاعات عمومی سازمان ملل متحد لیک باکس

نوامبر ۱۹۵۰

اعلامیه جهانی حقوق بشر

مقدمه

از آنجا که شناسائی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی و عدالت و صلح را در جهان تشکیل میدهد ، از آنجا که عدم شناسائی و تحقیر حقوق بشر منتهی به اعمال وحشیانه‌ای گردیده است که روح بشریت را بعضیان واداشته و ظهور دنیائی که در آن افراد بشر در بیان و عقیده آزاد و از ترس و فقر فارغ باشند بعنوان بالاترین آمال بشر اعلام شده است ،

از آنجا که اساساً " حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر

بعنوان آخرین علاج بقیام برضد ظلم و فشار مجبور نگردد ،

از آنجا که اساساً " لازم است توسعه روابط دوستانه بین ملل را مورد تشویق قرار داد ،

از آنجا که مردم ملل متحد ایمان خود را بحقوق اساسی بشر و مقام و ارزش فرد انسانی و تساوی حقوق مرد و زن مجدداً " در منشور اعلام کرده‌اند و تصمیم راسخ گرفته‌اند که به پیشرفت اجتماعی کمک کنند و در محیطی آزادتر وضع زندگی بهتری بوجود آورند ،

از آنجا که دول عضو متعهد شده‌اند که احترام جهانی و رعایت واقعی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را با همکاری سازمان ملل متحد تأمین کنند ،

از آنجا که حسن تفاهم مشترکی نسبت باین حقوق و آزادیها برای اجرای کامل این تعهد کمال اهمیت را دارد ،

مجمع عمومی این اعلامیه جهانی حقوق بشر را آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه ملل اعلام میکند تا جمیع افراد و همه ارکان اجتماع این اعلامیه را دائماً در مد نظر داشته باشند و مجاهدت کنند که بوسیله تعلیم و تربیت احترام این حقوق و آزادیها توسعه یابد و با تدابیر تدریجی ملی و بین‌المللی ، شناسائی و اجرای واقعی و حیاتی آنها ، چه در میان خود ملل عضو و چه در بین مردم کشورهایی که در قلمرو آنها میباشند ، تأمین گردد .

ماده اول - تمام افراد بشر آزاد بدنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند . همه دارای عقل و وجدان میباشند و باید نسبت بیکدیگر با روح برادری رفتار کنند .

ماده دوم - (۱) هرکس میتواند بدون هیچگونه تمایز مخصوصاً " از حیث نژاد ، رنگ ، جنس ، زبان ، مذهب ، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت ، وضع اجتماعی ، ثروت ، ولادت یا هر موقعیت دیگر ، از تمام حقوق و کلیه آزادی‌هاییکه در اعلامیه حاضر ذکر شده است ، بهره‌مند گردد .

(۲) - بعلاوه هیچ تبعیضی بعمل نخواهد آمد که مبتنی بر وضع سیاسی ، اداری و قضائی یا بین‌المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص بآن تعلق دارد ، خواه این کشور مستقل ، تحت قیمومت یا غیر خود مختار بوده یا حاکمیت آن بشکلی

محدود شده باشد .

ماده سوم - هرکس حق زندگی ، آزادی و امنیت شخصی دارد .

ماده چهارم - احدی را نمیتوان در بردگی نگاهداشت و داد و ستد بردگان بهر شکلی که باشد ممنوع است .

ماده پنجم - احدی را نمیتوان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرارداد که ظالمانه و یا برخلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد .

ماده ششم - هرکس حق دارد که شخصیت حقوقی او در همه جا بعنوان یک انسان در مقابل قانون شناخته شود .

ماده هفتم - همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و بالاسویه از حمایت قانون برخوردار شوند . همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و بر علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی بعمل آید بطور تساوی از حمایت قانون بهره مند شوند .

ماده هشتم - در برابر اعمالی که حقوق اساسی فرد را مورد تجاوز قرار دهد و آن حقوق بوسیله قانون اساسی یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد ، هر کس حق رجوع مؤثر بمحاکم ملی صالحه دارد .

ماده نهم - احدی نمیتواند خود سرانه توقیف - حبس یا تبعید بشود .

ماده دهم - هرکس با مساوات کامل حق دارد که دعوایش بوسیله دادگاه مستقل و بی طرفی ، منصفانه و علناً رسیدگی بشود و چنین دادگاهی در باره حقوق و الزامات او یا هراتهام جزائی که باو توجه پیدا کرده باشد اتخاذ تصمیم بنماید .
ماده یازدهم - (۱) هرکس که به بزه کاری متهم شده باشد بی گناه محسوب خواهد شد تا وقتیکه در جریان یک دعوی عمومی که در آن کلیه تضمین های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد تقصیر او قانوناً محرز گردد .

(۲) - هیچکس برای انجام یا عدم انجام عملی که در موقع ارتکاب ، آن عمل بموجب حقوق ملی یا بین المللی جرم شناخته نمیشده است محکوم نخواهد شد . بهمین طریق هیچ مجازاتی شدیدتر از آنچه که در مواقع ارتکاب جرم بدان تعلق میگرفت در باره احدی اعمال نخواهد شد .

ماده دوازدهم - احدی در زندگی خصوصی ، امور خانوادگی ، اقامتگاه یا

مکاتبات خود، نباید مورد مداخله‌های خود سرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرارگیرد. هرکس حق دارد که در مقابل اینگونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد.

ماده سیزدهم - (۱) هرکس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب نماید.

(۲) - هرکس حق دارد هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خود باز گردد.

ماده چهاردهم - (۱) هرکس حق دارد در برابر تعقیب شکنجه و آزار پناهگاهی جستجو کند و در کشورهای دیگر پناه اختیار کند.

(۲) - در موردی که تعقیب واقعا مبتنی بجرم عمومی و غیرسیاسی یا رفتارهایی مخالف با اصول و مقاصد ملل متحد باشد، نمیتوان از این حق استفاده نمود.

ماده پانزدهم - (۱) هرکس حق دارد که دارای تابعیت باشد.

(۲) - احدی را نمیتوان خود سرانه از تابعیت خود یا از حق تغییر محروم کرد.

ماده شانزدهم - (۱) هر زن و مرد بالفی حق دارند بدون هیچگونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب با همدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده دهند. در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در کلیه امور مربوط با ازدواج، دارای حقوق مساوی میباشد.

(۲) - ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد واقع شود.

(۳) - خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه

و دولت بهره‌مند شود.

ماده هفدهم - (۱) هر شخص منفردا یا بطور اجتماع حق مالکیت دارد.

(۲) - احدی را نمیتوان خود سرانه از حق مالکیت محروم نمود.

ماده هجدهم - هر کس حق دارد که از آزادی فکرو وجدان و مذهب بهره‌مند

شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان میباشد و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است هر کس میتواند از این حقوق منفردا یا مجتمعا بطور خصوصی یا بطور عمومی برخوردار

باشد.

ماده نوزدهم - هرکس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آنست که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن وسائل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.

ماده بیستم - (۱) هرکس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت آمیز تشکیل دهد.

(۲) - هیچکس را نمیتوان مجبور بشرکت در اجتماعی کرد.

ماده بیست و یکم - (۱) هرکس حق دارد که در اداره امور عمومی کشور خود، خواه مستقیماً و خواه با وساطت نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند شرکت جوید

(۲) - هرکس حق دارد با تساوی شرایط، بمشاغل عمومی کشور خود نایل آید.

(۳) - اساس و منشاء قدرت حکومت، اراده مردم است، این اراده باید بوسیله انتخاباتی ابراز گردد که از روی صداقت و بطور ادواری صورت پذیرد. انتخابات باید عمومی و با رعایت مساوات باشد و با رأی مخفی یا طریقه‌ای نظیر آن انجام گیرد که آزادی رأی را تأمین نماید.

ماده بیست و دوم - هرکس بعنوان عضو اجتماع حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است بوسیله مساعی ملی و همکاری بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمه مقام و نمو آزادانه شخصیت او است با رعایت تشکیلات و منابع هر کشور بدست آورد.

ماده بیست و سوم - (۱) هرکس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب نماید، شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کارخواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد.

(۲) - همه حق دارند که بدون هیچ تبعیضی، در مقابل کار مساوی، اجرت مساوی دریافت دارند.

(۳) - هرکس که کار میکند بمزد منصفانه و رضایت بخشی ذیحق میشود که زندگی او و خانواده‌اش را موافق شئون انسانی تأمین کند و آنرا در صورت لزوم با هر نوع وسائل دیگر حمایت اجتماعی تکمیل نماید.

(۴) - هرکس حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و در اتحادیه‌ها نیز شرکت کند .

ماده بیست‌چهارم - هرکس حق استراحت و فراغت و تفریح دارد و بخصوص بمحدودیت معقول ساعات کار و مرخصی‌های ادواری با اخذ حقوق ذیحق می‌باشد .

ماده بیست‌وپنجم - (۱) هرکس حق دارد که سطح زندگی او سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبت‌های طبی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند و همچنین حق دارد که در مواقع بیکاری، بیماری، نقص اعضاء، بیوگی، پیری یا در تمام موارد دیگری که بعلم خارج از اراده انسان و وسائل امرار معاش از دست رفته باشد از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار شود .

(۲) - مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت مخصوصی بهره‌مند شوند. کودکان چه بر اثر ازدواج و چه بدون ازدواج بدنیا آمده باشند، حق دارند که همه از یک نوع حمایت اجتماعی برخوردار شوند .

ماده بیست و ششم - (۱) هرکس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره‌مند شود. آموزش و پرورش لااقل تا حدودی که مربوط بتعلیمات ابتدائی و اساسی است باید مجانی باشد. آموزش ابتدائی اجباری است. آموزش حرفه‌ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با شرایط تساوی کامل بروی همه باز باشد تا همه بنا باستعداد خود بتوانند از آن بهره‌مند گردند .

(۲) - آموزش و پرورش باید طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هرکس را بحد اکمل رشد آن برساند و احترام حقوق و آزادی‌های بشر را تقویت کند. آموزش و پرورش باید حسن تفاهم، گذشت و احترام عقاید مخالف و دوستی بین تمام ملل و جمعیت‌های نژادی یا مذهبی و همچنین توسعه فعالیت‌های ملل متحد را در راه حفظ صلح تسهیل نماید .

(۳) - پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش فرزندان خود نسبت بدیگران اولویت دارند .

ماده بیست‌وهفتم - (۱) هرکس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع شرکت کند، از فنون و هنرها متمتع گردد و در پیشرفت علمی و فوائد آن سهیم باشد .

(۲) - هرکس حق دارد از حمایت منافع معنوی و مادی آثار علمی، فرهنگی یا هنری خود برخوردار شود.

ماده ۶ بیست و هشتم - (۱) هرکس حق دارد برقراری نظم را بخواهد که از لحاظ اجتماعی و بین‌المللی حقوق و آزادی‌هایی را که در این اعلامیه ذکر گردیده است تأمین کند و آنها را بمورد عمل بگذارد.

ماده ۶ بیست و نهم - (۱) هرکس در مقابل آن جامعه‌ای وظیفه دارد که رشد آزاد و کامل شخصیت او را میسر سازد.

(۲) - هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود فقط تابع محدودیت‌هاییست که بوسیله قانون منحصر "بمنظور تأمین شناسائی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع گردیده است.

(۳) - این حقوق و آزادی‌ها در هیچ موردی نمی‌تواند برخلاف مقاصد و اصول ملل متحد اجرا گردد.

ماده ۷ سی‌ام - هیچیک از مقررات اعلامیه حاضر نباید طوری تفسیر شود که متضمن حقی برای دولتی یا جمعیتی یا فردی باشد که بموجب آن بتواند هر یک از حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه را از بین ببرند و یا در آن راه فعالیت *

Universal Declaration of Human Rights

(Persian)

Reprinted in U.N.OPI / 15 - 5396 - Mar , 1960 - 10M

* - بنمایید. در اصل ترجمه فارسی، جمله بهمین صورت ناقص آمده است. پس از مقایسه با متن انگلیسی با افزودن فعل "بنمایید" کامل گردید.

سیاست جدید دولت آمریکا درباره حقوق بشر!! *



سیاست جدید دولت آمریکا
درباره حقوق بشر!!

* اقتباس شده از نشریه "پیام مجاهد" - ارگان نهضت آزادی ایران خارج از

کشور دیماه ۱۳۵۶

اساسنامه جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

۱۳۵۶/۱۲/۲۳

مقدمه

از آنجا که هر ایرانی میتواند بدون هیچگونه تبعیضی به حکم اصول و مبانی عالیہ اسلامی از کلیه حقوق و آزادیهای مندرج در قوانین اساسی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر بهره‌مند گردد ،
از آنجا که هر کس حق دارد برقراری نظم را بخواهد که از لحاظ اجتماعی و بین‌المللی حقوق و آزادیهای را که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و قوانین اساسی ایران ذکر گردیده است تأمین نماید و آنها را بموقع اجراء گذارد ،
(از آنجا که حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشربعنوان آخرین علاج به قیام بر ضد ظلم و فشار مجبور نگردد .) ،
جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر تأمین حقوق و آزادیهای مندرج در قوانین اساسی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر را برای مردم ایران وجهه کوشش و همت خود قرار میدهد .

فصل اول - مشخصات جمعیت

ماده اول - نام :

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر .

ماده دوم - موضوع فعالیت :

احیاء و تامین حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی مردم ایران که بموجب قوانین اساسی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی برقرار گردیده و مبارزه علیه هر نوع تهدید و تجاوز به حقوق انسانی و قوانین اساسی ایران و همکاری با سازمانهای بین المللی مدافع حقوق بشر موضوع فعالیت این جمعیت است .
جمعیت به هیچ یک از احزاب و گروههای سیاسی داخلی و خارجی بستگی ندارد .

ماده سوم - مرکز اصلی :

مرکز اصلی جمعیت در تهران است . کمیته اجرایی میتواند در صورت اقتضا به تأسیس شعب و نمایندگی در شهرستانها و خارج از کشور اقدام نماید .

ماده چهارم - مدت :

جمعیت برای مدت نامحدود تأسیس میشود .

ماده پنجم - دارائی :

درآمد جمعیت از محل حق عضویت و کمک اعضاء و سایر اشخاص حقیقی و

حقوقی هوادار جمعیت تاء مین میشود .

ماده ششم - عضویت :

- الف - امضاء کنندگان این اساسنامه اعضاء مؤسس جمعیت شناخته میشوند .
 ب - هر ایرانی که به حقوق ملی و آزادیهای مندرج در قوانین اساسی ایران و آرمانهای حقوق بشرایمان و اعتقاد داشته و از تقوای اجتماعی و سیاسی برخوردار باشد میتواند با تصویب کمیته اجرائی به عضویت جمعیت پذیرفته شود .
 ج - هر عضو جمعیت که از اصول و هدفهای آن تخطی کند پس از تصویب کمیته اجرائی از عضویت محروم خواهد شد .

فصل دوم - ارکان جمعیت

ماده هفتم - ارکان اصلی جمعیت عبارت است از :

- ۱ - هیئت عمومی (کنگره) . ۲ - شورای مرکزی . ۳ - کمیته اجرائی .

ماده هشتم - ارکان فرعی جمعیت عبارت است از :

- ۱ - کمیسیون میثاق حقوق مدنی و سیاسی .
 ۲ - کمیسیون میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی .
 ۳ - کمیسیون تشکیلات .
 ۴ - کمیسیون ارتباطات (داخلی و خارجی) .
 ۵ - کمیسیون انتشارات و تبلیغات .
 ۶ - کمیسیون امور مالی و تدارکات .
 ۷ - کمیسیون معاضدت قضائی .

ماده نهم - هیئت عمومی (کنگره) :

هیئت عمومی (کنگره) از اجتماع کلیه اعضاء یا نمایندگان آنها هر دو سال یک بار تشکیل میشود .

تبصره - ترتیب تشکیل شعب جمعیت در شهرستانها و نحوه انتخاب نمایندگان هر شهرستان و عده آنان همچنین ترتیب دعوت و تشکیل هیئت عمومی - اداره جلسات آن و مقررات مربوط به رسمیت جلسه و اخذ رای بر طبق آئین نامه جداگانه خواهد بود که بوسیله کمیته اجرائی تهیه و با تصویب شورای مرکزی بموقع اجراء گذاشته خواهد شد .

ماده دهم - اختیارات هیئت عمومی :

- ۱- هیئت عمومی عالیترین رکن جمعیت میباشد و اختیارات آن بقرار ذیل است .
- ۱- استماع گزارش شورا و اخذ تصمیم در باره آن .
- ۲- انتخاب اعضاء شورای مرکزی .
- ۳- پیشنهاد اصلاح یا تغییر اساسنامه بشورا .
- ۴- اتخاذ تصمیم در باره انحلال جمعیت .

ماده یازدهم - شورای مرکزی :

شورای مرکزی مرکب از سی نفر است که وسیله هیئت عمومی برای مدت دو سال انتخاب میشوند . شورای مرکزی از بین خود یک رئیس ، یک نایب رئیس و یک منشی انتخاب خواهد نمود .

تبصره - هیئت مؤسس اولین شورای مرکزی جمعیت برای مدت دو سال خواهد بود .

ماده دوازدهم - اختیارات و وظایف شورای مرکزی :

- ۱- انتخاب کمیته اجرائی جمعیت .
- ۲- تعیین و تصویب خط مشی جمعیت .
- ۳- رسیدگی به گزارشها و پیشنهادهای کمیته اجرائی و اخذ تصمیم در باره آنها .
- ۴- بررسی و تصویب ترازنامه مالی - تعیین بودجه - و تعیین تکلیف دارایی جمعیت طبق ماده هیجدهم .

۵- پیشنهاد تغییر یا اصلاح مواد اساسنامه به هیئت عمومی .

تبصره - ترتیب دعوت و تشکیل جلسه شورای مرکزی و اداره جلسات آن و مقررات مربوط به رسمیت جلسه و نحوه اخذ رای بر طبق آئین نامه مذکور در تبصره ماده نهم خواهد بود .

ماده سیزدهم - کمیته اجرائی :

کمیته اجرائی مرکب از هفت نفر عضو اصلی و دونفر علی‌البدل میباشد که توسط شورای مرکزی برای مدت دو سال انتخاب میشوند .
تبصره - تا تشکیل جلسه شورای مرکزی - کمیته اجرائی منتخب قبلی به انجام وظایف خود ادامه خواهد داد .

ماده چهاردهم -

هیچ یک از اعضاء نمیتواند بیش از سه دوره متوالی به سمت عضو کمیته اجرائی انتخاب شود مگر با رای سه چهارم اعضاء حاضر در جلسه شورای مرکزی .

ماده پانزدهم - اختیارات و وظایف کمیته اجرائی :

- ۱- کمیته اجرائی در حدود اختیارات و وظایف مندرج در این اساسنامه نماینده جمعیت میباشد و میتواند بهر عمل و اقدامی که برای تحقق اهداف جمعیت و اجرای مصوبات شورای مرکزی ضرور تشخیص نماید مبادرت کند .
- ۲- انتخاب دبیرکل - خزانه‌دار - منشی .
- ۳- تنظیم پیشنهادهای مربوط به خط‌مشی و امور کلی جمعیت برای تصویب شورای مرکزی .

۴- انتخاب مسئولین و اعضاء کمیسیونها و تعیین وظایف آنها .

۵- رسیدگی و تصویب گزارشهای کمیسیونها .

۶- تهیه ترازنامه مالی و بودجه جمعیت .

۷- انجام کلیه معاملات و عقد هر گونه قرارداد و فسخ آنها .

۸- نمایندگی جمعیت در برابر مراجع رسمی اعم از داخلی یا خارجی .

۹- دعوت جلسه فوق العاده شورای مرکزی در موارد ضروری .

ماده شانزدهم -

جلسات کمیته اجرایی با حضور حداقل پنج نفر از اعضاء رسمیت می یابد و تصمیماتی که با رای موافق حداقل چهار نفر اتخاذ شود اعتبار خواهد داشت .

فصل سوم - امور مالی

ماده هفدهم -

وجوه متعلق به جمعیت به حسابی که در یکی از بانکها افتتاح خواهد شد واریز میشود و چکهای صادره با امضای مشترک خزانه دار و یکی از اعضاء کمیته اجرایی اعتبار خواهد داشت .

ماده هیجدهم -

پس از تادیه کلیه هزینه های جمعیت موجودی حساب جمعیت در بستانکار حساب اعضاء به نسبت مبالغ پرداختی آنان منظور خواهد شد تا در صورت انحلال جمعیت به آنان مسترد گردد .

فصل چهارم - مسائل مختلف

ماده نوزدهم -

تغییر اساسنامه و انحلال جمعیت با رای موافق سه چهارم اعضاء هیئت عمومی امکان پذیر خواهد بود .

ماده بیستم -

در صورتیکه هیئت عمومی رای به انحلال جمعیت بدهد امر تصفیه امور جمعیت با هیئتی مرکب از سه عضو که توسط هیئت عمومی انتخاب میشوند خواهد بود .

این اساسنامه که در بیست ماده و چهار تبصره تنظیم گردیده با توجه با اختیارات تفویض شده از طرف هیئت مؤسس جمعیت به کمیته اجرائی در جلسه مورخ ۱۳۵۶/۱۲/۲۳ کمیته اجرائی مورد تصویب قرار گرفت .

مهندس مهدی بازرگان - دکتر نورعلی تابنده - دکتر علی اصغر حاج سید جوادی
دکتر کریم سنجابی - احمد صدر حاج سید جوادی - دکتر عبدالکریم لاهیجی
دکتر اسدالله مبشری - دکتر ناصر میناچی - حسن نزیه .

فرم درخواست عضویت در جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

شماره

تاریخ

ساکن

دارای شغل

اینجانب

تلفن با قبول اساسنامه جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

و اعتقاد به هدفهای آن درخواست عضویت و اعلام آمادگی برای همکاری می‌نمایم

و تعهد میکنم ماهیانه مبلغ ریال بعنوان حق عضویت بپردازم

معرف دوم

معرف یکم

امضاء

فصل دوم:

اقدامات بعضی از

موسسین جمعیت قبل از تأسیس

نامه آقای مهندس بازرگان به علمای اعلام و مراجع عظام
راجع به محکومیت و زندانی شدن آیت الله طالقانی

بسمه تعالی

سوم شعبان ۱۳۹۷

محضر انور علمای اعلام و مراجع عظام دامت برکاتهم

در این مملکت بی‌پناه و پایه که امر و قضا و قانون در یک جا جمع شده، نه
میتوان تظلم بنزد ظالم بردونه قبول ظلم کرد و ساکت نشست، شکوه و درد دل
بحضور پیشوایان دین و مامورین دفاع از حق و عدل می‌آورم تا ندائی و دعائی
بطلبیم. شاید بگوش دنیا و به اجابت خدا برسد.

حضرات عظام بخوبی آقای حاجی سید محمود طالقانی را میشناسند و از فضل
وزهد و از مجاهدات دیرینه ایشان در اشاعه قرآن و ارشاد جوانان استحضار دارند.
سید جلیل‌القدر را سازمان مدعی امنیت در دو سال قبل معلوم نیست بچه
اتهام‌واهی همراه با عده دیگری از افاضل و اتقیاء روحانیت دستگیر نمود. سپس
بدون ملاحظه کبرسن و کسالت‌های عدیده مدت مدیدی معظم‌له را در زندانهای
طاقت فرسا اسیر کرده است در حالیکه اظهار میشد زندانیان سیاسی ایران تماماً
مارکسیست هستند. اخیراً نیز علی‌رغم ادعای دیگرشان که محاکمات ما قانونی و
علنی است آیت‌الله طالقانی را بدون اطلاع و حضور حتی افرادی از خانواده در
دادگاههای نظامی (شاید بطور غیابی) به ده سال محکوم کرده‌اند!
آیا آیت‌الله طالقانی کمونیست بیدین بوده یا جانی خرابکار؟

آیا کسانی که این مجتهد را بازداشت و محکوم کرده‌اند کوچکترین صلاحیت قضائی و شرعی داشته‌اند؟

آیا در سایه حکومت بقول خودشان دموکراتیک و مدافع حقوق بشر و مسلمان نباید کمترین حق دفاع و آزادی و حیات برای افراد ملت خصوصا "زیدگان روحانیت وجود داشته باشد؟

اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمه تعزبها الاسلام واهله وتذل بها النفاق

واهله

مهدی بازرگان

۵۶/۴/۲۹

اعتراض آقای دکتر سحابی به دادگاری ارتش در مورد محکومیت مجدد آیت‌الله طالقانی

بسمه تعالی

دادگاری محترم ارتش

رای محکومیت حضرت آیت‌الله طالقانی بده سال زندانی نزد مردم و خصوصا جوامع علمی و اسلامی با حیرت و تاسف زیاد تلقی شده است .

آیت‌الله طالقانی مردی است زاهد و متقی و عالمی است ذی فن که در ارشاد مردم و خصوصا " تربیت جوانان کمتر نظیر دارند و خدمات ارزنده اسلامی و اجتماعی ایشان همواره منشاء امید بسیار در اصلاح عمیق و اساسی جامعه و پیشگیری از انحرافات اخلاقی و فکری بوده است . بنا بر این محکومیت سنگین آقای طالقانی در دادگاه غیر علنی ، در شرایطی که مقامات عالیه مملکت نیز حفظ حقوق قانونی انسانها و زندانیان سیاسی را لااقل طی مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های خود لازم می‌شمرند ، نمیتواند قابل توجیه باشد .

اینجانب که از سال‌های پیش واقف به خدمتگزاریهای علمی و دینی و اجتماعی جناب آقای طالقانی و پاکی نیت و حسن عمل و فداکاریهای ایشان در طریق خیر و مصلحات جامعه بوده‌ام ، ایشان را از هر اتهامی که بزبان ملت و مملکت و اجتماع باشد مبرا میدانم ، علیهذا با اجازه مقررات و قوانین موضوعه ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر پیشنهاد میکنم ترتیبی اتخاذ شود که حضرت آیت‌الله طالقانی در دادگاه تجدید نظر از انتخاب وکیل غیر نظامی و محاکمه علنی در حضور ناظران برخوردار باشند و برای آنکه همگان از چنین محاکمه مطلع شده و علاقمندان ، از جمله خود اینجانب ، بتوانند در دادگاه حاضر شوند روز و ساعت محاکمه را در

یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار یومیه و وسائل مقتضی دیگر اعلام فرمایند .

با احترام و تشکر قبلی

یدالله سجایی

۳۰ / تیر / ۱۳۵۶

تهران - دروازه شمیران - خیابان فخرآباد شماره ۵۴ - تلفن ۷۵۳۹۹۰

اعتراض وکلای انتخابی آیت‌الله طالقانی به رای دادگاه نظامی و تقاضای فرجام

ریاست دیوانعالی کشور

رونوشت - ریاست دادرسی ارتش

چون بقرار اطلاع حضرت آیت‌الله آقای سید محمود طالقانی اینجانبان را بعنوان وکلای خود تعیین و به دادگاه نظامی معرفی نموده‌اند لذا این لایحه تنظیم و تقدیم میگردد .

حضرت آیت‌الله طالقانی متعاقب دو سال بازداشت غیرقانونی در دادگاههای بدوی و تجدیدنظر نظامی بده سال زندان محکوم شده‌اند .

صرفنظر از مساله عدم صلاحیت دادگاههای صادر کننده این رای مخالف قانون و وجدان و فارغ از مدافعات ماهوی که بموقع خود اعلام خواهد گردید هیچیک از قواعد و مقررات آمره قانونی که دادگاههای نظامی بموجب قانون دادرسی و کیفر ارتش مکلف با اجرای آن هستند در این باصطلاح "دادرسی" رعایت نشده است .

۱ - حق انتخاب وکیل ، حق مطالعه پرونده ، حق ملاقات و مذاکره و مشاوره با وکیل که در مواد ۱۸۱، ۱۸۴، ۱۸۶، ۲۲۶، ۲۲۷، قانون دادرسی و کیفر ارتش تصریح شده در مراحل بدوی و تجدیدنظر از معظم له سلب گردیده است و دادگاههای بدوی و تجدیدنظر نقض قانون را تا بدانجا رسانیده‌اند که حتی رعایت قواعد و مهلت‌های قانونی را هم که برای حفظ حقوق متهم و حرمت حق دفاع پیش‌بینی شده است ضروری تشخیص ننموده‌اند !

۲ - دادگاههای بدوی و تجدیدنظر برخلاف صریح ماده ۱۹۲ قانون دادرسی و کیفر ارتش بنحو غیر علنی و در محیطی غیر متناسب با حق و عدل و قانون

تشکیل شده است .

۳- از آنجا که با وجود تقاضای حضرت آیت الله طالقانی از هیچ یک از وکلای معرفی شده از ناحیه معظم له برای دفاع از ایشان دعوتی بعمل نیامده و جلسه تشریفاتی محاکمه در غیاب وکلای تعیینی ایشان تشکیل گردیده و حکم محکومیت غیرقانونی به یکی از شخصیت‌های والا و پراج مذهبی و ملی و علمی ایران تحمیل شده و با سانسور شدید مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی این موضوع از دیدگاه مردم ایران مکتوم مانده است، امضاء کنندگان بعنوان وکلای حضرت آیت الله طالقانی ضمن اعتراض به رای ظالمانه صادره از دادگاههای بدوی و تجدید نظر مستندا "بمواد ۲۶۸ و ۲۷۱ و ۲۷۲ قانون دادرسی و کیفر ارتش تقاضای رسیدگی فرجامی در دیوانعالی کشور را داریم .

احمد صدر (حاج سیدجوادی) - حسن نزیه - عبدالکریم لاهیجی وکلای دادگستری

بتاریخ اول شهریور ماه ۱۳۵۶

اعتراضیه آقای دکتر سبحانی به روزنامه کیهان راجع
به افتراات مندرج در کیهان مورخه ۱۶/۷/۵۶

بسمه تعالی

اداره روزنامه کیهان

در شماره ۱۰۲۸۵ مورخ ۱۶ مهر ماه جاری آن روزنامه خبری تحت عنوان "تظاهرات عوامل مارکسیست اسلامی در پاریس و شهر ری" درج شده بود که حاوی بسیاری از مطالب غیرواقع و تغییر مفاهیم و تسبتهای ناروا بوده و لهذا از جهت توضیح و تکذیب آن مطالب، این نامه را تقدیم و بنام حق و قانون تقاضا میکنم که متن آنرا بدون تغییر در روزنامه دستور چاپ فرمائید و از حسن توجهی که در این باره مبذول خواهید داشت قبلاً" تشکر میکنم.

۱ - اینجانب از جمله افرادی بودم که روز جمعه ۱۵ مهرماه جاری بنا بدعوت عمومی که مضمون آن در ذیل صفحه ۳ نقل شده است بحکم وظیفه دینی و ملی و بخصوص که فرزند من هم جزء زندانیان ستمدیده سیاسی است بحضرت عبدالعظیم رفتم و در ساعت ۴/۵ بعد از ظهر باتفاق چندصد نفر دیگر که حضور یافته بودند، بهمان نحوه که در دعوت نامه قید شده بود، در صحن شمالی حرم در مراسم زیارت و دعا شرکت نمودم. پس از خاتمه دعا هم جمعیت با آرامش و سکوت متفرق گردید و من و همراهان نیز بشهر باز گشتیم.

در تهران شنیدم که پیش از مراجعت ما، جمعی از شرکت کنندگان تازه وارد که همراه آنان عده‌ای از خانمهای دردمند منسوب بزندانیان بودند، چون دیر رسیده بودند، در سه راه ورامین و در محل پارکینگ زاویه مقدسه اجتماعی نموده

و شعار و فریاد دادخواهی بلند کرده‌اند، ولی ماموران پلیس با ضرب و شتم با آنان و از جمله چند نفری از خانمهای محجبه را بسختی مضروب و بکلانتری منتقل و روانه زندان کرده‌اند. چنین مفاهیم از خبر آن روزنامه مستفاد نمیشد.

۲ - در چند جا از خبر روزنامه، از آیت‌الله خمینی بابتی احترامی نام برده‌اید و دفاع ایشان را از مقررات دین بعنوان مخالفت‌های تحریک آمیز راجع باصلاحات ارضی و تساوی زن و مرد و غیره متذکر شده‌اید، در حالی که ایشان در مقام مرجعیت و فتوا، نظری جز دفاع از حریم دین و روشن بینی مردم بحقایق اسلام نداشته و ندارند.

وقتی دستگاه حاکمه با بی‌احترامی نسبت به آقای خمینی رفتار میکند و شما هم مجبور میشوید که در روزنامه خود از ایشان، و دور از جناب ایشان مانند فرد مغرض خطا کار با کسر و تخفیف نام ببرید، آیا قلب و روح علاقمندان و تقاضا کنندگان از ایشان را رنج و آزرده نمی‌سازید؟

بزرگش نخوانند اهل خرد که نام بزرگان بزستی برد

در این اوقات که گفتارها و مصاحبه‌ها و نوشته‌های زیاد از طرف مقامات مختلف مملکت راجع به آشفتگی اوضاع کشور و تنگناها و بحرانها و فسادهایی که در شؤون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و زندگی عادی ما پدید آمده است، منتشر میشود و مردم را بخوشبینی و همکاری فرامیخوانند، آیا با این چنین بی‌اعتنایی و بی‌حرمتی نسبت باعتقادات باطنی مردم، انتظار همدلی و همکاری آنانرا میتوان داشت و آیا با رواج بی‌حد دروغ و ریا و تملق و سایر فسادها و بدون اقدام اساسی در رفع آنها امیدی برای اصلاح آشفتگی‌های موجود جامعه میتوان پیدا کرد؟

در چند جا از خبر روزنامه تا بییدا احتمالی آیت‌الله خمینی از آقای سیدمهدی هاشمی را خطا و کار نادرستی از آقای خمینی جلوه داده‌اید. اولاً "چنین تاییدیه محقق و قطعی نمیباشد. تاکنون کسی از آن جز آنچه در روزنامه‌های تهران نوشته شده و مامورانی که چنین خبر را بروزنامه‌ها داده‌اند چیزی شنیده و یا نخوانده‌است. ثانیاً "بفرض آنکه چنین دفاع صورت گرفته باشد، باتوجه بآنکه بی‌گناهی آقای هاشمی در قتل مرحوم شمس‌آبادی بحدش یاع رسیده و بزبانزد هر محفل و مقام است،

چه خطا و امر خلافی صورت گرفته است؟ مگر کسی حق ندارد عقیده خود را در باره فردی که مورد محاکمه است و برای روشن شدن ذهن دادرسانی که آن فرد را محاکمه میکنند، ابراز نماید؟ آنهم کسی که مرجع تقلید است و مورد ارجاع تظلم و دادخواهی.

اظهار نظر احتمالی در بیگناهی آقای هاشمی، دلیل بر عدم وجود جرم نسبت بقتل فقید مرحوم آقای شمس آبادی نیست. باید دور از جنجال و غرض ورزی و یا تحقیق و دقت بیشتر مجرم و یا مجرمین را شناخت و برطبق قانون آنانرا محاکمه نمود.

۳- اما راجع بآقای لطف الله میثمی و فرزند من مهندس عزت الله سبحانی که در چند جا از روزنامه آنانرا وابسته و کارگردان گروه مارکسیست اسلامی و تروریست معرفی نموده اند.

ابتدا باید دید مارکسیست اسلامی یعنی چه؟ این اصطلاح و شایعه آن از مخترعات و ساخته و پرداخته های ماموران بدخواه و نفاق افکن امنیت مملکت است. مسلمان مؤمن و عامل، ممکن نیست مارکسیست باشد. همینطور که مارکسیست ها هم با اصول اسلام و عمل بمقررات دین پایبند نمی باشند. آنانکه ادعای مارکسیسم اسلامی را می کنند و یا چنین ادعا را نسبت بدیگری میدهند، ادعایشان گزافه ای بیش نیست. مهندس میثمی و فرزند من مهندس سبحانی مسلمان عامل اند و دلی در گرو مارکسیسم ندارند. خاطره و آگاهی من از آقای میثمی فقط مربوط به ایام دانشجویی اوست و از دوره های بعد زندگی ایشان اطلاع کافی ندارم.

بنا بر خبر روزنامه شما دو چشم آقای مهندس میثمی درگیرودار نابینا شده است و گویا از یکدست هم محروم است و من نمیدانم با کدام رحم و انصاف این جوان مصدوم را هنوز اسیر زندان نموده اند. این جوان بشهادت آنانکه او را دیده اند، وی مسلمانی است مخلص و جز به آداب اسلامی عمل نمیکند و بستگی بمارکسیسم ندارد.

فرزند من مهندس سبحانی قبلاً " پنج سال متناوب و حالا شش سال متوالی است که بجهت حقوقی و حق خواهی، ولی باتهام واهی اقدام بر علیه امنیت کشور در زندان است آنهم زندان تبعیدی در شیراز.

در موقعیکه محکومیت سنگین ۱۱ سال زندان جدید را برای فرزند من تعیین می‌کردند، از اتهام جدید مارکسیست اسلامی و تروریستی هیچ خبری نبود و چیزی از این مقولات در پرونده محکومیت اصلی او منعکس نمیباشد، ولی حالا او را مارکسیست و تروریست و حتی گرداننده چنین گروهها معرفی مینماید و شما هم این افتراهای سوزآور را در روزنامه خود منتشر مینمائید.

فرزند من مهندس عزت‌الله سحابی بقدر وسع، پویای راه خدا و آرزومند خدمتگزاری بخلق خدا است. تربیت خانوادگی و سازمان فکری و منش و روش و خاطره افرادی که او را می‌شناسند و با او زندگی کرده‌اند و حتی مامورانی که بنحوی با او در زندان در تماس بوده‌اند گواه بر این مصداق است.

از خدمات علمی و اجتماعی فرزند خود مهندس سحابی در فواصل کوتاه آزادی که بین دوره‌های زندان داشته است بهتر است ذکر کنیم تا نه موجب طول کلام شود و نه احتمال ریا.

در اینجا لازم است متذکر شوم که در این نامه مطلقاً نظری در دفاع از دین و یا انتقاد از عقیده مارکسیسم نیست و اقتضای چنین بحث در اینجا نمیباشد... آنچه فعلاً در توضیح آن مبادرت شده نسبتهای خلاف واقع و دور از حقیقتی است که برای انحراف افکار عمومی و تحریک بر علیه جمعی از مسلمانان گرفتار و بیگناه، بوسیله ایادی بدخواه در آن روزنامه و سایر روزنامه‌ها منتشر شده است. این نسبتهای ناروا و اتهامات تازه سازی اساسی که برای زندانیان محروم و بیدفاع، ناراحتی‌ها و فشارهای روحی جدید ایجاد میکنند و برای فرزندان مادران و همسران و دیگر بستگان در انتظار آنان نگرانی و زخم تازه‌ای بردل ریش آنان میگذارد، با هیچیک از موازین انسانیت و آزادی وفق نمیدهد و در این مقال بیان سرور شهیدان، در لحظات آخر حیات، در خطاب بماموران فریبکار عبیدالله و یزید ستمکار بهترین زبان حال و حسن ختام است که فرمود:

"اگر برای شما دینی نیست و از فرجام اعمال ناپسند خود نمی‌هراسید، پس اقلاً در دنیای خود آزادمرد باشید"

ان لم یکن لکم دین و کنتم لا تخافون المعاد فکونوا احراراً فی دنیاکم

یدالله سحابی - استاد سابق دانشگاه ۲۰ مهرماه ۱۳۵۶

بیانیه جمعی از رجال اسلامی و ملی و اعلام خواسته‌های ملت

چهارشنبه یازده آبان ۱۳۵۶

نظامی که در بیست و چهار سال اخیر قدرت سیاسی و اقتصادی را در کشور ما اعمال میکند با بحران آشکاری روبرو شده است. این بحران نتیجه ضروری سیاست و روش کشورداری هیئت حاکم ایران در این دوران بیست و چهار ساله است. این دوران از زمانی آغاز شد که گروه‌های حاکم ایران بیاری نیروهای جهانگستر توانائی یافتند که مردم را از حضور و دخالت در زندگی سیاسی و عمومی محروم سازند و حکومت متکی بر اراده مردم را از اعمال قدرت سیاسی باز دارند.

دست‌آورد این دوران بیست و چهار ساله را نمیتوان و نمی‌بایست در مشکلات فنی و موضعی کنونی خلاصه کرد. این مشکلات خود چیزی جز برخی مظاهر و نتایج محتوم رویه‌های مستمر نظام سیاسی و اجتماعی کنونی نیست.

واضعان قانون اساسی ایران چون دیگر پایه‌گذاران حکومت‌های مردم بر مردم در دنیا به آثار نامطلوب حکومت‌های مطلقه در جریان تاریخ ایران و جهان کمال وقوف را داشتند و در پی آن بودند که نظامی را در جامعه‌رهائی یافته از استبداد بنیان نهند که از هر نوع بازگشت به دوران مالک‌الرقابیه مصون باشد و در این راه بود که نظام سلطنت مشروطه را پایه‌ریزی کردند. اطلاق هر عنوان دیگری بر نظام مشروطیت در حکم نفی مشروطیت است و نشانه‌ای است از گرایش به بازگشت دوران مطلق‌العنانی و مالک‌الرقابیه، و این خود با مبانی قدرت ملی در جهان امروز مغایرت دارد.

در جهان امروز آن نظام سیاسی شایسته احترام است که جامعه را بر اساس

رعایت حقوق ذاتی و شئون و حیثیت انسانی افراد که اعلامیه حقوق بشر و میثاقهای حقوق بشر مبین و مدافع آنهاست اداره کند .

دست آورد نظام حاکم بر ایران در بیست و چهار سال گذشته ایجاد محیطی است که در آن شأن و حیثیت حقوق انسانی افراد بطور مستمر پایمال میشود . در جهان امروز آن ملت قرین حیثیت و اعتبار سیاسی است که تعیین کننده سرنوشت خویش باشد . جلوگیری مداوم نظام حاکم از اهمال این حق مردم ، سلب حیثیت سیاسی از ملت ایران است . فراهم آوردن امکان مشارکت همه افراد و گروههای اجتماعی در تعیین سرنوشت خود اعاده حیثیت سیاسی ملت ایران را تضمین میکند .

در جهان امروز آن قدرت سیاسی پذیرفتنی است که بر قهر و زور و فریب و نیرنگ استوار نباشد و تحمیق اکثریت و تطمیع اقلیت را روش خود نداند . قدرت سیاسی ایران با توسل به زور ، عوام فریبی و فریبکاری ، با انتخاب منابع اقلیت بعنوان تنها معیار خیر و مصلحت عام ، عملاً " از خود سلب اعتبار نموده است . در جهان امروز ، آن قدرت اجرائی پذیرفتنی است که با آگاه ساختن کامل مردم و در تعادل با قوای مقننه و قضائیه وظایف خود را انجام دهد .

قدرت اجرائی که دست آورد نظام کنونی است بر اساس تضعیف دائمی قوای مقننه و قضائیه و انکار ضرورت آگاهی مردم از امور عمومی و سلطه روزافزون و خودسرانه دستگاه اجرائی تحقق یافته است . دستاویز قدرت اجرائی در ادامه چنین طریقی ادعای حفظ ثبات و امنیت سیاسی از یکسو و پیچیدگی مسائل تخصصی و فنی از سوی دیگر است . قوای سه گانه مملکتی بعنوان مظاهر اراده مردم یکسان وظیفه دار حفظ ثبات و امنیت سیاسی هستند هیچیک از این قوا بتنهائی نمیتواند خود را پاسدار ثبات و امنیت سیاسی بداند . اما در نظام سیاسی کنونی واقعیت این است که یکی از قوای سه گانه یعنی قوه اجرائیه ، حفظ ثبات و امنیت سیاسی را مستمسک گسترش خودسرانه قدرت خود قرار داده است . این امر نشانه آشکار عدم ثبات و امنیت سیاسی است و نتایج ناخوشایند آن انکار ناپذیر است . پیچیدگی مسائل تخصصی و فنی نیز نمیتواند ادامه سیاست پرده پوشی و استتار قدرت اجرائی را توجیه کند . این وظیفه هر قدرت اجرائی متکی به آراء عمومی است که از بکار

بردن زبان و اصطلاحات اهل فن (که در دفاع و تسجیل منافع این گروه بوجود آمده است) پرهیز جوید و مسائل همگان را بزبان همگان بیان کند تا موجبات علاقمندی و مشارکت عموم را در سرنوشت جامعه فراهم آورد.

در جهان امروز آن نظام اقتصادی پذیرفتنی است که در وابستگی با نظامهای اقتصادی مسلط جهان گسترش نیابد و منافع اقلیت را بر منافع اکثریت مرجح نداند. دست آورد نظام حاکم بیست و چهار ساله کنونی، اقتصادی است که با مرجح داشتن منافع گروههای جهانی بر منافع ملی، منافع گروههای شهرنشین بر منافع گروههای روستانشین و کوچ نشین، منافع اقلیت حکومت کننده بر منافع اکثریت حکومت شونده، منافع امکانات کشور را در خدمت سرمایه‌های بین‌المللی نهاده است. بهره‌ای که از این طریق نصیب قدرت سیاسی حاکم میگردد موجبات ادامه حیات خودسرانه این قدرت را فراهم می‌آورد و رشد فعالیت واسطه‌کاران و دلال مشربان را در کلیه سطوح واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی ممکن میسازد.

این اقتصاد در آنجا که حفظ و گسترش منافع قدرتهای جهانی و اقلیتهای داخلی اقتضا کند با زیاده‌روی و اسراف در بکار گرفتن منابع داخلی و یا کوتاهی و امساک در بهره‌برداری از امکانات موجود همراه است. چنین نظام اقتصادی در خدمت خود نیست، در خدمت بیگانه است.

در جهان امروز آن محیط اجتماعی و سیاسی پذیرفتنی است که بر اساس اقدامات خودسرانه و خشونت‌آمیز، بر اساس استبداد و خفقان، بر اساس فساد و ارتشاء استوار نباشد. محیط اجتماعی و سیاسی که دست‌آورد نظام کنونی است بر اساس اعمال خشونت روزمره و پایداری در کلیه سطوح، بر اساس تحمیل و تشویق فساد و رشوه‌خواری، بر اساس تزویج بی‌علاقگی افراد به امور عمومی و اجتماعی، بر اساس محروم ساختن افراد از آزادی و حقوق مدنی و اجتماعی و منحرف ساختن افکار عمومی (از طریق جایگزین ساختن امور فرعی و خیالی به جای مسائل اصلی و واقعی و از طریق بازی الفاظ و جدا ساختن حرف از عمل) استوار است. این چنین محیط اجتماعی و سیاسی از همه جهات باخیر و سعادت مردم تعارض دارد.

در جهان امروز گفتگو از فرهنگ، زمانی پذیرفتنی است که آدمیان از امکان آزاد و کامل پرورش استعدادهای خود برخوردار باشند و دور از زهرنوع فشار و اجبار

زندگی مادی و معنوی خود را در زمینه‌های معاشی و عقیدتی و مذهبی تنظیم کنند. اگر نحوه گذران زندگی روزانه را نشانه گویائی از فرهنگ مردم زمانه‌ای بدانیم باید بپذیریم که دست‌آورد این دوران بیست و چهار ساله، فرهنگی است که بر اساس تقلید کورکورانه، نفی خویشتن و اثبات غیر، جلب نفع فردی به قیمت تجاوز بحقوق دیگران، زرق و برق تهی و چشمگیر و هوش ربا، گسترش بی‌رویه و مفرط زندگی مصرفی، قلب تاریخ و مسخ مفاهیم گسترش مییابد. چنین فرهنگی که با فرهنگ گذشته ایران بیگانه است، شایستگی هیچ ملت پیشرو و هوشیاری را در این زمانه ندارد.

جامعه ایران با بحرانی عمیق روبروست و در آنچه گذشت به مهم‌ترین جلوه‌های این بحران اشاره کرده‌ایم. آنچه در واقع چنین وضع بحرانی را بوجود آورده از یکسو وابستگی حیات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور بمنافع قدرتهای استعماری و از سوی دیگر فضای خفقان‌آور سیاسی و نفی آزادیهای اجتماعی است. در جهان امروز حدود و مبانی حیات ملی هر جامعه را از سوی قوانین اساسی آن جامعه و از سوی دیگر میثاقها و تعهدات آن جامعه در برابر جامعه بشری تعیین میکند. نظام کنونی ایران با نقض قانون اساسی و عدم رعایت اعلامیه حقوق بشر این بحران را بوجود آورده است.

جوهر قانون اساسی ایران اعلام اصل حاکمیت ملی است.

"قوای مملکت ناشی از ملت است، طریق استعمال آن قوا را قانون اساسی معین مینماید." (اصل بیست و ششم متمم قانون اساسی).

بنابراین منشاء قوای سه‌گانه مقننه، مجریه و قضائیه همانا اراده عام ملت ایران است و این قوای سه‌گانه بوکالت از جانب ملت تکالیفی را که قانون اساسی مقرر داشته است انجام میدهند.

قوانین اساسی ایران فقط حکومت مردم و نظام دموکراسی را مقرر داشته و نخستین بار در تاریخ ایران همه ضوابط مطلقیت و سنن کهن حکمرانی فردی و مبانی دولتهای گذشته را ملغی ساخته است. دموکراسی برپایه رأی آزاد همگان قرار دارد. از این نظر نظام دموکراسی یک وجه دارد و بس.

دموکراسی مجموعه حقوق مردم را دربرمیگیرد. اگر رأی همگان بدون غل و غش

در کار است دموکراسی هست . اگر نیست بازگشت به استبداد است .

پایه نظام دموکراسی آزادی بیان ، آزادی رأی و آزادی اجتماعات است . از این رو است که قانون اساسی ایران به همان اندازه که بر انتخابات آزاد تاکید دارد ، بر آزادی اجتماعات هم مصر است . به حقیقت آزادی اجتماعات و احزاب جزء لاینفک مشروطیت است . از این جهت نظام تک حزبی تحمیل شده نقض صریح قانون اساسی و نفی مشارکت آزاد مردم در تعیین سرنوشت خویش است . این شیوه عمل است که مردم را نسبت با مورعمومی بی اعتناء و بی تفاوت ساخته است . بی تفاوت بودن مردم دست آورد حکومتی است که به اتکای قهر و زور سد آزادی شده است . به حقیقت استقلال ملی در آزادی است . هیچگاه مملکت بدست مردم آزاد نخواه تسلیم بیگانگان نشده است ، بلکه هر خللی به استقلال و حاکمیت مملکت وارد آمده است بدست مسئولان اموری صورت گرفته که نه پای بند مسئولیت سیاسی خویش بوده اند و نه عزت آزادی را شناخته اند . بنابراین آزادی با احترام به حقوق بشر و حفظ استقلال مملکت و حاکمیت ملی ملازم دارد . ما این آزادی را میخواهیم . منطق وجودی قانون اساسی ایران نفی اراده مطلقه است . اصل تفکیک و تعادل قوا تدبیر بزرگی در جهت محدود کردن قدرت نامسئول و خود سرانه زمامداران است . بر همین مبنا قانون اساسی مسئولیت فردی و مشترک هیات اجرائی را منحصر " در برابر قوه مقننه تثبیت میکند :

"وزرای دولت در هرگونه امور مسئول مجلسین هستند . " (اصل چهل و چهارم متمم قانون اساسی .)

در جهان امروز محدودیت قدرت سیاسی خاصه از این بابت ضرورت دارد که دولتها فن و دانش را به خدمت خویش گرفته اند ، و چنان قدرتی یافته اند که اگر نظارت مداومی از جانب مردم برقرار نباشد قدرت اجرائی را به قدرت جبارانی مبدل میگرداند که در تاریخ استبداد همانند ندارد . مرجعیت دولت وقتی پذیرفتنی است که حقوق افراد و گروههای اجتهاعی محترم شناخته شود و دولت قدرت سیاسی را در جهت برآوردن خواستهای مردم بکاربرد . حکومتی که به سرکوبی افکاری که خود نمی پسندد دست یازد ، و از تشکیل جمعیت های صنفی و سیاسی جلوگیری کند ، حکومت دسته اقلیتی را بوجود می آورد که تنها حافظ منافع خویش است .

این حالت، حالت نفی مرجعیت دولت در نظام دموکراسی است و حاصل آن دوگانگی میان ملت و دولت است. اعتراض برحکومت در صور گوناگون آن (از بی‌تفاوتی و بی‌اعتمادی تا مقابله جوئی و قهر و ستیز) از همین دوگانگی میان ملت و دولت سرچشمه میگیرد.

با توجه به علل و خصوصیات اصلی بحرانی که جامعه ایران را فرا گرفته است، با توجه به خطری که از این راه هستی جامعه را تهدید میکند، و با توجه بوظیفه‌ای که در چنین وضعی برعهده هر فرد و گروه است اعلام میداریم:

از آنجا که قانون اساسی شمره مجاهدات ملت ایران و خونبهای مجاهدان آزادی است، و اراده افراد نمیتواند خللی در آن وارد کند؛

از آنجا که بنیان قانون اساسی بر اصل ناشی بودن قدرت از ملت استوار است

و از آنجا که حق مردم در تعیین آزادانه سرنوشت خویش حقی غیرقابل انتقال و خدشه ناپذیر است و ایجاد هرگونه مانعی در این راه ولو بطور موقت و بهر بهانه

و عنوان، اساس حکومت مردم بر مردم را بمخاطره میاندازد. هیچ مقامی حق ندارد ولو بطور موقت و بهر بهانه و عنوان مانع اعمال حق حاکمیت مردم شود یا

خود را جانشین اراده ملی یا برتر از آن بداند. هرکس یا هر مقام که برخلاف این اصل عمل کند، قانون اساسی و اراده ملی را نفی کرده است. در اینحال اعتراض

مردم برای بدست آوردن حاکمیت از دست رفته خود اجتناب ناپذیر میشود.

قانون اساسی ایران نظام سیاسی کشور را بر اصل تفکیک و تعادل قوای سه‌گانه (مقننه، مجریه و قضائیه) استوار داشته است. و از آنجا که دوام چنین نظامی

جز با رعایت اصل تفکیک و تعادل قوا ممکن نیست و هرگونه عدم تعادل به استیلائی

قوه مجریه و فراهم ساختن مبانی حکومت استبدادی میانجامد، هر نوع بدعتی در بهم زدن این تعادل و تضعیف قوای مقننه و قضائیه ضربه‌ای به حق حاکمیت

مردم است و اعتراض مردم را به آن اجتناب ناپذیر مینماید.

عدم تمرکز سیاسی، اداری و اقتصادی، و اعمال اراده آزاد افراد و گروه‌های مردم در تعیین سرنوشت خویش از راه نهادهای دموکراتیک و انجمن‌ها و شوراهای

ایالتی و ولایتی از وظایف دستگاه حکومتی است. هر نوع اقدام و بدعتی در جهت خلاف این اصل اعتراض مردم را به آن

اجتناب‌ناپذیر مینماید. از شرایط اساسی اعمال حق حاکمیت مردم، آگاهی عموم از تمام مسائل کشور و اقدامات دولت است. بنابراین هیچ مقامی حق ندارد ولو بطور موقت و یا به دستاویز مصالح عالی‌کشور هیچیک از مسائل کشور و اقدامات دولت را از مردم پوشیده نگاهدارد و یا درباره آنها به نشر اطلاعات غلط یا دروغ بپردازد. هر نوع بدعتی در راه استتار یا تحریف حقایق اوضاع کشور اعتراض مردم را به آن اجتناب‌ناپذیر مینماید. ابزار اساسی اعمال حق حاکمیت مردم، آزادی بیان و تبادل افکار اندیشه‌ها و تشکیل اجتماعات است. بر نوع اقدام و بدعت در جلوگیری از تشکیل اجتماعات و آزادی بیان و تبادل افکار اقدام برضد حاکمیت مردم است و اعتراض مردم را به آن اجتناب‌ناپذیر مینماید.

عامل موثر رشد و پرورش شخصیت افراد، برخورداری کامل و آزادی آنان از حقوق فرهنگی (آزادی در تنظیم زندگی روزانه، دسترسی آزاد به منابع گوناگون اطلاع و خبر، درامان بودن عقاید، رفتار، گفتار و کردار افراد از هر نوع خشونت و فشار مستقیم و غیر مستقیم آشکار و پنهان) است. و هر جامعه‌ای وظیفه دارد امکانات لازم را برای شکوفائی شخصیت افراد خود فراهم کند. هر نوع اقدام یا بدعت در جهت گسترش قدرت‌های پنهان و آشکار دستگاه‌های عمومی و خصوصی فعال در زمینه امور فرهنگی بنحوی که با رشد و پرورش شخصیت فردی و صیانت حریم زندگی خصوصی مغایرت و تضاد داشته باشد اعتراض مردم را به آن اجتناب‌ناپذیر مینماید.

با توجه به آنچه گذشت و با توجه باینکه احیای حاکمیت یگانه شرط لازم و ضروری دفع بحران کنونی است، ما امضاء کنندگان اعلام میداریم که نیل به این مقصود بزرگ ملی و رهائیبخش تنها با تحقق خواستهای زیر امکان پذیر است:

- ۱) اجرای تجزیه‌ناپذیر اصول قانون اساسی ایران.
- ۲) آزادی زندانیان و تبعید شدگان سیاسی.
- ۳) الغای نظام تک‌حزبی و آزادی احزاب، مجامع مذهبی و اتحادیه‌های صنفی.
- ۴) آزادی مطبوعات و انتشارات.
- ۵) آزادی عقاید و نشر افکار.

۶) انحلال مجلس شورای ملی و سنا، انحلال انجمنهای شهر و تجدید انتخابات براساس آزادی رای همگانی.

۷) احیای استقلال قوه قضائیه و اعاده صلاحیت عام دادگاههای دادگستری و انحلال جمیع مراجع قضائی اختصاصی.

۸) انحلال کلیه سازمانها و دستگاههایی که به آزادیهای فردی و اجتماعی مردم تجاوز نموده و دراین راه از ارتکاب خشونت‌های آشکار و پنهان مستمرا" روی گردان نموده و نیستند.

۹) تعقیب و مجازات قانونی کلیه متجاوزان به حقوق اساسی و منافع مردم و جامعه.

۱۰) تحکیم و پیشبرد موجبات اجرای حقوق بشر از طریق الحاق ایران به "پروتکل ضمیمه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی".

ما امضاء کنندگان این بیانیه بطور فردی و جمعی مسئولیت تدوین و امضاء آن را برعهده داریم و از افراد و گروه‌های اجتماعی دعوت میکنیم که درراه تحقق این خواستها و اجرای اصول قانون اساسی با ما همصدا شوند.

فریدون آدمیت - شمس آل احمد - ضیاء ابقی - عبدالعلی ادیب‌برومند -
 علی اکبر اکبری - عبدالله انوار - عبدالعلی بازرگان - مهندس مهدی بازرگان -
 محمدبسته‌نگار - صالح بنافتی - ناصر پاکدامن - باقرپرهام - بهمن پورشریعتی -
 دکتر حبیب‌الله پیمان - دکتر نورعلی تابنده - حسین تحویلدار - محمدتوسلی -
 محمد مهدی جعفری - علی اصفر حاج سید جواد - ابوالفضل حکیمی - سیمین دانشور -
 حبیب‌الله ذوالقدر - عباس رادانیا - محمد حسین روحانی - اکبر زرینه‌باف -
 غلامحسین ساعدی - دکتر کاظم سامی - دکتر یدالله سبحانی - منصور سروش -
 دکتر کریم سنجابی - علیجان شانسی - حسین شاه حسینی - هاشم صباغیان -
 احمد صدر - دکتر رحیم عابدی - عباس عاقلی‌زاده - ابوالفضل قاسمی - محمد
 قاضی - مهندس ابوالقاسم قندهاریان - اسلام کاظمیه - ابراهیم کریم‌آبادی -
 هوشنگ کشاورز - قاسم لارین - عبدالکریم لاهیجی - علی‌متین دفتری -
 هدایت‌الله متین‌دفتری - رضا مرتضوی - فرخ مروتی - منوچهر مسعودی -

محمود معینی عراقی - مجتبی مفردی - رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای - حسین
ملک - هدایت موسوی - نعمت میرزازاده - هما ناطق - حسن نزیه - منوچهر
هزارخانی .

نامه جمعی از شخصیت‌های اسلامی و ملی به نخست وزیر و
اعتراض به حمله‌های فاشیستی مأموران رژیم به مردم

دوازدهم آذر ماه ۱۳۵۶

بسمه تعالی

رونوشت این نامه به کمیسیون حقوق بشر
سازمان ملل متحد و روزنامه‌های اطلاعات -
کیهان و آیندگان فرستاده شده است .

جناب آقای نخست وزیر

شما به هنگام طرح برنامه دولت در مجلس، دولت خود را بحفظ آزادیهای
قانونی و حرمت شئون انسانی متعهد ساختید ولی دیری نپائید که بایک دستورالعمل
۲۰ ماده‌ای حق آزادی قلم را که هرگز در دولت سابق وجود نداشت، بنحوشدیدتری
از مطبوعات سلب کردید. دولت شما در برابر کلیه خواست‌های قانونی آزادیخواهان،
نویسندگان، قضات و وکلای دادگستری، استادان و دانشجویان دانشگاه مبنی بر
لرزم استقرار آزادیهای قانونی و اجرای کامل و تجزیه ناپذیر قانون اساسی سکوت
کامل اختیار نمود و در عین حال در مقام مقابله با استفاده مسالمت‌آمیز مردم از
حقوق قانونی خود، برای تشکیل اجتماعات مذهبی و فرهنگی وادبی و اجتماعی،
مأمورین امنیتی و انتظامی را بالباس مبدل و مجهز به اسلحه سرد (چوب و چماق)

به شیوه‌های ناخوان‌مردانه فاشیستی به جان مردم آرام و بی‌سلاح و بی‌دفاع انداخت :

" - در اواخر آبانماه مأمورین با چوب و چماق بکلاس‌های درسی دانشکده ادبیات حمله بردند و همه را از استاد و شاگرد به شدت مضروب ساختند .

- در دانشگاه تهران کماندوها به اجتماع آرام دانشجویان که بمناسبت سالروز تعطیل کانون مذهبی حسینییه ارشاد منعقد شده بود حمله کرده دختر و پسر را بیرحمانه زدند و زخمی ساختند .

- چند روز پیش در دانشگاه صنعتی آریامهر مأمورینی که معمولاً " با لباس مبدل وارد معرکه میشوند استادان و دانشجویان را وحشیانه زدند و به کلانتری جلب کردند و بعضی از آنان را از زن و مرد با معاونت حیل‌گرانه به کلانتری (بعنوان اینکه مأمورین انتظامی افراد جلب شده را با وسیله نقلیه کلانتری بمنزل میرسانند) به بیابانهای اطراف شهر بردند و در تاریکی شب تا سرحد مرگ مضروب ساختند و عده‌ای را نیز بازداشت کردند .

- صبح روز عید قربان مأمورین انتظامی مسلحانه مسجد قبا را محاصره کردند و مانع سخنرانی خطیب مذهبی شدند .

- عصر روز عید قربان متجاوز از هفتصد نفر مأمور امنیتی و انتظامی بالباس مبدل به اجتماع مذهبی و ملی باغ گلزار در کاروانسرا سنگی جاده کرج و به مردمی که مشغول استماع سخنرانی مذهبی بودند حمله آوردند . صدها نفر از حضار را بشدت مضروب و مصدوم ساختند و اتومبیل‌های آنانرا شکستند سپس در مطبوعات زیر سانسور دولت در نهایت بی‌شرمی نوشته شد : " حمله کنندگان کارگرانی بودند که از کار برمی‌گشتند و چون در سر راه با جمعیتی مواجه شدند که باده‌گساری میکردند و شعارهای ضد میهنی میدادند به آنان حمله بردند . . . "

آقای نخست‌وزیر!

ملاحظه میفرمائید که ایراد ضرب و شتم و جرح نسبت بمردم در معابر و

خیابانها از ناحیه مأمورین علنی و مخفی برای ایجاد رعب و وحشت و بلوای ساختگی به صورت حوادث روزمره درآمده است. در حقیقت ضرب و شتم و شکنجه از "کمپته‌ها" و زندانها به کوچه‌ها و خیابانها و حتی بیابانها و باغ‌های اطراف شهر سرایت کرده است آنهم با توسل به صحنه‌سازی و دورغ‌پردازی‌های شرم‌آور.

— ملت ایران و مردم جهان باید بدانند که در شرایط حاضر روشنفکران و

آزادی‌خواهان و افراد مخالف استبداد و فساد در برابر تجاوزات مسلحانه و تغییر شکل یافته مأمورین امنیتی و انتظامی خصوصا " بعد از مراجعت اعلیحضرت از آمریکا، هیچگونه امنیتی ندارند و نویسندگان و امضاء کنندگان هر نامه و بیانیه اعتراضیه همواره در معرض توقیف و ضرب و جرح و حتی قتل قرار دارند.

— ملت ایران و مردم جهان باید بدانند که آزادیخواهان و روشنفکران مخالف استبداد و از جمله دانشجویان بهیچوجه قصد تخطی از حریم قانون و نظم عمومی را ندارند و ایجاد آشوب و بلوا و عملیات تخریبی را تقبیح می‌کنند.

— ملت ایران و مردم جهان باید بدانند که در شرایط حاضر امنیت کسب و کار و شغل افراد معترض هم از بین رفته است.

وزارت دادگستری قضات آزاده مملکت را بسبب اعتراض آنان به نابودی آخرین آثار استقلال قوه قضائیه از شغل خود معلق ساخته و مورد تعقیب انتظامی قرار داده است.

وزارت دارائی محرمانه دستور داده است برای عده‌ای از وکلای دادگستری، تجار، اصناف و جمیع کسانی که اعاده آزادی و حفظ حرمت قانون اساسی را خواستار شده‌اند مالیاتهای گزاف تعیین نمایند.

دولت از طریق مقامات انتظامی به موءسسات دولتی دستور داده است که وکلای دادگستری معترض را از سمت وکالت و مشاور حقوقی خود برکنار کنند.

وزارت فرهنگ و علوم استادانی را که در مجامع فرهنگی شرکت می‌کنند با عنوان ساختگی توطئه‌گر مورد تهدید قرار داده است.

— ملت ایران و مردم جهان باید بدانند که آزادیخواهان و روشنفکران ایران هدفی جز تحقق خواسته‌های زیر ندارند:

۱ — اجرای کامل و تجزیه‌ناپذیر اصول قانون اساسی.

۲- آزادی کلیه زندانیان و تبعید شدگان سیاسی، منع توقیفهای غیرقانونی، منع شکنجه، منع مداخله دادگاههای نظامی در محاکمات سیاسی.

۳- الغای نظام تک‌حزبی و تأمین آزادی احزاب و اجتماعات مذهبی و اتحادیه‌های صنفی.

۴- آزادی مطبوعات و انتشارات.

۵- آزادی عقاید و نشر افکار.

۶- انحلال مجلسین شورای ملی و سنا و انجام انتخابات صحیح‌ملی مصون از تهدید و ارباب برای تحقق واقعی حکومت مردم بر مردم و تحقق واقعی دموکراسی.

۷- احیای استقلال قوه قضائیه و اعاده صلاحیت عام دادگاههای دادگستری و انحلال مراجع قضائی اختصاصی.

۸- انحلال کلیه سازمانها و دستگاههایی که آزادیهای فردی و اجتماعی را مورد تجاوز و تعدی قرار داده و در این راه از ارتکاب خشونت‌های آشکار و پنهان مستمرا "روی گردان" نبوده و نیستند.

۹- تعقیب و مجازات قانونی کلیه متجاوزان به حقوق اساسی و منافع عمومی جامعه.

۱۰- تحکیم و پیشبرد موجبات اجرای اعلامیه جهانی حقوق بشر از طریق الحاق ایران به پروتکل ضمیمه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.

آقای نخست‌وزیر!

ایجاد آشوب و اخلال نظم عمومی کار دانشجویان و کسانی نیست که فقط احیاء و احترام حقوق قانونی ملت را هدف خود قرار داده‌اند بلکه اخلال در نظم عمومی به صورت انواع توطئه‌ها بطور مستقیم و غیر مستقیم توسط دستگاههای انتظامی و امنیتی انجام می‌گیرد تا به بهانه برقراری نظام و با استفاده از کلیه وسائلی که اکنون جهت سرکوبی و تبلیغ در اختیار این دستگاهها قرار دارد و با

ایجاد رعب و وحشت از راه حمله و هجوم و کتک‌زدن و مجروح کردن مردم بدست مأمورینی که برای ورود به معرکه به لباس عادی درمی‌آیند همچنان مردم را برای ادامه فساد و استبداد پلیسی به سکوت و خاموشی و تسلیم و اداری نماید و به افکار عمومی جهانیان چثین وانمود کند که ملت ایران شایستگی آزادی و دموکراسی و برخوردارى از حقوق انسانی را ندارد .

ما دولت رامسئول‌کلیه این تجاوزها و همچنین تجاوزهای بعدی که به دست مأمورین انتظامی انجام گیرد ، می‌دانیم . و به دنیا اعلام می‌کنیم که دولت ایران بر اثر فشار افکار عمومی و رسوائی‌های ناشی از فساد و استبداد بعوض بازگشت بمواضع قانون اساسی ایران و احترام به اصولی که در عرف و سنت و مقررات جهانی برای حقوق انسان پیش‌بینی و توصیه شده به آخرین وسیله و ناجوانمردانه‌ترین شیوه‌های خفقان و بیدادگری متوسل شده‌است ، هنگامی که جان و امنیت فردی و حیثیت انسانی افراد جامعه بطور مستقیم مورد هجوم رژیم قرار گیرد ، در این صورت دولت ایران باید در برابر ملت ایران و تاریخ وطن ما و وجدان بیدار مردم آزاده جهان کلیه مسئولیتها و عواقب ناشی از این اعمال را برعهده گیرد و اگر بر ادعای خود مبنی بر رعایت آزادی و احترام به حیثیت انسانی پابرجاست اجازه دهد که رسیدگی به این اعمال و حشیانه پلیس بمراجع صلاحیتدار قضائی و در شعاع آگاهی وسیع افکار عمومی در مطبوعات و رادیو و تلویزیون قرار گیرد .

سیدابوالفضل موسوی زنجانی - دکتر فریدون آدمیت - شمس‌آل احمد - مهندس مهدی بازرگان - دکتر ترابعلی براتعلی - سید صالح بنافتی - دکتر ناصر پاکدامن - دکتر حبیب‌الله پیمان - دکتر نورعلی تابنده - دکتر علی اصغر حاج سید جوادی - حبیب‌الله ذوالقدر - اکبر زرینه باف - دکتر کاظم سامی - دکتر یدالله سبحانی - دکتر کریم سنجابی - مهندس هاشم صباغیان - احمد صدر حاج سید جوادی - دکتر رحیم عابدی - اسلام کاظمیه - قاسم لارین - دکتر عبدالکریم لاهیجی - دکتر اسدالله مشری - هدایت‌الله متین‌دفتری - رضا مرتضوی - فرخ مروتی - مهندس رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای - هدایت موسوی - هادی موتمنی - نعمت میرزا زاده - دکتر فرج‌الله ناصری - دکتر هما ناطق - حسن نزیه - دکتر منوچهر هزار خانی .

فصل سوم:
اقدامات جمعیت
تا پیروزی انقلاب

نامه مؤسسين جمعيت به دبیر کل سازمان ملل متحد و
اعلام تأسیس کمیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

بسمه تعالی

۱۶/آذرماه ۱۳۵۶

دبیر کل سازمان ملل متحد - نیویورک

ما امضاءکنندگان این نامه تاسیس (کمیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر) را اعلام می‌کنیم .

از آنجا که ایران عضو سازمان ملل متحد بوده و اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را امضاء کرده و اجرای مفاد آنرا تعهد نموده است ؛

از آنجا که هیئت حاکمه ایران با آنکه عضو سازمان ملل متحد و متعهد اجرای مصوبات آنست از حدود یک ربع قرن تاکنون به هیچ یک از شکایات و اعتراضات مردم ایران در باب نقض آشکار و مستمر حقوق بشر و قانون اساسی ایران عملاً "وقعی ننهاده بالعکس هر فریاد اعتراضی را در کمال خشونت خاموش ساخته است ، از آنجا که توصیه‌ها و کوششهای ارزنده آن سازمان و مجمع جهانی حقوق بشر در طریق صیانت حقوق افراد ملتها این امید را در ملت ایران زنده کرده است که خواهد توانست دبیر یازوده احیای حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی از دست‌رفته خویش نائل شود ،

از آنجا که اعاده حقوق اساسی ملت ایران و بالنتیجه رفع نارضائی‌های عمیق

و خطیر، امنیت مطمئن و طبیعی و واقعی را در منطقه خاص و استثنائی این کشور فراهم خواهد ساخت.

از آنجاکه اجرا و رعایت حقوق بشر لازمهٔ رشد و اعتلاء شخصیت انسان‌هاست و محیط اجتماعی و سیاسی مملکت ما در یک ربع قرن اخیر در جهت نفی آزادی و شخصیت افراد تحول یافته و این تحول زائیدهٔ حکومت خودسرانهٔ فردی و نتیجهٔ آن اختناق عمومی و سلب حیثیت ذاتی هموطنان است؛
توجه خاص سازمان ملل متحد را به مندرجات این نامه جلب نموده اقدامات عاجل و مناسب را انتظار داریم.

موارد نقض حقوق بشر در ایران در گزارشهای فرستادگان و ناظران مقامات و مراجع بین‌المللی (مانند سازمان عفو بین‌المللی - فدراسیون جهانی حقوق بشر مقیم پاریس - انجمن جهانی قضات کاتولیک - انجمن جهانی قضات دموکراتیک - کمیتهٔ خدمات یونیتارین یونیورسالیست و صلیب سرخ بین‌المللی) همچنین در گزارشهای بعضی شخصیت‌های طراز اول سیاسی و علمی و هنری و ادبی جهان و نیز در مطبوعات معتبر دنیای امروز منعکس شده است و مجمع جهانی حقوق بشر وجود جمیع سوابق و گزارشها را تایید کرده و آقای جروم جی شستاک رئیس مجمع طی نامهٔ مورخ ۱۷/ژوئن/۱۹۷۷ مراتب را به پادشاه ایران خاطر نشان ساخته نوشته است:

((... مجمع جهانی حقوق بشر یک سازمان جهانی و غیر دولتی فعال در امور مربوط به حقوق انسانی مدتهاست با نگرانی شاهد تراکم روزافزون مدارکی بوده است دال بر نقض شدید و پی‌گیر حقوق و آزادیهای اساسی در ایران... رویه دولت ایران ناقض قانون اساسی ایران، ناقض اعلامیه جهانی حقوق بشر - ناقض قرارداد های رسمی جهانی حقوق سیاسی و مدنی و اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر در تهران است)) .

((... گزارشهای سازمان‌های معتبر غیر دولتی در لندن - پاریس - ژنو - نیویورک - و گزارشهای گروه‌های معتبر حقوقدانانها - دانشگاهیان - و طرفداران آزادیهای مدنی - رهبران مذهبی بطور مستند از موارد

نقض حقوق بشر در ایران حکایت دارد... ما چندین بار برای رفع تجاوز به حقوق مردم ایران به اعلیحضرت متوسل شدیم ولی التفاتی به درخواست ما نشد و هنوز گزارشهایی به ما میرسد حاکی از اینکه تجاوز به حقوق اتباع ایران نه تنها تخفیف نیافته بلکه در دامنه وسیعی تشدید شده است و آقای ویلیام جی - باتلر عضو هیئت مدیره مجمع جهانی حقوق بشر تعدی به حقوق ابتدائی اساسی مدنی و سیاسی اتباع ایرانی را گواهی کرده است.))

آقای دبیر کل:

با توجه به نامه مجمع جهانی حقوق بشر ما بی نیاز و فارغ از بسط مقال هستیم و در اینجا فقط اهم موارد نقض حقوق بشر را بشرح زیر یاد آوری می‌کنیم:

۱- سلب آزادی عقیده و بیان و آزادی اجتماعات و انتشارات به سبب عدم تحمل عقائد و نظریات مخالف.

۲- توقیف غیر قانونی و خودسرانه هزاران نفر از زن و مرد و پیر و جوان و حتی جوانان دارای سن کمتر از سن قانونی و بطور کلی توقیف افراد مخالف استبداد و معترض بر اختناق سیاسی.

۳- مبادرت به انواع شکنجه‌های جسمی و روحی منتهی به مرگ یا نقص عضو و ناتوانیهای دائمی علیرغم منع صریح قانونی طبق ماده ۱۳۱ قانون مجازات ایران که مجازات سه تا شش سال برای مرتکب شکنجه تعیین کرده است.

۴- محاکمه متهمین سیاسی (مخالفین روش و سیاست هیئت حاکمه) در محاکم نظامی توسط افسرانی بنام قاضی که زیر نظر و سلطه مستقیم پادشاه قرار دارند. محاکمات در محیط غیر علنی آکنده از فشار و اختناق انجام میشود. موضوع اتهام در اغلب موارد داشتن یا خواندن یک یا چند کتاب اجتماعی و سیاسی یا اظهار نظر و عقیده در مورد اعمال و افکار و رفتار استبدادی پادشاه است.

۵- محکومیت متهمین سیاسی (مرکب از دانشمندان مذهبی، علمی و ادبی و هنری) در دادگاههای مذکور به اعدام یا حبس دائم و طویل‌المدت با استناد اقرار ناشی از زجر و شکنجه در مراحل تحقیق یا بعلت عدم تمکین به اقرار یا حتی به

سبب خودداری از تقاضای عفو و اظهار ندامت .

۶- خودداری مقام سلطنت از قبول تقاضای فرجام محکومین سیاسی (متاسفانه در کشور ما برخلاف تمام موازین حقوقی و انسانی بموجب یک قانون ارتجاعی ناشی از رژیم استبدادی قبول یا رد تقاضای فرجام از احکام دادگاههای نظامی به مقام سلطنت محول شده است و این خود اقوی دلیل نقض اساسی حق قضائی و حیاتی هر انسان است .)

۷- کشتار بیرحمانه عده‌ای از جوانان تحصیلکرده در خانه‌ها - دانشگاهها - خیابانها - و کوچه‌ها بدست مامورین آشکار و نهان پلیس بدون آنکه اتهامات انتسابی بآنان صحت داشته باشد .

۸- محبوس داشتن مخالفان قانون شکنی‌ها بدون تعیین تکلیف آنان .
۹- خودداری از آزاد کردن عده‌ای از زندانیانی که مدت محکومیت آنان منتفی شده است .

۱۰- محروم ساختن زندانیان از ملاقات حتی ملاقات اقوام نزدیک و درجه اول .
۱۱- سانسور شدید مکاتبات و مکالمات همچنین انتشارات و مطبوعات و حصر آنها به چند روزنامه دولتی یا وابسته بدولت که تحت نظر مامورین مخفی منتشر میشود .

۱۲- تعطیل بسیاری از مراکز شرعی توأم با حبس و زجر و تبعید مراجع تقلید و شخصیت‌های مذهبی و جلوگیری از انعقاد بعضی از مجالس ترحیم .

۱۳- استقرار نظام محکوم و مردود تک‌حزبی شخصی و حصر احزاب و جمعیت‌ها و اجتماعات سیاسی به حزب واحد رستاخیز که بفرمان مقام سلطنت تاسیس یافته است .

۱۴- سلب امکان مشارکت واقعی مردم در انتخابات مجلسین و انجمن‌های ایالتی و ولایتی - و مشروط ساختن (انتخاب شدن) به عضویت در حزب واحد رستاخیز و جمع‌آوری رای برای کاندیداهای پادشاه و دولت با توسل به تهدید و ارباب و شایعات اضطراب‌انگیز و بالنتیجه سلب خصلت و صفت نمایندگی مردم از قوه مقننه .

۱۵- نقض صریح قانون اساسی ایران و اصل تفکیک قوای ثلاثه (قوای مقننه -

قضائیه - اجرائیه) و تمرکز عملی اختیارات هر سه قوه در مقام غیر مسئول سلطنت. ما از توضیح در کم و کیف موارد نقض حقوق بشر در ایران خودداری نمیکنیم ولی مناسب میدانیم در سه مورد اخیر توجه شما را به توضیحات زیر جلب نمایم: قطعاً "بخاطر دارند که پادشاه ایران ضمن اعلام تاسیس حزب واحد رستاخیز و ادغام چند حزب دولتی سابق و نیز طی مصاحبه‌های زیاد در مطبوعات و رادیو و تلویزیون‌های جهانی اخبار و اعلام نمودند: ((کسانی که عضویت حزب واحد رستاخیز را نپذیرند خائن و بیوطن شناخته میشوند و باید کشور را ترک کنند و یا هیچگونه توقعی از دولت نداشته باشند.)) بدون تردید این اظهار تهدیدآمیز مظهر بارز نقض نگران کننده حقوق بشر در کشور ماست. هیئت حاکمه ایران برخلاف ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون اساسی ایران جز به حزب ساخته و پرداخته خویش اجازه تاسیس و فعالیت به هیچ حزب و جمعیتی را نمیدهد اتحادیه‌های صنفی و مجامع مذهبی و کانونهای فکری و اجتماعی تحت کنترل پلیس قرار دارند.

پادشاه ایران بارها طی مصاحبه‌های خود اعلام داشته‌اند که نتیجه گفت و شنودها در حزب واحد نیز باید وسیله دولت با اطلاع ایشان برسد تا تصمیم نهائی را شخصاً اتخاذ فرمایند و بدفعات گفته‌اند که در همه حال تصمیم‌گیری در تمام امور و مسائل مملکتی با فرماندهی کل یعنی مقام سلطنت است.

برای نقض اساسی‌ترین حقوق بشر در ایران کفایت گفته شود که اداره و اختیار و مسئولیت در تمام مسائل کشور (اعم از داخلی و خارجی) در وجود شخص پادشاه متمرکز شده است بدون آنکه احدی بتواند بطور علنی از افکار و اعمال ایشان انتقاد کند و حال آنکه طبق قانون اساسی ایشان از مسئولیت مبرا هستند. بدون تردید ملاک واقعی آزادی بیان و قلم و عقیده در هر مملکتی امکان انتقاد آزاد و قانونی از زمامدار و رئیس مملکت است علی‌الخصوص انتقاد از رئیس غیر مسئول مملکت که برخلاف اصول مشروطیت و قانون اساسی تمام اختیارات موجب مسئولیت را در شخص خود متمرکز نماید. در کشور ما از حدود یک ربع قرن حتی یک نفر مجاز نبوده و نیست از شخص پادشاه حتی در مسائل خیلی ساده و عادی انتقاد کند و هرگونه انتقادی خطری مسلم بدنبال داشته است و باین سبب فرمانها

و اصول پیشنهادی مقام سلطنت (اگرچه متضمن دهها عیب و نقص و خطر عمومی بوده و دهها مشکل حیاتی به اقرار خودشان در یک مصاحبه استثنائی با روزنامه کیهان ایجاد می‌نماید) بدون چون و چرا وسیله نخست‌وزیران و وزرای منصوب و مبعوث شخص پادشاه اجرا شده و کماکان اجرا میشود و چون (نظارت ملی) بمفهوم واقعی و مورد نظر اعلامیه جهانی حقوق بشر در عملیات و اقدامات پادشاه و دولت وجود ندارد لذا حقوق مردم مستمرا" ضایع و پایمال میگردد.

هیئت حاکمه ایران ظرف بیست و چهار سال گذشته با نقض مکرر ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون اساسی ایران مشارکت مردم را در انتخابات مجلسین و بالنتیجه در اداره امور مملکت از آنان سلب کرده است - انتخاب شوندگان جز با تایید ساواک و با آراء مجعول و ساختگی انتخاب نمیشوند و افراد مردم آنان را نمیشناسند و اگر بشناسند شایسته نمایندگی خود نمی‌دانند. افرادی که به مجلسین راه یافته‌اند در حقیقت نمایندگان انتصابی دولت هستند که جز اجرای اوامر هیئت حاکمه یا تصویب بی‌چون و چرای لوایح دولت (که در اغلب موارد مغایر مصالح عمومی است) توانائی اقدام و اجازه اظهار عقیده مخالف نظریه پادشاه ایران و دولت مبعوث ایشان را ندارند. این سیستم قانونگذاری در ایران علاوه بر منافات محقق آن با اعلامیه جهانی حقوق بشر (یعنی سلب امکان مشارکت واقعی ملت ایران در اداره امور عمومی کشور) آشفتگی و بحران خطرناک در اغلب امور و مسائل مهمه عمومی ایجاد کرده است که موجب نگرانی روزافزون و توسعه عدم رضایت ملت است که در موقعیت خاص سیاسی و جغرافیائی ایران نمی‌تواند ناچیز و نادیده انگاشته شود.

صلاحیت قوه قضائیه نیز بتدریج محدودتر گردیده، درهم شکسته است و قوه مجریه با تاسیس مراجع اختصاصی زمام (مراجع فاقد صلاحیت علمی و فنی و معنوی) رسیدگی به قسمت اعظم اختلافات و دعاوی را در اختیار گرفته است که اهم آنها دادرسی در مورد اتهامات سیاسی است که حتی بر خلاف نص صریح قانون اساسی کماکان در اختیار محاکم نظامی باقی مانده است.

یک تذکار مهم:

ممکن است اعلیحضرت پادشاه و دولت دست نشانده شخص ایشان مدعی

شوند که اخیراً "مردم ایران از نوعی آزادی انتقاد راجع به مسائل و مشکلات عادی زندگی (برق - ترافیک - مواد غذایی - گرانی - تورم - آموزش - مسکن - بیمه و درمان و نظایر آنها) برخوردارند و نیز ممکن است مقام سلطنت و دولت ادعا کنند که عده‌ای از زندانیان سیاسی آزاد شده‌اند یا وضع زن آنها بهبود یافته شکنجه تخفیف یافته است .

این ادعا فقط در حفظ تظاهر و حفظ صورت ظاهر میتواند مورد توجه قرارگیرد زیرا انتقاد در کوچه و بازار و محافل خانوادگی راجع به مسائل غیر سیاسی و مایحتاج عادی (به سبب درماندگیهای زیاد دولت در تامین وسایل زندگی مردم با وجود تمام امکانات مالی و غیر مالی ظرف چند سال اخیر) به درجه‌ای رسیده است که هیئت حاکمه جلوگیری از بروز و ظهور آنرا در مصلحت خود تشخیص نمیدهد .

و اما حقیقت اینست که با وجود فشار افکار عمومی دنیا و با فشارهایی که در سطح بین‌المللی بعمل آمده است متأسفانه هنوز هیچیک از چاپخانه‌ها مطلقاً "اجازه چاپ و انتشار چند نامه و بیانیه" انتقادی را نیافته‌اند و تمام آنها با دست یا ماشین تحریر در شرایط دشوار بطور مخفی تهیه و تکثیر شده است و هیئت حاکمه به هیچ یک از اعتراضات موضوع نامه‌ها و بیانیه‌ها نیز که بصورت مستدل و مستند ابراز گردیده واقعی ننهاده است و ما اساساً "به این سبب به سازمان ملل روی آورده ایم .

از زندانیان سیاسی عده قلیلی که اغلب بدون علت و به صرف سوءظن و بدگمانی ماهها و سالها در زندان مانده یا مدت محکومیت آنان از مدتها پیش منقضی بوده است به شرط تقاضای عفو و بخشش آزاد شده‌اند و هنوز از آزادی زندانیانی که از لحاظ هیئت حاکمه ایران اتهامات موثر داشته‌اند خبری نیست . شکنجه‌ها تخفیف نیافته ، کیفیت آنها تغییر یافته است . محاکمات سیاسی غیرعلنی کماکان در دادگاههای غیر صالح نظامی ادامه دارد .

مقامات سازمان ملل بخوبی اطلاع دارند که هیئت حاکمه ایران باتدارک و پیش‌بینی‌های وسیع همواره تدابیری اتخاذ کرده و میکند که وضع واقعی زندانها و زندانیان سیاسی و صدماتی که جسماً و روحاً بر آنان وارد آمده است مکتوم بماند و عده واقعی زندانیان و علل محکومیت آنان هرگز افشا نشود .

مصادیق بارز نقض حقوق بشر در ایران

مقام سلطنت‌طی مصاحبه خود (سوم نوامبر ۱۹۷۷) با سردبیر مجله نیوزویک در جواب این سؤال که چرا آزادی انتخابات و دمکراسی را در ایران مستقر نمی‌سازند و بالاخره کار حقوق بشر در ایران بکجا رسیده است جواب داده‌اند:

(انتخابات سال گذشته آزادترین انتخابات در تاریخ ما بود و اکثریت عظیم مردم از اصول حزب جدید پیروی میکنند و خود را در قبال آن متعهد میدانند... سیستم امروزی ما قابل ارائه‌ترین سیستم موجود در هر کجاست...))، ((در مورد حقوق بشر به تمام جهانیان میگوئیم و نشان میدهیم که تا سرحد خیانت تحمل خواهیم کرد ما تغییراتی در قوانین خود داده‌ایم تا به مردم امکان بیشتری برای دفاع از خود و احقاق حق داده شود و در زندانها رفتار بهتری اعمال گردد و غیره)).

ما به استناد مدارک موجود در سازمان ملل و جمیع مراکز بین‌المللی حمایت از حقوق بشر میبینیم که متأسفانه اظهارات مقام سلطنت منطبق با واقع نیست. در ایران فقط با حربه تهدید و تطمیع صحنه‌هایی از فعالیت انتخاباتی همچنن تظاهراتی بطرفداری صوری از پادشاه فراهم و یا جشن‌هایی گرفته میشود درست به همان ترتیب و کیفیتی که در مورد مسافرت اخیر پادشاه به آمریکا عمل شده است.

در انتخابات اخیر بر فرض محال که آزاد میبود مردم شرکت نکردند زیرا شرط مشارکت در انتخابات عضویت در حزب پادشاهی رستاخیز است - دنیا میدانده که سیستم امروزی ایران (سیستم تک‌حزبی) به اعتراف شخص پادشاه در کتاب ما موریت برای وطنم یکی از مظاهر فاشیسم و دیکتاتوری است - بنابراین نه تنها قابل ارائه‌ترین سیستم نیست بلکه محکوم و مردود است و احدی به میل و رغبت و رضا عضویت حزب پادشاهی را نپذیرفته است.

و اما در مورد (تحمل حقوق بشر تا سرحد خیانت) متأسفانه مرز و ماخذ و معیاری از لحاظ هیئت حاکمه ایران برای (خیانت) وجود ندارد. کافیسست بخاطر بی‌اوریم که انشاء یک دختر دانشجوی شانزده ساله در انتقاد از انقلاب سفید شاه

نزد محاکم نظامی خیانتی با مجازات حبس ابد تلقی شده است.

مقام سلطنت طی مصاحبه دهم نوامبر ۷۷ با خبرنگاران شیکاگو تریبون (عمل مغایر با منافع دولت) را خیانت معرفی کرده‌اند. متأسفانه (منافع دولت) و (عمل مغایر با آن) از لحاظ مقام سلطنت مفهوم و دامنه گسترده‌ای دارد که حتی هرگونه انتقادی را در بر میگیرد یعنی مخالفت هر ایرانی با هر قسمت از اعمال پادشاه و دولت حتی در چهار چوب قانون اساسی ایران (عمل مغایر با منافع دولت) و (خیانت) تلقی میشود.

امکانات عملی برای دفاع نیز هنوز وجود ندارد و رفتار بهتر در زندانها با زندانیانی که اتهام اکثریت قریب باتفاق آنان (مطالبه آزادی و دموکراسی و استقرار حقوق بشر) بوده و اساساً "نباید در زندان بمانند، روش حکومت فعلی مملکت را توجیه نمیکند.

و اما بر فرض محال که ادعای مقام سلطنت در موارد مذکور صحیح و قابل توجیه باشد نکته مهم اینست که مصادیق ثابت و بارز و اساسی نقض حقوق ملت ایران یعنی: "حکومت فردی و استبدادی"، "فقدان قوه مقننه منتخب مردم"، "فقدان قوه قضائیه بیطرف و مستقل از قوه اجرائیه" و بالاخره "فقدان آزادی واقعی بیان و قلم و اجتماعات خصوصاً" در امور و مسائل سیاسی مملکت "کماکان باقیست.

ادامه وضع حاضر و دوام حکومت مطلقه فردی (و به تعبیر مقام سلطنت - نظام شاهنشاهی) موجب بروز و ظهور انواع تنگناها به سبب "ضعف بازدهی مدیریت دولت"، "سلب شخصیت و نفی ارزش انسانها"، "توسعه فساد و تباهی" گردیده و ناراضی در تزايد اکثریت قریب به اتفاق ملت ایران از حکومت استبدادی و محرومیت‌های ناشی از آن، کشور ما را در معرض مخاطرات گوناگون قرار داده‌است. مقام سلطنت ایران بدفعات طی مصاحبه‌های خود اذعان و اقرار نموده‌اند که حاکم و رهبر مطلق العنان مملکت هستند و بتنهائی حکومت میکنند و بنظر ایشان تمتع ملت ایران از حقوق بشر فرع بر استقرار دموکراسی اقتصادی است. رئیس مجمع جهانی حقوق بشر در نامه خود به اعلیحضرت نوشته‌اند:

"ادعای اینکه دولت ایران به دنبال تحقق حقوق اقتصادی و اجتماعی

است بهانه و عذری بیش برای نقض حقوق مدنی و سیاسی نیست مجموعه‌ای از حقوق در گرو مجموعه‌ای دیگر از حقوق نیستند و حقوق اقتصادی و اجتماعی نباید برتر از حقوق مدنی و سیاسی تلقی گردد. " صرف نظر از اینکه حکومت فردی در جهان امروز قابل توجیه نیست اساساً دموکراسی اقتصادی پادشاه فقط توانسته است افرادی را که در کنار مقام سلطنت و عمال دولت دست نشانده ایشان قرار دارند و هنر آنان تظاهر به شاهدوستی است بصورت فئودال‌های (تجارت)، (صنعت)، (زمین)، (ساختمان)، (مواد غذایی) بر سی میلیون مردم ایران مسلط سازد، تسلطی که علت العلل تنگناها و فساد و تورم و گرانی است و به همین سبب امکان تأمین زیربنائی و پایدار و اساسی احتیاجات حیاتی و تأمین استقلال واقعی مملکت از ملت ایران سلب شده است و ثروت‌های کشور به سود افراد مذکور و بضرر مردم از مجرای مطلوب و طبیعی آن منحرف گردیده است که این خود هم از مصادیق بارز و مهم نقض حقوق بشر در ایران است.

اعلیحضرت طی مصاحبهٔ دهم نوامبر ۷۷ با خبرنگاران شیکاگو تریبون در مورد شکنجه و سرکوبی مخالفان سیاسی (که به خشونت متوسل نشده‌اند) متأسفانه برخلاف واقع تمام زندانیان سیاسی را به خشونت و تروریسم متهم ساخته با تحقیق از طرف یک سازمان بین‌المللی در این باب نیز شدیداً "مخالفت کرده‌اند. در اینجا مناسب میدانیم به قسمت دیگری از نامهٔ آقای جروم جی شستاک رئیس مجمع جهانی حقوق بشر خطاب به آقای سایروس وانس اشاره کنیم:

"مخالفت نسبت به روش پادشاه محدود به گروه‌های راست افراطی و چپ افراطی نیست و فقط با اعمال قهرآمیز متجلی نمیشود. لیست زندانیان سیاسی که در نزد ما موجود است نشان میدهد که اپوزیسیون شامل نویسندگان - دانشمندان - دانشجویان - رهبران مذهبی و کارگران است و نارضایتی عمومی در ایران نه تنها ناشی از سیاست‌های سرکوب‌کننده دولت است بلکه ناشی از شکست اصلاحات است. دولت ایران زندانیان سیاسی را که طبق برآورد گروه‌های حقوق بشری قینا" بیش از پنج هزار نفر میباشد (خطری برای امنیت کشور) معرفی میکند

ولی معلوم نیست بنظر دولت ایران چه چیزی (خطر برای امنیت - کشور) محسوب میشود. معنی حقیقی آنرا خود شاه هنگام استقرار نظام تک‌حزبی نشان داده گفت: (کسانی که مایل به پیوستن به حزب نیستند میتوانند کشور را ترک کنند یا بزدان بروند). عده‌ای از همین نه پیوستگانش که دستگیر و شکنجه شده و وسیله دادگاههای نظامی بزدان افتاده‌اند.

وضع خفقان‌آمیز ضدانسانی در کشور ما (بشرحی که در نامه رئیس مجمع جهانی حقوق بشر تشریح و مستنداً "تایید شده است) نه تنها خلاف حیثیت و اعتبار جامعه بشری است بلکه با منافع و مصالح حال و آینده ملت ایران و حتی با مصالح جهانی مغایرت دارد.

ما امضاء کنندگان به‌ندای وجدان و رسالت خطیری که در این روزهای حساس تاریخ ایران برعهده داریم از اعضاء سازمان ملل متحد بالاخص اعضاء کمیسیون حقوق بشر که اجرای اعلامیه جهانی حقوق بشر را درپهنه جهان برعهده گرفته‌است، انتظار داریم ملت ایران را در اقداماتی که برای تحقق آزادی و دموکراسی و اجرای یکپارچه قانون اساسی ایران بعمل می‌آید یاری دهند.

با توجه باینکه برخورداری از حقوق و آزادیهای اساسی شرط لازم حیات سالم اجتماعی و تعالی و عزت آدمی است، ملت ایران طبق ماده ۲۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر طالب برقراری نظمی در مملکت خود میباشد که از لحاظ اجتماعی و بین‌المللی حقوق و آزادیهای موضوع اعلامیه را بمفهوم صحیح و واقعی و عملی آن تامین نماید.

ما برای نیل باین هدف مشروع، دفاع از آزادی و حقوق بشر را در ایران وجهه همت خود قرار داده‌ایم و ایمان راسخ داریم که کوشش‌های ما منطبق با مصالح عالیه ملت ایران خواهد بود و کشور ما را از (امنیت) و (ثبات) پایدار و واقعی که متضمن مصلحت جهانی در این منطقه نیز میباشد برخوردار خواهد ساخت. با آرزوی موفقیت بیشتر شما، خواهش می‌کنیم احترامات فائقه ما را بپذیرید. کمیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

حاج سید ابوالفضل موسوی زنجانی: پیشوای مذهبی

شمس آل احمد: دبیر فرهنگ و نویسنده

مهندس مهدی بازرگان: استاد دانشگاه - رئیس سابق دانشکده فنی - اولین مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران در زمان خلع ید از شرکت نفت ایران و انگلیس

مهندس صالح بنافتی: مهندس نفت

عبدالعلی پرتوعلوی: استاد سابق دانشگاه - مترجم

دکتر حبیب الله پیمان: استادیار سابق دانشگاه - پزشک - نویسنده

دکتر نورعلی تابنده: قاضی سابق و وکیل دادگستری

دکتر علی اصغر حاج سیدجوادی: مولف - روزنامه نگار - نویسنده و مترجم

مهندس کاظم حسینی: استاد سابق دانشگاه تهران - نماینده سابق مجلس

شورایملی و عضو هیئت‌های اجرائی قانون ملی شدن نفت.

خلیل الله رضائی: بازرگان

دکتر کاظم سامی: روانپزشک و محقق علوم اجتماعی

دکتر یدالله سحابی: استاد سابق دانشگاه تهران و مدیرکل سابق وزارت

فرهنگ

دکتر کریم سنجابی: وزیر سابق فرهنگ - استاد سابق دانشکده حقوق

تهران - نماینده ایران در دیوان دآوری بین‌المللی لاهه در جریان رسیدگی

به اختلاف ایران و انگلیس

دکتر علی شریعتمداری: استاد دانشگاه اصفهان - رئیس سابق دانشکده علوم

اصفهان

مهندس هاشم صباغیان: عضو هیئت مدیره انجمن اسلامی مهندسين -

مدیر فنی در بخش خصوصی.

احمد صدر حاج سیدجوادی: دادستان سابق تهران - وکیل دادگستری

رحیم صفاری: نویسنده و روزنامه نگار

دکتر رحیم عابدی: استاد سابق دانشگاه تهران و رئیس سابق پلی تکنیک

تهران - مدیر صنعتی و بازرگانی در بخش خصوصی

اسلام کاظمیه: نویسنده و مترجم

دکتر عبدالکریم لاهیجی: وکیل دادگستری

دکتر اسدالله مبشری: مدیرکل وقاضی عالیرتبه سابق دادگستری - نویسنده

و مترجم

سید احمد مدنی: استاد دانشگاه

علی اصغر مسعودی: معاون اسبق دارائی ارتش - وکیل مدافع بعضی از

زندانیان سیاسی در محاکم نظامی

مهندس رحمت‌الله مقدم: نماینده سابق مجلس شورایی - مدیر فنی و

بازرگانی در بخش خصوصی

دکتر محمد ملکی: استاد دانشگاه - پزشک

دکتر ناصر میناچی: وکیل دادگستری و رئیس هیئت مدیره کانون مذهبی

حسینی، ارشاد

حسن نزیه: قاضی اسبق - مدیرکل سازمان بیمه‌های اجتماعی - نایب‌رئیس

سابق کانون وکلا و عضو فعلی هیئت مدیره آن

دکتر منوچهر هزارخانی: پزشک - نویسنده

دکتر ابراهیم یونسی: نویسنده و مترجم

اعلام تاء سیس کمیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

۱۹ آذر ۵۶

با تائید خداوند متعال

بدینوسیله تأسیس کمیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر
را برطبق نامه ذیل که برای دبیرکل سازمان ملل متحد ارسال شده است باستحصار
هموطنان عزیز میرسانیم .

کمیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر
مهدی بازرگان - کریم سنجابی

نامه به نخست وزیر و اعتراض به مقاله مندرج در روزنامه اطلاعات مورخه ۱۳۵۶/۱۰/۱۷ که در آن بساحت پیشوای ارجمند اسلام اهانت شده بود

تهران بتاريخ ۱۳۵۶/۱۰/۲۱

جناب آقای نخست وزیر

در آستانه ورود آقای کورت والدهایم دبیر کل سازمان ملل متحد به ایران فاجعه کشتار مردم بی پناه شهرستان قم را میتوان یکی از مظاهر شرم آور نقض حقوق بشر در ایران شمرد. علت وقوع فاجعه خود بسیار دردناک و غم انگیز است: در صفحه هفدهم از شماره ۱۵۵۰۶ روزنامه اطلاعات مورخ ۱۷ دیماه ۱۳۵۶ مقاله‌ای تحت عنوان (ایران و استعمار سرخ و سیاه) به قلم احمد رشیدی مطلق (که بنظر میرسد نامی مجعول و مستعار است) انتشار یافت که طی آن بساحت ارجمند پیشوای معظم و مورد علاقه خاص شیعیان حضرت آقای روح الله خمینی مورد افترا و اهانت و هتک حرمت قرار گرفته بود بطوریکه برای تمامی مردم مسلمان ایرانی بسی طاقت فرسا و گران آمده نفرت و انزجار عمومی را برانگیخت.

در شهرستان قم که از مراکز مهم روحانیت شیعه و محل تجمع و تربیت طلاب و علمای دین است و آیت الله خمینی یکی از مراجع و اساتید آن بوده‌اند، مقاله مذکور موجب تحریک و تنفر بیشتر مردم گردید. مجالس درس و بحث علمی و مذهبی روزهای ۱۸ و ۱۹ دیماه بعنوان اعتراض تعطیل شد و مردم متألم و معترض که در بین دستگاههای دولتی مرجع و ملجائی برای تظلم نداشتند و ندارند به خانه‌های مراجع معظم و علمای قم روی آوردند و عصر روز نوزدهم دیماه برای دعا

و عقده‌گشائی بحالت اجتماع با کمال متانت و آرامش به سمت حرم و خانه یکی از آقایان علماء به حرکت درآمدند ولی در مسیر خود از جنوب به شمال شهر بدون هر گونه علت موجهی با ممانعت خشونت‌آمیز افراد پلیس مواجه شدند، توضیح نمایندگان جمعیت مبنی بر اینکه قصد سوئی ندارند و مرتکب کوچکترین عمل خلاف نظم نخواهند شد در افراد پلیس موثر واقع نمیشود و موقعی که عده‌ای از بین جمعیت سعی میکنند به راه خود ادامه دهند پلیس بدواً "به ایراد ضرب با چوب و باتون متوسل میگردد و سپس بیرحمانه به روی مردم بیگانه و بی‌پناه آتش می‌گشاید که در همان لحظه‌های اول هشت نفر در مقابل مدرسه حجت کشته میشوند و سپس طی مدت تیراندازی که هدف آن ایجاد رعب و ترس و سرکوبی مردم در برابر یک حرکت و اعتراض ساده بوده ده‌هائیکه به خاک و خون کشیده میشوند و سطح خیابانها از عده زیادی کشته و مجروح پوشیده میشود. تیراندازی تا پاسی از شب ادامه می‌یابد و دانش‌آموزان مدارس که قادر به خروج نبوده‌اند در محل مدرسه می‌مانند و این خود بر ماتم و تاثر و نگرانی اولیاء اطفال می‌افزاید.

موضوع اسفانگیز دیگر اینست که حضرت آیت‌الله گلپایگانی از مردم دعوت می‌کنند که در بیمارستانها حاضر شده برای نجات عده مجروح خون اعطا کنند ولی افراد پلیس مانع ورود اشخاص به بیمارستانها میشوند و عده‌ای از آنان را دستگیر و بازداشت می‌کنند حتی بعضی از مجروحین بستری را هم از بیمارستان به شهربانی جلب کرده‌اند. از همانروز نیروهای نظامی و پلیس با تمام تجهیزات در خیابانهای قم رفت و آمد می‌کنند بازار و مدارس و حوزه‌های علمیه کماکان تعطیل است و در تهران شایع شده است که احتمالاً "عده‌ای از علمای قم دستگیر و تبعید خواهند شد و ما امیدواریم این شایعه صحت نداشته باشد که در حکم نمک بر روی زخم مردم مظلوم و جریحه‌دار قم خواهد بود. شهر مذهبی قم اینک به یک شهر مغلوب دشمن در زمان جنگ بیشتر شباهت دارد.

آقای نخست‌وزیر

گفته میشود روزنامه‌اطلاعات ملزم به انتشار مقاله حادثه آفرین مذکور بوده ولی برای دولت بخوبی قابل پیش‌بینی بوده است که چاپ و انتشار چنان مقاله‌ای

ممکن است به فاجعه خونینی منتهی گردد و دهها خانواده را عزادار سازد. در تهران بین مردم این سؤال مطرح است که اساساً "چرا باید از حرکت آرام و مسالمت‌آمیز عده‌ای در خیابانها اعم از قم یا شهرستانهای دیگر ممانعت شود؟ در کشوری که با اجازه قانون اساسی و اعلامیه‌جهانی حقوق بشر هرکس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد و میتواند آزادانه مجامع و اجتماعات مسالمت‌آمیز تشکیل دهد و بعنوان عضو اجتماع از حق امنیت اجتماعی برخوردار شود چرا از یک حرکت مسالمت‌آمیز جلوگیری می‌کنند؟ در کشوری که هیئت حاکمه و حزب واحد دولتی آن مدعی هستند که ملت ایران پشت و پناه آنها است چرا مقامات دولتی از کمترین حرکت و اجتماع مردم آن چنان دستخوش وحشت و اضطراب می‌گردند که به چوب و چماق و مسلسل متوسل میشوند؟

کمیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر از جناب عالی و دولت مصرا "خواستار است:

۱ - نویسنده مقاله سراپا کذب و اهانت نسبت به یکی از مراجع معظم تقلیدشناسائی و به ملت ایران معرفی و بنام حفظ حرمت اسلام برای تعقیب از نظر نشر اکاذیب به مراجع قضائی معرفی گردد.

۲ - نویسنده و ناشر خبر مجعول و مکذب مندرج در روزنامه‌ها که طی آن بخشنامه‌وار ادعا شده است عده‌ای در قم بر علیه آزادی‌نسون آشوب به راه انداخته به کلانتری حمله برده‌اند، تعقیب شوند.

۳ - عمال کشتار فجیع قم برای اطلاع ملت ایران معرفی و بمنظور تعقیب و مجازات در اختیار مراجع قضائی قرار گیرند. بهر حال رسیدگی به علل وقوع این حادثه شرم‌آور و تعقیب عمال آن در طریق صیانت امنیت و حقوق افراد بر عهده شما است و چنانچه باین تکلیف عمل نفرمائید بعنوان رئیس دولت شما "مسئول تلقی خواهید شد.

با احترام و درانتظار اقدام قانونی عاجل
کمیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

رونوشت این نامه جهت اطلاع دبیرکل سازمان ملل متحد فرستاده میشود.

متن خطابه به حضار اولین

مصاحبه مطبوعاتی کمیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

پنجشنبه ۱۳۵۶/۱۰/۲۲

حضار محترم!

از اینکه دعوت ما را پذیرفته و در این جلسه شرکت فرموده‌اید تشکر می‌کنیم. منظور از دعوت، اعلام تاسیس (کمیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر) است. اعضاء هیئت مؤسس عده‌ای از افراد این مملکت هستند که با سابقه فعالیت‌های سالم و قانونی و وطن دوستانه سیاسی و اجتماعی و نیز با سابقه خدمات مذهبی - دانشگاهی - حقوقی - اقتصادی و مطبوعاتی از طریق تصدی امور مهمه مملکت در سطوح مختلف مانند میلیونها هموطن خویش در برابر امور و مسائل جاریه مملکت مسئولیت عظیم فردی و اجتماعی را با تمام وجود احساس می‌کنند و بی تفاوتی در مورد اوضاع فعلی و سلب آزادیهای عمومی و نقض مستمر حقوق انسانی را که رفته رفته ممکن است به مصائب خطیر خانه براندازی منجر گردد از لحاظ مملکت و ملت گناهی نابخشودنی در برابر خدا و خلق خدا میدانند.

هیئت مؤسس پس از یک رشته تبادل نظر و بررسی همه جانبه برای ایفای وظایف بزرگ ملی و انسانی به تاسیس (کمیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر) پرداخت و تشکیل آنرا طی مشروحه مبسوطی به دبیرکل سازمان ملل متحد در نیویورک اعلام نمود که اینک یک نسخه از آن در همین مجلس بین حاضرین محترم توزیع میگردد.

لازم است توضیح داده شود که هرچند تاسیس احزاب سیاسی حق قانونی

کلیه افراد ملت ایران است ولی این کمیته یک حزب سیاسی نیست بلکه یک جمعیت تعاون ملی است و به هیچ یک از سیاستهای خارجی بستگی نداشته و نخواهد داشت. بدیهی است کمیته با جمع موءسسات ملی و بین المللی که برای آرمان حقوق بشر و صیانت حقوق طبیعی و قانونی افراد مجاهدت دارند، همکاری خواهد نمود و از کمکهای فکری و عملی آنان برخوردار خواهد شد. روش ما مبتنی بر یک رشته فعالیت‌های معتدل و قانونی در چهارچوب قانون اساسی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر خواهد بود.

این روش از لحاظ حقوق عمومی و ملی متکی بر آن اصول از قانون اساسی است که قوای مملکت را ناشی از ملت میداند و نظام مشروطیت و حکومت پارلمانی، آزادی انتخابات، آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعات و احزاب سیاسی را مقرر میدارد و همچنین ماده بیست و یکم اعلامیه جهانی حقوق بشر که تصریح مینماید:

"هرکس حق دارد در اداره امور عمومی کشور خود خواه مستقیماً" و خواه با وساطت نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند شرکت جوید. اساس و منشاء قدرت حکومت اراده مردم است. این اراده باید بوسیله انتخاباتی ابراز گردد که از روی صداقت و بطور ادواری صورت پذیرد، انتخابات باید عمومی و با رعایت مساوات باشد و با رای مخفی یا طریقه‌ای نظیر آن انجام گیرد که آزادی را تامین نماید".

در مورد دفاع از حقوق فردی نیز فعالیت ممتکی بر آن اصول از قانون اساسی است که (افراد مردم را از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض) اعلام میدارد و همچنین مبتنی بر اصول اساسی اعلامیه جهانی حقوق بشر است از جمله ماده بیست و یکم* آنست که مقرر میدارد.

"هرکس میتواند بدون هیچگونه تمایز مخصوصاً از حیث نژاد - رنگ - جنس - زبان - مذهب - عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت و وضع اجتماعی - ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر از تمام

حقوق و کلیه آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است بهره‌مند گردد".

و مواد - سوم - چهارم - ششم - نهم - دوازدهم - نوزدهم - بیستم - بیست و دوم - و بیست و هشتم همان اعلامیه ناظر بر حق آزادی و امنیت شخصی - منع شکنجه و مجازات و رفتار خلاف شئون بشری - شناسایی شخصیت انسان در برابر قانون - منع توقیف و حبس خودسرانه - منع مداخله‌های خودسرانه در اقامتگاه و مکاتبات افراد - منع تعرض و حمله به شرف و اسم و رسم آنها - حق آزادی عقیده و بیان و انتشار آنها - حق تشکیل آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز - منع الزام و اجبار افراد به شرکت در جمعیتها - حق داشتن امنیت اجتماعی و حق مطالبه برقراری نظمی که حقوق و آزادی‌های موضوع اعلامیه را تامین نماید .

ما هرگونه تجاوز به حقوق عمومی و هرگونه نقض حقوق فردی را محکوم نموده و با تمام امکانات خود به دفاع از اشخاص و جمعیت‌ها و گروه‌هایی خواهیم پرداخت که حقوق انسانی آنها مورد تعدی و تجاوز قرار گیرد .

ما امیدواریم با مخالفت و مزاحمت‌های مستقیم و غیر مستقیم دولت مواجه نشویم . از نمایندگان محترم مطبوعات و خبرگزاریها و موسسات بین‌المللی حافظ حقوق بشر انتظار داریم که ما را در این طریق تأیید و تقویت نمایند .

اساسنامه کمیته پس از تصویب نهائی هیئت مؤسس اعلام خواهد شد . از همکاری و اقداماتی که بنام (حق) و (قانون) و (آزادی) برای احیاء حقوق ملت ایران معمول خواهید داشت قبلاً " تشکر میکنیم .

کمیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

شرح اولین مصاحبه مطبوعاتی کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر

پنجشنبه ۱۳۵۶/۱۰/۲۲

روز پنجشنبه ۲۲ دیماه ۱۳۵۶ مطابق با دوم ژانویه ۱۹۷۸ جلسه مصاحبه مطبوعاتی (کمیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر) در ساعت ۴ بعد از ظهر با حضور هیئت اجرائیه کمیته و جمعی از اعضاء هیئت مؤسس، باشکرت نمایندگان خبرگزاریهای (آسوشیتدپرس)، (یونایتدپرس)، (رویتر)، (بی بی سی)، (واشنگتن پست)، (گاردین) تشکیل گردید. نمایندگان خبرگزاریهای (تاس)، و (آلمان) و نمایندگان مطبوعاتی روزنامه‌های (کیهان)، (آیندگان)، (پیغام امروز) که دعوت شده بودند حضور نیافتند. از طرف روزنامه (اطلاعات) آقای بلوچ شرکت داشت. نماینده خبرگزاری (فرانس پرس) بعلت گرفتاری در محل دیگر از عدم شرکت در جلسه عذرخواسته و خواهش کرده بود که اوراق و مطالب مربوطه برای او فرستاده شود.

بدو آقای دکتر کریم سنجابی بنمایدگی از طرف هیئت اجرائیه از حضور نمایندگان خبرگزاریها سپاسگزاری نموده و تاسیس کمیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر را بشرح پیوست اعلام کرد، سپس سئوالات نمایندگان خبرگزاریها بشرح ذیل مطرح گردید و به آنها پاسخ داده شد:

س- آقای دکتر سنجابی آیا امروز که این جلسه مطبوعاتی را تشکیل داده‌اید اولین روز تاء سیس کمیته حقوق بشر خواهد بود؟
ج- این کمیته مدتی است تشکیل شده و تشکیل آنهم به دبیرکل سازمان

ملل متحد طی مشروح مبسوطی اعلام و ابلاغ شده. ولی امروز اولین روزی است که آقایان نمایندگان مطبوعات و خیرگزاری‌ها دعوت شده‌اند تا از تشکیل این کمیته و اصول هدفها و فعالیت آن اطلاع حاصل کنند.

س- به چه طریقی شما میخواهید از حقوق فردی دفاع کنید؟

ج- متأسفانه در برابر دستگاه جابر و زورگو که حاضر به تبعیت از قانون و حتی شنیدن حرف حق نیست ما وسائل کاملاً "موشری در اختیار نداریم، با وجود این با تمام وسائل قانونی ممکن اقدام میکنیم، از آن جمله نقض حقوق بشر را از طرف دستگاه حاکمه و مقامات دولتی تا آنجا که بتوانیم بر ملا میسازیم که دنیا و مردم ایران از آن اطلاع پیدا کنند. و همچنین با تمام امکاناتی که داریم کوشش خواهیم کرد از حقوق افراد و جمعیتها و گروهها دفاع کنیم خواه بوسیله مطبوعات و انتشارات باشد و خواه با تعاون قضائی در دادگاهها و مقامات صلاحیت‌دار دادگستری.

س- آیا انتظار دارید که افراد کثیری از وکلای دادگستری بشما در این امر

کمک و مساعدت نمایند؟

ج- مسلماً، عده کثیری از وکلای دادگستری که غالب آنها مردمان آزاده و میهن‌پرست هستند در این امر با ما مساعدت خواهند کرد. چنانکه در همین هیئت‌موسس کمیته حقوق بشر جمعی از حقوق‌دانان و وکلای درجه اول دادگستری شرکت دارند.

س- آیا جوابی از (کورت والدهایم) دریافت کرده و انتظار دارید که او

را به هنگام اقامت در تهران ملاقات نمائید؟

ج- ما به آقای (کورت والدهایم) هم تلگراف کرده‌ایم و هم در اینجا بوسیله نمایندگی سازمان ملل متحد در تهران که قاعدتاً "با آقای کورت والدهایم ارتباط پیدا خواهد کرد نامه نوشته و درخواست کرده‌ایم که با مشارالیه ملاقات نمائیم و او را از چگونگی وضع حقوق بشر در ایران مطلع سازیم و انتظار داریم که به ما پاسخ بدهند ولی متأسفانه هنوز جوابی از ایشان نرسیده است.

س- این طور که من اطلاع یافته‌م دفتر نمایندگی سازمان ملل متحد در ایران

حق ارسال نامه‌هایی از این قبیل را ندارد یعنی آنکه احتمال کلی دارد که

(کورت والد‌هایم) نامه شما را در تهران دریافت نکرده باشد؟

ج - ما وسیله دیگری در تهران برای ارتباط با ایشان نداشتیم ولی بخود ایشان هم مستقیماً در نیویورک تلگراف کرده‌ایم .

س - بطور دقیق این کمیته در چه تاریخی تشکیل شده است؟

ج - ۱۶ آذر مطابق با ۷ دسامبر ۱۹۷۷ .

س - این کمیته شما چند بار تاکنون تشکیل جلسه داده است؟

ج - ما هفته‌ای یکبار با یکدیگر ملاقات میکنیم .

س - آیا دلایل وموجبات قانونی وجود دارد که حکومت از تشکیل این جلسات

جلوگیری نماید؟

ج - خیر، هیچ‌گونه دلیل قانونی وجود ندارد .

س - آیا لازم است که این کمیته را مثبت برسانید؟ واقدامی برای آن کرده‌اید؟

ج - بله، ما کوشش خواهیم کرد که این کمیته را که تشکیل آن قانونی است

برطبق مقررات مملکتی به ثبت برسانیم . ولی بسیار ممکن است با ثبت آن عملاً مخالفت کنند .

س - آیا شما با سازمان‌های بین‌المللی و کمیته‌های دیگر حقوق بشر همکاری

خواهید داشت؟ بطوریکه اطلاع دارید در سال گذشته جمعی از نمایندگان مجلس

و سنا در ایران یک کمیته حقوق بشر تشکیل داده‌اند، آیا شما با آنها و آنها با

شما روابط و همکاری خواهید داشت؟

ج - متأسفانه در مملکت ما بسیاری از امور ظاهری و تصنعی وجود دارد که

فاقد واقعیت است . طبیعی است ما با موسساتی که فقط بقصد تظاهر و تبلیغ و

ظاهرسازی ونمایش بین‌المللی عنوانی بخود میدهند نمیتوانیم همکاری و همراهی

داشته باشیم .

س - آیا دلیل خاصی برای تشکیل کمیته در روز ۱۶ آذر داشته‌اید؟

ج - خیر دلیل خاصی وجود نداشته است .

س - آقای دکتر سنجابی واقعه اخیر قم را چگونه تفسیر میکنید؟

ج - عرض کنم موقعی که ما دعوت کردیم این جلسه را تشکیل بدهیم فاجعه

اسفناک قم هنوز اتفاق نیفتاده بود . این اتفاق در واقع تمام ملت ایران و شاید

بتوان گفت جهان اسلام را عزادار کرده است. بطوریکه شاید اطلاع پیدا کرده باشید در شهرهای عمده ایران: در مشهد، در شیراز، در قم، در اصفهان، در تبریز هیجان عظیمی برپاست و اغلب بازارها بسته شده است. حضرات آیت‌الله شریعتمداری و مرعشی از مراجع بزرگ تقلید در مشروح‌های جداگانه به این اقدام فجیع اعتراض فرموده و به مردم ایران و خانواده‌های شهدا تسلیت گفته‌اند. در تهران علما و روحانیون اعلامیه‌ای منتشر کرده‌اند که قریب ۱۲۵ نفر آنرا امضاء کرده‌اند و آقایان اگر مایل باشند ممکن است خلاصه آن نامه‌های اعتراضیه را برای شما قرائت کنیم و همچنین نماز در مساجد را برای یک هفته تعطیل نموده‌اند.

س- علت واقعی این پیشامد قم چه بوده است؟

ج- شاید اطلاع پیدا کرده باشید که در هفته گذشته مقاله‌ای در روزنامه اطلاعات با امضاء شخص مجهول الهویه‌ای انتشار یافت که در آن به آیت‌الله خمینی از مراجع بزرگ تقلید مردم مسلمان شیعی مذهب ایران توهین شده بود. مردم قم برای رفع توهین از ساحت مقامات روحانی اجتماع کرده و متوجه منازل بعضی از مراجع تقلید شده بودند که قوای امنیتی از آنها جلوگیری بعمل آورده و بدون مجوز قانونی آنها را برگبار مسلسل بست و جمع کثیری را مقتول و مجروح نمود این کمیته نامه اعتراضی درباره واقعه قم به نخست‌وزیر نوشته که ترجمه متن آن بین آقایان توزیع میگردد و نیز باید این نکته را تذکر بدهیم که برطبق ماده صریحی از قانون مطبوعات ایران توهین به شخص اول روحانیت و مراجع مسلم تقلید از یک تا سه سال حبس دارد، و حتی رسیدگی به این اتهام تابع شکایت مدعی خصوصی نیست. آیا شما میدانید که مرجع تقلید در مذهب شیعه نه انتخابی است و نه انتصابی، بلکه کسی به این مقام میرسد که بر اثر یک عمر تحصیل و تدریس و عمل و تقوی و فضیلت در جامعه طلاب و روحانیون و عامه مردم مقبولیت تام یافته باشد و به همین جهت است که قانون برای او احترام خاص قائل شده است.

س- در جراید تهران و روزنامه‌های دولتی اینطور انتشار یافته است که تظاهرات قم بعنوان مخالفت مردم مذهبی با اصلاحات ارضی و آزادی زنان بوده است؟

ج- این اتهام به هیچوجه منطبق برواقع نیست، علما و روحانیون ایران نه

مخالف اصلاحات ارضی بوده و هستند و نه مخالف حقوق زنان و این یک ظاهر سازی و فریبکاری از طرف مقامات دولتی است. مردم بی دفاع قم خواسته‌ای جز رفع توهین از مراجع تقلید نداشتند.

س- آیا دقیقا " عده مقتولین معلوم شده است؟

ج- عده قطعی آن معلوم نیست، هم‌اکنون از بازار به ماتفن کرده‌اند که عده مقتولین از ۷ نفر متجاوز است و چند صد نفر مجروح شده‌اند. شاید هم بیش از اینها باشد.

س- آیا از روزنامه نگاران ایرانی برای شرکت در این مصاحبه دعوت کرده‌اید؟

ج- از ۴ روزنامه ایرانی: اطلاعات، کیهان، پیغام امروز، آیندگان دعوت بعمل آمد که فقط روزنامه اطلاعات یک نفر نماینده اعزام داشته است.

س- چگونه عمل و مسئولیت دولت را در واقعه قم تفسیر میکنید؟

ج- خیال میکنم باید شما خودتان صفت و خصوصیت این اقدام دولت را تشخیص بدهید. مردمی ساده و صلح‌جو و بی دفاع تظاهر کرده‌اند و آنها را به مسلسل بسته‌اند و دهها نفر کشته و صدها نفر را زخمی کرده‌اند، شما به این چه نامی میدهید؟ چه صفتی برای آن قائل هستید؟ ما هم همان صفت را قائل هستیم.

س- آیا نویسنده مقاله علیه آقای خمینی شخص معلومی است؟

ج- ما متأسفانه نمیدانیم، بهتر آنست از نماینده روزنامه اطلاعات که در همین جا حاضر است سؤال بنمائید.

(سؤال شد و نماینده مذکور اظهار بی اطلاعی نمود.)

س- آیا کمیته میتواند با سخت‌گیری و مخالفت دولت به کار خود ادامه دهد؟

ج- چون اعمال ما کاملاً قانونی است، امیدواریم با سخت‌گیری و مزاحمت مواجه نشویم، ولی بسیار محتمل است که مشکلات و تضییقاتی برای ما فراهم آید.

س- آیا اعضای کمیته عده کثیری هستند؟

ج- فعلاً "موسسان کمیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر عده معدودی از روحانیان و حقوق دانان و وکلای دادگستری و استادان دانشگاه و نویسندگان

هستند و مسلم است پس از اعلام این کمیته عده کثیری از گروهها و قشرهای مختلف آزادبخواه و میهن دوست به ما خواهند پیوست و ما را در اعمال خود مورد تقویت و پشتیبانی قرار خواهند داد .

س- آقای دکتر سنجابی ، شما چه جوابی بدولت خواهید داد اگر بگویند که شما عده معدود بی اعتباری هستید که فقط نماینده خودتان میباشید ؟

ج- ما به آنها میگوئیم که به عده مانگاہ نکنید به حرف قانونی ما نگاه کنید . اگر مطابق قانون است برطبق آن عمل کنید بعلاوه این با مردم ایران است که بگویند آیا ما واقعا " نماینده تقاضاها و تمایلات آنها هستیم یا خیر ، و این حق را داریم که به نمایندگی آنها این حرفها را بزنیم یا خیر .

س- شما تصور میکنید که مردم با حرفهای شما موافق باشند ؟

ج- مسلما " ، اجتماعی که چندی پیش از مردم تهران در مسجد قبا میشد و همچنین اجتماعات شبهای شعر (کانون نویسندگان) در انجمن فرهنگی ایران و آلمان و اجتماع عظیمی که در مسجد ارک به مناسبت مراسم ختم فرزند آیت الله خمینی برپا شد و تظاهرات عظیم دانشگاهها در سراسر ایران و تعطیل بازارها دال بر همراهی و پشتیبانی طبقات مردم از همین نظریاتی است که ما ابراز میداریم .

س- آیا شما در حال حاضر با سازمانهای دانشجویان ارتباطی دارید ؟

ج- فعلا " ارتباطی نداریم .

س- برای اینکه به سؤال قبل خود برگردم درست متوجه نشدم که آیا شما

رسمآ " عمل دولت را در پیش آمد قم محکوم میکنید یا خیر ؟

ج- ما در این باب نامه اعتراضی به نخست وزیر نوشته و صریحا " تقاضای

تعقیب متخلفین و مسئولین فاجعه اسفناک قم را کرده ایم .

س- از سازمان ملل متحده دقیقا " چه نوع مساعدتی تقاضا دارید ؟

ج- ما از سازمان ملل متحد و از همه سازمانهای بشردوست جهان و از هر

فرد آزادبخواه توقع داریم که ما را در این اقدامات راجع به احیای حقوق مردم ایران که بالمآل به نفع جهان است با هرگونه وسائل ممکن تایید و تقویت بکنند .

س- من چندروز پیش از نخست وزیر پرسیدم که چگونه به نامه های اعتراضی که

در این چهار ماه دریافت داشتند ، جوابی نداده اند و ایشان گفتند هیچ نامه ای

تاکنون دریافت نکرده است .

ج - ما نامه‌ها را با پست سفارشی برای ایشان ارسال می‌داریم .

(جلسه مصاحبه در حدود ساعت شش و نیم بعدازظهر پایان یافت .)

پاسخ به اظهارات وزیر امور خارجه مندرج در روزنامه کیهان مورخ ۱۳۵۶/۱۰/۲۵

تهران - ۱۳۵۶/۱۰/۲۶

مدیر محترم روزنامه کیهان

با اجازه قانون مطبوعات خواهشمند است این مشروح را در جواب اظهارات آقای عباسعلی خلعت‌بری وزیر امور خارجه مندرج در شماره ۱۰۳۶۶ مورخ ۲۵ دیماه آن روزنامه در صفحه اول درج نمایند:

بیانات آقای خلعت‌بری در خصوص نامه این کمیته به دلایل زیر منطبق با حقیقت نیست:

۱ - نامه (کمیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر) بعنوان سازمان ملل - متحد روز شانزدهم آذرماه ۱۳۵۶ (هفتم دسامبر ۱۹۷۷) در نیویورک مستقیماً به آقای والدهایم تسلیم شده است و ایشان در همان تاریخ اظهار داشته اند که به مسائل مندرج در نامه دقیقاً "رسیدگی خواهد شد". خبرگزاری‌های جهان نیز در همان زمان و تا چند روز بعد خبر وصول نامه را به آقای والدهایم مخابره نمودند. نسخه دیگری از نامه در ایران هم توسط نمایندگی سازمان ملل در تهران برای آقای والدهایم فرستاده شده بود که دریافت داشته‌اند.

۲ - درخواست ملاقات آقای والدهایم سه هفته پیش از ورود به ایران و موقعی که ایشان در نیویورک بودند بعمل آمده بود ولی دفتر سازمان ملل در تهران قبل از ورود ایشان تلفنی اطلاع داد که "آقای والدهایم مهمان دولت هستند و برنامه تمام اوقات اقامت ایشان در ایران وسیله دولت تنظیم گردیده فرصتی

برای ملاقات و مذاکرات خارج از برنامه پذیرائی باقی نمانده است. " و چون پیشینی می شد که دولت ترتیبی اتخاذ خواهد نمود که آقای والدهایم فرصت و امکان ملاقات با اشخاص و گروههای دیگری را نداشته باشد و با توجه باینکه خود آقای والدهایم نیز شاید برای حفظ نزاکت سیاسی و رعایت جانب میزبان خود (دولت) قادر به تامین موجبات ملاقات با کسی نخواهد بود لذا این کمیته از تعقیب درخواست دیدار ایشان در تهران منصرف گردید.

۳ - طبق اعلام خبرگزاری فرانسه مورخ شنبه ۱۴ ژانویه آقای کورت - والدهایم شخصا با اشاره باینکه نتوانسته است اعضاء کمیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر را ملاقات نماید هنگام ترک تهران صریحا گفته است که نامه کمیته با "دقت و مراقبت" بررسی خواهد شد.

۴ - آقای خلعت بری اظهار داشته اند: "خیلی میل داشتم آقای والدهایم این افراد را می پذیرفتند تا ایشان و دنیا بدانند که اینها چه طرز فکر و چه برداشتی از حقوق بشر دارند...". برای اینکه دنیا بدانند اعضاء این کمیته دارای چه طرز فکر و برداشتی از حقوق بشر هستند هیئت اجرائیه کمیته آقای جمشید آموزگار و آقای خلعت بری را به یک مصاحبه در رادیو تلویزیون ایران با حضور نمایندگان سازمان ملل و کلیه خبرگزاریها دعوت می نماید و اما اگر آقایان برای قبول این دعوت مجاز یا آماده نباشند پیشنهاد میشود عین نامه کمیته را بعنوان آقای والدهایم در روزنامهها منتشر نموده، در معرض قضاوت افکار عمومی قرار دهند.

۵ - مایه تعجب و تاسف بیشتر اینست که آقای خلعت بری حتی شأن مقام خود (وزارت خارجه) را نیز رعایت ننموده، برخلاف واقع سعی کرده اند نامه این کمیته را که چهل روز قبل در نیویورک به آقای والدهایم تسلیم شده است به سالروزهای آزادی زنان و اصلاحات ارضی در ۱۷ و ۱۹ دیماه و حوادث قم مرتبط سازند و اعضاء کمیته را به مخالفت با آزادی زنان و اصلاحات ارضی متهم نمایند و حال آنکه تایید و تقویت اصل تساوی حقوق بانوان - و سقوط رژیم ارباب ورعیتی یکی از ارکان معتقدات اعضاء کمیته بر پایه اصول قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر میباشد.

اگر بعضی از سازمانها و مقامات دولتی بعنوان مضحک مبارزه بر علیه استعمار

مجهول الهویه! سرکوبی هرگونه حرکت و اجتماع و اعتراض موجه و قانونی را از طریق قلب حقایق باشیوه‌های فاشیستی مبتنی بر تهمت، افترا، نشر اکاذیب، بالاخره ضرب و شتم و جرح و قتل بصورت وظیفه‌ای برعهده دارند دیگر از وزیر خارجه دولت مدعی پیشرفت و تمدن و مدعی حافظ شئون و حیثیات افراد، انتظار نمی‌رفت با ایفای چنین نقشی آن هم در برابر ملت بیدار و آگاه ایران و در برابر سازمان ملل متحد و دبیرکل آن حیثیات مملکت را لکه‌دار سازد.

هدف کمیته ایران دفاع از آزادی و حقوق بشر اجرای کامل و یکپارچه قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر بمنظور رفع تعطیل مشروطیت ایران و رفع تعدی مستمر و مداوم به حقوق ملت ایران با استقرار نظام حاکمیت ملی به ترتیب حاکم و متداول در کشورهای دارنده نظام مشروطیت است.

نامه این کمیته به سازمان ملل متحد چهل روز قبل به دفتر آن روزنامه‌نیز فرستاده شده بود که متأسفانه از چاپ آن جلوگیری شده است. اینک یک نسخه دیگر از همان نامه مجدداً فرستاده میشود و انتظار میرود این بار برای اطلاع آقای خلعت‌بری از برداشت و تلقی ما از حقوق بشر از درج آن خودداری نشود. رونوشت این نامه ضمیمه ترجمه متن مصاحبه آقای خلعت‌بری برای اطلاع آقای والدهایم فرستاده شد.

از طرف کمیته اجرائی دفاع از آزادی و حقوق بشر

دکتر کریم سنجابی

نامه به نخست وزیر در رابطه با اعمال خلاف قانون
اطاق اصناف و تقاضای انحلال دادگاههای ویژه امور صنفی

تاریخ: ۵۶/۱۱/۲۵۰

جناب آقای نخست وزیر

در تعقیب نامه‌ها و اطلاعیه‌هایی که از طرف کمیته اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر بدفتر نخست وزیر ارسال گردیده است، لازم میدانم مجدداً با اطلاع برسانم که این جمعیت بدون وابستگی به هیچیک از احزاب و گروههای سیاسی داخلی و خارجی، در اجرای مقررات مندرج در قوانین اساسی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر دایره باینکه، "هرکس حق دارد از مواهب زندگی و امنیت شخصی و برابری و تساوی حقوق شرعی و قانونی بهره‌مند شود و نیز از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض باشد و بتواند بدون هیچگونه بیم و اضطراب با بکاربردن وسائل مشروع ممکن، آزادانه عقیده خود را بیان کند و با تشکیل مجامع و جمعینهای مسالمت‌آمیز از حقوق حقه مردم و جامعه بوسیله قانون و یا مقررات بین‌المللی حاکم بر کلیه جوامع بشری دفاع و صیانت نماید"، خود را مکلف میدانم که برای احیاء و تأمین کلیه حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی مردم ایران اقدام نموده و بهر طریق و وسیله مجاز شرعی و قانونی رفع ظلم و ستم و تبعیض را خواستار گردد.

جناب آقای نخست وزیر!

از آنجا که تأسیس و تشکیل این جمعیت باستحضار مراجع حقوقی و قضائی

بین‌المللی، خصوصا " کمیسیون حقوق بشر رسیده و مورد استقبال قرار گرفته و از طرفی هواداران این جمعیت در تمام قشرهای جامعه چه در داخل و چه در خارج کشور برای احقاق حق شرعی و قانونی خود در برابر ظلم و ستمی که بآنها میشود از کمیته‌اجرائی جمعیت تقاضای مساعدت و اقدام عاجل دارند، لذا ضروری میدانند ضمن اعلام مجدد رسمیت یافتن این جمعیت و با التفات باینکه هیچگونه اقدامی جز از طریق قانون آنهم با رفتاری کاملا " مسالمت‌آمیز، از ناحیه این جمعیت صورت نخواهد گرفت، انتظار دارد دستور فرمایند که مقامات مسئول دولتی در برابر هرگونه مراجعه کتبی کمیته‌اجرائی این جمعیت پاسخ قانونی و قانع کننده صادر و ابلاغ نمایند تا جواب مردم و مراجعین داده شود، ضمنا " نظرباینکه یک نسخه از کلیه نامه‌های متبادله و پاسخ مراجع و مقامات مسئول دولتی برای ملاحظه و بررسی کمیسیون حقوق بشر در ژنو و دفتر مرکزی سازمان بین‌المللی دفاع از حقوق بشر در لندن فرستاده میشود، تأکید فرمائید بخاطر حفظ حیثیت مملکت رعایت ادب و نزاکت کامل بعمل آید.

اینک ضمن بررسی تقاضاهای واصله دفتر جمعیت به دو فقره شکوائیه برخورد نموده است که موضوع آنها مربوط به نقض صریح قانون اساسی و مقررات اعلامیه جهانی حقوق بشر است که بعلت ارتباط مستقیم آن با دفتر نخست‌وزیری، مراتب برای اطلاع جنابعالی و دستور اقدام اعلام میگردد:

۱ - همانطور که استحضار دارید در روز پنجشنبه ۲۹ دیماه ۱۳۵۶ کسبه بازار به تبعیت از دستور مراجع تقلید عظام که از نظر شرعی و قانونی واجب‌الاطاعه میباشد، به تجویز اصل بیست و یکم متمم قانون اساسی حتی بدون تشکیل و یا براه انداختن اجتماعاتی، بخاطر همدردی با بازماندگان شهدای فاجعه ۱۹ دیماه قم در نهایت آرامش و مراعات قانون و نظم، مغازه‌های خود را تعطیل نموده و حتی از خانه‌های خود نیز خارج نشدند، ولی متاسفانه در روز شنبه مامورین انتظامی با توافق مسئولین کمیته ویژه طاق اصناف که اکثرا " از مأمورین نخست‌وزیری (سازمان - امنیت) هستند، تعداد شانزده مغازه را در ظاهر به بهانه تخلفات صنفی و در باطن به علت تبعیت و تبلیغ نظر مراجع، بدون قید مدت، تعطیل و صاحبان آنها را از حق آزادی کسب و پیشه بدون مجوز قانونی محروم نموده‌اند.

چون این اقدام ظالمانه با قانون اساسی و مقررات اعلامیه جهانی حقوق بشر مابینت و مغایرت کلی دارد و از طرفی برطبق قانون نظام صنفی هم اقدام به تعطیل واحد صنفی باعتبار اینکه خود یک نوع مجازات است و بنابراین قبل از محاکمه و قطعیت یافتن حکم دادگاه شرع و نقض آشکار قانون است، درخواست دارد دستور فرمائید هرچه زودتر با بازکردن مغازه آنها رفع ظلم بشود.

۲- از آنجا که برطبق مقررات متمم قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر تمامی مردم در مقابل قانون دولتی مساوی الحقوق خواهند بود و حق دارند بدون تبعیض و بالسویه از قانون برخوردار شوند و هیچکس را نمیتوان از محکمه ایکه باید در باره او حکم کند منصرف کرده و مجبورا " به محکمه دیگر رجوع دهند، متاسفانه در تشکیلات اطاق اصناف بعوض آنکه همه افراد در دادگاه صنفی بطور تساوی محاکمه شوند ما مورین نخست وزیری برخلاف اصول مذکور و حتی برخلاف قانون نظام صنفی کمیته ویژه ای تاسیس نموده اند که دادگاه ویژه ای نیز در آنجا مستقر گردیده است. در آن کمیته و دادگاه ویژه افرادی که از طرف نخست وزیری و اداره وابسته آن، یعنی سازمان امنیت بجهت داشتن عقاید آزاد و یا تمایلات سیاسی خاصی که خوش آیند آن دستگاه نیست بایستی تحت پیگرد قرار گیرند، به بهانه خطای صنفی محاکمه و به اشد مجازات محکوم میشوند.

موضوع دیگر آنکه ما مورین کمیته ویژه اصناف بنام ناظر با در دست داشتن کارتی که از طرف دادستان بطور کلی و بدون تعیین مورد صادر شده و با استفاده از عنوان ضابط دادگستری به محل کار افراد صنفی که دستور تعقیب آنها از نخست وزیری صادر میگردد، مراجعه و برخلاف قانون اقدام به بازرسی اوراق و اسناد آنها مینمایند و حتی باشکستن قفل و صندوق بدون هیچگونه صورتجلسه ای تمامی اوراق و اسناد من جمله اوراق بهادار صاحب مغازه را ضبط و به کمیته ویژه میبرند و سپس با تهیه و تقدیم گزارش خلاف واقعی به محکمه، شخص مورد نظر جلب میشود و بدون اجازه هیچگونه دفاع، حکم محکومیت پیش نوشته او را امضاء و راهی زندانش مینمایند، در صورتیکه برطبق مقررات، صدور کارت از طرف دادستان بهیچوجه مجوز مراجعه ما مور بهر محل دلخواه نبوده، خصوصا " شکستن قفل صندوق صاحب مغازه و جمع آوری و ضبط اوراق و اسناد مردم بایستی در تعقیب

اعلام جرم کتبی و اخذ نمایندگی مخصوص از دادستان برای ورود به محل کار یا سکنی و شکستن قفل و صندوق صورت پذیرد و از طرفی بعلت آنکه اکثر اوراق و مدارک توقیف شده مربوط با مورتخصصی محاسباتی است، جلب نظر کارشناس رسمی دادگستری در اینخصوص یک وظیفه قانونی است که متاسفانه در هیچیک از مراحل بآن توجهی نمیشود و چنین درخواستی از متهم پذیرفتنی نیست.

در مرحله رسیدگی و محاکمه متهم در دادگاه ویژه نیز برخلاف اصول کلی عدالت به متهم اجازه مراجعه به اسناد و مدارک استنادی و ارائه آنها برای احقاق حق و دفاعش در مقابل ادعای مأمور ناظر کمیته ویژه داده نمیشود، بطوریکه متهم قادر نخواهد بود از ادعا و اتهامی که از مفاد آن قبل از حضور در محکمه اطلاعی نداشته دفاع نماید، یا آنکه مدارک و دلائلی بر رد آن قبلاً تهیه و ارائه کند.

احکام بسیار سنگین دادگاه ویژه اعم از مجازات زندان و جریمه، اکثراً بعنوان بهانه تعدد جرم حتی بدون رعایت کیفیات مخففه که استفاده از آن حق مشروع و قانونی هر متهمی است صادر و بمورد اجرا گذارده میشود. در مرحله استینافی نیز با استناد غیر وارد به ماده ۳۱۷ اصلاحی آئین دادرسی کیفری که حضور متهم را در دادگاه الزامی ندانسته است حکم بدوی بدون هیچگونه رسیدگی مورد تأیید قرار میگیرد.

جناب آقای نخست وزیر!

باتوجه بمراتب مذکوره و تأییدی که وجدانا " و یقیناً " از موارد خلاق قانون و عدالت و حقوق انسانی فوق الذکر میفرمائید، انتظار دارد با انحلال دادگاه ویژه اصل تساوی مردم در برابر دادگاهها رعایت گردد.

کمیته اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

دکتر کریم سنجابی - مهندس مهدی بازرگان

تسلیت جمعیت به مراجع عظام در ارتباط با فجایع رژیم در قم و تبریز

۱۳۵۶/۱۲/۱۰

بسمه تعالی

قم - محضر مقدس مراجع عظام دامت برکاتهم

ضمن تشکر از عنایاتی که در طریق حفظ حرمت اسلام و حقوق اساسی ملت ایران مبذول میفرمایند "کمیته اجرائی جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر" باینوسیله مراتب تأثر و تسلیت خود را در مورد فجایع متوالی شهرستانهای قم، تبریز که در روزهای ۱۹ دی و ۳۰ بهمن و اول اسفند ۱۳۵۶ رخ داده است بحضور انور پیشوایان معظم و علمای اعلام و تمام مردم ایران اعلام میدارد و شمول بیشتر توجهات مغتنم عالیّه را نسبت به حقوق اسلامی و انسانی و قانونی ایرانیان مسئلت می نماید.

برای این جمعیت و همه افراد آگاه و روشن ضمیر ایران و جهان مسلم است که علیرغم تبلیغات دروغین و یکجانبه دولت، محرک و مسبب اصلی حرکت مردم در قم و تبریز و شهرستانهای دیگر برای تجمع و تظاهر، انزجار عمیق و درونی عمومی از رفتارهای ظالمانه و ضدملی و ضدقانون و از تعدیات مستمر هیئت حاکمه به حقوق ملت ایران طی سالهای بعد از ۲۸ مرداد خصوصاً "موضع گیری اهانت آمیز آن علیه روحانیت و پیشوایان مورد احترام و اطاعت مسلمانان است.

تظاهرکنندگان نه گناهی داشتند، نه خیالی و سلاحی که اغتشاش و آشوب و جنگی براه اندازند. در قم این پلیس بود که به قصد زهر چشم گرفتن و در نطفه

کشتن هرگونه اعتراض حتی راه‌پیمایی آرام و مسالمت‌آمیز عمومی، به حمله‌بیرحمانه برای ایراد ضرب و جرح و سپس تیراندازی و کشتار دسته‌جمعی مبادرت نموده آن فاجعه سهمگین را (که مایه‌خشم و جنبش برای ملت و مایه شرمساری جهانی برای دولت بود) بوجود آورد و حال آنکه پلیس می‌توانست در صورت لزوم و اقتضا بجای گلوله و آتش، از گاز اشک‌آور برای متفرق ساختن جمعیت استفاده نماید.

در تبریز هم تدارک قبلی مقامات دولتی برای منع ورود هزاران نفر به مساجد در اربعین شهدای قم خصوصا "قتل یک‌نوجوان دانش‌آموز (که فقط سرگرد حقشناس افسر شهربانی برعایت عفت کلام و ادب در برابر خانه خدا و مردان خداپرست تبریز دعوت نموده است) موجبات تاثر و خشم و طغیان مردم داغ‌دیده و بستوه آمده‌را فراهم نمود و عقده‌های بیست و چندساله ناشی از انواع فشار و مردم‌آزاری را علیه مظاهر و مؤسساتی که معایر و مخالف معتقدات مذهبی و ملی مردم بوده عامل تعلیمات اجتماعی و اقتصادی شناخته شده‌اند، ظاهر ساخت.

ناگفته پیداست که آتش زدن ساختمان حزب رستاخیز یا کاخ جوانان وابسته به سازمان امنیت یا اتومبیلها و کیوسک‌های پلیس عکس‌العمل طبیعی در مقابل رفتار ناهنجار هیئت حاکمه علیه قاطبه ملت ایران است. متأسفانه در بروز چنین عکس‌العمل‌های غیرقابل کنترل گاهی خشک‌وتر نیز باهم می‌سوزند. آنچه در تبریز بوقوع پیوست در حقیقت مصداق قسمتی از مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب مجلسین ایران است که اشعار می‌دارد: "حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت نمود تا بشر بعنوان آخرین علاج به قیام برضد ظلم و فشار مجبور نگردد" در کشور ما قانون اساسی بر اثر حکومت فردی عملاً "منسوخ گردیده اجرا نمیشود. با تعطیل مطلق مشروطیت ایران، بانقض مستمر و بی‌پروای حقوق ملت ایران، با نفی احکام اعلامیه جهانی حقوق بشر، با در ماندگی هیئت حاکمه در رفع تنگناها و نابسامانی‌ها (که خود عامل اصلی بروز و ظهور و رشد آنها بوده است) وقوع حوادث خونین و اسفانگیز از آن قبیل که در قم و تبریز اتفاق افتاد یک امر طبیعی و قهری، و غیرقابل پیشگیری و اجتناب بوده است. . . . هتک حرمت و امنیت و آزادی مراجع عالیقدر توأم با نفی آشکار اصول مشروطیت ایران علت‌العلل گردید.

مردم از پیر و جوان، زن و مرد، عالم و عامی علیه حکومت استبدادی بوده

و مسئولیت عواقب نامطلوب هر جنبش و حرکت عمومی در گذشته و آینده، در شرایط و اوضاع فعلی بدون تردید هیئت حاکمه و فرماندهی آن خواهد بود که حقوق و شئون ملت، ثروت و حیثیات مملکت، قوای مَفننه و قضائیه یعنی قانون و قضا را یکسره در اختیار خود گرفته عرصه زندگی را در جمیع موارد برای اکثریت قریب باتفاق مردم تنگ و تلخ و کمر شکن و طاقت فرسا ساخته است.

اکثریت قریب باتفاق مردم ایران در حد امکان برای تعطیل کار و کسب خود از نیت پیشوایان معظم در بزرگداشت چهلم شهدای راه حق و حقیقت، شهدای پاسداری از علو و عظمت اسلام، شهدای دفاع از حرمت و منزلت پیشوایان مذهبی پیروی کردند و حال این امید در دل‌های قاطبه ملت پیدا شده است که عزم و همت و اراده راسخ مراجع عظام تجاوز و تعدی به حقوق شرعی و طبیعی و قانونی افراد این مملکت را خاتمه خواهد داد.

اعضاء جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر همواره در تمام مراحل با شما مراجع معظم دین و شما ملجاء و پناه بزرگ مردم اسیر مملکت همصدا خواهند بود و صدای حق طلب شما را در مراجع بین‌المللی و برای مردم جهان منعکس خواهند نمود.

از خداوند قادر متعال سلامت و بقا و توفیق علمای اعلام و محترم‌رامسئلت داریم.

کمیته اجرائی دفاع از آزادی حقوق بشر

دکتر نورعلی تابنده	دکتر علی اصغر حاج سیدجوادی
دکتر کریم سنجابی	احمد صدر حاج سیدجوادی
دکتر اسد الله مبشری	دکتر ناصر میناچی
	حسن نزیه

تلگرام جمعیت به نخست‌وزیر و اعتراض به بازداشت و تجدید
محاکمه زندانیان سیاسی که حاضر به تقاضای عفو نیستند

شهری شماره ۱۵۶۷۸ - ۶۱۶ - ۳۷/۱/۱ (۵۷)

جناب آقای آموزگار نخست‌وزیر

بموجب شکایات واصله به این جمعیت اخیراً "عده‌ای از زندانیان سیاسی که از لحاظ قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر هیچگونه اتهام قابل تعقیب و مجازات نداشته‌اند و از اظهار ندامت و استعدای عفو و بخشش استنکاف نموده‌اند تجدید محاکمه خود را در دادگاه‌های صلاحیتدار دادگستری خواستار شده‌اند و چون تقاضای مشروع و قانونی آنان با عدم اعتناء مواجه گردیده لذا عده کثیری از زندانیان سیاسی مقیم بندهای دوم تا ششم زندان قصر از چهار هفته پیش بعنوان نوعی اعتصاب از ملاقات بستگان خود امتناع کرده و از بیست و یکم اسفند ماه نیز به اعتصاب غذا متوسل شده‌اند که موجب خونریزی شدید معده بعضی از آنان شده است. کماندوهای شهربانی برای الزام زندانیان به ترک اعتصاب آنانرا شدیداً "مضروب کرده‌اند بنحوی که قادر بحرکت نیستند و بعضاً" در معرض خطر مرگ قرار دارند. روز پنجشنبه ۱۳۵۶/۱۲/۲۵ فقط سه نفر از صدها نفر زندانی سیاسی زندان قصر به نمایندگی از سایرین در محل ملاقات حاضر شده‌اند که آثار ضرب در سر و صورت آنان کاملاً "مشهود بوده و بزحمت راه میرفته‌اند و موقعی که ماجرا را باطلاع صدها نفر مادران و همسران زندانیان که برای ملاقات عزیزان خود آمده بودند، میرسانند صدای گریه و شیون و فریاد (یا حسین) بستگان

زندانیان محوطه زندان و خیابانهای اطراف آن را فرا میگیرد. زنان زجرکشیده و ستمدیده مانند کسانی که عزیزان خود را از دست داده باشند به تلخی ناله کرده خاک بر سر خود می‌ریزند. متصدیان زندان عده‌ای از کماندوها را با چند کامیون، مامور متفرق ساختن جمعیت میکنند. افراد کماندو بدون کمترین ملاحظه به زنان مضطرب و گریان و نگران که فقط خواستار ملاقات زندانیان بوده‌اند یورش برده و آنانرا تا جاده قدیم شمیران تعقیب میکنند و تا پای مرگ مضروب و مجروح می‌سازند که حال بعضی از آنها وخیم است.

آقای آموزگار!

بحکایت گزارشهای مستند بسیاری از مقامات و شخصیت‌های بیطرف سیاسی و قضائی و مطبوعاتی جهان خصوصا " نمایندگان جمعیت‌های طرفدار حقوق بشر اکثریت قریب باتفاق زندانیان سیاسی جرمی علیه مردم و مملکت مرتکب نشده‌اند تا همچنان در بند و زندان باقی بمانند و در برابر تقاضای مشروع و موجه خود بررفع بازداشت یا تجدید محاکمه و حتی اعتصاب غذا با عکس‌العمل‌های خشونت‌بار مواجه گردند. جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر مسئولیت این حادثه را هم مانند تمام حوادث مشابه دیگر متوجه هیئت حاکمه میدانند و آنرا شدیداً محکوم میکنند و بار دیگر خاطر نشان می‌سازد که توسل به اعمال خشونت‌آمیز و مرگبار دلیل دیگری بر نقض مداوم اصول قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر خصوصا " نقض تعهد اخیر دولت در برابر جمعیت صلیب سرخ بین‌المللی مبنی بر خودداری از شکنجه و رفتار منافی شئون و حقوق انسانی با زندانیان سیاسی است. این جمعیت قبول و انجام تقاضای مشروع زندانیان را در خصوص رفع بازداشت یا تجدید دادرسی در محاکم صلاحیتدار دادگستری طبق اصل هفتاد و دوم متمم قانون اساسی با رعایت اصل هفتاد و نهم کاملاً" موجه میدانند و برای تحقق این خواسته و بمنظور ترک‌روش خشونت‌آمیز با زندانیان به اقدامات مقتضی خصوصا " نزد مراجع بین‌المللی حامی حقوق بشر تا حصول نتیجه ادامه خواهد داد و اعمال هیئت حاکمه را که مغایر با انسانیت و اصول قانونی و احکام اسلامی است قهراً" و الزاماً" بحکم وظیفه ملی خود با اطلاع جمعیت صلیب سرخ بین‌المللی و

کمیسیون حقوق بشر میرساند و جهانیان را از رفتار ظالمانه و قانون شکنانه هیئت-حاکمه علیه مردم خصوصا " زندانیان سیاسی و افراد خانواده آنان مطلع میسازد و برای رفع ظلم و تعدی در ایران استمداد مینماید .

کمیته اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

نامه به نخست وزیر و هشدار به رژیم در ارتباط با حمله دستجات متفرق و مجهول به بانکها، ساختمانها و توقف قطارها

پانزدهم فروردین ۱۳۵۷

جناب آقای آموزگار نخست وزیر

یقیناً "جنابعالی از حوادث رقت بار ضد بشری اخیر قم و تبریز علیرغم استتار و تحریفهایی که در اظهارات رسمی بعمل میآید آگاه هستید و گزارش تظاهرات انبوه مردم تهران و شهرستانها را که در روزهای چهارم فجاج قم و تبریز برای همدردی و بزرگداشت بصورت بستن یکپارچه بازار و اجتماعات دهها هزار نفری مساجد بوده است دریافت کرده استحضار کامل از اعتراضات شدید و خواستههای قانونی ملت مسلمان ایران دارید.

چیزی که موجب تعجب و تاسف است اینکه روزنامه‌های تحت نظارت و رادیوها و تلویزیونهای دولت نسبت باین اظهارات و اجتماعات که در نهایت صراحت و متانت بنابعد عوت مراجع عظام و علمای اعلام و رهبران ملی برگزار میشود هر کجا که مانند تهران پلیس مزاحمت فراهم نیورد بدون حادشه خاتمه مییابد سکوت مطلق نموده بجای آگاه ساختن مردم از وقایع مملکت و نظریات ملت چند روز است اخبار مجعولی با عناوین درشت دائر به حمله دستجات متفرق در نقاط مختلف کشور و شکستن در و پنجره بعضی از بانکها و ساختمانها یا بسیج عدهای نقابدار برای توقف قطار راه آهن منتشر میسازند.

چنین عملیات نامطلوب صرف نظرا از ساختگی و مشکوک بودن برخلاف تاکیدهای

مکرر آقایان مراجع است و بفرض که اتفاق افتاده باشد مسلماً " با نقشه و ایادی حکومت بمنظور بهره‌برداریهای خلاف صورت گرفته است .

افکار عمومی شدیداً " نگران است که با چنین صحنه‌ها و پرونده‌سازی‌خواسته باشید اولاً " اذهان عمومی را مشوش و مشوب نموده اعتراضات حقه و خواسته‌های قانونی مردم را حرکات جزئی تحریک شده از ناحیه ارتجاع سیاه و سرخ خیالی و نمودکنید و ثانیاً " بهانه حفظ نظم و امنیت و اموال مردم تشدید در خشونت‌ها و ممانعت بیشتری نسبت به آزادی اجتماعات و قلم و بیان اعمال نمائید .

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر وظیفه خود دانست برای حمایت از حقوق پایمال شده هموطنان و جلوگیری از قصد سوئی که نسبت به آزادیها در جریان است قبلاً " چنین اخطار و هشدار را بدهد و افکار عمومی ایران و جهان را مطلع سازد .

کمیته اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

نامه به کمیسیون حقوق بشر، دبیرکل سازمان ملل متحد و جمعیت صلیب سرخ جهانی در ارتباط با اعتصاب غذا و ملاقات زندانیان سیاسی کشور

تاریخ: هفدهم فروردین ۱۳۵۷

۱- کمیسیون حقوق بشر - سازمان ملل متحد - نیویورک

۲- آقای کورت والدهایم دبیرکل سازمان ملل متحد

۳- جمعیت صلیب سرخ جهانی - ژنو

صدها نفر از زندانیان سیاسی ایران که با اتهامات بی اساس در محاکم نظامی محکوم شده‌اند از بیست و چهار روز قبل در زندان با اعتصاب ملاقات و غذا متوسل شده‌اند. خواسته‌های آنان کاملاً "موجه بوده محدود به ابتدائی‌ترین حقوق زندانی است. در خصوص ترتیب و محل و مدت ملاقات، استفاده از روزنامه و مجله و کتاب، تالیف و ترجمه، استفاده از غذای سالم بیرون و وسائل خیاطی و غیره، این جمعیت بارها از آقای آموزگار نخست‌وزیر رسیدگی بخواسته‌های زندانیان و رفع موجبات اعتصاب را خواستار شده است ولی چون کمترین اقدامی بعمل نیامده و اغلب زندانیان در معرض خطر فوت قرار دارند و نظر باینکه تلاش پدران و مادران و همسران زندانیان هم نزد مقامات دولتی بجائی نرسیده و خود آنان هم شدیداً "مورد شتم و ضرب قرار گرفته‌اند، لذا اقدام عاجل از طرف آن کمیسیون - سازمان - جمعیت - و جلب توجه دولت ایران به لزوم رعایت تعهدات ناشیه از عهد و قراردادهای و میثاقهای بین‌المللی مورد تقاضا است.

توجه مخصوص شما را باین موضوع جلب می‌نماید که دولت ایران تعهدات خود را بلافاصله پس از مراجعت نمایندگان مراجع بین‌المللی خصوصا " نمایندگان صلیب سرخ نقض می‌نماید .

از طرف شورای مرکزی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

دکتر کریم سنجابی مهندس مهدی بازرگان دکتر یدالله سحابی

رونوشت برای اطلاع جناب آقای آموزگار ارسال و پیرو تلگرافهای قبلی اعلام میگردد مسئولیت عواقب خطیر خودداری از قبول خواسته‌های مشروع و قانونی زندانیان خصوصا " مسئولیت فوت احتمالی آنان متوجه شخص جنابعالی ، دولت و جمیع مقامات مربوطه خواهد بود .

دکتر کریم سنجابی مهندس مهدی بازرگان دکتر یدالله سحابی

نامه به شاه بعنوان مسئول مستقیم جریانهای مملکت و عملیات دولت

بسمه تعالی

تهران یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۷

پیشگاه اعلیحضرت محمدرضا شاه پهلوی

یقیناً "اعلیحضرت از جریان بمب‌گذاریهای شبیه شب ۱۹ فروردین ماه گذشته در خانه سه نفر از موسسین این جمعیت، بعنوان "اولین هشدار سازمان زیرزمینی انتقام" و ربودن و به بیابان بردن و زدن یک عضو دیگر و همچنین از تلفونهای تهدید و دشنام مکرر و تعرضات دیگر که از طرف همان "سازمان" بخانواده‌ها و افراد زیادی از اعضای این جمعیت و به آزادخواهان مخالف قانون شکنیهای دولت بعمل می‌آید و اخیراً" نیز درباره چند تن از وکلای دادگستری مدافع حق و آزادی اعمال شده است، استحضار کامل دارند.

جمعیت ایرانی طرفدار آزادی و حقوق بشر که هدف آن تامین آزادیهای مصرح در قوانین اساسی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر بر طبق اصول عالیله اسلام برای هموطنان است اخطار و ارباب و آزارهای فوق را متوجه خود دانسته بعنوان جواب اظهارنظرهای مستدل و اعتراضات قانونی مسالمت‌آمیزی تلقی میکند که از تاریخ تاسیس (آبانماه ۱۳۵۶) تا بحال برای دولت فرستاده و پاسخی دریافت نکرده است و نیز استنباطی است که همانند مردم ایران و دنیا از معانی "فضای آزادسیاسی"، "حکومت دموکراسی" و "حق انتقاد آزاد" در مکتب رستاخیزی و در منطق دیکتاتوری

می نماید .

در هر حال وظیفه الهی و وجدانی و قانونی خود میدانیم مطالب ذیل را مستقیماً "باستحضار اعلیحضرت - که کلیه اختیارات و انتصابات و فرمانها را برخلاف صریح قانون اساسی و بدیهیترین اصول آزادی سیاسی در قدرت انحصاری خود قرار داده‌اند و بنا براین منطقاً " یگانه مسئول جریانهای مملکت و عملیات دولت میباشند - برسانیم .

۱ - قضاوت عمومی و دلالت منطقی شواهد آشکار براین است که عملیات فوق تماماً " از ناحیه دستگاه حاکم و صرفاً " متوجه کسانی است که خواسته‌اند علیه مظلوم و مفساد مشهود اعتراض نمایند .

۲ - اعلیحضرت چه نامی روی این اقدامات میگذارند و چه عنوانی به حمله بیش از ۲۰ نفر چتر باز چماق و زنجیر بدست برای شکستن دست و پا، بدره انداختن و بزندان بردن دختران و پسران دانشجو میدهند که روز جمعه اول اردیبهشت ماه برای گردش به ارتفاعات شمال تهران رفته بودند؟ یا هجوم کماندوهای مامور دانشگاه تهران بشاگردان نشسته در سر کلاسها یا ایستاده به نماز دانشکده‌ها و مضروب و مصدوم ساختن بیرحمانه آنها تا سرحد مرگ چه معنی و منظور میتواند داشته باشد؟ اینان مگر فرزندان دل‌بند ایران نیستند و ایرانی؟ آیا در نظام حاضر باید از کوچکترین حقوق بشری محروم باشند؟

۳ - آیا اعلیحضرت شخصاً " شاهد تحولات سریعی که بعد از ۲۸ مرداد ۳۲ در افکار عمومی و احساسات مردم نسبت بدولت و مقام سلطنت در اثر تشدید روزافزون فشار و خشونت و خفقان بوجود آمده است نیستند و فکر نمیکنند که سیاست اتخاذی جدید بیش از پیش مردم را به عصیان عمومی و شورش سوق میدهد؟ اگر در سالهای ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۰ گاهگاه اعتراض و اعتصابات در احزاب و افراد طرفدار جبهه ملی و در دانشگاه دیده میشد و در ۱۳۴۲ و پس از ۱۳۵۰ گرایش به عصیان و انقلاب به عده زیادی از مردم متدین و آزاده و به قشرهای جوان داخل و خارج کشور توسعه یافته بعضی از آنها دست به اسلحه و نارنجک بردند، حالا موج نارضایتی فریادهای ناله و نفرت سراسر طبقات اعم از دانشجو و دانش‌آموز و بازاری در مرکز و شهرستان، حتی طلاب حوزه‌های دینی تا مدرسین و مراجع

طراز اول را فرا گرفته است و همه بشهادت مطبوعات معتبر جهان یکدل و یکزبان شده‌اند .

فجایع قم و تبریز و یزد که بعضی از مقامات و مصادر انتظامی و دولتی بوجود آوردند و مردم از فرط استیصال و تشنه عدالت بی‌پروا با استقبال گلوله میرفتند رساترین هشدار برای اعلیحضرت بود . پس از آن تعطیل عمومی بازارهای تهران و سراسر شهرهای ایران در اربعین شهادی تبریز را که برای همدردی و اعتراض انجام گرفت و در تاریخ ایران بی‌سابقه بود آیا نمیبایستی بعنوان فراندوم طبیعی ملی علیه نظام تحمیلی تلقی فرمایند؟

آخر این چه مملکت ، چه دولت و چه سلطنت است که درسایه آن نه دانشجو در مدرسه و خیابان و کوهستان از امنیت برخوردار است نه آزادیخواهان و مسلمانان در خانه و دفتر و مطب و مسجد مصون از حملات و حشتناک مامورین مخفی و علنی هستند و نه کسی حق حرف و حیات دارد؟

آیا حکومتی که پادشاه آزادیها را هر وقت لازم تشخیص داد به ملت بدهد و هر وقت خواست بگیرد (مستفاد از مصاحبه اخیر باروزنامه نگاران آلمان) مشروطیت حساب میشود؟

انقلاب سفید ، دموکراسی رستاخیزی و تمدن بزرگ که اعلیحضرت دائما " نوید میدهند و محصولش خفقان و آزار و زندان و شکنجه و کشتار از یکطرف و نابسامانیها و تنگناهای کمرشکن و از بین رفتن تولیدات ملی از طرف دیگر است ، چه ارزشی برای ملت ستمدیده ایران دارد؟

آیا موقع آن نرسیده است که اعلیحضرت قدری بیندیشند؟ ...

کمیته اجرائیه جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

دعوت سه تن از مؤسسين جمعيت از مردم برای
شرکت در مجلس شهدای یزد، جهرم و اهواز

بسمه تعالی

در اربعین شهدای یزد، جهرم و اهواز که در راه آزادی و دینداری جان عزیزشان از دست رفته است، ضمن طلب مغفرت برای آن مظلومان و عرض تسلیت به بازماندگان آنان و در همگامی با جامعه محترم روحانیت تهران از دوستان و همفکران دعوت مینمائیم در مجلس ختمی که روز پنجشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۷ از ساعت ۹ صبح در مسجد جامع تهران تشکیل میشود مشارکت فرمایند.

احمد صدر حاج سید جوادی

یدالله سحابی

مهدی بازرگان

نامه به مراجع و آیات عظام بمنظور ابراز انزجار از عملیات وحشیانه رژیم در قم

تهران ۱۳۵۷/۲/۲۵

بسمه تعالی

مراجع عالی‌مقام و آیات الله العظام آقایان حاج سید کاظم شریعتمداری و حاج سید محمد رضا گلپایگانی و حاج سید شهاب الدین نجفی مرعشی ادامه الله بقائهم

کمیته اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر تأسف و تأثر عمیق خود را نسبت بکشتارهای بیرحمانه اخیر مردم بیگناه قم و سایر شهرستانهای ایران که بدست مامورین از خدا بیخبر دولت و بفرمان حاکم وقت صورت گرفته است به پیشگاه با عظمت شما پاسداران نظام توحیدی معروض داشته و مراتب همدردی و همگامی اعضای جمعیت و هواداران در سراسر ایران و خارج از کشور را اعلام میدارد و از خداوند جبار پیروزی مردم ستمدیده ایران را در قیامی که علیه ظلم و فساد و نظام استبدادی ایران برپا داشته‌اند مسئلت دارد .

این جمعیت و کلیه سازمانهای جهانی طرفدار آزادی و حقوق بشر اعمال خلاف قانون و ضد انسانی پلیس دولتی را در جرح و قتل مردمی که از تجاوزات نامحدود دستگاه بستوه آمده بخاطر دین و کسب آزادی و عدالت و برخورداری از حقوق سیاسی و اقتصادی به تظاهرات منطقی و حق طلبانه پرداخته‌اند و بدست جلادان حکومت به رگبار مسلسل و گلوله بسته میشوند محکوم نموده وظیفه خود میدانیم

که صدای شهیدان و داغدیدگان را بگوش مردم آزاده و حقدوست جهان برسانیم... اگر امروز پلیس استبدادی به خانه و اندرون مراجع عالیقدر محبوب ملت یورش و حشیانه برده و آنان را با تنی رنجور روانه بیمارستان مینماید و یا در خانه حضرت آیه الله شریعتمداری سرلشگری باتفاق چند سرهنگ و سرباز عالما "عامدا" وارد شده و قصد آتش زدن میکنند و پس از شکستن در و پنجره با گلوله‌هایی مغز طلبه‌ای بنام (ستار کشانی) را متلاشی و دیگران را مجروح و مشرف به موت مینمایند و سپس حاضرین را بزور وادار به شعار دادن مینمایند، با چنین عمل شدادی نه تنها به روحانیت و به ملت ایران بیش‌رمانه‌ترین اهانت را مینمایند بلکه شعله‌های خشم مردم را بلندتر و شورش مملکت را برای سرنگونی رژیم نزدیک‌تر میسازند؟ بهر حال خدای بزرگ چنین اراده فرموده است که پیشوائی و رهبری و نجات این ملت از دست استبداد و برای استقرار حکومت الهی و آزادی و عدالت بعهدہ شما مراجع عظام قرار گیرد...

ما آرزو داریم مردم آزادیخواه ایران و سازمانهای مدافع حقوق بشر افتخار همگامی و فداکاری در این وظیفه الهی و انسانی و قانونی را داشته باشند. باعرض سلام و دعا، توفیق مراجع تقلید عظام و مردم ایران را از خداوند متعال خواستاریم.

کمیته اجرائیه جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر

بیانیه دعوت به تحصن سراسری بمناسبت سالروز قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

این بیانیه توسط گروهی از مبارزین مسلمان که بنام "سازمان همکاری مسلمانان مبارز ایران" فعالیت‌های علنی و عمومی خود را هماهنگ میکردند، صادر شده است. از این سازمان تنها همین یک بیانیه بدست آمده است.

در این گروه برخی از اعضای نهضت آزادی و جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر از جمله آقایان مهندس بازرگان و مهندس صباغیان و... شرکت فعال داشته‌اند.

بیانیه مذکور در سطح بسیار وسیع در تمام کشور پخش شد و مبنا و مقدمه اعلامیه‌های بعدی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر و علمای مبارز تهران و سایر گروه‌های سیاسی و سبب‌خانه‌نشینی مردم و خاموشی و تعطیل ۷۰ تا ۹۰٪ شهرهای بزرگ و کوچک ایران و ۹۰٪ بازار و خیابانها در عرض وزیر بازار تهران گردید و نمونه بارزی از یک مقاومت منفی گسترده و آزمایش آمادگی نیروهای مردمی شد. از آنجا که این اعلامیه در جای دیگری نیامده است. در این مجموعه عیناً نقل میگردد.

بنام خدا

تعطیل سراسری کشور در ۱۵ خرداد

۱۵ خرداد ۱۳۴۲ : روزی که استبداد دست نشانده بیگانگان چهره خونخوارش (۱۲ محرم ۱۳۸۳) را آشکار ساخت .

روزی که هزاران بیگناه در کوچه و بازار و خیابان بیرحمانه به رگبار مسلسل بسته شدند .

روزی که قشرهای انبوه مسلمانان به رهبری پیشوای بزرگ دین به مبارزه ملی پیوستند

روز افتخار - نقطه عطف انقلاب - روز امید

بعد از آن تاریخ دستگاه استبداد جز غارت و جنایت ، زیر پا گذاشتن قانون و آزادی ، دروغگوئی و دزدی ، رواج فحشاء و فساد ، از بین بردن زراعت و ثروت ملی ، حبس و شکنجه و کشتار و بطور کلی دشمنی با خلق و خدا کاری نکرده است . با ندای آزادی و حقوق بشر بار دیگر مردم بپا خواستند . اما استبداد فشار و نیرنگ و کشتار را بیشتر و مملکت را به ویرانی و نابودی نزدیکتر ساخت .

همه در تنگنا ، همه ناراحت ، همه ناراضی ، همه آرزومند نجات

به احترام شهیدان خارج از شمار آرزو و سالهای قبل و بعد ؛

بخاطر قربانیان قم و تبریز و جهرم و کازرون و اهواز و سایر شهرها و دهات ؛
در راه همبستگی و شایستگی ملت جهت آزادی و استقلال و سعادت ؛
و بالاخره برای نابودی دیو استبداد ؛

به پیروی از نظریات مراجع عظام و رهبران ملی

همگی روز دوشنبه ۱۵ خرداد ۱۳۵۷ در خانه‌های خود به تحصن بنشینیم .

زن و مرد ، کاسب و کارمند ، روحانی و بازاری ، کشاورز و کارگر ، دانشجو و دانش‌آموز ، دانشگاهی و فرهنگی ، پیر و جوان . . . تا ۵ بعد از ظهر .
از روز پیش تدارک آذوقه ببینید .

سکوت باشکوه سراسری مملکت گویاترین زبان ملت و کوبنده‌ترین مشت برده‌ها
استبداد خواهد بود. بهانه از دست دشمن گرفته مجال برای تهمت، خرابکاری و
میدان برای آدمکشی به او ندهیم.

واجعلوا بیوتکم قبله و اقیموالصلوة و بشرالمومنین

تهران - سوم خردادماه ۱۳۵۷

اعلامیه دعوت به اعتصاب عمومی ماندن در منازل
به مناسبت کشتار فجیع ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

هفتم خرداد ماه ۱۳۵۷

هموطنان :

با توجه به کشتار فجیع عدهٔ زیادی از هموطنان بیگناه در پانزدهم خرداد ماه ۱۳۴۲ بمنظور محکوم ساختن واقعه ناگوار و نظائر آن که در ماههای اخیر بدفعات روی داده و از مصادیق بارز نقض مستمر حقوق بشر در کشور ماست و با عنایت باینکه هیئت حاکمه در مقام اعمال شدت عمل بیشتری جهت سرکوبی هرگونه حرکت ملی و اعتراضات حقه و قانونی مردم میباشد، جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر با الهام از نظر علمای عظام و مراجع عالیقدر، شرکت در اعتصاب عمومی از طریق تعطیل کار و ماندن در خانه‌ها را در روز دوشنبه پانزدهم ماه جاری، اولاً " برای بزرگداشت خاطره شهدای پانزدهم خرداد، ثانیاً " بعنوان یکی از طرق مسالمت‌آمیز اعتراض برنقض لاینقطع حقوق مردم ایران ضروری میشناسد و اکیداً توصیه می‌نماید برای جلوگیری از حوادث ناگوار که هیئت حاکمه پیوسته در صدد ایجاد آن میباشد، باتأمین قبلی مواد غذایی در خانه‌های خود بمانند و از حضور و یا حرکت در خیابانها و میادین مطلقاً " خودداری کنند .

خدا یار و مدد کار شماست

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

اطلاعیه خطاب به دانشجویان رانده شده از کوی دانشگاه جهت اسکان آنها

۵۷/۳/۲۱

بسمه تعالی

اطلاعیه

باینوسیله از خواهران و برادران دانشجویان که محل اقامت خود را در کوی و خوابگاه دانشگاه بعلت تخریب و یورش مأمورین انتظامی از دست داده و اکنون با سرگردانی رقت باری در پارکها و امکنه غیرقابل سکونت زندگی میکنند دعوت میشود از روز سه‌شنبه ۲۲ تا چهارشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۵۷ بعداز ظهرها بین ساعت ۴ تا ۷ بدفتر این جمعیت (جاده قدیم شمیران جنب حسینییه ارشاد - خیابان شهرزاد شماره ۱۲) بادر دست داشتن کارت دانشجویی مراجعه فرمایند تا ترتیب اسکان موقت آنها در مساجد و خانه‌های کسانیکه داوطلبانه آمادہ پذیرائی از دانشجویان عزیز میباشند داده شود.

کمیته اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

در خواست مدیریت اجرائی جامعه بین المللی
حقوق بشر از جمعیت جهت پیوستگی به آن جامعه

۱۹۷۸/مه/۵

آقای قطب زاده
۶۶ خیابان مولن دولا پوانت
۷۵۰۱۳ پاریس - فرانسه

آقای قطب زاده عزیز

از این فرصت استفاده کرده ضمن ارسال شادباشهای خود بوسیله آقای
بیل و پیتز به آگاهی شما می‌رساند که جمعیت ما علاقمند به پیوستگی ایران به جمعیت
بین المللی حقوق بشر بوده و آماده است هرگونه کمک ممکنه را در این زمینه در اختیار
بگذارد.

ما تاکنون از اعلام علنی پیوستگی ایران به جمعیت بین المللی حقوق بشر
بانتظار دریافت اجازه از طرف شما خودداری نموده ایم. آیا اکنون با اعلام علنی
این موضوع موافقت می‌فرمائید؟

با شادباشهای فراوان
مورین آر. برمن

مدیریت اجرائی جمعیت بین المللی حقوق بشر

پاسح به نامه مدیریت اجرائی جامعه بین المللی
حقوق بشر و قبول پذیرش وابستگی به آن جامعه

تهران - بتاريخ ۱۸ تیرماه ۱۳۵۷

آقای مورین آر. برمن
مدیریت اجرائی
جامعه بین المللی حقوق بشر

عطف بنامه مورخ ۵ مه ۱۹۷۸ بعنوان آقای صادق قطب‌زاده که ضمن آن
علاقتمندی جامعه بین‌المللی حقوق بشر را برای وابستگی جمعیت ایرانی دفاع از
آزادی و حقوق بشر مرقوم داشته و وعده همه‌گونه مساعدت را داده‌اید مراتب
سپاسگزاری و مسرت جمعیت را ابراز می‌داریم .

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر ایران متقابلاً "درخواست و امتنان
خود را برای وابستگی به آن جامعه اعلام مینماید و امیدوار است در پیشبرد اهداف
عالیه خود در راه آزادی و دفاع از حقوق بشر با همکاری آن جامعه موفقیت مطلوب
پیدا نماید .

بدیهی است که انتشار علنی عضویت ما در آن جامعه هیچگونه اشکال و ایرادی ندارد.

از فرصت استفاده کرده یک نسخه اساسنامه چاپ شده جمعیت را (که بزبان
فارسی است و ترجمه آن را بعداً "خواهیم فرستاد) برای استحضار و اقدام دفتر

جامعه ارسال داشته اعضاء کمیته اجرائی جمعیت را که در جلسه مورخ ۱۳۵۷/۱/۳۱ هیئت مؤسسین انتخاب شده اند با اطلاعتان میرسانیم

آقایان

مهندس مهدی بازرگان رئیس
 دکتر اصغر حاج سیدجوادی نایب رئیس
 دکتر ناصر میناچی خزانه دار
 احمد صدر حاج سیدجوادی
 دکتر کریم سنجابی
 دکتر عبدالکریم لاهیجی
 حسن نزیه

همچنین تأیید مینمائیم که آقای صادق قطب زاده بنشانی :
 ۶۶ خیابان مولن دولاپونت ۷۵۰۱۳ پاریس - فرانسه
 یکی از نمایندگان جمعیت در اروپا میباشد
 با احترام و امتنان

کمیته اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر
 (مهندس مهدی بازرگان)

- ۱ - رونوشت برای آقای صادق قطب زاده ارسال میشود .
- جنابعالی در جلسه مورخ ۱۳۵۷/۴/۱۸ کمیته اجرائی باتشکر از اقدامات و خدمات گذشته بنمایندگی جمعیت در اروپا انتخاب شده اید .
- ۲ - رونوشت برای عفو بین المللی
- ۳ - رونوشت برای صلیب سرخ
- ۴ - رونوشت برای آقای ژاکوب مولر

دومین مصاحبه مطبوعاتی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

۱۳۵۷/۴/۲۰

بسمه تعالی

آقایان و دوستان عزیز

قریب هفت ماه از تاریخ تاسیس جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر و پنج ماه از اولین مصاحبه ما با شما نمایندگان مطبوعات و خبرگزاریها که در تاریخ ۱۳۵۶/۱۰/۲۲ صورت گرفته بود میگذرد.

کمیته اجرائی جمعیت مایل بود تجدید دیدار و گفتار با آقایان بعمل آمده از قدمتان وانعکاسش که از تاسیس جمعیت و خواسته‌های ما در مطبوعات و موسسات خودتان دارید صمیمانه تشکر نمایم.

امروز اگر ملت ایران محروم از ابتدائی‌ترین حقوق بشری و آزادیهای قانونی و روابط حکومت دموکراسی میباشد و در زیر ضربات جانفرسای پلیس و نیروهای جنگی نظام استبدادی دست و پا میزند، خوشحالیم که فریادهای ناله و اعتراض تاحدودی بگوش مردم دنیا میرسد و چندی است با حضور نمایندگان مقیم بعضی از خبرگزاریها و مسافرت و مشاهدات نمایندگان اعزامی توجه سرشاری از ناحیه دنیای غرب بجریهانهای مملکت ما بعمل می‌آید و همدردها و همصدائی در آنطرف مرزها پیدا کرده‌ایم.

همانطور که میدانید و میشنوید تبلیغات دولتی ما دائما " صحبت از گسترش

فضای آزاد، رعایت بیشتر حقوق بشری و اعطای آزادیهای انتقاد و اجتماع مینماید (که خود اقرار صریح به جرم سنگین در گذشته میباشد) و بنفل قول از شما خبراز تماس‌هایی با مخالفین و توافقهایی با جناحهای میانه‌رو میدهد و اضافه میکند که اختلافات و اعتراضها و اغتشاشها خاتمه یافته است.

ما فکر کردیم شاید آقایان علاقمند باشید حقیقت این جریانها را بدانید و از زبان جمعیت اخبار مستقیم و صحیحی از مواقع و از نظریات مردم بشنوید و گزارش فعالیتهای کمیته را بگیرید. بنابراین اقدام به دعوت آقایان برای مصاحبه مطبوعاتی امروز نمودیم و مجدداً "از قبول زحمت و لطفتان تشکر مینمائیم."

محتاج بگفتن نیست که در این مدت نیمسال نه ملت ایران راحت و آرام بوده است و نه جمعیت ساکت و بی‌کار نشسته و از آنچه درامانش بوده خودداری کرده است، در حالیکه هیئت حاکمه ضمن تکرار ادعای رعایت قانونی و دموکراسی و حقوق بشری بی‌اعتنائی کامل خود را به اظهارات و اعتراضات و خواسته‌های مردم و جمعیت ادامه داده و صرف‌نظر از بعضی اغماضها هر دم بر خفقان و خشونت افزوده است.

با اجازه آقایان فهرست‌وار به پاره‌ای از موارد فوق و رفتاری که با طبقات مختلف ملت شده است اشاره مینمایم تا شخصاً "قضاوت فرمائید." البته توضیحات بیشتر در جواب سئوالات داده خواهد شد و اگر مایل باشید مدارک و رونوشت‌های مربوط را در اختیارتان می‌گذاریم. موارد و طبقاتیکه اشاره خواهیم کرد بشرح ذیل خلاصه میشود.

الف) رفتار با دانشجویان و نسل جوان مملکت و وضع محیط‌های دانشگاهی.

ب) رفتار نسبت به روحانیت و حوزه‌های دینی و اماکن اسلامی.

ج) رفتار با بازاریها، وکلا، نویسندگان و مردم عادی.

د) وضع زندانیها و روش دستگیریها و دادرسی.

ه) مسئله آزادی بیان و قلم و اجتماعات و احزاب سیاسی .

الف) رفتار با دانشجویان و نسل جوان مملکت و وضع محیط‌های دانشگاهی

روشنفکران و نسل جوان دانشجوی ایران با حساسیت خاص و بینشی که دارند بیشتر از طبقات دیگر از دیرزمان علیه نظام استبدادی موجود به اعتراض و انزجار برخاسته‌اند و بیش از سایر طبقات نیز، علیرغم نونهالی و عزت و ارزشی که دارند، هدف کینه‌توزی و انتقام دستگاہ بوده در معرض حملات و حشیانه پلیس و گاردهای مسلح مخصوص قرار گرفته کشته و مصدوم و مجروح و زندانی داده‌اند و میدهند، ضمن آنکه ناآرامی و سرسختی‌شان در افزایش است .

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر که مانند بسیاری از مردم دیگر شاهد صحنه‌های دلخراش دریافت کننده گزارشها و شکایات تکان دهنده بوده است نامه‌های اطلاع و اعتراض چند برای مقامات مسئول یا غیر مسئول ولی موثر و مقصر، ارسال داشته مصرًا "خواستار رسیدگی و رفع این جنایات گردیده و رونوشت بعضی از آنها را برای سازمانهای بین‌المللی نیز فرستاده است. از جمله چهار فقره ذیل:

۱- در نامه مورخ ۱۳۵۶/۹/۱۲ به نخست وزیر چنین نوشتیم:

در اواخر آبانماه مامورین با چوب و چماق بکلاسهای درس دانشکده ادبیات حمله بردند و همه را از استاد و شاگرد بشدت مضروب ساختند .
در دانشگاه تهران کماندوها با اجتماع آرام دانشجویان که بمناسبت سالروز تعطیل کانون مذهبی حسینیہ ارشاد منعقد شده بود حمله کرده دختر و پسر را بیرحمانه زدند و زخمی کردند .

چند روزپیش در دانشگاه صنعتی آریامهر مامورین که معمولاً " با لباس مبدل وارد معرکه میشوند، استادان و دانشجویان را وحشیانه زدند و بکلانتری جلب کرده بعضی از آنان را از زن و مرد با معاونت حیلہ‌گرانه . . . به بیابانهای اطراف شهر بردند و در تاریکی شب تا سرحد مرگ مضروب ساختند . . .

۲- در نامه مورخ ۱۳۵۷/۲/۱۱ بعنوان اعلیحضرت چنین آمده است:

اعلیحضرت چه نامی . . . و چه عنوانی به حمله بیش از ۲۵۰ نفر چتر باز با چماق و زنجیر بدست برای شکستن دست و پا، بدره انداختن و بزدان بردن

دختران و پسران دانشجو میدهند که روز جمعه اول اردیبهشت ماه برای گردش با ارتفاعات شمال تهران رفته بودند؟ یا هجوم کماندوهای مامور دانشگاه تهران بشاگردان نشسته در سر کلاسها یا ایستاده بنماز دانشکدهها... اینان مگر فرزندان دلبندهای ایران نیستند... آخر این چه مملکت، چه دولت و چه سلطنت است که در سایه آن نه دانشجو در مدرسه و خیابان و کوهستان از امنیت برخوردار است و نه...؟ (۱)

۳- در نامه مورخ ۱۳۵۷/۴/۶ رونوشت شکوائیمای را برای نخست وزیر فرستادیم که دانشجویان دانشگاه تهران بعنوان جمعیت نوشته خلاصهای از مظالم وارده بر سر آنها را ذکر کرده دادخواهی و افشاگری به نزد مقامات بین المللی خواسته بودند. (۲)

در این نامه اشاره بغارت متجاوز از ده هزار جلد کتاب، ممانعت از ورود دانشجویان به مسجد، هجومهای وحشیانه بکلاسها، ضرب و شتم دانشجویان و استادان، انحلال نیمسال درسی، قطع کمک هزینههای تحصیلی، فاجعه هولناک حمله قوای انتظامی بکوی دانشجویان وبی خانمان کردن سه هزار دانشجوی شهرستانی پس از ضرب و جرح حدود / ۳۵۰ دختر و پسر وشکستن و بستن کوی دانشگاه - (۳)
 ۴- در تلگرام مورخ ۱۳۵۷/۳/۲۹ بعنوان دادستان شهرستان اصفهان (۴) نسبت بچریان دلخراشی که برای زندانیان سیاسی آن شهر واز جمله تعداد قابل ملاحظه ای از دانشجویان رخ داده بود اعتراض کردیم.
 این زندانیان سیاسی جوان مورد حمله داخلی افراد زیادی از زندانیان

(۱) - بعد از این واقعه بازم حملات طرح شده و کشنده کماندوهای مسلح هلیکوپتر سوار بدستجات دانشجویان پسر و خصوصا " دختر که روزهای تعطیل به کوه پیمائی می روند و سرود یا نماز جماعت میخوانند تکرار شده است.

(۲) - فتوکپی شکوائیه پیوست است.

(۳) - از طرف جمعیت محلهائی برای جادادن دانشجویان آواره در خانه های

مخصوص و در مساجد تعبیه گردید.

(۴) - رونوشت به دادستان کل کشور آقای نخست وزیر.

عادی قرار گرفته بودند که از طرف مقامات زندان مامور و مجاز به حمل چاقو شده و بیش از ۷۰ نفر را شدیداً " مجروح و مشرف بمرگ کرده بودند . بدون آنکه اقدامی برای پانسمان و معالجه آنها بشود .

۵ - در بابلسر نیز پلیس و سربازان بدانسجویانی که در سال مرحوم دکتر علی شریعتی (۱۳۵۷/۳/۲۸) اجتماع و تظاهرات خیابانی کرده بودند حمله جنگی نموده تعدادی را مجروح میکنند و یکنفر کشته میشود .

* * *

عملیات سبعانه گاردهای نیروی شاهنشاهی با دانشجویان دانشگاه‌های ایران که نمایش دهنده ناسازگاری عمیق نظام ارتجاعی حاکم با دانش و فرهنگ و نسل نوری میباشد بحدی رسیده است که در تاریخ ۱۳۵۷/۲/۲۲ استادان دانشگاه تبریز ضمن اعلام کتبی انزجار خویش اخطار کردند که تا خروج گارد از دانشگاه آذربادگان و تغییر رفتار دولت با دانشجویان از تدریس خودداری خواهند کرد . پس از آن استادان و هیئت‌های تعلیماتی موسسات آموزشی عالی دیگری نیز مراتب همدردی و همبستگی خود را منتشر ساخته‌اند از جمله استادان دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، دانشگاه صنعتی آریامهر ، پلی تکنیک و دانشکده پزشکی رازی .

تنها عکس‌العمل دولت این شد که برای حفظ نظم و امنیت دانشگاهها به هیئت‌های امنای مربوطه استقلال و آزادی عمل دهد که گارد را مرخص کنند یا نگاهدارند ، بدون آنکه از این رهگذر عملاً " تغییر محسوسی پدیدار شده باشد . در حال حاضر ضمن آنکه دولت تاسیس دانشگاه‌های تازه‌ای را عنوان مینماید و در تهران سمینار بین‌المللی رؤسای دانشگاهها را تشکیل میدهد ، غالب دانشگاههای ایران در حال تعطیل رسمی یا عملی است و یا نیمه تعطیل میباشد و مقامات مسئول بعضی از ترم‌های درسی را منحل و موکول به نام‌نویسی یا افتتاح مجدد کرده‌اند .

ب) رفتار نسبت بروحانیت و یا حوزه‌های دینی و اماکن اسلامی
دومین طبقه مورد خصومت دستگاه که آماج حمله‌های انتقامجویانه شدید قرار گرفته است روحانیت شیعه و حوزه‌های تجمع و تدریس مؤمنین و طلاب علوم

دینی می‌باشد.

مراجع بزرگ مذهبی که بنا به رسوم همه جای دنیا محترم می‌باشند و بنا به معتقدات و سنت مردم ایران مورد تجلیل بوده و برطبق قوانین اساسی مملکت مقامات صحه‌گذار روی قوانین مصوب هستند نه تنها مصون از جریان فوق‌نیستند بلکه در معرض ناشایسته‌ترین رفتار دستگاه و بیش‌رمانه‌ترین حملات بی‌سابقه در تاریخ ایران شده‌اند. رفتاری که رو درروئی خاص نظام حاکم را با خواسته‌های ملت نشان می‌دهد.

مطبوعات جهان از مقاله سراپا ناسزا و توهین بساحت ارجمند آیت الله العظمی خمینی که با شماره ساواک در روزنامه تحت فرمان اطلاعات در تاریخ ۱۳۵۶/۱۰/۱۷ درج گردیده بود اطلاع حاصل کرده و دانسته‌اند که چگونه آن مقاله عامل انگیزش نفرت و خشم علما و سراسر مردم مسلمان ایران و موجب و مقدمه تظاهرات وسیع و فجایع خونین شهرهای قم و تبریز و یزد و جهرم و اهواز و مشهد و سایر جاها گردید. دولت ایران پیشوای محترم و محبوب مسلمانان ایران را بعد از ۱۵ سال تبعید خلاف قانون هنوز دور از کشور و ممنوع از مراجعت نگاهداشته بردن نام و تجلیل و تظاهرات بافتخارایشان را مدرک جرم و بهانه حمله و کشتن مردم میدانند. کمیته اجرائی جمعیت نامای بتاریخ ۱۳۵۶/۱۰/۲۱ در اعتراض بدرج مقاله مزبور رفتار مامورین با مردم بی‌گناه قم بعنوان نخست‌وزیر نوشته مصرا "خواستار معرفی و تعقیب نویسنده مقاله و محاکمه و مجازات عمال کشتار فاجعه قم گردید. مطبوعات و مردم دنیا از اجتماعات سوگواری و اعتراض انبوه چهل روز به چهل روز مردم سراسر ایران که مواجه با ممانعت و دخالت مسلحانه پلیس و نیروهای انتظامی و ریختن خون دهها و صدها نفر مردم بیگناه بی‌دفاع شده است و وسیع‌ترین و شدیدترین آنها در تاریخ ۱۳۵۶/۱۱/۲۹ در شهر تبریز بوقوع پیوست، نیز اطلاع پیدا کرده‌اند.

روزنامه‌های تحت سانسور و تبلیغات دولت بجای آگاه ساختن افکار عمومی ایران و خارج از اجتماعات همگان و انعکاس دادن صادقانه امواج اعتراض و انزجار شهرها و بعوض عذرخواهی و خودداری از جنایات ارتكابی دست به پخش وسیع اخبار مجعول یا مبالغه‌ای از حملات اخلاک‌گران متفرق ببعضی از موسسات اقتصادی

و شکستن درب و پنجره‌ها زدند تا جریانات عظیم نارضایتی مردم و انقلاب علیه دولت را وارونه جلوه داده بهانه حفظ نظم و امنیت مستمسک قانونی برای شدت عمل و خشونت‌های بیشتر بترانند.

کمیته اجرائی در نامه مورخ ۵۷/۱/۱۵ بعنوان آقای نخست‌وزیر پرده از این نقشه برداشته اخطار و هشدار بدولت و ملت داد.

ورود پیشوایان دینی مورد احترام و اطاعت اکثریت مسلمانان ایران به صحنه مبارزات علیه حکومت استبدادی و عکس‌العمل‌های ناب‌خردانه و خصمانه دولت علیه روحانیت و مردم منجر به بزرگترین تظاهرات تاریخ ایران بصورت بازاربندان ۱۵ فروردین ۱۳۵۷ بمناسبت اربعین شهدای تهریز در پایتخت و سهرهای بزرگ و کوچک ایران گردید که روشنترین معرف افکار ملی و طبیعی‌ترین رفتارند همگانی علیه نظام حاکم باید تلقی شود.

کمیته اجرائی جمعیت این معنی را در نامه مورخ ۱۳۵۷/۲/۱۱ بعنوان اعلیحضرت صریحا "گوشزد نمود. دولت مجری فرامین اعلیحضرت نه تنها کوچکترین اعتراف به خطاهای خود و کمترین انصراف از سیاست ضد آزادی و ضد حقوق بشری خود ننمود بلکه با سرسختی و بی‌شرمی تمام در روزهای ۱۹ و ۲۰/۲/۱۳۵۷ مامورین انتظامی اعزامی خود را بلا مقدمه و بی‌جهت وارد منازل مراجع بزرگ دینی قم آیات‌الله العظام گلپایگانی و شریعتمداری نموده اناشیه و خانه‌ها را تخریب، اهل خانه و مراجعین و طلاب را وحشتزده و مضروب و دونفر را مقتول کرد! کمیته اجرائی در برابر چنین جنایت باورنکردنی یک نامه همدردی و انزجار بتاريخ ۱۳۵۷/۲/۲۵ برای پیشوایان بزرگ تقلید ارسال داشت.

گذشته از رفتارهای ضد اسلامی و ضد انسانی و ضد قانونی فوق، مامورین انتظامی تقریبا کلیه خطبای دینی را که در مساجد و مراسم اخیر شهرها سخنگوی روحانیت و ملت بوده‌اند و همچنین تعدادی از پیش‌نمازان و روحانیون مبارز و روشنفکر را (جمعا" در حدود ۵۰ نفر) برخلاف قانون شهرهای معمولاً "بد آب و هوا و دور افتاده تبعید کرده است. (۱)

۱۵ خردادماه ۱۳۵۷ مناسبت دیگری پیش آمد که اکثریت قریب باتفاق مردم ایران بیادبود واقعه خونین پانزده سال قبل، یعنی اولین قیام روحانیت علیه نظام استبدادی برهبری آیت الله خمینی که منجر بشهادت دسته جمعی هزاران نفر مردم شهر و دهات شده بود. بار دیگر نارضایتی عمیق و طرد نظام استبدادی حاکم را بصورت طبیعی ترین و قطعی ترین رفتارندم اعلام دارند.

دولت که پیش بینی تظاهرات بزرگی را برای آنروز مینمود تصمیم به مقابله شدید و کشتار بیدریغ گرفته بود کمیته اجرایی حقوق بشر همصدای باگروه های اسلامی و روحانی و سیاسی برای خنثی کردن نقشه شوم دولت و ارائه وحدت نظر ملت در محکوم کردن نظام حاکم دعوت بتظاهرات مسالمت آمیز و اعتصاب آرام همگانی بصورت خانه نشینی کرد.

در آنروز سکوت باشکوهی در شهرهای بزرگ و کوچک سراسر کشور مانند یزد، قم، مشهد، اصفهان، ساوه، تبریز، زنجان، اردبیل، میانه، جهرم، کرمانشاه، شیراز، قزوین و حتی دهات سایه انداخته بازارها و دکانها همه جابسته و خلوتی پرمعنائی حکمفرما بود. (۱)

ج) رفتار با بازاریها، وکلا، نویسندگان و مردم عادی

مردم بازار ایران و صاحبان مشاغل آزاد که تا حدودی خارج از اسارت استخدامی دولت بوده حالت آزادیخواهی و مبارز آشکار دارند و همانها هستند که تظاهرات ملی و اجتماعات بزرگ مجامع مذهبی را تشکیل داده و بازارها را می بندند، سومین طبقه مهم مملکت هستند که مورد کینه و آزار خاص نظام استبدادی قرار دارند.

تعداد زیادی از امضاءکنندگان اعلامیه های اعتراض و اعتصاب و تشکیل دهندگان مجالس فاتحه و چهلم بجرم واهی گرانفروشی یا تخلفات صنفی مورد تعقیب و

(۱) - فقط خیابانهای شمال تهران و ادارات دولتی حالت تمام تعطیل را

نداشت. بدستور دولت افسران ارتش و مأمورین و خانواده های آنها با ماشین های دولتی و شخصی از سحرگاه بگردش تکراری در خیابانها در آمده، سربازان را با لباس مبدل در شهر متفرق کرده اطاق اصناف بزور سربازان بعضی صاحب مغازه ها را از خانه بیرون آورده بود و یک حضور و حرکت ساختگی مشهود ایجاد نموده بودند.

مزا حمت اطاقهای اصناف (که زیر نظر و شعبه‌ای از ساواک است) قرار گرفته محروم از کسب و کار گردیدند. در بعضی از وزارتخانه‌ها نیز دستور اخراج از خدمات مشاوره‌ای یا ابلاغ مالیات‌های سنگین برای وکلای دادگستری و پزشکان آزادپخواه را صادر کردند و جلوی انتخابات داخلی کانون نویسندگان را گرفتند و همانطور که میدانید در خانه و در دفتر کار چند تن از مؤسسين جمعیت و ملیون بمب‌های انفجاری بعنوان اولین هشدار از طرف سازمانهای حزبی و ساواک کار گذاشتند .

بسیاری از مردم شرکت کننده در تظاهرات مسالمت آمیز چند ماه اخیر و حتی رهگذرهای خیابانها که مرتکب عمل مورد ایرادی نشده بودند بدون اخطار قبلی در معرض کتک ، توقیف یا گلوله مامورین انتظامی رسمی و مخفی قرار گرفته اند در حالیکه مرجعی برای رسیدگی بشکایات و کیفر مقصرین وجود ندارد .

کمیته جرائی در این زمینه نامه‌هایی چند بتاریخهای ۱۲/۹/۵۶، ۲۱/۱۰/۵۶، ۲۵/۱۱/۱۳۵۶ و ۲۸/۱/۱۳۵۷ صادر نموده است .

د) وضع زندانها و روش دستگیریها و دادرسی

اجرای شکنجه و شرایط زندگی زندانیان سیاسی و همچنین بازداشتها و محاکمات که سال گذشته در اثر اقدامات مجامع بین المللی مانند صلیب سرخ ، آمنی سنی انترناسیونال و کمیته جهانی حقوق بشر تا حدودی بهبود پیدا کرده ظاهر سازی‌هایی رعایت میشد ، در نیمه سال اخیر بازگشتهای محسوسی در آنها بوضع گذشته دیده شده و از جهاتی بدتر هم شده است . البته عفو و آزادی عده‌ای نیز در باره زندانیان سیاسی که محکومیت‌هایشان بپایان نرسیده بوده و حاضر بدرخواست عفو یا تعهد همکاری با ساواک نشده‌اند بعمل نیامده است .

در تاریخ ۲۱/۱۲/۵۶ در زندان قصر تهران زندانیان سیاسی در اثر مشکلات غیر قابل تحمل ملاقات با خانواده‌ها ، دریافت نامرتب روزنامه و کتاب ، بهداشت و خوراک و سایر ضروریات اولیه زندگی و همچنین برای تجدید محاکمه خود در دادگاههای غیر نظامی دست به اعتصاب ملاقات و غذا زدند و چون مواجهه با بی‌اعتنائی و بد رفتاری بیشتر شدند اعتصابها تا سه هفته ادامه پیدا کرد . در آن مدت مادران و پدران آنها که بمقامات نظامی و قضائی مراجعه میکردند با اهانت و اخراج و ضرب و جراحت روبرو میشدند و سرسختی و ستمگری مسئولین زندان زیادتر

میشد .

از طرف کمیته اجرائی جمعیت اعتراض شدیدی در نامه مورخ ۱۳۵۶/۱۲/۲۸ بعنوان نخست وزیر بعمل آمد و از صلیب سرخ و عفو بین الملل در خواست اعزام نماینده شد تا آنکه با دخالت جدی عفو بین الملل در تاریخ ۵ آوریل ۱۹۷۸ (۱۳۵۷/۱/۱۶) و مراجعه بشخص شاه ارضای خاطر زندانیان و رفع اعتصاب غذا بعمل آمد .

* * *

بازداشت‌های اجتماع کنندگان در تظاهرات و پخش کنندگان اعلامیه‌ها که مختصر تخفیف پیدا کرده و به دادگاه‌های عمومی مراجعه شده وکلای غیرنظامی میتوانستند در محاکمات علنی از آنها دفاع کنند ، پس از اعلام تشدید عمل دولت که در اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ (مه ۱۹۷۸) صورت گرفت وضع تازه‌ای پیدا کرده و مجدداً بسیاری از بازداشت‌شدگان تحویل کمیته‌های ساواک و دادگاه‌های نظامی میشوند و یا بدون محاکمه مدتها در زندان می‌مانند .

اعلیحضرت در آخرین مصاحبه رادیو و تلویزیونی در خرداد ماه صریحاً اعلام داشتند که فقط جرائمی از قبیل شیشه شکستن به محاکم دادگستری ارجاع میگردد . و اجرای ماده ۳۰۷ قانون کیفر ارتش کماکان بقوت خود باقی است . ناگفته پیداست که هرگونه جرم سیاسی بزعم ایشان بدادرسی ارتش ارجاع میشود . شکنجه بازداشت‌شدگان حتی بصورت تجاوز به جوانان در زندانهای کمیته و در کلانتریها در مشهد و اصفهان و مهاباد گزارش شده است و شکنجه‌گران کماکان مشغول خدمت میباشند .

کمیته اجرائی برای اعتراض به هجوم بمنازل افراد آزادیخواه و بازداشت‌های غیرقانونی و شکنجه و ارجاع پرونده‌ها بدادرسی ارتش نامه‌ای بتاريخ ۱۳۵۷/۳/۸ برای نخست وزیر فرستاد .

در این نامه بلاجواب گذاردن کلیه نامه‌های گذشته را متذکر شده تقاضای ملاقات حضوری برای طرح خواسته‌های قانونی خود نمودیم . سه هفته قبل معاونت نخست وزیرری ضمن اظهار بی اطلاعی و عدم دریافت نامه‌های ارسالی (که غالب آنها با پست سفارشی یا تلگرافی بوده است) از کمیته اجرائی خواسته‌اند نمایندگان خود را برای مذاکره با ایشان اعزام دارد . کمیته

نیز طی نامه مورخ ۲۲/۳/۵۷ نمایندگانی برای ملاقات و مذاکره با آقای نخست وزیر معرفی کرده است ولی تا این تاریخ موفق بدریافت جواب و قرار ملاقات نشده است.

* * *

در زمینه کیفیت محاکمات متهمین سیاسی ایران و طرز عمل دادگاهها گزارشی بتاريخ ۲۸ فوریه ۱۹۷۸ از طرف عفوبین الملل به کمیته روابط بین الملل کنگره آمریکا داده شده است که شاهد روشنی از نوع مطالب بالا میباشد و یک رونوشت خدمت آقایان داده میشود.

ه) مسئله آزادی بیان و قلم و اجتماعات و احزاب سیاسی

مختصر آزادی قلم و بیان و اجتماع که از یکسال و نیم قبل در ظرف پنج شش ماهی بصورت محدود و مسدود در محوطه خانهها و مساجد و باشگاههای خصوصی وجود داشت و اعلامیههای دستی کم و بیش مخفیانه منتشر میگردد از ژانویه ۱۹۷۸ (۵۶/۱۰/۱۲) و مسافرت رئیس جمهور آمریکا بایران رفته رفته محدودتر و مشکلتر گردیده بسرحد ممنوعیت نزدیک میشود.

البته هیچگاه دولت نه بروزنامههای عمومی تحت سانسور خود اجازه درج نظریات و مقالات مخالفین را داده و میدهد و نه به مخالفین امتیاز روزنامه و مجله یا امکان افتتاح حزب و باشگاه را داده است.

سانسور طبع و نشر کتابها نیز که محتاج با اجازه و شماره مخصوص اداره نگارش نظارت فرهنگ و هنر (در حقیقت ساواک) است و عمل خلاف قانون میباشد کماکان ادامه دارد. همچنین قانون تشدید مجازات کیفر که مواد ۳۰۹ و ۳۱۰ آن تشکیل جمعیتهای بیش از دو نفر را جرم و مشمول حبس ابد میدانند به قوت خود باقی است و کتاب و نشریه که موجب تحریک شود محکومیت به حبس ابد میآورد و بدون آن ۱۲ سال.

* * *

اخیراً بعضی از نمایندگان مجلس متعلق به حزب رستاخیز شهادت پاره‌ای انتقادات و سؤال و استیضاح از دولت را پیدا کرده از حزب واحد استعفاداده و باحیای حزب سابق خود پرداخته‌اند یا صحبت از تشکیل حزب تازه‌ای مینمایند ولی سخنگوی دولت در اوایل تیر ماه مجدداً "تاکید کرده است که یگانه حزب قانونی مملکت و راه انتخاب شدن در مجلس همان حزب رستاخیز است.

در خاتمه این نکته را لازم است متذکر شویم که برخلاف آنچه شایع است و از قول خبرگزاریهای خارجی نقل کرده و گفته‌اند که مذاکرات و تفاهم و توافق‌هایی با شخصیت‌های روحانی و سیاسی و با گروه‌های میانه‌رو بعمل آمده است ما چنین اطلاعی نداریم .

دولت تاکنون کمترین عذرخواهی و بازگشت از عملیات خلاف قانون و از سلب آزادیها و از فشار و کشتارهای خود نکرده و مأمور خطاکاری را بمحاکمه و کیفر نکشیده است تا محل و موجبی لاقبل برای شروع مذاکره و طرح تفاهم پیدا شده باشد ، بلکه بالعکس ، اظهارات و عملیات مقامات مسئول و غیرمسئول نشان داده است که علاقه و امکان برای سازش نظام استبدادی حاکم و فرماندهی خودکامه آن با حقوق خواهان ملت و با قوانین اساسی ایران وجود ندارد .

آقایان عزیز!

چنین است وضع آزادی و حقوق بشر که ملت ایران در سایه نظام حاضر از آن برخوردار است ، وضعی که حضرت پرزیدنت کارتر در آستانه سال مسیحی اعلام نموده بود درباره آن نظریات مشترک با شاه ایران دارد .

مجدداً " از قبول زحمت و پذیرفتن دعوت ما سپاسگزار میباشیم و امیدواریم باشنیدن و رساندن فریاد مردم زیرستم و محروم از حقوق بشری ایران و خواستن آنچه حقیقت و حق است دامنه عدالت و صلح و برادری را در دنیا گسترده فرمائید .

هیئت اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

بیوست دومین مصاحبه مطبوعاتی جمعیت

اسامی آقایان و عاظ و علمای اعلام

که در ششماهه دیماه ۱۳۵۶ تا خرداد ۱۳۵۷ تبعید شده اند

ملاحظات	تعبید شده	از	به	بترتیب حجة الاسلام والمسلمین آقای	الفبا
		اصفهان	سقز	سید محمد احمدی	۱
		جهرم	مهاباد	سید محمد رضا اصفهانی	۲
		قم	بندر شاه	شیخ فتح الله امید	۳
		قزوین	سردشت	هادی باریک بین	۴
	انارک - داران	قم	اخوی ۸۵ ساله	حاجی سید مرتضی پسندیده	۵
	خمین - آیت الله خمینی	رفسنجان	زابل - سراوان	عباس پور محمدی	۶
		مشهد	چاه بهار - سیرجان - سقز	شیخ علی آقا تهرانی	۷
		کرج	مهاباد	جنتی	۸
		قم		شیخ احمد جنتی	۹
		شیراز		حائری	۱۰
	ایران شهر - سنندج	قم		شیخ محمد جواد حجتی کرمانی	۱۱
	ایران دره	تهران		سید مجتبی حسینی	۱۲
		قم	سقز	سید شهاب الدین حسینی	۱۳
	شهر بابک	نهاوند		حاجی شیخ علی حیدری	۱۴

بترتیب حجة الاسلام والمسلمین آقای

تبعید شده

الفا	از	به
۱۵ حمیدزاده	تهران	نقده
۱۶ سیدعلی حامنهای	مشهد	ایران شهر
۱۷ سیداحمد خراسانی	رفسنجان	بیجار
۱۸ سیدهادی خسروشاهی	قم	انارک
۱۹ محمدصادق خلخالی	رفسنجان	لار - بانه
۲۰ سیدعلی اصغر دستغیب	شیراز	
۲۱ سیدعلی محمد دستغیب	شیراز	
۲۲ راشد یزدی	یزد	ایران شهر
۲۳ مهدی ربانی املشی	قم	شهربابک - جیرفت
۲۴ شیخ عبدالرحیم ربانی املشی	قم	کاشمر - فیروزآباد - سردشت
۲۵ سیدفخرالدین رحیمی رضوی	خرم آباد	نقده
۲۶ زمانی	نهادند	
۲۷ صاحب الزمانی	رضائیه	بافت
۲۸ شیخ عباس ضیغمی	قم	انارک
۲۹ جلال الدین طاهری	اصفهان	سقز
۳۰ سیدشکرالله طاهری	خرم آباد	
۳۱ طاهری خرم آبادی	خرم آباد	
۳۲ شیخ حسین عمادی	مشهد	چاه بهار - اصفهان
۳۳ عندلیب زاده	تهران	ساوه
۳۴ فاضل اصفهانی	قم	
۳۵ شیخ مرتضی کرمانی	قم	سقز
۳۶ حاجی سیدعلی اکبر قریشی	رضائیه	بافت کرمان
۳۷ سیداحمد کلانتر	قم	انارک
۳۸ حاجی سید اسدالله مدنی	خرم آباد	نورآباد ممسنی، گنبدکاووس
۳۹ شیخ عبدالحسین معاد یخواه	سیرجان	شاهپور

تبعید شده		بترتیب حجة الاسلام والمسلمین آقای	الفا
از	به		
قم	شوشتر	۴۰ محمد علی گرامی	
قم	فرحزاد تهران بندر شاهپور	۴۱	
تهران	چاه بهار، مهاباد، انارک	۴۲ شیخ ناصر مکارم	
قم		۴۳ موحدی ساوجی	
گرمسار	ایران شهر	۴۴ موحدی قمی	
قم	تربت جام	۴۵ سید علی موسوی	
تبریز		۴۶ سید محسن موسوی تبریزی	
گرگان		۴۷ شیخ حسین ناصرزاده	
قم	خلخال، سقز	۴۸ سید کاظم مفیدی	
قم	بندر لنگه، شاه آباد غرب	۴۹ حسین تحریری	
		۵۰ شیخ محمد یزدی	

نامه به نخست وزیر، دادرسی و دادستان ارتش در اعتراض
به بازداشت غیرقانونی آقای مهندس صباغیان

۱۳۵۷/۵/۱۷

جناب آقای نخست وزیر

رونوشت تیمسار ریاست دادرسی ارتش

رونوشت تیمسار دادستان ارتش

بقرار اطلاع آقای مهندس هاشم صباغیان عضو مؤسس این جمعیت از حدود
بیست روز قبل بدون کوچکترین تقصیر یا جرمی بوسیله مأمورین انتظامی دستگیر
و از طرف دادرسی ارتش زندانی شده و بازجوئی از ایشان بدون حضور وکیل مورد
معرفی و تقاضا در محیط در بسته با نقض اصول و موازین قانونی انجام میگردد .
جای بسی تأسف و تعجب میباشد که با وجود تظاهر مقامات دولتی به لزوم رعایت
قوانین حافظ حقوق افراد هنوز مأمورین انتظامی اشخاص را بدون کمترین اتهام
قابل پیگرد بازداشت میکنند و کلیه حقوق قانونی آنان را نقض و سلب میکنند .
خواهشمند است دستور فرمائید :

(۱) علت دستگیری و بازداشت خلاف قانون آقای مهندس صباغیان را باین
جمعیت اعلام دارند .

(۲) موجبات ملاقات و شرکت آقایان احمد صدر حاج سیدجوادی و حسن نزیه
وکلای دادگستری را (که آقای مهندس صباغیان آنانرا بسمت وکلای مدافع خود
معرفی کرده است) در جلسات بازجوئی فراهم سازند .

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

نامه دبیرکل سازمان ملل متحد جهت اعزام کمیسیون
صلاحیتداری برای رسیدگی به رفتار ضد انسانی رژیم

بتاریخ ۱۳۵۲/۵/۲۵

سازمان ملل متحد - نیویورک
جناب آقای کورت والد هایم

باتوجه به کوششهاییکه آن جناب در مسائل مربوط به حقوق بشر در کشورهای مختلف جهان بعمل میآوردید، جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر وظیفه خود میداند که نظر شما را به وضع کنونی حقوق بشر در ایران و تجاوزهای مکرر و روزانه حکومت ایران بحقوق اجتماعی و سیاسی مردم ایران جلب نماید. این تجاوزها که همه سطوح زندگی مردم ایران را فرا گرفته است اکنون به کشتارهای جمعی در شهرهای ایران و سرکوبی خشونت بار نارضایتی های مردم باعمال فشار دائمی بر دانشجویان و اصناف و کارگران و روحانیون و سانسور قلم و بیان و حمله بد مساجد و مجالس مذهبی و محروم کردن زندانیان سیاسی از حقوق قانونی و انجام توطئه های ضد انسانی در داخل زندانها برای تحمیل سکوت به زندانیان و اعلام حکومت نظامی گسترش یافته است.

بدین ترتیب جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر وظیفه خود میداند که دست استمداد بسوی سازمان ملل متحد دراز نماید و از شما تقاضا کند برای رسیدگی بوضع حقوق بشر در ایران کمیسیون صلاحیتداری را مامور کنید تا از نزدیک و با ایجاد تماس با طبقات مختلف مردم اعم از دانشجویان، روشنفکران، دانشگاہیان،

روحانیون، کارگران، زارعین، اصناف، زندانیان و این جمعیت از چگونگی رفتار ضدانسانی و تجاوزهای آشکار حکومت ایران و تعداد کشته‌شده‌ها و مجروحین و زندانیها و محکومین بیگناه آگاهی یابد.

ما انتظار داریم نتیجه کار این کمیسیون بعنوان یک سند دادخواهی ملت ایران برای احقاق حق پایمال شده ما مورد استفاده و استناد آن جناب‌وارگانه‌های صلاحیتدار سازمان ملل قرار گیرد.

بضمیمه یک نسخه از مصاحبه مطبوعاتی جمعیت را در مورد خلافت‌گاریها و تجاوزهای حکومت ایران در هشت ماه گذشته برای شما ارسال می‌داریم.

کمیته اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

نامه‌به اتحادیه بین‌المللی حقوق بشر و روزنامه‌ها و استمداد از سازمانهای جهانی در رابطه با کشتارها، آتش‌سوزیها و خرابکاریهای رژیم

بتاریخ ۱۳۵۷/۵/۳۰

اتحادیه بین‌المللی حقوق بشر - نیویورک

رونوشت: کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران - واشنگتن

رونوشت: روزنامه کیهان - روزنامه اطلاعات

بعد از ماهها کشتار و اعمال فشار از طرف حکومت ایران اکنون اعتراض و نارضایتی مردم ایران از شیوه‌های پلیسی و استبدادی حکومت با توطئه تازه و خطرناکی روبرو شده است. در ماههای اخیر شهرهای مختلف ایران عرصه کشتار مردم و توقیف و تبعید هزاران نفر از مردم آزادیخواه ایران میباشد. این موج گسترده اعتراض امروز کلیه شهرهای بزرگ و کوچک ایران را در بر گرفته اما در مقابل، کشتارهای فجیع مامورین مسلح دولت از مردم بی‌گناه در شهرهای شیراز و قم و تبریز و یزد و اهواز و اردبیل و اصفهان و مشهد و شمسوار و خرم‌آباد و قزوین با ابعاد وسیع بقتل عام و کشت و کشتار جمعی تبدیل گردیده است، ولی حکومت باین مقدار تجاوز بحقوق انسانی اکتفا ننموده بلکه اکنون دست با ایجاد رعب و وحشت از طریق نسبت دادن حریقهای پیاپی سینماها و اماکن عمومی بمردم معترض زده است. این توطئه بظاهر و بزعم حکومت میتواند برای ایجاد وضع فوق‌العاده و کشتارهای دست جمعی تازه و توقیف و نابودی رهبران مذهبی و ملی بهانه موجهی ایجاد نماید. در حالیکه اساس بی‌نظمی و ناامنی ادامه فساد و استبداد حکومت

و تجاوز دائمی بحقوق اجتماعی ملت ایران است. اکنون که سانسور و اختناق دولت در مطبوعات با شدت بی سابقه برقرار است و حکومت علل و ریشه آتش سوزیها و خرابکاریها را بنحوی وارونه تحریف و بحساب مردم ایران و مخالفین حکومت استبدادی میگذارد، برای مردم ایران و مدافعان آزادی و حقوق بشر راهی جز توسل بافکار عمومی جهان و استمداد از سازمانهای اجتماعی مترقی و آزادیخواه بین المللی باقی نمی ماند. باین جهت ما توجه آن سازمان محترم را بوضع کنونی سیاسی مردم ایران معطوف می داریم و براین نکته تاکید قاطع داریم که حکومت ایران با اجرای این توطئه تصمیم دارد صدای آزادی ملت را برای مدت نامعلوم و بقیمت اعمال وحشیانه ترین خشونت ها و شدیدترین کشتارها خاموش نماید. توجه باین استبداد از سوی شما میتواند نظر محافل مترقی جهان را بوضع رقت بار حقوق بشر در ایران جلب نموده و افکار جهانی را در برابر تجاوزها و بی عدالتی های مستمر و آشکار حکومت ایران بعکس العمل انسانی و مناسب وادار نماید. ما خواهان روشن شدن ریشه های اصلی خرابکاریهای وحشیانه اخیر نظیر حریق سینمارکس-آبادان و کشتار بالغ بر ۳۷۷ نفر انسان بیگناه هستیم و آمادگی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر را برای شرکت در کشف حقیقت و بر ملا کردن عاملین اصلی این جنایتها و همچنین علت کشتارهای چندماه اخیر از سوی مامورین مسلح دولت اعلام می داریم. تشکیل یک کمیسیون بین المللی از سوی نمایندگان سازمانهای جهانی با شرکت و همکاری جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر میتواند دنیا را از حقایق حوادثی که در ایران میگذرد آگاه نماید زیرا سانسور و اختناق حکومت در ایران و کمک برخی از محافل مطبوعاتی و خبری غرب در مکتوم نگاه داشتن این حقایق پرده ضخیمی از دروغ بر مصیبت هایی که بر ملت ایران میگذرد، کشیده است.

کمیته اجرایی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

نامه به نخست‌وزیر در رابطه با فاجعه سینما رکس آبادان

۲ شهریور ماه ۱۳۵۷

جناب آقای نخست‌وزیر

جریانات اخیر کشور و شتاب خاصی که در جهت خشونت‌گشتار و خرابکاری گرفته است و تمام آنها نه تنها در تجاوز بحقوق بشری و فردی مردم خلاصه نمی‌شود بلکه با برنامه منظمی در زمینه تجاوز وسیع‌تر و شدیدتر با آزادی ملت و حقوق بشری مملکت می‌باشد، این جمعیت را برآن داشت که ضمن اظهار تاسف عمیق و انزجار شدید از فاجعه مرگ‌بار بی‌سابقه و ننگین آتش‌سوزی سینما رکس آبادان علاقمندی و آمادگی خود را برای اعزام یک هیئت ذیصلاحیت بی‌طرف جهت تحقیق و رسیدگی بععلل و عوامل بروز فاجعه محرق اعلام دارد و بخواهد که دستور فرمایند مقامات محلی در ادای توضیحات و ارائه مدارک و شواهد با این جمعیت همکاری نمایند. از آنجا که فرصت در حال فوت شدن است و از هم‌اکنون لازم و ممکن می‌باشد که سئوالات و دلایل از آنچه بدست آمده است استخراج و عرضه شود. ما به‌سهم خود نکات ذیل را بعنوان مقدمات تحقیق با استحضار دولت و افکار عمومی میرسانیم تا کمک و دلالتی در طریق کشف علل و عوامل واقعی قضیه و هشدار و جلوگیری از اشتباه و اتهام‌های زیان‌آور انحرافی بعمل آید.

۱ - مسئله قابل توجه و قبل از هر چیز تذکر این نکته است که بفرض دخالت داشتن و مقصر بودن فرد یا افراد خرابکار اعم از ایرانی یا خارجی، مسئولیت ما مورین محلی مسلم و غیر قابل اغماض می‌باشد و آقای استاندار خوزستان نیز اظهار

داشته‌اند که "اگر بمسائل ایمنی توجه میشد کشته شدگان تعداد کمتری می‌داشتند" (روزنامه کیهان ۵۷/۵/۳۰).

سؤالیکه مطرح میشود اینست که چرا شهربانی و شهرداری آبادان اجازه داده‌اند یک سینمای هشتصد نفری نسبتاً "بزرگ و قدیمی برخلاف اصول فنی ایمنی و ضوابط شهری بدیهی دایر بوده باشد و مشتری بپذیرد، نداشتن دربهای خروج و فرار آزاد وسیع، مجهز نبودن به تاسیسات آتش نشانی آماده و حتی خودکار در خارج و داخل، عدم حضور و مراقبت متصدیان لازم و اطلاع ندادن فوری به موءسسات امدادی (شهردار آبادان ادعا کرده است که... استناد باینکه ماشینهای آتش نشانی دیررسیده و وقتی رسیده بدون آب بوده است و وظیفه آتش نشانی در شهر آبادان استثنائاً "بعهد شرکت ملی نفت می‌باشد) نمیتواند رافع تقصیر مقامات دولتی و شرکتی باشد تصادفاً "شرکت نفت در مناطق نفت خیز بلحاظ مبارزه با حرارت و حریق عادتاً" و قاعدتاً "بسیار مجهز و مسلط است.

۲ - مسئولیت شهربانی آبادان جلب توجه خاص در این جریان مینماید.
الف - سینما رکس در نزدیکی شهربانی قرار دارد و قاعدتاً "میبایستی بیش از سایر سینماها و بسرعت و بسهولت محافظت میشده است. چرا نشده است و چگونه میشود که اگر خرابکاران غیردولتی عامل واقعه بوده‌اند چنان محل مجاور و زیر نظر شهربانی را برای اجرای نقشه خطرناک خود انتخاب کرده باشند؟

ب - آقای رئیس شهربانی (طبق مندرجات روزنامه کیهان ۵۷/۵/۳۰) علت عدم حضور و نگماشتن مامورین شهربانی مخصوصاً "برای حفاظت سینما را خست مدیر سینما دانسته عذر بدتر از گناهی آورده‌اند در حالیکه شهربانی با اطلاع و سابقه‌ایکه از آتش سوزیهای متعدد سینماها در ایران و حوادث فراوان هفته‌های اخیر داشته است و برنامه‌هاییکه دولت برای حفاظت اماکن عمومی در معرض خطر ماهیاست اجراء مینماید راساً "مامورین متعددی را در داخل و خارج محل مستقر میکرده است در صورتیکه عملاً "خلاف رخ داده است. و اگر مامورین عادی و رهگذری وجود داشته است چرا اقدام عاجل موثری نکرده‌اند.

حتی شنیده شده و روزنامه‌ها از قول نجات‌یافتگان یا حاضرین نقل کرده‌اند که وقتی خواسته‌اند یکمک آتش زدگان بروند و بنحوی در و دیوار را بشکافند و

بشکنند مامورین پلیس مانع از آن شده و بدرفتاری کرده‌اند؟ (کیهان ۵۷/۵/۳۰ و ۵۷/۵/۳۱ و شهادت پدر صاحب ۵ فرزند)

ج- آقای رئیس شهربانی بطوریکه در مصاحبه رادیوتلوویزیونی روز بعد از فاجعه اظهار داشته‌اند حوالی ساعت ۲ صبح یعنی بعد از ۵ ساعت از اعلام وقوع حادثه ببازدیدمحل رفته‌است. آیا ایشان خارج از آبادان و مشغول بانجام وظیفه دیگری بوده است؟

البته گفته شده است، و این مسئله محتاج برسدگی و تحقیق میباشد که کسانی ایشان رادیده‌اند که درب ورودی سینما را مشخصا قفل میکرده یا زیر نظرشان قفل میشده است.

د- آقای رئیس شهربانی در مصاحبه بعدی خود با خبرگزاری فرانسه صحبت از چهار بمب در چهار گوشه سینما کرده‌اند. انفجار بمب با تمام اطلاعات و اخباریکه قبلا در روزنامه‌ها از قول مردم و مقامات نقل میشده و عنوان آتش سوزی بزبان و قلم میآمده است منافات داشته معلوم نیست چگونه ممکن است کسی صدای انفجار چنین بمب‌هایی را نشنیده و نگفته باشد. آیا این تناقض گوئیها دلالت برجیزی نمیتواند داشته باشد؟

ه- آقای رئیس شهربانی آبادان قبلا رئیس شهربانی قم و اداره کننده موفق کشتار دست جمعی و حمله پلیس بمردم بیگناه و بی دفاع آن شهر بوده است که بجای محاکمه و اخراج ترفیع مقام یافته‌اند و شاید داوطلب یا مامور برنامه مصیبت بارتری شده است.

۳- خبرگزاری پارس در اولین تلگراف خود صریحا وابتدا اعلام داشته‌است که حادثه هولناک "وسیله خرابکاران ترتیب یافته بود" در حالیکه در همان شماره ۵۷/۵/۳۰ روزنامه کیهان آقای استاندار خوزستان گفته است ستاد محلی بریاست خود در فرمانداری آبادان تشکیل داده و "تحقیقات گسترده‌ای را برای تعیین علت واقعی حریق و شناخت عاملان آن آغاز کرده‌اند."

چطور میشود با آنکه هنوز تحقیقات کافی در زمینه علل و عوامل آتش سوزی بعمل نیامده است خبرگزاری دولتی پارس قاطعانه و عجولانه آنرا ناشی از عمل خرابکاران دانسته و بدنیا مخابره کرده است؟ چنین مینماید که خبرگزاری پارس

و وزارت اطلاعات نقشه و تصمیم قبلی داشته‌اند که بانتصاب عمل به خرابکاران فرضی تبلیغاتی برضد آزادیخواهان ایران و آزادیهای "اعطائی" در سطح جهانی پخش نمایند

۴- طبق خبر روزنامه‌ها ۲۹ سینما در چند هفته گذشته در سراسر کشور با آتش کشیده شده‌است اگر رقم فوق را با تعداد هتل‌ها و رستورانها و اماکن عمومی آتش گرفته شده یا خراب شده اخیر جمع کنیم حدود چهل محل میرسیم و این رقم بزرگ وجود یک تشکیلات سابقه‌دار مجهزی را ایجاب مینماید که در سراسر کشور شعبه و شاخه داشته و با برنامه منظمی عمل مینماید .

آیا چنین تشکیلات با توجه بسوابق و سنت و سیستم کار احزاب و گروهها و افراد سیاسی و مذهبی ایران قابل قبول هست؟ اگر وجود دارد و حتماً "میایستی الهام و ارتباط با خارجیان داشته‌باشد چگونه است که تا بحال دستگاههای انتظامی دولت با اینهمه وسائل اطلاعاتی و بودجه‌های خود کشف نکرده و سراغ نداده باشند تنها نیروهای انتظامی و پلیسی دولت است که چنین امکانات لازم را در اختیار دارد و قبلاً نظائری از قبیل بمب‌گذاری در خانه‌ها و دفاتر مخالفین انجام داده است .

۵- بطور کلی حوادث و تظاهرات و اغتشاشهاییکه از یکسال قبل باین طرف روی میداده و در ماههای اخیر باوج خود رسیده است قابل تفکیک بدو دسته یا دو نوع ذیل میباشد .

الف - اجتماعات سیاسی و مذهبی پرجمعیت باتظاهرات زبانی علیه دولت و مقام سلطنت و احیاناً حملات دستی و جزئی افراد متفرق به بعضی موسسات ضداسلامی و ضدملی و آزادی .

ب - حملات دامنه‌دار و عملیات پراسیب تدارک شده قبلی به هتل‌ها و رستورانها و سینماها و اماکن عمومی دیگر .

عکس‌العمل پلیس و دولت در برابر دو دسته حوادث و نظایرات فوق بدو نوع کاملاً متفاوت صورت گرفته است .

نسبت به اولی‌ها غالباً بسیارخشن، وحشیانه، سریع، و حتی باپیش‌بینی‌های لازم بوده ممانعت بعمل می‌آمده است و افراد زیادی را بازداشت، تبعید، مضروب

و چه بسا مقتول میکرده‌اند اما نسبت بدومیها عدم حضور یا خودداری پلیس از مداخله، انتظار انجام حادثه، عدم دستگیری عاملین وحتى عدم معرفی و شناسائی آنان بسیار آشکار بوده است.

مثلا آیا باورکردنی است که پانصد نفر جوان متشکل در روز روشن وارد هتل شاه عباس اصفهان شده و سالن بزرگ آنجا را بسوزانند و خراب کنند و بی سروصدا خارج شوند و هیچ مسئول و کارمند هتل یا مامور انتظامی و مخفی متعرض و مطلع از ورود و خروج و عملیات آنها نشود. و حداقل مج یک نفر را نگرفته و افرادی را شناسائی ننموده باشد؟ مگر آنکه حساب و عمد و دستوری در کار بوده است.

همینطور در مورد رستوران خوانسالار، رستوران حاتم و سینماهای بزرگ تهران. در مورد سینمای آبادان حتی آقای استاندار بطور قاطع اظهار داشته‌اند "هیچ شخص مسلمان نمیتواند در این واقعه دخالت داشته باشد" (کیهان ۵۷/۵/۳۰). چنین است تفاوت در نوع حوادث و تفکیک در عکس العمل پلیس استنباطی را بذهن می‌آورد که نکند اولیها طبیعی و از ناحیه مردمی بوده است که رفتار و روابط دولت آنها را جداگانه خشم و استیصال در آورده است و دومیها غیر طبیعی، غیر ملی و با نقشه و هوشیاری سازمانهای انتظامی صورت گرفته باشد.

۶ - اعلیحضرت در مصاحبه ۲۸ مرداد ۵۷ با اطمینان خاطر پیش بینی "وحشت بزرگ" فرموده‌اند و نیرویهای انتظامی را حامی زیر فرمان خود علیه ملت قلمداد کرده‌اند.

آیا ارتباطی مابین آن فرموده‌ها و این روی دادهای وحشت‌زا که منظم "سرمیرسد قابل تصور نیست؟

۷- اصولا سیاست تبلیغاتی و روال عمومی دولت در جریانهای یکساله اخیر چنین بوده است که اجتماعات اسلامی و ملی بزرگ با شعارهای سیاسی و اعتراضات همگانی و تظاهرات معنی‌دار وسیع مردم ندیده و نشنیده گرفته مانع انعکاس و انتشار آنها در روزنامه‌های خبری شده (مانند شبهای مسجد قبا در ماه مبارک پارسال - شبهای شعر - بازاربندان و سکوت‌های فراگیر شهرهای ایران در چهلیم تبریز و ۱۵ خرداد و غیره. مصاحبه مطبوعاتی تاریخ ۵۷/۴/۲۰ جمعیت حقوق بشر) ولی تظاهرات تخریبی و حرکات نامطلوب افکار عمومی را نه تنها با تفصیل و

توسعه بلکه بایزرگ کردن و دامن زدن و ساختن در صفحات روزنامه‌ها و در برنامه‌های عمومی چنان ظاهر سازند که نهضت ملی و موج اعتراضات همگانی را بصورت خرابکاریه‌های ضدآبادی و آزادی درآوردند و دست‌آویزهایی برای خشونت‌های پلیسی گذاشته و نقشه‌های استبدادی و دیکتاتوری آینده بسازند.

فاجعه آبادان یکی از پیشرفته‌ترین این صحنه سازیها بنظر می‌آید.

این جمعیت بدین وسیله هشدار بدولت و ملت داده قرائن و براهنی را که میتواند کاشف حقایق باشد با اطلاع رسانده و مجدانه درخواست می‌نماید موافقت خود را هرچه زودتر با اعزام یک هیئت تحقیق از طرف این جمعیت اعلام و بمامورین و موسسات آبادان دستور فرمایند همکاری لازم را مبذول دارند.

هیئت اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

تلگراف به جامعه بین المللی حقوق بشر و درخواست اعزام هیئتی جهت رسیدگی به فاجعه سینما رکس آبادان*

رسیدگی به فاجعه آبادان

بدنبال جنایت بزرگ پلیس شاه و آتش زدن سینمای رکس در آبادان جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر طی تلگرافی به جامعه بین المللی حقوق بشر ضمن گزارش مراتب، درخواست نموده است تا هیئتی را برای رسیدگی به این جنایات و فاجعه بزرگ به آبادان اعزام دارند.

جامعه بین المللی حقوق بشر با استقبال از این پیشنهاد، به جمع آوری مدارک لازم و تهیه تدارکات جهت اعزام تیمی به ایران پرداخته است.

* - استخراج از نشریه "پیام مجاهد" ارگان نهضت آزادی ایران - خارج از کشور، شماره ۶۱ مهر ۱۳۵۷، متأسفانه متن تلگراف بدست نیامد.

اعلامیه در تائید راهپیمائی عید فطر و درخواست آزادی فوری زندانیان سیاسی

طبق صریح مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر و مواد آن راه پیمائی پرشکوه عید فطر ۱۳۹۸ قمری و روز پنجشنبه ۱۶ شهریور ۱۳۵۷ صدها نفر مردم مسلمان و آزادیخواه معترض را قانونی و جزو حقوق مسلم آنان میدانند و اعلام منع بی‌اثر و غیر قانونی دولت و حمله‌های پراکنده، بعضی از ماموران ب مردم مبارز را محکوم میکند.

جمعیت از آن گروه قوای انتظامی که در جریان این تظاهرات با مردم حق طلب همراهی و همدلی کرده‌اند تمجید مینماید.

مردم ایران در این تظاهرات رشد اجتماعی و ملی خود را نشان داده‌اند و ثابت کرده‌اند که تمام اقدامات خشن بتحریک دولتهای قانون شکن بوده‌است. جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر آزادی فوری تمام زندانیان سیاسی و توقیف شدگان اخیر و تبعید شدگان را خواستار است.

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

شانزدهم شهریور ماه ۱۳۵۷

تهران - ایران

تلگراف به جامعه بین المللی حقوق بشر و . . . و تقاضای کمک به نجات ملت ایران در رابطه با فاجعه ۱۷ شهریور *

بلافاصله بعد از حکومت نظامی، جمعه ۸ سپتامبر - هزاران نفر در میدان ژاله تهران کشته و صدها مجروح و اکثر آنان در بیمارستانها از بین رفتند زیرا مامورین حتی از تحویل خون بآنان جلوگیری کردند.

اجتماع مردم بحالت نشسته روی زمین کاملاً مسالمت آمیز بود. کمترین موجبی برای توسل نیروی حکومت نظامی به تیراندازی وجود نداشته است. گفته میشود عده کشته شدگان بین ۳ الی ۴ هزار نفر است و نیز گفته میشود قسمت عمده درگذشتگان با کامیونهای کمپرسی یکجا در گودالها دفن گردیده‌اند.

آقای مهندس بازرگان رئیس کمیته اجرائی جمعیت و آقای مهندس مقدم عضو کمیته و چند نفر از اعضای جمعیت بازداشت شده‌اند. امکان اجتماع بیش از دو نفر بکلی از بین رفته و متضمن خطر مرگ می‌باشد. اقدام موثر و سریع برای رفع حکومت نظامی و رفع بازداشت از اعضای جمعیت و کلیه زندانیان سیاسی و کمک به نجات ملت ایران از اختناق و دیکتاتوری مورد تقاضا است.

رئیس شورای جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

دکتر یدالله سحابی

این تلگراف برای صلیب سرخ بین المللی، جامعه

بین المللی حقوق بشر، شورای ملی کلیساها، جامعه

بین المللی حقوق دانان، سازمان ملل متحد ارسال

* - استخراج از نشریه "پیام مجاهد" ارگان نهضت آزادی ایران - خارج

از کشور، شماره ۶۲، مهر ماه ۱۳۵۷.

شده است .

بدنبال اقدامات دفاعی جمعیت ، جامعه بین المللی حقوق بشر تلگرافاتی به کارتر ، به سازمان ملل متحد و به شاه مخابره نموده و طی آن به کشتار اخیر ایران و حکومت نظامی و دستگیریهای غیرقانونی ، خصوصا " دستگیری آقای مهندس بازرگان اعتراض مینماید .

(پیام مجاهد)

نامه به معاون وزارت امور خارجه ایالات متحده
قسمت حقوق بشر در رابطه با فاجعه ۱۷ شهریور

۱۳۵۷/۶/۲۱

بسمه تعالی

جناب آقای اشنایدرمعاون وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا (قسمت
حقوق بشر)

بانهایت تأسف جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر باطلاع میرساند
دولت ایران در حادثه‌ای که بر خلاف موازین قانون اساسی و حقوق بشر و میثاق
بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در روز جمعه ششم سپتامبر با برقراری حکومت
نظامی بخاطر ادامه اختناق و دیکتاتوری ایجاد کرده بود تظاهر کنندگان جمع شده
در میدان ژاله تهران را که بآرامی بنحو صلح آمیز بدون هیچگونه سلاخی بقصد
اعتراض با اقدامات خلاف قانون دولت در برقراری حکومت نظامی در روی زمین
نشسته بودند بدون اخطار قبلی با صدور دستور مامورین نظامی جمعیت را که مرکب
از دانشجویان دختر و پسر و کسبه و کارگر که حدود بیش از شصت هزار نفر بودند
برگبار مسلسل بسته و متجاوز از سه هزار نفر از آنها را بخاک و خون کشیدند که
دلایل آن موجود میباشد. ضمناً چندین برابر این تعداد مجروح و مصدوم هستند
که تعدادی از آنها در بیمارستانها بستری و عده‌ای که از ترس بازداشت در منازل
بستری شدند بعلت عدم امکان معالجه سریع در معرض خطر مرگ قرار گرفته و از
آنجا که هنوز کشتار فجیع توسط مامورین حکومت نظامی در تهران و شهرستانها

کماکان ادامه دارد و از طرفی عده‌ای از اعضاء این جمعیت مخصوصاً آقای مهندس مهدی بازرگان رئیس کمیته اجرائی از طرف فرماندار نظامی در توقیف و عده‌ای دیگر در معرض بازداشت هستند. بنابراین اعمال هیچگونه قدرت قانونی بصورت اجرای حقوق بشر و میثاق‌های بین المللی مقدور نیست. لذا از مقام معاونت وزارت امور خارجه قسمت حقوق بشر درخواست دارد که با اقدامات سریع در رفع ظلم و ستمی که در نتیجه این کشتار فجیع بملت ایران وارد میشود و برقراری آزادی و حکومت قانون ملت ایران راپاری دهد. و ضمناً بسایر سازمانهای جهانی حقوق بشر نیز اطلاع دهند که بیاری این جمعیت در احقاق حق مردم ستمدیده ایران بپاخیزند.

کمیته اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

رونوشت جهت اطلاع و اقدام فوری برای جناب آقای استمپل مسئول اجرای مقررات حقوق بشر در ایران ارسال میشود و از آنجا که ممکن است مقامات دولت ایران از ارسال تلگراف بالا ممانعت بعمل آورند لذا عطف بتوصیه جناب آقای اشنایدر معاون وزارت قسمت حقوق بشر جنابعالی در ارسال و رساندن پیام این جمعیت اقدام فوری مبذول فرمائید موجب امتنان خواهد بود.

کمیته اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

اطلاعیه در رابطه با پایان تحصن عده‌ای از اعضاء جمعیت در منزل آیت الله شریعتمداری

بسم خدا

(مردم آزاده و مبارز ایران)

پس از آنهمه جنایات و کشتارهای وحشیانه از سوی نظام جبار و ستمگر که در روز جمعه ۱۷ شهریور ماه جاری (۱۳۵۷) (جمعه خونین / بهار خونین) باوج خود رسید و پس از اعلام غیر قانونی حکومت نظامی از طرف دولت غیر قانونی در همان تاریخ در تهران و یازده شهردیگر، جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر علاوه بر اینکه ممنوع از ادامه فعالیت قانونی و تشکیل جلسات عادی برای انجام وظائف خود گردیده بود مواجه با بازداشت رئیس و یکی دیگر از اعضای هیات اجراییه و تهدید و حمله مامورین مسلح فرمانداری نظامی بمنازل عده، زیادی از مسئولین اجرایی و موسسین برای بازداشت آنها شد.

با تائیدی که جمعیت همواره از مقامات عالی روحانیت و مراجع عظام تقلید داشته است عده‌ای از اعضاء جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر پس از تماس با حضرت آیت الله العظمی سید محمد کاظم شریعتمداری و کسب موافقت و اجازه معظم له تصمیم به تحصن در منزل ایشان در قم گرفتند. خواسته‌های اولیه تحصن کنندگان آزادی فوری رئیس و اعضاء هیات اجراییه و رفع تعرض و تهدید از سایر اعضاء و رفع ممانعت از فعالیت‌های قانونی جمعیت بود.

در این مدت نمایندگان از خبرگزاریهای خارجی به تحصن کنندگان مراجعه

نموده و با اطلاعی که از جریان‌ها پیدا کردند رفتار خلاف انسانیت و خلاف قانون فرمانداری نظامی را در جهان منعکس ساختند. مقامات دولتی ایران در برابر اعتراض مقامات صلاحیتدار بین‌المللی و سیل تلگرافهای ارسالی و با توجه به خلاف قانون بودن رفتار خود اقدام فوری به آزاد کردن رئیس هیئت اجرایی و تعهد آزاد کردن فوری سایر بازداشت‌شدگان جمعیت معمول و با دادن اطمینان به عدم مزاحمت نسبت بسایر اعضاء و فعالیت‌های قانونی جمعیت خواستار رفع تحصن گردید.

متحصنین با تشکر از محضر آیت‌الله العظمی تصمیم به ترک تحصن گرفته و پس از ملاقات و مذاکره با سایر آیات عظام در قم بتهران مراجعت نمودند. جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر با اعتراض شدید و اظهار تنفر نسبت بجنایت عظیم و بیسابقه کشتار چند هزار نفر و مجروح ساختن عدهٔ بیشمار از مردم بیدفاع و بیگناه تهران در جمعهٔ خونین همچنان فعالیت خود را برای الغاء حکومت نظامی، تعقیب عاملین کشتارهای مستمر، آزادی زندانیان سیاسی و تبعید شدگان و رعایت کلیه آزادیهای مندرج در قانون اساسی و اعلامیه‌جهانی حقوق بشر ادامه خواهد داد.

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

قم - ۲۹ شهریور ۱۳۵۷

توضیح یکی از اعضاء جمعیت متحصن شده در منزل آیت‌الله شریعتمداری *

پایان تحصن کمیته دفاع از حقوق بشر

چند تن از شخصیت‌های برجسته "جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر" که چندی قبل در خانه حضرت آیت‌الله العظمی شریعتمداری در قم متحصن شده بودند دیروز به تحصن خود پایان دادند و به تهران بازگشتند.

رادیو لندن در همین زمینه دیشب خبری داشت که در باره آقای رحیم صفاری یکی از اعضای کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر به اطلاعات توضیح داد. خبر رادیو لندن به شرح زیر بود:

دولت ایران با "جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر" بموافقت مهمی رسیده است. این توافق باعث خواهد شد تا عملیات این جمعیت عملاً مجاز شود. خبرنگار بی بی سی از تهران گزارش میدهد:

ده ماه است که از عمر جمعیت ایرانی دفاع از حقوق بشر میگذرد جمعیتی که اعضای آنرا دانشگاهیان و نویسندگان و حقوقدانان و سیاستمداران سابق تشکیل میدهند. مخالفت این جمعیت با رژیم ایران برموازیق قانون اساسی است. در گذشته اعضای این جمعیت تحت فشار فراوان بوده است و پس از برقراری حکومت نظامی چند تن از شخصیت‌های برجسته عضوین جمعیت منجمله مهندس مهدی بازرگان رئیس این جمعیت دستگیر شدند. شب گذشته بقیه اعضای این

* - اطلاعات، پنجشنبه ۱۳۵۷/۶/۳۰، شماره ۱۵۷۱۷.

جمعیت در خانه آیت الله شریعتمداری در قم بست نشستند. امروز آنها اعلام کردند که بست خود را پایان دادند. بست نشستن در ایران رسمی است سنتی برای نشان دادن اعتراض و فرار از توقیف. جمعیت راه خود را برای آزادی زندانیان سیاسی و نظارت بر حقوق بشردامه خواهد داد. مهندس بازرگان رئیس این جمعیت روز یکشنبه گذشته آزاد شد و بقیه اعضای بازداشت شده این جمعیت بزودی آزاد خواهند شد.

اطمینان داده شد

امروز آقای رحیم صفاری یکی از متحصنین در این مورد توضیح داد که برای بیرون آمدن از تحصن با هیچ مقامی موافقت نامه‌ای امضاء نشده است. بعد از آزاد شدن آقای مهندس بازرگان رئیس کمیته اجرایی جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر به متحصنین هم اطمینان داده شد که مانعی برای کار جمعیت نیست و جمعیت می‌تواند بکار خود ادامه دهد. بهمین جهت متحصنین با تشکر از الطاف فراوان آیت الله العظمی شریعتمداری به تحصن خود پایان دادند و به تهران بازگشتند. وی اضافه کرد جمعیت کماکان به وظایف خویش در مورد دفاع از آزادی و حقوق بشر و حفظ و حیثیت انسانی فرد ایرانی عمل خواهد کرد.

فضای قبل از بحران

تهران - خبرگزاری فرانسه - تهران فضای قبل از بحران اخیر را باز یافته است.

دهها هزار نفر کسانی که در زلزله طبرس قربانی شده‌اند از شنبه گذشته باین طرف اوضاع تهران را تحت الشعاع قرار داده و آن را به موضوع درجه دومی برای توجه به افکار عمومی تبدیل کرده‌اند. خبرنگارانی که روز چهارشنبه (دیروز) از نواحی زلزله‌زده شرق ایران بازگشته بودند از اینکه تهران را شهری یافتند که دیگر در آن به هیچ وجه نشانی از تشنج برجا نمانده بود در شگفت شدند.

استفاده از نیروهای نظامی برای حفظ آرامش در تهران دیگر تنها جلوه‌هایی نمایشی و سمبولیک دارد. زره‌پوش‌ها حتی از محله داغ تهران، یعنی میدان "ژاله"

ناپدید شده‌اند و اکنون تنها تعدادی کامیون‌های نظامی هستند که استقرارشان در این نقطه حضور ارتش را یادآوری میکند.

بازار تهران که از شنبه گذشته مجدداً شروع به باز شدن کرده تمام فعالیت خود را بازیافته است. یک بازاری اظهار میداشت ما برای بیش از ۱۰ روز، امتناع خود را از پذیرفتن سیاست دولت به معرض نمایش گذاشتیم و حالا دیگر کافی است. من فکر نمی‌کنم که حتی بمناسبت چهلم کسانیکه در حوادث روز ۱۷ شهریور کشته شده‌اند، بازاریان کار خود را تعطیل کنند.

شهر تهران در عوض یک بار دیگر راه بندان‌های ترافیک را در خیابانهای خود باز یافته است.

وضع اکنون بصورتی درآمده که دیگر مقررات ممنوعیت رفت و آمد شبانه در شرایط حکومت نظامی نیز که مدت آن کوتاه شده و به ۵ ساعت و نیم از ۱۱ شب تا ۴/۵ بامداد محدود گردیده باعث نمی‌شود که شب زنده‌داران شام خود را در شهر صرف نکنند و بعد از آن به خانه‌هایشان باز گردند.

در زمینه سیاسی نیز بنظر میرسد که نوعی بازگشت به آرامش دارد آغاز میشود.

روزنامه‌ها دیگر جای فوق‌العاده‌ای برای منعکس کردن اخبار و مقالات مربوط به مبارزه با فساد اختصاص نمیدهند و تلویزیون نیز دیگر مجبور نیست که مباحثات داغ و سخنرانیهای پرهیجان ضد دولتی مجلس را که مدت‌سروز در فضای پایتخت طنین انداخته بود پخش کند.

پایان دادند

اعضای جمعیت ایرانی دفاع از حقوق و آزادیهای بشری که اعلام کرده بودند در معرض تهدید قرار گرفته‌اند و به همین دلیل هفته گذشته در قم به‌خانه آقای آیت الله شریعتمداری پناهنده شده بودند به تبعید داوطلبانه خود پایان داده‌اند. اینها گفته‌اند که از طرف مقامات دولت به آنان اطمینان داده شده که میتوانند بدون آنکه کسی مزاحم فعالیت‌هایشان شود این فعالیتها را از سر بگیرند.

از این گذشته آقایان کریم سنجابی و داریوش فروهر رهبران جبهه ملی نیز دیگر خود را مخفی نمی‌کنند.

نامه دکتر سنجابی به حضرت آیت الله شریعتمداری
راجع به پایان بخشیدن به تحصن اعضاء جمعیت *

دکتر کریم سنجابی رهبر جبهه ملی برای پایان یافتن تحصن اعضاء جمعیت ایرانی دفاع از حقوق بشر، نامه‌ای به حضرت آیت الله العظمی حاج سید کاظم شریعتمداری تقدیم داشت.

دکتر کریم سنجابی در آغاز این نامه به حوادث خونین روز جمعه ۱۷ شهریور ماه و کشتار زلزله طبس اشاره کرده و بهمین خاطر به حضور حضرت آیت الله العظمی تسلیمت گفته است. دکتر سنجابی ضمن تایید اقدام متحصن شدگان نوشته است: قسمتی از خواستهای متحصن شدگان برآورده شده و مهندس بازرگان آزاد گردیده و به متحصن شدگان نیز مانند خود او (دکتر سنجابی) و مهندس بازرگان که در خانه هستند، تامین ظاهری آزادی و عدم مزاحمت داده شده است. دکتر کریم سنجابی باین خاطر از حضرت آیت الله العظمی حاج سید کاظم شریعتمداری چنین درخواست کرده است:

— مستدعی است بهر ترتیب که مقتضی بدانید به آقایان تکلیف بفرمائید که فعلا به تحصن خود خاتمه دهند . . .

نامه به اتحادیه بین‌المللی حقوق بشر و اعتراض به
محاکمه متهمین سیاسی در دادگاههای نظامی

۱۳۵۷/۲/۵

اتحادیه بین‌المللی حقوق بشر - نیویورک

رونوشت - سازمان عفو بین‌المللی - لندن

رونوشت - جناب آقای شریف امامی نخست وزیر

دولت ایران از چند ماه قبل وحتى پیش از برقراری حکومت نظامی برخلاف قوانین ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و برخلاف وعده و وعیدهایی که بمقامات بین‌المللی داده‌اند ، اکثر پرونده‌های متهمین سیاسی را بدادگاههای نظامی ارسال می‌دارد که هم‌اکنون نیز ادامه دارد . از آنجا که طی سالیان متعددی ثابت شده است که در دادگاههای نظامی هیچگونه تضمینی برای رعایت حقوق قانونی متهمین سیاسی وجود ندارد و عمل دولت ایران بعنوان نقض آشکار قانون فردی تلقی میشود . جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر از آن اتحادیه درخواست مینماید هر نوع اقدامی که در جهت حمایت از حقوق متهمین سیاسی مقتضی میدانند معمول دارند .

کمیته اجرایی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

نامه به اتحادیه بین‌المللی حقوق بشر و اعتراض به ناپدید
شدن امام موسی صدر و تقاضای اعزام هیئتی جهت رسیدگی

۱۳۵۷/۷/۵

اتحادیه بین‌المللی حقوق بشر - نیویورک

بطوریکه استحضار دارید حضرت امام موسی صدر پیشوای بیش از یک میلیون شیعیان لبنان از تاریخ ۳۰ اوت ۱۹۷۸ ناپدید شده است. متأسفانه اعتراضات و تظاهرات مردم لبنان و همچنین اقدامات پیشوایان مذهبی و پیگیریهای برخی از مقامات سیاسی کشورهای گوناگون تا کنون ثمره‌ای نداشته و سرنوشت ایشان در پرده‌ای از ابهام باقی مانده بطوریکه میلیونها نفر مردم مسلمان دنیا بویژه شیعیان نگران جان و سلامتی معظم‌له هستند.

از آنجا که یکی از آرمانهای اعلامیه جهانی حقوق بشر حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی است؛

از آنجا که دول امضا کننده اعلامیه متعهد شده‌اند که اقدام جهانی‌ورعایت واقعی حقوق بشر و آزادیهای اساسی را با همکاری سازمان ملل متحد تأمین کنند؛ از آنجا که یکی از هدفهای جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر تأمین حقوق و آزادیهای مردم ایران که بموجب قانون اساسی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر برقرار گردیده و مبارزه علیه هر نوع تهدید و تجاوز بحقوق انسانی است؛ جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر ضمن ابراز نگرانی شدید خود نسبت به وضعیت و سرنوشت حضرت امام موسی صدر تقاضا دارد فوراً "کمیته‌ای را

مامور رسیدگی باین موضوع نمایند ، ضمناً خواهشمند است به جمعیت‌های عضو آن اتحادیه توصیه فرمایند که در این امر انسانی با این جمعیت همصدا شوند .

کمیته اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

نامه به سفیر کبیر عراق در ایران و درخواست ارسال اعتراضنامه جمعیت نسبت به رفتار دولت عراق با حضرت آیت الله خمینی به رئیس جمهور کشور عراق

۴۲۵/۲

تاریخ ۷ مهرماه ۱۳۵۷

سفارت کبیرای عراق در ایران

جناب آقای سفیر کبیر

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر بدینوسیله با ادای سلام و احترام تاسف شدید خود را از محدودیت غیر قانونی و رفتار غیر منتظره‌ای که اخیراً در نجف اشرف نسبت به مرجع عالیقدر تشیع حضرت آیت‌الله خمینی بعمل آمده است ابراز میدارد و وظیفه خود دانستیم که برطبق اعلامیه جهانی حقوق بشر مراتب را با آن جناب در میان گذارده خواهش نمائیم که چون ارتباط مستقیم با حضرت رئیس‌جمهور کشور عراق نداریم دستور فرمائید نامه پیوست را به معظم‌له برسانند. آن جناب با حضوری که در کشور ما و استحضاری که از جریانات امور دارند بهتر میتوانند ترجمان احساسات و نظریات قانونی ما و سایر مردم ایران در قبال دولت متبوعه گردیده، محتوای نامه ما را با گزارش خودتان تأیید و تکمیل فرمائید. ضمناً "بسیار خوشوقت خواهیم بود اجازه فرمائید دو نفر از اعضای کمیته اجرائیه جمعیت با آن جناب ملاقات نمایند."

رئیس هیئت اجرائیه جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

تلفونهای: آقای دکتر عبدالکریم لاهیجی

مسئول روابط عمومی جمعیت:

دفتر ۶۵۰۳۳۷

منزل ۲۲۶۳۱۳

حضرت احمد حسن البکر

ریاست محترم جمهوری عراق

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر که وابسته به اتحادیه بین المللی حقوق بشر میباشد در روز دوم مهرماه ۱۳۵۷ (۲۴ سپتامبر ۱۹۷۸) با تعجب زیاد اطلاع حاصل کرد که ظاهراً " بنا بدستور دولت عراق حضرت آیت الله روح الله الموسوی الخمینی، مرجع عالیقدر تشیع "تبعیدی" غیر قانونی دولت ایران و "مهمان" کشور دوست وهمجوار و همکیش ما، مورد بی مهری ناگهانی و محدودیت اجتماعی و حتی محاصره نظامی قرار گرفته اند.

این جمعیت مانند قاطبه قریب باتفاق ملت ایران از شنیدن چنین واقعه غیرمنتظره شديداً "متأثر و متأسف گردید و با توجه به تجاوز آشکاری که به ساده ترین حقوق بشری شخصیتی که مورد احترام و علاقه و پیروی ملتی گردیده و در کشور میزبان خود نقض مقرراتی ننموده است، وظیفه قانونی و انسانی خود دانست بر طبق مفاد صریح اعلامیه جهانی حقوق بشر، که دولت آن حضرت نیز معتقد و متعهد آن میباشد و به احترام مرام و مکتبی که حزب بعث عراق خود را مدافع و مجری آن میداند، ضمن ابراز تأسف و اعتراض نسبت برفتار فوق از آن حضرت تقاضا نماید دستور فرمایند تجدیدنظر عاجل در این امر شده رفع محدودیت و جلب رضایت خاطر از

معظم له بنمایند و موجبات خوشنودی و امتنان بیش از سی میلیون نفر از مردم ایران و همه شیعیان جهان را فراهم آورند .

با تقدیم احترامات شایسته

هیئت اجرائیه جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

طهران - ٢٦ شوال سنة ١٣٩٨ هـ

الموافق - ٢٩ سبتمبر ١٩٧٨ م

صاحب السعادة سفير الجمهورية العراقية في ايران الموقر

اتشرف بان اقدم الى سعادتك التحية والاحترام . ثم الاعراب ، باسم
"الجمعية الايرانية للدفاع عن الحرية و حقوق البشر" ، عن الاسف الشديد
للحجر بصورة غير قانونية على المرجع الشيعي العالي الامام الخميني والمعاملة
غير المتوقعة التي عومل بها مؤخرافي النجف الاشرف .

وقد رأينا ان من الواجب علينا ، طبقا " لمقررات منشور حقوق البشر الدولي ،
ان نعرض هذا الامر على سعادتك آملين الوصول الى نتيجة طيبة . و بما اننا لا
نملك وسيلة للمتصال مباشرة بسيادة رئيس الجمهورية العراقية ، فنرجوان
تفضلوا بايلاغ رسالتنا المرفقة بهذه الرسالة الى سيادته .

كما نرجوان تفضلوا بتأييد محتوى رسالتنا لدى حكومتكم الموقرة . اذ ان
وجودكم في بلادنا واطلاكم عن كتب على مجرى الامور فيها ، هو خير ترجمان
عن عواطف شعبنا و ما نراه نحن و تراه الامة الايرانية باسرها من مقتضيات
قانونية في هذا الموضوع .

هذا ويسعدنا ان تفضلوا باستقبال عضوين من اعضاء اللجنة التنفيذية
لجمعيتنا .

و تفضلوا بقبول فائق الاحترام .

رئيس اللجنة التنفيذية

للجمعية الايرانية للدفاع عن الحرية و حقوق البشر

تلفون : الدكتور عبدالكريم لاهيجي المسؤول عن العلاقات

العامة للجمعية : المكتب ٤٥٠٣٣٧ - المنزل ٢٢٤٣١٣

طهران - ٢٦ شوال سنة ١٣٩٨ هـ
الموافق - ٢٩ سبتمبر ١٩٧٨ م

سيادة الرئيس احمد حسن البكر - رئاسة الجمهورية العراقية

في الواحد والعشرين من شهر شوال ١٣٩٨ هـ (٢٤ سبتمبر ١٩٧٨) تلقت "الجمعية الإيرانية" للدفاع عن الحرية و حقوق البشر "التابعة" لجامعة حقوق البشر الدولية، نبأ بان المرجع الشيعي العالي الامام روح الله الموسوي الخميني الذي ابعدته حكومة ايران عن وطنه بصورة غير قانونية ونزل صيفا على الدولة الجارة الصديقة المسلمة، قد فوجيء بمعاملة سيئة من الحجر عليه والحد من حريته الاجتماعية، بل حتى تطويق منزله بالعسكر، وذلك، كما يظهر، يامر من الحكومة العراقية.

وان هذه الجمعية تأسف اشد الاسف لهذه الواقعة غير المنتظرة وهي بذلك تشارك الشعب الايراني قاطبة اسفه واستياءه من هذا التعدي العلني المنافي لاسبس حقوق البشر يقع على شخصية هي موضع الاحترام والحب والاقتران من شعب باسره.

ان الامام الخميني لم يرتكب في ارض الدولة التي تضيفه ما يخالف قوانينها، ولا احد عن مسئوليته القانونية والانسانية. فجمعيتنا اذ تأسف وتحتج على هذه المعاملة، ترجومن سيادة الرئيس السارعة الى اعادة النظر في هذا الموضوع واصدار امره برفع الحجر عن الامام واسترضائه طبقا لمقررات منشور حقوق البشر الذي وافقت عليه وتعهدت بتنفيذه دولتكم، ومراعاة لاهداف

المدرسة التي يدافع عنها وينفذ تعاليمها حزب البعث العراقي . و بذلك تدخلون
الطمأنينة والسرور على اكثر من ثلاثين مليوناً من ابناء الشعب الايراني و جميع
الجماهير الشيعة في العالم و تستوجبون شكرهم وامتنانهم .
و تفضلوا بقبول فائق الاحترام -

اللجنة التنفيذية للجمعية الايرانية للدفاع عن الحرية و حقوق البشر

نامه به نخست وزیر و اعتراض به اعمال وحشیانه مأموران دولتی نسبت به دانش آموزان دبیرستان پهلوی کاشان و توقیف چند تن از اعضاء جمعیت

تهران بتاريخ ۱۲ مهر ماه ۱۳۵۷

جناب آقای مهندس شریف امامی نخست وزیر

جنابعالی هنگام طرح برنامه دولت در مجلس شورای ملی حکومت خود را متعهد و ملتزم بر رعایت قانون اساسی نمودید. هر چند که با اعلام و اجرای حکومت نظامی اصول قانون اساسی نقض و تعطیل و دولت شما عملاً "فاقد قدرت و اختیار شده است. ولی از آنجا که قانوناً "مسئولیت کلیه امور اجرائی بعهده دولت میباشد و اقدامات حکومت نظامی نیز تاکنون مورد تأیید جنابعالی قرار گرفته است از نظر این جمعیت مسئولیت کلیه اعمال خلاف قانون و نقض حقوق بشر که از طرف قوای انتظامی صورت میگیرد متوجه دولت جنابعالی میباشد و بسیار جای تأسف و اعتراض است که روزی نمیگذرد مگر آنکه از یکی از شهرهای ایران خبر حمله و کشتارهای فجیع وسیع مردم بی دفاع که گناهشان آزادیخواهی و ابراز تنفر نسبت بنظام استبدادی بوده است میرسد. مقامات انتظامی عملاً "نشان داده اند که برای آزادی و حیثیت و حقوق افراد و سلامتی و جان مردم هیچگونه ارزش قائل نیستید. حتی در روز شنبه ۸ مهر ماه جاری داخل دبیرستان پهلوی کاشان شده دانش آموزان در حال درس را با ریختن و آتش زدن روغن در راهروها محاصره نموده، بیش از ۳۰۰ نفر را بایی رحمی خصمانه مجروح و مشرف بمرگ مینمایند بطوریکه کلبه مدارس شهر به اعتصاب و تعطیل درآمده اند.

از طرف دیگر باینکه روزنامه‌های تحت سانسور حکومت خبر از عدم ممانعت جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر می‌دهند آقای مهندس رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای عضو هیئت اجرائی جمعیت از تاریخ ۱۷ شهریور در زندان بسر می‌برند و آقایان سید صالح بنافتی. و محمد اقبال اعضای دیگر جمعیت پس از انتشار خبر فوق توقیف شده‌اند.

همچنین بهیچیک از نامه‌های این جمعیت و شکایات ارسالی مردم ترتیب اثر نداده وقت ملاقات برای نمایندگان ما جهت طرح خواسته‌ها و اعتراضات قانونی اعلام نفرموده‌اید.

هیئت اجرائیه جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر
(امضاء مهندس مهدی بازرگان)

مصاحبه سخنگوی جمعیت و اعلام آمادگی جهت رو در روئی و مباحثه با دولت *

دکتر عبدالکریم لاهیجی سخنگوی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر در مورد امکان مباحثه و مناظره‌ی جمعیت با دولت دیروز به خبرنگار کیهان گفت: جمعیت حقوق بشر طی مدت فعالیتش دهها نامه اعتراض‌آمیز به دولت نوشته است و در خصوص نقض مستمر حقوق بشر و اعمال خشونت و بازداشت‌های غیرقانونی و تجاوز به حقوق مردم اطلاعاتی داده و اعتراض و درخواست رسیدگی کرده است. ولی متأسفانه تاکنون حتی یک جواب هم از طرف مقامات مسئول دریافت نکرده است. و از آن جا که مطابق اساسنامه‌ی جمعیت، پاسداری از حقوق مردم ایران و تأمین آزادی‌های فردی و اجتماعی مندرج در قانون اساسی و اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، به عنوان هدف و رسالت جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر پیش‌بینی شده است این جمعیت به هر طریق که امکان‌پذیر باشد برای تأمین خواسته‌های خود اقدام و کوشش می‌کند و بدیهی است که به خاطر مطلع کردن مردم از فعالیتهای این جمعیت و همین‌طور موارد نقض حقوق بشر در ایران از وسایل ارتباط جمعی نیز استفاده خواهد کرد. و در صورتی که مقامات مسئول خواستار پاسخگویی به نامه‌های اعتراض‌آمیز این جمعیت باشند ما هم آمادگی خود را برای مناظره و بحث رو در رو اعلام می‌کنیم.

* - کیهان، پنجشنبه ۱۳/۷/۱۳۵۷

نامه به رئیس جمهور فرانسه و درخواست حفظ شئونات و
تأمین آزادی و امنیت برای حضرت آیت الله خمینی

سه شنبه ۱۸ مهرماه ۱۳۵۷

جناب آقای ژیسکاردستن ریاست جمهوری فرانسه

حضرت آیت الله العظمی حاج آقا روح الله خمینی مرجع تقلید شیعیان جهان و پیشوای مذهبی ملت ایران که مدت پانزده سال توسط دولت ایران بکشور عراق تبعید شده بودند بر اثر اعمال فشار و تضيیقاتی که دولت عراق برخلاف اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی برای معظم له فراهم آورد ناگزیر از ترک آن کشور شدند و پس از آنکه دولت کویت مانع ورود ایشان بآن کشور شد به کشور فرانسه عزیمت نمودند و در حال حاضر میهمان شاه هستند . جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر انتظار دارد که دولت فرانسه مقدم ایشان را گرامی دانسته و اقدامات لازم را در جهت تأمین آزادی و امنیت و شئونات معظم له معمول فرمایند .

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

گزارش هیئت اعزامی مشترک جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر و جمعیت حقوقدانان ایران راجع به واقعه فجیع کرمان

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر - جمعیت حقوقدانان ایران
امضا کنندگان زیراین گزارش بعنوان هیئت مشترک اعزامی از طرف جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر و جمعیت حقوقدانان ایران برای بررسی واقعه کرمان روز سه شنبه دوم آبانماه ۵۷ بکرمان عزیمت نمودیم پس از ورود به کرمان بلافاصله و به ترتیب به اقدامات زیر پرداختیم:

۱ - دیدار از حضرت آیت الله صالحی کرمانی

از فرودگاه مستقماً " برای دیدار حضرت آیت الله صالحی کرمانی که فعلاً در منزل دامادشان بستری هستند رفتیم و در محضر ایشان چند تن از آقایان روحانیان و جمعی دیگر حضور داشتند.

ابتدا مراتب تسلیت و تأثر و همدردی هیئت و جمعیت های مزبور و قاطبه ملت ایران را نسبت به فاجعه دردناک روز دوشنبه ۲۴ مهرماه بحضور آیت الله و همه مردم زجر دیده کرمان عرضه داشتیم ، سپس معظم له که از ابتدا در مسجد جامع حضور داشته و آخرین نفری بوده اند که مسجد را ترک کرده اند در حالکیه فوق العاده متأثر بودند و اظهاراتشان با گریه قطع میشد مختصری درباره واقعه و حمله و هجوم اشرار و گولیها به حمایت و همدستی ماموران به مسجد جامع و ضرب و جرح مردم و سوزاندن و پاره کردن قرآنها و کتب موجود دیگر و دریدن جامه زن ها و تیراندازی ورها کردن گاز اشک آور در داخل شبستان و در صحن مسجد ، فرمودند و اضافه کردند که حاضران عباها و پیراهنهای خود را برای پوشاندن

زنها میدادند و خود ایشان عباى خود را به زنى که جامه برتنش درپیده بودند داده‌اند، با معظم له که در اعلامیه‌ای از ظلمی که بر مسجد و مردم رفته است حکایت کرده‌اند مذاکره شد که بعنوان امام جماعت و مسئول و محافظ مسجد اقدام و تعقیب قانونی را از مراجع قضائی کرمان بخواهند، سپس حاضران مجلس که همگی روز واقعه در مسجد حضور داشته‌اند هر یک شرحی یا نکاتی درباره ماجرا گفتند که خلاصه مجموع آنها بدینقرار است:

روز دوشنبه ۲۴ مهرماه جمعیت کثیری (بیش از پانزده هزار نفر) بمناسبت چهلم شهداء "جمعه سیاه" تهران و سالگرد فوت حجت‌الاسلام حاج‌سیدمصطفی فرزند آیت‌الله العظمی خمینی در مسجد جامع کرمان گرد آمده بودند قبلاً در نظر گرفته شده بود که پس از ختم جلسه راه‌پیمائی آرامی صورت گیرد، وقتی آقای صمدانی از وعاظ شهر بالای منبر بودند و مطالبی با ملایمت تمام میگفتند خبر رسید که عده‌ای از گولیها و اشرار مسلح بچماق تحت حمایت مامورین انتظامی در خیابانها به تظاهرات آشوبگرانه پرداخته‌اند. برای جلوگیری از برخورد به آقای صمدانی تذکر داده شد که از منبر بمردم اعلام کنید که برنامه راه‌پیمائی صورت نخواهد گرفت در اینموقع دود آتش از پشت دیوارها از طرف جلوخان مسجد زبانه کشید و معلوم شد که مهاجمین موتورسیکلتها و دوچرخه‌های حاصران در مسجد را که در قسمت جلوخان مسجد گذاشته بودند با آتش کشیده اند کمی بعد گولیها و اشرار و مامورین در بام مسجد ظاهر شدند و با پراندن سنگ و آجر و تیراندازی بروی مردم عده‌ای را مجروح کردند و مردم ناچار بداخل شبستانها هجوم بردند و درهای شبستانها را بستند. سپس حمله و هجوم اشرار بداخل مسجد شروع شد در حالکیه با شکستن شیشه‌های کلاه فرنگی‌ها از آنجا کیسول گاز اشک‌آور و بنا بگفته عده‌ای از حاضران گازی قهوه‌ای رنگ که ممکن است گاز خفه کننده باشد بداخل شبستانها پرتاب میکردند. در نتیجه جمعیت متراکم و فشرده داخل شبستانها که گازهای مذکور آنها را بحالت خفگی انداخته بود و بخصوص وضع حال کودکان و مادران آنها بسیار اسفناک و دلخراش بود از شبستان بیرون آمدند که مهاجمین با چوب و چماق‌های مخصوص که در سر گرز مانند آنها میخهائی تعبیه شده بود بآنها حمله‌ور شدند و بشدت آنها را مضراب کردند و سرمیخ چماق را بپقه پیراهن زن‌ها بند میکردند و پائین میکشیدند

بطوریکه تمام لباس سر تا سر پاره میشد و زنها عریان میشدند و مردها با دادن عباها و حتی پیراهنهای خود سعی میکردند زنهای عریان را بپوشانند و هر کس میخواست چماق را از دست یک مهاجم بگیرد بلافاصله باتیر مامورین از پادرمیآمد و سپس عده‌ای از مهاجمین بداخل شبستانها هجوم بردند و قالیها را آتش زدند و با بیرحمی مردم را با باطون زدند و بداخل شبستان زنانه که هنوز عده‌ای از زنها در آنجا بودند حمله کردند ابتدا زنهای مسن را مضروب کرده و بیرون انداختند سپس بجان زنهای دیگر افتادند تعداد زیادی کودک در اثر گازهای مسموم خفه شد یا زیر دست و پا له شد یا با چماق و گلوله از پا درآمد و مامورین بسرعت مقتولین را بیرون میبردند و در این احوال بتدریج هر که زنده بود مضروب و مجروح فرار کردند و عده زیادی از ترس حتی به بیمارستانها نرفته و عده‌ای هم که به بیمارستان میرفتند یا دیگران آنها را میبردند از گفتن اسم و مشخصات خود امتناع داشتند بهمین دلیل تعداد دقیق مقتولین که مسلماً "از بیست نفر متجاوزند و تعداد دقیق مجروحین در دست نیست. اطلاعات دیگری که میدادند خبر از این داشت که روز قبل از حادثه سیدعباس طاهری (معروف به عباس پهلوان)، سرسپور شهرداری، اشخاص متفرقه را برای حمله اجیر میکرده است و شب قبل از هجوم چهار نفر بمنزل طهماسبی که از خدمتگزاران مسجد جامع است رفته‌اند که با بنزین آنجا را آتش بزنند ولی موفق نشده‌اند.

بعد از غائله مسجد که چند ساعت طول کشیده مهاجمان به بنگاهها و مغازه‌هایی که قبلاً در نظر گرفته بودند و صاحبان آنها به ارادت نسبت به حضرت آیت‌الله خمینی شهرت داشته و عکسهائی از معظم له نصب کرده بودند رفته و به آتش‌سوزی و شکستن در و شیشه و غارت پرداخته‌اند. از جمله آنها برادران عقابیان، حسین منصوری و افتخار ساعت فروش بوده‌اند.

یکی از برادران عقابیان برای دیدار اعضاء هیئت آمد و مشروحا " جریان آتش‌زدن و غارت فروشگاههای خود و دعوت تلفنی خویش را از طرف پلیس برای حضور در آتش‌سوزی توصیف کرد و افزود بنگاه اتومبیل فروشی من در خیابان محمد رضا شاه است و در اطراف آن با فواصل خیلی کم ادارات شهربانی، شهرداری، آتش‌نشانی، فرمانداری و دادگستری قرار دارند (وفاصله دورترین این سازمانها

یعنی کلانتری یک بمحل فروشگاه فقط ۵۰۰ متر است) ولی از طرف هیچ سازمانی اقدام در اطفاء حریق و حفظ ایمنی اموال و محل بعمل نیامد. تلفنی از مامورین آتش نشانی تقاضای اقدام کردم گفتند دستوری برای آتش نشانی نداریم ابتدا با قراردادادن اتومبیلهای ارتش و شهرداری در دو طرف فروشگاه در عرض خیابان قبلاً مواد آتشزدا آورده بودند و پس از شکستن در و شیشه‌ها و درآوردن قفل گاوصندوق و تخلیه گاوصندوق و بردن مبالغ زیادی پول و اوراق و اسناد، در داخل بنگاه ریخته و بعد آتش زده بودند وقتی من بمحل رسیدم سرگرد گنجی صفار (رئیس کلانتری یک) دریلندگو فریاد زد خودش هم آمد که او را بکشید، من جان خود را در خطر دیدم و فرار کردم، آتش سوزی از ساعت ۲ بعد از ظهر تا ۱۱ شب ادامه داشته دو مغازه دیگر برادرانم را هم یکی موتورسیکلت فروشی دیگری دو چرخه فروشی است آتش زده‌اند و مبالغ هنگفتی بما خسارت وارد کرده، من چند روز متواری بودم بعد به مراجع مختلف شکایت کردم آقایان دادستان و بازپرس محل رامعاینه کرده، از من و عده‌ای تحقیق بعمل آمده است.

افسرانی که در جریان دخالت داشته‌اند سرگرد گنجی صفار، سروان ریاضی و سروان فرزین بوده‌اند (که دو نفر اخیر هر یک مبلغی بمن بدهکارند).

۲- دیدار از مسجد جامع

در حدود ساعت ۵ بعد از ظهر به مسجد جامع کرمان که از آثار معماری و تاریخی بنام و چند صدساله است رفتیم، اثرات گلوله در کاشی کاری در ورودی مشهود بود ساعت سردر مسجد هم که گفتند تصویری از حضرت آیت‌الله خمینی بر روی آن نصب بوده (در حال حاضر هم تصویر جدیدی از معظم له در آنجا نصب است) بضرط گلوله خراب شده، تمام شیشه‌های درهای شبستانها و کتابخانه و انبار خرد شده بود. در داخل مسجد، در صحن و در شبستانها ذیلوهای نیم سوخته دیده شد که بروی پاره‌ای از آنها و بعضی از قالیها لکه‌های خون مشهود بود. لکه‌های خون بر روی زمین در قسمت‌های مختلف مسجد دیده میشد، آثار گلوله در چندین نقطه در و دیوار مسجد و انبوه لباسها و چادرهای زنانه در چند مکان و انبوه اوراق پاره شده و نیم سوخته قرآن مجید و کتابهای دعا و غیر آن دیده شد (نمونه‌ای از اوراق پاره شده یا دارای اثر سوختگی ضمیمه گزارش است) - گفته میشد بیشتر قرآنها و

کتابهای سوخته شده را از مسجد خارج کرده‌اند)

کامپیوتر ساعت سردر مسجد شکسته شده و اثر گلوله بر روی آن مشهود است و آمپلی‌فایر مسجد هم در اثر ضربات وارده و پرتاب شدن از کار افتاده است. قسمت‌های دیگری از دیوارهای شبستانها سیاه‌رنگ و دارای اثر دود و آتش است. در بیرون مسجد و مجاور آن در کرکره‌ای مغازه‌ای با گلوله سوراخ شده و شیشه آن شکسته بود در نزدیکی این مغازه دری که بسمت پشت بام مسجد می‌رود شکسته شده و گفته می‌شد این در را شکسته مقدار زیادی سنگ به پشت بام مسجد برده و بسوی مردم پرتاب کرده‌اند.

در بازدید از مسجد با ازدحام جمع زیادی از مردم مواجه شدیم که با ناثر و التهاب فراوان کیفیت قضیه و وحشیگریهای مهاجمان را توصیف میکردند.

۳- بازدید چند محل خسارت دیده

پس از بازدید مسجد به محل فروشگاه بزرگ عقابیان هدایت شدیم شیشه‌های درها همه شکسته بود درهای مشبک آهنی را بالا کشیدند در داخل فروشگاه که وسعت زیادی دارد در طبقه همکف و طبقه زیر هرچه از اتومبیل و لوازم یدکی و قفسه و غیره دیده می‌شد سوخته و از حیز ارتفاع افتاده بود گاوصندوق فروشگاه دیده شد که با دستگاهی قفل آنرا بیرون کشیده‌اند. بر در و دیوار و سقف آثار سوختگی و خرابی فراوان بود. اما طبقات بالای ساختمان و ساختمان مجاور از آسیب محفوظ مانده بود.

توضیح اینکه این ساختمان چند طبقه و ملک آقای عقابیان است طبقه دوم در اختیار یک سازمان درمانی وابسته وزارت بهداشتی و بهزیستی است که هیچگونه آسیبی ندیده ساختمان مجاور هم آسیب ندیده آقای عقابیان و اشخاص دیگر میگفتند که مواد آتش‌زای مخصوصی بکار برده‌اند که جز محل مورد نظر بجای دیگر آسیب نرساند، آقای عقابیان اظهار می‌داشتند که شب قبل به سازمان درمانی اطلاع داده بودند که اسباب و اناشیه خود را خارج کنند.

۴- عیادت از یک مجروح (آقای رضوانی نژاد)

شب هنگام به عیادت آقای رضوانی نژاد عضو سابق هیئت علمی دانشگاه کرمان (در اواخر سال گذشته مانع ادامه کار او در دانشگاه شده‌اند) که در خانه

بستری هستند رفتیم دست چپ ایشان شکسته و گچ گرفته شده در صورت او نیز آثار ضرب و جرح تقریباً "التیام یافته دیده‌میشد ایشان اجتماع آرام مردم را در مسجد و اظهارات ملایم آقای صمدانی و حمله و هجوم به مسجد را بهمان نحو که قبلاً" نوشته شد توصیف کرده و افزودند که مهاجمان کولی، نظامی و پلیس بودند هرکس میخواست چوب و چماق را از دست کولیها و کولی‌نماها بگیرد با گلوله مامورین کشته میشد، من خواستم به فرار دیگران بخصوص زنها و بچه‌ها کمک کنم چهار نفر بمن حمله کردند و با چوب و باتون مرا باین روز انداختند ایشان پس از شرح مفصل ماجرای مضر و بی‌هوش شدن و انتقالشان به بیمارستان گفتند مسلماً آنها میخواستند به کشتار عمدی مردم بپردازند و تظاهرات کولیها در اتومبیل‌های پیکان در خیابانهای شهر که صبح آنروز انجام شده، دادن چوب در پشت سازمان زنان و پشت مسجد جامع به کولیها و ترغیب مردم به رفتن به مسجد از طرف مامورین، سنگ‌هاییکه با کامیون از خیابان شاه نعمت‌الله ولی آورده شده و به بام مسجد برده شده، وجود کپسولهای گاز در اختیار مهاجمین، وجود باتون‌های مخصوص پلیس در دست کولیها و اشرار، بستن درهای مسجد و شبستانهای آن برای محاصره و گرفتار کردن مردم و دلایل دیگر این مدعا را ثابت میکند.

عده‌ای در حدود چهل نفر از اعضاء هیئت علمی دانشگاه کرمان و دانشجویان آن دانشگاه نیز که در منزل آقای رضوانی نژاد حضور داشتند با تائید اظهارات ایشان، توضیحات مفصلی درباره نابسامانیهای دانشگاهی و روش پلیسی و نامعقول اولیاء دانشگاه و کمبودها و معایب کار دانشگاه دادند.

۵- ملاقات و مذاکره با مقامات قضائی

صبح چهارشنبه سه نفر از اعضاء هیئت برای تذکرات و تاکیدات قانونی لازم بمقامات قضائی بدادگستری رفتیم در اطاق آقای رئیس دادگستری استان با حضور آقای رفعتی دادستان شهرستان کرمان و سپس آقای احمدی بازپرس دادسرا که پرونده مربوط به حادثه بر اثر وصول اعلامیه فرهنگیان و شکایت آقای عقابیان و غیره نزد ایشان است مذاکراتی شد و با تصریح و تاکید در مراقبت جدی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر و جمعیت حقوقدانان ایران و قاطبه ملت ایران و همچنین افکار عمومی جهان نسبت به فاجعه کرمان تقاضا شد با نهایت دقت و

حق طلبی نسبت به قضیه و جمع آوری دلائل جرائم ارتكابی از هر قبیل (بخصوص فیلم تلویزیونی و فیلمها و عکسهای دیگر) در تعقیب متجاوزان و ماموران خاطی و مسببان و آمرین، اقدام و تعقیب قانونی بعمل آید تا ضمن مجازات توطئه‌گران و متصدیان به حقوق و مقدسات دینی مردم شأن و احترام دستگاه قضائی حفظ گردد و اعتلاء یابد، مقامات مزبور اطمینان دارند که با دقت و جدیت تحقیقات و تعقیبات قانونی لازم معمول خواهند داشت چنانکه تاکنون از عده‌ای تحقیق شده از محلهای آسیب دیده معاینه بعمل آمده و تحقیقات وسیعی در جریان است.

۶- حضور در اجتماع فرهنگیان

پس از آن همگی اعضاء هیئت به محل اجتماع فرهنگیان کرمان (در محوطه اداره کل آموزش و پرورش) رهسپار شدیم و در اجتماعی که با حضور صدها نفر تشکیل شده بود شرکت کردیم سخنرانان فرهنگی و مذهبی درباره حادثه شوم روز دوشنبه و جنایات اشرار و ماموران و لزوم اتحاد و اتفاق مردم برای مقابله با اینگونه وقایع سخنان پر شوری میگفتند یکی از اعضاء هیئت (آقای دکتر ملکی) نیز ضمن بیان اینکه جمعیت‌های ماهیچگونه وابستگی به دستگاههای حکومتی ندارند و هدفشان تنها دفاع از حقوق مردم و مبارزه با مظالم اجتماعی است مردم رابه اتحاد و همدلی و اعلام شکایات حقه خود و جمع آوری کلیه دلائل و مدارک حادثه شوم گذشته و مقابله با هر گونه حادثه ستم بار دیگری که رخ دهد تشویق نمودند این جلسه با شعارهای ملی و مذهبی پایان یافت یکی از گویندگان و اداره‌کنندگان اجتماع در پایان بتقاضای هیئت، خانواده‌های مقتولین و مجروحین را بشکایت به مراجع قضائی و استقامت در تظلمات خود دعوت و تشویق نمود.

(نسخه از اعلامیه‌های فرهنگیان ضمیمه این گزارش است)

۷- رفتن به دو بیمارستان برای عیادت مجروحین

و بالاخره بدو بیمارستان برای عیادت مجروحین که بستری شده‌اند رفتیم در بیمارستان کرمان - درمان، مسئولین بیمارستان اظهار داشتند فقط یک نفر از مجروحین باقی مانده از این مجروح عیادت شد جوانی است ۲۵ ساله شاگرد راننده گلوله به میچ پایش خورده است.

ابتدا از اینکه مطلبی بگوید امتناع داشت با اطمینان و دلگرمی که بوی داده

شد گفت در حالیکه از محل واقعه فرار میکرده مورد اصابت گلوله قرار گرفته است بدادگستری شکایت نکرده است، موکدا باو توجه داده شد که مراتب را بدادسرای کرمان که پرونده امر در آنجاست اعلام کند.

در بیمارستان راضیه فیروز نیز یک مجروح باقی مانده، مردی تقریباً " ۳۵ ساله که ضربه مغزی باو وارد شده آثار ضرب و کوفتگی زیر چشمان او نیز باقی بود که بسختی قادر به گفتگو بود اما معلوم شد از دادسرا بدیدن او آمده و تحقیق کرده اند.

در این بیمارستان یکی از مجروحین فوت کرده بود عده‌ای هم که ظاهراً چند تن از مهاجمان در بین آنها بوده‌اند پس از پانسمان و درمان بیمارستان را ترک کرده‌اند ضمناً " مراجعه کنندگان بنا باظهار مقیمان بیمارستان از اعلام هویت خود امتناع داشته‌اند.

۸- نتیجه‌گیریها و استنباطها

از مجموع ملاقاتها و تحقیقات و گفتگوهای که با وجود اهالی و اوضاع واحوال، هیئت در مورد مقدمات و کیفیت قضیه و دست اندرکاران آن به نتایج و استنباط‌های زیر رسیده است:

- (۱) روز ۲۲ یا ۲۳ مهرماه جلسه‌ای در استانداری با حضور آقای جهان‌بین معاون استانداری و آرشام رئیس ساواک و رئیس شهربانی (سرتیپ خانمرادی) و رئیس ژاندارمری و نماینده‌ای از طرف ارتش تشکیل شده و طرح توطئه در این جلسه ریخته شده است.
- (۲) دکتر باقری رئیس لژیون خدمتگزاران بشر که برای کولیه‌ها تعدادی خانه ساخته است در باجرا گذاردن توطئه مداخله داشته است.
- (۳) سیدعباس ظاهری (عباس پهلوان) از کارکنان شهرداری در دادن پول به کولیه‌ها و اجیر کردن کسان دیگر و بعداً " در جمع‌آوری موتورها و دوچرخه‌های سوخته دخالت داشته و نمیتوان پذیرفت که اقدامات او بدون اطلاع شهردار صورت گرفته باشد.
- (۴) مردم قصد هیچ نوع عمل شدید نداشته‌اند از برنامه راه‌پیمایی نیز صرف‌نظر کرده بودند.

۵) کولیه‌ها و کولی‌نماها حداکثر ۲۰۰ نفر بوده و چنین جمعیت اندک نمیتواند بدون پشتیبانی مقامات انتظامی و امنیتی به جمعیتی مسلماً" بیش از ده هزار نفر آنهم در مسجد حمله کنند و آن فجایع را ببار آورند.

۶) مهاجمان با باتون‌ها و چوبهائی بیک شکل و یک اندازه (که بالای چوبها میخ‌کوبی شده بود) مجهز بوده‌اند و این خود تجهیز قبلی آنها را بوسیله مامورین نشان میدهد.

۷) خرابیه‌ها و آتش‌سوزیها و آثار گلوله در مسجد جامع نشان‌دهندهٔ شرکت مامورین در توطئه است.

۸) همچنین وجود گاز اشک‌آور و احتمالاً "گاز خفه‌کننده" ورها کردن آن در شبستان مسجد مداخله و همکاری ماموران را در مهاجمه‌نشان میدهد و پیداست که اینگونه گازها نمیتواند در اختیار کولیه‌ها باشد.

۹) عدم تعقیب و دستگیری کولیه‌ها و اشرار از طرف مامورین و عدم گزارش بدادسرای کرمان موید مشارکت مامورین در جریان فاجعه است.

۱۰) نحوه آتش‌سوزی در مغازه‌ها که بکار بردن مواد منفجره مخصوص را میرساند. (حریق از جایی که مورد نظر بوده بجای دیگری سرایت نکرده در صورتیکه از وسایل آتش هم استفاده نشده است).

۱۱) مهاجمان با قیافه‌ها و شکله‌ها و لباسهای متفاوت بوده‌اند و این نشان دهندهٔ ترکیب و اختلاط کولیه‌ها با عناصر و افراد دیگر است.

۱۲) مهاجمان شعارهائی بتظاهر بدولت‌خواهی و شاه‌پرستی میداده‌اند و افسران و پاسبانان بدنیاال آنها حرکت میکردند.

۱۳) صاحبان مغازه‌ها و بنگاههائی که مورد هجوم و غارت واقع شده‌اند مشهور به هواخواهی از حضرت آیت‌الله خمینی بوده و عکسهائی از معظم له داشته‌اند.

۱۴) رادیو و تلویزیون کرمان در برنامه دوشنبه شب خود تصریح کرده‌اند که پلیس در ماجرا پشتیبان کولیه‌ها بوده است.

در فیلم تلویزیونی نیز افراد پلیس در میان کولیه‌ها و اشرار در حال

همکاری دیده شده‌اند .

۱۵) سرهنگ نشاط رئیس کارگرینی شهربانی و سرهنگ معتمد معاون اطلاعاتی شهربانی ، سرهنگ سروری ، سرکرد کنجی صفار ، سروان فرزین و سروان صالحی از افسران شهربانی در اجرای توطئه‌مداخله و همکاری داشته‌اند .

۱۶) از پاسانها نصیری و شیری در داخل مسجد و برائی و کردستی در خارج مسجد در حمله بمردم شرکت داشته‌اند و عده‌ای میگویند اینان تیراندازی کرده‌اند ، حسینی پاسبان راهنمایی نیز در معرکه دخالت داشته است .

۱۷) همچنین بموجب اظهاراتی که میشد اشخاص زیر نیز از جمله مهاجمین و دخالت کنندگان در ماجرا بوده‌اند ، دهکافی نام از کارگران دانشگاه که در خیابان چوب بدست مردم را میزده است و اصغر ذوالقیاس - همسرش ، علی اصغری معروف بعلی ریش - علیرضا ایلاتی میوه‌فروش - گلستانی معروف بزاغو گاریچی - تیمور فیلسوف قهوه‌چی و کارکنانش و همچنین حسین آراسته راننده تاکسی و علی خوارزمی که صبحانه کولیها را داده و چوب و چماق برای آنها تهیه میکرده است .

۱۸) روز قبل دو وانت سنگ ظاهرا " ازسنگ تراشی داودی گرفته‌اند که بعدا "بالای بام مسجد برده از آنجا مردم را سنگباران کرده‌اند .

۱۹) دویاسه‌روز پس از واقعه کمیسیون دیگری از نمایندگان استانداری و مراجع امنیتی برای امحاء آثار جرائم واقعه تشکیل شده ، ظاهرا " دادستان شهرستان کرمان نیز باین جلسه دعوت شده ولی نامبرده باین عنوان که شرکت وی در این بحث مانع صلاحیت قضائیش درباره قضیه خواهد شد از شرکت در آن جلسه خودداری کرده است .

بالجمله واقعه نفرت‌انگیز و جنایت باری که اتفاق افتاده و متضمن هتک حرمت مسجد و کتاب خدا و سوختن و از بین بردن و آسیب رساندن متعلقات مسجد و کشتن و مجروح و مضروب کردن نفوس مردم از زن و مرد و کودک در داخل و خارج

مسجد و آتش زدن و غارت کردن محل کار و اموال مردم شده بیشک ناشی از توطئه بزرگی بوده است که - نه برای نخستین بار - بمنظور اخافه و ارعاب مردم بآزمایش گذارده شده و این بار کرمان را طعمه خود قرار داده چنانکه قبل از آن شیراز و آمل و میناب و پس از آن راور و همدان و . . . طعمه توطئه و اعمال ردیلانه و ضد انسانی و ضد دینی مشابه گردیده اند .

هیئت پیشنهاد میکند مصرا " و مستمرا " هم از مقامات قضائی محل و هم از مقامات حکومتی در مرکز پیگیری قضیه و تعقیب و مجازات شدید عاملان و آمران جرائم ارتكابی خواسته شود .

(سهرگ فتوکپی شکوائیه انجمن شهرستان کرمان و ۴ برگ اعلامیه های دیگر علمای کرمان و سایرین نیز ضمیمه است) . *

از طرف جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

دکتر فتح الله ناصری علی شاهنده

امضاء امضاء

از طرف جمعیت حقوقدانان ایران

دکتر نور علی تابنده

امضاء

مصاحبه سخنگوی جمعیت با خبرنگاران و اعلام استمرار مبارزه*

دکتراهیجی سخنگوی جمعیت امروز گفت: مبارزه مافصلی نیست و تا زمانیکه در ایران زندانی سیاسی وجود دارد این مبارزه ادامه دارد. وی افزود در بازداشت و محاکمه زندانیان سیاسی و در محکومیت و گذراندن دوران زندان حداکثر بی عدالتی و ظلم و اجحاف شده است و این بی عدالتی در آزاد کردن این دوران هم کاملاً مشهود است. اکثر آزاد شدگان کسانی هستند که یا دوران محکومیتشان خاتمه یافته و یا مدت کمی به پایان محکومیت آنها مانده بوده است.

وی گفت عده معدودی از کسانی که محکوم به حبس ابد بوده اند آزاد شده اند. من به همان اندازه که از آزادی مهندس عزت الله سحابی، ناصر کاخسار و ویدا حاجبی خوشحال شدم ناراحت و نگران ادامه بازداشت غیر قانونی حضرات آیات عظام طالقانی و منتظری دکتراوری، مهندس لطف الله میثمی، شکرالله پاکترآباد و هزاران زندانی سیاسی دیگر هستم که اکثر آنها بیمار و در شرایط وخیمی به سر می برند. ما آزادی زندانیان سیاسی را یک امر انسانی و یک تکلیف اجتماعی می دانیم و خواهان آزادی کلیه زندانیان سیاسی که بعنوان ضدامنیتی در دادگاههای نظامی محکوم شده اند و همچنین هزاران نفر بازداشتی ماههای اخیر هستیم.

اطلاعیه جمعیت خطاب به همه کسانی که از عزیزان خود بی خبرند یا آنها را از دست داده‌اند *

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر با انتشار شهادت‌نامه‌ای از همه کسانی که عزیزان و یا آشنایان خود را در حوادث اخیر از دست داده‌اند و یا از سرنوشت آنها بی‌اطلاع هستند خواسته است این جمعیت را در جریان بگذارند. در اطلاعیه جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر آمده است:

از آنجا که رئیس دولت ایران نیز به قصد برائت ذمه از خود در مجلسین به روان پاک شهدای راه آزادی، استشهاد کرده و دولت خود را موظف دانسته است که بخانواده شهدا و مصدومین حوادث سیاسی ایران کمک کند ولی متأسفانه در این راه و تهیه آمار دقیق گامی برداشته نشده است و آمار افواهی مقتولین و مصدومین و بازداشت شدگان برای هیچ اقدامی کافی نیست، جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر از هموطنان گرامی که در حوادث و برخوردهای سیاسی از سال ۱۳۵۰ به بعد عزیزان یا آشنایان خود را از دست داده‌اند و نیز از مصدومین و خانواده‌های بازداشت شدگان استدعا دارد هرچه زودتر با وسیله‌ای مطمئن به مرکز جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر ایران خبر بدهند.

نشانی: تهران، جاده قدیم شمیران، جنب حسینیه ارشاد، خیابان شهرزاد شماره ۱۲

مصاحبه سخنگوی جمعیت درمورد سرقت دستگاه فتوکپی
و ماشین تحریر جمعیت در ساعات حکومت نظامی*

یکدستگاه بزرگ فتوکپی و یک ماشین تحریر جمعیت ایرانی دفاع از آزادی
و حقوق بشر سه‌شنبه شب گذشته از محل جمعیت سرقت شده است .

دکتر لاهیجی سخنگوی جمعیت ضمن اعلام این مطلب به خبرنگار ماگفت :

"در شب سرقت ، کارکنان ما تا ساعت یازده شب در محل حضور
داشتند و کارگرانی هم که درمیل‌سازی پایینی ساختمان کارمی‌کردند
گفته‌اند که در فاصله یازده تا دوازده شب کسی را ندیده بودیم که
بخواهد به زور و برای سرقت وارد ساختمان شود . "

وی اضافه کرد :

"با توجه به این دو نکته و نیز با در نظر داشتن این مسئله که در
فاصله یازده تا دوازده شب ، همه نگران رسیدن به منزل هستند و
حمل یک دستگاه بزرگ فتوکپی هم کار خیلی آسانی نیست به نظر
می‌رسد که این سرقت بعد از دوازده و در ساعات منع عبور و مرور
انجام گرفته است . "

چندی پیش نیز اسلام کاظمیه اعلام داشته بود که دستگاه فتوکپی ، ماشین
تحریر و مقداری اوراق و اسناد از دفتر "جنبش" به سرقت رفته است .

بیانیه مشترک جمعیت با سازمان ملی دانشگاهیان ، جمعیت حقوقدانان ، کانون نویسندگان و کمیته دفاع از زندانیان سیاسی

مبارزات همه‌جانبه و گسترده‌ای که چندین ماه است سراسر کشور را دربرگرفته آشکارا نشان داد که مردم ایران بقاء و دوام دستگاه فساد و تباهی را با منافع و مصالح خود مغایر میدانند و دموکراسی و حکومت قانون را خواهانند .

در برابر اوج گرفتن تظاهرات مردم ، دستگاه حاکم به سیاست کهنه حادته آفرینی متشبث شد . این سیاست توطئه‌آمیز نخست در شهرهای کوچک و بزرگ (کرمان ، کاشان ، همدان ، زنجان ، آمل ، دزفول ، پاره ، سنندج ، کرمانشاه و . . .) به صورت حمله به مدارس و ضرب و جرح دانش‌آموزان و فرهنگیان ، هجوم و یورش به مساجد ، سوزاندن اماکن کسب و کار و ادارات دادگستری و کشتار مردم بیگناه جلوه‌گر شد و سرانجام در روز شنبه سیزدهم آبان‌ماه به حریم دانشگاه تهران تجاوز کرد و تظاهرات آرام دانشجویان را به خون کشید .

در روز یکشنبه ۵۷/۸/۱۴ صحنه دیگری از این نمایشنامه ضد مردمی را با تخریب و به آتش کشیدن اموال و ابنیه اشخاص و موسسات و ادارات به بازی درآورد تا حکومت نظامی را به دولت نظامی بدل سازد ، دولتی که از آغاز کار به بهانه حفظ نظم و تامین ارزاق عمومی با اتکاء به سرنیزه و سانسور کوشیده است تا با بستن دانشگاهها و مدارس ، با درهم شکستن اعتصابهای حق طلبانه کارگران و کارمندان ، با به تعطیل کشاندن رسانه‌های گروهی ، با توقیف و حبس نویسندگان و روزنامه‌نگاران ، با ادامه کشتار مردم بیگناه ، همه را در وحشت و بی‌خبری نگاهدارد و کمک کارهای عوام‌فریبانه و "تسکین بخش" خودسری و خودکامگی خود را تحکیم

بخشد و حاصل مبارزات مردم را بیاد دهد.

روی کار آمدن و دوام چنین دولتی که از نوع "حکومت ژنرالها" و با نحوه عمل این حکومت در سراسر دنیا میباید برای ملت ایران که یکپارچه خواهان نظم است که امنیت و مصونیت فردی و اجتماعی را بر پایه احترام به حقوق اساسی و اصول دموکراسی تامین کند، مخاطره انگیز میباید.

امضاء کنندگان این بیانیه:

— جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر در ایران که برای استقرار آزادی و احترام به حقوق انسانی در ایران مبارزه میکند.

— سازمان ملی دانشگاهیان ایران که برای استقلال نظام دانشگاهی، استقرار دموکراسی دانشگاهی، تحق آزادیهای دانشگاهی، شکوفایی علمی و فرهنگی مبارزه میکند.

— جمعیت حقوقدانان ایران که برای استقرار حکومت قانون و تامین استقلال قوه قضائیه مبارزه میکند.

— کانون نویسندگان ایران که برای آزادی اندیشه و بیان و آزادی اجتماعات و مطبوعات و استقلال نظام اطلاع رسانی مبارزه میکند.

— کمیته دفاع از حقوق زندانیان سیاسی که برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی و بازگشت کلیه تبعیدشدگان سیاسی و تعقیب و مجازات مأموران شکنجه و انحلال دستگاههای تفتیش عقاید و آراء مبارزه میکند.

وظیفه خود میدانند که با توجه به علاقه مشترکی که به حفظ استقلال و برقراری آزادی و دموکراسی در جامعه امروز ایران دارند و با توجه به خطراتی که دولت نظامیان بدنبال دارد افکار عمومی جهان را به نتایج مصیبت بار وضع کنونی ایران متوجه سازند.

وظیفه خود میدانند که اعلام کنند که قدرت سیاسی حاکم با خونسردی و خودکامگی ها و حادثه آفرینی ها و کشتارهای خود هر گونه ارتباط با ملت را از دست داده است.

وظیفه خود میدانند که همه مقاومت های مردم بیدار دل و هشیار ایران را که به صور گوناگون شکل میگیرد تجلیل و تایید نمایند.

وظیفه خود میدانند که از همه مردم بخواهند تا باروشن بینی و حس مسئولیت و آگاهی مبارزه برای احقاق حقوق اساسی و استقرار آزادی را تا حصول پیروزی نهائی ادامه دهند .

تهران - بتاريخ بیستم آبانماه ۱۳۵۷

کمیته اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی حقوق بشر

هیئت موقت دبیران سازمان ملی دانشگاهیان ایران

کمیته دفاع از حقوق زندانیان سیاسی

هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران

هیئت اجرائی جمعیت حقوقدانان ایران

اعلامیه در اعتراض به تشکیل دولت نظامی ، برقراری سانسور کامل و دستگیری چند تن از اعضا جمعیت

۱۳۵۷/۸/۲۲

با تشکیل دولت نظامی دوران تازه‌ای از فشار و اختناق از سوی حکومت استبدادی ایران بر مردم عموماً " و بر افراد و گروه‌های مبارز خصوصاً " آغاز شده است .

با تمام مواعیدی که در پیام پادشاه و نخست‌وزیر نظامی در اشاعه آزادی و دفاع از حقوق قانونی مردم و حمایت از گسترش دموکراسی داده شد تعطیل مطبوعات و برقراری سانسور در رادیو و تلویزیون و تعطیل مدارس و دانشگاه‌های کشور و ادامه کشتار مردم در شهرهای ایران بلافاصله پس از تشکیل دولت نظامی خود نشانه کاملی از بازگشت رژیم بدوران استبداد مطلق است . و اینهمه فشارها توقیف آقای دکتر سنجابی عضو هیئت اجرائی این جمعیت و آقایان داریوش فروهر و نعمت میرزازاده بعد تازه‌ای در تنگتر کردن حلقه فعالیت‌های قانونی و مشروع مخالفان استبداد بخود میگیرد و باین طریق تعهد هیات حاکمه در رعایت اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مبنی بر احترام به آزادی عقیده و افکار و حق مشروع خواستاری استقرار حکومت قانون ، به بهانه برقراری نظم ، بار دیگر بطور علنی نقض شده است .

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر ضمن اعتراض به توقیف این مبارزان توجه محافل بین‌المللی و سازمان‌های جهانی دفاع از حقوق بشر را به‌وضعی

که اکنون بر کشور ما حکمفرماست جلب مینماید و همچنان خواستار توقف جدی کشتار مردم و لغو کامل سانسور و آزادی زندانیان سیاسی و اعاده حکومت قانونی و آزادیها و حقوق مردم ایران و برقراری حکومتی منبعت از اراده واقعی ملت ایران میباشد.

کمیته اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

اعتراض جمعیت به تعطیل مطبوعات و مدارس و دانشگاهها و کشتار مردم و دستگیری دکتر سنجابی و داریوش فروهر

دوشنبه ۱۳۵۷/۸/۲۲

تشکیل دولت نظامی و تعطیل فعالیت کلیه مطبوعات و برقراری سانسور کامل در رادیو و تلویزیون و تعطیل مدارس و دانشگاههای سراسر کشور بدنبال آن و استقرار نیروهای مسلح بصورت اشغال نظامی در شهرها و ادامه فساد و اختناق ، اکنون متوجه گروههای مخالف رژیم استبدادی ایران شده است .

طلیعه این هجوم به نهضت سراسری مردم ایران با توقیف دو نفر از رهبران مخالف هیئت حاکمه یعنی آقایان دکتر سنجابی و داریوش فروهر آغاز شده است . از شروع تشکیل دولت نظامی و پس از هجومهای متوالی در شهرهای مختلف ایران صدها نفر مردم بی گناه صرفاً " برای تحمیل وحشت و ارباب عمومی و ادامه حکومت بر پایه اختناق و سلب کلیه آزادی و حقوق انسانی مردم هیچگاه موجب استقرار نظم و امنیت واقعی در کشور ما نخواهد شد .

ما با اعتراض شدید به دستگیری دو نفر از رهبران مخالف و ادامه کشتار مردم راه حل نهائی برقراری امنیت عمومی را در احترام به حقوق آزادیهای مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و اتکاء به رأی و تصمیم اکثریت مردم ایران در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود می دانیم .

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

نامه به اتحادیه بین‌المللی حقوق بشر و اعتراض به اختناق و کشتار در ایران و تقاضای رساندن فریاد ملت بکوش جهانیان

بتاریخ ۱۳۵۷/۹/۶

اتحادیه بین‌المللی حقوق بشر - نیویورک

"هر کس حق دارد برقراری نظم را بخواهد
که از لحاظ اجتماعی و بین‌المللی حقوق و
آزادی‌هایی را که در این اعلامیه ذکر گردیده
است تامین کند و آنها را بمورد عمل بگذارد"

ماده ۲۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر

پس از برقراری حکومت نظامی و کشتار هزاران نفر از مردم بی‌دفاع و بیگناه
در روز جمعه ۱۷ شهریور و هجوم مزدوران و عوامل حکومت به شهرها و ضرب و جرح
مردم و تخریب و تاراج و آتش زدن اموال و مغازه‌های مردم، مساجد، اماکن
عمومی، بانکها، ادارات و مؤسسات عمومی و کشتار دانشجویان دانشگاه تهران
در روز شنبه ۱۳ آبان ماه و بالاخره آتش زدن نیمی از شهر تهران در روز یکشنبه
۱۴ آبان ماه توسط مزدوران حکومت و درغیبت عمدی مامورین نظامی و انتظامی،
رژیم خودکامه ایران به بهانه برقراری نظم فرماندهان نظامی را بعنوان دولت به
مردم ایران تحمیل کرد. طی سه هفته‌ای که از تشکیل این دولت می‌گذرد، کشتار و
ضرب و جرح و بازداشت مردم با ابعاد وسیع در اکثر شهرهای ایران ادامه دارد.
تعطیل مدارس و دانشگاهها و مطبوعات، برقراری سانسور شدید در رادیو و تلویزیون

و جعل و تحریف اخبار، تعطیل و اشغال بسیاری از ادارات و مؤسسات عمومی توسط قوای نظامی، درهم شکستن اعتصاب کارگران، کارمندان و معلمان همراه با کشتار و ضرب و جرح و زجر و بازداشت آنان، هجوم بمساجد و اماکن مذهبی و کشتار مردم از دیگر ره‌آوردهای دولت نظامی است و در این شرایط رئیس دولت در پارلمان تحمیلی بمردم ایران خبر از کشتار بیشتر و اجتناب ناپذیر بودن خونریزی میدهد.

پادشاه ایران در پیام خود که در اولین روز تشکیل دولت نظامی خطاب بملت ایران ایراد نمودند اعلام داشتند "من پیام انقلاب شما ملت ایران را شنیدم و آنچه را که شما برای بدست آوردنش قربانی دادید تضمین میکنم" و نشان دادند که معنای این تضمین هرچه بیشتر قربانی کردن مخالفان استبداد، اختناق و فساد است!!

رژیم ایران پس از ۲۵ سال حکومت استبدادی و تعطیل کلیه نهادهای مردمی و دموکراسی و سلب همه آزادیهای فردی و اجتماعی مردم ایران و غارت ثروتهای ملی از رعایت قانون اساسی، آنهم در شرایطی که هر نوع امنیتی از ایران رخت بر بسته و برای جان و سلامتی و حقوق و آزادیهای مردم ایران هیچگونه ارزش و اعتباری نمیشناسد، سخن میگوید.

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر در این روزهای خطیر تاریخ ایران از آن اتحادیه که اجرای اعلامیه جهانی حقوق بشر را در پهنه جهان بر عهده گرفته است انتظار دارد که فریاد ملت مظلوم و ستمدیده ایران را بگوش جهانیان برساند. دنیا این حقیقت را بداند که رژیم ایران برای بقای خود از همه وسایل غیرقانونی و غیر انسانی در جهت کشتار مردم استفاده میکند. دنیا این حقیقت را بداند که برقراری حکومت نظامی و گلوله باران کردن مردم نه بخاطر برقراری نظم بلکه بمنظور ادامه استبداد رژیم و استمرار اختناق و فساد حاکم بر ایران است. دنیا این حقیقت را بداند که مردم ایران جز تغییر بنیادهای سیاسی و اقتصادی استبداد و اختناق و استثمار و فساد و برقراری نظام حکومتی منبعث از اراده مردم و مکتبی بر منافع اکثریت محروم جامعه هدف و منظوری ندارند.

هیئت اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

متن نامه شماره ۷۵۵۴ / ب مورخ ۱۳۵۷/۹/۱۲
کانون وکلاء دادگستری به آقای نجفی وزیر دادگستری

جناب آقای دکتر نجفی وزیر محترم دادگستری

عطف به مذاکرات بعد از ظهر روز دوشنبه ششم آذرماه ۱۳۵۷ که در دفتر جنابعالی با حضور نمایندگان کانون وکلاء - جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر - جمعیت حقوقدانان ایران و کمیته دفاع از زندانیان سیاسی صورت گرفت، ضمن اعلام آمادگی کانون وکلاء برای هر نوع همکاری در جهت رفع تعرض از زندانیان سیاسی و سایر اشخاصی که به نحوی از انحاء بعلل سیاسی تحت تعقیب بوده و هستند خصوصا "تنظیم لوایح مقتضی در این خصوص با توجه به توصیه‌های ارائه شده در جلسه مذکور از طرف کلیه شرکت کنندگان خواهشمند است در موارد زیر اقدامات شایسته را معمول فرمایند:

- الف - کلیه زندانیان سیاسی بدون استثناء و بدون قید و شرط فوراً آزاد شوند.
- ب - از جمیع افرادی که به اتهامات سیاسی تحت تعقیب دادسرای ارتش - سازمان امنیت و اطلاعات کشور - شهربانی و مراجع دیگر هستند و پرونده آنان هنوز تکمیل نشده یا بصورت قرار و حکم منتهی نگردیده و یا بطور غیابی محاکمه و محکوم شده‌اند، رفع بازداشت و یا تعرض شود بطوریکه از هرگونه تعقیب و توقیف مصون باشند و آثار و سوابق کاملاً زایل گردد.
- ج - بمنظور:

اولاً - رفع آثار محکومیت‌های زندانیان سیاسی،

ثانیا - رفع تعرض و پیگرد از افرادی که در داخل و خارج از ایران

به اتهامات سیاسی بعلت بیم دستگیری و بازداشت از اطمینان خاطر لازم برای زندگی و فعالیت آزاد و آشکار برخوردار نیستند،
 ثالثاً - تأمین موجبات اعاده صلاحیت‌های قضائی در تمام موارد خصوصاً در مورد صلاحیت رسیدگی به اتهامات سیاسی به محاکم دادگستری،

رابعاً - الغاء ماده واحده مصوب سال ۱۳۳۹ مبنی بر نفی صلاحیت دادگستری در رسیدگی به جرائم ضابطین دادگستری،

لایحه قانونی لازم تهیه شود بنحوی که تعقیب کلیه اتهامات موقوف شود و احکام محکومیت‌های سیاسی (محکومیت‌های ضدامنیتهی به تعبیر مقامات دادرسی ارتش) کان لم یکن و فاقد آثار تبعی اعلام گردد.

ضمناً اضافه مینماید طی اجتماعی از افراد خانواده‌های زندانیان سیاسی ساعت ۱۰ صبح روز ۵۷/۹/۱۱ در کانون وکلاء اشخاصی اطلاع دادند که هنوز عده‌ای از زندانیان سیاسی که دارای محکومیت‌های کمتر از ده سال و غیره و نیز کسانی که وسیله فرمانداریهای نظامی در براسر کشور بازداشت شده‌اند، آزاد نگردیده‌اند.

متمنی است در این دو مورد نیز دستور فرمایند تحقیقات و اقدامات مقتضی وموثر بعمل آید.

با تجدید تشکر و احترام
 رئیس کانون وکلاء دادگستری

رونوشت: کمیته دفاع از حقوق زندانیان سیاسی در ایران

دعوت از مردم آزاده ایران برای راهپیمایی روزتاسوعا و روز جهانی حقوق بشر

بتاریخ ۱۳۵۷/۹/۱۴

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر، از خواهران و برادران آزاده دعوت میکند.

در راهپیمایی روز تاسوعای حسینی (یکشنبه ۱۹ آذر ماه) که مصادف با روز جهانی حقوق بشر میباشد بمنظور اعتراض به پایمال شدن حقوق بشر در ایران شرکت نمائید.

مبداء حرکت: ساعت ۸ بامداد جلوی دادگستری

مسیر حرکت: خیابان باب همایون، میدان سپه، فردوسی، شاهرضا، جاده

قدیم شمیران.

مقصد: دفتر جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر جنب حسینیه ارشاد.

نامه به رئیس‌جمهور ممالک متحده آمریکا و درخواست عدم دخالت علیه ملت ایران

بتاریخ ۱۳۵۷/۹/۱۴

حضرت پرزیدنت کارتر
رئیس‌جمهور ممالک متحده آمریکا

شما اعلامیه‌ها و اظهارنظرهای متعددی درباره رژیم حاضر ایران و عملیات شاهنشاه در ظرف دو سال اخیر صادر کرده‌اید که غالب آنها محتوی سه یا چهار نکته از مطالب ذیل بوده است :

- ۱ - تأیید و تشویق از اقدامات شاه در جهت اعمال قدرت نظامی .
- ۲ - تأکید و توصیه برنامه آزادیبخشی (Liberalisation)
و رعایت حقوق بشر در ایران .
- ۳ - عدم قصد مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر .
- ۴ - علاقه دولت آمریکا بر وجود نظم در ایران و نیرومندی دولت
بمنظور ثبات و صلح منطقه و حفظ منافع آمریکا .

در مورد مطلب آخر ما ایراد اصولی نداریم ، شما در برابر هموطنان و انتخاب‌کنندگان خود مسئول بوده طبیعی است که از منافعشان دفاع کنید ، از این بابت هم که میان منافع ما و شما چه تناقض یا چه امکان توافق وجود دارد صحبتی نمی‌نمائیم ، مسئله سیاسی است و خارج از اساسنامه حقوق بشر .

در مورد مطلب سوم اعتراض نداشته تشکر میکنیم بشرط آنکه واقعیت و حقیقت داشته و گفتار با کردار تطبیق نماید .

مطلب دوم و ناکیدهای مکرر شما مبنی بر ادامه برنامه‌های آزادیبخشی و دموکراسی در ایران البته مورد استقبال است .
پافشاری برای اجرای حقوق بشر عاملی بوده که در بروز و تحول اوضاع دو ساله اخیر کشور ما تأثیر بسزا داشته است و همین مطلب به جمعیت ما اجازه داده است که با شما مکاتبه کنیم .

نظر باینکه رعایت حقوق بشر و نظارت بر اجرای آن تعهدی است که دولتهای جهان از جمله ایران و آمریکا بگردن گرفته‌اند ایراد بجمعیت ما ، نه از نظر اتیکت سیاسی و رسوم دیپلماسی و نه از جهت مقررات داخلی ، وارد نخواهد بود که با شخصیتی مثل شما در زمینه حقوق بشری ملت خودمان مکاتبه و بحث بنمائیم .

اما مطلب اول :

اگر تائید و تشویقهای شما بصورت کلی در حدود تشریفات دیپلماتیک و تعارفات دوستانه بود جا داشت ملت و دولت ایران نسبت به چنین احساسات سپاسگزار باشند ، اما در موقعی دست حمایت شما به پشت شاه ایران گذارده شده است که ایشان دست به شدیدترین اقدامات نظامی ضد آزادی و دموکراسی ، ضد قانون اساسی و ضد حقوق بشری علیه ملت ایران میزده است ، باین ترتیب مطلب اول در جهت خلاف مطلب دوم رخ داده و ریاست جمهوری آمریکا هر بار حق‌کشی و اهانت غیر قابل گذشت نسبت به ملت ایران روا داشته‌اند .

چنان نیز نبوده است که قضیه بیک تعارف سیاسی ختم شده باشد بلکه پادشاه ایران در تبلیغات داخلی و خارجی برای تحکیم موضع سیاسی خود در تشدید آدم‌کشی ، و خشونت حداکثر بهره‌برداری را از اعلامیه‌های حساب شده آن حضرت کرده‌اند .

بطور نمونه میتوانیم دو ملاقات شما را با شاه در واشنگتن و تهران ذکر کنیم و اعلامیه و مکالمه بعد از برقراری حکومت نظامی در ۱۳ شهر ایران و روی کار آمدن

اخیر دولت نظامی را مثال بیاوریم .

شواهد و موارد فوق بملت ایران اجازه میدهد از خود بیپرد حضرت رئیس جمهور آمریکا چه داعی دارد که منظمًا " و در لحظات حساس عملیات پادشاهی را که خودش در پیام به ملت اقرار کرده در تمام دوران سلطنت برخلاف قانون اساسی عمل مینموده، استبداد مطلق در کشور برقرار کرده، حزب واحد اجباری تأسیس نموده و در اثر مدیریت غلط و فساد عجیب دستگاه دولت زیر فرمان، علیرغم ادعای اصلاحات و تمدن بزرگ، اقتصاد مملکت و زندگی مردم را به نیستی کشانده است، صحنه بگذارند و نمک بر زخم مردم ایران بپاشند .

اخراجها و محاکمات کسانی که تا دیروز بدستور و انتخاب شاه در عالیترین و حساسترین پستها گماشته شده بودند آیا گواه روشن بر جنایات عمدی گذشته و امکان تکرار در آینده نیست و بطور غیر مستقیم هم که باشد شائبه شریک جرم بودن برای سیاست آمریکا را بوجود نمی آورد؟

هموطنان ما از خود میپرسند چرا رئیس جمهور کشور دموکراتیک نیرومندی به جنبش آزادیخواهی و استقلال ملتی که از پایه گذاران فرهنگ و تمدن جهان است و دنیا ناظر و تحسین کننده قیام حق طلبانه او میباشد رنگ تعصب و عقب - ماندگی یا ضدیت با تمدن و دموکراسی میدهد و بغلط تصور و اعلام مینماید که چون اصلاحات و تجددخواهی شاه مافوق ظرفیت مردم بود چنین واکنشها ظاهر گردیده است؟ آیا چنین طرز فکر و اظهار و اصرار توهین به ملت ایران نیست؟ آیا تظاهرات و تجمعهای عظیم و مکرر مردم پایتخت و شهرستانها و بازاربندیهای سراسر ایران طبیعیترین و معنی دارترین رفتارند ملی علیه نظام حاکم نباید تلقی شود؟

آیا پیوند محکمی را که میان مدرسه و مسجد و بازار و کوچه از یکسال و نیم پیش برقرار شده و اخیراً " اداره و کارخانه به آن پیوسته اند باید به رجاله‌ها و فریب خوردگان نسبت داد؟

آیا نباید ملت ایران را مشمول اعلامیه جهانی حقوق بشر دانسته با و حق داد نظام حکومتی دلخواه خود را انتخاب نماید؟

سیاست کشتار و آزار و برنامه‌های نظامی شاه ایران از نظر شما حفظ نظم و

امنیت و نظم داخلی کشور و دفاع از منافع خارجیان است ولی از نظر ملت ایران و بنا بر واقعیت‌های ملموس، یعنی حمله بیرحمانه چتربازان دولتی و کوبیدن و کشتن دانشجویان دختر و پسر که بگردش کوهستانی میروند، زنده آتش زدن / ۶۰۰ نفر تماشاچی سینما، تیراندازی و تجاوزهای ناگفتنی وقتل‌عام مردان و زنان نمازگزار یا در حال استماع موعظه در مساجد و اماکن مقدس مذهبی، کشتار از هوا و زمین بیش از / ۴۰۰۰ نفر زن و مرد در یک میدان پایتخت، برهم زدن آرامش و امنیت و کشتن و سوزاندن بیدریغ مردم و مغازه‌ها در تک‌تک شهرها...!

اما مسئله منافع اقتصادی و سیاسی منطقی‌های دولت آمریکا و احتراز از سقوط ایران در دام بلوک مخالف، آیا حتماً " و صرفاً " در سایه حکومت استبدادی دشمن حقوق بشری تأمین میشود؟ در جاهای دیگر دنیا که حکومت‌های ملی و قانونی دارند آیا استقلال سیاسی آنها و منافع و حقوق حقه همسایگان و بیگانگان پایمال میشود؟

بدیهی است که این جمعیت از حضرت رئیس جمهور آمریکا نمیخواهد که برای دفاع از حقوق مردم ایران در امور مملکت ما دخالت نمایند، بلکه میخواهیم با بیان و با سیاست خود تقویت و دخالت علیه ملت ایران نفرمایند.

هیئت اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی حقوق بشر

امضاء: مهندس مهدی بازرگان

نامه به ارتشبد از هاری و اعتراض به آتش سوزیها ، اختناق و آدمکشی‌های دستجمعی دولت غیر قانونی

بتاریخ ۱۵ آذرماه ۱۳۵۷

تیمسار ارتشبد از هاری

اگر چه جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر با توجه به اصول قوانین اساسی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر نمی‌تواند دولت نظامی حاضر را قانونی و نخست‌وزیری جناب‌عالی را برسمیت بشناسد ، ولی چون بهر حال زمام امور مملکت را در اختیار دارید و مسئولیت حوادث اسفانگیز و خونین روزمره را بر عهده گرفته‌اید لذا صرفاً " به عنوان مسئول تعدیات و قانون شکنی‌ها شما را مخاطب و مورد اعتراض قرار میدهد .

سالها پیش بعد از خاتمه جنگ بین‌المللی دوم و شکست نازیسم و فاشیسم ، اعلامیه جهانی حقوق بشر با این عبارات و سرآغاز به رشته تحریر درآمد :

" عدم شناسایی و تحقیر حقوق بشر منتهی به اعمال وحشیانه‌ای گردیده است ، که روح بشریت را به عصیان واداشته و ظهور دنیائی که در آن افراد بشر در بیان و عقیده آزاد و از ترس و فقر فارغ باشد بعنوان بالاترین آمال بشر اعلام شده است "

" حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت نمود تا بشر به عنوان آخرین علاج به قیام برضد ظلم و فشار مجبور نگردد "

اگر بلافاصله پس از شکست و نابودی فاشیسم و در جهان آنروز مبارزه بر علیه

(تحقیر حقوق بشر) و (اعمال وحشیانه موجب عصیان بشریت) مطرح بود، متأسفانه در دنیای امروز لزوم مقابله با تحقیر حقوق بشر و اعمال وحشیانه موجب عصیان در کشور ما ایران، سخن روز محافل داخلی و خارجی است.

با اینکه مقام سلطنت ضمن پیام پانزدهم آبانماه، به قید تعهد اعلام داشتند که خطاهای گذشته خصوصا "بی قانونی و ظلم و فشار دیگر تکرار نخواهد شد و با اینکه شما در مجلس گفتید به بهانه ایجاد نظم مقدسات ملی را قربانی نخواهید کرد و در مقام سرکوبی امیدها و آرزوهای ملی نیستید، متأسفانه هم مقدسات ملی و مذهبی به سرعت فدا شد و هم آرزوهای ملی، با نهایت بی اعتنائی و هتک حرمت مواجه گردید تا جایی که حتی ساحت مقدس حرم مطهر حضرت رضا (ع) همچنین مساجد و معابد از تعرض خونین مصون نماندند و به مردم در حال نماز و دعا و عبادت آتش گشوده شد و شما در مجلس سنا گفتید: اگر تظاهرات مردم را با تیراندازی متفرق نکنیم چه کنیم؟ یعنی اگر مردم را در اجتماعات و تظاهرات آرام قانونی نکشیم، چه کنیم!؟

شما با تمهید مقدمه‌ای که به صورت آتش سوزیها و خرابکاریهای عمدی روز چهاردهم آبانماه ظاهر شد روی کار آمدید و از همان روز اول زمامداری نیز اشتباهاتی را که عدم تکرار آنها و وعده داده شده بود بطور بی سابقه‌ای تکرار کردید فساد و اختناق و آدمکشیهای دسته جمعی در سطح مملکت اوج گرفت، مطبوعات توقیف شد، دانشگاهها و مدارس برای مدت نامحدود تعطیل گردید و روزی نگذشت که عده‌ای در سراسر کشور به خاک و خون کشیده نشوند...

خویشتن را باین حقیقت روشن و متبع جهانیان آشنا نکردید که تشکیل اجتماعات خصوصا "در مساجد حق مسلم هموطنان ما بر اساس قوانین سیاسی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر است و دستور متفرق ساختن اجتماعات بی بهانه اعتراض و تظاهرات مجوز قانونی ندارد تا عدم اطاعت از آن به تصور شما مجوز تیراندازی و کشتار بی پروای مردم بیگناه و بی دفاع باشد، شما بکشتن دسته جمعی مردم در مساجد و تکایا و اجتماعات آرام اکتفا ننموده بلکه تکبیر و شعار توحید شبانه آنان در منازل و پشت بامها در آغاز محرم را نیز تحمل ننموده و به عذر و بهانه‌های غیر قابل قبول مردم را در کوچه و خانه از زمین و هوا گلوله باران کردید، یقیناً"

توجه میفرمائید که هدف حکومت نظامی برفرض محال که استقرار آن ضروری باشد باید مبتنی بر تمایلات مشروع عمومی باشد. اگر مردم اراده نمایند که شب‌های محرم را حتی در خیابانها شب زنده‌داری کنند ممانعت از آن در حقیقت مخالفت با اراده مشروع و موجه ملی و مذهبی خواهد بود.

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر بحکم وظیفه اعمال دولت را شدیداً "تقبیح و محکوم کرده مصرأ" خواستار است که هرچه زودتر حکومت نظامی را در سراسر کشور موقوف کنید.

در صورتیکه این خواسته مشروع و قانونی کماکان با عدم اعتنا تلقی گردد جمعیت ناگزیر از اتخاذ تدابیر مناسب و مقتضی قانونی و از جمله تحصن خواهد بود.

کمیته اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

امضاء مهندس مهدی بازرگان

قطعه‌نامه راه‌پیمائی روزهای تاسوعا و عاشورای ۱۳۹۹ در تهران

دوشنبه ۱۳۵۷/۹/۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم

در این روز بزرگ تاریخی، روز شهادت شکوهمند و الهام‌بخش سرور آزادگان، پیشوا و امام مسلمین جهان، حسین بن علی (ع) و یاران رزمنده و وفادارش، ملت مبارز ایران با راه‌پیمائی بزرگ و کم‌نظیر خود که بدعت اکثریت نمایندگان قاطع مردم ایران ترتیب داده شد بیش‌از هر چیز پیوند و پیمان خود را با قیام تاریخی و تاریخ‌ساز کربلا و اهداف مقدس آن بار دیگر تجدید میکند و مواد زیر را بعنوان قطعه‌نامه این گردهم‌آئی پرشکوه اعلام میدارد:

۱ - حضرت آیت‌الله امام خمینی رهبر ماست و خواسته‌های ایشان خواسته عموم ملت است و این پیاده‌روی رأی اعتمادی است که از دل و جان برای چندمین بار به ایشان داده میشود و قدردانی صمیمانه‌ای است که ملت مسلمان و مبارز ایران از رهبر ارزشمند و مرجع عالی‌قدر مینماید.

۲ - سقوط و برچیده شدن بساط شاه و رژیم سلطنتی و استبداد و پایان یافتن همه‌گونه آثار استعمار خارجی که با استبداد داخلی پیوند بنیادی دارد و انتقال واقعی قدرت بمردم مسلمان و مبارز ایران.

۳ - برقراری حکومت عدل اسلامی بر اساس و پایه آراء مردم و حفظ و پاسداری از استقلال و تمامیت ارزی کشور و تأمین آزادیهای فردی و اجتماعی با معیارهای روابط اسلامی.

- ۴ - تقارن این روز بزرگ مذهبی را با روز اعلامیه جهانی حقوق بشر غنیمت دانسته و اعلام میداریم که نه تنها تأمین حقوق فطری و طبیعی بشر از اساسی‌ترین هدفهای جنبش‌ماست بلکه اسلام خود مبتکر رسمی و حقیقی حقوق بشر بوده‌است.
- ۵ - استثمار و استعمار بیگانه و وابستگی به امپریالیسم شرق و غرب و قدرتهای سلطه‌گر اجنبی به هر شکل که باشد باید ریشه کن گردد و به روابط متقابل و حسنه بر اساس رعایت حقوق و مصالح طرفین کشورهاییکه در موضع خیانت و تجاوز به سرزمین و منافع ملت ایران نیستند مبدل گردد.
- ۶ - حقوق اجتماعی و سیاسی و مدنی کلیه افراد جامعه و اقلیتهای مذهبی و اتباع دیگر کشورها که با مراعات مصالح ملی در ایران اقامت دارند با رعایت همه جنبه‌های انسانی و اسلامی آن بطور کامل محفوظ و محترم باشد.
- ۷ - آزادی واقعی و حیثیت و شرف و کرامت انسانی که اسلام به زن داده و حقوق اجتماعی و امکان رشد و شکوفائی و همه استعدادهای بانوان بصورت کامل تأمین شود.
- ۸ - اجرای عدالت اجتماعی و تأمین حقوق کارگر و دهقان و امکان بهره‌بری کامل آنان از محصول کار و دسترنج خویش فراهم گردد.
- ۹ - هرگونه تبعیض حقوقی و اجتماعی و استثمار انسان بوسیله انسان و سوجدوئی ظالمانه و سلطه‌گری اقتصادی که منجر به جمع ثروتهای کلان از یک طرف و محرومیت و فقر از طرف دیگر باشد ریشه کن شود.
- ۱۰ - استقلال شرافتمندانه اقتصادی و احیای کشاورزی و پیشرفت صنعت مستقل تا حد خودکفائی و نجات از اسارت و وابستگی بیگانه بدست آید.
- ۱۱ - اعتصابات شکوه‌مند کارکنان مؤسسات دولتی و بخش خصوصی که ضربه مهلکی بر پیکر پوسیده رژیم وارد آورده و در عین حال و در حد امکان نیازهای اولیه زندگی توده مردم را دچار تنگنا نکرده است مورد تأیید و تجلیل ما است.
- ۱۲ - لازم میدانیم بمردم فداکار توصیه کنیم که با تحمل مختصر کمبودی که از این رهگذر بوجود میاید همکاریهای برادرانه لازم را در تأمین نیازهای ضروری دیگران بعمل آورده و از احتکار و گران کردن کالاهای مصرفی شدیداً احتراز نمایند.

۱۳ - ما کشاندن ارتش را به خیابانها و قرار دادن آنرا رو در روی ملت خیانتی به ارتش و ملت میدانیم و ارتش ایران باید بداند که وظیفه اسلامی و انسانی و ملی او موضع گیری و دشمنی با دشمنان خارجی مردم است نه با خود مردم .

۱۴ - تبلیغات بی اساس رژیم در خصوص نفوذ کمونیسم بین الملل در جنبش اسلامی و ملی ایران و توسل نظام حاکم به تخریب و آتش سوزی عمدی بمنظور آلوده و بدنام کردن مبارزات مسلمانان نخواهد توانست ملت آگاه ما را که قرآن و اسلام و حب وطن یگانه محرک تلاش آنهاست در مبارزه بی امان خود سست نماید .

۱۵ - ما بروان پاک و پرافتخار شهدای جنبش اسلامی ایران و بخصوص شهدای مبارزات پانزده سال اخیر که سهم شایانی در پیشبرد اهداف مبارزه دارند و باللهام از مکتب حضرت حسین ابن علی (ع) بیدریغ خون خود را نثار کرده اند درود میفرستیم و یاد آنها را همواره گرمی میداریم .

۱۶ - کلیه زندانیان سیاسی و تبعیدیهای که بجرم دفاع از حریم حق و اسلام و وطن از آزادی محروم شده اند باید به خانه های خود باز گردند .

۱۷ - بمنظور رسیدن به هدفهای فوق مبارزه آگاهانه ملت ما تا سرحد پیروزی بصورت های گوناگون ادامه خواهد یافت و هرگونه دسیسه و دروغ پردازی و اتهام و اخلال و یورش حکومت ملت ما را از جنبش رهائی بخش باز نخواهد داشت .

پیروز باد مبارزه حق طلبانه امت مسلمان ایران

بر رهبری امام خمینی

کمیته برگزاری راه پیمائی تاسوعا و عاشورا

بیانیه مشترک جمعیت با احزاب و گروه‌های اسلامی و ملی

تهران ۲۶ آذرماه ۱۳۵۷

بسمه تعالی

ابلاغ ملت ایران به شاه و دولت و ارتش و به دولتهای خارجی
بدنبال راهپیمائیهای عظیم عمومی روزهای تاسوعا و عاشورا (۱۹ و ۲۰
آذرماه ۱۳۵۷) که اولی مصادف و بمناسبت روز جهانی حقوق بشر نیز بوده
و بشهادت مطبوعات خارجی، بیش از دو میلیون نفر مردم پایتخت و میلیونها
نفر در شهرهای بزرگ و کوچک کشور فداکارانه و داوطلبانه در آنها شرکت
کرده بودند و یک رفتارندوم ملی مردم ایران و تأیید رهبری آیت‌الله‌العظمی‌خمینی
محسوب میشود امضاءکنندگان ذیل وظیفه دینی و ملی خود دانستیم که بنمایندگی
از طرف ملت ایران و با توجه به قعظنامه‌های مصوب راهپیمائیها مراتب زیر را
اختصاصاً "به شاه و به دولت و ارتش و همچنین از طریق سفارتخانه‌های مقیم
تهران به دولتهای محترم خارجی ابلاغ نمائیم .

این راهپیمائیها در تأیید و تکمیل تظاهرات و اعتراضات فراگیر دو ساله اخیر
از قبیل بازاربندیهای سراسری، اجتماعات مکرر صفوف مختلف مردم و بالاخره
اعتصابهای همبستگی و پشتیبانی دانشجویان و کارگران و همچنین کارمندان ادارات
و موسسات دولتی و خصوصی و هیئت آموزشی ایران صورت گرفته است .
اینک به منظور احتراز از انهدام کشور و اعاده نظم و امنیت رسماً اعلام

مینمائیم که :

۱- شاه ایران محمد رضا شاه پهلوی در اثر مخالفت مستمر باقانون اساسی ، پایمال کردن حقوق مردم و ریرپاگذاشتن سوگندهای گذشته از سلطنت ایران مخلوع بوده و لازم است شخصا " استعفا دهند و اختیارات خود را به یک شورای موقت مورد قبول ملت واگذار نمایند .

۲- دولت ارتش از هاری غیرقانونی میباشد .

۳- امرای آرش و افسران و سربازان لازم است خود را در کنار ملت قرار دهند و آنها که به تحریکات ناجوانمردانه و کشتارهای انتقام جویانه مردم عاصی بیکناه میپردازند بدانند که این جنایتها کمترین نتیجه برای ابقا نظام حاکم ندارد .

۴- دولتهای خارجی توجه نمایند که شاه و دولت حاضر از نظر ملت ایران غیرقانونی و غاصب میباشد و هر گونه روابط رسمی و توافق و همکاری و پشتیبانی از شاه ایران ناقض حقوق بشر و دشمنی با ملت ایران است .

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

انجمن اسلامی پزشکان	نهضت آزادی ایران
انجمن اسلامی مهندسين	نهضت رادیکال ایران
انجمن اسلامی معلمان	جنبش
جمعی از رجال روحانی و سیاسی	جمعیت حقوق دانان ایران

اعزام هیئتی از جانب جمعیت به معیت دو نفر از مخبرین یونایتد پرس
و جمعیت حقوق بشر آمریکا برای تحقیق در مورد جنایات رژیم در قزوین *

جمعه ۱۳۵۷/۱۰/۸

امروز هیئتی از طرف جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر در معیت دو نفر
از مخبرین یونایتد پرس و جمعیت حقوق بشر آمریکا، برای تحقیق در مورد این
جنایت وارد شهر میشوند. خبرنگاران از اجساد شهدا عکس برداری مینمایند و
همراه ۲۰ هزار نفر از مردم در حالیکه جنازه ۱۶ طفل سقط شده بر دوشها حمل میشود
براهپیمائی بزرگی دست میزنند.

هشدارنسبت به احتمال اجرای توطئه کودتای خونین و اعلام تصمیم برگشت ناپذیر ملت ایران به احیای حق حاکمیت ملی خود

تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۱۲

بسمه تعالی

رژیم نظامی استبدادی ایران پس از ماهها کشتار و آتش سوزی و ویران کردن زندگی مردم همچنان با مقاومت دائم التزاید و سراسری مردم ایران روبروست . این مقاومت بجای آنکه دستگاه حاکمه ایران را در برابر واقعیات انکارناپذیر کنونی ایران تسلیم کند دامنه کشتار و آتش سوزی و ویرانی را بدست رژیم در سراسر ایران گسترده تر کرده است .

فاجعه مشهد و قزوین تنها نمونه‌هایی از دهها حادثه است که فقط میتوان با یورشهای ویرانگر چنگیز و مغول و آتیلا مقایسه کرد .

ایجاد مداوم این گونه فجایع در شهرهای ایران و یورش به زندگی مردم و کشتار دستجمعی و حمله به بیمارستانها و آتش زدن خانه‌ها و مغازه‌ها و مسدود کردن راه‌حلهای سیاسی در جهت رسیدن مردم ایران به حق حاکمیت ملی هدفی ندارد .

خسته کردن مردم و درشتگنا گذاشتن آنها از راه ایجاد مشکلات در راه توزیع مواد سوختی در سرمای زمستان و کشتار مداوم مردم بیگناه و حملات وحشیانه به زندگی مردم بصورت انتقام کشی از کلیه مردمی که در شهرهای ایران بمناسبات

شغلی به کمک مردم می‌شتابند جزئی از این توطئه است که هیچگونه هم‌آهنگی با ادعای رژیم شاه‌مبنی بر جست‌وجوی یک راه‌حل مطلوب سیاسی ندارد. ادامه‌کشترها و آتش‌سوزیها و بازداشتها و شکنجه‌ها بدست نیروهای مسلح رژیم چگونه میتواند مردم را به قبول راه‌حلی در جهت ادامه قدرت کنونی رژیم امیدوار و قانع کند؟ علت و ریشه گسترش نارضایتی و تشدید مقاومت مردم فقط ادامه توطئه دستگاه حاکمه در استمرار بن‌بست کنونی بحران کشور است که بطور مستقیم معلول استبداد و فساد ۲۵ ساله می‌باشد، بنابراین با اتکای بر چنین بن‌بستی است که دستگاه حاکمه ظاهراً "راهی برای خروج از آن جز دست‌زدن به کودتای خونین دیگر برای خود نمی‌بیند. ما اعتقاد کامل داریم که این ضربه هولناک و خونین نیز مثل همه ضرباتی که دستگاه حاکمه تاکنون بر مردم شجاع و مقاوم ایران زده‌است نتیجه‌ای جز ادامه ورشکستگی اقتصادی و تشدید هرج و مرج اجتماعی و گسترده‌تر شدن نهضت مقاومت مردم ایران نخواهد داشت.

اما دستگاه حاکمه هیچگاه منافع آنی خود را قربانی مصالح مردم و حفظ تمامیت ملی ایران نمی‌کند به این جهت است که جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر ضمن اعلام احتمال اجرای توطئه یک کودتای خونین ب مردم ایران و کلیه مجامع آزادیخواه جهان و مدافعین حقوق انسانی هشدار می‌دهد تصمیم مردم ایران نسبت به احیای حقوق قانونی و استمرار حق حاکمیت ملی خود برگشت ناپذیر است و تلاش دستگاه حاکمه برای تحمیل قدرت غیرقانونی خود با زور و گلوله و کشتار و کودتای نظامی بدون تردید خلیلی بر این تصمیم وارد نمی‌کند.

کمیته اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

لطفاً تکثیر و ب دیوار محل نصب فرمائید.

اعتراض شدید به بازداشت خودسرانه و غیرقانونی
دکتر علی اصغر حاج سید جوادی نایب رئیس جمعیت و درخواست آزادی وی*

اعتراض جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر نیز به بازداشت دکتر حاج سید
جوادی اعتراض کرده و یادآور شده است:

حسب اعلامیه شماره ۳۷ فرمانداری نظامی تهران آقای دکتر علی اصغر
حاج سید جوادی نویسنده آزاده و مبارز نایب رئیس جمعیت ایرانی
دفاع از آزادی و حقوق بشر به جرم نوشتن بازداشت شده است! این
بازداشت غیرقانونی توسط دولتی که خود را مدافع آزادی قلم و بیان
میداند یکبار دیگر چهره واقعی نظام استبدادی را آشکار میسازد.
جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر ضمن اعتراض باین توقیف
خودسرانه و مخالف قانون خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط
دکتر علی اصغر حاج سید جوادی است.

فصل چهارم:

تظلم و دادخواهی شخصیت‌های

سیاسی و روحانی و خانواده زندانیان سیاسی

نامه استاد شیخ علی‌تهرانی از تبعیدگاه چاه‌بهار در ارتباط با
دروغگوئی‌های رژیم و معنای آزادی و حقوق بشر در ایران*

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حضور محترم پس از تقدیم سلام و التماس دعا عرض میشود چند روزی است چاه‌بهارم خواستم با چند کلمه، هم اظهار تشکر کرده و هم ابراز درد دلی نموده باشم. فوت ناگهانی و مشکوک حضرت مستطاب آیه‌الله آقای سید مصطفی خمینی طاب‌ثراه چه خوب دروغگوئی‌های اینها را برملا کرد خلق جهان معنای آزادی و مفهوم حفظ حقوق بشر در ایران را فهمیدند و بر آن سخت خندیدند واقعا" و قاحت را بنهایت رسانیدند هر کس چند کلمه‌ای در فاتحه ایشان صحبت کرد گرفتند دو سه سال از وطن و جایگاهش بشهرهای دور تبعید کردند من را که فقط شب هفتم معفور له فاتحه مختصری در مشهد مقدس مسجد ملاهاشم گرفته و حتی قاری و بلندگوی هم در کار نبود، دیدید از مسجد قبا با آن عنف و شدت و بی‌هیچ مهلتی گرفتند و بدورترین نقاط ایران که دارای بدترین شرایط زندگی است و بلکه جز برای بومی "غینا" قابل تحمل نیست آوردند تعجب در اینجاست که از هر کس پرسیدم چه مقامی من را تبعید کرده و چرا قرار اقامت اجباری برویت من نرسیده، کسی جواب نگفت و حتی خودشان هم نمیدانستند و استاد بدستور سازمان امنیت مشهد می‌کردند جلب

* - نقل از نشریه "پیام مجاهد" ارگان نهضت آزادی ایران - خارج از کشور،

شماره ۵۴، اسفندماه ۱۳۵۶.

و زندانی نمودن بی‌صدور قرار یازداشت و بی‌محاکمه، کار معمولی سازمان امنیت ایران بوده و هست ولی تبعید سازمان امنیت بی‌انجام تشریفات قانونی برای جز بعضی از مراجع بزرگ، خیال میکنم بی سابقه باشد و لابد مولود حرام زاده آزادی‌های گوناگون فردی اخیر ایران است که توسط وسایل ارتباط جمعی پی‌هم ابلاغ میشود تا با تبلیغات بی‌محتوا، از این زندان عمومی که هیچ‌کس در آن بهیچ وجه مصونیتی ندارد، کشوری آزاد بسازند مرا در اینجا بسازمان امنیت تحویل دادند. کسی که اسم مرا پرسید گفت نامه‌ای بسازمان امنیت مشهد بنویس و از علت تبعیدت پرسش کن و نامه را بما بده برای تبعیدت بفرستیم گفتم تا حال رسم بوده که کمیسیون حفظ امنیت عمومی، قرار تبعید را صادر می‌کرده و سپس برویت متهم میرسانده و امضاء میگرفته و در آن صورت اگر متهم اعتراض داشت بدادگستری محل ابلاغ مینمود هنوز که از هیچ مقامی، قراری برویت من نرسیده تا بر آن بسازمان امنیت یا غیر آن اعتراض کنم.

علی تهرانی

۱۸ محرم الحرام ۱۳۹۸

نامه طاهره زرگر آزاد به جمعیت و درخواست آزادی فرزندش

۵۶/۱۲/۱



مجاهد اسیر مسعود رقابیی

نامه‌ای از یک مادر

من مادر مسعود رقابیی غلامی هستم ، مسعود دانشجوی دانشجوی دانشسرای عالی بود . سه شنبه ۲۲ مهر ۱۳۵۴ بود که از طرف ساواک پسرم را بردند شب آن روز بود که ساعت ۱۲ ریختند به منزل من همه جا را گشتند چیزی بدست نیاوردند . از آن شب من مثل مرغ سرکنده تمام روز در زندان‌ها بودم مخصوصاً در کمیته شهرداری تا آنکه بعد از ۱۰۰ روز به من ملاقات دادند اگر به من نمی‌گفتند که پسر تو است من او را نمی‌شناختم که او چه رنگی و چه شکلی داشت نمیدانم چه بگویم و پاهای او باد کرده بود تا آنکه بعد از ۱۳ روز دیگر او را بردند به زندان قصر بعد از یکسال و هفت ماه ۱۹ روز او را بردند به زندان اوین الان که این نامه را دارم می‌نویسم چهار ماه و بیست و سه روز است در زندان اوین بسر می‌برد و ۱۲ سال برای پسرم زندانی گذاشته‌اند من ۵ بچه کوچکتر از مسعود دارم پدر اینها ۶۷ سال دارد و یک مرتبه انفارکتوس شده است و حالا هم مریض است و خود من هم مریض هستم و من به پسرم احتیاج دارم .

طاهره زرگر آزاد

استفتاء آقای صدر حاج سید جوادی از مراجع عظام راجع به تبعید فضلی قم

توقیراً" به پیوست سه برگ متن استفتاء آقایان مراجع عظام توسط آقای صدر حاج سید جوادی راجع به تبعید بناحق مدرسین و فضلی حوزه‌های علمیه و کسبه و بازرگانان که با صدور رای شورای باصلاح امنیت اجتماعی، به بد آب و هوایترین نقاط کشور تبعید گردیده‌اند.

در صورتیکه اقدامات کلیه آقایان برای دفاع از ساحت مقدس اسلام بوده و این ناچیزترین حقوق اولیه انسانی و قانونی در فاشیستی‌ترین حکومتها است. ولی هنوز دستگاه استبدادی ایران با تمام قدرت بوسیله بوق‌های تبلیغاتی خود دم از حریم تشیع و اسلام و اجرای قانون اساسی میزند و به تبعید و زندان مدرسین و علمای حوزه‌ها ادامه می‌دهد.

این استفتاء باید با اطلاع تمام مردم دنیا برسد تا بیگناهی ملت مظلوم و محروم ایران و فشار و اختناق موجود بر احدی پوشیده نباشد.

حضور محترم حضرت آیه الله العظمی آقای موسوی گلپایگانی مدظله العالی

تاریخ: ۱۳۵۷/۱/۱۰

توقیراً "معروض میدارد در اواخر دیمه سال قبل عده ای از حجج اسلام و وعاظ محترم قم و سایر شهرستانها و بازارگانان و کسبه با صدور رای کمیسیون امنیت اجتماعی بنقاط دور دست و بدآب و هوا تبعید شده اند تقاضا دارم نظر مبارک را در باره چنین اقدامی مرقوم فرمائید .

باتقدیم احترام

امضاء احمد صدر حاج سیدجوادی

بسم الله الرحمن الرحيم

این سؤال از جناب عالی که تاحدی از حوادث مطلع میباشید موجب تعجب است چه کسی است که زندان و تبعید فضلی محترم و مردم متدین را که برای حمایت از دین بوده خلاف حق و غیرقانونی نداند متأسفانه مسئولین امور به جای اعتراضات منطقی جامعه روحانیت و مردم باینگونه تضحیقات و اعمال خلاف اقدام میکنند نصرت اسلام و مسلمین را از خداوند متعال مسئلت دارم .

الگلپایگانی

تاریخ ۱۰/ج/۹۸ (محل مهر)

حضور مبارک حضرت آیه العظمی آقای حاج سید کاظم شریعتمداری دام ظلّه العالی

احتراما" تقاضا دارد نظر مبارک را در مورد تبعید آقایان حجج اسلام و مدرسین محترم شهرستان قم بنقاط دور دست کشور از طرف کمیسیون امنیت اجتماعی مرقوم فرمائید و هم چنین آیا اخلال در نظم یا عمل خلاف از آقایان ظاهر شده و تحریکاتی بین مردم کرده اند یا نه آنچه نزد جناب عالی معلوم و روشن است مرقوم فرمائید موجب مزید تشکر خواهد بود .

امضه احمد صدر حاج سید جوادی

۱۳۵۷/۱/۲۷

بسمه تعالی

در جواب سؤال فوق معروض میدارد که اکثر آقایان اهل علم که از حوزه علمیه قم تبعید شده اند معروف این جانب هستند آقایان مزبور اشتغالات علمی دارند و عامل بوظیفه می باشند و اعمال خلافی تا کنون از آنها دیده نشده است .

سید کاظم شریعتمداری

۱۰ج/۱۳۹۸ (محل مهر)

رونوشت استفتاه جمعی از مدرسین حوزه علمیه قم از مراجع عظام
در مورد تبعید آقایان علماء و فضلا که به جمعیت تسلیم شده است

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک حضرت آیت الله جناب آقای شیخ مرتضی حائری دامت برکاته
بعرض عالی میرساند . چون تبعید علماء و مدرسین و ائمه جماعات از جمله
نامبردگان ذیل در حوزه علمیه قم و سایر حوزه ها ایجاد نگرانی و ناراحتی کرده
و دروس و مساجدشان تعطیل است نظر حضرت آیت اللهی را در باره آقایان استعلام
مینمایند استدعا داریم نظریه خود را درباره تبعید آقایان مرقوم فرمائید .
آقایان : عبدالرحیم ربانی شیرازی - ناصر مکارم شیرازی - حسین نوری - صادق
خلخالی - مهدی ربانی املشی - علی تهرانی - علی خامنه ای - عبدالمجید
معادیخواه - محمد یزدی - مرتضی فهیم کرمانی - محمد جواد حجتی .

جمعی از مدرسین

بسمه تعالی

آقایان نامبردگان در فوق هیچگونه اخلال یا تحریکی که موجب تبعید
آنان گردد ننموده اند و تبعید آنها با قوانین اسلامی تطبیق نمیکند .

مرتضی حائری

۱۳۵۷/۱/۲۸

نامه‌والدین منصور فرشیدی به جمعیت و تقاضای تحقیق در مورد سرنوشت فرزندشان

Persian text of an appeal to international human right organization
by the parents of Mr. Mansour Farshidi, an Iranian Political
Prisoner



نور چشمی منصور فرشیدی از بدو طفولیت دارای استعداد خاصی بود که در تمام دوران تحصیلی شاگرد ممتاز بوده در سن ۱۸ سالگی از دبیرستان ابن‌یمین مشهد با معدل ۱۸/۷۵ دیپلم گرفت. ضمن اینکه از انجمن ایران و آمریکا دیپلم زبان انگلیسی گرفت در کنکور سراسری دانشگاهها شرکت کرده در رشته‌های برق و الکترونیک دانشگاه آریامهر، پلی‌تکنیک، شیراز و دانشکده فنی دانشگاه تهران قبول شد ولی چون خودش به دانشکده فنی ابراز علاقه مینمود با صلاح دید من و مادرش راهی دانشگاه تهران شد. پس از تاریخ حرکت تماس مستقیم ما قطع شده و توسط نامه و تلفن از حال او باخبر میشدیم ولی همه روزه اطلاع پیدا میکردیم که دانشگاه تعطیل شده و بچه‌ها سرکلاس نرفته‌اند یا در داخله دانشگاه مبادرت به زد و خورد شده است. در خلال سال اول و دوم دانشگاه مونتاژ لوازم برقی مثل رادیو و تلویزیون و ضبط و غیره را آموخت که از درآمد مختصری که از این راه بدست می‌آورد و چون میدانست که تهیه وجه برای من قدری مشکل است در سالهای بعد مطالبه کمک هزینه نمیکرد. در سال ۱۳۵۰ یکبار که داخل کتابخانه

دانشگاه مشغول درس خواندن بوده بدون جهت او را دستگیر میکنند و چون هیچگونه مدرکی علیه او پیدا نمی‌کنند مدت سه ماه او را زندانی میکنند که البته پس از اطلاع باتفاق مادرش بملاقاتش رفتیم و توصیه‌اش از پشت میله‌های آهنین این بود که در مقابل بی‌عدالتیها شکبیا باشید و میگفت که هرچه زودتر درسش را تمام خواهد کرد.

در فروردین ماه ۱۳۵۴ مادرش برای دیدن اوبتهران رفت و تا ۲۰ فروردین درتهران با او بود تا اینکه روز ۲۶ فروردین باخبر غیرمنتظره وهولناکی در روزنامه کیهان مواجه شدیم - منصور فرشیدی که شش ماه متواری بود در قزوین کشته شد - بمحض اطلاع با مادرش راهی تهران شدیم و ضمن مراجعه بشهربانی شرحی نوشته تقاضا کردیم که اگر واقعا " کشته شده جنازه و اثاثیه او را تحویل نمائید و متذکر شوید کجا دفن شده . پس از اینکه از صبح تا ساعت ۱ بعداز ظهر منتظر شدیم در جواب گفتند بروید ۲۰ روز دیگر بیایید . بلافاصله همانروز به قزوین رفته ضمن بررسی وجستجو وسعی وکوشش بسیار که برای یافتنش کردیم معلوم شد کشته نشده ودر بیمارستان شیر وخورشید قزوین بستری است . تلاش و کوشش ما بجائی نرسید وناچارراهی تهران شدیم ومستقیما " بشهربانی وسواک مراجعه و خواستار ملاقات با فرزندمان شدیم در جواب گفتند ۲۰ روز دیگر بیایید ضمنا " مامورین مربوطه گفتندکه مادامیکه از او بازجوئی نشود وپرونده تشکیل ندهند ملاقات میسر نیست شما بمشهد بروید بشما اطلاع خواهند داد . از شهربانی خارج شده وپس از تجسس وتحقیق معلوم شد که بنابه تقاضای رئیس گروه از نظر تنبیه از ثبت نام وی ممانعت بعمل می‌آید وی ناگزیر باتفاق ۴۰ نفر دیگر ازدانشجویان که وضع مشابهی داشته‌اند به دکتر نهاوندی رئیس دانشگاه مراجعه میکنند و نامبرده اظهار میدارد چون اکنون عازم خارج از کشور هستم پس از مراجعت ترتیب کار را میدهم در این هنگام که چند روزی فرصت داشتند با دو نفر از دوستان بعنوان راهپیمائی ازتهران خارج و چون یکی از رفقا پیشنهاد میکند که در قزوین دوستی دارد بنام سنجری خویست باتفاق او بگردش برویم روی این اصل عازم قزوین میشوند و شب را نزد او میمانند و صبح ساعت هشت اطراف خانه را در محاصره پلیس میبینند بچه‌ها قصد فرار میکنند که ضمن فرار منصور مضراب و نقش بر زمین میشود بنابراین ملاحظه

میفرمائید که اگر منصور بنا به اظهار روزنامه‌ها ششماه متواری بوده چگونه میتواند تا روز ۲۰ فروردین در دانشگاه برای ثبت نام دوندگی کند. این خود دلیلی بر بیگناهی او میباشد.

پس از هفتماه بتهران رفته مستقیماً "بساواک" سازمان امنیت مراجعه نموده و چون جواب درستی ندادند به دانشگاه تهران مراجعه و از رئیس دانشگاه تقاضا کردیم که از حال فرزندان ما را مطلع کند ایشان هم یادداشتی نوشتند که روز یکشنبه ۱۱ آبانماه بساواک مراجعه و با فرزندان ملاقات کنید. وقتی بساواک مراجعه کردیم روز ملاقات بود و از نگهبان سؤال کردیم گفتند منصور فرسیدی اینجاست و امروز ملاقات دارد برای اینکه کاملاً مطمئن شویم از نگهبان خواستیم دو مرتبه سؤال کند که اگر ملاقات دارد برایش میوه تهیه کنیم پس از سؤال بما گفتند میوه و هر چیز میخواهید برایش بیاورید ولی از هر نوع فقط یک کیلو بیشتر نباشد چون تنهاست افسر نگهبان افزود اگر سیگار میکشد برایش بیاورید. میوه تهیه شد و تا ساعت ۵ بعد از ظهر منتظر ماندیم و بالاخره ما را با تاق ملاقات راهنمایی کردند البته معلوم است پس از هفتماه دوری حالا چه حالی داشتیم تا ساعت ۷/۵ بانتظار نشستیم و نگهبان مرتب صدا میکرد منصور را بفرستید در جواب اظهار میداشتند که مشغول صرف شام است و بعد از آن گفتند افسر نگهبان دارد عوض میشود قدری صبر کنید بالاخره در ساعت هفت و نیم جوانی آمد و گفت همانطور که در روزنامه‌ها نوشتند فرزند شما کشته شده بروید پی کارتان چون تلاش و کوشش ما برای ملاقات او که بزنده بودنش اطمینان داشتیم بجائی نرسید دست بیک سلسله اقدامات مکاتباتی زدیم بشرح زیر:

عریضه بدفتر مخصوص علیا حضرت شهبانوی ایران ثبت شده بشماره‌های ۴۹۵۶۰ و ۵۲۰۵۹ و ضمن پست سفارشی شماره ۶۲۷۲۳۷ بساواک نامه ۵۴/۶/۲ و ۵۴/۸/۱۷
سفارشی شماره ۶۲۷۲۳۸ و همچنین بدفتر نخست‌وزیری به دکتر اقبال ریاست هیئت امنای دانشگاه و به دکتر میمندی وزیر علوم و آموزش عالی به دکتر نهاوندی ریاست دانشگاه تهران و آقای دکتر میری ریاست دانشکده فنی. البته هیچیک از نامه‌های فوق با اینکه تعقیب هم شد بجائی نرسیده با اینحال ما هر دو ماه یکمرتبه

به تمام زندانها سر میزنیم همچنین بساواک و شهربانی مراجعه مینمائیم ولی
بنتیجه نرسیده‌ایم .

بنابراین از آن سازمان جهانی و انسانی تقاضا دارم در مورد فرزندان که
کوچکترین اطلاعی از او نداریم و مطمئنیم که هیچ گناهی ندارد تحقیقات بعمل
آورده و از تمامی امکانات خود استفاده نموده پس از سه سال چشم براهی ما را با
خبری در مورد فرزندان آگاه کنند و اگر از نظر مسئولین آزادیش باین زودی میسر
نیست لااقل ترتیب ملاقاتش را مانند هزاران زندانی دیگر بدهند .

با تقدیم احترامات فائقه پدر رنجدیده و مادر رنجدیده‌اش

امضاء مادر

امضاء پدر

نامه حجج اسلام سیدعلی خامنه‌ای، محمدکاظم راشد یزدی، سیدمحمدعلی موسوی
و سیدفخرالدین رحیمی خرم آبادی از تبعیدگاه ایرانشهر به جمعیت

۵۷/۳/۱۳

بسمه تعالی

مسئولان محترم کمیته ایرانی دفاع از حقوق بشر دامت توفیقاتهم

با احترام و درود و سپاس فراوان موقعیت استثنائی و بی نظیری که به‌ابتکار
آن عناصر شریف و شجاع در فضای مختنق و گرفته‌ی ایران پدید آمده به‌اینجانبان
فرصت می‌دهد که یکی از ده‌ها رفتار غیر قانونی ماموران دولتی را که در دوران
تبعید غیر قانونی اینجانبان به شهرستان ایرانشهر (واقع در قلب بلوچستان و
در فاصله‌ی ۲۰۰۰ کیلومتری تهران) انجام گردیده مطرح ساخته ضمن تقاضای
طرح و تعقیب آن در قلمرو فعالیت‌های آن کمیته در داخل کشور، مصراً درخواست
نمائیم که عین این گزاره را به مقامات و مراجع ذیصلاح جهانی از قبیل مجمع
حقوقدانان بین‌المللی و کمیته‌ی دفاع از حقوق بشر و صلیب سرخ جهانی و غیره
ارائه نموده بدینوسیله نقطه‌ی بسیار کوچک و در عین حال پرمعنائی از رفتارهای
غیرقانونی هیئت حاکم ایران بامعترضان و مخالفان خود را در معرض دید و اطلاع
آنان قرار دهید.

واینک اصل موضوع:

شهربانی ایرانشهر در سه هفته قبل پیرو یک اخطار شفاهی

به گماشتن یک پست کنترل بر در خانه‌ای که مسکن و پناه ما است مبادرت ورزید. این مامور که در تمام ساعات شبانه روز به مراقبت اشتغال دارد موظف است که همه‌ی مسافران و دیدار کنندگانی را که از شهرستانها و از بسیاری نقاط ایران برای دیدار با اینجانبان به این شهر آمده‌اند ابتدا مورد پرسش قرار داده و کارت شناسائی از آنان بخواهد و مشخصات آنان را یادداشت کند و سپس غالباً آنان را به اداره‌ی شهربانی جلب یا هدایت نماید. در مواردی نیز اطلاع حاصل شده که مامور مزبور با ادای سخنان تهدیدآمیز از ورود شخص دیدارکننده جلوگیری کرده است. لازم است تذکر داده شود که چگونگی انجام کارهای یاد شده بر حسب تفاوت اخلاق و احساسات شخصی ماموران که هر چهار ساعت یکبار تعویض گردیده و بنوبت، پست نامبرده را عهده‌دار می‌گردند متفاوت می‌باشد و گاه این رفتارها با خشونت نامتناسب انجام میشود.

اینجانبان یکنوبت در تاریخ ۵۷/۳/۶ و نوبت دیگر بعنوان اتمام حجت در تاریخ ۵۷/۳/۱۱ کتبا" به این عمل غیر منطقی و مخالف با قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر به شهربانی محل اعتراض کردیم و چون هیچگونه تغییری در عمل مسئولان شهربانی مشاهده نشد لازم دانستیم که آن کمیته‌ی محترم را در جریان امر قرار دهیم. رونوشت دومین نامه‌ی اعتراضیه پیوست است. *

والسلام علیکم و علی عبادالله الصالحین

سید علی خامنه‌ای محمد کاظم راشدیزدی سید محمد علی مولوی سید فخرالدین

رحیمی خرم‌آبادی

تبعید شده از	تبعید شده از	تبعید شده از	تبعید شده از
۵۶/۹/۲۳	۵۷/۲/۲۱	۵۷/۱/۱۲	۵۷/۲/۲۱
از مشهد	از گرمسار	از یزد	از خرم‌آباد
(محل امضاء)	(محل امضاء)	(محل امضاء)	(محل امضاء)

نامه دانشجویان دانشگاه تهران به جمعیت در ارتباط با حمله‌های
عمال رژیم به خوابگاه و ضرب و شتم و اخراج دانشجویان از کوی دانشگاه

خرداد ماه ۱۳۵۷

بسم الله الرحمن الرحيم

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

با احترام

در این زمان که هیچ‌گوشی به سخن ما و هیچ مقامی به فریاد ما پاسخ نمی‌گوید، در بحرانیکه همه دست در دست هم و با توطئه‌های از پیش ساخته و پشت پرده برای استیصال ما بپا خاسته‌اند، سرگردانیم که فریاد درد خود را به گوش چه مقامی و بعرض چه مرجعی برسانیم؟ و از آنجا که در این مرز و بوم هیچ مرجعی و هیچ مقامی را به صلاح ندانسته و به رسمیت نمی‌شناسیم، ما دانشجویان دانشگاه تهران بنا بر اعتمادی که به آن مرجع محترم داریم و خدمات دفاعی اعضای آنرا پیوسته از حقوق ملت مظلوم بچشم دیده و بگوش شنیده‌ایم صلاح بر آن دیدیم که پیش آن مرجع عرض حال نمائیم. اینک به اجمال آن مرجع محترم را از جریانات عینی و واقعی یکسال تحصیلی دانشگاه تهران باخبر می‌سازیم.

هنوز در آغاز سال تحصیلی قدم بدانگاه نهاده بودیم که دریافتیم انجمن‌های دانشجویی، کتابخانه‌های دانشجویی، فعالیت‌های ورزشی و خدمات دانشجویی اعم از کوهنوردی و سازمان تعاونی نظارت بر امور غذایی و غیره در

طی تعطیلات تابستانی توسط عوامل ساواک "که دخالت عوامل مذکور را مقامات دانشگاهی نیز تایید مینمایند" تعطیل گردیده، و درها شکسته شده، و اموال آنها بغارت رفته و کتابها را ضبط کرده‌اند. "طبق آمار حدود ۱۰ هزار جلد کتاب از کتابخانه‌های دانشجویان دانشگاه تهران به غارت رفته است". متعاقب این امر دانشجویان به مسئولین دانشکده‌ها مراجعه کرده ولی جوابی نشنیدند. جوفشار و اختناق رایجی را بالابردند که حتی تبریک‌هایی که برای ورود دانشجویان سال اول نصب میشد، میکندند و پاره می‌کردند. کارشکنی‌ها به طرز بی سابقه‌ای همراه با حملات وحشیانه گارد دانشگاه و پلیس به دانشجویان ادامه یافت تا جایی که در محوطه دانشگاه امنیت طبیعی که ضروری بقای هر انسانی است، از مادانشجویان سلب شد، بطور ناگهانی مورد ضرب و شتم و حمله گارد واقع میشدیم و حتی هنگام صرف غذا که حیوانات را هم آزاد می‌گذارند، تا با آرامش تغذیه کنند، ما مورد هجوم واقع میشدیم، در مسجد که محیط مقدس بشری و مکان صلح و امنیت عمومی "دخلواها بسلام آمین" است، ما از حمله پلیس در امان نبوده‌ایم.

سرانجام این همه حملات و دسیسه‌های ضد دانشجویی منجر به انحلال ترم اول دانشگاه شد و بدنبال آن بدون کسب نظر از کادر آموزشی و برخلاف رضایت اساتید دانشگاه "که منجر به شکایت بعضی از اساتید از معاون آموزشی دانشگاه شد"، در کارنامه دانشجویان نمره (هد) منظور شد و پس از آن بنا بر نقشه‌های از پیش طرح شده کمک‌هزینه‌های دانشجویی که تنها قوت لایموت دانشجویان بود، قطع گردید، و تعداد زیادی از دانشجویان را بعنوان مشروط و محل نظم از دانشگاه اخراج کردند! دانشجویان با همکاری اساتید در دانشکده‌ها به تشکیل جلسه‌هایی برای بحث پیرامون استیفای حقوق از دست رفته، گردهم جمع شدند، ولی هر بار با هجوم وحشیانه پلیس بدون دانشکده‌ها و حتی کلاسها "که تعداد زیادی از دانشجویان و حتی اساتید نیز مضرور شدند"، مواجه شدند.

مساله فشار و حمله به بیرون دانشگاه هم کشیده شد و چند بار در کوهها بدانشجویان حمله شد. و متعاقب آن عده‌ای مجروح و بسیاری نیز دستگیر شدند. این حملات چند بار در کوههای شمال تهران بوسیله هلیکوپتر و کماندوهای مسلح ارتشی و ژاندارمهای چماق و چوب و... بدست (که خبر آن توسط خبرگزاریهای

بین‌المللی نیز مخابره گردید) صورت گرفت.

در اردیبهشت ماه امسال که دانشجویان تصمیم گرفتند برای مذاکره و نظرخواهی از مسئول دانشگاه، در محوطه چمن دانشگاه جمع شوند ناگهان با توطئه‌ای از پیش ساخته مواجه شدند. هنگامیکه در حدود هزار نفر در چمن گرد آمده و دیگران هم تدریجاً داخل چمن میشدند و استقرار میافتند، ناگهان اتومبیلی تحت الحفظ و بظاهر شخصی داخل محوطه دانشگاه شد و در حالیکه پرچم بر آن نصب شده بود شروع به شعار دادن کرد، به محض ورود اتومبیل، پلیس که از قبل آماده بود، بدانشجویان حمله برد و با کمک گارد مستقر در اطراف دانشگاه، اجتماع قانونی دانشجویان را برهم زد، دانشجویان را بخوابان ریختند، در تمام خیابانهای اطراف دانشگاه بتعقیب آنان پرداختند، پس از چندی چند کامیون ارتشی مسلح برای نمایش قدرت در خیابان شاهرضا بحرکت درآمد. آنروز هم‌را از دانشگاه به فشار بیرون کردند و درها را بستند.

سرانجام این دسایس بداخل منزل دانشجویان درکوی دانشگاه "امیرآباد" هم کشیده شد. انتقال دختران به داخل کوی پسران (لازم است متذکر شویم که علت مقاومت و مخالفت شدید در برابر این عمل اطلاع از توطئه شوم و حساب شده‌ای بود که میخواست بوسیله عواملی در سایه این اختلاط در خوابگاه اشاعه فساد نماید)، نامساعد بودن شرایط غذایی، فشار شدید پلیسی در محوطه کوی، باعث شد که دانشجویان به اعتراض برخیزند، ولی این امر گذشته از آنکه سودی نبخشید، فشار پلیسی را روز بروز زیادت‌تر کرد، بالاخره منجر بحمله وحشیانه و کشتار بیسابقه پلیسی روزهای پنجشنبه ۱۱ و جمعه ۱۲ خرداد شد.

جریان از این قرار بود که پس از حمله بدانشجویان دختر ساکن کوی و تهدید آنان بوسیله پلیس، قرار بر آن گذاشته میشود که دانشجویان برای مذاکره در دفتر سرپرستی کوی جمع شوند، این بار با حمله پلیس "گارد دانشگاه ملی، گارد دانشگاه تهران و پلیس تهران" و بایورشهای پیاپی، و در آخر با حمایت ارتش و با استفاده از گاز اشک‌آور و تیراندازی با سلاحهای سبک و سنگین، بی‌نتیجه بپایان میرسد، سپس با شکستن درب اتاقها بطور وحشیانه‌ای به ساکنین اتاقها حمله میکنند، اموال دانشجویان را خرد و زیر و رو مینمایند و اموالی "پول و

ساعت و . . . " را نیز بغارت میبرند ، وکوی دانشگاه را به ویرانه‌ای تبدیل میکنند ، و شبانگاه ساعت یازده ونیم " ساختگی " همه دانشجویان دختر و پسر ساکن کوی را بیرون میکنند . در آن شب اغلب دانشجویان دختر و پسر " همه ساکنین کوی شهرستانی هستند و جایی برای اقامت که حق طبیعی هر موجود ذی حیاتی است ندارند " در کنار خیابانها و پارکها میخوابند ، فردای آنروز با تخلیه اجباری همه را از کوی بیرون کرده و درها را می‌بندند ، در این حمله که بیش از سه هزار دانشجوی دختر و پسر ساکن کوی مورد هجوم بوده‌اند ، تعداد زخمیها بر طبق تحقیقاتی که تاکنون انجام گرفته حدود ۳۵۰ نفر میباشد که دست و پای تعدادی از آنها قطع شده است . تعدادی گرفتار ، و عده‌ای مفقودالاشرا شده و فعلا " خبری از آنها در دست نیست و بعید نیست که از میان رفته باشند ، پس از این آوارگی درهای دانشگاه را هم تا یک هفته بروی ما دانشجویان بستند و اکنون هم ما را جز در جلسه امتحان بدورن دانشگاه راه نمیدهند .

اینک پس از تقدیم این گزارش مختصر ، استدعا داریم ، که صدای مظلومیت ما را بگوش هر که انسان است ، و درد انسانی دارد ، رسانده و مجامع ذی صلاح بین‌المللی چون "یونسکو و . . ." را از حال ما باخبر سازید . باشد که دیگر نتوانند پس از این همه خفقان و فشار و حمله و کشتار و شکنجه ، در وسایل ارتباط جمعی شان ، هرگونه که میخواهند ، ما را معرفی کنند .

باتقدیم احترام و به امید بذل توجه فوری و شایسته

دانشجویان دانشگاه تهران

رونوشت جهت اطلاع به کانون وکلا ارسال گردید .

نامه اهالی شهرستان قهدریجان اصفهان به دبیرکل سازمان ملل متحد و . . . و
کمیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر راجع به جنایات و مظالم رژیم

خرداد ۱۳۵۷

بنام خدا و بیاد خلقهای ستمدیده

جناب آقای کورت والدهایم دبیرکل سازمان ملل متحد، رونوشت جناب
آقای ژان پل سارتر، رونوشت کمیسیون جهانی حقوق بشر، رونوشت سازمان صلیب
سرخ بین الملل، رونوشت کمیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر، رونوشت انجمن
بین الملل حقوقدانان دموکرات، رونوشت کمیسیون بین الملل حقوقدانان، رونوشت
فدراسیون جهانی حقوق بشر، رونوشت سازمان بین الملل حقوقدانان کاتولیک،
رونوشت کانون وکلای دادگستری پاریس، رونوشت سازمان عفو بین الملل (امنیتی)

از آنجا که ظلم در اشکال گوناگون آن در جوامع بشری پدیده ایست که
رژیمهای حاکم مستقیم و غیر مستقیم در آن نقش اصلی را دارند و از آنجا که
مظالم گوناگون رژیم حاکم ایران و توطئه های پیچیده ای که هر روز به شکلی برای
سرکوبی جنبشهای آزادیخواهان ایران و حرکتهای مردمی و بخصوص اسلامی ترتیب
داده میشود برای مردم جهانی و مراجع حقوقی بین المللی مخفی نیست و با توجه
به رسالت و مسئولیت جهانی ای که برای اینگونه مراجع شناخته شده . . . ما مردم
مسلمان زحمتکش شهرستان قهدریجان ایران بآن مرجع مسئول و متعهد حقوقی
پناه برده و در باره فشارها و سرکوبی ها و روش استعماری ضعیف کشیهای رژیم حاکم

ایران عموماً و ظلم تاریخی‌ایکه در خصوص عده‌ای از جوانان آزادیخواه و مبارز
 ماشده از آن مرجع عالی بین‌المللی استمداد کرده و صدای خود را بگوش آن
 میرسانیم: رژیم ایران افراد یاد شده را که عبارتند از آقایان حجة الاسلام سید
 مهدی هاشمی (مبلغ دینی)، محمدحسین جعفرزاده (دانشجو)، اسدالله شفیع زاده
 (دانش‌آموز)، امیرقلی حمزه زاده زحمتکش، عباسعلی رحیمی زحمتکش، حسین
 مرادی زحمتکش به جرم داشتن ایدئولوژی اسلامی و تلاش در راه آزادی خواهی
 و مبارزه با استعمار و پدیده‌های ناشی از آن حدود دوسال است که آنها را
 ضمن توطئه‌های پیچیده‌ایکه در شکل قتل مرموز و سیاسی یک روحانی پیاده شده
 اسیر و پس از شکنجه‌های وحشیانه قرون وسطائی بمنظور گرفتن اعترافات دروغ‌در
 جهتی که از پیش توسط ساواک تنظیم شده بود و تشکیل یک دادگاه فرمایشی که
 اعضاء آن رامستقیماً ساواک تعیین میکرد، دانشمند و نویسنده مبارز مهدی هاشمی
 را به سه مرتبه اعدام و دو نفر را به دو مرتبه اعدام و سه نفر را به یک مرتبه اعدام
 محکوم کرد و نیز در همین رابطه عده‌ای جوان مبارز دیگر را به زندانهای سنگین
 و یکی را به دوپانزده سال محکوم کرد.

ضمناً در این مدت اسارت افراد فوق‌الذکر، ساواک ایران آقای سید مهدی
 هاشمی و برادرانش را از چشم نمایندگان صلیب سرخ جهانی مخفی نگاه داشت،
 مبدا از جنایات و مظلومی که در حق آنها شده آگاه گردند و بعد در یک هجوم
 وحشیانه به سلول سید مهدی هاشمی شکایت نامه‌ایکه معظم‌له تنظیم کرده بود
 جهت دادن به دست نمایندگان صلیب سرخ دزدید و سپس هفته‌ها او را شکنجه
 کرد.

ما مردم این شهرستان چاره‌ای جز استمداد از آن مرجع جهانی نداشته و
 نداریم و مطمئن هستیم که آن مرجع با تمام امکانات خود به یاری مظلومین یاد
 شده بپاخواسته و در جهت نجات جان عده‌ای جوان مبارز و آزادیخواه بیگناه
 اقدامات لازم را خواهد نمود.

پیروز باشید

باتقدیم احترامات

تاریخ: رجب ۱۲۹۸ - ژوئن ۱۹۷۸ - خرداد ۱۳۵۷

اعلامیه حوزه علمیه قم در ارتباط با زندانی بودن حضرات آیات
طالقانی و منتظری و رونوشت آن به جمعیت

تاریخ ۵۷/۴/۵

بسم خدا

رب السجن احب الی ما یدعوننی الیه

ملت عزیز مسلمان ایران!

آیا میدانید در زمان حکومت وحشت و ترور "رضا خان" پدر تاجدار "محمد
رضا خان" آمار تلفات زندانیان دلاور و پاکباخته ایران فقط در زندان قصر بیش از
۲۴۰۰۰ نفر بود که تمامی آنان از عدالتخواهان و نویسندگان و روشنفکران
بوده‌اند. (۱)

آیا میدانید چگونگی قتل بیشتر این زندانیان بطرز فجیعی با طرحهای
خائنه "مختاری" رئیس کل شهر بانی وقت و با تزریق آمپول هوا توسط جنایتکاری
همچون "پزشک احمدی" صورت میگرفته تا جائیکه از شدت آن جنایات "ارسلان
خلعتبری" نوکر "خان" هم در آنروز ناله سر میدهد و کتابی در این زمینه تحت
عنوان "شرکت احمدی با عزرائیل" مینویسد. (۲)

آیا میدانید که عده‌ای لختی و لوطی و چاقوکش تحت تاثیر جاذبه رضاشاهی

۱- بنقل از روزنامه باختر شماره ۲۰۲ تاریخ ۲۲/۱۱/۳

۲- بنقل از روزنامه ستاره شماره ۱۷۲۱ بتاريخ ۲۲/۱۱/۱۲

همیشه در زندانهای قصر آماده بوده‌اند که گاهگاه به زندانیانیکه قیافه اعتراضی داشته‌اند، با چاقو و پنجه بوکس حمله‌ور شوند و آنها را به شدیدترین وضعی مجروح و مصدوم نمایند، تا پس از اتمام کار بلافاصله جواز خود را از دست " سرهنگ نیرومند" بگیرند که اسامی بعضی از آنها چنین است "عقیلی پور" "عباس یآوری" "فرشچی" "جمشیدی" و معروفترین آنها "عباس بختیار" معروف به "عباس شش انگشتی". (۱)

آیا میدانید که هرگاه در زندانهای دژخیم گذشته کسی از مشروطیت و قانون اساسی صحبت میکرد "نیرومند" رئیس زندان آنروز قصر بانواختن سید ضربه شلاق به سر و بدن زندانی به او میگفته " شلاق قانون اساسی و فلک مشروطیت است". (۲)

و آیا میدانید، که غرض از بیان این "میدانیدها" چیست؟

اینستکه بگوئیم در این فضای باز سیاسی چنین اعمال وحشیانه‌ای به شدیدترین وضع هنوز ادامه دارد.

آیا میدانید که با غالب زندانیان ما در زندانهای قصر و اوین و سایر زندانهای ایران، با چه صورت فجیع و دلخراشی عمل میشود؟

آیا میدانید با بزرگترین شخصیت‌های روحانی همچون آیت الله "منتظری" که برجسته‌ترین هم‌زمان زعیم بزرگ حضرت آیت‌الله‌العظمی نایب‌الامام "خمینی" هستند، به چه صورت رفتار میشود، تا جائیکه با وجود تشنجات عصبی و ناراحتیها و بیماریهای مختلف کمترین پزشک و دارو در اختیار ایشان قرار نمیدهند.

آیا میدانید که با حضرت آیت الله طالقانی، در این سنین کهولت، یعنی با این مجاهد بزرگوار و شریف که بسیاری از عمر خود را در زندانهای این‌ها روین عیاش و سبکسر گذرانده، با چه خشونتی رفتار می‌نمایند.

و خلاصه آیا میدانید که چاقوکشان و لوطیان و قداره‌بندهای دست‌نشانده ساواک و شهربانی اصفهان بعد از ظهر روز پنجشنبه ۵۷/۳/۲۵ به جوانان دلیر

۱ - بنقل از روزنامه ستاره شماره ۱۷۱۵ تاریخ ۲۲/۱۱/۵

۲ - بنقل از روزنامه ستاره شماره ۱۷۱۷ تاریخ ۲۲/۱۱/۷

و برومند و مسلمان زندانی ما در زندان اصفهان حمله‌ور شده‌اند، و با چاقو و قداره به جان آن آزادگان افتاده‌اند و عده‌ای از آنان را مجروح نموده که حال چند نفری از آنها وخیم و حال یک نفر از آنها وخیم‌تر است.

آری اینست خلاصه و نمونه‌ای از عطایای ملوکانه، تحت عنوان فضای باز سیاسی که حتی به داخل زندانها نیز سرایت کرده و همه را زیر چتر عنایت خود گرفته تا جائیکه در مراجعه مادران پریشان به زندانها برای استفسار از وضع فرزندانشان که تا این تاریخ شش روز است در حال اعتصاب غذا بسر می‌برند، با گفتارگونه‌های آریامه‌ری روبرو میشوند و بادشنامها و ناسزاگوئیهای این پاسداران فضای باز سیاسی مواجه می‌گردند.

حال ای جامعه محترم روحانیت ایران، اینست رفتار دژخیمان حکومت پهلوی، با زندانیان ما، و اینک خواسته ما در این زمینه اینستکه:

اقدامات سریع و همه‌جانبه‌ای بعمل آید تا خواسته‌های مشروع و قانونی زندانیان بطور عموم و خصوصا رسیدگی به این عمل وحشیانه زندان اصفهان، بزودی زود عملی گردد.

حوزه علمیه قم

رونوشت:

- ۱- محضر مبارک حضرت نایب الامام زعیم اعظم آیت‌الله العظمی خمینی .
- ۲ - محضر مبارک آیات عظام قم آیت الله گلپایگانی - آیت الله العظمی شریعتمداری - آیت‌الله العظمی نجفی .
- ۳ - محضر مبارک آیت‌الله حاج آقا حسین خادمی (سرپرست حوزه علمیه اصفهان)
- ۴ - کمیته ایرانی حقوق بشر.
- ۵ - کانون وکلای ایران .

نامه همسر حضرت آیت‌الله طالقانی به جمعیت و
تقاضای رسیدگی به وضع بیماری ایشان در زندان اوین

۱۳۵۷/۴/۱۸

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

تهران - ایران

اینجانبه بتول علائی فرد همسر حضرت آیه‌الله طالقانی در ملاقاتی که چهارشنبه گذشته با ایشان در زندان اوین نمودیم متوجه رنگ پریده و حالات مرتعشایشان شدم و با سابقه‌ای که ایشان در بیماری قند و فشار خون داشتند پرسیدم ایشان گفتند مدتی است که فشارخونشان بالا رفته و در بعضی مواقع بعلت سرگیجه تعادل خود را از دست میدهند و در ضمن مدت مدیدی است که در مورد ایشان هیچگونه آزمایش پزشکی انجام نگرفته و به بیمارستان جهت مداوا فرستاده نشده‌اند، لذا از آن جمعیت استدعا دارم که در این مورد اقدام فرموده و ترتیبی دهید که بتوانیم پزشک خصوصی به زندان ببریم.

بتول علائی فرد

نامه جمعی از شخصیتها به شهربانی کل کشور در رابطه با
بازداشت غیرقانونی آقای مهندس صباغیان و رونوشت به جمعیت

۱۳۵۷/۵/۵

شهربانی کل کشور

امضا کنندگان زیر ضمن دعوتی از عموم مردم خواسته بودیم تا در مراسمی که در شب نیمه شعبان برای بزرگداشت میلاد حضرت حجة بن الحسن امام عصر عجل الله تعالی فرجه در زمینی در نبش خیابان پهلوی و تخت جمشید تشکیل می شود، شرکت کنند. برای استفاده از زمین و تسطیح و آماده کردن آن از آقای مهندس هاشم صباغیان خواسته بودیم کارهای مقدماتی و تدارکاتی آن را سرپرستی کنند. روز چهارشنبه ۲۸ تیرماه از کلانتری محل در خواست شد اجازه دهند این مجلس در محل تعیین شده که محصور به چهار دیواری هم هست تشکیل گردد. ولی با کمال تاسف بنا بدستور ریاست شهربانی از برگزاری این مراسم مذهبی جلوگیری بعمل آمد که سبب بروز حوادث نامطلوبی گردید و متعاقبا روز شنبه ۳۱ تیرماه آقای مهندس صباغیان را در محل کار بازداشت کرده و به کمیته شهربانی بردند. ما بدین وسیله اعلام می کنیم که اگر اقدام برای انعقاد مجلس میلاد امام غائب جرم به حساب می آید، ماهمه در آن شریک بوده و تقاضا داریم مانند آقای صباغیان بازداشتمان ننمائید و اگر جرم و خلافی روی نداده است ایشان را آزاد کنید.

حسین آخوان ششجری - دکتر محمد احمدزاده - علی اکبر استاد - محمد

صادق اسلامی - عبدالعلی اسپهبدی - مهندس مهدی بازرگان - محمد بسته‌نگار - مهندس عبدالعلی بازرگان - فتح‌الله بنی‌صدر - عبدالعلی پرتو علوی - امیر حسین یولادی - مهندس محمد توسلی - مهندس عباس توسلی - دکتر نور علی تابنده - مهندس عباس‌تاج - علی‌اصغر تهرانچی - ابوالفضل توکلی - سید محمد مهدی جعفری - ولی‌الله چه‌پور - ابوالفضل حکیمی - محمد درویش - عباس رادنی - جواد رفیق دوست - خلیل‌الله رضائی - دکتر یدالله سبحانی - دکتر فریدون سبحانی - حسین شاه‌حسینی - دکتر عباس شیانی - دکتر باقر شایورد - مهدی شاملو - محمدشانه‌چی - احمد صادق - احمد صدر حاج سید جوادی - دکتر عبدالحسین طلوعی - مهندس اکبر طاهری - دکتر حسین عالی - احمد علی‌بائی - مرتضی کتیرائی - مهندس رضا گل‌احمر - مهندس شهاب‌گنابادی - دکتر عبد‌الکریم لاهیجی - احمد مدرسی - دکتر مهدی ممکن - سید محمد باقر مهدوی - کاظم متحدین - خسرو منصوریان - مصطفی میرخانی - محمود مانیان - حسین مهدیان - عبدالله مولائی - دکتر محمد ملکی - دکتر عباس نکوفر - مهندس محمد علی نجفی - مهندس عبدالمجید نقره‌کار - مهندس اکبر والی - مهندس مصطفی هاشمی - دکتر کاظم یزدی .

رونوشت :

- ۱ - روزنامه کیهان
- ۲ - روزنامه اطلاعات
- ۳ - جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

نامه آقای حسین هنردار به جمعیت و تقاضای دیدار فرزند زندانی اش

مرداد ۱۳۵۷

بسم الله الرحمن الرحيم

می خواهم از پدری مظلوم برایتان بنویسم که نه فریادش را فریادرسی و نه سؤالش را پاسخگوئی است. حدود هیجده (۱۸) ماه پیش سه چهار نفر پلیس امنیتی به خانها آمدند که ((در اطاق پسر در تهران مواد مخدره پیدا کرده ایم و حال می خواهیم اینجا را نیز بگردیم ببینیم چیزی هست یا نه؟)) سپس به تفتیش سطحی از خانها پرداختند و بعد از سؤال و جوابهایی که از اول خانه کردند رفتند. ((پیدا شدن مواد مخدره)) در اطاق او تنها بهانه و دستاویزی است برای تفتیش خانه، دستاویزی که همیشه در موارد سیاسی مورد استفاده رژیم ایران قرار میگیرد.

پسرم، مهدی هنردار، دانشجوی سال آخر مکانیک دانشکده علم و صنعت ایران است که در بهمن ماه ۱۳۵۵ (ژانویه ۱۹۷۷ میلادی) به دلیلی موهوم و نامعلوم به اسارت رژیم ایران درآمده و هیجده (۱۸) ماه است از او خبری ندارم. در این مدت کمتر سازمان و یا فردی نیست که با او مراجعه نکرده باشم و از او در این باره کمک نخواستم باشم ولی هیچکس جوابی که بتواند اندکی دردم را تسکین دهد نداده است. زندانها همواره کینه توزانه جواب میداده اند که: " چنین زندانی ای در لیست زندانی های ما نیست " ساواک و کمیته ایرانی دفاع از حقوق

بشروابسته به سازمان ملل* پس از دست به سرکردنهای فراوان و این جواب مکرر که: "اصلاً" چنین کسی را نگرفته‌اند " سرانجام پاسخ داده‌اند که: "مدتی است پسر شما را آزاد کرده‌ایم"، این جواب سرانجام کسانی است که تابحال منکرو وجود چنین زندانی‌ای می‌شده‌اند.

شکی ندارم که جواب آخر آنها فریب بزرگی است که می‌خواهند در پناه آن خود را از مراجعه مکرر مابه سازمانهایشان رهاکنند و علاوه بر آن دستشان باز باشد که هر تصمیمی که بخواهند در مورد فرزندم بگیرند.

آیا به نظر شما درجائی از دنیا قانونی وجود دارد دال بر اینکه باید برای مدتی اینهمه طولانی زندانی را از دیدن خانواده‌اش بدور داشت تا در پناه آن رژیم ایران بتواند به چنین عملی دست بزند؟ آیا ملاقات کردن یک اسیر نقض قوانین بین‌المللی و منجمله قوانین ایران است که رژیم بشر دوست! ایران می‌خواهد با جلوگیری از آن از قانون حمایت و پاسداری کند؟! آیا اگر مجرمی ولو به شدیدترین مجازاتها محکوم شده باشد و اگر بدترین جرمها را مرتکب شده باشد باید از ملاقات محروم باشد.

آزادی فرزندم پیشکش! اما ملاقاتش چه؟ آیا دیدار این بیگناه هم برای رژیم خطرناک است؟

به هر حال از مقام محترم شما که مرجعی بین‌المللی هستید و احیاناً " احساس تعهدی هم میکنید و رژیم ایران برخلاف رفتاری که با ما دارد سئوالات شمارابی جواب نمی‌گذارد، می‌خواهیم هرکاری را که حداقل بتواند باعث ملاقات فرزندمان شود و بتوانید انجام دهید، انجام دهید، شاید پاسخی بر ندای دادخواهی ما باشید.

بامید خدا و اظهار امتنان از شما

حسین هنردار

کاشان - خیابان بابا افضل جنب صادرات - مرغ فروشی هنردار

* منظور نویسنده این شکوائیه، کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر و پیشبرد آن در ایران است که وابسته به سازمان ملل متحد میباشد.

نامه‌یک شهروند شیرازی به جمعیت و شرح وقایع شرم‌آور مأموران رژیم در مسجد نو شیراز

مرداد ماه ۱۳۵۷

کمیته محترم ایرانی دفاع از حقوق بشر

بدینوسیله ما اجرای جنایتی که روزپنجشنبه پنجم ماه مبارک رمضان براهالی شیراز گذشت معروض میدارم .

روزپنجشنبه ۱۹ مرداد ماه که عده زیادی از اهالی شیراز و اطراف بمناسبت ماه مبارک رمضان برای انجام فرائض مذهبی و استماع وعظ و خطابه در مسجد نو اجتماع نموده بودند ، ناگهان مورد تهاجم عده‌ای پلیس و نظامی مسلح به مسلسل و تفنگ خودکار و باطوم قرار گرفتند . این سپاه جرار با گشودن آتش بر روی مردم بیدفاع و بیگناه که مسجد را مأمن خود میدانستند ، خانه خدا را به جهنمی بدل ساختند . زنان و دختران ما را که در شبستان مسجد در حالت عبادت بودند ، لخت نموده با باطوم از عده‌ای از دختران ازاله بکارت نمودند و . . . خلاصه از هیچگونه بیحرمتی و هتک شرف و آبرو نسبت بنوامیس مردم ، فروگذار نکردند . پس از کشتار فجیع ، اجساد و حتی پیکر کسانی را که نیمه جانی داشتند روپهم ریخته بسردخانه پزشکی قانونی و سربازخانه‌ها و نقاط نامعلوم بردند و هرکس را که رمقی در تن داشت به بیمارستانها انتقال دادند . ضمناً " کسانی از افراد ، که مجروحین را بدرمانگاهها و یا بیمارستانها میرسانیدند تا سرحد مرگ زده سپس بزدان فرستادند .

کلیه وسائل حمل و نقل اشخاصی که باین ترتیب مورد مهاجمه و کشتار رژیم قرار میگرفتند (از قبیل دوچرخه، موتور، ماشین و غیره ۰۰۰) بآتش کشیدند. اینک از آن کمیته که طرفداران حقوق بشر و مردم هموطن ما هستند، استمداد میطلبیم که ما را در این ماجرا که حتی در حمله مغول و افغان یکهزارم آن صورت نگرفته، یاری و راهنمایی فرمائید که بکدام مرجع قضائی یا غیر قضائی مراجعه کنند؟ آیا ممکنست از طرف آن کمیته یا بوسیله آن کمیته عده‌ای از داخل یا خارج از ایران بمحل آمده و وضع مردم و کشتار بیرحمانه رژیم مدعی مسلمانی و اهانت‌های سفاکانه دستگاه حاکم را نسبت بمشتی دختر و زن و کودک و پیرمرد بیدفاع و بی تقصیر مشاهده نمایند؟ آیا ممکنست از طرف آن سازمان یا سازمان‌های بین‌المللی طرفدار حقوق بشر و کلائی بمحل بیایند و مراتب را تعقیب قانونی کنند.

بهرحال ما مردم شیراز در زیر شکنجه و اسلحه رژیم که هزینه آنها را از خود ما گرفته است قرار داریم. هر لحظه برخشونت میافزاید و هر زمان دهها نفر را گرفتار و زندانی میکند بجان و ناموس و مال خود هیچ گونه اطمینانی نداریم. از خداوند متعال تایید آن کمیته محترم و کلیه کسانی را که در صد کمک و یاری بما هستند آرزو داریم.

نامه نهضت آزادی ایران - خارج از کشور به رئیس جمهور عراق
و اعتراض به مزاحمت‌های پلیس برای امام خمینی و رونوشت به جمعیت

آقای حسن البکر - رئیس جمهور عراق

اطلاع حاصل شد که بدستور شما از روز شنبه ۲۵ شوال ۹۸ مامورین پلیس شما منزل زعیم شیعیان جهان و رهبر مبارزات رهائیبخش مردم مسلمان ایران امام خمینی را محاصره کرده‌اند و با این شیوه پلیسی و ارتجاعی مانع از تماس مردم با معظم له میشوند و عملاً "ایشانرا زندانی کرده‌اند. طبق اظهار نظر نماینده شما دولت عراق ملزم است که بر اساس توافق بارژیم شاه مانع آزادی بیان و قلم امام خمینی گردد. شما با این عمل خود علیه امام خمینی تمام مقررات و عهدود بین‌المللی را در مورد حقوق سیاسی و مدنی و اعلامیه جهانی حقوق بشر نفی کرده‌اید.

آقای رئیس جمهور!

البته این اولین بار نیست که دولت شما مزاحمت‌هایی برای امام خمینی فراهم ساخته است در دفعات گذشته ما هر بار بعد از کسب اطلاع از مزاحمت‌های دولت شما مراتب نگرانی و اعتراض خود را با اطلاع شما رسانده‌ایم و وظائف و تعهدات بین‌المللی شما را یادآور شده‌ایم. شما تا بحال مدعی بوده‌اید که امام خمینی "مهمان عراق" است نه یک تبعیدی. اما عمل شما خصوصاً "در شرایط کنونی بمعنی همکاری مستقیم شما با شاه ایران و امپریالیسم بین‌المللی میباشد.

مبارزات رهائیبخش مردم مسلمان ایران بر رهبری امام خمینی اکنون بمراحل

حساس خودرسیده است و در این چندماه اخیر جهان شاهد اوج گیری این مبارزات حق طلبانه بوده است. امروز شعار مردم ما در سراسر ایران سرنگونی شاه و کسب استقلال و آزادی و استقرار حکومت اسلامی است و شرکت وسیع و همگانی مردم مسلمان ایران در این مبارزه رژیم شاه را به پرتگاه سقوط کشانده است.

ما صریحا "اعلام میداریم که ادامه این روش و عمل دولت شما در ایجاد مزاحمت برای امام خمینی بسود ارتجاع منطقه و امپریالیسم بین المللی بوده و مورد تنفر مردم ایران و امت اسلام و آزادیخواهان جهان نسبت به شما و رژیم عراق خواهد بود.

این عمل شما به تشدید تشنج در اوضاع منطقه منجر خواهد شد. چنین امری مسلما "به ضرر مردم عراق و امت عربی خواهد بود.

بدون شک مسئولیت عواقب وخیم چنین اوضاعی شخصا "بعهده شما و دولت عراق میباشد. برای پیشگیری از چنان عواقبی رفع فوری هرگونه مزاحمت و محدودیتی از امام خمینی امری است ضروری.

نهضت آزادی ایران (خارج از کشور)

شکنبه ۲۱ شوال ۹۸ - مطابق ۲ مهر ۵۷ - ۲۴ سپتامبر ۷۸

رونوشت به:

امام خمینی نجف - مراجع عظام در قم - آقای مهندس بازرگان رئیس جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر در ایران - آقای بومدین رئیس جمهور الجزائر - آقای اسد رئیس جمهور سوریه - سازمان ملل متحد آقای کورت والدهایم - آقای یاس عرفات - خبرگزاریهای بین المللی.

تلگرام خانواده‌های زندانیان سیاسی به جمعیت و... تقاضای اعاده حیثیت از تمام زندانیان بدون هیچ قید و بندی

تلگراف مورخ ۱۳۵۷/۷/۳۰ خانواده‌های زندانیان (سیاسی)

کانون وکلای دادگستری

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

جمعیت حقوقدانان ایران

در این موقع که دولت تصمیم به آزادی برخی از زندانیان سیاسی گرفته است توجه همه مسئولین مربوطه را به نکات زیر معطوف میدارد:

۱ - کلیه زندانیان سیاسی که اسامی آنها از طرف کمیسیون عفو و بخشودگی به مقامات ذیصلاح ارائه گردیده کسانی هستند که یادوره محکومیت خود راسپری کرده اند و قانوناً "بایستی آزادی می شدند و پاکسانی هستند که به پایان محکومیتشان چند روزی باقی مانده است .

۲ - عنوانهایی که از طرف مقامات دولتی به برخی از زندانیان سیاسی اطلاق می شود از قبیل تروریست ، خرابکار و کمونیست صرفاً " تقسیم بندی است که مقامات سازمان امنیت و دادرسی ارتش بزعم خود نموده اند ریرا :

الف : شرایط بازجوئی و محاکمه کلیه زندانیان سیاسی در محیطی آکنده از ارباب و شکنجه صورت گرفته و چنانچه اقراریری در زمینه قبول اتهامات ادعائی سازمان امنیت صورت گرفته ، تحت شکنجه بوده است و فاقد ارزش قضائی می باشد .
ب : دادرسی ارتش در زمان حکومت استبدادی و چپاولگران و با محکومیتهای

دیخته شده از طرف دستگاههای امنیتی مبادرت به صدور احکامی نموده است که مغایر با موازین قانون اساسی و منشور حقوق بشر می باشد. مضافاً اینکه بهیچیک از زندانیان سیاسی حق دفاع داده نشده است. و گذشته از این جرائم سیاسی باید در دادگاههای عمومی و با حضور هیئت منصفه مورد رسیدگی قرار گیرد.

بنابراین تقسیم بندی مقامات امنیتی مغایرت کامل با اصول قانون اساسی و حقوق بشر و نیز ادعاهای واهی دولت مبنی بر اعمال دموکراسی و رفع استبداد و دیکتاتوری دارد. علیهذا چون کلیه زندانیان سیاسی ایران در یک مسئله وجه مشترک دارند و آن اعتراض به اعمال حکومت فاشیستی و خفقان و استبداد است و در راه بازگرداندن دموکراسی و رعایت حقوق حقه انسانی به زندان افتاده و همگی بیگسان مورد ظلم و تعدی و شکنجه قرار گرفته اند، تقاضا داریم که تمام زندانیان سیاسی که فرزندان راستین این مرز و بوم اند بدون در نظر گرفتن هیچ قید و شرطی صرفنظر از نوع اتهام و اعتقاد آزاد و از آنان اعاده حیثیت گردد.

اظهارات آقای محمد شانه‌چی در مورد وقایع رقت‌باری که مأموران رژیم برایشان تحمیل کرده‌اند

سؤال میفرمائید که شرح گرفتاری‌هایم را بگویم - قبلا " باید از اظهار لطف شما که یک نفر روحانی عضو کبیر حقوق بشر هستید تشکر میکنم چون مجالی برای شرح مفصل نیست به اختصار برگزار میکنم البته بامذاکره و دید و بازدید با دیگران جریان حقوق بشر در ایران را خواهید دید آنچه در این آخری برای من اتفاق افتاد بعد از گرفتاریهای قبلی در نیمه شب نوزدهم خردادماه ۱۳۵۲ که همه مردم در خواب بودند و ما بعلت داشتن مریض بد حال که قصد بردن به بیمارستان داشتم در راه زدن و عده‌ای با هجوم و اسلحه بدست وارد منزل شدند و به بازرسی و بازرسی پرداختند و همان نیمه شب دخترم فاطمه مدیر شانه‌چی دانشجوی سال دو حقوق و قضائی قم را بازداشت و بردند و به بازرسی ادامه دادند و قتیکه چیزی پیدا نکردند حدود پانصد جلد کتاب که از اول عمر تدریجا " تهیه کرده بودم بانضمام عکسی از مرحوم دکتر محمد مصدق در دو ماشین ریخته و بردند و صبح ساعت شش خودم و فرزندم محسن فارغ التحصیل رشته آزمایشگاهی و خانمی مریض که از زادگاهم مشهد برای معالجه آمده بود بردند با چشم بسته و تا غروب زیر یک پله بدون غذا رو بدیوار نگاه داشتند و غروب که اظهار داشتم میخواهم ادای فریضه مذهبی نمایم هدایتم کردند به اطاقی که شش نفر دیگر با حالاتی که شرح آن مفصل است ، و فردای آن روز در پشت دری که دخترم را شکنجه میدادند و صدای ناله او را می شنیدم مدتی گذراندم و بعد از دو روز از زندان شهربانی به زندان اوین منتقل شدم در بین راه توانستم با پسرم مختصر گفتگوئی داشته

باشم ایشان میگفت که در ظرف این ۴۸ ساعت پنج مرتبه زیر شکنجه از حال رفته‌ام چکنم و در زندان اوین بعد از بازجوئی مفصلی که حدود ۵/۵ ساعت طول کشید با تهدید و تحقیر و به سلول انفرادی که بسیار جای بدی بود و از اول در آنجا بودم مراجعت دادند و بعد از چند روز بشدتی مریض شدم که در زندان مداوا نشدم به بیمارستان شهربانی منتقل کردند و در آنجا بعد از معاینات مفصل که اطباء نظر خوبی درباره‌ام ندادند مرخص شدم و بعد فهمیدم که بعد از رفتن و بردن مافرزند مریض حسین را با مادرش توقیف و با پافشاری مادرش که گفته بود تا مرا نکشید نمیگذارم بچه مریضم را بزندان ببرید ایشان را بردند بیمارستان تحت نظر مامورین ساواک ۴۸ ساعت بودند و بعد از ۴۸ ساعت و بازجوئی‌هایی اجازه برگشتن بخانه را بایشان میدهند و دخترم را بعد از شش ماه مرخص میکنند و دو ماه بعد از مرخصی یکروز صبح که بقصد دانشکده از منزل خارج میشود دیگر ما او را ندیدیم تاخیر شهادت او را در روزنامه خواندم و تا بحال نه اثاثیه و لباس و لوازم او را و نه قبر او را بمانشان نداده‌اند و خفقان بقدری زیاد بود که اقوام و دوستانم جرئت آمدن بخانه‌ام را تا چند روز نداشتند و اینک از محل دفن او و از نوع کشتن او خبری ندارم ولی پسرم را بعد از ۸ ماه ملاقات دادند در حالی که در برخورد اول او را نشناختم از شدت ضعف و پیری رنگ و خلاصه او را به سه سال زندان محکوم کردند. در تاریخ ۵۴/۲/۲۹ مدت زندانی او تمام میشود و او تا بحال در زندان بسر میبرد و بعد از انقضاء مدت زندان ایشان بعد از مراجعه بهمه مقامات مجدداً ایشانرا بردند محاکمه که تو در زندان تبلیغ کرده و کتاب خوانده‌ای در صورتیکه با ضوابط زندان چگونه ممکن است کسی تبلیغ کند مضافاً اینکه ایشان متهم است که در تاریخ ۵۶/۲/۵ تو در زندان تبلیغ کرده‌ای و ایشان طی دفاعیه که نوشته والان در پرونده ایشان موجود است میگوید من طبق دفتر زندان در تاریخ ۵۶/۱/۲۹ از زندان اوین که شما مدعی هستی مدت چهار مرتبه با بستگانم ملاقات داشته‌ام و همه اینها را دفتر زندان گواهی میدهد و نتیجتاً در تاریخ ۵۶/۲/۵ در زندان اوین نبوده‌ام که تبلیغ بکنم یا کتابی بخوانم و تازه اگر کتابی خوانده‌ام کتابی بوده که در کتابخانه زندان بوده است کتابی که خواندن آن چهار سال زندان دارد چرا در کتابخانه نگاه میدارید در

هر صورت ایشان را به چهار سال دیگر محکوم میکنند و فعلا " در زندان بسر میبرد و مطلب مهم تر که باز در پرونده منعکس است اینکه من که مدت قانونی زندانم در تاریخ ۵۴/۲/۲۹ تمام میشود چرا بدون هیچ مجوزی تا تاریخ ۵۶/۲/۲۵ دو سال تمام مرا در زندان نگاه داشته‌اید که من مرتکب چنین گناهی بشوم زیاده برای من مباح نمی‌شود و همین قدر بدانید وضع حقوق بشر بدست حکومت ایران این چنین است و مطلب دیگر از حقوق بشر در ایران اینکه من الان نمیدانم با این شرحی که شما دادم سرنوشتم چه خواهد شد چون ممکن است برای همین مطالب مرا تحت بازجویی قرار دهند و زندانم کنند .

با تقدیم احترامات محمد مدیر شانه‌چی

نامه خانواده معین به جمعیت و تقاضای رسیدگی به بیعدالتی‌هایی که دادگاه مستبد نظامی بر فرزندشان روا داشته است

ریاست کمیته ایرانی دفاع از حقوق بشر
محترماً "معروض میدارد:

اینجانبان والدین زندانی سیاسی احمد معین، محل زندانی شیراز که در تاریخ ۵۲/۹/۱۶ دستگیر و در دادگاه مستبد نظامی با بیعدالتی تمام وبدون در نظر گرفتن هیچگونه رعایت حقوق انسانی تنها فرزند عزیزمان را به ده سال حبس محکوم کرده‌اند و تاکنون که هیچ مرجع قانونی برای رسیدگی باین‌گونه بیعدالتیها نبوده و حال که قانونی که میتواند دادخواه مادران و پدران زندانیان سیاسی باشد، از این کمیته تقاضا داریم به وظیفه انسانی خویش عمل نمایند، و فرزندان مردم را بخانواده‌های در حال انتظار باز گردانند.

ناهید معین - زهرا معین - محمود معین

مورخ ۵۷/۸/۵

نامه والدین محمد دزیانی به جمعیت و شرح شهادت یکی از فرزندان و زندانی کردن فرزند دیگرشان

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

اجازه دهید داغیرا که بدل داریم برای شما هم بگوئیم ، بگوئیم که چگونه پسر بزرگ و چراغ خانواده مان را خاموش کردند . بگوئیم که چطور نونهالی را که با هزار امید و آرزو پرورده بودیم درست هنگام به گل نشستن و میوه دادنش ریشه کن کردند! نوگل ما را پرپر کردند و سوزاندند و آرزوی دیدن و گرفتن جسدش را هم بدل ما گذاشتند آخر ما نمیدانیم این پسر ما که امید زندگی ما بود و میرفت تا چند ماه دیگر از دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران فارغ التحصیل بشود چه گناهی مرتکب شده بود که حتی مرگ او را از ما مخفی کردند و جسد بیجانش را هم بما ندادند .

ما محمد حسن دزیانی و زهرا نور محمدی پدر و مادر محمد دزیانی بترتیب ۵۴ و ۶۹ سال سن داریم و غیر از محمد پسر بزرگمان که شهید شد یک پسر دیگر بنام علی داریم که او را هم در سال ۵۴ هنگامیکه یکسال دیگر دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران را تمام میکرد دستگیر کردند و هم اکنون به ۸ سال حبس محکوم شده و در زندان اوین بند ۳ بسر میبرد . بجز این دو پسر یک دختر هم داریم که در سال آخر دبیرستان درس میخواند . امید ما در زندگی به همین سه فرزند بود و در حالیکه پسر بزرگمان را دیگر هیچگاه نخواهیم دید از هم اکنون به ۶ سال دیگر چشم دوخته ایم تا علی از زندان آزاد شود و جای خالی برادرش را پر کند . اوائل مهرماه ۵۴ یکروز مامورین ساواک بخانه ما ریختند و همه جای آنرا

گشتندولی چیزی نیافتند که با خود ببرند. ما فهمیدیم که برای پسرانمان اتفاقی افتاده است و بعدها مطلع شدیم که محمد را در تهران دستگیر کرده‌اند البته پس از حدود یکماه علی راهم گرفتند. از این بعد تا نزدیک به یکسال نتوانستیم محمدراملاقات کنیم و اولین باریکه اجازه دیدن او را پیدا کردیم دوفروزیربغلش را گرفته بودند و او خیلی آرام مثل اینکه روی یخ راه برود فاصله حدود ۱۰ متر را در عرض چندین دقیقه طی کرد. بعد از این ملاقات جمعا" دو بار دیگر اجازه ملاقات او را پیدا کردیم و آخرین مرتبه در دیماه ۵۵ در اوین او را دیدیم البته بعد فهمیدیم که او را شدیداً شکنجه داده‌اند و حتی آنقدر بکف پایش شلاق زده‌اند که پوست و گوشت پاهایش از بین رفته و استخوانهای پایش نمایان شده و باوجود اینکه سه مرتبه عمل جراحی پلاستیک روی پایش انجام داده‌اند نتوانستند او را معالجه کنند و بخاطر رسوا نشدن نزد نمایندگان صلیب سرخ او را کشتند.

راستش را بخواهید ما قبلاً نمیدانستیم که سازمانی بنام جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر وجود دارد و فعالیت میکند. بیکروز که برای ملاقات پسر کوچکمان به زندان اوین رفته بودیم از مردم ملاقاتی دادخواهی کردیم و بنا بر اهنمایی یک نفر از آنان تصمیم گرفتیم این نامه را برایتان بنویسیم.

ما در مدت دوسال که دربدر بدنبال فرزندانمان می‌گشتیم از این شهر به آن شهر و از این زندان به آن زندان و از این اداره به آن اداره میرفتیم فهمیدیم که ما تنها نیستیم که چنین وضعی داریم. کسانی را میدیدیم که چندین سال متوالی میدوند و هنوز موفق بدریافت خبری از فرزندشان نشده‌اند و کم‌کم دریافتیم که جوانان بسیاری بسرنوشت فرزند ما دچار شده‌اند و عده بیشتری در آینده در انتظار چنین سرنوشتی هستند. ما البته میتوانیم خود را بجای صدها پدر و مادر دیگری که فرزندانشان توسط دستگاه حاکمه ایران کشته شده‌اند بگذاریم و از این مهمتر ما بخوبی میدانیم که فرزند ما در راه دین اسلام و به پیروی از "امام حسین" شهادت رسید و بنا بر این مطمئنیم که محمد ما هم اکنون در بهشت در کنار همه شهدای اسلام قرار دارد.

پسران ما پسران خوب و سربراهی بودند و بیشتر اوقات درس میخواندند و قرآن و کتابهای دینی را مطالعه و بعضی اوقات برای ما هم ترجمه و تفسیر مینمودند.

ما در حقیقت نمی‌توانیم بفهمیم که این بچه‌های ما که جز درس خواندن ، قرآن خواندن و فکر دیگران بودن کاری نداشتند چرا به این روزمان نشاندند . البته ما می‌فهمیدیم که آنها مخالف دستگاه هستند ولی هیچگاه فکر نمی‌کردیم که دستگاه حاکمه اینقدر بیرحم و سنگدل باشد که جگرگوشه ما را زیر شکنجه بکشد .

مانمیدانیم که دقیقاً"کار شما چیست و تا چه اندازه می‌توانید موثر واقع شوید ولی اگر آنطور که دیگران می‌گویند شما می‌توانید کاری انجام دهید از شما می‌خواهیم و شما را بخدا سوگند می‌دهیم که فکری بحال دهها هزار نوگلی نکنید که در چنگال دستگاه حاکمه ایران در معرض پرپر شدن می‌باشند ، همچنین هزاران هزار غنچه دیگری که ممکن است نشکفته در کشتارگاهی بنام ایران نابود شوند .

با احترام

محمد حسن دزیانی ، زهرانور محمدی

نامه زندانیان عادی زندان مشهد به نخست‌وزیر، جمعیت و مجلسین و تقاضای آزادی بدون شرط رضایت مدعی خصوصی*

زندانیان عادی خراسان درخواست دارند، برای بخشودگی آنها شرط رضایت مدعی خصوصی حذف شود. آنها در نامه‌ای به نخست‌وزیر، جمعیت ایرانی دفاع از آزادی حقوق بشر و مجلسین نوشته‌اند:

اگر موجودی، محکوم و محروم از همه مواهب طبیعی می‌گردد و متنبه می‌شود، چه نیازی به ادامه زندگیش در بند وجود دارد. باید تاثیر کیفر در روحیه افراد را بررسی کرد و اگر اثر مجازات سازنده بود بدون توجه به رضایت مدعی خصوصی آزادشان کرد. چرا که تعدادی از شاکیان خصوصی سودجویان پول پرستی هستند که حاضرند در مقابل پول قابل ملاحظه‌ای که برای زندانیان کمرشکن است، رضایت دهند. روشن است که این امر برای عناصری چون ما محکومان بسیار سخت و دشوار است. ما با افتادن به زندان مایملک و زندگی خود را از دست داده‌ایم و قادر نیستیم نیت این سودجویان را تامین کنیم. زندانیان در نامه خود نوشته‌اند:

عده‌ای از ما به خاطر غرض‌ورزی ماموران یا نزاع دستجمعی، لغزش‌های جوانی و ندانم‌کاریهای زندگی و اغلب بی‌گناه به زندان افتاده‌ایم برای جلوگیری از تباه شدن بیشتر اعضای خانواده‌هایمان می‌خواهیم موضوع عفو و بخشودگی زندانیان عادی با دید منطقی‌تر مورد بررسی قرارگیرد.

تقاضای مادر محمد رضا راتبی زندانی سیاسی بوسیله روزنامه کیهان از جمعیت *

مادر یک زندانی سیاسی:

پسرم بدون گناه به ۱۲ سال زندان محکوم شد

مادر یکی از زندانیان سیاسی دیروز به کیهان آمد و ضمن اینکه خواستار آزادی تمامی زندانیان سیاسی شد، درخواست کرد تا نسبت به وضع پسرش که در شرایط بدی در زندان بسر میبرد اقدام شود.

او گفت: پسرم بی جهت دستگیر شده و اکنون ۳ سال است که در زندان

بسر میبرد.

این زن که از اصفهان به تهران آمده بود، به کیهان گفت پسرم "محمد رضا راتبی" که اکنون ۲۳ سال دارد، در سال ۱۳۵۴ در همدان دستگیر شد. او بدون اینکه جرمی مرتکب شده باشد، در دادرسی ارتش به ۱۲ سال زندان محکوم گردید. پس از چند سال اقامت در زندانهای شهرهای مختلف، اکنون در زندان اوین بسر میبرد و در شرایط بدی قرار دارد. در زندان بسختی او را شکنجه کرده اند، با کابل به او شلاق زده اند که در نتیجه تمام بدنش کیود شده و با آتش سیگار و اطوی داغ چند جای بدنش را سوزانده اند. بارها او را ساعتها از سقف آویزان کرده اند و چند شب نیز مانع خوابیدن او شده اند. آنها به وسایل مختلف او را شکنجه کرده اند و این در شرایطی است که نه چیزی از او گرفته اند و نه جرمی مرتکب شده است. من از جمعیت آزادی و دفاع از حقوق بشر و کمیسیون حقوق بشر کانون وکلای دادگستری میخواهم تا هر چه زودتر نسبت به آزادی کلیه زندانیان سیاسی بویژه پسر من اقدام نمایند.

* کیهان، شنبه ۱۳/۸/۱۳۵۷

نامه کارکنان بانک مرکزی به کانون وکلای دادگستری و
رونوشت به جمعیت و تقاضای اقدام عاجل در آزادی همکارانشان*

مورخ ۱۳۵۷/۹/۱۲

ریاست محترم کانون وکلای دادگستری

احتراما "اخیرا" عده‌ای از همکاران عزیزمان که بنمایندگی از طرف قاطبه کارکنان بانک مرکزی ایران ما مور مذاکره با مقامات بانک در جهت احقاق حق و تحقق خواسته‌های مشروع کارکنان بانک بوده‌اند علی‌رغم اعلام مراتب عدم پذیرفتن مسئولیت در اعلامیه مورخ ۵۷/۹/۱ از طرف مقامات حکومت نظامی دستگیر و بازداشت شده‌اند و فعلا" از محل بازداشت آنها بی‌خبریم . بدینوسیله ما امضاء کنندگان زیر بنمایندگی از سوی کلیه کارکنان بانک مرکزی ایران از کانون وکلای دادگستری تقاضا داریم جهت آزادی فوری و بی‌قید و شرط همکارانمان آقایان مهدی دیباج و مهدی سیار ایرانی ، اقدام عاجل مبذول فرمایند .

از طرف کارکنان بانک مرکزی ایران . سی و هشت امضاء

رونوشت : جمعیت حقوقدانان ایران

رونوشت : کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر ایران

رونوشت : کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران

* بولتن کمیته دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ، شماره ۱۳ ، آذرماه ۱۳۵۷

اعلامیه جامعه پزشکی شهرستان قم و اعلام تأسیس کمیته دفاع از مجروحین و مصدومین و تقاضای کمک از جمعیت *

تأسیس کمیته دفاع از مجروحین و مصدومین

جامعه پزشکی شهرستان قم طی اعلامیه‌ای کشتار وحشیانه بیمارستان شاهرزای مشهدرا محکوم کرده‌اند و بخاطر زیرپا گذاشتن حرمت محیط پزشکی توسط دژخیمان خون‌آشام و تعقیب و آزار مجروحین در بیمارستان، کمیته‌ای بنام "کمیته دفاع از مجروحین و مصدومین" تشکیل داده و اعلام داشته‌اند ما مورین بهیچوجه حق ندارند در تعقیب بیمار مجروح وارد محیط بیمارستان شوند و بازجوئی از بیمار تا حصول بهبودی کامل اکیدا " ممنوع است و همچنین تهدید کرده‌اند اگر موارد فوق نقض شود و عملی با توسل به زور و فشار صورت گیرد طی اعلامیه‌ای جزئیات آنرا با اطلاع عموم خواهند رساند. در خاتمه از کمیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر خواسته‌اند آنها را در این هدف یاری نمایند.

نامه آقای جاوید مقدس به جمعیت در بیان علت خرابکاریها توسط عوامل ضد مردمی در سطح انتقال نیرو

حضور محترم اجرائی جمعیت دفاع از حقوق بشر

محترماً " اینجانب جاوید مقدس کارمند شرکت توانیر (نماینده) دلائل زیر در جهت خاموشیهای پی در پی کنونی در سطح کشور عنوان نموده خواهم نمودم با توجه به امکانات آن جمعیت محترم اقدامات لازم را در جهت رفع این موانع بعمل آورید :

۱ - خاموشیهای کنونی بجهت زیر میباشد :

الف: نرسیدن سوخت کافی به نیروگاههای گازی لوشان بقدرت

حدود ۳۶۰ MW وری بقدرت حدود ۵۰۰ MW

ب: ایجاد خرابکاری در سطوح انتقال نیرو توسط عوامل ضد مردمی .

بطور نمونه موارد زیر منعکس می گردد :

۱ - پایه دکل ۱۵۶ قزوین با بمب دستی نزدیک به انفجار بود که خوشبختانه

توسط کارکنان برق این توطئه خنثی گردید .

۲ - شل نمودن پیچهای دکل های مسیر خطوط برق و نوشتن شعار مرگ بر

کارکنان وزارت نیرو (خطوط مسیر بهرنگ)

۳ - از هر خط ۴۰۰ KW یک فاز قطع شده بوده است .

خواهشمند است در صورت موافقت چنانچه لطمه ای به نهضت ملی ایران

وارد نمیشود صدای ما را به مردم و مسئولین برسانید ما مدارک کافی در جهت

صحت ادعای خود داریم و اگر تا کنون به مطبوعات مراجعه نکرده ایم صرفاً "

بدین خاطر بوده است که ما یلیم حداقل ضربه به احساسات مردم وارد گردید بدین امر و در جهت رفاه حال مردم ما از خاموشیهای برق بعلت اعتصاب صرف نظر نمودیم خواهشمندیم با تشکیل جلسه‌ای مشکلات ما را بررسی نموده و در صورت موافقت برای درج در مطبوعات بدلیل جلوگیری از ضایعات بعدی ما را همراهی و مشاور باشید.

با تقدیم احترام

جاوید مقصدس

(محل امضاء) ۱۳۵۷/۱۱/۲

ارسال به جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

فصل پنجم:

اقدامات جمعیت

در رابطه با شکایات واصله

نامه به دادسرای شهرستان مشهد و تقاضای رسیدگی نسبت به
ضرب و جرح و تجاوز به دانشجوی زندانی محمد غزی سبزواری

شماره ۱

۱۳۵۷/۳/۱۲

ریاست دادسرای شهرستان مشهد

مطابق مشروحه واصله باین جمعیت * آقای محمد غزی سبزواری دانشجوی
دانشکده آمار مشهد که به سه سال زندان محکومیت یافته و دوران محکومیت را در
زندان مشهد بسر میبرد ابتداءً مورد ضرب و جرح قرار گرفته که پرده گوش او پاره
شده و اخیراً "مورد تجاوز واقع گردیده است .
خواهشمند است مقرر فرمائید موضوع را رسیدگی کرده این کمیسیون را از
نتیجه امر مستحضر نمایند .

مسئول کمیسیون معاضدت قضائی و حمایت زندانیان

احمد صدر (حاج سیدجوادی)

(امضاء)

نشانی - تهران خیابان شمیران قدیم ، خیابان شهرزاد جنب میل فروشی پاسارگاد

* اصل شکوائیه مورد بحث در اسناد پیدا نشد ظاهراً " در حمله ساواک به محل
جمعیت به یغما رفته است .

نامه‌به‌نخست وزیر و . . . و تقاضای رسیدگی به فجایع
مأموران رژیم در حمله به خوابگاه دانشجویان

نیمه خرداد ۱۳۵۷

آقای آموزگار نخست وزیر
رونوشت: آقای دادستان کل کشور
کمیسیون جهانی حقوق بشر
سازمان بین المللی یونسکو

دانشجویان دانشگاه تهران ضمن شکوائیه‌ای* خلاصه‌ای از مظالم فجایع مقامات انتظامی و نظامی در باره دانشجویان دانشگاه تهران در سال تحصیلی گذشته را با اطلاع این جمعیت رسانده‌اند. غارت متجاوز از ۱۰ هزار جلد کتاب از کتابخانه‌های دانشجویان دانشگاه تهران، ممانعت از ورود آنان به مسجد، حمله و هجومهای وحشیانه به کلاسهای درس و محیط دانشگاه و ضرب و شتم دانشجویان و استادان، انحلال نیمسال اول تحصیلی، قطع کمک‌هزینه و ممر اعاشه دانشجویان قسمتی از فجایعی است که قوای انتظامی، گارد دانشگاه و مقامات اداری دانشگاه تهران در محیط دانشگاه و درباره دانشجویان مرتکب شده‌اند. در شکوائیه دانشجویان آمده است که مساله فشار و حمله به بیرون دانشگاه هم کشیده شد و چند بار در کوهها بدانشجویان حمله شد و متعاقب آن عده‌ای

* رجوع کنید به نامه دانشجویان دانشگاه تهران به جمعیت

مجروح و بسیاری نیز دستگیر شدند. این حملات چند بار در کوه‌های شمال تهران بوسیله هلیکوپتر و کماندوهای مسلح ارتش و ژاندارم‌های چماق و چوب بدست صورت گرفت.

فاجعه با حمله پلیس و قوای نظامی بدانشجویان ساکن کوی دانشگاه و ضرب و جرح حدود ۳۵۰ دختر و پسر و شکستن در اطاقها و اثاثیه و لوازم آنان و بالاخره اخراج متجاوز از سه هزار نفر دانشجوی دختر و پسر از کوی دانشگاه تکمیل شده است!

دانشجویان دانشگاه تهران از این جمعیت خواسته‌اند که صدای مظلومیت آنانرا بگوش هر که انسان است، و درد انسانی دارد، رسانده و مجامع ذیصلاح بین‌المللی چون یونسکو را از حال آنان با خبر نماید.

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر با ارسال فتوکپی نامه دانشجویان دانشگاه تهران و ضمن اعتراض باین اعمال غیر قانونی و ضد انسانی، که درباره شریف‌ترین و پیرارج‌ترین گروه اجتماعی مردم ایران و سرمایه‌های آینده این مملکت اعمال شده است خواستار رفع فوری کلیه تضییقات و مشکلاتی که برای دانشجویان دانشگاه فراهم آورده‌اند و همچنین تعقیب و مجازات عاملین و محرکین این عملیات تجاوزکارانه خلاف قانون می‌باشد.

کمیته اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

نامه به دادستان کل کشور و تقاضای اعلام نتیجه عمل غیرقانونی
بستن دکاکین چند تن از تجار بوسیله اطاق اصناف

ح ۲

۱۳۵۷/۳/۲۳

جناب آقای دادستان کل کشور

عده‌ای از تجار و بازاریان شکایتی راجع به بسته شدن دکاکین چند نفر از
آنها از طرف مأمورین اطاق اصناف بآن جناب تقدیم داشته که رونوشت آنرا باین
جمعیت ارسال نموده‌اند* چون بستن دکاکین برخلاف مصرحات قانون نظام صنفی
و ممنوع است. خواهشمند است مقرر فرمائید اقدامی را که نسبت بشکایت مزبور
معمول فرموده‌اند باطلاع این جمعیت برسانند.

مسئول کمیسیون معاضدت قضائی و حمایت زندانیان

احمد صدر (حاج سید جوادی)

(امضاء)

* - اصل شکوائیه بدست نیامده است.

نامه به دادسرای شهرستان تهران و تقاضای رسیدگی به اعمال غیرقانونی
مأمورین با زندانیان سیاسی قصر بجرم اقامه نماز جماعت

ح ۳

۱۳۵۷/۳/۲۳

ریاست دادسرای شهرستان تهران

مطابق مشروح‌های که باین جمعیت رسیده است * مأمورین زندان قصر تعداد
۱۳ نفر از زندانیان سیاسی را بجرم اقامه نماز جماعت با تغییر محل در وضع
سختی قرار داده‌اند در صورت صحت گزارش مزبور موضوع قابل توجه و بسیار
اسف‌آور میباشد تقاضا دارد مقرر فرمائید در اطراف صحت و سقم قضیه تحقیق
لازم معمول داشته و در صورت صحت امر نسبت بتعقیب آن اقدام و وضع زندانیان
مزبور را به حالت اول برگردانند و نتیجه را باین جمعیت اعلام نمایند .

مسئول کمیسیون معاضدت قضائی و حمایت زندانیان

احمد صدر (حاج سید جوادی)

(امضاء)

* - اصل نامه بدست نیامده است .

نامه به دادسرای شهرستان تهران و تقاضای معالجه
دیدگان مهندس لطفاله میثمی زندانی سیاسی

ح ۴/۴

۱۳۵۷/۳/۲۳

ریاست دادسرای شهرستان تهران

طبق مشروحه بانو محترم میثمی - آقای لطفاله میثمی مهندس رشته‌نفت دانشکده فنی‌تهران* فرزند آن بانو با اتهام سیاسی بزندان ابد محکوم وزندانی میباشد وزندانی مزبور علاوه بر اینکه یکدست خود را از دست داده از دیدگان نیز نابینا شده است ولی بنا باظهار اطباء زندان امید بمعالجه او (در صورتیکه بوسیله متخصصین ماهر عمل شود) میرود خواهشمند است مقرر فرمائید ترتیب معالجه دیدگان زندانی مزبور بهر صورت که در داخل یا خارج کشور وبوسیله اطباء متخصص فن ممکن باشد بهخرج مادر مشارالیه داده شود . و از نتیجه‌امراین جمعیت را آگاه فرمایند .

مسئول کمیسیون معاضدت قضائی و حمایت از زندانیان

احمد صدر (حاج سیدجوادی)

(امضاء)

* - اصل نامه بدست نیامده است .

تلگراف به دادستان شهرستان اصفهان و اعتراض به حمله اوپاش زندانی به زندانیان سیاسی شهربانی اصفهان و تقاضای رسیدگی

دادستان محترم شهرستان اصفهان
رونوشت: آقای دادستان کل کشور
آقای نخست وزیر

بقرار اطلاع واصله باین کمیته به تحریک رئیس زندان شهربانی اصفهان روز سه شنبه ۲۳ خرداد عده‌ای اراذل و اوپاش که جزو زندانیان عادی زندان شهربانی اصفهان هستند به زندانیان سیاسی بند ۲ حمله می‌برند و با چاقو و چوب و وسایل دیگر عده‌ای از آنانرا شدیداً "مصدوم و مجروح مینمایند بخدیکه بیست نفر از زندانیان سیاسی به بیمارستان اعزام میشوند و چهارنفر هنوز بستری هستند و حال یکی از آنان بنام بابائی وخیم است. علیرغم شکایت بستگان زندانیان مجروح باستاندار و ریاست شهربانی اصفهان تاکنون هیچگونه اقدامی در جهت تعقیب مسئولان و عاملین این حمله ناجوانمردانه بعمل نیامده است. کمیته اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر ضمن اعتراض باین عمل وحشیانه و غیرانسانی و جلب توجه مسئولان امر به رعایت و اجرای حقوق زندانیان سیاسی که بموجب اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر گردیده خواستار تعقیب فوری محرکین و عاملین این اعمال غیرقانونی و ضد انسانی میباشد.

کمیته اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

بیست و نهم خرداد ۱۳۵۷

نگراف به دادگاه جنائی اصفهان و اعلام پشتیبانی از دانشجویان
در حال محاکمه و تقاضای تأمین آزادی دفاع برای متهمین

آقای مرتضوی ریاست دادگاه جنائی اصفهان

ضمن اعلام پشتیبانی بیدریغ از دانشجویانی که در آن دادگاه به محاکمه
خوانده شده‌اند رعایت کامل حقوق و تضمیناتی که در قوانین ایران و اعلامیه
جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی برای متهمین سیاسی
پیش‌بینی شده بخصوص تأمین آزادی بی‌قید و شرط دفاع برای وکلای متهمین را
خواستار هستیم .

کمیته اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

امضاء: احمد صدر حاج سیدجوادی

بیست و نهم خرداد ۱۳۵۷

تلگراف به دادستان کل کشور و اعتراض به اعمال وحشیانه قوای نظامی در مراسم بزرگداشت دکتر شریعتی در بابلسر

چهارم تیرماه ۱۳۵۷

آقای دادستان کل کشور

رونوشت: آقای نخست وزیر

کمیسیون جهانی حقوق بشر

برطبق اطلاع رسیده باین جمعیت قوای نظامی و انتظامی در روز ۲۴* خرداد ۱۳۵۷ راهپیمائی آرام و مسالمت آمیز مردم بابلسر را در بزرگداشت سالروز وفات مرحوم دکتر علی شریعتی با نهایت شدت و قساوت متوقف مینمایند. عده کثیری را مجروح میسازند و ۲۷ نفر را بازداشت میکنند و به شهربانی بابلسر اعزام مینمایند. در شهربانی بر اثر شکنجه وحشیانه پلیس یکی از دستگیرشدگان بنام ایوب معادی دانشجوی سال چهارم مدرسه عالی علوم اقتصادی واجتماعی بابلسر فوت میکند و طی هفته گذشته با وجود مراجعات مکرر خانواده و بستگان وی پلیس حتی از تحویل جنازه دانشجوی شهید خودداری کرده است. جمعیت ایرانی دفاع

* - با توجه به مطلب مندرج در دومین مصاحبه مطبوعاتی جمعیت و اینکه راهپیمائی بمناسبت شهادت دکتر علی شریعتی انجام گرفته بوده، تاریخ ۲۸/۳/۵۷ صحیح می باشد.

از آزادی و حقوق بشر ضمن اعتراض باین عمل وحشیانه و ضد انسانی خواستار تعقیب و مجازات فوری کلیه عاملین و محرکین این جنایت بیشرمانه میباشد و وظیفه خود میدانند که افکار عمومی دنیا و مراجع بین المللی را نسبت به نقض مستمر حقوق بشر در ایران روشن نماید .

کمیته اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

نامه به نخست وزیر و اعتراض به اعمال ضدبشری کماندوهای شهربانی نسبت به زندانیان سیاسی

جناب آقای نخست وزیر

رونوشت - آقای دادستان شهرستان تهران

رونوشت - آقای شهربانی کل کشور

رونوشت - آقای دادستان ارتش

رونوشت - آقای رئیس کل زندانها

برطبق اطلاع رسیده باین جمعیت روز سه شنبه ۱۳۵۷/۴/۳ عده‌ای از کماندوهای شهربانی بدون هیچگونه علت و جهت قانونی بزندان ریخته و عده زیادی را مجروح و مضروب نموده‌اند ، که حال بعضی از آنها وخیم است و زندانیان مزبور بعنوان اعتراض به چنین عمل خلاف قانون و انسانیت دست باعصاب غذا زده‌اند که حال عده‌ای از آنها بوخامت گرائیده است .

چون عمل ما مورین برخلاف قوانین جاریه و برخلاف حقوق زندانیان است ، جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر این عمل وحشیانه و ضد بشری را بشدت محکوم نموده و مصرا " خواستار تعقیب ما مورین خاطی و دستور دهندگان بآنها میباشد .

مراتب فوق برای اطلاع مجامع بین‌المللی اعلام میگردد .

کمیته اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

امضاء : مهندس مهدی بازرگان

نامه به نخست وزیر و هشدار به مسئولان نسبت به مداوای
فوری حضرت آیت الله طالقانی در زندان شهربانی

جناب آقای نخست وزیر

رونوشت آقای دادستان تهران - رونوشت آقای دادستان ارتش - رونوشت ریاست کل
شهربانی کشور - رونوشت ریاست زندانهای شهربانی تهران

نامه واصله باین جمعیت* حکایت از شدت کسالت حضرت آیت الله طالقانی
در زندان شهربانی که بفشار خون و دیابت مبتلی هستند مینماید. مایه کمال
تعجب و تاسف این جمعیت است که چگونه اولیاء زندان بوضع مزاجی شخصیتی
والامقام و روحانی همچون آیت الله طالقانی کوچکترین توجهی مبذول نمینمایند.
مسئولین امر بجای آنکه بر مراقبت خود افزوده و لااقل هفته ای دوبار معظّم له
را نزد طبیب متخصص اعزام دارند ماههاست که هیچگونه آزمایش و مداوایی
درباره ایشان اعمال نموده اند.

جمعیت دفاع از آزادی و حقوق بشر مسئولیت ناگوار اینگونه اقدام خلاف
مقررات قانون و انسانیت و وخیم شدن کسالت حضرت آیت الله طالقانی رامتوجه
دستگاه حاکمه دانسته و پاسخگویی در هرگونه حادثه سوء و ناراحت کننده ای رابا
مقامات مزبور میداند.

این جمعیت اقدام عاجل و مداوای فوری درباره حضرت آیت الله طالقانی

* - رجوع کنید به نامه بانو بتول علائی فرد .

را خواستار است .
بیستم تیرماه جاری

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

نشانی: تهران جاده قدیم شمیران . جنب حسینیه ارشاد - اول خیابان شهرزاد
شماره ۱۲ طبقه دوم

نامه به دادسرای استان تهران و تقاضای رسیدگی به بیماری
خانم دکتر سیمین صالحی زندانی سیاسی زندان قصر

۴۰

۱۳۵۷/۸/۹

ریاست دادسرای استان تهران

فتوکپی نامه مورخ ۵۷/۸/۸ آقای مهندس محمود صالحی*، مبنی بر اینکه
فرزندش خانم دکتر سیمین صالحی که به حبس ابد محکومیت یافته و در زندان
قصر زندانی است بعلت بیماری چشم و جهازهاضمه و شکستگی پا در مخاطره است
و حاضر است بهزینه خود او را معالجه نماید، به پیوست ارسال میگردد. دستور
فرمائید نسبت بوضع وی رسیدگی و نتیجه را اعلام دارند.

کمیسیون معاضدت قضائی و حمایت از زندانیان

امضاء: احمد صدر حاج سیدجوادی

گیرندگان رونوشت:

۱- دادسرای شهرستان تهران جهت اقدام مقتضی

۲- آقای صادق قطب‌زاده در پاریس جهت اطلاع

۳- آقای دکتر یزدی در آمریکا جهت اطلاع

۴- آقای مهندس صالحی جهت اطلاع

نشانی: خیابان شمیران، خیابان شهرزاد پلاک ۱۲

*- اصل نامه بدست نیامده است.

نامه به دادسرای شهرستان شیراز و درخواست علت
زندانی کردن آقای مهندس رضا کاشانی

۴۲

۵۷/۸/۹

ریاست دادسرای شهرستان شیراز

فتوکی تلگراف مورخ ۵۷/۷/۳۰ دانشجویان آموزشگاه فنی الکترونیکازان
وابسته به دانشگاه شیراز* را مبنی بر اینکه آقای مهندس رضا کاشانی استاد موءسسسه
مزبور را مدتی است بدون جهت زندانی نموده اند ارسال گردد، دستور فرمائید
علت دستگیری و مرجعی که پیرونده نامبرده رسیدگی مینماید اعلام فرمایند .

کمیسیون معاضدت قضائی و حمایت از زندانیان

امضاء: احمد صدرحاج سیدجوادی

گیرندگان رونوشت:

- ۱- استانداری استان شیراز جهت اطلاع و هرگونه اقدام مقتضی
- ۲- آقای قطب زاده در پاریس جهت اطلاع
- ۳- آقای دکتر یزدی در امریکا جهت اطلاع

نشانی: خیابان شمیران . بالاتراز حسینیه ارشاد . اول شهرزاد . پلاک ۱۲

* - اصل نامه بدست نیامده است .

نامه به دادسرای شهرستان سنندج و تقاضای اعلام نتیجه
عاملین تیراندازی و ضرب و جرح نسبت به مردم سنندج

۴۴

۵۷/۸/۹

ریاست دادسرای شهرستان سنندج

فتوکپی تلگراف مورخ ۵۷/۷/۲۸ آقایان شیخ الاسلامی* و غیره مبنی بر اینکه
اعلام جرم آقای محمد صدیق کمانگر وکیل دادگستری در مورد تعقیب مأ مورین و
عاملین تیراندازی و ضرب و جرح نسبت به مردم بپیوست ارسال میگردد دستور
فرماید نتیجه اقداماتی که تاکنون نسبت بموضوع بعمل آمده است اعلام فرمایند .
کمیسیون معاضدت قضائی و حمایت از زندانیان سیاسی

امضا: احمد صدر حاج سیدجوادی

گیرندگان رونوشت:

- ۱ - دادستان استان سنندج جهت اعمال نظارت
- ۲ - آقای شیخ الاسلامی جهت اطلاع
- ۳ - آقای قطب زاده جهت اطلاع در پاریس
- ۴ - آقای دکتر یزدی جهت اطلاع در امریکا .

خیابان شمیران . بالاتر از حسینییه ارشاد . اول شهرزاد پلاک ۱۲

* اصل تلگراف بدست نیامده است .

نامه به نخست‌وزیر و تقاضای رسیدگی و تعقیب عاملین
به آتش‌کشیدن شهر کرمان و سرمایه مردم

۴۵
۵۷/۸/۹

جناب آقای نخست‌وزیر

فتوکی تلگرام مورخ ۵۷/۷/۲۷ آقایان محمد مهدی عقابیان، محمد حسین عقابیان و محمد علی عقابیان* مبنی بر اینکه در جریان آتش‌کشیدن شهر کرمان سرمایه آنان حدود هشتصد میلیون ریال از بین رفته است تقاضای رسیدگی و تعقیب مامورین و عاملین و اخلاص لگران را نموده‌اند به پیوست ارسال میگردد. دستور فرمائید نتیجه اقداماتی که تاکنون نسبت به آمرین و عاملین واقع بعمل آمده است اعلام نمایند.

کمیسیون معاضدت قضائی و حمایت از زندانیان
امضاء: احمد صدر حاج سیدجوادی

گیرندگان رونوشت:

- ۱- استاندار استان کرمان جهت هرگونه اقدام مقتضی
- ۲- دادستان استان کرمان جهت هرگونه اقدام مقتضی
- ۳- دادستان شهرستان کرمان جهت هرگونه اقدام مقتضی

* - اصل تلگراف بدست نیامده است.

-
- ۴- جناب آقای قطب‌زاده در پاریس جهت اطلاع
 - ۵- جناب آقای دکتر یزدی در امریکا جهت اطلاع
 - ۶- برای اطلاع آقای محمد مهدی عقابیان

خیابان شمیران ، بالاتر از حسینیه‌ارشاد ، اول شهرزاد ، پلاک ۱۲

نامه به دادگاه بخش درود و تقاضای رسیدگی و اعلام نتیجه
به دستگیری و ضرب و شتم دو تن از مردم بوسيله پليس

۴۶

۵۷/۸/۹

ریاست دادگاه بخش درود

فتوکپی نامه مورخ ۵۷/۷/۶ آقایان اسفندیار زارعلی و سعید فاتحی و غلام
گرمه* مبنی بر اینکه از طرف پلیس دستگیر و مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند به
پیوست ارسال میگردد. دستور فرمائید نسبت به موضوع رسیدگی و نتیجه را اعلام
دارند.

کمیسیون معاضدت قضائی و حمایت از زندانیان
امضاء: احمد صدر حاج سید جوادی

گیرندگان رونوشت:

- ۱- آقایان شکات جهت اطلاع
- ۲- آقای قطب‌زاده در پاریس جهت اطلاع
- ۳- آقای دکتر یزدی در امریکا جهت اطلاع

خیابان شمیران، بالاتر از حسینیه ارشاد، اول شهرزاد پلاک ۱۲

* - اصل نامه بدست نیامده است.

نامه به دادسرای دیوان کیفر و تقاضای رسیدگی نسبت به
تضییع حقوق و تصرف خلاف قانون املاک در گنبد

۴۷
۵۷/۸/۹

ریاست دادسرای دیوان کیفر

فتوکی نامہ مورخ ۵۷/۷/۱۴ آقای حاج رمضان خسروی * مبنی بر اینکه آقای
کامبیز آتابای رئیس انجمن اسب با تبنانی وزارت جنگ، مسئولین سازمان تعاون و
امور روستاها و دادستان شهرستان گنبد و غیره موجب تضییع حقوق و تصرف و
تسلط خلاف قانون املاک وی گردیده‌اند به پیوست ارسال میگردد. دستور فرمائید
به موضوع رسیدگی و نتیجه را اعلام فرمایند.

کمیسیون معاضدت قضائی و حمایت از زندانیان

امضاء: احمد صدر حاج سید جوادی

گیرندگان رونوشت:

- ۱- آقای حاج رمضان خسروی جهت اطلاع
- ۲- جناب آقای قطب زاده جهت اطلاع - پاریس
- ۳- جناب آقای دکتر یزدی جهت اطلاع - آمریکا

خیابان شمیران، بالاتر از حسینیه ارشاد، اول شهرزاد پلاک ۱۲

* - اصل نامه بدست نیامده است.

نامه به دادسرای شهرستان بهشهر و تقاضای اعلام نتیجه نسبت
به تعقیب کسانی که آقای رستم غذائی را مضروب ساخته‌اند

۴۸

۵۷/۸/۹

ریاست دادسرای شهرستان بهشهر

فتوکپی نامه مورخ ۱۳۵۷/۷/۳۰ آقای رستم غذائی* مبنی بر اینکه ضمن
اعتصاب فرهنگیان نامبرده مورد ضرب و جرح و شتم مامورین شهربانی قرار گرفته است
به پیوست ارسال میگردد. خواهشمنداست اقداماتی را که تاکنون در زمینه وضع
وی انجام گردیده است و اینکه پرونده وی در چه مرحله‌ای از رسیدگی است اعلام
دارند.

کمیسیون معاضدت قضائی و حمایت از زندانیان

امضاء: احمد صدرحاج سیدجوادی

رونوشت برای اطلاع و نظارت جهت آقای دادستان استان مازندران ارسال میگردد
که نتیجه اقدامات را اعلام فرمایند.

رونوشت برای اطلاع آقای قطب‌زاده به پاریس فرستاده میشود.
رونوشت برای اطلاع آقای دکتر یزدی به آمریکا فرستاده میشود.

خیابان شمیران، بالاتراز حسینیه‌ارشاد، اول شهرزاد پلاک ۱۲

* - اصل نامه بدست‌نیامده است.

نامه به دادسرای شهرستان تهران و تقاضای رسیدگی
نسبت به حال وخیم آقای حسین حسین زاده

۴۹
۵۷/۸/۹

ریاست دادسرای شهرستان تهران

فتوکپی نامه مورخ ۵۷/۸/۷ آقای محمد کچوئی * مبنی بر اینکه برادر همسرش
آقای حسین حسین زاده موحد که آخرین بار در تاریخ ۵۳/۹/۲۴ بوسیله مامورین
دستگیر و در زندان قصر زندانی و تاکنون مجموعاً ده سال تحمل حبس نموده است
و در حال حاضر از نظر جسمانی علیل و خطر مرگ دارد به پیوست ارسال میگردد
که نسبت بوضع وی رسیدگی و نتیجه را اعلام دارند .

کمیسیون معاضدت قضائی و حمایت از زندانیان

امضاء: احمد صدر حاج سید جوادی

رونوشت جهت اطلاع آقای قطب زاده به پاریس ارسال میگردد .
رونوشت جهت اطلاع آقای دکتر یزدی به آمریکا ارسال میگردد .

خیابان شمیران . بالاتر از حسینیه ارشاد . اول شهرزاد . پلاک ۱۲

* - اصل نامه بدست نیامده است .

نامه به دادسرای شهرستان سراب و تقاضای رسیدگی نسبت به
علت ضبط کتب مجاز و دستگیری غیرقانونی چند نفر

۵۱

۱۳۵۷/۸/۹

ریاست دادسرای شهرستان سراب

فتوکپی نامه مورخ ۵۷/۷/۲۵ آقایان محمد خدنگی و مهدی حقی * مبنی
براینکه ما مورین شهربانی محل بدون مجوز قانونی در منزل آنان به نفقش پرداخته و
کتاب و عکسهای مجاز آنان را برده‌اند، ثانیاً "علی خدنگی پدر خانواده ۵ نفری
و آقایان محمد توتونچی و بیوک توتونچی در ارتباط این جریان دستگیر و از آنان
اطلاعی در دست نیست، به پیوست ارسال میگردد دستور فرمائید چگونه جریان
را بررسی و علت ضبط کتب و دستگیری نامبردگان و مرجعی که پرونده در آن مطرح
رسیدگی است اعلام فرمائید.

کمیسیون معاضدت قضائی و حمایت از زندانیان

امضاء: احمد صدرحاج سیدجوادی

گیرندگان رونوشت:

- ۱- دادسرای استان تبریز جهت اطلاع و هرگونه اقدام مقتضی
- ۲- آقای قطب زاده جهت اطلاع در پاریس
- ۳- آقای دکتر یزدی جهت اطلاع در آمریکا
- ۴- آقای محمد خدنگی جهت اطلاع

خیابان شمیران، بالاتر از حسینیه ارشاد، اول شهرزاد پلاک ۱۲

* - اصل نامه بدست نیامده است.

فصل ششم:

اقدامات انجام شده

در رابطه با بمب گذاری

منازل بعضی از موسسین جمعیت

بیانیه نهضت آزادی ایران - خارج از کشور در مورد بمب گذاری در منزل مهندس بازرگان

بسمه تعالی
تروریسم شاهانه
توطئه علیه جان بازرگان

جهان ناظر مقاومت و حرکت مردم مسلمان و مبارز ایران و نگران آینده مبارزه آنها است. رژیم جنایتکار پهلوی بمنظور ایجاد تبلیغات سوء در جهان دست به جنایت جدیدی زده است که چندان بی سابقه نیست که رژیم هائی نظیر آن از قبیل شیلی، برزیل و آرژانتین و ۰۰۰ رژیم های گذشته چون آلمان هیتلری و ایتالیای موسولینی بآن دست یازیده بودند.

تشکیل گروه با اصطلاح "کمیته زیرزمینی انتقام" از افراد ساواک و مسلح کردن آنها به بمب و اسلحه گرم و سرد از فرآورده های همکاری بین المللی رژیم های جنایتکار و تحت سلطه امپریالیسم جهانی نظیر رژیم ایران است. رژیم سفاک پهلوی توسط این گروه از یک طرف به ضرب و شتم مردم بی پناه می پردازد و از طرف دیگر میخواهد به جهانیان بباوراند که "زدوخوردها" نتیجه "وجود آزادی" و "اختلاف عقیده" مردم بوده و سردمداران رژیم از آن بی اطلاع هستند. بنابراین از یک طرف توسط نیروهای مسلح مردم را قتل عام میکند و از طرف دیگر توسط حقوق بگیران ساواک افراد را میکشد. شاه خائن به عبث میکوشد زیرا دیگر حنای او نزد مردم ایران و حتی جهانیان رنگ ندارد و همه او را بعنوان اولین جنایتکار می شناسند.

جنایت های رژیم بخصوص علیه رهبران و فعالین اسلامی حالت سبعانه خاصی

بخود گرفته و می‌گیرد زیرا ترس اصلی از این گروه است.

در ساعت یازده شب روز شنبه ۱۹ فروردین ۵۷ در داخل آپارتمان مهندس بازرگان که یکی از سرسخت‌ترین رهبران نهضت اسلامی علیه رژیم بوده و می‌باشد بمب‌کار گذاشته‌اند بطوریکه در اثر انفجار درب ورودی آپارتمان که در ضلع جنوبی است از پنجره ضلع شمالی به خیابان پرتاب شده است و همچنین شیشه خانه‌های اطراف به شعاع حداقل صد متر خرد شده است. آپارتمان بطوری متلاشی شده که قابل شناخت نیست و این نوع بمب‌گذاری و تخریب جز برای از بین بردن بازرگان هیچ هدف و انگیزه‌ای نمیتوانست داشته باشد.

در ساعت ۹ شب همان روز دکتر پیمان را که یکی از افراد فعال و قابل احترام نهضت اسلامی است و چندی پیش از زندان آزاد شده بود از جلوی درب مطبخ ربوده به جاده قدیم کرج می‌برند و او را به قصد کشت مضر و مجروح می‌نمایند و همانجا رها میکنند که اگر کمک رهگذران نبود شاید زنده نمی‌ماند. این نوع جنایت علیه رهبران و فعالین مسلمان خود از هرگونه تفسیری بی‌نیاز است.

در همان شب در جلوی درب ورودی منزل آقای دکتر کریم سنجابی، عضو کمیته اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر، نیز بمب کار گذاشته بودند که خسارات چندانی وارد نشده است. در تمام موارد بمب‌گذاران ساواک کاغذی که با خود کار آبی نوشته شده بود از خود بجای گذاشته‌اند بایک خط و یک متن: "آقای ... این اولین اخطار کمیته زیر زمینی انتقام است به شما".

مجموع این بمب‌گذاری‌ها و جنایات نشان دهنده ضعف رژیم در مقابله با مقاومت و قدرت عملی مردم است که تاریخ حکومت‌های پلیسی و توتالیتر مملو است از این گونه جنایات و هربار که رژیم دست به چنین اعمالی زده است عملاً نشان داده که در سراسرایی سقوط است.

نهضت آزادی ایران خارج از کشور چون گذشته کلیه قدرت و نیروی خود را برای افشای ماهیت واقعی رژیم کماکان بکار می‌برد و جنایات آنرا علیه مردم مسلمان و مبارز ایران با توسل به تمامی وسائل ممکنه و مشروع برملا خواهد نمود. از تمامی خواهران و برادران مسلمان نیز انتظار دارد که در این راه از هیچ گونه اقدامی مضایقه نکنند و در پناه اسلام و در چهارچوب آن به مبارزه‌های جدی و بی‌امان علیه

رژیم و وابستگی آن‌ویا منحرف‌کنندگان مبارزه در هر نقطه و به هر شکل ممکن ادامه دهند.

نهضت آزادی ایران خارج از کشور

بتاریخ ۳۰ ربیع‌الثانی ۹۸ برابر ۲۰ فروردین ۵۷

نامه آقای رحیم صفاری یکی از اعضاء مؤسس جمعیت به نخست وزیر
در پاسخ اخطار و تهدید شدید تلفنی ایادی رژیم

تاریخ : ۲۵۳۷/۱/۲۱

آقای جمشید آموزگار "نخست وزیر"

پس از حمله به آقای دکتر پیمان و مضروب ساختن ایشان در بیابانهای غرب
تهران و ایجاد انفجار در خانه های آقای مهندس مهدی بازرگان و کریم سنجابی
و رحمت الله مقدم مراغه ای اعضاء کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر عصر روزیکشنبه
بیستم ماه جاری ناشناسی که خود را معرفی نکرد بنام کمیته انتقام تلفن کرد و در
اخطار تلفنی بشدت مرا مورد تهدید همه جانبه قرار داد حتی در کمال وقاحت
مرا جاسوس خطاب کرد.

البته من در سراسر زندگیم از این تهدیدها زیاد دیده بارها در مظان خطر
مرگ قرار گرفته ام و بارها گفتم که پیرو حق را از مرگ باکی نیست اما چون شأن
اجتماعی و شخصیت من اجازه پاسخ گوئی به هر مزدوری را نمیدهد و افتخار من
این است که هرگز سر بر آستان هیچ بیگانه ای نگذاشته ام و سوابق من در مبارزه با
استعمار و همه بیگانه پرستان بر افراد این سرزمین روشن است به او پاسخی ندادم
ولی چون این دسیسه ها را از معزهای میدانم که در مکتبهای کمونیسم و فاشیسم
تعلیم یافته اند و اکنون خدمتگزار حکومت شده اند بدینوسیله تجدید حیات قوای
اس اس هیتلری را در دوران رستاخیز به جناب عالی و عموم همکاران تبریک میگویم
و لفظ رکیک جاسوس را که شایسته کسانی است که در سایه جاسوسی از گمنامی به
مقامات مهم رسیده اند و در بدنامی و بدطینتی به جنایات خود ادامه میدهند

و چنین کمیته‌های ننگین را از رجاله‌ها به منظور دشمنی با آزادی و حقوق بشر و تهدید و تخویف شریفترین و وطن‌دوست‌ترین آزادیخواهان تشکیل داده‌اند برمیگردانم زیرا در سراسر تاریخ جهان این داغدیدگان و ستمزدگان و غارت‌شدگان و محرومیت‌یافتگان و تحقیرشدگان بوده‌اند که برای انتقام بپا خاسته‌اند نه دزدان و غارتگران و ایادی کثیف آنان .

حدیث نیک و بد ما نوشته خواهد شد

زمانه را سند و دفتری و دیوانیست

رحیم صفاری

امضاء

اعلام جرم آقای مهندس بازرگان خطاب به دادستان شهرستان تهران در ارتباط با بمب‌گذاری منزل ایشان

روز ۲۳ فروردین ماه ۱۳۵۷ آقای مهندس بازرگان ،
پس از ایجاد انفجار در مقابل آپارتمان مسکونی
ایشان تلگرافی برای دادستان تهران فرستادند
و متن آنرا هم منتشر نمودند . این متن بشرح
زیر می باشد :

جناب آقای دادستان شهرستان تهران

در ساعت ۱۱ بعد از ظهر و یک بعد از نیمه شب و دو بعد از نیمه شب ، شب
گذشته (۱۳۵۷/۱/۱۹) سه بمب در منزل مسکونی اینجانبان مهندس مهدی بازرگان
- دکتر کریم سنجابی و مهندس رحمت الله مقدم مراغه‌ای منفجر شده و خسارات
هنگفتی ببار آورده است . عاملین انفجار در هر سه مورد اعلامیه‌های مشابهی خطاب
به صاحب منزل از خود بجای گذارده‌اند به این مضمون که : "آقای . . . این اولین
هشدار سازمان زیرزمینی انتقام بشماست" . مراتب بکلانتری‌های ۹ و نیاوران و
کلانتری ۳ امانیه اعلام گردید و ضمن تشکیل پرونده مامورین بمحل اعزام شدند
با انجام تحقیقات و معاینه خسارات مراتب صورت مجلس گردید . لذا ضمن اعلام
جرم تقاضای تامین جانی و مالی و رسیدگی به موضوع و تعقیب عاملین انفجار را
داریم .

نامه جمعی از شخصیتها خطاب به نخست‌وزیر در ارتباط با
بمب‌گذاری عوامل رژیم در خانه مؤسسين جمعيت و . . .

۲۸ فروردین ۱۳۵۷

بسمه تعالی

جناب آقای آموزگار نخست‌وزیر

مسلماً " از واقعه بی سابقه گذاشتن بمب در خانه آقایان مهندس بازرگان و دکتر کریم سنجابی و مهندس رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای و حاج محمود مانیان و انفجار آنها که موجب خرابیها و خسارات فراوان گردیده و نیز از ماجرای ربودن آقای دکتر حبیب‌الله پیمان در مقابل مطب (توام با ایراد ضرب و شتم در بیابانهای اطراف تهران) بخوبی مطلع بوده و از نتایج آن وقوف کامل کرده‌اید. گرچه ما خوب میدانیم که جنابعالی در تصمیم‌گیری هیچ اختیاری ندارید ولی چون در مقامی قرار دارید که بطور قانونی مسئول کلیه امور هستید این نامه بعنوان شما نوشته میشود.

نکته قابل توجه مخصوص این است که در هر چهار محل انفجار بمب، نسخ متعددی یادداشت فتوکپی شده‌ای خطاب به صاحبخانه گذاشته شده است باین مضمون (آقای . . . این اولین هشدار سازمان زیرزمینی انتقام به شماست) و این اقدام پس از مصاحبه نماینده با اصطلاح جناح پیشرو حزب رستاخیز راجع به تشکیل کمیته اقدام ملی صورت گرفته است.

ماهیت و نحوه اقدام در انفجار و دستگیری و آدم ربائی در مورد کسانی اعمال شده است که عضو جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر هستند و عملی جز در طریق احیاء حق حاکمیت ملی، همگامی با مراجع مذهبی در مخالفت با اقدامات ضد دینی و ضد مردمی حکومت و حمایت از زندانیان بی گناه سیاسی انجام نداده اند تا کسی در مقام گرفتن انتقام از آنان باشد.

ما ضمن ابراز انزجار از چنین اربابها و تهدیدهای وحشیانه و محکوم کردن هرنوع تلاش برای اغفال مردم و توطئه علیه مخالفان از افراد ملت، اعلام میکنیم که همه افراد ملت ایران و حتی جهان خارج میدانند که صحنه سازیهایی همچون خرابکاری و ارباب فوق از جمله دسیسه ها و نقشه هایی است که از طرف مغزهای بی منطق عاملان استبداد کشیده شده و به اجرا در می آید تا از یک طرف ملت حق طلب را متهم به عدم رشد کنند و از طرف دیگر افکار عمومی مردم ایران و جهان را از ظلم و فساد و تعدیات بی حساب دستگاه حکومت منحرف و معطوف به مسائل دیگر سازند.

آقای آموزگار

این مایه تأسف است که هیئت حاکمه خصوصاً "مقام فرماندهی ورهبری منحصر به فرد آن که شما و سایر مسئولان امور اختیارات و اقتدار حکومت را مربوط به آن مقام میدانید) بجای استفاده از منطق صحیح و مطلوب زمامداری و دعوت افرادی از میلیونها مردم ناراضی مملکت به مناظره و مباحثه در وسایل ارتباط جمعی به چوب و چماق و اسلحه سرد و گرم بالاخره به بمب متوسل میشود. هیئت حاکمه از یک طرف ادعا میکند که در جهت گسترش آزادیهای از بین رفته و ایجاد فضای باز سیاسی قدم بر میدارد از طرف دیگر حتی کمترین نوشته انتقادآمیز را در ساده ترین مسائل سیاسی و مملکت و کمترین اقدام فردی و جمعی را برای نیل به آزادیهای اولیه و اساسی تحمل نمیکند و بالعکس به تاکتیک مطرود و منفور ایجاد آشوب و اغتشاش و برگزاری تظاهرات اخیر از جمله تبریز که با اعزام مامورین دولتی از تهران و با وسایل نقلیه دولتی و عمومی و اغفال بعضی از مردم آذربایجان صورت گرفته است مبادرت می نماید.

در پایان ناگزیر از بیان این واقعیت هستیم که با چنین اعمال و بفرض از

بین بردن مبارزین هیچ فرد حق طلب ایرانی از این تهدیدها و اربابها کمترین هراسی به دل راه نمی دهد و از تنها راهی که برای احقاق حقوق از دست رفته خود در پیش گرفته بر نمی گردد و نتیجه ادامه این گونه اعمال حکومت جز تغییر روش مسالمت آمیز ملت و تبدیل آن به قهر و خشونت و آشوب نخواهد بود و عمیقا "ایمان دارد که من الله التوفیق وعلیه التکلان ."

سید ابوالفضل موسوی زنجانی - عباس آهوچشم - محمد صادق اسلامی - محمد بسته نگار - محمد بصیریان - سید عباس بهشتی - سید صالح بنافتی - عبدالعلی پرتوعلوی - علی اکبر پورا استاد - امیرحسین پولادی - مهندس عباس تاج - دکتر نورعلی تابنده وکیل پایه یک دادگستری - مهندس محمد توسلی - سید محمد مهدی جعفری - ولی الله چهپور - دکتر علی اصغر حاج سیدجوادی - ابوالفضل حکیمی - رضا حاج علی اصغری - محمد درویش - خلیل الله رضائی - عباس رادنیسا - حسن روحانی - اکبر زرینه یاف - دکتر کاظم سامی - دکتریدالله سبحانی - حسن سعیدی - حسین شاه حسینی - دکتر باقر شایورد - هاشم شبستری زاده - دکتر عباس شبانی - محمد علی شیشه گر - موسی شیخزادگان - احمد صدر حاج سیدجوادی وکیل پایه یک دادگستری - مهندس هاشم صباغیان - علی صدری - احمد علی بابائی - دکتر حسین عالی - دکتر رحیم عابدی - حاج سید مجتبی قائم مقامی - مرتضی کتیرائی - دکتر عبدالکریم لاهیجی وکیل پایه یک دادگستری - دکتر اسدالله مبشری وکیل پایه یک دادگستری - دکتر ناصر میناچی وکیل پایه یک دادگستری - منوچهر ملکی معیری - محمود مراتی - عبدالله مولائی نژاد - امرالله مقصودی - اصغر مولائی - کاظم متحدین - غلامرضا مرتضوی - مهندس علی اکبر معین فر - حسن نزیه وکیل پایه یک دادگستری - دکتر فرج الله ناصری .

درخواست مؤکد مجمع جهانی حقوق بشر از نخست وزیر جهت رسیدگی به بمب‌گذاری اخیر در منازل سه تن از رهبران جمعیت*

یکشنبه ۲۳ آوریل ۱۹۷۸ = ۵۷/۲/۳

مجمع جهانی حقوق بشر امروز (یکشنبه بیست و سوم آوریل ۱۹۷۸) موکداً از آقای جمشید آموزگار نخست وزیر ایران خواستار رسیدگی در مورد بمب‌گذاری‌های اخیر در منازل سه نفر از رهبران برجسته طرفداران کمیته حقوق بشر ایران گردیده است.

بمب‌گذاری در اواخر شب هشتم آوریل ۱۹۷۸ بوقت تهران انجام یافته است در موقع انفجار بمب در منازل آنان کسی نبوده است. سه نفر رهبران ایرانی اعضاء کمیته طرفداران آزادی و حقوق بشر هستند که با شرکت افراد مشهور برای دفاع از حقوق بشر در ایران تشکیل یافته است. سه نفر رهبران مذکور عبارتند از، آقای مهدی بازرگان یکی از مؤسسين کمیته طرفداران آزادی حقوق بشر در ایران است نامبرده یکی از مهندسين و رؤءسای اسبق شرکت ملی نفت ایران میباشد. دکتر کریم سنجابی وزیر فرهنگ سابق و آقای رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای یکی از اعضاء برجسته کمیته میباشد.

مجمع جهانی حقوق بشر از نخست وزیر خواسته است درباره گزارشات واصله حاکی از آنکه بمب‌گذاری‌ها بوسیله کمیته‌های اقدام که از طرف دولت تشکیل یافته

* گزارش خبرنگار خبرگزاری . . . که متأسفانه نام آن بدست نیامد .

است تحقیق نماید. دستجات مخالف این کمیته‌ها را "گروه‌های انتقام" نام گذاری نموده‌اند.

مجمع جهانی حقوق بشر همچنین از نخست وزیر خواسته است در باره ایزا و آزاری که نسبت به دکتر علی سیدجوادی نویسنده سرشناس و منتقد اجتماعی شده و نامه‌های تهدیدآمیزی دریافت نموده است تحقیق و رسیدگی نماید اعضاء خانواده آقای سیدجوادی مورد تهدید و ضرب قرار گرفته‌اند دکتر سیدجوادی یکی از اعضاء کمیته طرفداران آزادی و حقوق بشر ایران و کمیته دفاع از حقوق زندانیان سیاسی است که اخیراً "تشکیل گردیده است.

مجمع جهانی حقوق بشر که یک سازمان غیر دولتی جهانی است که در سال ۱۹۴۲ تشکیل یافته و کوشش خود را در راه اشاعه و حمایت حقوق بشری عموم افراد براساس قانون بین‌المللی حقوق بشر مصروف مینماید. مجمع تنها سازمان جهانی غیر دولتی است که مطلقاً و منحصرأً برای تحقیق این آرمان تشکیل گردیده و مرکز آن در ایالات متحده آمریکا قرار دارد.

برای کسب اطلاع بیشتری با ر. بیمان ۹۵۵۴ - ۹۷۲ تماس گرفته شود.

نامه آقای دکتر عبدالکریم لاهیجی سخنگوی جمعیت به
دادستان شهرستان تهران جهت تعقیب عاملین حمله به ایشان

۱۳۵۷/۲/۹

دادستان محترم شهرستان تهران

رونوشت - آقای محسن پزشکپور رئیس کمیسیون عرایض مجلس شورای ملی

رونوشت - روزنامه کیهان

رونوشت - روزنامه اطلاعات

در ساعت ۷ بعد از ظهر روز پنجشنبه هفتم اردیبهشت ماه جاری در خیابان شریا در معیت پسر خرد سالم هنگامی که قصد سوار شدن به اتومبیل را داشتم مورد هجوم شش نفر از ارادل حرفه‌ای و مامور، که در هفته‌های اخیر تحت عنوان "کمیته اقدام" و "کمیته زیرزمینی انتقام" و "نیروی پایداری" بمنزل افراد و شخصیت‌های مخالف خفقان بمب می‌اندازند و عده دیگری از آنان را مورد ضرب و شتم و دشنام و تهدید قرار داده و می‌دهند، قرار گرفتیم و اگر فریادهای استغاثه فرزندم نبود از ضربات مهلک و کشنده‌ای که به سر و صورتم وارد می‌آوردند جان سالم بدر نمی‌بردم و بالاخره با اجتماع عده‌ای از عابریین و کسبه مرا رها کردند و با دو اتومبیل پیکان متواری شدند. بر اثر ضربات وارده مدت دو روز است که حالت نسیان و فراموشی دارم. در بیمارستان آپادانا تحت معالجه و عکسبرداری قرار گرفتم. از ناحیه سرو صورت و دندانها شدیداً "مصدوم شده‌ام و در حال حاضر

در منزل واقع در خیابان ظفر خیابان حجت کوی نور شماره ۱۲ بستری هشتم و در شرایطی که خود و خانواده‌ام هیچگونه امنیت جانی و مالی و مسکن نداریم به اعتقاد اینکه دادگستری آخرین و تنها پناهگاه و ملجاء ستمدیدگان و مظلومین است با امید تظلم و دادخواهی و تعقیب عاملین و مسببین و محرکین این حادثه ناجوانمردانه و غیر انسانی به تقدیم این شکوائیه از بستر بیماری مبادرت می‌کنم .

با تقدیم احترام

دکتر عبدالکریم لاهیجی وکیل دادگستری

(محل امضاء)

نامه آقای دکتر عبدالکریم لاهیجی به دادستان شهرستان
تهران جهت تعقیب عاملین انفجار دفتر کار ایشان

۱۳۵۷/۲/۹

آقای دادستان شهرستان تهران

رونوشت - آقای محسن پزشکیور ریاست کمیسیون عرایض مجلس شورای ملی

رونوشت - روزنامه کیهان

رونوشت - روزنامه اطلاعات

در تعقیب شکوائیه امروز در مورد حمله مهاجمین مزدور و مامور باینجانب
باستحضار میرساند که حمله کنندگان متعاقب هجوم وحشیانه خود بدفتر وکالت
اینجانب واقع در بولوار الیزابت شماره ۱۱۲ طبقه پنجم مراجعه کرده و با اغفال
نگهبان دفتر به عنوان اینکه با اینجانب قرار ملاقات دارند وارد ساختمان میشوند
و در آنجا بمب کار میگذارند و دقایقی بعد انفجار مهیبی رخ میدهد و خسارات
فراوانی بار میآورد. مراتب به کلانتری ۷ اعلام شده و پرونده‌ای تشکیل گردیده
است. اینست معنی ثبات و آرامش و امنیت در مملکت ما و آنهم درباره شخصی که
گاهی به جز دفاع از حق و قانون و ستم‌دیده و مظلوم نداشته و ندارد. استدعا
دارد این شکوائیه را هم بضمیمه شکایت قبلی مورد رسیدگی عاجل قرار دهند. مابقی
توضیحات پس از ارجاع پرونده به شعبه مرجوع الیه داده خواهد شد.

با تقدیم احترام

دکتر عبدالکریم لاهیجی وکیل دادگستری

(محل امضاء)

گزارش خبرنگار کیهان مبنی بر در دست تحقیق قرار گرفتن شکایات آقایان مهندس بازرگان و دکتر سنجابی علیه کمیته انتقام در دادگستری*

شکایت مهندس بازرگان و دکتر سنجابی از سازمان انتقام مهندس مهدی بازرگان ، دکتر کریم سنجابی ، دکتر عبدالکریم لاهیجی ، منوچهر مسعودی ، هدایت‌الله متین دفتری و مهندس رحمت‌الله مقدم علیه کمیته اقدام و سازمان زیرزمینی انتقام به دادگستری شکایت کرده‌اند . این عده ضمن تسلیم شکایت خود گفته‌اند که به دنبال بمب‌گذاری در خانه‌هایشان و نیز مضروب کردن لاهیجی در خیابان باید عاملین این حوادث تحت تعقیب قرار گیرند و چگونگی ماجرا روشن شود . براساس گزارش خبرنگار کیهان از دادگستری شکایت این عده برای تحقیق به دادیاران شعب مختلف دادرسی تهران ارجاع شده است و بررسی این شکایت‌ها از طریق مقامات قضائی ادامه دارد .

گزارش خبرنگار کیهان در باره بمب‌گذاری سازمان زیرزمینی انتقام و رسیدگی به شکایت مهندس بازرگان ، دکتر سنجابی و وکلای دادگستری*

در باره بمب‌گذاری سازمان زیرزمینی انتقام
رسیدگی به شکایت مهندس بازرگان ، دکتر سنجابی و وکلای دادگستری آغاز شد

بازپرس دادسرای تهران بدنبال دریافت پرونده شکایت مهندس مهدی بازرگان -
دکتر کریم سنجابی - مهندس رحمت الله مقدم مراغه‌ای - دکتر حبیب‌الله پیمان -
هدایت‌الله متین دفتری - منوچهر مسعودی و دکتر عبدالکریم لاهیجی تحقیقات
وسعی را آغاز کرد. این گروه شکایت کرده‌اند که در خانه و یا محل کارشان بمب
کار گذاشته و یا مورد ضرب و حمله افرادی قرار گرفته‌اند.

ماجرای بمب‌گذاری در خانه مهندس مهدی بازرگان - دکتر کریم سنجابی
و مهندس مقدم مراغه‌ای در ساعتهای بین ۱۱ شب تا ۲ بعداز نیمه شب نوزدهم
فروردین ماه سال جاری رخ داد و یک سازمان زیرزمینی بنام سازمان زیرزمینی انتقام
مسئولیت این حوادث را که منجر به خرابی‌هایی در محل بمب‌گذاری شده ، بعهدہ
گرفته است. در اطلاعیه‌هایی که این سازمان زیرزمینی در محل‌های بمب‌گذاری
شده در و دیوار چسبانیده نوشته شده بود:

این اولین هشدار سازمان زیر زمینی انتقام به شماست

پس از این حوادث در بعد از ظهر بیست و نهم فروردینماه دو بمب نیز در
محل کار دو تن از وکلای دادگستری (دکتر هدایت‌الله متین دفتری و منوچهر

مسعودی) منفجر شد و ۹ روز بعد دکتر لاهیجی وکیل دادگستری در خیابان ثریا مورد حمله و ایراد ضرب و جرح عده‌ای ناشناس قرار گرفت و دفتر کارش نیز با بمب منفجر شد. این عده در پی حوادثی که برایشان رخ داده بود، هر یک جداگانه طی اعلام جرمی به دادستان تهران علیه سازمان زیرزمینی انتقام و مسئولین این حوادث شکایت کردند و خواستار تعقیب آنان شدند. بدستور دادستان پرونده‌هایی در مورد این شکایات تشکیل شد و رسیدگی به آنها به بازپرس شعبه ۸ دادسرای تهران ارجاع شد و بازپرس تحقیقات وسیعی را آغاز کرد. از سوی دیگر دکتر عبدالکریم لاهیجی شکایت دیگری در مورد ایراد ضرب و جرح توسط عده‌ای ناشناس به دادسرا تسلیم کرد و در این شکایت علیه سازمان زیرزمینی انتقام شکایت کرد. رسیدگی به پرونده این شکایت نیز به دادیار شعبه ۸ ارجاع شد و دادیار به تحقیق پیرامون این پرونده پرداخت.

طبق اطلاع خبرنگار کیهان، دکتر حبیب‌الله پیمان نیز که چندی قبل توسط عده‌ای ناشناس از جلو مطب خود ربوده شده است، شکایتی تسلیم دادستان تهران کرد و طی آن خواستار تعقیب ربایندگان خود شد. دکتر حبیب‌الله پیمان در شکایت خود نوشته است که در ساعت ۸/۵ بعد از ظهر هنگامیکه قصد خروج از مطب خود را داشتم ۵ نفر ناگهان بمن حمله کردند و با انداختن یک کیسه روی سرم مرا به داخل اتومبیلی بردند و بطرف نقطه نامعلومی شروع به حرکت کردند این ۵ نفر در داخل اتومبیل ضرباتی بامشت به سر و صورت و بدنم وارد کردند. آنان پس از طی مسافتی اتومبیل خود را عوض کردند و مرا به اتومبیل دیگری منتقل نمودند و مجدداً به راه خود ادامه دادند. ربایندگان سپس مرا در بیابانی که بعداً متوجه شدم حدود کاروانسرا سنگی واقع در جاده کرج است پیاده کردند و دسته جمعی به کتک زدن من پرداختند. آنان میخواستند مرا بقتل برسانند ولی پس از مشورتی که با یکدیگر کردند از تصمیم خود منصرف شدند و فرار کردند. این پرونده نیز به بازپرس شعبه ۸ ارجاع شد که بازپرس رسیدگی به آن را ادامه میدهد.

خبرنگار کیهان همچنین گزارش میدهد حاج محمود مانیان، بازرگان معروف نیز بیخاطر اینکه در نیمه شب نوزدهم فروردینماه انفجار بمب در خانه‌اش واقع در پل رومی خرابی‌هایی بار آورده و تولید وحشت و هراس کرده است، شکایتی از

سازمان زیرزمینی انتقام تسلیم دادسرای تهران کرده است. بدستور سرپرست این دادسرا رسیدگی به پرونده شکایت این بازرگان به بازپرس ارجاع شد و بازپرس به تحقیق در مورد ماجرا پرداخت بدنبال تحقیقات بازپرس، ماموران آگاهی حاج محمود مانیان را برای پاره‌ای تحقیقات به آگاهی احضار کردند و به تحقیق از او پرداختند. هم‌اکنون پرونده‌های آنان تحت بررسی است و تحقیقات ادامه دارد.

گزارش خبرنگار روزنامه رستاخیز درباره آغاز رسیدگی به
شکایت دکتر سنجابی و مهندس بازرگان در دادگستری*

رسیدگی به شکایت دکتر سنجابی و مهندس بازرگان در دادگستری آغاز شد

بازپرس دادسرای تهران به دنبال دریافت پرونده شکایت مهندس مهدی بازرگان ، دکتر کریم سنجابی ، مهندس رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای ، دکتر حبیب‌الله پیمان ، هدایت‌الله متین دفتری ، منوچهر مسعودی ، دکتر عبدالکریم لاهیجی ، تحقیقات وسیعی را آغاز کرد . این گروه شکایت کرده‌اند که در خانه و یا محل کارشان بمب کار گذاشته و یا مورد ضرب و حمله افرادی قرار گرفته‌اند .

اطلاعات بیشتر درباره بمب‌گذاری منازل مخالفین دولت*

چندی است که ساواک میکوشد که نه از طریق دستگیری و زندان بلکه بطور غیرمستقیم مخالفین شاه را وادار به عقب نشینی و سکوت نماید. چنانکه بامفجر ساختن بمب‌قوی در شب شنبه ۳۰ فرودین ماه در ساعت ۱۱ شب در محل مسکونی آقای مهندس مهدی بازرگان در طبقه نهم ساختمان واقع در خیابان غزالی و بجای گذاردن یادداشت تهدید آمیز، این مبارزین برحق را ارباب نماید. شرح جزئیات این برنامه‌ها در طی اعلامیه‌های جداگانه منتشر شده است نمونه‌ای از یادداشتی که در محل بمب‌گذاری بجای گذاشته‌اند در زیر ملاحظه میشود:

آقای بازرگان . این اولین
هرستار سازما زیر زمینی انتقام
به شماست

بعد از انفجار ابتدا از طرف آتشفشانی ظاهرا به اهالی آپارتمانها مراجعه و اظهار میکنند که باید کپسول گازی منفجر شده باشد سپس از طرف کلانتری یک نفر افسروچند نفر پاسبان مراجعه و صحنه را صورت مجلس میکنند . ساعت ۲ گروه چهار نفری مسلح از طرف کمیته دفاع برای بررسی انفجار مراجعه میکند و ضمن گرفتن عکس از خرابیها از آقای مهندس علت را سؤال میکنند ایشان اظهار میکنند این انفجار بهیچوجه جنبه انتقام شخصی یا خانوادگی ندارد و بطور قطع توسط کسانی انجام شده است که با فکر و مرام و رویه سیاسی من مخالف هستند . تا صبح مخبرین

* نقل از نشریه "پیام مجاهد" ارگان نهضت آزادی ایران - خارج از کشور، شماره

۵۸، خرداد ۱۳۵۷

و عکاسان جراید برای گرفتن عکس مراجعه میکردند .

همچنین صبح روز یکشنبه مامورینی به منزل آقای دکتر سنجابی مراجعه میکنند و تاکید و اصرار مینمایند که شما از چه کسی شکایت دارید؟ دکتر سنجابی جواب میدهد از کمیته اقدام جناح پیشرو حزب رستاخیز و ساواک .

در همین شب بمب مشابهی در جلو درب منزل آقای حاج مانیان گذارده اند که منجر به شکسته شدن شیشه های ساختمان ایشان شده است .

گفته میشود انفجارهای فوق توسط گروه اقدام جناح پیشرو حزب رستاخیز و به کمک ساواک انجام شده است . علاوه بر بمب گذاری در منازل این اشخاص بمب های دیگری نیز در منازل آقای مهندس مقدم و دو نفر از وکلای دانشجویانی که بجرم پخش اعلامیه در حال محاکمه هستند گذاشته و منفجر کرده اند .

البته عملیات ساواک به همین جا ختم نشده بلکه بصور گوناگون توسعه و گسترش یافته است و بسیاری دیگر را در بر گرفته چنانکه از اواخر فروردین گذشته افرادی به نام همین سازمان زیرزمینی انتقام بوسیله تلفن و ضمن کلمات زنده های آقای علی اصغر حاج سید جوادی را به مرگ تهدید نمودند . مزاحمت و تهدید تلفنی بشخص ایشان محدود نشده بلکه اعضاء خانواده شان را هم شامل گردیده است . از جمله اتومبیلی هر روز با تعقیب دختر کوچک ایشان موجب وحشت خانواده ایشان گردیده اند . آقای حاج سید جوادی با انتشار نامه ای بهمین مناسبت نوشته اند که "اگر مرگ سرانجام راه زندگی است فرماندهان سازمان زیرزمینی انتقام بدانند که من از راه زندگی خود برنخواهم گشت . حتی اگر من و خانواده ام به پایان طبیعی نرسیده به افتخار شهادت نائل شویم " .

بعد از انتشار اخبار این بمب گذاری ها ، نهضت آزادی ایران با صدور اطلاعیه های مطبوعاتی مراتب را با اطلاع سازمانهای بین المللی حقوق بشر و خبرگزاریهای جهان میرساند . از طرف سازمانهای بین المللی حقوق بشر و شخصیت ها تلگرافات و اعتراضاتی به مقامات دولتی ایران ارسال میگردد . جامعه بین المللی حقوق بشر در اطلاعیه مطبوعاتی خود در ۲۳ آوریل ضمن گزارش این امر ، اعتراض خود را باین گونه عملیات فاشیستی اعلام نموده است .

فصل هفتم:

گزارش ناظران و سازمانهای

جهانی پیرامون نقض حقوق بشر در ایران

مقدمه

فعالیت‌های بین‌المللی توسط ایرانیان مقیم خارج از کشور در جهت افشای ماهیت رژیم شاه و عملکرد استبداد سلطنتی دامنه‌ای بس گسترده داشته است و بدلیل حساسیت رژیم شاه به افکار عمومی مردم جهان، فعالیت‌هایی از این قبیل بنوبه خود بسیار موثر بوده‌اند.

فعالیت‌های بین‌المللی از سال‌های دراز کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آغاز گردید و تا آخرین روزهای سقوط شاه ادامه داشت. جمع‌آوری اسناد این فعالیت‌ها روشنگر بسیاری از خطوط مبارزاتی ملت ایران میباشد که به فرصت و امکانات وسیع‌تری احتیاج دارد.

در این فصل صرفاً "برخی از این اسناد که در حال حاضر در دسترس بودند تنها برای معرفی نوع فعالیت‌ها منتشر می‌گردند و امید است که بزودی با جمع‌آوری تمامی اسناد حق مطلب ادا گردد.

آنچه تذکر آن در این جا ضروری می‌باشد این است که بدنبال اثری که فعالیت‌ها و افشاگری‌های بین‌المللی در روند مبارزات داخل کشور داشته است، و ضرورت منظم و مستند ساختن این فعالیت‌ها در داخل و ارتباط دائم با خارج، ملاحظه اهمیت و اثر این فعالیت‌ها بود که بالاخره جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر تشکیل گردید.

همانطور که از متن اسناد ملاحظه میشود، جمعیت ایرانی رونوشت تمامی اسناد و مدارک خود را برای نمایندگی‌های خود در آمریکا و اروپا می‌فرستاد و آنان بلافاصله این اسناد را ترجمه و در اختیار محافل بین‌المللی ذی‌نفوذ و رسانه‌های خبری می‌گذاشتند. امید است که در تلاش بعدی بتوانیم تمامی این اسناد را یک جادر اختیار ملت ایران قرار دهیم.

اطلاعیه فدراسیون بین المللی حقوق بشر در مورد تحقیقات ناظر حقوقی آن سازمان در تهران

تاریخ: احتمالاً " زمستان ۱۳۵۱

فدراسیون بین المللی حقوق بشر که یک سازمان غیردولتی است و از طرف سازمان ملل و شورای اروپا معتبر شناخته شده بدنبال بازگشت آقای: JEAN NOEL DERRIENNIC وکیل دعاوی در دادگاه تجدیدنظر پاریس که از طرف این سازمان بعنوان ناظر حقوقی در تهران (ایران) بوده است، با اطلاع میرساند که:

۱- مقامات رسمی ایرانی از دادن هرگونه اطلاعی به ناظر حقوقی بین المللی در مورد دکتر عباس شیبانی و دستگیریهاییکه بدنبال جریانات اخیر دانشگاه بعمل آمده است، خودداری کرده اند.

۲- با این وصف از تماس همین ناظر با منابع موثق در تهران نتیجه میشود که:
- در مورد دکتر شیبانی:

محاکمه اش در محیطی در بسته انجام شده و فقط یکروز طول کشیده است و فامیلش از تاریخ آن مطلع نبوده اند. آقای شیبانی از دادگاه تجدیدنظر نظامی تهران خواستار تجدیدنظر در محکومیتش را کرده است که احتمالاً " بعد از جشنهای سال نو ایرانی (نوروز) یعنی حدود نیمه اول آوریل نتیجه اش معلوم خواهد شد. دکتر شیبانی که بدنبال دستگیری برادرزنش آقای محمد مفیدی که ۶ ژانویه ۱۹۷۳ توسط دادگاه تجدیدنظر نظامی محکوم و روز ۱۱ ژانویه اعدام شد، دستگیر شده بود. در دادگاه نظامی تهران در نیمه آخر ماه فوریه بخاطر فعالیتهای مخالف

امنیت داخلی مملکت به ۲ سال زندان محکوم می شود، در حالیکه هیچ دلیل جرمی بر علیه او موجود نبوده است.

— در مورد جریانات دانشگاه که مقامات رسمی ایرانی وجودش را منکر میشوند؛ شلوغی دانشگاههای ایران از دو ماه قبل باینطرف تقریباً "دائمی" است. دانشکدههای تهران و شهرستانها که در آنها تظاهرات صورت گرفته موقتاً "تعطیل" شده اند بخصوص در همین مدت عده زیادی دستگیر و کشته شده اند. تعداد دستگیریها و کشتهها برطبق منابع مختلف متغیر است. تنها در دانشگاه تبریز ۱۶ - ۲ نفر کشته شده اند.

بعلاوه ناظر حقوقی بین المللی گزارش میدهد که اخیراً "چند محاکمه سیاسی در تهران انجام گرفته است:

— چند نفر در ارتباط با محاکمه آقای مفیدی که نتیجه اش محکومیتهای زیر است:

۱ - آقای مصطفی خوشدل: محکوم به اعدام

۲ - آقای مهدی افتخاری: محکوم به حبس ابد

۳ - آقای جلال صمصامی: محکوم به حبس ابد

۴ - آقای حمید جلالی زاده: محکوم به حبس ابد

۵ - آقای کاظم ذوالانوار: محکوم به حبس ابد

— عده دیگر در ارتباط با یک انفجار بمب که در ماههای اخیر در تهران و در شب در مغازهها صورت گرفته و در طی آن هیچکس از بین نرفته است، در طول این دادگاه افراد زیر با اعدام محکوم شده اند:

۱ - آقای فریدون مهربانی

۲ - آقای مشار زاده

(این دو اسم گویا در اصل مال یکنفر است بنام مشارزاده مهربانی - پ. م. ۰)

محل امضای: میشل بلوم MICHEL BLUM

معاون دبیر کل فدراسیون بین المللی حقوق بشر

شرایط زندان و زندانیان سیاسی در ایران
گزارش آقای ایوبودلو
وکیل دعاوی در دادگاه تجدید نظر پاریس

۱۰/ تا ۱۷ آبان ۱۳۵۳

سفر من بایران از تاریخ یک تا هشتم نوامبر ۱۹۷۴ بطول انجامید. سازمان بین‌المللی حقوق دانان دمکرات و سازمان بین‌المللی حقوق دانان کاتولیک مرا بمنظور جمع‌آوری اطلاعات در موارد ذیل بایران فرستاده بودند.

۱ - شرایط دستگیرشدگان و زندانیانی که در ایران محکوم شده‌اند، یعنی کسانی که انگیزه آنها با توجه با اعلامیه حقوق بشر در زمره عقاید سیاسی قلمداد شده است.

۲ - روابط این زندانیان و دستگیرشدگان با خانواده‌هایشان. این ماموریت استخباری، بعلت نگرانی شدیدی بود که بر اثر عدم انتشار هرگونه خبری در باره سه زندانی سیاسی که یکی از آنها خانم حامله‌ای بود، ایجاد شده بود. این سه نفر در ماه اوت ۱۹۷۴ توسط ساواک (پلیس سیاسی ایران) دستگیر شده بودند.

اولین اقدام من مربوط باین سه نفر بود که از ماه اوت ۱۹۷۴ بی‌عده هیچ اثری از ایشان در دست نبود. اسامی آنها عبارتند از: خانم صالحی و آقایان میثمی و جوهری. با کمال تأسف کوششهای من در این زمینه نتیجه‌ای نداد.

در وزارت دادگستری بمن گفتند: که اگر این سه نفر بعلت سیاسی توقیف شده باشند، فقط ساواک و دادگاه نظامی می‌توانند بمن اطلاعاتی بدهند. دادستان

تهران (یا شاید یکی از همکاران او) هم پس از نگاه اجمالی بدفاتر دادگستری گفت که هیچ اثری از این سه نفر در دست ندارد. او هم پیشنهاد کرد که من با ساواک و یا دادگاه نظامی تماس بگیرم.

من نتوانستم از رئیس ساواک و نه از دادستان نظامی وعده ملاقات بگیرم و حتی ملاقات با یکی از کارمندان این دو اداره نیز امکان پذیر نشد. در آنجا بعد از اینکه مرا مدت طولانی معطل نگاه داشتند، چند تن از افسران بمن گفتند که بععل امنیتی ایشان نمیتوانند هیچ اطلاعی در اختیار من بگذارند و بهتر است که من با وزارت اطلاعات تماس بگیرم.

متأسفانه در وزارت اطلاعات هم چیز زیادی عاید من نشد، در آنجا با شخصی که خود را یکی از کارمندان عالی‌رتبه میخواند، ملاقات کردم. او هم بعد از آنکه مدتی مرا معطل کرد و بعد از مدتی تفحص در اسناد و یا کسب تکلیف از مقامات بالاتر از خودش که چگونه جوابی بمن بدهد، اظهار داشت که کوچکترین اطلاعی در مورد سه نفری که راجع بآنها از او سؤال کرده بودم و از ماه اوت بی‌بعد مفقود شده بودند، نمیتواند در اختیار من بگذارد. او اضافه کرد که جای تعجب نیست که او نمیتواند اطلاعی در اختیار من بگذارد، زیرا من اطلاعات کافی از قبیل اسم کوچک، محل و تاریخ تولد و آدرس در اختیار ایشان نگذاشتم. خلاصه مرا خیلی مودبانه جواب کرد و بنابراین کوچکترین ردپایی که مربوط باین سه نفر باشد در اختیار من نگذاشت.

خلاصه بهر دری که زدم با دیواری از سکوت مواجه شدم. دوستان و خانواده‌های این زندانیان نیز قبل از من با چنین دیوارهای سکوت مواجه بودند و در نتیجه در بی اطلاعی کامل از آنچه بر سر این عده آمده است میباشند.

برای آنکه از شرایط زندان و هم وضعیت زندانیان سیاسی کسب اطلاع کنم و مطلع شوم که آیا آنها میتوانند با خانواده‌هایشان ملاقات و تماس داشته باشند یا خیر. کوشیدم که از یکسو از خانواده‌های زندانیان و هم تنی چند از زندانیان سابق، و از سوی دیگر از مقامات رسمی کسب خبر کنم. باید مشخص کرد که شرایط زندان قبل از محکومیت چگونه است و بعد از محکومیت توسط دادگاههای نظامی چگونه می‌باشد و هم بخاطر آورد که تنها دادرسی ارتش صلاحیت رسیدگی به جرائم

سیاسی را دارد .

اول - شرایط زندان قبل از محکومیت :

قانوناً " هر کس که دستگیر میشود بیشتر از ۲۴ ساعت نمیتواند در اختیار ساواک باشد . پس از انقضای این مدت ، زندانی باید در اختیار قاضی مربوطه قرارگیرد و این قاضی است که میتواند اجازه ملاقات شخص را با افراد خانواده اش صادر نماید .

اما بر اساس آنچه زندانیان سابق و خانواده های زندانیان بمن گفتند در عمل ، اوضاع کاملاً متفاوت است . زندانیان غالباً " تا چند ماه تحت نظر ساواک نگاه داشته میشوند . تحقیقات خیلی رسمی است و از چند روز بیشتر تجاوز نمیکند . این تحقیقات بقدری سریع انجام میگردد که مهلتی برای تغییر شرایط زندانی باقی نماند و لذا بر اساس گفته مطلعین ، شرایط زندانی از موقع دستگیری تا روز محکومیت یکسان است .

الف - از کسانی که سؤال کردم ، وضع زندانها را بشرح ذیل بیان کردند :

۱ - از هنگام توقیف تا آخر محاکمه ، زندانیان سیاسی در زندان کمیته و یا اوین که هر دو تحت نظر ساواک اداره میشوند ، زندانی میباشند .

۲ - شرایط زندگی در زندان ، در این دو مرکز بینهایت سخت است زیرا :

- زندانیان را در سلولهای بسیار تنگ و مرطوب بر روی حصیر می خوابانند .

- در زمستان وسیله گرم کردن و در تابستان وسیله خنک کردن وجود ندارد و این امر در شرایط سخت آب و هوای تهران برای زندانیان غیر قابل تحمل است .

- زندانیان فقط هفته ای یکبار حق استحمام دارند و در طول هفته حتی بطور مختصر هم از امکان نظافت برخوردار نیستند .

- زندانیان لباسهای زیر خود را نمیتوانند عوض کنند و ماهها باید برتن نگهدارند و این خود در هوای گرم تابستان ، سخت آزار دهنده

است .

— غذا بحدکافی وجود ندارد و آنچه یافت میشود غالباً " فاسد شده است
— زندانیان در سلولهای انفرادی بسر میبرند و برای اینکه بازندانیان
دیگر تماس حاصل نکنند ، حق بیرون رفتن و قدم زدن در حیاط
زندان را ندارند .

— و وقتی هم که در سلولهای خود هستند زندانیان ، حق اقامه نماز
جماعت را ندارند و عده زیادی از زندانیان که از علماء مذهبی و
مسلمانان معتقد میباشند ، از این وضع سخت شکایت دارند و آنرا
یکنوع انتقامجویی قلمداد میکنند .

۳ — تا هنگام محاکمه ، زندانیان حق هیچگونه تماسی را با خارج از
زندان ندارند .

— زندانیان نمیتوانند از بدو امر وکیل بگیرند و از کمک او در مراحل
بازپرسی استفاده کنند . در واقع اصلاً " ایشان هیچگاه وکیل واقعی
نخواهند داشت (منظور از وکیل هم وکلای دادگستری نیستند بلکه
افسران دادرسی ارتشند که نقش وکیل را بازی میکنند) و آنها نیز
فقط روز قبل از محاکمه به سمت وکیل متهم انتصاب میشوند .

— زندانیان حق تماس با خانواده هایشان را ندارند . زندانیان نمیتوانند
نامه بنویسند و نه نامه دریافت کنند . چه رسد به ملاقات .

— اقوام زندانیان علیرغم کوششها و توسلهایشان نخواهند توانست
که کمترین اطلاعی از سرنوشت زندانیان بدست آورند . معمولاً " پس
از محکومیت که ماهها بطول میانجامد ، زندانیان میتوانند با
خانواده هایشان مکاتبه یا ملاقات داشته باشند .

۴ — قبل از ظاهر شدن در برابر دادگاه نظامی ، همه نوع کوشش میشود
تا زندانی با اتهاماتی که ساواک باو نسبت میدهد اقرار نماید .

شرایط سخت زندان و قطع کامل رابطه با خارج که بزندانیه تحمیل
میشود ، و هم مدت طولانی زندان قبل از محاکمه ، و اضطراب در
مورد سرنوشتی که زندانی پیدا خواهد کرد ، بخودی خود از عوامل

فشار بر زندانی است .

اینها همه برای آنستکه زندانی بآنچه از او میخواهند ، اقرار نماید . ولی با تمامی اینها غالباً " مقاومت زندانی درهم شکسته نمیشود و لذا شکنجه یک امر رایج است .

زندانیان سابق در مورد محلی در زندان اوین که بخصوص برای شکنجه در نظر گرفته شده است توضیحاتی دادند .

— بمن گفتند که در شبانه روز اگر نگوئیم اتصالاً ، بدفعات ضجه و فریاد کسانیکه شکنجه میشوند ، بگوش میرسد .

— بمن گفتند که بهنگام ورود باطاق شکنجه اغلب بوی گوشت سوخته شده را استشمام کرده اند ، که خود علامت این بوده است که قبل از آنها زندانیان دیگری را بدین ترتیب شکنجه کرده اند .

— این زندانیان انواع شکنجه‌هاییکه یا بر خود آنها یا بر سایر زندانیانی که هم سلول آنها بوده اند ، اعمال شده است ، بدین ترتیب توضیح دادند :

— شلاق زدن با یک شلاق سیمی ،

— میز فلزی که بتدریج داغ میشود و زندانی را روی آن میخوابانند (۱) ،

— سوزندان بدن با سیگار ،

— اتصال برق باعضاء تناسلی ،

— آویختن از دستها از سقف در حالیکه یک بطری ظاهراً " نیمه شکسته در مقعد زندانی فرو میکنند و . . .

— بمن گفتند که برای اقرار گرفتن از زندانی ، نزدیکانش را شکنجه میکنند .

(۱) اثرات این شکنجه که مخصوص ایران است قبل از این بروی بدن یک زندانی دیده شده است این امر در محل دادگاه در حضور آقای نوری البلا ناظر بین‌المللی در سال ۱۹۷۲ نشان داده شد و زندانی مورد نظر احمد زاده بود که بمرگ محکوم و اعدام گردید .

— بمن گفتند که به زنی در مقابل همسرش تجاوز کردند تا او را به اقرار وادارند .

— همچنین مورد جوان ۱۷ ساله‌ای را ذکر کردند که در جلوی چشمان پدرش شلاق زدند و به برق وصل کردند تا پدرش را مجبور باقرار کنند .

— یک بچه چهار ساله را جلوی چشم مادرش با شلاق سیمی بسته و با قیچی جراحی ، پشت گردن کودک را قطعه قطعه کردند تا مادر را به حرف زدن وادارند .

— یکی از زندانیان سابق بمن گفت که شکنجه فرزندم برای من بقدری تحمل‌ناپذیر بود که آرزو میکردم چاقویی داشتم و فرزندم را میکشتم تا او را این چنین زیر شکنجه نبینم .

شبهت مطالبی که بمن گفته شد و خطر فوق‌العاده‌ایکه متوجه هر یک از افرادی که با من صحبت میکردند بود ، خود دلیل اساسی بر اهمیت و صحت مدعای آنان بود .

ب — من اظهار علاقه کردم : که مقامات قضائی نظامی و مقامات قضائی غیر نظامی و هم دست آخر مقامات ساواک اجازه دهند که من از زندانهای اوین و کمیته دیدن کنم تا خود بتوانم آنچه را که بمن گفته شده بود تحقیق و ارزیابی نمایم . متأسفانه تقاضای من مورد اجابت قرار نگرفت .

عدم پذیرش من توسط دادستان نظامی و تیمسار رئیس ساواک و یا یکی از زبردستان آنها ، خود علامت آن بود که بمن اجازه دیدار از این زندانها داده نشود این روشن است که نفرستادن من بوزارت اطلاعات علامت آن بود که متصدیان آنجا صلاحیت و قدرت دادن چنین اجازه‌ای را بمن نداشتند .

تیمسار عزیزی رئیس زندان هم هرگز نگفت که من نمیتوانم از زندانها دیدن کنم ولی با مهارت کامل از جواب مستقیم به سئوالات طفره میرفت تا بدانجا که من تهران را ترک کردم بدون اینکه هیچیک از زندانهای کمیته یا اوین را دیده باشم .

آیا همه اینها بخاطر این نبود که آنها میترسیدند تا هرآنچه را زندانیان

سیاسی سابق من گفته بودند براحتی بچشم ببینم؟ چنین سئوالاتی براحتی بذهن میرسد.

دوم - شرایط زندان بعد از محکومیت:

بعد از محکومیت، زندانیان سیاسی زندانهای کمیته و اوین را ترک میکنند و سایر زندانهای تهران و استانهای دیگر گسیل داده میشوند. براساس آنچه گفته شد، بیشتر این زندانیان به زندان قصر و زندان شیراز که در ۹۰۰ کیلومتری تهران واقع است فرستاده میشوند.

الف - خانواده‌های زندانیان وضعیت این زندانها را چنین برایم شرح دادند.

۱ - زندانیان سیاسی از سایر زندانیان جدا هستند و بنظر میرسد که در زندان قصر دو بخش برای ایشان کنار گذاشته شده است بهر صورت من نمیتوانم بگویم که چه تعداد زندانی در آنجا وجود دارد. مطلعین گاهی صحبت از صد و گاهی هزار میکردند.

۲ - شرایط جسمی فدری بهتر از زندان اوین و کمیته است ولی هنوز هم بسیار سخت میباشد.

- زندانیان سیاسی اجازه کار کردن ندارند در حالیکه زندانیان عادی کار میکنند.

- در زندان قصر زندانیان دیگر منفرد نیستند و در سلولهای ده نفری بسر میبرند ولی مقامات زندان ترتیبی داده‌اند که هر یک از زندانیان زود بزود جایشان عوض شود تا هیچگونه دوستی بین آنها ایجاد نگردد.

- این زندانیان حق دریافت لباس از خارج دارند ولی شرایط بهداشتی بهتر از زندانهای کمیته و اوین نیست مثلاً " زندانیان در هفته‌بیش از یکبار حق شستشوی خود را ندارند.

- علیرغم تقاضای بسیار، زندانیان بسختی قادرند که خود را به پزشک نشان دهند تا چه رسد به بیمارستان فرستاده شوند و یا اینکه اجازه دریافت دارو بآنها داده شود.

- زندانیان میتوانند کتابهایی از کتابخانه زندان را بخوانند. قاعدتاً "

آنها حق دارند که کتابهایی را که از خارج نیز فرستاده میشود مطالعه کنند ولی در عمل تمامی کتابهای ارسالی از خارج توسط قسمت سانسور توقیف میشود.

— غذای زندانیان غالباً " فاسد است و لذا موجب تهوع و امراض مزمن میشود .

— در حالیکه چند نفر در یک سلول بسر میبرند بنظر میرسد که نبودن امکانات برای اجرای اعمال مذهبی ، همچنان مانند زندانهای کمیته و اوین است و این نظر که اجرای مراسم مذهبی جلوی کار زندانیان را میگیرد صحیح نیست زیرا زندانیان کار نمیکنند .

— در صورت عدم اطاعت ، زندانی بمدت سه یا چهار ماه به سیاه چال روانه میشود . اگر بعد از این مدت باز هم زندانی را عنصر ناراحتی تشخیص دادند آنگاه او را بر زندانهای اوین و کمیته میفرستند که شرایط آنها روشن است .

۳ — بعد از محکومیت ، زندانیان میتوانند با خانواده های خود مکاتبه کنند ولی این مکاتبات شدیداً محدود شده و در زیر سانسور شدید اداره زندان میباشد .

— آنها حق دارند فقط یک نامه در هفته رد و بدل کنند ولی این نامه نباید از یک صفحه کاغذ ۲۵×۲۰ سانتیمتر تجاوز کند .

— خانواده بسیار نزدیک زندانی میتواند هفته ای دوبار با او ملاقات کند . قاعدتاً مدت ملاقات یک ربع ساعت میباشد ولی چون خانواده های بسیاری برای دیدار زندانیان می آیند این ملاقاتها به ۵ دقیقه و کمتر تقلیل پیدا میکند .

— قاعده ملاقات برای همه بدون توجه بشرایط خاص آنها ، یکسان است . بدین معنی که افرادی که برای ملاقات از تهران به شیراز که ۹۰۰ کیلومتر است میروند ، همان یک ربع ساعت ملاقات را خواهند داشت و تازه اگر تلفن رابط هم درست کار نکند باید به کمتر از این هم قناعت نمایند .

– زندانیان فقط از طریق تلفن که در دو طرف یک شیشه قطور قرار دارد با افراد خانواده خود صحبت می‌کنند. این تلفن‌ها نیز به مرکز ضبط، برای گوش دادن و کنترل مکالمات وصل است.

– در صورتیکه زندانی شکایتی از شرایط زندان و یا وضع خود به خانواده‌اش بنماید، و یا حتی اگر مطلبی بگوید که بنظر زندانیان نامیاید گفته میشود، تنبیه بدنی در مورد او اجرا خواهد شد.

۴ – خانواده زندانیان و زندانیان سابق را که ملاقات کردم بمن گفتند که حتی بعد از محکومیت، زجر و شکنجه زندانیان ادامه دارد.

– در وهله اول، بخاطر عدم انضباط و یا بطور ساده بدان علت که از شرایط خود شکایت کرده‌اند.

– در وهله ثانی، بعلت آنکه تشخیص داده میشود که زندانی در وقت بازپرسی، اسامی تمام کسانی را که میشناخته و فعالیت سیاسی آنها را میدانسته به ساواک نگفته است.

کسانیکه با من صحبت میکردند بمن متذکر شدند که هدف از زندان کردن، خورد کردن افراد است. باین افراد شرایط بسیار سختی تحمیل میشود و آنها را زجر میدهند تا به هدف خود برسند و این هدف آنستکه زندانیان عقاید خود را نفی کنند. از قرار، ساواک گهگاه باین هدف خود رسیده است و زندانیانی بوده‌اند که به تلویزیون آورده شده "اقرار بگناه" نموده و تمامی عقاید خود را نفی نموده‌اند.

ب – من سعی نمودم که در باره صحت گفتار زندانیان سابق و خانواده زندانیان فعلی که ملاقات کرده بودم، از مقامات مسئول تحقیق نمایم.

برای تحقق این منظور، من از نخست وزیر، دادگستری، دادستان دیوان عالی کیفر و همچنین دادستان تهران، تقاضای ملاقات نمودم. من نه از نخست وزیر و نه از وزیر دادگستری، نتوانستم وعده ملاقاتی بگیرم. در عین حال، رئیس دفتر وزارت دادگستری مرا پذیرفت و متذکر شد که هیچگونه اطلاعی نمی‌تواند بمن بدهد، زیرا اداره زندانها در اختیار وزارت دادگستری نیست و زیر نظر وزارت کشور یعنی پلیس میباشد.

دادستان دیوان عالی کشور بمن فهماند که صلاحیت جواب دادن به سئوالات

مراندارد. رئیس دیوان عالی کیفر نیز مرا با گرمی پذیرفت و جواب اونیز همانند جواب دادستان دیوان عالی بود. او بمن متذکر شد که این عمل که اداره زندانها را از حوزه قضائی خارج کرده و به پلیس سپرده اند، مخالف قوانین ایران است. دادستان تهران نیز به سئوالات من پاسخ نگفت و مرا به تیمسار عزیزی قام مقام اداره زندانها معرفی نمود. من سئوالات مختلفی درباره زندانیان سیاسی، اسامی آنها و شرایط زندان از تیمسار عزیزی نمودم. او بطور قاطع انکار نمود که زندانیان در مدت زندانی بودن شکنجه می شوند. به غیر از این جواب متاسفانه نتوانستم هیچگونه پاسخ مستقیمی از او دریافت کنم. بهر تقدیر، بعد از آنکه یک سؤال را چندین بار تکرار کردم در جواب گفت که آماری برای جواب در دست ندارد و بهر صورت چندتن زندانی سیاسی که در زندانهای ایران هستند، شرایط یکسانی با سایر زندانیان دارند. تیمسار عزیزی بمن اجازه داد که از زندان قصر دیدن نمایم. این زندان در واقع یک سربازخانه بزرگ است که در داخل آن قسمتهای مختلفی است که زندانها میباشند. در همین جا نیز زندان زنان، زندان کودکان، زندان معتادین به مواد مخدره، مریضهای سخت و زندان مردان وجود دارد.

اولا - در زندان زنان:

کارگاههای قالی بافی و خیاطی بمن نشان داده شد. همچنین سلولهایی که مرکب از ۱۰ تخت خواب بود، کتابخانه، پرستارخانه که دارای چهار تخت خواب بود، وسائل وضع حمل و یک دستگاه دندان پزشکی، بمن نشان داده شد. در مقابل، علیرغم تقاضائی که کردم، نه محل غذاخوری، نه آشپزخانه و نه مرکز آب که زندانیان خود را در آنجا می شویند، بمن نشان داده نشد.

ثانیا - در زندان کودکان:

محل ملاقات و دستگاههای تلفنی که خانواده زندانیان با زندانیان توسط آنها صحبت میکنند، درست مطابق آنچه بمن گفته شده بود نشان داده شد. همچنین مدرسه ای که بر اساس مفاهیم بسیار مدرن وهم آزمایشگاه زبانهای زنده و آزمایشگاه الکترونیک و سالن کنفرانس که کودکان در آنجا برای دیدن فیلم های تربیتی و یا شنیدن سخنرانی، هفته ای چند بار میرفتند، بمن نشان داده شد.

در مقابل، علی‌رغم تقاضای من هیچ محلی از زندان بمن نشان داده نشد. من نتوانستم نه سلولها، نه آشپزخانه‌ها، نه غذاخوری‌ها، نه دوشها، نه پرستارخانه‌ها، و نه سیاه‌چال را ببینم.

ثالثاً - در زندان معنادین بمواد مخدر و مریضهای سخت:

توقیفگاهها، که مرکب از اطاقهای ده تخته بود، بمن نشان داده شد. در زیر تخت هر مریض، پرونده طبی او بچشم میخورد. من چون طبیب نبودم مشکل است که بتوانم مطلبی راجع به نوع طبابت آنها عنوان کنم. آنچه میتوانم بگویم آنستکه اطاقک‌هاییکه در این سالن بود مانند یک بیمارستان کهنه بنظر میرسید و اینکه راهنمای من نگذاشت تا با مریضی که میخواست با من صحبت کند تماس حاصل نمایم.

رابعاً - در زندان مردان - جرائم عادی:

من دستگاہهای تلفن که قبلاً بمن گفته شده بود و بهمان صورت در زندان کودکان دیده بودم، مجدداً دیدم. همچنین کارگاههای فعالیت‌های مختلف از قبیل مسگری، میل فلزی سازی، قالی بافی، چوب‌بری و شیرینی‌سازی را دیدم. در داخل این کارگاهها نمیتوان تصور کرد که شخص در داخل یک زندان بسر میبرد. کسی زندانبانان را نمیبیند و هیچ ترسی برسیمای زندانیان وجود ندارد.

در مقابل، علی‌رغم تقاضای من نتوانستم نه توقیفگاهها، نه آشپزخانه‌ها، نه غذاخوری‌ها، نه دوشها، نه پرستارخانه‌ها و نه حداقل سیاه‌چال را ببینم. بمن گفتند که در صورت بی‌انضباطی، زندانی باید در جلوی کمیسیون که مرکب از سه افسر ارشد است ظاهر گردد و در صورت اثبات گناه به سیاه‌چال روانه میشود. در سیاه‌چال غذای او غذای عمومی است ولی حق ملاقات و خرید اجناس از مغازه داخل زندان را ندارد.

من بهر صورت تقاضا کردم که با زندانیان ملاقات کنم و این امر را در چندین مورد تقاضا کردم ولی بدون آنکه در هیچ لحظه بمن جواب نفی بدهند، ملاقات زندان بپایان رسید و این تقاضای من برآورده نشد.

بطور مختصر چیزی که بنظر غیر عادی بیاید در زندان قصر بچشم نخورد

حتی باید بگویم که بعضی از لوازم خصوصی در مدرسه زندان کودکان، و کارگاههای زندان بزرگسالان، بسیار مدرن بود و در من موثر افتاد. در واقع اداره زندانهای ایران از داشتن چنین لوازمی بخود میبald و حتی یک کتابچه تبلیغاتی، حاوی وسایل و تاسیسات آنجا، منتشر کرده‌اند تا آسایش و تجدد را در آنجا نشان دهند.

ولی باید تاکید کنم که من جز قسمت کوچکی از زندان قصر را ندیدم. علی‌رغم تقاضاهای پی در پی، من نتوانستم مکانهای ذیل را در زندانهای کودکان و بزرگسالان ببینم.

— توقفگاهها،

— آشپزخانهها،

— دوشها،

— پرستارخانهها،

— سیاه‌چال،

— نه حتی دو قسمتی که بنا بگفته زندانیان سابق مخصوص زندانیان سیاسی بود.

برای چه؟ برای چه نگذاشتند که با زندانیان صحبت کنم؟

آیا برای آن بود که می‌ترسیدند که من آنطور که آنها میخواهند، بگونه‌ای منفی تحت تاثیر قرار نگیرم؟

آیا برای آن بود که می‌ترسیدند من آنچه را که زندانیان سابق که ملاقات کرده بودم و بمن گفته بودند براحتمی دریابم؟

من جز آنکه سؤال را طرح کنم چه میتوانم کرد؟

گزارش آقایان برنارد گونه وکیل دادگاه عالی و برتراند والت وکیل دادگستری پاریس درباره اقامتشان در تهران

از پنجشنبه اول مه تا جمعه نهم مه ۱۹۷۵ (۱۱ تا ۱۹/۲/۱۳۵۴)

بدنبال انتشار اخبار اعلام نه نفر زندانی سیاسی در روزنامه‌های ایران و دیگر روزنامه‌های دنیا ما با موافقت آقای برنارد لاسر رئیس کانون وکلای پاریس بایران رفتیم تا تمام اطلاعات ممکنه را در باره واقعیت این اعمال که بایشان گزارش شده بود، جمع‌آوری کنیم.

در هنگام عزیمت خبری بجز گزارش لوموند، ۲۲ آوریل ۱۹۷۵ در دست نداشتیم که: "در تاریخ و محل نامعلومی، ۹ نفر زندانی ایرانی متهم به ماجراجویی در هنگام اقدام بفرار بوسیله پلیس کشته شده‌اند".

سازمان بین‌المللی عفو نیز به نوبه خود شکنجه مکرر ۷ نفر از این ۹ زندانی را تأیید کرده است. این ۷ نفر بوسیله این سازمان انتخاب شده بودند و سرنوشتشان در طول مدت زندان بدقت تعقیب شده بود.

باتوجه به منابع فوق این نتیجه بدست می‌آید که اعتبار گزارش رسمی دولت ایران در مورد مرگ این ۹ نفر بطور بسیار جدی مورد تردید است.

باتصدیق اینکه در موقع حرکت بایران ما نسبت به خبر فوق تردید داشتیم ولی عزیمت ما بمنظور تلاش بخصوص برای بدست آوردن اطلاعاتی بصورت عینی بود که مقامات اداری ایران میتوانند در باره نحوه انجام آنچه در این مورد گذشته بود در اختیار ما بگذارند.

درایران پنجشنبه بعد از ظهر و جمعه روزهای تعطیل هستند و جمعه دوم مه توانستیم که با کنسول فرانسه ملاقات کنیم . او فقط پیشنهاد کرد که سرکنسول فرانسه در تهران را ببینیم .

فکر میکنیم مفید باشد که اقداماتمان را روز بروز وساعت به ساعت شرح دهیم تا بعداً " بتوانیم راحت تر از آن نتیجه گیری نمایم .

شنبه ۳ مه ساعت ۹ ، ما بملاقات سرکنسول سفارت فرانسه در تهران آقای بیتارد رفتیم تا او را از حضور خود در تهران و هدف سفرمان آگاه سازیم . با وجود برخورد بسیار گرم شخص آقای سرکنسول سفارتخانه صریحاً " گفت : که سفارت فرانسه در هیچ موردی نمیتواند کمکی به ما موریت ما بکند .

در ساعت ده ونیم بوسیله تلفن قرار ملاقاتی با دکتر عبده رئیس سابق نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد و رئیس فعلی سازمان مرکزی بانکها گذاشتیم . این قرار برای یکشنبه چهارم مه ساعت ۹ صبح گذاشته شد . نزدیک ظهر ساعت یازده ونیم برای ملاقات آقای جلالی رئیس کانون وکلا بمقر وزارت دادگستری رفتیم . این ملاقات برای ما خاطره بسیار بدی بجای گذاشت . ابتدا ایشان ما را بعنوان فرانسوی بگرمی پذیرفتند ولی پس از دانستن دلائل مسافرت ما چهره شان عوض شد و ما فقط یک جواب از ایشان شنیدیم : بنویسید جوابش را خواهم داد .

در ضمیمه این گزارش متن نامه ای که برای آقای جلالی رئیس کانون وکلا فرستاده ایم اضافه شده است . دست آخر ما وقتی دیدیم از ایشان حتی یک جمله در باره این وقایع نمیتوانیم بیرون بکشیم ، پرسیدیم حتی اگر شما احتیاج بکسب اطلاعات بخصوص برای جواب دقیق دارید آیا لااقل بعنوان یک رئیس کانون وکلا و یک وکیل احساس شخصی در این مورد ندارید؟ جواب یکسان بود : بنویسید جوابش را خواهم داد .

با وجود این توانستیم یک پاسخ از جلالی رئیس کانون وکلا در جواب این سؤال بگیریم که بنا بر سروصدائی که میشنویم ، آیا وکلای ایرانی در موارد بخصوص گرفتاریهایی را در انجام وظیفه خود تحمل نمیکند؟ و ایشان جواب دادند : " به هیچوجه !"

ما بلافاصله بدیدن رئیس دیوان عالی آقای دکتر یگانه رفتیم . او از ما دلیل

ملاقات را پرسید و وقتی که شرح دادیم ، از ما بعلت گرفتاری بسیار عذر خواست و برای دوشنبه ۵ مه در ساعت ۹ قرار ملاقاتی معین کرد. در ساعت سهونیم بمركز جامعه حقوق بشر رفتیم تاقرار ملاقاتی بادبیرکل آن دکتر عالیخانی بگیریم ولی در آنجا نبود .

یکشنبه چهارم مه ساعت ۹ با دکتر عبده :

این همکار قدیمی ما را با محبت بسیار پذیرفت و مانند دیگران هدف ملاقات را پرسید . او بارها تاکید کرد که در موقع این اعمال در ایران نبوده است و نمیتواند هیچ توضیحی در این مورد بدهد . و افزود که به سه دلیل نمیتواند در گزارش رسمی دولت ایران راجع به اقدام بفرار زندانیان شک داشته باشد .

۱- بعنوان یک حقوق دان در صورت نمودن دلیلی برضد این مطلب ، آنرا تائید میکند .

۲- اگر میخواستند ممکن بود براههای متعدد دیگر خود را از شر آنها راحت کنند مثلا " میتوانستند آنها را محکوم به مرگ کنند و این محکومیت برای توطئه برضد امنیت کشور ممکن است . و اضافه کرد که چه فایده دارد که اینگونه آنها را از بین ببرند ؟

۳- قتل عام مردم عادت این رژیم نیست .

در جواب سئوالی که در باره تغییر عقیده بعضی زندانیان آزاد شده که در تلویزیون از روش قبلی خود انتقاد کرده اند ، آقای عبده گفت که هیچگونه فشاری بر آنها وارد نیامده است . برای مثال از یک زندانی که انتقاد از خود کرده بود ، نشان آورد که مدت یک ساعت با صداقت کامل حرف زده است و این نمیتوانست مصنوعی باشد .

برای او طبیعی بود که افراد عقایدشان را تغییر دهند و گوشزد کرد که شاه میتواند بزرگواری باشد و اجازه بدهد محکومین گذشته که به رژیم پیوسته اند مقامات مهم را اشغال کنند .

ساعت ۱۰ کوشش بیهوده ای در دفتر حقوق بشر برای دیدن دکتر عالیخانی بعمل آید ، که گفتند : ایشان در تهران نیستند . قائم مقام او دکتر حداد در آنجا بود .

ساعت ۱۰/۳۰ بوزارت کشور رفتیم از ما خواستند که بعد از ظهر تلفن
برنیم .

ساعت ۱۱ به مقر نخست‌وزیری رفتیم تا قرار ملاقات با نخست‌وزیر بگیریم .
پس از اینکه یکبار دیگر دلیل حضور ما را پرسیدند ، گفتند که : "گرفتاریهای فعلی
نخست‌وزیر بسیار زیاد است و تلفنی با ما تماس خواهند گرفت تا در جریان
امکانات آقای هویدا باشیم ."

ساعت ۱۱/۳۰ یکاخ وزارت دادگستری برگشتیم تا با دادستان کل دیوان تمیز
ملاقات کنیم . در آنجا دلیل ملاقات را میدانستند و لذا آقای صنیع‌جو با ما ملاقات نمود .
ایشان تا آنجا که ما فهمیدیم قاضی دادگاه بود و بما پیشنهاد کرد که بدادستان
کل نظامی مراجعه کنیم . از کاخ وزارت دادگستری به دکتر وفائی ، منشی وزیر
دادگستری تلفن زدیم اونیز پیشنهاد کرد که تیمسار بهزادی دادستان کل نظامی
را ببینیم ، که تنها مرجع آگاه از وقایعی است که بخاطر آن بایران آمده ایم .

ساعت یک بعد از ظهر بوسیله تلفن با دکتر حداد قائم مقام دبیر کل حقوق بشر
ایران و معاون یک بانک بزرگ ، قرار ملاقات گذاشتیم . اولین اظهار ایشان هم این
بود که او هم در موقع این وقایع در خارج بوده است و در آنجا از جریان حادثه
چیزهایی شنیده است حادثه‌ای که بنظرش کاملاً " موجه میاید . او فکر میکرد که
وزارت دادگستری باید تحقیقی در این باره کرده باشد . دفتر حقوق بشر ایران
دخالتی نکرده است زیرا هیچ شکایتی از طرف خانواده زندانیان و یا دوستانشان
بعمل نیامده است . او اضافه کرد که دفتر بجز در موارد شکایات ، دخالتی نمیکند
خصوصاً " بدون بودجه خصوصی با امکانات مادی ضعیفی که در اختیار دارد . او
گفت که اگر حکومت میخواست این زندانیان را از بین ببرد راه‌های دیگری
را میتواند انتخاب نماید . او همچنین اظهار داشت که این واقعیت که این
زندانیان بخش زیادی از محکومیت خود را در زندان گذرانده بودند دلیل آن
نمیشود که نمیخواستند فرار کنند و مثال آن زندانی را گفت که ۸ روز بآ خر زندانش
مانده بود و علیه نگهبانانش اقدام بحمله کرده است .

باو گفتیم که برای خانواده زندانیان خطرناک خواهد بود اگر بخواهند علیه
اعلام رسمی دولت شکایتی بشما بکنند . در جواب گفت البته اتهام نادرست بودن

مطالب نیز بسیار خطرناک است و خود گناه دیگری محسوب میشود.

ما واقعا " مات و مهبوت بودیم از اینکه این شخص نمیخواهد قبول کند که این ۹ نفر، زندانیان سیاسی بوده‌اند. او حتی خبر اعتصاب غذایی که در دوسه روز گذشته در زندان قصر در جریان بوده نشنیده بود.

بعد از این مطالبی که گفت و شنود شد، او شروع کرد بیک سری درس اخلاق دادن بما و اینکه با توجه بتوسعه اقتصادی که در ایران در جریان تکوین اسپه روش دمکراسی در ایران آنطور که ما میشناسیم نمیتواند باشد. ما در این لحظه باو گفتیم که ما میل داریم درمراجعت به فرانسه اعلام داریم که جمعیت حقوق بشر در ایران در مورد وقایع مورد بحث تحقیق و اطلاعات دولتی را کنترل نموده و اعلام میدارد که نظر دولتی را براساس چنان تحقیق‌هایی نمیتوان مورد شبهه قرار داد. در اینجا او اعصاب خود را از دست داد و ناگهان و بدون کوچکترین رابطه‌ای با مسائل، سؤال کرد چه کسی بما پول میدهد؟

بعد از آنچه که گذشت ما از آنجا خارج شدیم در حالیکه او میگفت متأسف است از اینکه قهوه‌ای که برای ما سفارش داده است ما به عمد، قبول نکردیم که بیاشامیم.

ساعت ۱۰/۳۰ دقیقه بدادستانی نظامی رفتیم که در محل، با سرلشکر بهزادی قرار ملاقات بگیریم. با تلفن بما اطلاع داد که فقط بنابر سفارش وزارت اطلاعات ما را خواهد پذیرفت.

دوشنبه پنجم مه ساعت ۸/۳۰ یک تلاش دیگر برای گرفتن وقت ملاقات با وزیر کشور، که بما گفتند: بعد از ساعت ۲ بعد از ظهر تلفن کنید.

ساعت ۹ صبح بنا بوقت ملاقاتی که با دکتر یگانه رئیس دیوان کشور داشتیم بملاقات او رفتیم. این بار حتی او بخود زحمت صحبت با ما را هم نداد و توسط دیگران که بشدت متشنج بودند و غیر دوستانه، اعلام داشت که باید بدیدار سرلشکر بهزادی برویم.

در ساعت ۱۰/۳۰، بعد از تفحص فراوان، وزارت اطلاعات را یافتیم و آنجا رفتیم و متوجه شدیم که منتظر ما هستند. شخصی که ما را ملاقات کرد مطابق معمول علت حضور ما را پرسید و سپس اعلام داشت که وزارت اطلاعات فقط اطلاعات را

به روزنامه‌نگاران می‌دهد. و حال که ما وکیل دعاوی هستیم باید بوزارت خارجه مراجعه کنیم تا از آن طریق اجازه ملاقات با سرلشکر بهزادی را بما بدهند. در ساعت ۱۱ بوزارت خارجه رفتیم و آقای والاتبار ما را ملاقات کرد. او گفت که البته تقاضای شما را با نظر مساعد خودم بوزارت اطلاعات خواهم فرستاد ولی اینکار در حدود ده روز طول خواهد کشید. بعد از اصرار ما که بهتر است قدری کارها را سریع تر انجام دهد، قول داد که بآقای دکتر فرهمندی مدیر کل اطلاعات و مقام مسئول در وزارت اطلاعات تلفن خواهد کرد و نامه را نیز همان روز ارسال خواهد داشت.

ساعت ۱۵/۳۰، بار دیگر بوزارت کشور تلفن کردیم و بدون نتیجه. سپس به نخست‌وزیری تلفن کردیم و گفتند که روز بعد ساعت ۱۰ صبح تلفن کنیم. سه‌شنبه دهم مه ساعت ۱۰ به‌نخست‌وزیر تلفن کردیم که بلکه وعده‌ملاقاتی از نخست‌وزیر بگیریم. آنجا بما گفتند که این امر غیر ممکن است، و علت را نیز کارهای بسیار زیاد نخست‌وزیر اعلام کردند و اضافه کردند که البته اگر بطور غیر عادی وقتی پیدا شد بما تلفن خواهند کرد.

یکبار دیگر برای ملاقات وزیر کشور اقدام شد و باز هم بدون نتیجه. در اینجا بر ما معلوم گشت که غیر ممکن است که بتوان مسئولی را از میان دولتیان یافت که بخواهد کوچکترین توضیح و یا تصریحی در مورد حوادثی که ما بخاطر آن بآنجا رفته بودیم بما بدهد.

در شرایطی این‌چنین ما به‌رحال توانستیم توضیحات و تصریحاتی از ایرانیان و نمایندگان روزنامه‌ها کسب نمائیم که البته از ذکر نام آنها بنا بملاحظات امنیتی معذوریم.

ما در اینجا با صداقت کامل اعلام می‌داریم که تصریحاتی که بما داده شده است خصوصا "توسط اشخاص با شرافت و معتقد بوده است. ولی همچنین ما خود نتوانستیم شخصا" محدوده‌های این اطلاعات را دریابیم و این بدان علت بود که در صورت سعی در ملاقات با خانواده زندانیان سیاسی، از لحاظ امنیتی برای آنها خطرات زیاد در بر می‌داشت.

به‌نظر مسلم می‌رسد که برخلاف ادعاهای رسمی، شکجه همچنان در زندان‌های

ایران خصوصا " زندان کمیته رایج است . بنظر میرسد که این زندان مخصوص شکنجه است و هر روز زندانیانی از زندانهای قصر و اوین برای شکنجه بزندان کمیته فرستاده میشوند . این شکنجه بطور مداوم بعد از محکومیت نیز انجام میگردد ، بدان جهت که یا اطلاعات جدیدی از زندانی کسب گردد و یا زندانی به رژیم بپیوندد .

این پیوستگیها بر رژیم ، بطور رسمی با ظاهر شدن زندانی در روی پرده تلویزیون و اعلام اینکه به اشتباهات خود پی برده است صورت میگردد . برای آنکه کسی که توسط ساواک (پلیس سیاسی رژیم ایران) مورد تعقیب است خود را بلافاصله معرفی نماید فشار بسیار به خانواده او وارد می آورند که تا حد زندانی کردن افراد خانواده ادامه دارد . دریک مورد حتی زندانی کردن یک بچه سه ساله نیز عنوان گردیده است .

ما نام ۹ زندانی که اعدام شده اند در ذیل می آوریم .

- ۱- جزنی: محکوم به ۱۵ سال زندان . بعد از ۷ سال زندان اعدام گردیده است او دکتر در فلسفه بوده و ۳۵ سال داشته است .
- ۲- ظریفی: لیسانسه حقوق و وکیل دوره آزمایشی بوده است . او به ده سال زندان محکوم گردیده و پس از سه سال یک محاکمه دیگر تشکیل گردید که او را با اتهام آنکه گروهی خرابکار را از سلول زندان خود هدایت میکرده است با اعدام محکوم کردند . حکم اعدام او توسط دادگاه تجدیدنظر به حبس ابد مبدل گردید ولی او نیز پس از ۷ سال اعدام شد .
- ۳- سرمدی: دانشجو ، به ده سال زندان محکوم گردیده بود و او نیز پس از ۷ سال اعدام شد .
- ۴- سورکی: دانشجو به ده سال زندان محکوم گردیده بود و او نیز پس از ۷ سال اعدام شد .
- ۵- کلانتری: دانشجو به ۷ سال زندان محکوم گردیده بود . او نیز پس از ۷ سال اعدام شد .
- ۶- چوپان زاده: دانشجو به ۷ سال زندان محکوم گردیده بود و

بنابراین دو ماه قبل از آزادی‌اش اعدام شد .

۱- جلیل افشار: دانشجو

۸- ذوالانوار: دانشجو

۹- جوان خوشدل

در مورد سه نام آخری ما نتوانستیم تصریحی در مورد مدت زندان و محکومیت آنها و اینکه چه مدت از این محکومیت را قبل از اعدامشان در زندان گذرانده‌اند بدست آوریم .

اطلاعاتی که بماداده شده است حاکی از آنستکه این زندانیان تا روز ۵ مارس ۱۹۷۵ یعنی آخرین روزی که خانواده آنها امکان دیدار آنها را داشته‌اند ، در زندان قصر بوده‌اند . بعد از آن در جواب خانواده زندانیان که برای دیدارشان به زندان رفته بودند ، گفته‌اند که ملاقات امکان پذیر نیست .

دو سه روز قبل از عید نوروز (۲۱ مارس ۱۹۷۵) باعضاء خانواده زندانیان گفته شده است که ملاقات بعد از تعطیلات نوروز امکان پذیر خواهد بود . یعنی در فاصله ۱۵ روز بعد از آن .

سه هفته پس از آن که خانواده زندانیان تظاهراتی کردند تا بتوانند حق ملاقات با زندانیان را بگیرند روزنامه‌های ایران اعلام داشتند که ۹ نفر زندانی که میخواستند در موقع تغییر زندان فرار کنند ، کشته شدند . بعد از اعلام این خبر اعتصاب غذایی بمدت سه تا چهار روز باشرکت سه تا چهار هزار نفر در زندان قصر انجام گردید . خبر این اعتصاب غذا هرگز توسط مقامات رسمی اعلام نگردید و روزنامه‌های ایران نیز راجع بآن حرفی نزدند .

این مطلب از آن جهت معلوم شد که وقتی که خانواده زندانیان مطابق سنت برای بردن غذا و لباس بزندان قصر مراجعه کردند ، جواب شنیدند که دریافت غذا امکان پذیر نیست زیرا زندانیان در حال اعتصاب غذا هستند .

بنظر میرسد که علت این اعتصاب غذا آن بوده که زندانیان احساس می‌کردند که خود روزی به سرنوشت آن ۹ نفر دچار خواهند شد .

بنابراین دو نظریه موجود است .

یکی نظر رسمی که میگوید: این زندانیان در حالی که سعی میکردند

فرار کنند کشته شده‌اند .

دیگری آنکه این زندانیان بی‌رحمانه و بی‌دلیل و فقط بعزت مخالفت خود با رژیم بقتل رسیده‌اند .

سکوت دولتی که ما در ایران با آن مواجه بودیم همچنین اطلاعاتی که از منابع مختلف بدست آوردیم برای ما مسلم مینماید که نظریه رسمی دولتی جدی نمیتواند باشد .

بنظر میرسد که اگر نظر دولتی درست میبود بما امکان میدادند که سرلشکر بهزادی را که قاعدتا " باید تمامی اطلاعات را در مورد این حوادث میداشت ملاقات میکردیم . مصالح دولت ایران ایجاب مینمود که بهمه سئوالاتی که میشود توضیح دهد ، البته اگر چیزی برای مخفی کردن نداشت .

بسیار باعث تعجب است که ۹ نفر در حال فرار مورد هدف قرار گیرند وهمه کشته شوند و حتی یک نفر از آنها زخمی نگردد . همچنان باعث تعجب است که عده‌ای که مدت بسیاری از محکومیت خود را در زندان گذرانده‌اند چنین ریسکی برای فرار بنمایند .

بخصوص در مورد چوپان زاده که فقط دو ماه به آزادیش مانده بود ، چگونه میتوان قبول کرد که او ریسک فرار از زندان را قبول کند .

همچنین کاملاً " غیر عادی است که اعلام چنین خبری بعد از آن باشد که خانواده زندانیان فشار آوردند که بملاقات زندانیان روند .

نامه‌ای که ما بر رئیس کانون وکلای تهران نوشتیم طبعاً " بسیار سرد و خشک بنظر میرسد . ما خصوصاً " از عکس‌العمل آقای جلالی بخود متحیر شدیم . عکس‌العملی که غیر از آن از یک وکیل ، آنهم رئیس کانون وکلای تهران ، انتظار میرفت .

ما مطلع شدیم که عکس‌العمل او ناشی از آنستکه او در شرایط فعلی به وکلای دادگستری ایران فشار می‌آورد تا به حزب رستاخیز ایران بپیوندند . بجز دکتر حداد معاون دبیر کل کمیته حقوق بشر در ایران ، هیچ ایرانی و خارجی منکرو وجود زندانیان سیاسی در ایران نیست .

بر اساس آنچه آمد ، اینطور میتوان نتیجه گرفت که این افراد بخاطر عقاید سیاسی خود ومخالفت با رژیم کشته شده‌اند . و بین اینکه آنها زیر شکنجه ، آنطور

که سازمان بین‌المللی عفو اعلام داشته است، و یا فقط بخاطر آنکه قبول نکردند به رژیم بپیوندند، بیرحمانه اعدام شده‌اند هیچگونه تفاوتی نمیتواند وجود داشته باشد.

وضع کنونی فشار و اختناق سیاسی در ایران

از: ژان میشل برونشویک ، وکیل دادگستری پاریس
(نماینده اعزامی انجمن بین‌المللی حقوقدانان دموکرات)

به نمایندگی از طرف انجمن حقوقدانان دموکرات و همراه با پدر روحانی میشل ژست ، که از طرف جنبش روشنفکران کاتولیک (پاکس رومانا) ماموریت یافته بود از تاریخ ۹ تا ۱۸ ژانویه ۱۹۷۶ به ایران رفتیم . موضوع ماموریت ما کسب اطلاع راجع به وضع زندانیان سیاسی و خصوصاً "سرنوشت کسانی بود که بدلائل سیاسی توقیف شده و در این اواخر دستگیریشان اعلام گردیده بود .

اندکی قبل از عزیمت به ایران از حکم محکومیت به اعدام ده نفری مطلع شدیم که توسط دادگاه نظامی تهران در اواخر ماه دسامبر صادر شده بود ، و در نتیجه برنامه کسب اطلاع خود را توسعه داده و این مورد را نیز بدان افزودیم . من و پدر روحانی ژست ، با آگاهی به مشکلاتی که ناظران بین‌المللی هر بار بیش از بار قبل بهنگام ماموریت‌های خود در ایران با آن مواجه می‌شوند بدون آنکه در خصوص کار خود گرفتار خیالات واهی باشیم عصر روز ۹ ژانویه به تهران وارد شدیم .

در این چاپس از گزارش تماس‌های خودمان با مقامات ایرانی به گفتگو در باره اطلاعاتی نیز می‌پردازیم که از طریق تماس با برخی از افراد معمولی بدست آوردیم . پیش از تماس گرفتن با مقامات ایرانی (از تاریخ ۱۳ ژانویه بعد) در فردای روز ورود خود به تهران به سفارت فرانسه در ایران رفتیم ، اما چون توسط سفیر فرانسه

پذیرفته‌نشديم با آقای بی‌نارد رایزن سفارت (که در همین روزها به سمت کنسول فرانسه در اورشلیم منصوب شده است) و آقای فردریک گراسه، دبیر اول سفارت ملاقات کردیم .

دیپلماتهای مذکور ما را بسادگی و دوستانه پذیرفتند ، ولی بزودی فهمیدیم که با توجه به موقعیت آنها به عنوان دیپلمات فرانسوی مقیم ایران نباید امید داشته باشیم که این آقایان در مورد ماموریت ما کوچکترین کمکی به ما بکنند . با وجود سوالاتی که توسط ما طرح شد گفتگو در حد مطالب و مسائل عمومی باقی ماند و در ضمن همین گفتگو به ما گفته شد که چند ماه قبل تظاهرات بسیار مهمی در شهر مذهبی قم صورت گرفته و افراد مذهبی متعددی بازداشت شده‌اند . حکومت مدعی بوده است که یک توطئه اسلامی - مارکسیستی وجود داشته و بازداشت‌های خود را بر همین اساس توجیه کرده است .

در بارهٔ احکام محکومیت به اعدام اخیر نیز این آقایان غیر از اخباری که در روزنامه منتشر شده بود ، خبری نداشتند ، لکن معتقد بودند که رژیم با مخلوط کردن چند جریان مختلف در صدد است که قبل از فرا رسیدن فروردین کار این قبیل فعالیت‌ها رایکسر کند و نیز گفتند که ۱۰ نفر محکوم به اعدام به اتهام قتل سه افسر امریکائی و یک افسر ارشد ایرانی یعنی سرتیپ زندی پور رئیس ساواک تهران و نیز یک کارمند ایرانی سفارت امریکا و تصفیه یکی از افراد خودشان تحت تعقیب قرار گرفته‌اند .

پس از این ملاقات ما به سفارت واتیکان که در نزدیکی محل سفارت فرانسه بود ، رجوع کردیم تا از سفیر پاپ تقاضای ملاقات کنیم ، اما سفیر به رم مراجعت کرده و جانشین وی هنوز به ایران نیامده بود .

نظر به اینکه پیش از ظهر در سفارت واتیکان کسی نمیتوانست ما را بپذیرد تصمیم گرفتیم که بعد از ظهر به آنجا مراجعه کنیم و با آقای فرانکو کاردار سفارت ملاقات نمائیم . در ایشان احتیاط و مال اندیشی دیپلماتیک با احتیاط کاری و ملایمت کشیشی دست در دست هم داشتند . شک نیست که نمایندگی واتیکان در یک کشور اسلامی مواجه با مشکلاتی است و بدیهی است که سفارت واتیکان در تهران از بیان هرگونه انتقادی نسبت به رژیم شاه پرهیز دارد .

معدلک فکر میکنیم که از خلال گفتگوهای آقای فرانکو این مطلب دستگیرمان شد که وی رژیم‌ی را که علیه کمونیسم مبارزه میکند تأیید مینماید و معتقد است که نباید در بارهٔ ایرادها و اشکالات چنین رژیم‌ی سختگیری به خرج داد. در ضمن گفتگو فرانکو به وضع برخی از کشورهای غربی اشاره کرد و در خصوص اوضاع و احوال ایتالیا که در معرض خطر سرخ قرار گرفته است اظهار تاسف نمود و همین اشارات وی حدس ما را در خصوص تأیید رژیم ایران تقویت نمود. تا روز ۱۲ ژانویه ما با خارج‌یانی تماس گرفتیم که از سالها پیش در ایران بسر می‌برند و با احتیاط تمام اطلاعاتی در اختیار ما گذاشتند.

۱ - تماس‌های رسمی با مقامات ایرانی

صبح روز ۱۳ ژانویه ما از بالاترین مقام، یعنی شخص نخست وزیر که در گذشته ناظران بین‌المللی را به حضور پذیرفته بود تقاضای ملاقات کردیم. طول عمر سیاسی آقای هویدا گویای جا و مقامی است که این شخص در رژیم ایران از آن برخوردار است.

بامراجعه به مقر وی از پاسگاه پلیس که در مدخل عمارت واقع بود خواستیم که ما را با یکی از اعضای دفتر وی در تماس قرار دهد، خانمی که عضو دبیرخانه وی بود و به خوبی فرانسه تکلم میکرد پس از آنکه مقصود ما را از تقاضای ملاقات دانست به ما گفت که نخست وزیر به سختی گرفتار است، با اینهمه وی تقاضای ما را با اطلاع وی خواهد رساند و سعی خواهد کرد که ترتیبی داده شود تا ما بتوانیم با یکی از اعضای دفتر وی ملاقات کنیم. این خانم مطابق معمول یعنی مطابق روشی که ناظران بین‌المللی قبل از ما نیز با آن سروکار پیدا کرده و بدان آشنا هستند اسم هتل و شماره اتاق ما را گرفت و اضافه کرد که برای تعیین وعده ملاقات به ما تلفن خواهد کرد.

تا روزی که مراجعت کردیم همچنان منتظر تلفن دفتر نخست وزیر ماندیم اما این انتظار، انتظار بی‌بهره‌ای بود.

پس از اقدام بالا به وزارت اطلاعات رجوع کردیم، در این وزارتخانه تقریباً خیلی زود به ملاقات آقای آرین پور معاون مطبوعاتی وزیر نائل آمدیم، لکن حدود و ثغور این ملاقات نیز فوراً روشن و واضح شد. بدین معنی که بلافاصله پس

از آنکه موضوع ملاقات خود را با مترجمش در میان گذاشتیم ، وی روزنامه فرانسوی فیگارو مورخ ۸ ژانویه ۱۹۷۶ را که روی میز کارش بود به ما نشان داد و خواست تا مقاله‌ای را که در صفحه اول این نشریه درج شده است بخوانیم . این مقاله درباره اتخاذ یک سیاست مشترک اروپایی برای مبارزه با تروریسم بین المللی بود . پس از خواندن مقاله آقای معاون گفت که هیچ‌کس نمی‌تواند نسبت به تروریسم اغماض داشته باشد ، تروریسم کارجانیان واقعی است که از قتل و سوء قصد در اماکن عمومی و حتی کشتن همدیگر در شرائط وحشتناک ابائی ندارند . از این جا به نتیجه گفتگو روشن بود ، آقای آربین پور بدون پرده پوشی بما گفت که از دیدار ما در ایران به عنوان توریست فرانسوی بسیار خوشحال است و در صورتیکه با کوچکترین مشکلی روبرو باشیم دستگاه وی در اختیار ما خواهد بود ، اما مسائل دیگر جزو امور داخلی ایران است و ما حق نداریم نسبت بدان اظهار علاقه کنیم . بنظر معاون وزیر اینگونه جنایات شایسته هیچگونه عفو و اغماضی نیستند و دارای هیچ جنبه سیاسی نمی‌باشند . من بین اعمال جنائی مربوط به حقوق عمومی و اعمالی که می‌توانند علل و محرکات سیاسی داشته باشند فرق قائل شدم ، اما معاون وزارت اطلاعات همچنان بر قول خود پابرجا ماند و منکر این فرق گردید .

در جواب سؤال من که دلیل صلاحیت دادگاه‌های نظامی برای رسیدگی به کار ده نفر محکوم به اعدام چیست وی گفت که دادگاه‌های نظامی به محض آنکه جرم حمل اسلحه مطرح باشد ، تنها مرجع صالح اند .

پس از ترک وزارت اطلاعات به دانشگاه رفتیم تا درباره فشار و اختناق در محیط دانشگاه اطلاعاتی جمع‌آوری کنیم ، و تقاضای ملاقات با رئیس دانشگاه را بکنیم ، مسئول روابط عمومی دانشگاه تهران ما را به حضور پذیرفت و پس از اطلاع از تقاضای ما راجع به ملاقات با رئیس دانشگاه با تلفن خود مشغول شد و پس از نیم ساعت صحبت با تلفن به ما گفت که بهتر است فردا صبح به وی تلفن کنیم ، ما فردا صبح تلفن کردیم ولی نتوانستیم با وی تماس برقرار کنیم زیرا شماره تلفنی که بما داده بود درست نبود!

در نتیجه فهمیدیم که کوشش در این جهت یعنی در خصوص دانشگاه بیهوده است ، زیرا این بخش ، بخش بسیار حساسی تلقی میشود .

بعد از ظهر آن روز به مجمع بانکها رجوع کردیم تا دکتر عبده وزیر وسفیر سابق راکه در حال حاضر متصدی جمعیت ایرانی طرفداران ملل متحد است ملاقات کنیم . نظر باینکه ماموریت ما به نمایندگی از طرف سازمانهای غیر دولتی‌ای بود که در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد و یونسکو عنوان سازمانهای مشورتی دارند ، بنا بر این فکر میکردیم که بتوانیم در گفتگو با دکتر عبده نتیجه بهتری بدست آوریم .

دکتر عبده در محل کار خود نبود ، بنا بر این ما صبح روز بعد به ملاقات وی رفتیم ، قبل از این ملاقات به کاخ دادگستری مراجعه کردیم و تقاضای ملاقات با دکتر یگانه رئیس دیوان کشور را نمودیم . بما گفته شده بود که وی یکی از افراد صاحب نفوذ رژیم است (و در ضمن نماینده مجلس نیز میباشد) در جواب تقاضای ملاقات به ما گفتند که دکتر یگانه در مجلس است و قرار بر این شد که در روز شنبه ساعت ۱۰ صبح به ملاقات وی برویم .

وقتی به ملاقات دکتر عبده رفتیم وی ما را ظاهرا به گرمی پذیرفت و مرا به عنوان همکار خود مورد خطاب قرار داد .

پس از آنکه دستور داد برای ما قهوه بیاورند و از دیدار ما اظهار خوشوقتی کرد بلافاصله گفت که از دادن کوچکترین اطلاعی راجع به آنچه مورد نظر ماست عاجز است ، و جز آنچه در روزنامه‌های ایران خوانده است ، چیزی نمیداند . و برای پرداختن به حقوق بشر وقت ندارد . علاوه بر این به ما گفت که جمعیت وی به سرعت رو به رشد است و از هرگونه برخورد و تعارض صلاحیت با کمیته ایرانی حقوق بشر پرهیز دارد ، در ضمن قویا" توصیه کرد که به این کمیته رجوع کنیم . دکتر عبده در این باب اصرار داشت که شغل وی بعنوان مشاور مجمع بانکها و نیز ایجاد یک دفتر حقوق بین المللی با همکاری عده‌ای جوان تر از وی تمام وقت ویرا گرفته است ، بدین ترتیب ملاحظه میشود که ملاقات ما با وی نیز نتیجه‌ای در بر نداشت .

شب قبل از این ملاقات وقتی به هتل مراجعت کردیم با تعجب دیدیم که از طرف وزارت اطلاعات پیغامی گذاشته و از ما خواسته‌اند که به آنجا تلفن کنیم . در حقیقت معاون وزارت اطلاعات تصمیم گرفته بود که برای پاسخ به پرسش‌های

ما کسی رابه نزد ما بفرستد . بعد از ظهر روزی که صبح آن با عبده ملاقات کردیم یکی از ماموران وزارت اطلاعات به هتل ما آمد ، این شخص برخلاف آنچه ظاهرش نشان میداد خیلی چیزها میدانست ، ما در ملاقات خود با معاون وزارت اطلاعات علاوه بر اسامی ده نفر محکوم به اعدام ، لیست افرادی را هم به وی داده بودیم که میخواستیم دربارهٔ سرنوشت آنها اطلاعاتی بدست آوریم .
این لیست شامل این اسامی بود :

- ۱- آیه الله منتظری یکی از مراجع مذهبی ۶۵ ساله
 - ۲- آیه الله طالقانی یکی دیگر از مراجع مذهبی ۷۵ ساله
 - ۳- حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی ۴۳ ساله
 - ۴- حجة الاسلام لاهوتی ۵۴ ساله
 - ۵- دکتر مهدی ممکن ۴۰ ساله
 - ۶- میثمی ۳۸ ساله
 - ۷- خانم طالقانی دختر آیه الله طالقانی ۳۴ ساله
 - ۸- خانم منیژه بستانی مدیر مدرسه دخترانه علوی در تهران ۴۳ ساله
 - ۹- خانم کبیری ۴۵ ساله
- (که مدتی است همراه دختر ۱۲ ساله خود دستگیر شده است)
- ۱۰- دکتر عباس شیبانی ۴۲ ساله

مامور وزارت اطلاعات راجع به محکومان به اعدام گفت که این افراد میتوانند تقاضای تجدیدنظر کنند ولی وی نمیتواند تاریخی را تعیین کند که در آن تاریخ افراد مذکور به دادگاه تجدید نظر خواهند رفت ، زیرا قبل از دادگاه مراحل متعددی باید طی شود . اما پس از مراجعت به فرانسه دانستیم که نه تنها حکم محکومیت به اعدام در دادگاه تجدید نظر تائید شده و توسط مطبوعات ایران ۴۸ ساعت پس از بازگشت ما بفرانسه اعلام گردیده است ، بلکه علاوه براین ، ۹ نفر از آنها نیز روز شنبه ۲۴ ژانویه ۱۹۷۶ تیرباران شده اند . وقتی این تاریخها را با هم مقایسه کنیم دقیقاً معلوم میشود که محاکمه تجدیدنظر در همان ایام که ما در تهران بوده ایم در جریان بوده است .

بهرحال مامور مذکور نیز نظیر دیگران برای ما توضیح داد که این گروه

تروریست جنایتکار بوده‌اند و نمی‌توانسته‌اند به‌عنوان مجرمان سیاسی تلقی شوند. من از این مطلب اظهار تعجب کردم که چطور شده است که این افراد که به‌عنوان مجرمان عادی تلقی میشوند حملات و ضربات خود را بطور اساسی متوجه افسران عالی رتبه امریکائی و یا ایرانی کرده‌اند. مامور وزارت اطلاعات که در جواب باین سؤال دست و پای خود را گم کرده بود قبول کرد که با توجه به شخصیت این افراد طرح چنین سئوالی موجه است.

راجع به صلاحیت محاکم نظامی، همان توضیح قبلی بما داده شد بدین معنی که هرکس که به خاطر حمل اسلحه تحت تعقیب قرار گیرد سر و کارش با دادگاه نظامی می‌باشد.

در گفتگوی خود با این شخص گفتیم که مدتی است مقامات ایرانی به ناظران بین‌المللی اجازه شرکت در محاکمات و یا بازدید از بازداشتگاهها را نمیدهند، وی در جواب گفت که این سؤال را باید با مسئولان دادرسی ارتش در میان گذاشت و اضافه کرد که احتمالاً "در فرانسه نیز خارجیان نمیتوانند در محاکمات سیاسی حضور یابند. وقتی بوی جواب دادیم که در فرانسه مذاکرات دادگاه امنیت دولت علنی است و مطبوعات خارجی میتوانند در جلسه حضور داشته باشند، وی اظهار تعجب فراوان کرد.

در ضمن گفتگو، همانطور که شب قبل از معاون وزارت اطلاعات خواسته بودیم از وی نیز سؤال کردیم که آیا میتوانیم با رئیس دادگاه نظامی و یا دادستان ارتش سرتیب بهزادی ملاقات کنیم، وی بما گفت که باید بطور کتبی تقاضا کنیم ولی برای دریافت پاسخ دست کم باید بیست روز صبر کنیم بوی گفتیم که برای ما غیر ممکن است این همه وقت منتظر بمانیم لکن برای آینده به سازمان‌های بین‌المللی توصیه خواهیم کرد که این تقاضای کتبی را قبل از عزیمت ناظران تنظیم کنند.

وی خاطر نشان ساخت که بهترین کار اینست که مطلب مستقیماً "به نخست‌وزیر نوشته شود. همچنین بوی گفتیم که بسیاری از اوقات هنگامی روزنامه‌ها خبر محاکمات را میدهند که حکم محکومیت صادر شده است وی در جواب گفت در مورد محاکمه اخیر مطبوعات ایران قبل از محاکمه از آن گفتگو کرده‌اند (ولی ما نتوانستیم صحت و سقم این مطلب را مورد تحقیق قرار دهیم).

همچنین از این مطلب اظهار تعجب کردیم که چطور وکلای غیرنظامی نمیتوانند در دادگاههای نظامی از متهمان دفاع کنند و وقتی در این دادگاهها کار دفاع بعهده افراد نظامی شاغل و یا بازنشسته باشد باید گفت که امر دفاع پر و پایه‌ای ندارد، زیرا وکلای مدافع وقضات هردو به یک دستگاه وابسته‌اند و تحت امر مافوق خود قرار دارند. مامور مذکور برای ما توضیح داد که افسران مدافع، واقعا" وکیل مدافع هستند، زیرا تحصیلات حقوقی دارند و میتوانند در دادگاههای غیرنظامی نیز وکالت کنند، وقتی گفتیم البته عکس مطلب صدق نمیکند، در جواب پشت سپر قانون ایران قرار گرفت و بدان استناد کرد.

ما به همه کسانی که با آنها ملاقات میکردیم، این نکته را یادآور میشدیم که بعنوان نماینده یک سازمان بین‌المللی عمل میکنیم و هدف از ماموریت ما بهیچوجه این نیست که در امور داخلی دولت دخالت کنیم بلکه هدف مانظارت بر رعایت دقیق حقوق بشر و حیثیت انسانی است. همان مطلبی که قراردادهای بین‌المللی بدان توجه دارند و دولت ایران نیز بعنوان عضو سازمان ملل متحد باید تابع آن قراردادهای باشد.

روز پنجشنبه نتوانستیم با کسی ملاقات کنیم. به دکتر عالیخانی، دبیرکل کمیته حقوق بشر تلفن کردیم وی بما گفت که چون در یکی از شهرستانها کار دارد، نمیتواند با ما ملاقات کند ولی سعی میکند که شنبه ما را به حضور بپذیرد و با ترتیب ملاقات ما را با معاونش دکتر حداد فراهم نماید.

از تعطیل روز جمعه استفاده کردیم و به اصفهان رفتیم، شهری که گواه عظمت گذشته و شور و هیجان مذهبی‌ایست که در آن اسلام شیعی توانسته است خصائص و استقلال خود را نمایان سازد.

مسافرت مذکور سبب شد که بتوانیم با بعضی افراد گفتگو کنیم. روز شنبه ساعت ۸ صبح با دکتر حداد معاون دبیرکل کمیته ایرانی حقوق بشر ملاقات کردیم، ریاست کمیته مذکور با شاهزاده اشرف، خواهر شاه است. دکتر حداد مارا در دفتر خود واقع در بانک مرکزی ایران به حضور پذیرفت. وی نیز خیلی زود به ما گفت که اطلاعاتش در باره محکومان به اعدام همان است که در روزنامه‌ها منتشر شده است، و در مورد بازداشت شدگان دیگر نیز کمیته

نمی‌تواند کاری بکند، زیرا کمیته مذکور فقط در صورت شکایت می‌تواند اقدام کند. دکتر حداد یادآوری کرد که هرگز از خانواده اشخاصی که تحت تعقیب داد، سی ارتش هستند کوچکترین شکایتی دریافت نکرده است، و سپس برای ماز وضع فلاکت‌بار کمیته‌اش که مرکب از سه نفر شاهزاده‌اشرف، دکتر عالیخانی و خود اوست صحبت کرد، و گفت که وی خیلی کم و شبها پس از کار خودش در بانک می‌تواند به کار کمیته برسد و کاری که در بانک میکند نیز برای زندگی خود و خانواده‌اش در یک آپارتمان کوچک اجاره‌ای ضرورت دارد! و آنچنان دربارهٔ وضع زندگی خود داد سخن داد که کم مانده بود ماهم به غصه‌خوری و دلسوزی بپردازیم، البته باید یادآوری کنیم که ایشان ما را در بانک مرکزی در یک دفتر کار مجلل به حضور پذیرفتند.

باری کمیته حقوق بشر بدلیل آنکه کارمند لازم را ندارد کارش فقط و فقط اینست که وقتی شکایتی دریافت کرد مطلبی به مقامات مربوط بنویسد و منتظر جواب بماند، و این جوابها طوری است که کمیته بطور کلی آنها را رضایت‌بخش می‌بیند. بعبارت دیگر این کمیته ایرانی حقوق بشر یک سازمان آلت دست و بازیچه است، مضافاً اینکه مفهومی که معاون دبیر کل این کمیته از حقوق بشر بیان می‌داشت خیلی محدودتر از مفهوم سازمانهای بین‌المللی‌ای است که در راه این حقوق مبارزه میکنند.

دکتر حداد گفت که بنظر وی حقوق بشر عبارت از مبارزه علیه نژادپرستی و راسیسم، مثلاً "در امریکا است (البته ما نمیتوانستیم با این مطلب موافق نباشیم) و نیز بنظر وی تروریسم نمیتواند خود را با هیچگونه محرک سیاسی توجیه کند، در نتیجه بنظر دکتر حداد تروریسم باید بی‌رحمانه سرکوب شود و وی اقداماتی را که حکومت ایران بدان دست زده است تأیید میکند و یک لحظه نیز در این امر تردید ندارد که اشخاص مذکور مطابق قانون ایران تحت تعقیب و محاکمه قرار میگیرند. اکنون مطلب در این است که آیا این قانون هم دقیقاً اجرا میشود؟ البته در این باب شک و تردید بجاست و دلیل آنهم اطلاعاتی است که از چندین سال پیش راجع به روشهای زور و اختناق در ایران جمع‌آوری شده است.

در جواب یکی دیگر از سئوالات ما دکتر حداد خاطرنشان ساخت که چون

وقت و نیز کارمند لازم را در اختیار ندارد به کار هیچیک از محاکمات نمیرسد و هیچگاه بیزه زندانها و یا بازداشتگاههای دیگر پاننهاده است، و در حال حاضر نیز خانواده زندانیان میتوانند آنها را ملاقات کنند.

احساسی که از این ملاقات به من و پدر روحانی ژست دست داد این بود که مخاطب ما یک هنرپیشه و کم‌دین زبردست است. بلافاصله پس از این ملاقات به کاخ دادگستری رفتیم تا مطابق قراری که روز چهارشنبه گذاشته شده بود با رئیس دیوان کشور دیدار کنیم.

البته بدون آنکه تعجب کنیم، یکی از قضات که از حضور ما آگاه شده بود به اطلاع ما رساند که جناب رئیس گرفتار است و نمیتواند ما را بپذیرد و به ما حالی کرد که با توجه به نوع اطلاعاتی که منظور نظر ماست باید به محل دیگری مراجعه کرد. در جواب گفتیم ما آمده بودیم دکتر یگانه را ببینیم و از وی بخواهیم که برای ملاقات ما با دادستان ارتش تسهیلات لازم را فراهم کند، زیرا مطابق مطالبی که به ما گفته‌اند بدون اجازه قبلی نمیتوان با وی ملاقات کرد.

قاضی مذکور گفت که وی هم اکنون به ادارهٔ ۶ دادرسی ارتش تلفن خواهد کرد و پنج دقیقه بعد بازگشت و گفت که براحتی میتوانیم با سرتیپ بهزادی که منتظر ماست ملاقات کنیم. یکی از کارمندان دفتر این قاضی نشانی سربازخانه‌ای را که مقر دادگاه نظامی است برای ما نوشت. باید بگویم که ما شک داشتیم که نشانی مذکور، نشانی واقعی باشد ولی تا کسی ما را به محل مورد نظر برد.

در آنجا قصد خود را که ملاقات با بهزادی بود به مسئول پاسگاه گفتیم و مدت نیمساعت معطل شدیم تا سرانجام یکی از افسران به اطلاعمان رساند که بهزادی کارش تمام شده و رفته است، باز هم مدتی ایستادیم چون قرارمان این بود که تا پایان ما موریت به بازی ادامه دهیم، اما باین نتیجه رسیدیم که قسمت مربوط به مقامات رسمی این ماجرا به پایان رسیده و در این بخش بازی را تقریباً " بطور کامل باخته‌ایم.

در گفتگوهایمان با وزارت اطلاعات تنها این مطلب تأیید شد که لیست اشخاصی که داده بودیم صحیح است و این اشخاص به علل و دلائل مبهم از قبیل فعالیت اسلامی - مارکسیستی توقیف شده‌اند.

در مورد زنی که گفته شده بود همراه با دختر دوازده ساله‌اش دستگیر و زندانی شده است جواب این بود که احتمال این مطلب کم است و مطمئناً " بچه آزاد است . مطابق گفته‌های مامور وزارت اطلاعات در حال حاضر شهربانی و دادرسی ارتش با همکاری یکدیگر دربارهٔ این اشخاص به تحقیق مشغولند و محاکمه آنان قبل از سال آینده شروع خواهد شد .

۲ - اطلاعاتی که از منابع دیگر بدست آمده است

در این قسمت بدلائلی که روشن است نمیتوان منبع اطلاعاتی را که از ایرانیان و خارجیان مقیم ایران جمع آوری شده است ، ذکر کرد . نظر باینکه میخواهیم مطالب را بطور عینی مورد بررسی قرار داده باشیم باید بگوئیم که صحت و سقم هیچیک از اطلاعات جمع آوری شده زیرتوسط خود ما مورد تحقیق قرار نگرفته است ، ولی بنظر ما اشخاصی که این اطلاعات را بماد داده اند ، مورد وثوق و اعتمادند . بطور کلی در بسیاری از موارد اشخاصی که مورد پرس و جوی ما قرار گرفتند بی نهایت احتیاط میکردند و این امر منجر بدان میشد که راجع به کلیه کارهای رژیم سکوت کنند .

ساواک یعنی پلیس سیاسی ایران ۲۰/۰۰۰ کارمند دائم و ۱۸۰/۰۰۰ جاسوس دارد و در همه محافل حاضر و ناظر است و هیچکس از هیچکس در هر مقامی که باشد مطمئن نیست .

ساواک به غیر از زندانهای شناخته شده و رسمی در ساختمانهای که در سراسر شهر پراکنده اند و به خصوص در تهران دارای اماکن متعدد است . در این اماکن افراد مظنون را بطور مخفی نگه میدارند و تحت بازجویی قرار میدهند . این افراد یا بعداً " در اختیار دادرسی ارتش قرار میگیرند و یا بطور قطع از میان میروند . در واقع آنچه در مطالبی که می شنیدیم بچشم میخورد این بود که عده‌ای راپلیس توقیف کرده ولی بدون آنکه محاکمه‌ای پیش بیاید این اشخاص بطور کامل ناپدید شده اند .

کسانی که در نزدیکی یکی از خانه‌های مخفی پلیس زندگی میکنند با اطمینان به ما گفتند که غالباً " افرادی را دیده‌اند که با چشم بسته از اتومبیلهای پلیس بیرون آورده و به این خانه برده میشوند ولی هیچگاه ندیده‌اند که این افراد زنده

از آنجا خارج شوند .

غالباً " اتفاق می افتد که پلیس نه فقط اشخاص مخالف بلکه افراد مختلف خانواده آنها را نیز دستگیر میکند .

یکی از این مثالها ، مورد خانواده رضائی است که سه فرزند آنها کشته شده اند (دو نفر از آنها اعدام و دیگری در زد و خورد با پلیس کشته شده است) پس از این جریان پلیس پدر ، مادر و دو خواهر و دو شوهر خواهر رضائی ها را توقیف کرده است و محاکمه ای هم در میان نیست .

از جمله مواردی که برای ما شرح داده شد مورد یکی از زندانیان است که تقریباً " از ده سال پیش در شیراز محبوس است . دختر وی هر سه ماه یکبار فقط میتواند پنج دقیقه ویرا ملاقات کند و کلیه مکاتبات نیز باید روی کارت پستال و بدون پاکت در بسته باشد . این دختر مطمئن است که پدر خود را هیچگاه در خانه نخواهد دید ، همین دختر در مدرسه خود مورد توهین و تحقیر مداوم چند تن از معلمان قرار داشته و مجبور شده است که مدرسه اش را تغییر دهد ، همکاران دیگر این معلمان آنها را سازمان امنیتی میدانند .

در مورد مدارس گفته شد که از چند ماه پیش به این طرف از جوانانی که میخواهند امتحان بدهند خواسته میشود که قبل از امتحان تعهد پیوستن به حزب رستاخیز را بکنند . حزب واحدی که در سال گذشته شاه ایجاد کرده است . از قرار معلوم دانشگاه تهران یکی از مراکز مهم سرکوبی و فشار پلیس است . محیط دانشجویی رژیم را که مانع هرگونه آزادی بیان و حق تجمع است به سادگی تحمل نمیکند .

در دانشگاه بطور مرتب وقایعی اتفاق می افتد ، البته دانشگاه دائماً " تحت مراقبت پلیس قرار دارد و ما خود به چشم خود این جریان را مشاهده کردیم .

در ماه دسامبر گذشته دانشگاه تهران را مدت چند روز بسته بودند علاوه بر این ما از منبع موثقی شنیدیم که در هفته دوم دسامبر ، (حوالی ۱۵ دسامبر) پلیس وارد دانشگاه ها شده و دختران و پسران دانشجویی را حتی تا داخل مستراحها تعقیب کرده است و در این جریان ۱۰ نفر از آنها کشته و یا زخمی شده اند ، اما وقتی این خبر راه چند تن دیگر گفتیم هیچیک از آنها در جریان نبودند . روز ۱۲ ژانویه مطلع شدیم

که خانم طالقانی، دختر آیه الله طالقانی در همان روز به حبس ابد محکوم شده است. ما با اطلاع از این حکم وقتی با مامور وزارت اطلاعات ملاقات کردیم از وی پرسیدیم که آیا اشخاصی که لیست آنها را داده ایم در آینده نزدیک محاکمه میشوند، وی جواب داد که این محاکمه قبل از سال آینده نخواهد بود. بهر حال این تنها اطلاعی بود که ما از سرنوشت اشخاص مورد نظر بدست آوردیم و باید بگوئیم که حکم محکومیت این خانم نیز در هیچ یک از روزنامه‌ها منتشر نشده است.

علاوه بر اسامی‌ای که در بالا ذکر شد، باید خاطر نشان ساخت که از ۲ سال پیش عده دیگری نیز دستگیر شده و بدون محاکمه مانده‌اند از جمله:

آیه الله ربانی شیرازی	۶۳ ساله
آیه الله خامنه‌ای	۵۷ ساله
آیه الله طبرسی	۵۱ ساله
آیه الله هاشمی نژاد	۶۰ ساله

دو نفر اول در معرض خطر اعدام هستند و همگی این‌ها شکنجه شده‌اند. گزارش‌های ماموریت‌های قبل در بارهٔ شکنجه و رفتار با زندانیان سیاسی مطالب لازم را گفته‌اند.

مطلب دیگری که بطور مستقیم مربوط به ماموریت ما نمیشود ولی در عین حال قابل توجه است، اینست که حکومت ایران در سال گذشته تصمیم گرفته است که تعلیمات خصوصی را بطور کامل ملی کند و بنابراین متدرجا "مدارس اسلامی و غیر اسلامی را بدست میگیرد.

این اقدام ممکن است که در یک کشور دموکراتیک بعنوان نشانه‌ای از ترقی بنظر برسد، اما در ایران غرض از این گونه اقدامات مربوط به ملی کردن تنها اینست که اصل و اساس تعلیم و تربیتی را ریشه کن کنند که در آن احترام به اصول انقلاب سفید شاه بطور اجبار آموخته نمیشود. در همین خط مشی نیز حکومت ایران اخیراً "روسای مذهبی همه فرق موجود در ایران را جمع کرده و بدانها گفته است که ایمان با هر مینا و بنیادی که باشد، باید بهترین وسیله برای ساختن نسل جوانی بشود که در صدد بر نیاید اصول رژیم را محل شک و تردید قرار دهد!

نتیجه این ماموریت تائید همان مطلبی بود که قبل از ما ناظران دیگر نیز بیان کرده‌اند. بدین معنی که بر شدت و خشونت و سرکوبی و فشار علیه مخالفان رژیم در ایام اخیر به ترتیب قابل ملاحظه‌ای افزوده شده است، و مقامات ایرانی در عین آنکه ناظران خارجی را به محض ورود به ایران اخراج نمیکنند، بیش از پیش در مقابل آنها سد ایجاد میکنند و مانع کوشش‌هایی میشوند که این ناظران برای پرس و جوی جدی راجع به وضع زندانیان سیاسی بدان دست میزنند.

در ایران نظیر شیلی همین مطلب که نمیگذارند ناظران خارجی از زندانبها بازدید کنند و یا در محاکمات حضور یابند اقرار رژیم است به اینکه در خصوص سرکوبی و فشار مقرر است. سرکوبی و فشاری که ابتدائی‌ترین اصول مربوط به رعایت شخص انسان را پایمال میکند.

ترسی که مردم این کشور از حرف زدن دارند، بخوبی رژیم رعب و وحشت حاکم بر ایران را نشان میدهد، کشوری که قهر تروریسم، نتیجه قهر و خشونت خود دولت است. گروهی که قدرت را بدست دارد و در راس آن شاه با قدرت مطلقه فرار گرفته است، برای آنکه انقلاب سفید را به پیروزی برساند بکمک ترور و وحشت حکومت میکند.

شکجه بصورت سیستم حکومتی در آمده است و میخواهد که هرگونه خواستی را درهم بشکند که مردم برای ادارهٔ سرنوشت خود بدست خویش نشان میدهند. رژیم به جای آنکه به نیروی ملت تکیه داشته باشد، با حمایت یک طبقه جدید و متوسط شهری (طبقه‌ای که در نتیجه یک سیستم اقتصادی افسار گسیخته ثروتمند شده است) کاری جز پیروی از خواسته‌های امریکا ندارد.

در واقع روشن است که تروریسم دولتی نتیجه یک انتخاب است. انتخاب یک نوع رشد و توسعه اقتصادی که ایران را تحت سلطه برخی از قدرتهای خارجی و گروههای بزرگ سرمایه‌داری چند ملیتی نگه دارد.

درآمد نفت فقط بکار آن می‌رود که از خارجه و خصوصاً از آمریکا محصولات غذایی وارد شود. محصولاتی که تا بیست سال پیش در خود ایران تولید میشد و بوی امکان میداد که اسفلال واقعی داشته باشد. علاوه بر این و خصوصاً ایران با پول نفت تجهیزات نظامی

تهیه میکند و این قسمت یک سوم محصول ناخالص ملی ایران را به خود جذب میکند . رژیم شاه جز آلتی برای اجرای سیاست امریکا نیست . امریکا نیز حضور خود را در ایران به این ترتیب توجیه میکند که ایران جزو کشورهای آزاد و همسایه کشورهای سوسیالیستی است .

ایران با وجود لاف و گزاف‌های شاه در مورد کنسرسیوم‌های نفتی بین‌المللی هیچگاه باین اندازه از لحاظ آینده خود وابسته به خارج نبوده است . کلیه ساخت‌های اجتماعی درهم ریخته و خرد و خمیر شده است و استناد به عظمت پارس قدیم شعبده‌بازی است و غرض از آن تسلیم کردن مردم به رژیمی است که فقط عامل اجرای قدرتهای خارجی در مبارزه‌های است که علیه آزادی ملت‌ها براه انداخته‌اند .

تهران با وجود تاسیسات صنعتی شرکت‌های خارجی پایتخت کشوری است که همچنان رشد و توسعه نیافته باقی مانده است . اما این تهران گرفتار سرگیجه جامعه مصرف است و زیر فشار این سرگیجه از پا در می‌آید . سرگیجه مذکور سبب میشود که آگاهی سیاسی جوانان یعنی قشری که بیش از همه نسبت به رژیم ایران معترض است از میان برود . در این رژیم انسان از هم گسسته و منزوی شده و از ساخت‌های زندگی و تفکر طبیعی‌اش بریده و جدا گردیده است آینده این انسان در چهارچوب چاکری و انقیاد قرار دارد .

معنی مبارزه‌ای که در حال حاضر از طرف رژیم علیه روحانیون و رؤسای مذهب صورت می‌گیرد غیر از این نیست . اسلام شیعی دارای سنتی استقلال طلبانه است و نسبت به کلیه اشکال انقیاد و سرسپردگی سیاسی عصیان و شورشگر میباشد . بدین ترتیب در حال حاضر این مذهب مانع سیاست شاه ، نایب‌السلطنه امپراطوری امریکا است .

این نوع رشد و توسعه که توسط ایران انتخاب شده است دارای حدودی است و این حدود را نیز کمبود درآمدهای نفتی تعیین میکند . این کمبود موجب شده است که ایران در عین آنکه سفارش خرید لوازم و وسائل به خارج میدهد ، تقاضای اعتبار نیز بکند ، و این همه در حالی است که خانواده سلطنتی و چند صاحب‌منصب ثروتهای هنگفتی را جمع کرده و قسمت اعظم آنرا در جاهای امن و در بانکهای

سویس گذاشته‌اند .

از سوی دیگر نیز نوع رشد و توسعه اقتصادی که رژیم فعلی ایران انتخاب کرده است بهیچوجه با واقعیت‌های ایران وفق نمیدهد و از کشورهای صنعتی وارد شده است .

نتیجه آنکه نمیتوان نسبت به امکان گذار سریع ایران به مرحله دموکراسی خوشبین بود ، هرچندکه قدرت کنونی ذاتاً " ناپایدار و متزلزل است و بطور حقیقی بر یک بنا و بنیاد مردمی استوار نیست .

لیست محکومان به اعدام :

- ۱ - افراخته ، وحید
- ۲ - طاهری رحیمی ، محمد
- ۳ - خاموشی ، سیدمحسن
- ۴ - صمدیه لباف ، مرتضی
- ۵ - بطحائی ، محسن
- ۶ - صمیمی بهبهانی ، ساسان
- ۷ - منیری جاوید ، عبدالرضا
- ۸ - لباف‌نژاد ، مرتضی
- ۹ - غیوران ، مهدی
- ۱۰ - اشرف زاده کرمانی ، منیژه

قسمتی از گزارش میشل ژست

۸ روز درتهران: ژانویه ۱۹۷۶

تحلیلی که در کتاب " نفت و قهر" (۱) بدست داده شده، چهارچوب ملاحظاتی را تشکیل میدهد که ذیلاً" به شرح آن مبادرت میشود. این ملاحظات، نتیجه یک اقامت چندروزه درتهران به تاریخ ژانویه ۱۹۷۶ و چند روز قبل از انتشار خیر اعدام ۹ نفر است.

پس از استقرار یک دستگاه بوروکراتیک دولتی که هیچ مرجع و منشاء دیگری را بعنوان قدرت نمی پذیرد، نتیجه منطقی انتخاب نفت بعنوان تنها منبع درآمد، واردات سیل آسای محصولات خارجی است. رشد و توسعه وسائل تولید نیز تنها در حدی است که تحت سلطه خارجیان باقی بماند. در این وضع اتکاء به هرگونه نیروی اجتماعی خاص ایران رد و نفی شده است، و مقصود از این نیروها، نیروهای اند که بر مبنای آنها میتوان قدرت دیگری تشکیل داد ولی اکنون دیگر این نیروها جز همکاری با دستگاه یا استعفاء و کناره گیری یا مهاجرت و یا قهر و خشونت راهی در پیش ندارند.

شهر تهران

تبعیض اجتماعی بطور واضح و آشکار در بافت شهری منعکس است. این بافت

(۱) نفت و قهر، ترور سفید و مقاومت در ایران، زیر نظر پل ویبی و ابوالحسن

بنی صدر - ناشر: آنتروپوز، ۱۹۷۴

نیز با توجه به ارتفاعات مختلف شهر سازمان یافته است. شهر بصورت یک مخروط وسیع است که از جنوب به شمال قد برافراشته و ارتفاع آن بین ۱۱۰۰ تا ۱۶۰۰ متر است. در قاعده مخروط، یعنی در جنوب شهر که در تابستان هوایی خفه کننده دارد فقیرترین محلات درهم و برهم قرار گرفته اند و پس از آن بازار و بقیه شهر قدیم واقع اند، در حدود ارتفاع ۱۳۰۰ متری، سفارتخانه ها، هتل های بین المللی قرار دارند. این هتل ها، اقامتگاه معامله گران خارجی است (که در حال حاضر در ایران بسرعت روبه افزایشند) در این منطقه بانکها و مغازه های لوکس نیز قرار دارند.

در نقطه مرتفع تر، بافت شهر شل تر میشود و محلات اعیان نشین و اراضی نظامی و اقامتگاه های تابستانی و سفارتخانه ها قرار دارند، و هوای این منطقه خنک تر است. تعداد دانش آموزان در کلاسهای این منطقه خیلی کمتر است (۳۰ نفر در این منطقه و ۷۰ نفر در جنوب شهر)

و آن بالای بالا و برکنار از همه، کاخ شاه است که تقریباً "در پای کوه قرار دارد، و چه شانسی برای تهران که یک محل اسکی بازی نزدیک خود دارد که با اتومبیل در ظرف یکساعت و ۱۵ دقیقه میتوان بدان رسید!!"

از جنوب به شمال شهر بیش از ۱۵ کیلومتر راه است، اما عملاً "وسیله حمل و نقل عمومی وجود ندارد و کار ساختمان مترو (فرانسوی) نیز باید در سال آینده شروع شود، در نتیجه ۲ اتومبیل ایران در تهران ۴ میلیونی حرکت میکنند. و از این تعداد شاید ۳۰ هزار تاکسی همگانی باشد که میتوان با فریاد زدن آنها را متوقف کرد، و تمامی شهر را با آنها به قیمت ۳۰ ریال و در ظرف ۴۵ دقیقه طی کرد، علاوه بر این تاکسی های رادیویی و نیز تاکسی هایی که در هتل ها توقف میکنند (و قیمت آنها شش برابر است) موجود است، در ضمن باید از اتومبیل های شخصی که مسافر سوار میکنند و قیمت آنها متغیر است نام برد.

بدون هیچ حساب و کتاب با همان وسائل قدیمی ساختمان میسازند، و شهر نیز بر روی یک چهارخانه بزرگ توسعه مییابد، اما این چهار میلیون سکنه از کجا آمده اند و ممر درآمدشان چیست؟

اجاره ها رکوردگرانی را شکسته اند و کارگرانی که دارای وضع متوسطی هستند،

نصف مزد خود را بعنوان اجاره میپردازند. یک خدمتکار که حقوق خوبی میگیرد و درآمدی در حدود هزار تومان دارد ۵۰۰ تومان را اجاره خانه میدهد، یک خانم آموزگار با ده سال سابقه خدمت پس از آنکه حقوقش را اضافه کرده‌اند، ۱۴۰۰ تومان میگیرد.

برای من این سؤال مطرح شده است که مزد چند ماه یک کارگر در جنوب شهر برابر با قیمت یک جفت اسکی (یعنی ۱۵۰۰ تومان) و یا برابر با قیمت یک دستگاه هی‌فی (بین ۲۵۰۰ تا ۴۵۰۰ تومان) است. در این شهر مغازه‌های بسیاری برای وسایل اسکی و دستگاه‌های هی‌فی (سونی و فیلیپس) وجود دارد. آیا وجود این محصولات لوکس و تجملی نشانه‌ای از فاصله بین درآمدها و سلطه محصولات خارجی نیست؟ در واقع ویتترین این مغازه‌های لوکس فروشی با عرضه محصولاتی که هنوز قابل دسترس همه نیست ولی دارد بصورت "نیاز" در می‌آید، مصرف‌کننده‌های بالقوه را زیر مهمیز خود گرفته‌اند.

* * *

عزاداری عاشورا (۱)

روز دوشنبه ۱۲ ژانویه ۱۹۷۶ در تمامی تهران و خصوصا " جنوب شهر بیرق‌های سیاه برافراشته بود. در این شهر مردم عزادار بودند. در اطراف یکی از مساجد رفت و آمد قطع شده، پلیس در همه‌جا مستقر بود و دسته‌های سینه‌زنی حرکت میکردند. پس از ده سال برای نخستین بار شاه به مسجد می‌آمد. شاه دیگر جز با هیلکوپتر از کاخ خود خارج نمیشود، زیرا از سوء قصد

(۱) عاشورا یادآور شهادت امام حسین نواده پیغمبر اسلام و تمامی خانواده امام حسین است. ۵۰ سال پس از وفات پیغمبر دسته‌ای از افراد میخواستند که یک امپراطوری قدرتمند اسلامی راه بیندازند و امام حسین برضد این طرز فکر قیام کرد و خواستار برقراری حکومت مردمی‌ای شد که پیغمبر برقرار کرده بود. روز عاشورا وی و ۷۱ تن از خانواده و اصحاب او و از جمله فرزند شش ماهه‌اش بقتل رسیدند و بقیه خانواده‌اش را به اسیری بردند.

وحشت دارد. فردای آنروز "ژورنال دوتهران" مضمون وعظ و خطابه‌ها را گزارش کرد. یکی از وعظ‌ها از امام حسین با این عبارت تجلیل میکند که وی شهادت را بر تحمل عملیات مخالف اسلام مرجح داشته است و بدنبال این مطلب یکی از حاضران در مسجد فریاد میکشد "زنده باد امام حسین" (تلویزیون نیز این صحنه را پخش نموده بود) در بین حضار مجلس جنب و جوشی بوجود می‌آید. ناظران، آن وعظ و این شعار را به معنی تظاهر مخالفان گرفته‌اند. معذک گفته میشد که واعظ قاعدتا "باید از لحاظ دستگاه یک آدم مطمئن باشد و حضار در مسجد نیز از صافی رد شده باشند.

جبهه مخالفی که در بین شیعیان در حال بسط و توسعه است شاه را نگران کرده است. در همین روز عاشورا نخست‌وزیر به مساجد متعدد رفته بود. مقامات مختلف سعی دارند که احساسات مذهبی مردم را جلب کنند. توسل به نیروهای مذهبی ممکن است که اشکال مستقیم‌تری نیز به خود بگیرد، در سال گذشته که مطابق معمول مسئولان فرق مختلف مذهبی به حضور شاه رفته بودند، بدین ترتیب طرف خطاب واقع شدند که:

"شما افراد روحانی هنگامیکه افراد را به ایمان به خدا دعوت میکنید

باید آنها را به اطاعت از مقامات حکومتی نیز فرا بخوانید."

در حال حاضر آنچه از جانب مقامات سیاسی عجیب و غریب بنظر می‌آید اینست که این مقامات تاکنون کوشش داشتند که جبهه مخالف موجود در محیط شیعی را بعنوان جبهه‌ای معرفی کنند که چون امتیازات فئودالی‌اش به خطر افتاده است، دست به مخالفت زده است. اما نکته جالب توجه اینست که در این باره که ما در تهران بودیم این جبهه مخالف مذهبی را بعنوان جبهه‌ای که به "جریان اسلامی - مارکسیست - لنینیستی" وابسته است به ما معرفی میکردند.

این سؤال مطرح است که قوه محرکه این نوع مقاومت سیاسی که در مذهب سیه عرض وجود کرده است، چیست؟ آیا نمیتوان گفت که این مقاومت یک طرز عمل نمونه است، طرز عمل کسانی است که وقتی فی‌المثل در موقعیت‌ها و زمینه‌های دیگر قرار میگیرند برای آنکه ایمان خود را زنده نگه دارند و در متن آن زندگی کنند در صدد نفی برمیآیند؟

نسل جوان

ناتوانی و عجز رژیم از اینکه به اهداف حرکت بخش توسل جوید هنگامی آشکار میشود که با مسئله نسل جوان ایران برخورد کنیم. آیا میتوان گفت که در ایران "نیز مثل همه جای جهان در دانشگاه جنجالها و تحریکهای پراکنده" وجود دارد؟ اگر اینطور است پس چرا اینهمه انرژی صرف حفظ انتظامات میشود؟ یکی از افراد موثق که در عین حال در بیان خود محتاط بود به ما گفت که در اواسط دسامبر پلیس وارد دانشگاه تهران شده و دانشجویانی را که در دانشگاهها متحصن بودند بیرون کرده است. ۹ پسر را در زیر ضربات خود انداخته‌اند و یک دختر از طبقه بالا پرتاب شده است و مجموعاً "۱۰ نفر کشته شده‌اند.

معلمان مجبورند که آتش بی‌اعتنائی یا مخالفت با رژیم را در مدارس خاموش سازند. در برخی از مدارس از برافراشتن پرچم منصرف شده‌اند و در بعضی دیگر نیز در صدد انصراف از این امرند. زرنگی و رندی دانش‌آموزان این تشریفات را بصورت یک مسخره بازی در آورده است.

گاهگاه نیز باید به دانش‌آموزان فهماند که اظهار نفرت آنها در ضمن تکالیف کتبی‌شان بی‌احتیاطی است و خطرناک. اما چگونه میتوان نوجوانانی را وادار بسکوت کرد که نزدیکانشان را در شرائطی که همه میدانند، دستگیر ساخته‌اند. و چگونه میتوان آنها را دعوت کرد که با صبر و حوصله، قهر و خشونت را تحمل کنند و با آرامش خاطر دورنمایی را که منتظر آنهاست در نظر بیاورند (مگر آنکه بتوانند به خارجه بگریزند) اما تا آن دور نما فرا برسد، فعلاً "در مقابل یک‌تست قرارشان میدهند:

قبل از دادن امتحانات، لطفاً "در حزب واحد ثبت نام کنید!

تجاوز به حقوق بشر و شکنجه در ایران گزارش سازمان بین‌المللی عفو در کنفرانس ۱۹۷۷ آمستردام

اول - مسائل مورد بحث

مسائل زیر مربوط به حقوق بشر در ایران مورد توجه خاص سازمان عفو بین‌المللی

میشاند:

الف - دستگیری بی‌دلیل و ناگهانی مخالفان سیاسی که مدت زیادی قبل از آنکه متهم و یا محاکمه بشوند بدون حق ملاقات زندانی میگردند.

ب - بکار بردن شکنجه.

پ - عدم تامین قانونی و ناراضی‌تی از رویه قضائی محاکمات.

ت - اعدام و کشتار غیر قانونی.

دوم - اوضاع سیاسی

حکومت ایران مشروطه سلطنتی و بر مبنای قانون اساسی ۱۹۰۶ استوار است. طبق این قانون و متمم آن مجلسین شورا متشکل از نمایندگان انتخابی و مجلس سنا که نصف اعضاء آن توسط شاه منصوب میشوند، تشکیل میگردد.

مجلسین ظاهراً "بالاترین مرجع قانونگزاری میباشند، اما عملاً" شاه تنها مشاء قدرت میباشد. شاه کنونی هنگامی بقدرت رسید که ایران بلحاظ اهمیت سوق الجیشی اش توسط شوروی و انگلستان اشغال شده بود و حتی بعد از ترک قوای متعقین در ۱۹۴۶، شاه موقعیت متزلزلی داشت. در اوت ۱۹۵۳ بدنبال یک سلسله برخوردهایی با "دولت ملی" دکتر محمد مصدق، نخست‌وزیر، شاه از ایران گریخت.

اما ارتش وفادار باقی ماند. (۱) ارتش طرفداران مصدق را منکوب و مصدق را دستگیر ساخت و شاه پس از یک هفته با ایران بازگشت. در سالهای بعد شاه کم کم بقدرت خود افزود و توانست کنترل کامل مملکت را، همچنان امروزه بدست آورد.

ابزار مهم اعمال قدرت شاه ارتش است که فرماندهی کل آنرا خود بعهده دارد. ابزار دیگر که از اهمیت مشابهی برخوردار است سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک) میباشد که در سال ۱۹۵۷ " بمنظور حفظ امنیت کشور و جلوگیری از هر نوع توطئه بر علیه مصالح عمومی ... " تشکیل شد. (۲)

اکنون بیرحمانه ترین خفقان بر مخالفین سیاسی شاه توسط ساواک اعمال میشود. سیستم خبرچینی ساواک که تمام سطوح جامعه ایران را فرا گرفته جو مخوفی ایجاد کرده که توسط بازدیدکنندگان ایران و مخالفان رژیم در داخل و خارج کشور بکرات مورد تایید واقع شده است.

ساواک عملیات خود را بخارج از ایران، یعنی بتمام کشورهاییکه در آنها ایرانی نسبتاً زیاد است گسترش داده است. مخصوصاً دانشجویان ایرانی که در خارج تحصیل میکنند تحت مراقبت قرار دارند. آی - آی (عفو بین المللی) از مواردی باخبر است که دانشجویان تنها به جهت شرکتشان در فعالیتهای سیاسی در زمانی که در خارج بسر میبرده اند بمحض مراجعت به ایران دستگیر و زندانی شده اند. گزارشهای متعددی درباره فعالیتهای مامورین ساواک وابسته به سفارتهای ایران در دست است. بطوریکه در اوت ۱۹۷۶ دولت سویس یک دیپلمات ایران در سازمان ملل در ژنورا به خاطر شرکت در " عملیات اطلاعاتی غیر مجاز " از این کشور اخراج کرد. (۳)

اگر چه مدارک کافی که ترسیم کننده کریه ترین تصویر خفقان سیاسی میباشد

۱ - وفاداری ارتش ایران نسبت به شاه با توجه با حواله ۲۱ میلیون دلاری توسط دولت آمریکا تضمین گردید. (مترجم)

۲ - به تفسیر شاه و ساواک " حفظ امنیت " برای چپاول ملت ایران توسط امپریالیسم و جلوگیری از توطئه بر علیه مصالح رژیم سرسپرده. (مترجم)

۳ - اینترنشنال هرالد تریبون ۳۱ اوت ۱۹۷۶.

در دو دهه اخیر از ایران بیرون آمده، ولی بخاطر ترس ناشی از عملیات ساواک، بدست آوردن اطلاعات دقیق در باره زندانیان سیاسی در ایران مشکل است.

در سال ۱۹۷۵ آخرین اثر آزادی ظاهری سیاسی با انحلال حزب فرمایشی مردم و معرفی نظام یک حزبی و تشکیل حزب رستاخیز محو گردید. (۱) شاه وقتیکه تشکیل حزب جدید را در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام میکرد به آنها که از پشتیبانی حزب رستاخیز سرباز میزنند اخطار کرد که یا مملکت را ترک کنند و یا روانه زندان شوند. (۲)

در سال ۱۹۶۳ شاه "انقلاب سفید"ش را معرفی کرده که شامل برنامه‌های اصلاحات ارضی (ظاهرا " برای بدست آوردن مالکیت زمین توسط کشاورزان) سهم کردن کارگران در سودکارخانه‌ها، ملی کردن بعضی از منابع طبیعی، ایجاد سپاه دانش و آزادی زنان میباشد. (۳)

سوم - موازین قانونی

الف - قانونیکه تحت آن زندانیان بازداشت میشوند:

از میان تعداد زیادی از قوانین کیفری ایران وقوانین کیفری ارتش و مقرراتی که تحت آنها زندانیان سیاسی بازداشت میشوند، ذیلا " آنهایکه بیش از همه بکار برده میشوند بیان میگردند:

۱ - جالب آنکه طراحان این نظام صهیونیستهای آمریکایی و اسرائیلی میباشند. ولی دولت آمریکا با هو و جنجال در کنگره خود این نظام را مورد سؤال قرار میدهد. برای اطلاع بیشتر به گزارشهایی که کمیته‌های مختلف کنگره آمریکا در سال ۷۶ انتشار داده‌اند مراجعه شود. (مترجم)

۲ - اینترنشنال هرالد تریبون (مارچ ۱۹۷۵) - رژیم استبدادی ایران ابداعات خود را وحی منزل میداند و در همین رابطه کسانی را که باقتضای اختیار انسانی و آزادی فردی خود با آن مخالفت میورزند از پیش محاکمه و محکوم میکند. (مترجم)

۳ - نویسنده کاپیتولاسیون را از قلم انداخته است. (مترجم)

۱ - حقوق جزائی ایران :

مواد ۱ تا ۷ لایحه جزا (۱۹۳۱) برای افرادی که بر ضد امنیت و استقلال کشور عمل کنند یعنی برای "تشکیل یا عضویت در سازمانی که ضد سلطنت است، یا داشتن عقیده اشتراکی"، "فعالیت برای تجزیه بخشی از کشور"، "فعالیت مسلحانه بر علیه دولت"، "تبلیغات در داخل ایران برای کسانی که در خارج از ایران جرمهای فوق را مرتکب شده و یا علیه مشروطه سلطنتی اقدام کنند" مجازات تعیین میکند.

تحت این مواد، مجازات برای هر یک از تخلفات مذکور از ۳ سال حبس تا اعدام تعیین شده است. کیهان، بزرگترین روزنامه تهران، در ۲۵ اوت ۱۹۷۵، نوشت که کیفر بعضی از جرائم فوق رو به تشدید است. باین معنی که یک ایرانی که از خارج به ایران باز میگردد، ممکن است تنها بخاطر شرکت در فعالیتهای سیاسی در خارج از ایران به حبس ابد گرفتار شود. بیشترین مجازات که برای این جرم قبلاً در نظر گرفته شده بود، ده سال زندان بود. در حال حاضر معلوم نیست که بدین تغییرات در قانون عمل شده باشد.

ماده‌های ۶۱، ۶۲ و ۶۳ قانون جزائی ایران برای مجازات هر کس که "یک کشور بیگانه را کمک نماید که بایران حمله کرده و یا وارد خاک ایران شود، یا کسی که با دشمن ایران در ارتباط است و با او از طریق سیاسی و نظامی بهره میرساند" مجازات ۲ سال زندان تا اعدام تعیین کرده است.

ماده‌های ۶۴، ۶۵ و ۶۶ در مورد جرائم جاسوسی میباشد، که همه مشمول مجازات اعدام هستند و ماده‌های ۶۷ و ۶۸ در مورد جرائم جاسوسی خفیف میباشد که مجازات آنها از ۲۰ تا ۱۵ سال زندان است. ماده‌های ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۷۳، ۷۹ در مورد فعالیتهای مربوط با امنیت داخلی که شامل "ترغیب مردم به فعالیت مسلحانه بر ضد دولت ملی"، "منهدم کردن کشتی، انبار مهمات، یا دیگر اموال دولت"، "تشجیع مردم ایران با سخنرانی، نوشته یا مطالب چاپی بر علیه امنیت داخلی یا خارجی"، از ۱۱ روز زندان تا اعدام، بسته به اهمیت و تاثیر جرم، مجازات تعیین میکند. ایجاد توطئه نافرجام برای ترغیب مردم ایران به جنگ بین‌همدیگر نیز جرمی محسوب میشود که مجازات آن از ۱ تا ۶ ماه زندان میباشد. علاوه بر

نقائص نظام حقوقی، که جزئیاتش ذیلاً آمده است، این مواد بقدری خودسرانه تفسیر میشوند که برای مجازات حتی کمترین مخالفت برعلیه رژیم مورد استفاده قرار میگیرند.

۲ - قوانین و مقررات جزائی ارتش:

ماده‌های ۳۱۶ تا ۳۲۰ برای محاکمه و مجازات " شرکت در توطئه قتل شاه یا ولیعهد"، " برانداختن یا قصد برانداختن موسسات دولتی، یا ایجاد مزاحمت برای اعضاء خانواده سلطنتی یا تشجیح مردم در اقدام مسلحانه برعلیه مقامات کشور" میباشند. همه این جرائم مشمول مجازات اعدامند.

ب - مقررات حقوقی و اداری بازداشت:

۱ - مراحل دستگیری

ساواک مسئول امنیت داخلی کشور است. از جمله وظایفش ممانعت از فعالیت‌های غیر قانونی سازمانها، جلوگیری از توطئه برعلیه امنیت ملی و ممانعت از تشکیل گروههای جدیدی که دارای سیاستی برخلاف قانون اساسی ۱۹۱۶ هستند، میباشد. بدین منظور، به ساواک قدرت داده شده است که بعنوان تنها بازرس برای کلیه اتهامات سیاسی شناخته شده و رای اتهام برعلیه افراد مظنون را صادر نماید. ساواک میتواند بطور مستقیم دستور دستگیری هر شخصی که از لحاظ سیاسی بدو مظنون است بدهد، و برای کسب اجازه دستگیری ملزم به مراجعه به هیچ دادگاهی نیست. طبق قانون کیفری و قضائی ارتش، مصوب ۱۹۳۸، وقتی بازرسی حکم به دستگیری میدهد، موافقت اداره دادستانی ارتش (یک سازمان مستقل از ساواک) باید در مدت ۲۴ ساعت گرفته شود. متهمین همچنین، تحت ماده ۱۰ متمم قانون اساسی ۸ اکتبر ۱۹۰۷، حق باخیر شدن از اتهامات وارده را در ظرف همان ۲۴ ساعت دارند. بهر جهت، در تمام مواردی که AI از آن مطلع است هیچیک از این مقررات اجرا نشده و با آنچه که از جریانات بازجویی ساواک در دست است بعید بنظر میرسد که فرد مظنون (زن یا مرد) را از اتهام وارده، با خبر کرده و تا قبل از ارجاع قضیه بدادگاه او را مطلع سازند. هیچزن یا مرد مظنونی دسترسی به وکیل یا اختیار خود ندارد و در تمام مواردی که بنظر AI رسانده شده‌اند زندانیان بدون حق ملاقات محبوس شده‌اند تا وقتی که بمحاکمه آورده شده و یا آزاد شده‌اند.

ساواک تمام بازجویی‌های مربوط به هر قضیه را انجام داده و پرونده کاملی که موضع دادستان را (از قبل) در محاکمه تعیین مینماید فراهم میکند. چون ساواک بازجویی را کنترل میکند، تا پرونده کامل و (از نظر ساواک) رضایتبخش گردد، متهم برای محاکمه برده نمیشود که معمولاً "نتیجه آن طولانی شدن مدت بازداشت متهم، یعنی انتظار برای ایجاد شاهد بر علیه خویش است. هیچ کنترلی بر روی روش ساواک در جمع‌آوری شواهد نبوده و ساواک برای فراهم کردن پرونده از لحاظ وقت (و نه از هیچ لحاظ دیگر) به هیچ‌وجه محدودیتی ندارد.

۲- جریان محاکمات

تمام محاکمات زندانیان سیاسی در دادگاههای ارتش، با شرکت دادستان و وکیل مدافع نظامی صورت میگیرد. همانطور که در بالا بیان شد، در طی بازجویی متهم حق مشاوره با وکیل مدافع یا هیچ شخص دیگر را ندارد. پس از تکمیل پرونده توسط ساواک، به متهم ده روز قبل از محاکمه اجازه داده میشود که با وکیل مدافع تماس بگیرد. دادگاه از متهمین میخواهد که وکیل مدافع خود را از میان اسامی یک لیست محدود انتخاب نمایند. این وکلای مدافع معمولاً "افسران بارشسته ارتش اند که ملزم بدانستن حقوق نیستند. اگر متهم از انتخاب وکیل مدافع امتناع ورزد، دادگاه مستقیماً "یک نفر را برای او تعیین میکند. جریان محاکمه در دادگاه بسته انجام میگیرد. از مارس ۱۹۷۲ هیچ وکیل یا مخبر خارجی اجازه حضور در محاکمات سیاسی در ایران نداشته و اطلاعاتی که در باره جریان محاکمات در اختیار AI میاشد بر اساس مشاهده آنانکه قبل از تاریخ فوق حضور داشته‌اند، میاشد. برخلاف ماده ۷۹ از متمم قانون اساسی ۸ اکتبر ۱۹۵۷ که میگوید "در جرائم سیاسی و مطبوعاتی، هیئت منصفه باید در دادگاه حاضر باشند،" دادگاه از ۴ افسر و بدون هیئت منصفه تشکیل میشود.

متهم مرد یا زن حق تقاضای حضور در دادگاه و سؤال از شهودی را که بر علیه او شهادت داده‌اند، ندارد. تنها شاهد شخص خود متهم میاشد. دادستان از اسنادی که طی بازپرسی ساواک، از جمله اعتراف اگر (بضرب شکنجه اقرار) شده باشد، استفاده میکند. شواهد AI گزارش میدهند که در بعضی موارد متهمین در دادگاه به اعترافی که در هنگام شکنجه شدن کرده‌اند، منکر شده‌اند. دادستان

ملزم به ارائه سند درباره پرونده فراهم شده توسط ساواک نبوده و وکیل مدافع اجازه معرفی سند برای پشتیبانی از موقعیت متهم، غیر از گواهی خود متهم، ندارد. متهم عملاً مقصر فرض شده و ۸۱ از مواردیکه متهمی تبرئه شده باشد اطلاع ندارد، اگرچه متهمینی که در دادگاه اعتراف می‌کنند ممکن است مجازات خفیف شده، یا آنکه مجازاتشان در دادگاه تجدید نظر کمتر شود.

دادگاه تجدید نظر ارتش، دارای آن قدرت است که حکم بدوی را تایید کرده و مجازات را تخفیف یا تشدید دهد و یا حتی ممکن است در مواردیکه محاکمه آنطورکه میبایست انجام نگردیده حکم اعدام صادر نماید. بعد از دادگاه تجدید نظر ارتش (معمولاً ظرف چند هفته پس از حکم دادگاه بدوی) مهلت قانونی متهم بسر میرسد. درخواست بخشش از شاه گاهی موجب تخفیف مجازات اعدام به زندان دائم میشود. در هر صورت، در ژانویه ۱۹۷۶، فقط یکی از ۱۵ نفری که بمرگ محکوم شده بودند از شاه درخواست بخشش کرد و مجازاتش تغییر داده شد. در مواردیکه مجازات محکومیت بمرگ میباید، معمولاً ظرف چند روز اعدام صورت میگیرد.

۳- نحوه آزادی

حریان خلاصی از زندان در ایران بهمان میزان دستگیری خود سرانه اعمال می‌شود. امکان بخشش برای زندانیان سیاسی نیست و زندانیان اکثراً تا مدت زیادی بعد از سر آمدن مجازاتشان در زندان نگه داشته میشوند. به ۸۱ اطلاع داده شده است که یک قسمت از زندان قصر در تهران برای زندانیانیکه مدت مجازاتشان باتمام رسیده ولی مرخص نشده‌اند اختصاص داده شده است. موارد عفو اغلب در جشنها و اعیاد سنتی اعلام میشود، مانند روز تولد شاه، و سال نو. اما معلوم نیست که زندانیان سیاسی هرگز شامل اینگونه عفو بوده‌اند. گزارش شده است که مجموعاً در حدود ۱۲۰۵۰ زندانی در مدت ۱۲ ماه بین اول ژوئن ۱۹۷۵ تا ۳۱ مه ۱۹۷۶ بخشیده و خلاص شده‌اند. اما هیچگونه اطلاعی از مشخصات این زندانیان در دست نیست. زندانیان بعضی اوقات قبل از محاکمه آزاد میشوند، بشرط اینکه موافقت بکنند که در تلویزیون در مقابل عموم اعتراف بگناه بکنند. اعتراف تنها راه بدست آوردن تخفیف از مجازات و آزادی زودتر از موعد است.

پ - پیمانهای حقوقی بین المللی

ایران یکی از ۴۴ کشوری بود که در ۱۵ دسامبر ۱۹۴۸ بنفع مصوبه مجمع عمومی سازمان ملل مبنی بر اعلامیه جهانی حقوق بشر رای داد، و در آوریل ۱۹۶۸ شاه در هنگام گشایش کنفرانس بین المللی حقوق بشر در تهران در تایید بیانیه آن صحبت کرد. (خط تاکید از مترجم است) مضافا آنکه، ایران به پیمان بین المللی درباره حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و پیمان بین المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی، قراردادهاییکه رعایتشان تحت قوانین بین المللی بر اعضا واجب میباشد، صحه گذارده است. ایران با تصویب پیمان بین المللی، حقوق مدنی و سیاسی خود را نسبت با اجرای حقوق مشخصه در پیمان متعهد کرده است، که عبارتند از فرض بیگناهی تا اثبات تقصیر، حق داشتن وقت و وسیله کافی جهت آماده کردن دفاع خود، حق ارتباط با وکیل انتخابی خود، حق محاکمه بدون تاخیر ناموجه، حق بازپرسی و استنطاق از شواهد بر علیه متهم، و حق احضار و بازجویی از شواهد متهم. البته حق متهم در مورد مصونیت از شکنجه یا رفتار ظالمانه غیر انسانی و یا حقارت آمیز در پیمان و اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح گردیده است. ایران موافقتنامه اختیاری ضمیمه پیمان حقوق مدنی و سیاسی را که اجازه میدهد شکایت افراد مربوط به پایمال کردن حقوقشان توسط کمیته حقوق بشر بازرسی شود، تصویب نکرده است. (۱)

در حال حاضر ایران عضو کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل است که منوچهر گنجی نماینده آنست. کسی که عضو کمیسیون فرعی سازمان ملل برای جلوگیری از تبعیض و حمایت از اقلیتها نیز می باشد، و برای کمیته حقوق بشر که تحت پیمان بین المللی حقوق مدنی و سیاسی تاسیس گردید، انتخاب شده است. همانطور که در مقاله "ایران: جریان محاکمه زندانیان سیاسی"، گزارش

۱- گردن گذاشتن به پیمانها تا آنجا انجام میشود که ضمانت اجرائی نداشته باشد. یعنی عدم پذیرش این موافقتنامه از طرف ایران - که مکانیسم مثبتی برای اجرای پیمان و اعلامیه جهانی حقوق بشر ارائه میدهد - دال بر اینستکه رژیم ایران تنها به جنبه تشریفاتی و تبلیغاتی اهمیت میدهد. (مترجم)

سازمان عفو بین المللی منتشر شده در اوت ۱۹۷۲، گفته شد: "سرپیچی از اصول حقوق بشر که ایران به حمایت از آن تظاهر میکند متأسفانه بدیهی است".

چهارم - تعداد و خصوصیات زندانیان

بدلیل در دست نبودن اطلاعات دقیق درباره دستگیریها و آزادیها، ارائه آمار مستند از تعداد زندانیان سیاسی در ایران، غیر ممکن است. در اکتبر ۱۹۷۶، شخص شاه، در پاسخ به سؤال مربوط به تعداد کل زندانیان در این کشور، اظهار داشت که این تعداد شاید به ۲۰۰۰ نفر برسد. (۱) پرویز ثابتی، معاون ساواک، در مصاحبه‌ای در سپتامبر ۱۹۷۶، این رقم را در حدود ۳۲۰۰ نفر اعلام کرد. (۲) روزنامه نگاران خارجی و گروههای تبعیدی خارج از کشور، این رقم را بین ۲۵۰۰۰ تا ۱۰۰/۰۰۰ نفر تخمین میزنند. (۳) از طرف دیگر، کمبود اطلاعات هرگونه تجزیه و تحلیل آماری از زندانیان را در ایران غیر ممکن میسازد. کسانی که بدلیل مخالفت با سیاستهای شاه، در زندان بسر می‌برند افرادی از مخالفین مسلمان، اقلیتهای قومی (کردها، بلوچها، آذربایجانیها و غیره) و مارکسیستها هستند ولی ترسیم خط شاخص بین این گروهها مشکل است، از آنجا که، مثلا انگیزه مخالفت مسلمانان ناراضی ممکن است بیشتر بر سرمایه‌داری غربی استوار باشد تا تضادهای صرفا مذهبی و کردها بر پایه تمایلات چپیشان و آمالشان از نوعی خود مختاری. با وجودیکه شاه در مصاحبه‌های خود تاکید میکند که تمام زندانیان سیاسی "تروریست" هستند و در عین حال که عملیات جنگ چریکی شهری در ایران جریان دارد، بسیاری از زندانیان سیاسی، که مورد شناسائی AI هستند، بدون تردید دست بکار عملیات مسلحانه نبوده‌اند. این افراد شامل روحانیون، نویسندگان، کارگردانان تاتر، هنرپیشگان، و استادان دانشگاه، میباشند. بدلیل فقدان حمایت قضایی از زندانیان سیاسی در ایران، اطمینانی نسبت به مستدل

۱ - لوموند، ۱ اکتبر ۱۹۷۶.

۲ - واشنگتن پست، ۳ سپتامبر ۱۹۷۶.

۳ - اینهمه زندانی در مملکت اسلامی که بر اساس شریعت آن زندانی و محبوس کرن افراد بشر ممنوع است.

بودن اتهام کسانی که به جرائم حاد سیاسی متهم هستند نیز نمیتوان داشت.

پنجم - محل زندانها

قبل از محاکمه، زندانیان سیاسی در یکی از دو زندان زیردردتهران نگاهداری میشوند؛ زندان کمیته (کمیته مشترک ساواک و شهربانی) و زندان اوین. بعد از محاکمه، زندانیان به زندانهای دیگر، در تهران یا سایر استانها، منتقل میشوند. این زندانها عبارتند از زندان قصر و زندان قزل قلعه در تهران، زندان برازجان، زندان بندرعباس، زندان عادل آباد و زندان شیراز، زندان بوشهر، زندان زاهدان، زندان مشهد، زندان سمنان، زندان اهواز، زندان رشت، زندان اراک، زندان تبریز، زندان مهاباد و زندان رضائیه. علاوه بر این زندانها، در هر یک از مراکز استان و شهرهای بزرگ زندان کمیته مشترک ساواک و شهربانی وجود دارد که برای بازجویی مورد استفاده قرار میگیرد. همچنین، در شهرهای بزرگ و متوسط، زندانهای شهربانی برای نگاهداری زندانیان سیاسی در مواقع دستگیریهای دسته جمعی و گسترده مورد استفاده قرار میگیرد.

ششم - شرایط زندانها

به AI تاکنون، بوسیله مقامات ایران، فرصت بازدید از زندانهای ایران داده نشده است. اطلاعات زیر از زندانیان سابق و خانواده‌های زندانیان بدست آورده شده است.

زندانهایی که در زندانهای کمیته و اوین دوران قبل از محاکمه را میگذرانند، با زندانیان دیگر و دنیای خارج هیچگونه رابطه‌ای نداشته و در عین حال سخت شکنجه میشوند. آنها در سلولهای تنگ و مرطوب، که تنها یک تشک حصیری در آن وجود دارد، جا داده میشوند. در این زندانها، مثل هر جای دیگر، نوسان درجه حرارت در ایران، عامل قابل توجهی را تشکیل میدهد. درجه حرارت مناسب در زمستان و تابستان برای زندانیان شرایط طاقت فرسایی فراهم میکند که اغلب زندانیان به آن اشاره کرده‌اند. وسایل شستشو و نظافت نارسا و امکانات آن اندک است. جیره غذایی قلیل و هیچگونه امکانی برای فعالیت بدنی در اختیار

زندانیان قراردادده نمی‌شود. کاغذ، مداد و کتاب به زندان راه ندارد و زندانیان اجازه ندارند که در نماز جماعت شرکت کنند. (۱)

بعد از محاکمه، زندانیان، بدون توجه به محل سکونت خانواده‌های آنان، ممکنست به هر یک از زندانهای فوق‌الذکر انتقال یابند. باین ترتیب، در بسیاری از موارد، زندانیان، برای مدتهای طولانی از دیدار خانواده خود محروم میمانند و حتی در مواردیکه اعضاء خانواده‌ها برای ملاقاتشان مسافات طولانی را طی میکنند، زمان ملاقات حداکثر از ۱۵ دقیقه، تجاوز نمی‌کند. غذا معمولاً کافی نیست و از نظر کیفیت بسیار نامناسب است و غالباً ناراحتیهای ناشی از کمبود تغذیه، مسمومیت و بیماریهای مزمن ایجاد میکند. درمان پزشکی عملاً وجود ندارد و زندانیان بندرت مورد معاینه پزشکی قرار گرفته یا در بیمارستان بستری شده و تحت مداوا قرار میگیرند. اجرای مقررات بسیار شدید است و در صورت هرگونه بی‌انضباطی زندانیان ممکنست به ۳ یا ۴ ماه زندان انفرادی محکوم شوند. بدرفتاری و شکنجه همیشه با خاتمه محاکمه پایان نمیرسد. در بعضی موارد "زندانیان مهم" برای ادامه شکنجه به زندانهای اوین و کمیته فرستاده میشوند. بنا باظهار زندانیان سابق، این شرایط طاقت فرسا و بدرفتاری بمنظور درهم شکستن مقاومت زندانی و وادار کردن او باعتراف اعمال میشود. این ادعا، با توجه به ظاهر شدن زندانیان سیاسی، هر چندگاه یکبار روی پرده تلویزیون و انکار عقاید پیشین و اظهار پشتیبانی نسبت به سیاستهای شاه مورد تأیید قرار میگیرد.

هفتم - ادعای شکنجه

باوجودیکه، ماده ۱۳۱ قانون جزائی ایران بطور وضوح شکنجه را ممنوع کرده است، نگهداری زندانیان در حبس مجرد برای مدتی طولانی بیش از محاکمه و همچنین اهمیتی که سبک اعتراف برای دادستان دارد، برای آنان شرایطی ایجاد میکند که بااحتمال زیاد مورد آزار و شکنجه قرار میگیرند. تمام اطلاعاتی که طی

۱ - منابع موثق بیان میکنند که در چند مورد نماز گزاران شدیداً " تنبیه

شده و مجروح گردیده‌اند. (مترجم)

ده سال گذشته بدست AI رسیده مبین اینست که شکنجه در فاصله زمانی بین دستگیری و محاکمه بطور یقین، اعمال میگردد. (تاکید از مترجم)

تمام ناظرین محاکمات، از سال ۱۹۶۵ بعد ادعای شکنجه را از طرف متهمین گزارش کرده و خود نیز شخصا تایید کرده‌اند که زندانیان بمنظور اخذ اعتراف مورد شکنجه واقع شده‌اند. روشهای شکنجه مورد ادعا عبارتند از شلاق زدن، کتک، شوک الکتریکی، کشیدن ناخنها و دندانها، تزریق آب جوش بداخل مقعد، آویختن وزنه‌های سنگین به بیضه‌ها، بستن زندانی به میز فلزی سوزان که تا حد سرخ شدن داغ میشود، فرو کردن بطری شکسته در مقعد و تجاوز جنسی.

Maitre Nuri Albala پس از سفری که در ژانویه و فوریه ۱۹۷۲ از طرف اتحادیه بین المللی حقوقدانان دمکراتیک^(۱) بایران انجام داد، در گزارش خود به مذاکره بین یک متهم، مسعود احمدزاده، و دادستان اشاره میکند که طی آن احمد زاده فاش ساخت که او با استفاده از شکنجه وادار با اعتراف شده است. در جریان محاکمه، احمد زاده، که تصور میکرد Maitre Albala یک روزنامه نگار خارجیت ناگهان پیراهن خود را بالا زد و آثار سوختگی‌های وحشتناک روی شکم و پشت خود را که بنظر میرسید طی چند ماه ایجاد شده است به حقوقدانان نامبرده نشان داد.

ضمن مذاکره‌ای که او بعدا با متهم دیگری بنام ناصر صادق انجام داده، Albala دریافت که مسعود احمدزاده و سایر متهمین باقرار گرفتن روی میزی که حرارت آن تا حد سرخ شدن بالا می‌رفته است سوراخ شده‌اند و یکی از این متهمین، بدیع زادگان، در نتیجه آن از ناحیه کمر به پایین فلج شده و تنها بوسیله خزیدن بجلو با استفاده از بازوهای خود، قادر بحرکت بود. ناصر صادق خاطر نشان ساخت که او شاهد مرگ یک زندانی، بهروز تهرانی، در نزدیکی او در اتاق شکنجه نیز بوده است. (۲)

1 - International Association of Democratic Lawyers

۲- شاه خون آشام و عمال خونخوارش باید بدانند که با این اعمال وحشیانه

رضا براهنی، یک زندانی آزاد شده که اکنون در آمریکا اقامت دارد، شرح تازه و مفصّلی از شکنجه خود و سایر زندانیان ارائه میدهد:

"بیشتر آلات خوفناک در طبقه بالا قرار داشتند. ما باین اتاق نبردند، ولی دفتر بازپرس من دکتر رضوان، جنب این اتاق قرار داشت و یکروز، وقتی او برای مشاوره درباره امری با اداره دیگری رفته بود، من سری باتاق مزبور زدم، نگاهی بآن انداختم و برگشتم. این اتاق به مقبره‌های باستانی مصر بی شباهت نیست و برای آنها که از نظر اقدام به تروریسم مورد سوءظن هستند و یا قصد جان شاه یا عضوی از خانواده سلطنت را کرده‌اند مورد استفاده قرار میگیرد. (۱)

نحوه عمل در مورد همه زندانیان یکسان نیست، ولی بطور کلی، در مورد زندانیانی که مهم‌تر هستند باین ترتیب عمل میشود. ابتدا چند شکنجه‌گر، در آن واحد، زندانی را تحت ضربات چوب‌باتوم قرار میدهند. چنانچه زندانی اعتراف نکند، او را بطور وارونه آویزان میکنند و کتک میزنند، و اگر این عمل نیر سودی نبخشید، او را مورد تجاوز جنسی قرار میدهند. چنانچه زندانی همچنان مقاومت نماید به او شوک الکتریکی وارد میکنند، که او را چون سگ به زوزه کشیدن وادار میکند و در صورت ادامه مقاومت، ناخن‌ها و بعضی اوقات تمام دندانهای او را میکشند. در بعضی موارد استثنائی، یک میله داغ آهنی را از یکطرف صورت وارد کرده و از طرف دیگر خارج میکنند که این عمل تمام دهان و زبان را میسوزاند. یک‌جوان

→ جلوی انقلاب ملت ایران را نمیتوانند بگیرند. همچنانکه از زمان بدیع‌زادگان‌ها تاکنون با آنکه فشار و خفقان بیشتر شده است، تعداد جانبازان انقلابی هر روز کثرت یافته است.

۱ - در اینجا نیز عمال خبیث شاه ظالم برای او و خانواده ننگینش امتیاز

مخصوص قائلند!

در اثر این کار بقتل رسید . . . (۱)

مرگ زیر شکنجه غیر عادی نیست. به یک مورد آن در فوق اشاره شد و مورد دیگر مرگ آیت‌الله حاج‌حسین غفاری آذرشهری است. نامبرده که یکی از رهبران مذهبی در شهر قم بود، در اوت ۱۹۷۴ دستگیر شد و در دسامبر ۱۹۷۴ بعد از شکنجه‌های وارده جان خود را از دست داد.

مرگ نه نفر از زندانیان سیاسی در آوریل ۱۹۷۵، که از ۱۹۶۸ در زندان بسر میبردند و بنا بر ادعای مسئولان "در حال فرار مورد اصابت گلوله قرار گرفتند"، احتمالاً بر اثر شکنجه رخ داده است. توضیح رسمی این مرگ‌ها متناقض بود و خانواده‌های مقتولین هیچگاه موفق نشدند که جنازه‌ها را برای تدفین تحویل بگیرند. بنظر میرسد که شکنجه، بعد از محاکمه و محکومیت، نیز در ایران انجام میگیرد. موردی که در بالا بآن اشاره شده، نه زندانی مقتول، جزئی از گروه بزرگتری بودند که از سایر زندانها به تهران منتقل شده بودند و ظاهراً بمنظور وادار کردن آنها برای اعلام حمایت از حکومت یک حزبی جدید شاه، تحت شکنجه قرار داشتند.

در پاسخ سئوالات مربوط به شکنجه در ایران، شاه هیچگاه وجود آنرا انکار نکرده است. در مصاحبه اخیر با لوموند، در تاریخ اول اکتبر ۱۹۷۶، شاه، در پاسخ سئوال مربوط به استفاده از شکنجه اظهار داشت: "چرا ما نباید همان روشهای شما اروپاییها را بکار بندیم؟ ما روشهای خیلی پیشرفته شکنجه را از شما آموخته‌ایم. شما از راههای روانی برای کشف حقیقت استفاده میکنید و ما نیز همین کار را میکنیم." هشتم - زندانیان آزاد شده

بنظر میرسد زندانیانی که مدت محکومیتشان سررسیده است بعلت گذراندن مدت محکومیت خود، قاعدتاً باید بتوانند زندگی عادی خود را شروع کنند ولی بیشتر کسانی که آزاد میشوند تحت نظر دائمی ساواک قرار داشته و مورد آزار قرار

۱- در اینجانب نیز عمال خبیث شاه ظالم برای او و خانواده‌ننگینش امتیاز مخصوص قائلند!

1 - Reza Barahani, «The Shah's Krecutioner», Index on Censorship, Spring 1976.

میگیرند. تا حدیکه حتی خانواده‌های آنان نیز از آن در امان نیستند. آنها، بدون موافقت ساواک، نمیتوانند با استخدام درآیند و این اجازه نیز بندرت صادر میشود. زندانیانی که بوسیله دادگاههای نظامی محاکمه میشوند، خود بخود، حقوق فردی خود را برای مدت ۱۰ سال، بدون توجه بمدت محکومیتشان از دست میدهند.

نهم - مجازات اعدام

مجازات اعدام در ایران عادی است و از ابتدای سال ۱۹۷۲ در مورد بیش از ۳۰۰ نفر، که در دادگاههای نظامی محکوم شده‌اند، با اجرا درآمده است. در ۹ ماه اول سال ۱۹۷۶ تیرباران ۳۲ نفر از زندانیان سیاسی بوسیله مقامات مسئول ایران اعلام شده است. بنا به ادعای مقامات دولتی بسیاری از اعدام شدگان قاچاقچی مواد مخدر بوده‌اند. در ۱۴ جولای ۱۹۷۴ دولت ایران اعلام کرد که ۲۲۹ قاچاقچی یا فروشنده مواد مخدر طی دو سال و نیم گذشته تیرباران شده‌اند. ولی، با توجه به عدم اصالت سیستم محاکمات در ایران، ای، آی، در قبول ادعای مقامات رسمی مبنی بر قاچاقچی یا تروریست بودن کسانی که حکم محکومیتشان توسط دادگاههای نظامی صادر شده است، تردید دارد.

حکم اعدام درباره جانپان عادی نیز که در دادگاههای قضائی محکوم شده‌اند اجرا میشود. AI. آماری از این گونه اعدامها در دست ندارد ولی طبق گزارش کیهان، که در تهران منتشر میشود در تاریخ ۲۴ نوامبر ۷۵، "بر مبنای آمار دادگاه جنائی تهران، ۲۰ درصد قاتلان اعدام میشوند..."

علاوه بر اعدام زندانیان سیاسی، که پس از محاکمه با اعدام محکوم میشوند، بسیاری از فعالین سیاسی در درگیری‌های خیابانی و مقابله با پلیس و با اصطلاح "در حال مقاومت در برابر تسلیم" یقتل میرسند. در مدت زمان ژانویه تا اکتبر ۱۹۷۶، ۶۹ قتل از این نوع، با استناد اعلامیه‌های رسمی، توسط وسایل خبری ایران گزارش شده است.

دهم - تجاوز به حقوق انسانی

علاوه بر مواردی که در بالا شرح داده شد، بطور کلی در سایر زمینه‌ها نیز در ایران، حقوق انسانی افراد مورد تجاوز قرار میگیرد. آزادی بیان و حق اجتماع عملاً وجود ندارد. مطبوعات تحت سانسور شدید قرار داشته و در سالهای اخیر، بدنبال دستور شاه مبنی بر تعطیل کلیه روزنامه‌هایی که تیراژ کمتر از ۳۰۰۰ و

مجلاتی که تیراژی کمتر از ۵۰۰۰ دارند، بشدت محدود گردیده‌اند. اتحادیه غیر قانونی بوده و اعتراضات کارگران با خشونت پاسخ داده میشود که در بعضی موارد به حبس و قتل نیز منجر شده است. فعالیت سیاسی به عضویت در حزب رستاخیز محدود است، بعضی از ایرانیان در اخذ پاسپورت با اشکال، یا رد تقاضا، مواجه میشوند. این محدودیت از خروج از کشور، بخصوص در مورد زندانیان سیاسی آزاد شده و اعضاء خانواده آنان اعمال میشود. آزادی در محیط تحصیلی نیز محدود است و دانشجویان و معلمین دانشگاه تحت نظارت ساواک قرار دارند. طبق یک گزارش جدید، یک استاد ادبیات بعثت عدم توافق محتویات مواد درسی اوبا "انقلاب سفید" شاه و خودداری او از نقل قول از آن، دستگیر و مورد شکنجه قرار گرفته است. (۱)

یازدهم - فعالیتهای عفو بین‌المللی

در فاصله سالهای ۱۹۵۴ و ۱۹۷۲، در حالیکه ناظران و روزنامه نگاران خارجی بعثت انتشار گزارشات نامطلوب درباره جریان محاکمات سیاسی حق شرکت در محاکمات سیاسی را نداشتند، ناظران AI در ۶ دادگاه زندانیان سیاسی شرکت کردند. کلیه ناظران AI جریان محاکمات زندانیان سیاسی در ایران را مورد انتقاد قرار داده و موارد متعددی از ادعای شکنجه، توسط متهمین را گزارش کرده‌اند. از سال ۱۹۷۲، نسبت به درخواستهای AI برای اجازه ورود به دادگاهها، هیچگونه پاسخی از طرف مقامات ایران داده نشده است. آخرین درخواست در ژانویه ۱۹۷۶ انجام شد.

در سال ۱۹۷۰ و ۱۹۷۲ دبیر کل AI از تهران دیدن کرده و مسائل مورد علاقه AI را به اطلاع نخست وزیر ایران، آقای امیر عباس هویدا و دیگران رساند. بیانیه‌های مطبوعاتی AI درباره ایران شامل تقاضای عفو زندانیان سیاسی بمناسبت دوهزار و پانصدمین سالگرد بنیانگذاری شاهنشاهی ایران و همچنین درخواست تحقیق پیرامون علت مرگ زندانی سیاسی (که ۷ نفر آنان مورد حمایت AI قرار داشتند) در آوریل ۱۹۷۵ میباشد. در اوت ۱۹۷۲، AI گزارشی درباره

1) Eric Keuleau, «Iran - Mythes et Realites.», Le Mondo, 3oct, 1977.

جریان محاکمه زندانیان سیاسی انتشار داد و همچنین ایران یکی از کشورهایی بود که "در گزارش AI درباره شکنجه"، در سال ۱۹۷۲، مورد بحث قرار گرفت. از ابتدای برنامه مبارزه Ai برای لغو شکنجه، چندین برنامه مهم به نمایندگی از زندانیانیکه مورد شکنجه قرار گرفته بودند، اجرا گردیده است. در موارد متعددی، از شاه لغو حکم اعدام زندانیان، تقاضا شده است. در اکتبر ۱۹۷۶، ۱۱۴۸۱ پرونده از زندانیان ایران را تحت بررسی یا حمایت (adoption) داشت.

ضمیمه ۱

عفو بین المللی (Amnesty International یا AI) چه نوع سازمانی است؟

عفو بین المللی (AI) خود را اینطور معرفی میکند:

عفو بین المللی یک جنبش جهانی برای احقاق حقوق بشر میباشد که مستقل از هر دولت، گروه سیاسی، مکتب، منافع اقتصادی و عقیده مذهبی است. این سازمان برای رهائی مردان و زنانی که بخاطر عقیده، رنگ، قومیت، زبان یا مذهبشان در زندان بسر میبرند - مشروط به اینکه متوسل به خشونت نشده و یا از خشونت پشتیبانی نکرده باشند - تلاش میکند. این زندانیان اصطلاحات "Prisoners of conscience" (زندانیان وجدان) نامیده میشوند.

عفو بین المللی در تمام موارد بدون استثناء مخالف شکنجه و مجازات اعدام است. از محاکمه منصفانه و سریع برای تمام زندانیان سیاسی حمایت میکند و به جانبداری از کسانی که بدون اتهام یا بدون محاکمه در بازداشت بسر میبرند و یا کسانی که بعد از پایان دوره مجازات هنوز زندانی هستند، تلاش میکند.

عفو بین المللی خواستار اجرای "اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل" و "ضوابط سازمان ملل برای نحوه رفتار با زندانیان" میباشد.

عفو بین المللی دارای ۱۶۶۵ "گروه پذیرش" (Adeption Group) و بخش کشوری در ۳۳ مملکت از افریقا، آسیا، اروپا، خاورمیانه، آمریکای شمالی و آمریکای جنوبی، و دارای عضو در ۷۸ کشور میباشد. هر "گروه پذیرش" به حمایت

از زندانی وجدان که از کشورهاییکه غیر از کشور خود میباشند کار میکند . بمنظور رعایت بیطرفی ، موقعیت جغرافیائی و سیاسی کشور مزبور مورد توجه قرار میگیرد . اطلاعات مربوط به زندانیان و تجاوزات به حقوق بشر از اداره تحقیقات عفو بین المللی در لندن صادر میشود .

عفو بین المللی از موقعیت مشورتی در سازمان ملل (ECOSCD) و شورای اروپا برخوردار بوده ، با اینتر - آمریکن کمیشن تشریک مساعی داشته ، توسط یونسکو برسمیت شناخته شده و نقش ناظر را در سازمان وحدت افریقا دارا مییابد . بودجه عفو بین المللی از محل اشتراک واعانه در سراسر دنیا تامین میشود . برای حفظ استقلال سازمان کلیه اعانات براساس مقررات وضع شده توسط شورای بین المللی عفو بین المللی کنترل میشود ، و درآمد و هزینه در گزارش سالانه به اطلاع عموم میرسد .

ضمیمه ۲

در اینجا دو نامه یکی از مشاور مطبوعاتی سفارت ایران در لندن و یکی دیگر از مدیر عفو بین المللی، که هر دو در هفتگی منچستر گاردین چاپ شده اند ارائه میشوند:

از هفتگی منچستر گاردین، جلد ۱۱۵، شماره ۲۵، ۱۹ دسامبر ۱۹۷۶
با توجه به مقاله ۵ دسامبر شما مربوط به گزارش عفو بین المللی درباره ایران، برای سفارتهای ایران در خارج مرسوم نبوده است که در مورد گزارشات عفو بین المللی که دولت ایران آنها بر رسمیت نمیشناسد اظهار نظر کند. (۱)
دلیل این سیاست پنهان نیست. عفو بین المللی دارای سابقه ممتد در ارتباط آشکار با مخالفین دولت ایران در خارج بوده و در گذشته در موارد متعدد بعنوان مدافع رسمی نظرات گمراه کننده ایشان سخن گفته است. (۲)

۱ - اما برای سفارتخانه های رژیم مستبد ایران این مرسوم است که با پول ملت ایران ضیافت های ننگین و شرم آور، برای خود نمایی و جلب نظر بعضی از ارباب مطبوعات، هر هفته یکبار ترتیب داده و سیل آنها را چرب کنند که مبادا بر علیه رژیم ایران و شاه خونخوار چیزی منتشر کنند.

۲ - عفو بین المللی مشاور رسمی سازمان ملل است که ایران اعلامیه حقوق بشر آنها امضاء کرده است. برای اطلاعات بیشتر به بخش "عفو بین المللی چه نوع سازمانی است" و همچنین به "پیمانهای حقوق بین المللی" از گزارش عفو

بهرجهت، ما مجبور شدیم سکوت را در این مورد، بمنظور روشن شدن سوء تعبیر بشکنیم. (۱) ایران بکار بردن شکنجه را انکار کرده است، و آخرین بار نیز از جانب شخص شاهنشاه طی یک مصاحبه با مایک والاس (Mike Wallace) در تلویزیون آمریکا در همین یکماه قبل بعمل آمد. بنابراین این ادعای عفوبین المللی که "شاه هرگز منکر اعمال شکنجه نشده است" برخلاف حقیقت است.

امروز در ایران مشکل تروریسم موجود است. مشکلی که اتفاقاً ایران یا هر کشور دیگری در جهان در آن سهیم است. در مورد ایران این مشکل دارای دو جنبه است:

اولاً، وجود آنهاییکه بدلیل تحجر و عدم اطمینان به خود و تفسیر کوتاه بینانه احکام دینی با پیشرفت مملکت مخالفند. این افراد بدنبال جامعه‌ای هستند، و تکامل را در جامعه‌ای میبینند که ۱۴ قرن گذشته وجود داشته است. (۲)

→

بین المللی مراجعه شود. باری رژیم ایران و عمال شاه ظالم از ابراز کذب و دروغ ابائی ندارند. همچنانکه اطلاعات کثیف در نهایت بیشرمی لاطائلاتی درباره عفوبین المللی در شماره‌های ۳۰ دیماه و ۷ بهمن ماه ۱۳۵۵ مبنی بر اینکه عفوبین المللی طرفدار دولتهای کمونیستی است و یا سازمانهای دانشجویی در رابطه است چاپ کرد. در حالیکه گروه‌های مختلف عفوبین المللی در سراسر دنیا زندانیان سیاسی بلوک کمونیستی را نیز برای رهایی انتخاب میکنند. وانگهی عفوبین المللی اگر بخواهد فقط بلوک کمونیست را در برنامه خود بگنجد آنوقت کمونیستها اقدام او را سیاسی خواهند شمرد. آنچه که مسلم است اینستکه عفوبین المللی برای زندانیان سیاسی در تمام کشورها کار میکند. به خبرنامه عفوبین المللی جلد هفتم شماره ۳ مارس ۱۹۷۷ مراجعه شود.

۱ - خواننده خواهد دید که این مشاور ابله شاه چگونه با شکستن سکوت سند محکومیت خود را امضاء کرده است - بخصوص پس از قرائت نامه مدیر عفوبین المللی.

۲ - قابل توجه است که نماینده رسمی رژیم باصطلاح اسلامی ایران منکر

←

بنظر ایشان، برنامه‌هایی مانند اصلاحات ارضی، آزادی زنان و تعلیم و تربیت اجباری سراسری نامشروعند. (۱) این افراد توسط حامیان خود در کشورهای دیگر که پول و اسلحه لازم برای کشتار و ترور در اختیارشان میگذارند هدایت میشوند. (۲)

→

اصالت مکتب جهانی و همه زمانی اسلام و توهین به زندگی نمونه پیامبر بزرگ آن مییاشد. اینجاست که پته ابن الوقتی و فرصت طلسمی رژیم ایران به آب میافتد و چهره اصلی ننگین خود را مینمایاند. رضا "خان" هم خیلی سعی کرد که ملت ایران را باخاطر احساس و شعور مذهبی‌اش تحقیر کند، اما میبینیم که چگونه جنبش نوین اسلامی این آرزو را بر دودمان او سیاه کرده است.

۱ - زهی بیشرمی! زهی بیسوادی! زهی ابله‌ی! کدام مکتب و کدام رهبر پیش از اسلام و پیامبرگرمی آن مردم را به کسب دانش و حکمت تشویق کرده است؟ اگر نویسنده ابله این نامه قدری از وقت خود را بجای خواندن لاطائفات اطلاعات و کیهان صرف چند جلد کتاب که حتی دشمنان اسلام در بزرگداشت و پیشرفت اسلام، مسلمین و تمدن آنها نوشته‌اند میکرد شاید حیا مینمود. اما در مورد آزادی زنان، باهر معیار غربی و شرقی که سنجیده شود، رژیم ورشکسته و منحط ایران زن ایرانی را اسیر شهوت و امیال حیوانی ساخته است و بس. و برای آنکه اصلاحات ارضی شاه، نه مردم، معلوم شود که آیا مفید بحال ملت بوده است یا نه، کافیست که یکی از چند گزارش مختلفی که درباره اصلاحات ارضی ایران توسط آنها که آنرا دقیقاً مطالعه کرده‌اند نوشته شده است قرائت شود و هیچ عاقلی بر علیه اصلاحات ارضی نمیتواند باشد، اما هر فرد آزاده‌ای بر ضد اصلاحات ارضی مستبدانه و جیب‌پرکن یک‌عده خوانخوار مییاشد. اگر اصلاحات ارضی واقعا صورت گرفته بود امروز اینهمه مواد غذایی مختلف، حتی موادی که ایران تا چند سال پیش صادر کننده آنها بود وارد نمیشد.

۲ - بفرض محال هم که این درست باشد. خوب، رژیم ایران که سالی

←

ثانیا": آنها که نه توسط مرتجعین قرن هفت، بلکه از طریق مادیون قرن نوزده تحریک میشوند (۱) قصد ایشان گرو گذاردن حکومت و حیثیت مرز و بوم ایران بکمونیسم بین المللی است. ایشان نیز در خارج از ایران آموزش و هدایت میشوند، و همچنین برای پیشبرد ایده سفیهانه خود بکشتار و ترور دست میزنند. (۲) هیچ دولتی نمیتواند در مقابل اینگونه اقدامات هدایت شده از خارج که قصد برانداختن اساس و اختیارات قانونی اش را دارد انعطاف پذیر بماند. هر دولتی وظیفه قانونی و اخلاقی دارد که سلامت و امنیت اجتماعی خود را ضمانت کند (۳).

→

بیش از دو میلیارد دلار از آمریکا اسلحه میخرد و با دزدی از جیب ملت ایران خوش کیسه ترین خریدار اسلحه در جهان است، چطور؟

۱- فرض شود که انقلابیون ایران یا مرتجعین قرن هفتم اند و یا مادیون قرن نوزدهم. سؤال عفو بین المللی اینست که آیا رژیم ایران باید مانند دژخیمان قرون وسطی با مردم بیگناه عمل کند؟ در واقع رژیم منغور ایران، هر حرفی که برسد خودش را محکوم کرده است.

۲- مگر در دژخیمان شاه در کجا تربیت میشوند؟ مگر نه آنها در پایگاههای نظامی و آزمایشگاههای شکجه اسرائیل و آمریکا تربیت و آموزش میبینند؟ شاه خون آشام در مصاحبه خود با مایک والاس صریحا گفت که "ما از شما یاد گرفته ایم". کنایه از اینکه دژخیمان شاه در خارج و یا در داخل ایران از خارجیان برای نابود کردن رادمردان و آزاد زنان ایران آموزش میبینند. حال باید دید، آیا قتال عناصر پلید ساواک که حامی رژیم پست و پوшالی ایران اند و پیکار با اربابان متکثر داخلی و خارجی ساواک که انفال و منابع عمومی را صرف خواسته های ردیلانه خود میکنند خیانت است یا گرایش ضد مردمی رژیم ایران به آمریکای توسعه طلب و استثمارگر که با کوشش هم کمربتل بهترین فرزندان ایران بسته اند؟

۳- در جاییکه شاه و ساواک بنا بر اعتراف خود شاه، پاک ترین و معصوم ترین فرزندان ایران را با پست ترین و حیوانی ترین روشهای شکنجه بقتل میرساند و

←

آنها بیکه بی ملاحظه بکشتن مردم عادی دست میزنند، بدانند که در محضر عدالت دست نیرومند قانون در انتظار آنهاست. (۱) تعبیر عملیات تروریستی به مخالفت روشنفکرانه، یا اجرای عدالت را به عدم توجه به حقوق بشر نسبت دادن، عمداً "وارونه جلوه دادن واقعیات است.

نکته آخر آنکه، بنا بر اصول اخلاقی، قوانین ایران، توجه جدی بر فعالیت فروشندگان مواد مخدر دارد. (۲) زیان شیطانی خاصی که این افراد برای آینده هر جامعه دارند در اینجا لازم بتذکر نیست. در هر صورت پیوند انگیزه سیاسی، آنطور که گزارش بیان میکند، با محاکمه قانونی قاچاقچیان مواد مخدر، یک مغلطه و ابداع کریه بیش نیست.

مرتضی کاخی

مشاور مطبوعاتی سفارت شاهنشاهی ایران

لندن

پوشش مغلطه آمیز برای شکنجه

مشاور مطبوعاتی سفارت شاهنشاهی ایران، طی اعلامیه مطبوعاتی صادره از طرف دولت ایران که در رد موارد شکنجه و اختناق، موضوع گزارش اخیر ما، صادر شده و بصورت یک نامه در اختیار Guardian (۱۹ دسامبر) قرار

آنانرا دستجمعی میکشد و میگوید که در حین تیراندازی کشته شدند، صحبت از اخلاق و مسئولیت یا وه گویی احمقانه‌ای بیش نیست.

۱ - هر چه از مردم عادی در برخورد های انقلابیون با عمال شاه از بین رفته‌اند همه بدست پلیس بوده است. در حالیکه شکار انقلابیون همیشه همدستان خونخوار شاه بوده‌اند.

۲ - پس اشرف که در فرودگاه های نیویورک و ژنو پلیس از او چندین کیلو هروئین گرفته است چرا زندانی نیست؟ در ژنو همین ماه مارس ۱۹۷۷ راجع به حقوق بشر صحبت کرد.

گرفته، متأسفانه در چند مورد خود را به تله انداخته است.

اولاً، اوبمنظور انکار وجود شکنجه در ایران از مصاحبه شاه با مایکوالاس از شبکه سی. بی. اس، اشاره میکند، در حالیکه کسانی که زحمت خواندن متن کامل این مصاحبه را بخود داده‌اند نظری کاملاً "مخالف دارند. در وحله اول، آنچه بیش از رد یا قبول این مسئله مهم بنظر میرسد، وجود موارد هراس‌انگیز شکنجه است که مایکوالاس را وادار به طرح این سؤال کرده است.

ثانیاً، این ادعا که تمام زندانیان سیاسی "تروریست" هستند سخت‌احتمالاً است، در حالیکه موارد آشکاری وجود دارند که جرم این زندانیان شرکت در یک یا دو جلسه زمان تحصیل در یک دانشگاه غربی و یا خلق یک نمایشنامه یا فیلم "ناسازگار" بوده است. مغلطه "تروریسم" دیگر کاربرد خود را برای پوشاندن حقیقت اختناق در ایران امروز از دست داده است.

ثالثاً، دست‌آویز قرارداد اعتبار قانونی عدالت در پرتو نحوه عملی جریان محاکمات سیاسی حنای بیرنگی بنظر میرسد. باید اضافه کنم، در جاییکه صحبت از فروش مواد مخدر است، طرح مسئله اخلاق، یا وه‌ای بیش نیست. وارد آوردن تهمت‌های بی پایه به زندانیان سیاسی به همان قدمت تخت طاووس است. و یک ابداع تازه‌تر، پوشاندن دلیل مرگ زندانیان سیاسی با این ادعاست که، "در حال فرار مورد اصابت گلوله قرار گرفتند."

به‌نقل از کلام آقای خاکی، در ایران مدرن ابداعات کربیهی در جریان است.

دیوید سیمپون

رئیس امنیتی اینترنشنال

Amnesty International

International Secretariat

53 Theobald's Road

London WC1X 8 SP

ضمیمه ۳

در زیر یک قسمت از مقاله‌ای که در روز یکشنبه دوم ژانویه ۱۹۷۷ در نیویورک تایمز درباره گزارش وزارت امور خارجه آمریکا به کنگره آن کشور در مورد حقوق بشر و کمک نظامی به شش کشور، از جمله ایران، چاپ شده ارائه میشود.

ایالات متحده اعلام میدارد که ۶ کشور به حقوق بشر تجاوز میکنند، ولی وزارت امور خارجه خواستار ادامه کمک نظامی به آنهاست.

نوشته: برنارد گوارتزمان
مخصوص نیویورک تایمز

واشنگتن اول ژانویه - وزارت امور خارجه، طی اولین گزارشات مشروح مربوط به وضع حقوق بشر در خارج، متوجه شده است که آرژانتین، هائیتی، اندونزی، ایران، پرو و فیلیپین بانحاء و درجات مختلف به حقوق بشر تجاوز کرده‌اند. (۱) با اینحال، این کشورها از پشتیبانی نظامی آمریکا برخوردار خواهند بود. (۲)

۱ - عجب تازه متوجه شده‌اند؟ پس وزارت علیه با تمام وسائل استراق سمع و پایگاههای ارتباط جمعی که در اختیار دارند، تاکنون از اوضاع بیخبر بوده‌اند؟
۲ - نکته جالب آنکه نویسنده مقاله، کلمه receive را برای پشتیبانی

←

کمیته فقط گزارش درباره این شش کشور را درخواست کرده بدینمنظور که آزمایشی از میزان توجه وزارت امور خارجه به تسلیم گزارشات مربوط بمسائل حقوق بشر به کنگره که اکنون یک قانون بشمار میرود، بعمل آورده باشد.

سال گذشته کیسینجر قانون پیشین کنگره را که بموجب آن وزارت خارجه ملزم بود که گزارش مربوط بتخلف کشورها از رعایت حقوق بشر را بمنظور اتخاذ تصمیم در مورد کمک بآنها در اختیار کنگره قرار دهد، زیر پا گذاشت. او دلیل آورد که اینگونه گزارشها علاوه بر آنکه موجب ایجاد مشکلاتی با کشورهای دیگر شده و نسبت به متفقین ما غیر منصفانه میباشد، در اجرای مسائل مربوط به حقوق بشر نیز تاثیر چندانی نخواهد داشت.

در لایحه کمک، موارد مربوط به حقوق بشر مورد تاکید بیشتر قرار گرفت. با اینحال، وزارت امور خارجه ابتدا ۶ گزارش مذکور را با قید محرمانه تسلیم کنگره کرد که از نظر عموم پوشیده بماند که این سعی آشکاری برای جلوگیری از رسوائی دول مختلف بود. ولی پس از آنکه این امر با اعتراض کمیته روبرو شد، قید محرمانه از آن حذف گردید.

گزارشها بالحنی قاطع و واقعیتگرا مسائل مربوط به تجاوز به حقوق بشر مانند شکنجه، بازداشت طولانی بدون اتهام یا محاکمه، دستگیری خودسرانه، و سایر تجاوزات به حق حیات، آزادی یا امنیت فردی را طرح و مورد بحث قرار داد. دونالد فریزر، نماینده دموکرات از مینوسوتا که عامل موثر در بدست آوردن این گزارشها بود امروز گفت که این گزارشات "خیلی بهتر از آن هستند که فکر میکردم" اگرچه اوتصور میکرد که در این گزارشات نسبت بکشورهای مختلف بانرمی رفتار شده است.

کارتز، رئیس جمهور انتخابی، از دولت فورد بخاطر اینکه در طی انتخابات توجه زیادی بموضوع حقوق بشر در خارج نکرده بود انتقاد کرد و وعده داد که

→

نظامی آمریکا بکار برده است و نه give را. کنایه از اینکه این ۶ کشور هستند که به پشتیبانی احتیاج دارند و از آمریکا درخواست کمک میکنند. وگرنه آمریکا نمیداد.

دولت او نسبت باین مسئله توجه بیشتری میکند .

چند نکته تکان دهنده:

سایروس آرونس، وزیر امور خارجه منصوب کارتر اخطار کرده است که برخورد با مسئله تجاوز به حقوق بشر باید راه حل معقولی دنبال شود که در برگیرنده امنیت امریکا نیز باشد. (۱)

چند نکته تکان دهنده در گزارش بچشم میخورد. در سالهای اخیر بیشتر این کشورها توسط خیلی از سازمانها متهم به تجاوزات مختلف مربوط به حقوق بشر شده اند و مقامات زیادی در روزنامه ها در باره آنان چاپ گردیده است. در نتیجه وزارت امور خارجه آشکارا سعی میکند که برای اجتناب از درگیری مستقیم دولت امریکا در این گزارشها، اکثر ادعای سازمان عفو بین المللی در مورد تجاوزات به حقوق بشر را نقل کند.

وزارت امور خارجه روشن ساخت که اگر چه تجاوز بر علیه حقوق بشر در شش کشور مذکور جریان دارد، اما معتقد است که کمک نظامی امریکا و فروش اسلحه بدانها باید بععلل مختلف ادامه یابد. (۲)

مختصری درباره هریک از ۶ کشور:

قانون کمکهای خارجی میگوید که سیاست ایالات متحده اینست که به دولتهاییکه در "تجاوزات شرم آور به حقوق بشر، در سطح بین المللی" دست دارند کمک امنیتی

۱ - بدینوسیله بد عدم اصالت وعده های سران امپریالیستها میشود پی برد که از یکطرف خودشان در باغ سبز برای مردم باز میکنند و از طرف دیگر عاملان مجری و گرداننده همان نظام طاغوتی باقی میمانند. همچنانکه دولتهاییکه در آمریکا بروی کارآمده اند، اساس تغییر در سیاست خارجی خود نداده اند و وعده هاییکه سیاستمداران در مسابقات انتخاباتی میداده اند همه حرف و باد هوا بوده است و اکنون هم کارتر اقلا در ظاهر از حقوق بشر پشتیبانی میکند اگر هم کارش اصالت داشته باشد، باز با منافع کلی آمریکا در تضاد خواهد بود.

۲ - این شاهدی بر ادعای مذکور در پاورقی است، چه اگر آمریکا

نکند، مگر در مواقع فوق‌العاده استثنایی.

آنچه که در زیرمباید خلاصه‌ای مربوط به وضع حقوق بشر در هر یک از ۶ کشور فوق از دیدگاه وزارت امور خارجه امریکا همراه با پیشنهاد ادامه کمک میباشد.

(در اینجا تنها بگزارش مربوط به ایران اکتفا میشود)

گزارش مینویسد که در ایران بعلت عملیات خرابکارانه سیاسی در حدود ۲۸۰۰ تا ۳۰۰۰ نفر زندانی هستند. که "گاهی بعنوان زندانیان سیاسی خطاب میشوند." اما مجموع زندانیانیکه فقط بعلت افکار سیاسی بازداشت هستند شاید قریب به ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر میباشد. بیشتر اینها به فعالیتهای کمونیستی محکوم شده‌اند.

در مورد شکنجه‌گزارش مینویسد که یکی از اتهامات مکرر به ایران استفاده از شکنجه است. "در عین حال که سند تایید شده‌ای در مورد شکنجه در دست نیست، نمیتوان این گزارشها را، مخصوصاً "گزارشهاییکه مربوط با افرادی است که متهم بعملیات تروریستی هستند و گویای اینستکه شکنجه توسط پلیس و ادارات امنیت ایران استفاده میشود" ندیده گرفت.

این گزارش در حالیکه اشاره میکند که اخیراً "ادعاهای مربوط به شکنجه کمتر شده است"، اضافه میکند: "ما همچنین اطلاعی مربوط باینکه ماموری هرگز بعلت استفاده از شکنجه محاکمه شده باشد نداریم". (۱)

گزارش مینویسد: "در حالیکه امنیت مملکت بعلت تروریسم یا جنایات مشابه تحت مخاطره قرار میگیرد، بدون اتهام قبلی بازداشت وزندانی طولانی قبل از محاکمه صورت گرفته است."

وزارت امور خارجه اظهار داشت که در دوسال گذشته مامورین امریکایی مسائل

دلش واقعا برای بشر و حقوق بشر سوخته بود که اینهمه اسلحه نمیساخت و در اختیار دژخیمان تربیت یافته خودش نمیکذاشت.

۱- نه‌خیر، لابد انتظار دارید شاه، نصیری، و یا ثابتی را بمحاکمه بکشاند

آیا این خود را بکوجه علی چپ زدن است؟

مربوط به حقوق بشر را با ما مورین ایرانی بطور خصوصی مذاکره کرده اند . ولی مذاکره عمومی ، آنطور که گزارش می نویسد "مسئله حقوق بشر را در وضعیت برخورد (و مجادله آشکار) قرار میدهد و این بضرر و محکومیت آن خواهد بود . " (۱)

ایران در سال گذشته بمقدار یک میلیارد و ششصد میلیون دلار اسلحه خریداری کرد و انتظار می رود که این خرید در سال جاری به یک میلیارد و دو بیست میلیون دلار برسد . چون قدرت ایران بعلت داشتن مرز طولانی با روسیه ، پل ارتباطی اش بین شرق و غرب ، نقش اش در امنیت خلیج فارس ، و بعنوان یک منبع اصلی نفت برای ایالات متحده ، اسرائیل و اروپا ، و یک نیروی سیاسی میانه رو در آن ناحیه حائز اهمیت است ، وزارت امور خارجه ، آنطور که گزارش مینویسد ، هیچ تغییری در سیاست فروش اسلحه به ایران را توصیه نکرده است . (۲)

۱ - یعنی اعتراف وزارت امور خارجه امریکا بر محکومیت خود و دوستهای دست نشانده آمریکا است که به حقوق بشر تجاوز میکنند ؟

۲ - آری ، عللی که آمریکا برای فروش اسلحه خود به رژیم مستبد ایران بیان میکند همه برای برآوردن امیال امپریالیستی خویش میباشد و هیچیک از آنها در جهت رعایت منافع ملت ایران و احتیاجات اقتصادی ، فرهنگی و اجتماعی آن نمیباشد .

نقل از خبر نامه عفو بین‌المللی ، مجله ۷ ، شماره ۱ ، ژانویه ۱۹۷۷ :

پلاکارد یک آلمانی عضو عفو بین‌المللی "شاه ایران را تحقیر نکرد" در جمهوری آلمان فدرال ، یک آلمانی عضو عفو بین‌المللی از اتهام تحقیر شاه در تظاهرات تبرئه شد . جان مولشتاین (Jun Muhlstein) بعنوان معاون رهبر تظاهرات عفو بین‌المللی در ۱۵ اکتبر در مونیخ ، یک پلاکارد که در روی آن "ایران : شاه به شکنجه اعتراف میکند" نوشته بود ، حمل میکرد . پلیس پلاکارد را ضبط و او را توقیف کرد .

در ۱۹ نوامبر ، دادگاه محلی مونیخ تقاضای دادستان عمومی مبنی بر تایید توقیف پلاکارد را رد کرد .

آقای مولشتاین در دفاعیه‌اش در مقابل اتهام تحقیر برهبر یک مملکت ، چندین مقاله "روزنامه" شامل مصاحبه‌های شاه که در روزنامه فرانسوی لوموند ، که در آن از شاه درباره شکنجه در ایران سؤال شده بود ارائه داد . در آخرین مصاحبه شاه گفته بود : "چرا مانباید همان روش‌های شما اروپائیان را بکار بریم ؟ ماروشهای خیلی پیشرفته شکنجه را از شما آموخته‌ایم . شما از راه‌های روانی برای کشف حقیقت استفاده میکنید ، و ما هم همین کار را میکنیم" .

دادگاه محلی مونیخ حکم داد : "جای شک نیست که گفته شاه ایران عینا" در این روزنامه مستقل فرانسوی که دارای شهرت جهانی میباشد منتشر شده است . اظهار متهم مبنی بر اعتراف شاه به استفاده از شکنجه بر اساس حق آزادی بیان و عقیده مورد تایید است" . تاکید مهم بر مبنای اعتراف شاه به شکنجه ناشی از حق اصولی و شناخته شده آزادی بیان و عقیده است .

ضمیمه ۵

رسوایی هر چه بیشتر رژیم شاه

گزارش کنفرانس سازمان عفو بین‌المللی (۱)

هموطنان عزیز:

با اوج‌گیری مبارزات افشاگران ایرانیان مقیم خارج از کشور رژیم شاه در تنگنای سیاسی بزرگی قرار گرفته است. بطوریکه خود را در صحنهٔ بین‌المللی بیش از پیش رسوا می‌یابد.

در شماره گذشته پیام مجاهد، ما ضمن بررسی تروریسم شاهانه بعنوان مشی جدید رژیم در برخورد با مخالفین خود، دو نمونه از کسانی را که هدف مامورین ترور شاه در اجرای این طرح بوده‌اند گزارش نمودیم. اینک با انتشار گزارش فعالیت‌های افشاگران‌های که در سطح بین‌المللی علیه رژیم فاسد و منحط و پوسیده سلطنتی ایران صورت گرفته است دقیقاً "هم بعنن ناراحتی‌های رژیم شاه و در نتیجه دست یازیدن شاه به تروریسم رسیدگی میکنیم و هم به کارآئی و تأثیرات افشاگری‌های مبارزین اصیل خارج از کشور در سطح جهانی می‌پردازیم.

الف: کنفرانس سازمان بین‌المللی عفو درباره فشار و اختناق در ایران. AMNESTY INTERNATIONAL در تاریخ ۱۸ و ۱۹ فوریه ۷۷ مطابق با اسفند ماه ۵۵ بخش هلندی سازمان عفو عمومی، کنگره‌ای برای رسیدگی بوضعیت زندانیان سیاسی و رعایت حقوق انسانی در ایران تشکیل داد. نمایندگان نهضت آزادی از اواسط ماه ژوئیه ۷۶ تشکیل چنین جلساتی را به مرکز عفو عمومی توصیه کرده بودند. طبیعی بود که تشکیل چنین جلساتی با استقبال نهضت آزادی ایران مواجه و از

۱- پیام مجاهد، ارگان نهضت آزادی ایران (خارج از کشور)، شماره ۴۶،

فروردین ۱۳۵۶.

پشتیبانی وی برخوردار بوده و خواهد بود.

رژیم ایران از مقدمات تشکیل این جلسات هیچگونه اطلاعی نداشت تا روزی که عفو عمومی هلند رسماً "تاریخ جلسات را اعلام داشت. در این هنگام رژیم ایران بیکباره اقدام به کارزار تبلیغاتی علیه عفو عمومی هلند و تهدید به بایکوب کردن ورود و فروش کالاهای هلندی در ایران نمود. رژیم ایران حساب کرده بود که هلند کشور کوچکی است و اگر بتواند با اینگونه فشارها تشکیل چنین جلساتی را در هلند مواجه با اشکال نماید، سایر کشورها قبل از آنکه وارد مراحل تبلیغاتی چنین جلساتی شوند از تشکیل آنها جلوگیری خواهند نمود (به قسمت ب از همین مقاله رجوع کنید) این معنی را نمایندگان نهضت آزادی به مقامات عفو عمومی در موقع خود تذکر دادند و براین عقیده بودند که بهر قیمت که شده این کنگره باید تشکیل گردد و ویدئوسپیله راه برای تشکیل چنین جلساتی در سایر کشورها باز شود. همچنین این نمایندگان متذکر شدند که تهدید به بایکوب کردن فراورده‌های هلندی تهدیدی است توخالی و بی معنی زیرا نفس سیاست اقتصادی ایران بدست رژیم آن نیست و تصمیم گیرنده کسان دیگری هستند و برای رفع هرگونه مشکلاتی در صورتی هم که بوجود بیاید، باید مستقیماً با اربابان رژیم ایران وارد مذاکره شد، مضافاً آنکه رژیم ایران بعلت خائن بودن به مصالح مملکت و تکیه به پایگاههای خارجی بطورکلی خائف است و قدرت هیچگونه عکس‌العملی را در مقابل اربابان خود ندارد. گردانندگان کنگره عفو عمومی با توجه به استدالات فوق و اعتقاد به حقانیت عملی که در نظر داشتند انجام دهند بکار خود ادامه دادند و کنگره در تاریخ اعلام شده تشکیل گردید.

در این کنگره از نمایندگان سازمانهای دفاع از زندانیان سیاسی ایران در کشورهای مختلف، ننی چند از نظار بین‌المللی کد با ایران رفته بودند خصوصاً "وکلاي مدافع فرانسوی دعوت شده بودند. در قسمت ایرانی آن از نمایندگان نهضت آزادی ایران، حزب توده "سازمان کیفی" در آمریکا، بخش کوچکی از کنفدراسیون دانشجویان و همچنین سفارت ایران دعوت بعمل آمده بود. سازمانهای ایرانی مخالف عموماً "در این کنگره شرکت کردند ولی نمایندگان سفارت حاضر نشدند. نماینده نهضت آزادی عدم حضور نمایندگان بخش‌های دیگر کنفدراسیون

را به مقامات تشکیل دهنده کنگره متذکر گردید. این مقامات توضیح دادند که با وجود آنکه میدانستند کنفدراسیون بشعبات مختلف تقسیم شده متأسفانه به علت در دست نداشتن آدرس سایر بخش‌ها نتوانستند با آنها تماس حاصل نمایند و دانشجویانی هم که با عفو عمومی در ارتباط بودند در این مورد ابداً تذکر ندادند (۱).

نماینده نهضت آزادی چند روز قبل از تشکیل کنگره مقاله‌ای برای عفو عمومی هلند ارسال داشته بود که در آن ضمن تحلیل مسائل ایران ۱۱ پیشنهاد عملی برای کار در نظر گرفته شده بود که در جریان کنگره پیشنهاد دیگری بدان اضافه نمود.

در روز اول و در افتتاح کنگره خانم پیروته عضو هیأت اجرایی مرکزی سازمان بین‌المللی عفو و نماینده عفو عمومی فرانسه و آقای نوری‌البلا وکیل فرانسوی و دبیرکل "انجمن فرانسوی همبستگی و دوستی با مردم ایران" صحبت کردند بعد از خاتمه جلسه تنی چند از مأموران ساواک که بعنوان روزنامه‌نگاران کیهان در آنجا حضور داشتند، بطور خصوصی با مقامات کنگره به جریان تشکیل آن اعتراض کردند و گفتند که این کنگره یکطرفه است و مطالب طرح شده با واقعیت منطبق نیست و خواستار شدند که در جلسات کنگره شرکت کنند و نقاط نظر خود را عنوان نمایند.

مقامات مسئول کنگره توضیح دادند که قبلاً "از سفارت ایران در هلند برای شرکت در این جلسات دعوت بعمل آمده است و آنها میتوانند شرکت کنند و نظرات خود را عنوان نمایند و حال که برنامه کنگره تنظیم شده مشکل است که بتوان آنرا تغییر داد. نمایندگان ساواک اصرار ورزیدند که باید شرکت کنند.

(۱) ما در ذیل آدرس سازمان بین‌المللی عفو عمومی را برای همگان منتشر میکنیم. ضمناً سازمانهای مختلف دانشجویی و غیره، اگر مایل باشند با سازمانهای بین‌المللی و شخصیت‌های انسان دوست تماس حاصل نمایند، میتوانند آدرس‌های مورد نظر خود را از پیام مجاهد خواستار شوند.

Amnesty International
Turnagain Lane
Farrington Street
London, Ee4

مسئولین کنگره برای آنکه برخوردهای غیر منطقی و احیانا " درگیری‌هایی ایجاد نگردد با شرکت کنندگان ایرانی در کنگره تماس حاصل نمودند و نظرات آنها را خواستار شدند. نمایندگان بخش کنفدراسیون که شرکت داشتند با حضور نمایندگان ساواک در کنگره مخالفت کردند. نماینده نهضت آزادی بعکس به مسئولین کنگره اعلام داشت که موقعیت مناسبی است که این مدعیان روزنامه‌نگار که در اصل مأمورین ساواک هستند در کنگره شرکت جسته و نظرات خود را اعلام دارند و این امر بدلائیل زیر بود:

۱ - مخالفین رژیم ایران نه باندازه رژیم اسلحه دارند و نه پول و قدرت تبلیغاتی و یا موقعیت بین‌المللی حال اگر نتوانند با منطق و دلیل از عهده چند مأمور مفلوک و بی‌سواد ساواک برآیند مخالفت آنها علیه رژیم ایران اساسی نمی‌تواند داشته باشد.

۲ - سانسور کردن نظرات مخالف شیوه رژیم ایران است و مخالفین واقعی‌تن به‌چنین ننگی نباید بدهند. مضافاً " آنکه ما بعنوان مخالف بیش از هر چیز به منطق و قدرت روحی و اخلاقی خود متکی هستیم و درست در این زمینه است که رژیم ایران را باید در افکار عمومی جهان به تنگنا بکشیم.

بنابراین با این شرط که برخورد و مناظره با این مدعیان روزنامه‌نگاری در جلسه عمومی انجام گیرد، نه تنها با حضور آنها مخالفتی نداریم بلکه از این موقعیت استقبال هم میکنیم. ضمناً " نماینده نهضت آزادی متذکر گردید که نفس قبول شرکت این عناصر در بحث‌های کنفرانس عفو عمومی موجب خواهد شد که آنها شرکت نکنند زیرا آنها پیشنهاد شرکت خود را در جلسات از آن جهت داده‌اند که قبول نشود و همین امر را بهانه حمله به عفو عمومی و یکطرفه بودن این کنگره بنمایند و این خود امری جمال‌پسند خواهد بود. مع هذا اگر بآنها اجازه شرکت داده شود مسلماً " با بی‌سوادی که آنها دارند و معلوماتی که ندارند ابداً " جرأت شرکت و مناظره با مخالفین واقعی را نخواهند داشت.

بر اساس استدلال فوق، نمایندگان عفو عمومی به مأموران ساواک اطلاع دادند که برنامه تغییر داده شده و آنها میتوانند در بعدازظهر همان روز از ساعت ۷ تا

۹ شرکت نمایند. این تغییر برنامه نیز بلافاصله بکمیسیونها اعلام گردید. طبعاً همانطور که پیش‌بینی شده بود نمایندگان ساواک رفتند و دیگر باز نگشتند.

دربعد از ظهر روز اول کنگره مطابق برنامه قبلی سه کمیسیون تشکیل گردید.

الف: فزونی هتک حقوق انسانی در ایران.

ب: رفتار با زندانیان سیاسی.

ج: پلیس مخفی

در کمیسیون اول که از ایرانیان، نماینده نهضت‌آزادی شرکت داشت، تصویر کلی از چگونگی تحولات اجتماعی - سیاسی ایران از زمان فتودالیسم مسلط بر ایران ترسیم شده نقش‌کنونی دولت را به عنوان یک حکومت پوشالی جهت‌جلوگیری از اصطکاک مابین ابرقدرتها را خاطر نشان ساخته مشکلات زندگی در ایران، اقتصاد وابسته و تسلط پلیسی ساواک را مورد بحث قرار داد. و اعلام نمود که نه تنها هیچ تفاوتی بین سیاست آمریکا و شوروی در قبال ایران وجود ندارد بلکه در رابطه با ایران این دو کشور دوشادوش یکدیگر همکاری میکنند.

در خاتمه کار این کمیسیون با در نظر گرفتن شرایط خفقان حاکم بر ایران جهت موثرتر بودن فعالیت‌های دفاعی سازمان پیشنهاداتی ارائه شد که در بخش سخنرانی نماینده سازمان خواهد آمد.

در کمیسیون دوم موضوعهای زیر مورد بررسی قرار گرفت که در حقیقت تمامی پیشنهادهای و اظهارنظرها و مطالب توسط نظاری که بایران رفته بودند مانند آقایان "نوری البلا" و "ایوپولو" و "ترکامنیون" طرح و بحث گردیده بود:

- جمع‌آوری اطلاعات در رابطه با هتک حقوق بشر در ایران بخصوص

در مورد زندانیان سیاسی.

- یافتن منابع جدید کسب اطلاعات.

- گذاردن اطلاعات در اختیار سازمانهای دیگر.

- پیشنهادات در مورد اتخاذ طرق جدید برای بهبود حقوق بشر در ایران.

در کمیسیون سوم سازماندهی و فعالیت‌های ساواک به بحث گذاشته شد.

گزارش این کمیسیونها خود بخوبی نشان دهنده نحوه و عمق کارهایی است

که انجام یافته است.

پس از پایان کار کمیسیون‌ها در روز دوم جلسه عمومی برای تصویب پیشنهادهای کمیسیونها و بحث در زمینه استراتژی کار در آینده تشکیل گردید. در این جلسه ضمن تصویب عملکرد کمیسیونها مقداری مطالب متفرقه بحث گردید نماینده نهضت آزادی تنها بحث مربوط به استراتژی آینده را بشرح ذیل طرح نمود:

"سازمان بین‌المللی عفو عمومی در بدو تأسیس اساس کار خود را بر این قرارداد داده است که اطلاعات لازم و دقیقی از وضعیت زندانیان سیاسی تهیه و بر اساس مدارک کامل در مورد آزادی آنها اقدام نماید. این اصل بر مبنای روش و سنتی قبول شده بود که در کشورهای اروپای غربی و آمریکا در جریان بود. بدان معنی که هر وکیل دعاوی میتوانست اطلاعات مورد نیاز خود را از مقامات مربوطه دادگستری بطور رسمی کسب نماید و مقامات رسمی نیز مطابق قانون موظف هستند تا با استیضاحات مربوط به زندانیان جواب قانع کننده‌ای بدهند. این روش که طبعاً از لحاظ حقوقی صحیح است و در این کشورها برای اثبات هر مدعایی لازم میباشد، لزوماً در کشورهای دیکتاتوری که نفس حکومت آنها برخلاف قانون و شخصیت و حقوق انسانی است و اصولاً "هیچ قانونی جز زور و فشار و اختناق وجود ندارد امکان پذیر نیست. تجربه ۱۶ سال فعالیت عفو عمومی بخوبی این مطلب را با ثبات رسانده است. نکته دیگر آنکه در کشورهای دیکتاتوری، خصوصاً در ایران کسب اطلاعات اولیه از قبیل اسم و رسم و تاریخ زندانی شدن و محکومیت زندانی امری است بی نهایت مشکل و در بعضی موارد غیر ممکن. زیرا نفس پی گیری برای تهیه چنین اطلاعاتی خود خطر سالها زندان و زجر و شکنجه برای محقق ایجاد میکند. بنابراین هیچ سازمانی نمیتواند افراد خود را برای چنین کارهایی به سلاخ خانه‌های رژیم گسیل دهد.

با توج به نکات فوق عملاً "کشورهاییکه در آنها کمتر اختناق وجود دارد از لحاظ تبلیغات بین‌المللی بیشتر ضربه پذیر میشوند و در کشورهاییکه بیشتر جو اختناق و جنایت حاکم است کمتر ضربه پذیر

میشوند زیرا اخبار مربوط بجنایات آنها کمتر بخارج راه می‌یابد. بوجود آمدن چنین امری درست برخلاف اهدافی است که سازمانهای بین‌المللی و خصوصا " عفو عمومی برای خود انتخاب کرده‌اند .

مسئله مهم دیگر آنکه، چون کشورهاییکه کمتر در آنها اختناق وجود دارد بیشتر ضریب پذیر میشوند معه‌ذا برای آنکه کمتر علیه ایشان تبلیغات شود، احتمالا " درجه فشار و اختناق را زیادت‌تر میکنند. در درچنین حالتی عملا "سیاست تهیه مدارک حقوقی دقیق بطور سنتی، بعنوان اساس مبارزات تبلیغاتی علیه رژیم‌های دیکتاتور خودکامه، با احتمال زیاد اثر معکوس خواهد داشت .

با توجه به نتایجی که براساس استراتژی کلی سازمانهای بین‌المللی تاکنون بدست آمده است اکنون وقت آن رسیده است که در استراتژی کلی تغییر اساسی داده شود تا بتوان منطبق بر واقعیات موجود عمل کرد. بر این اساس:

۱- سازمانهای بین‌المللی عفو عمومی در بدو امر باید تلاش خود را در زمینه‌های سنتی و حقوقی برای کسب اطلاعات لازم بعمل آورند و این تلاشها باید در همه شرایط ادامه یابد تا بدینوسیله بهانه‌ای بدست دیکتاتورها نداده باشند .

۲- اگر براساس تلاشهای فوق کسب اطلاعات از مسئولین دولتی عملا " مواجه با شکست شد و این مسئولین از دادن هرگونه اطلاعی در مورد زندانیان و تعداد و شرایط آنها بطور نظام یافته ولجوجانه خودداری کردند، نفس‌چنین حالتی باید بمثابة گناه این گونه رژیمها تلقی گردد زیرا اگر اختناق و جنایتی نباشد دلیلی برای مخفی نگه داشتن اطلاعات حقوقی وجود نخواهد داشت. اثبات گناه بمعنی آنست که اطلاعات مخالفین این گونه رژیمها برای سازمانهای بین‌المللی و احتمالاتی که در تحلیل اطلاعات موجود بطور منطقی بوجود می‌آید، عملا " باید مبنای کار این سازمانها قرار گیرد. بزبان ساده‌تر در چنین حالتی این رژیم‌های دیکتاتوری خودکامه هستند که باید

عدم صحت ادعای مخالفین خود را ثابت کنند و این کار امکان‌پذیر نخواهد بود مگر آنکه واقعیت‌های موجود در ممالک مربوطه را با مدارک کامل و باز کردن راه اطلاعات لازم به جهانیان عرضه کنند.

آنچه تا کنون گفته شد صورت استراتژی تمام سازمانهای بین‌المللی و دفاع از حقوق زندانیان در سراسر جهان را داشته و در مورد کلیه کشورهاییکه دارای رژیم‌های دیکتاتوری و خودسر هستند، صادق میباشد. اما در مورد ایران توجه به نکته دیگری نیز کاملاً "ضروری است".

سیاست کلی دیگری که عفو عمومی تاکنون اتخاذ کرده آن است که به کشورهای وابسته به بلوک شرقی و غربی در یک تعادل کلی توجه مینماید. یعنی همانطور که در باره عدم آزادی‌های فردی و اجتماعی در چکوسلوواکی بعنوان کشوری وابسته به بلوک شرق صحبت میکند، راجع به اروگوئه هم در چهارچوب وابستگی به بلوک غربی سخن میگوید. این سیاست تا حدود زیادی به حیثیت عفو عمومی افزوده است. یعنی در مورد اروگوئه حداقل دستگاههای تبلیغاتی وابسته به شرق فریاد برمی‌آورند و در مورد چکوسلوواکی دستگاههای تبلیغاتی وابسته به غرب.

مشکل ایران آنستکه رژیم آن، ثروت مملکت را به غارت شرق و غرب داده است و بنابراین هر دو بلوک از این خوان یغما نصیب میبرند. و مآلاً "هر دو بلوک، رژیم موجود را تقویت می‌کنند. نتیجه آنکه همان مقدار کمی مطلب هم که راجع بایران گفته میشود، توسط دستگاههای تبلیغاتی وابسته به شرق و غرب سانسور میشود. بنابراین رژیم ایران با اتخاذ دو سیاست کلی. یکی اختناق و بی‌حد و حصر و جلوگیری از خروج اطلاعات لازم، و دیگری به غارت دادن ثروت و منابع طبیعی کشور به منافع شرق و غرب، عملاً "موفق شده است که در یک مصونیت تبلیغاتی همگانی بسر برد، با توجه بآنکه بدون تردید رژیم ایران یکی از جنایتکارترین رژیمهای موجود در جهان

است .

برای شکستن این دایره مرموز سازمانهای بین المللی خصوصی عفو عمومی باید تمامی نیروهای خود را علیه رژیم ایران بسیج کنند و حتی در مرزهای حقوق بشر متوقف نشوند و سیاست اقتصادی و اجتماعی رژیم ایران را نیز که پایه و اساس ایجاد اختناق است هدف حمله قرار دهند و فعالیت‌های اساسی خود را در این زمینه‌ها متمرکز سازند .

ایجاد چنین استراتژی در برد طولانی اثرات بسیار زیاد و مثبتی خواهد داشت . زیرا اگر رژیم ایران بعنوان دژ اختناق که از موقعیت استراتژیک و اقتصادی خاصی در جهان امروز برخوردار است و مورد تقویت دابلوک موجود در جهان نیز میباشد ، در مقابل افکار عمومی جهان مجبور به عقب نشینی شود ، سایر سیستم‌های دیکتاتوری و خودگامه جهان نیز که عملاً از امکانات کمتری برخوردار بوده و موقعیت ضعیف‌تری را دارا میباشند زودتر از آنچه انتظار میرود در مقابل فشار افکار عمومی جهان مجبور به عقب نشینی خواهند شد و بدینوسیله درجه فشار و اختناق در سایر کشورها نیز عملاً تقلیل پیدا خواهد کرد .

شکستن دژ اختناق در جهان یعنی ایران وظیفه‌ای است اساسی برای سازمانهای بین المللی و قبول این فریضه یعنی اعلام جنگ به سیاست فرصت طلبانه و منفعت جویانه شرق و غرب . قبول این وظیفه است که ارزش و اعتقاد واقعی سازمانهای بین المللی را با آنچه میگویند نشان میدهد و درست در این چهار چوب است که انتخاب یک سال بنام "سال تامین حقوق بشر در ایران" یک ضرورت تاریخی است . نکته دیگر آنکه سازمانهای بین المللی باید توجه داشته باشند که اکثر کشورهای دیکتاتوری خصوصاً ایران پایه‌ای مردمی برای حکومت‌های خود ندارند و تکیه اساسی آنها در خارج از مرزهایشان یافت میشود . بنابراین چنین رژیم‌هایی نهایت سعی و کوشش را حتی با صرف

میلیون‌ها دلار در جهت تبلیغات، بکار خواهند برد تا در افکار عمومی جهان برای خود مقبولیت و یا مشروعیتی بوجود آورند. طبعاً در چنین حالتی ضرباتی که در سطح افکار جهانی باینگونه رژیم‌ها خصوصا رژیم ایران وارد آید تاثیر اساسی خواهد داشت. این امر بدان معنی نیست که مثلا رژیم ایران برای مدتی خود را بی‌توجه به جهت افکار عمومی جهان نشان ندهد و یا بعنوان عکس‌العمل بر درجه اختناق نیافزاید و یا سازمانهای بین‌المللی را مورد حمله قرار ندهد. اینها هیچکدام دلیل عدم موفقیت اتخاذ چنین سیاستی توسط سازمانهای بین‌المللی نیست. بلکه بعکس، انتخاب اینگونه تاکتیکها توسط رژیم جبرا "موقتی هستند و بی‌اثر، و در دراز مدت ادامه و شدت تبلیغاتی بین‌المللی علیه این رژیم‌ها خصوصا رژیم ایران اثرات مثبت خود را بجای خواهد گذاشت.

در مورد رژیم ایران تذکر این نکته ضروری است که در پرده برداشتن از چهره رژیم ایران توسط سازمانهای بین‌المللی و طرفدار حقوق انسانی، نه شرق و نه غرب را یاری آن نخواهد بود که بگویند بضرر آنها و به نفع طرف مقابل عمل میشود زیرا نسبت با آنچه در ایران از لحاظ از بین بردن تمامی مبانی انسانی در جریان است هر دو بلوک دست دارند و مقصود و این اساسی‌ترین نکته‌ایست که باید افکار عمومی جهان را از آن مطلع ساخت.

بیان نماینده نهضت آزادی در مورد انتخاب استراتژی جدید با استقبال شرکت‌کنندگان در جلسه عمومی خصوصا نمایندگان عفو عمومی مواجه شد و قرار بر این شد که این امر به بحث و بررسی در هیات اجرائی مرکزی عفو عمومی و هم شعبات آن در کشورهای مختلف گذاشته شود. ضمناً اظهار امیدواری شد که این استراتژی مورد تایید قرار خواهد گرفت و احتمالا سالی بنام "سال دفاع از زندانیان سیاسی و تأمین حقوق انسانی در ایران" برگزیده خواهد شد.

ب: عکس‌العمل رژیم شاه در برابر تشکیل این کنفرانس:

البته این اولین باری نبود که رژیم ایران خود را با افکار عمومی جهان روبرو

میدید. بتدریج که مبارزات ایرانیان خارج از کشور رشد و گسترش یافته است، رژیم شاه لاجرم خود را مجبور دیده است که دست به اقداماتی بزند. این اقدامات را شاید بتوان به شرح زیر بیان نمود.

اول - مصاحبه‌های پی‌درپی شاه - گردانندگان رژیم شاه امیدوار بودند که از طریق مصاحبه‌های پی‌درپی شاه با مطبوعات خارجی و مراکز رادیویی و تلویزیونی افکار عمومی جهان را به نفع رژیم شاه و در جهت خنثی ساختن تاثیرات افشاگرانه عملیات مخالفین رژیم تحت تاثیر قرار دهند. اما مصاحبه‌های شاه "کلا" نه تنها در این جهت کمکی نکرد بلکه یکی پس از دیگری رسوایی بیشتری بارآورد و بیش از پیش جنون دماغی شاه را منعکس ساخت.

دوم - ایجاد رعب و ترس در میان مخالفین - این شیوه که ابتداءً با رسوخ مامورین ساواک در میان سازمانهای علنی دانشجویی شروع شده بود و همراه با تهدید خانواده‌های عناصر مبارز و فعال خارج از کشور بود، سودی نبخشید و رژیم شاه را به اتخاذ شیوه ترور و خشونت مجبور ساخت، تا از طریق اجرای این برنامه نه تنها مخالفین خود را از بین ببرد بلکه با تشدید ترس و وحشت مانع ادامه کار دیگران گردد. این شیوه عمل رژیم نیز تا بحال نتوانسته است نتیجه مطلوب را بوجود بیاورد. و برعکس افشای آن موجبات رسوایی بیشتر شاه را فراهم ساخته است.

با توجه و درک از چنین شکست‌هایی است که میتوان علل عکس العمل رژیم ایران را در برابر اجتماع سازمان بین المللی عفو در هلند فهمید. رژیم شاه که خود را در سطح بین المللی منزوی و محکوم می‌بیند به تکاپوی تبلیغاتی تهوع‌آوری برای گمراه ساختن افکار عمومی مردم ایران در داخل، پرداخته است.

رژیم ایران ابتدا با جنجال و هیاهوی بسیار و از طریق عناصر معلوم الحالی چون سرتیپ صفاری با اصطلاح سناتور! و زیر پوشش تمام مسخره "کمیته ملی حمایت از مصرف کننده" تهدید کرد که:

"اگر علیرغم اقدامات انجام شده اجتماع ضد ایرانی در هلند تشکیل شود کمیته حمایت از مصرف کننده آماده است مبارزه لازم برای تحریم کالاها و فعالیت‌های هلندیها را در ایران آغاز کند."

وقتی تهدیدات مقدماتی شاه‌وایادی او علیه تشکیل این کنگره بجائی نرسید، حملات شاه و ننگین‌نامه‌های رژیم ایران علیه سازمان بین‌المللی عفو شدت یافت. خود شاه طی مصاحبه‌ای گفت که:

"... سازمان عفو بین‌المللی با کوشش‌های خود در ترتیب دادن یک جلسه برای ناراضی‌های ایرانی در هلند به عنوان بخشی از یک اقدام برای حقوق بشری زندانیان سیاسی، تحریکاتی علیه کشور ما انجام می‌دهند." و سپس شاه ادعا میکند که:

"اینها همه کمونیست هستند."

شاه حتی با کمال وقاحت اعلام کرد که قصد رعایت حقوق بشر در ایران را ندارد.

در مصاحبه‌ای که در ۴ اسفند ۵۵ با یکی از خبرنگاران میکرد در پاسخ سئوالی که: "در آخرین گزارش سازمان بین‌المللی عفو، ایران یکی از سیزده کشوری قلمداد شده که در آنجا نقض حقوق بشر بشکل نگران‌کننده‌ای ادامه دارد"، گفت "این بستگی باین دارد که منظور از حقوق بشر چه باشد زیرا من نمی‌دانم که آیا قوانین یک کشور باید توسط دیگران تعبیر و تفسیر بشود یا نه. بدیهی است که منشور حقوق بشر را پذیرفته و بآن رای داده‌ایم، اما نمی‌توان بیشتر از این دور رفت. و شاه هم از این بیشتر نرفته است، او فقط رای داده است! و نه تضمین اجرائی! رژیم استبدادی شاه که کینه و عناد خاصی نسبت بمبارزین اصیل و ملی‌مسلمان دارد، همه جا آنها را به ارتجاع سپاه و یا به "مارکسیست اسلامی و یاباه کمونیست" بودن متهم می‌سازد و میکوشد تا باین ترتیب و بخیال خود حیثیت آنان را لکه‌دار سازد!! او که پا را از این هم فراتر نهاده، حتی سازمانهای بین‌المللی وابسته به سازمان ملل متحد را نیز "کمونیست" و یا عامل "کمونیسم" میخواند! در رابطه با همین کنفرانس سازمان بین‌المللی عفو در هلند ننگین‌نامه‌های دولتی (کیهان هوایی چهار اسفند ۵۵) نوشتند که:

"یکی دیگر از سخنرانان نوری‌البابا بود (که البته کیهان تعدا به غلط نوری‌البلا را نوری‌البابا نوشته است) که از عوامل شناخته‌شده همکار کمونیسم بین‌المللی است."

و البته این اولین بار نیست که چنین اباطیلی از یاوه سرایان دولتی صادر میشود. چندی قبل نیز خواندنی‌ها (شماره ۹۳) با وقاحت تمام نوشت که:

"سازمان بین‌المللی عفو یا عبارت روشن‌تر مشاور سازمان ملل متحد در زمینه مطالعات در وضع زندانیان سیاسی پدیده خلق الساعه‌ای است که از کویر کمونیزم روئیده... شواهد و قرائن بین‌المللی متعدد از فعالیت‌های این سازمان جای‌کمترین شبهه‌ای باقی نگذاشته است که سازمان بین‌المللی عفو نهارگانی دوستدار آزادی و عدالت و نه قهرمانی واقعی برای ملت‌های در حال رشد و توسعه است." و این سازمان "عملاً بصورت سازمان حامی و طرفدار سر سپرده‌ترین افراد ارتجاع بین‌المللی و کمونیزم درآمده... در جهت تقویت نیروهای ضدملی و خائنان شناخته شده در کشورهای رو به توسعه و در جهت خدمت به استعمار نو و کمونیزم بین‌المللی است..."

همزمان با کوشش‌های نامبرده در بالا عوامل ساواک زیر پوشش "انجمن روابط فرهنگی ایران و هلند" طی نامه‌ای به سفیر هلند مینویسد که "... روابط نیکوی ایران و هلند در اثر این اقدام لطمه خواهد خورد..." و بعد اضافه میکند که "چرا آن عده از اعضاء دانشمند و انسان دوست سازمان بین‌المللی عفو قبل از اینکه در این توطئه آلوده شوند با سازمانهای بین‌المللی در ایران مانند سازمان حفظ حقوق بشر (به ریاست اشرف - پیام مجاهد) تماس نگرفته‌اند تا از واقعیت‌ها باخبر باشند." لابد نویسنده نامه فراموش کرده است که تا بحال، مامورین دولتی ایران چه پاسخهایی به نظاربین‌المللی داده‌اند. بررسی مختصری از ده‌ها گزارش نظر بین‌المللی که با ایران رفته‌اند و کوشش‌های ممتدی که برای تماس با مقامات ایرانی گرفته‌اند و همه بی نتیجه مانده است، خود نشان یاوه سرایی این عناصر خود فروخته می‌باشد. و اینکه چگونه مامورین دولتی ایران نمایندگان سازمانهای بین‌المللی حقوق بشر را که برای بازرسی از زندانهای سیاسی بایران می‌روند، سردرگم می‌کنند. مثلاً:

آقای بودلر گزارش می‌دهد که:

"من‌ه‌از نخست‌وزیرنه‌از وزیردادگستری توانستم وعده ملاقاتی بگیرم."

رئیس دفتر وزارت دادگستری مرا پذیرفت و متذکر شد که هیچگونه اطلاعی نمی‌تواند بمن بدهد. دادستان دیوان عالی کشور بمن فهماند که صلاحیت جواب دادن به سئوالات را ندارد. رئیس دیوان عالی نیز مرا با گرمی پذیرفت و جوابی دیگر داد. "و در وزارت دادگستری بمن گفتند... فقط ساواک و دادگاه نظامی می‌توانند بمن اطلاعاتی بدهند... من نتوانستم نه از رئیس ساواک و نه از دادستان نظامی وعده ملاقات بگیرم. چند تن از افسران بمن گفتند که بعلم امنیتی ایشان نمی‌توانند هیچ اطلاعی در اختیارم بگذارند و بهتر است با وزارت اطلاعات تماس بگیرم. در وزارت اطلاعات هم چیزی عایدم نشد... یکی از کارمندان عالی‌رتبه آنجا بعد از آنکه مرا مدتی معطل کرد اظهار داشت که کوچکترین اطلاعاتی... نمی‌تواند در اختیار من بگذارد. و همچنین ملاقات با آقای جلالی رئیس کانون وکلای... برای ما خاطره بسیار بدی بجای گذاشت... ما واقعات و مبهموت بودیم از اینکه این شخص (قائم مقام دبیر کل حقوق بشر در ایران) نمی‌خواهد قبول کند که این ۹ نفر (گروه جزئی - خوشدل) زندانیان سیاسی بوده‌اند"

(گزارش نظار بین‌المللی شرایط زندان و زندانیان سیاسی در ایران - کشتار

۹ نفر از زندانیان سیاسی - نشریه نهضت آزادی ایران مرداد ماه ۱۳۵۴).
 جلسه سازمان بین‌المللی عفو در آمستردام - هلند درباره اختناق در ایران از یکطرف توانست در سطح جهانی جلب توجه افکار عمومی را بنماید. و از طرف دیگر نمونه‌ای از عجز و درماندگی رژیم ایران را نشان دهد. عکس العمل مقامات دولتی ایران، که در ننگین نامه‌های روزانه‌ای چون کیهان و اطلاعات منعکس شد، بقدری سفیهانه بود که خود انعکاس عجز رژیم شاه را میرساند. برای فهم این مطلب کافیست به مقاله کیهان هوایی شماره ۲۱۶ - ۱۱ اسفند ماه ۵۵ - رجوع شود. نویسنده این مقاله، بمصداق "کافر همه را بکیش خود پندارد" اجتماع بشر دوستان و طرفداران حقوق انسانی را در هلند اجتماع دوستداران "حشیش و سیاست" میخواند. ضمناً به تناقض‌گویی نیز دچار میگردد و لاجرم مینویسد که:

"... در اجتماع آمستردام ... از دولت ایران خواسته شده است که همه کسانی را که بخاطر نظرات سیاسی یا مذهبی در توقیفاند فوراً آزاد کند یا در یک مهلت عادلانه ترتیب محاکمه مجدد آنان را در دادگاه‌های مدنی بدهد." نویسنده در برابر این درخواست منطقی که حداقل می‌باشد چه می‌تواند بگوید! رژیم شاه چه جوابی دارد؟

اما وقاحت گردانندگان امور رژیم وقتی بیشتر معلوم می‌شود که نویسنده کیهان با کمال بی‌پروایی ادعا میکند که: "کاپیتولاسیون بیش از نیم قرن پیش در ایران ملغی شد."

اما مجرم و مکذب یادش می‌رود که مجلس دست‌نشانده شاه بدستوراربابان‌شان در سال ۴۳ لایحه کاپیتولاسیون را تصویب کردند و حضرت آیت الله خمینی را بمناسبت اعتراض بدان دستگیر و به ترکیه تبعید نمودند! الحق که "معتدائیم" بسیار فراموشکار است. و چشم دارد اما نمی‌بیند گوش دارد اما نمی‌شنود. تصور می‌کنند که با این خیمه شب بازی‌ها قادرند بندگان خدا را بفریبند، در حالی که آنها فقط خود را گول می‌زنند.

برگزاری موفقیت آمیز کنفرانس سازمان بین المللی عفو در هلند عکس العمل رژیم و حملات و تهمت‌های مامورین شاه را و هم چنین ضربه پذیری رژیم را از طریق اینگونه افشاگریها توجیه میکند. و تمامی اینها، بدون شک نشان دهنده تاثیرات مثبت عملیات دفاعی مبارزین خارج از کشور، منجمله نهضت آزادی ایران در افشای جنایات رژیم شاه می‌باشد.

بی‌جهت نیست که تروریسم شاهانه بعنوان شیوه جدید مقابله با مخالفین - خصوصاً مسلمانان از طرف رژیم پیاده می‌شود. و همراه با آن حملات عناصر مرموز و مشکوک زیرپوشش‌های ظاهراً مترقی و گول زنده، علیه مسلمانان و جنبش اسلامی و سازمانهای وابسته بدان در خارج از کشور شدت می‌یابد.

اما دشمنان حق و خلق ما بدانند که از این رهگذر قادر نخواهند بود طرفی ببریندند. و از همه طرف آنها در محاصره نتایج جنایات خود می‌باشند، و راه فراری هم ندارند.

روز سرنوشت مقدر نزدیک است .

قهاریت حق بدست خشم توده‌ها ، تاج و تخت نخوت و استکبار آنانرا در
گورستان تاریخ مدفون خواهد ساخت .

اقلم یسیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبه الذین من قبلهم دمرالله
عليهم وللكافرين امثالها (سورهٔ محمد آیهٔ ۱۰) .

نامه رئیس مجمع جهانی حقوق بشر به شاه

که در تاریخ ۲۴ ژوئن ۱۹۷۷ (۱۳۵۶/۴/۳) متن آن علنی شد.

اعلیحضرت محمد رضا پهلوی شاه ایران

کاخ سلطنتی

تهران، ایران

اعلیحضرت :

مجمع جهانی حقوق بشر، یک سازمان جهانی و غیر دولتی فعال در امور حقوق انسانی، بدینهاست که با نگرانی شاهد تراکم روزافزون مدارکی بوده است دال بر نفی شدید و بیگیرانه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در ایران. این تجاوزات متناقض است با اصول اساسی ایران مورخ ۱۹۰۶، اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد، قراردادهای رسمی جهانی پیرامون حقوق سیاسی ومدنی که بدستحکومت دولت شما نیز رسیده، و اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر، که در تهران تشکیل شد.

گزارش سازمانهای معتبر غیردولتی در لندن، پاریس، ژنو، نیویورک ونیز گزارش گروههای مترقیان، دانشگاهیان، طرفداران آزادیهای مدنی و رهبران مذهبی مستند بر موارد زیر است:

* - توقیف هزاران نفر از اتباع ایران و زندانی کردن آنان بدون

محاکمه و یا دادرسی علنی و عادلانه.

* - استفاده مداوم از شکنجه در زندانهای ایران ، که مکرراً " منجر به بروز صدمات و ناتوانیهای دائمی و حتی مرگ شده است .

* - سانسور مطبوعات توسط دولت و سرکوبی هرگونه مخالفت سیاسی .

* - عدم تحمل هرگونه عقیده و گروههای مخالف سیاستهای دولت و در واقع ، محروم کردن اتباع ایران از حقوق اساسی آنها در موارد آزادی سخن ، آزادی قلم و آزادی اجتماعات ،

* - اذیت و آزار ایرانیان مخالف سیاستهای دولت در داخل و خارج ، توسط ماموران پلیس مخفی ایران (ساواک) .

نگرانی ما از این تجاوزات شنیع به ضوابط برسمیت شناخته شده جهانی در شیوه قضائی و حقوق اساسی انسانی ، این سازمان را بر آن داشت تا بمنظور رفع این تجاوزات چندین بار ، بدولت اعلیحضرت دادخواست نمائیم .

این اعتراضات را می توان ، بدون مرور کردن یکایک آنها ، در بخشی از نامه ای که به یونانت دبیرکل سازمان ملل در ژوئن ۱۹۶۴ نوشتیم بشرح زیر خلاصه کرد :

" . . . رژیم کنونی ایران شدیدترین شیوه استبدادی را در سرکوبی مخالفین تعقیب می کند . . . این جنایات شدید برضد مردم ایران ، که بوسیله یک حکومت مطلقه صورت می گیرد ، نباید از توجه سازمان ملل دور بماند . "

در سال ۱۹۷۲ ، مقامات این مجمع با فریدون هویدا سفیر ایران در سازمان ملل ملاقات کردند تا به گفتگو بر روی اسنادی بپردازند که حاکی از توقیفات دسته جمعی ، و زندان و اعدام اتباع ایران بود . هیچگونه نتیجه ای از این ملاقات حاصل نشد .

در سال ۱۹۷۳ ، بوسیله تلگراف و نامه ما دوبار بشما متوسل شدیم ، ابتدا برای نجات جان هفت نفر ایرانی که بعلت نظریات سیاسیشان به اعدام محکوم شده بودند ، و بار دوم برای رفع شرایط انزجارآور حقوق انسانی موجود در سراسر ایران . اینبار نیز به دادخواست ما التفاتی نشد .

این چند مثال معدودی است از این موارد . سایر سازمانهای حقوق بشری دست بدرخواستهای مشابهی زده اند . علی رغم این بررسی ها و اعتراضات جهانی ،

هنوز گزارشات و مکاتباتی با اداره ما می‌رسد حاکی از اینکه تجاوز به حقوق اتباع ایران نه تنها تخفیف نیافته بلکه دامنه‌دارتر گردیده و تشدید یافته است. اخیراً، آقای ویلیام جی. باتلر، رئیس‌بخش آمریکائی کمیسیون جهانی قضاات و یکی از اعضاء هیئت مدیره مجمع جهانی حقوق بشر، بدنبال سفری به ایران در سال ۱۹۷۵، نتیجه گرفت که " دولت ایران حقوق ابتدائی و اساسی مدنی و سیاسی اتباع خود را بمورد اجرا نگذاشته است. " او این نتیجه‌گیری را در کنگره آمریکا (کمیته فرعی در امور سازمانهای بین‌المللی) در تاریخ ۴ اوت ۱۹۷۶، تکرار کرد. یافته‌های او را، که در گزارش تحقیقی " حقوق انسانی و نظام قانونی در ایران " گردآوری شده، میتوان بشرح زیر خلاصه کرد:

۱ - نظام یک‌حزبی دولت، که نامزدهای انتخاباتی توسط شاه و یا توسط کمیته‌ای در کنترل او تعیین می‌شوند، آزادی اجتماع و بیان، و نیز اصول قانون اساسی ایران مورخ ۱۹۰۶ را که ضامن برقراری حکومت مشروطه است، بشدت تحدید کرده است.

۲ - محدودیت شدیدی بر آزادی سخن و مطبوعات وجود دارد و مجازاتهای سنگینی برای ابراز مخالفت وضع شده است. روزنامه‌های باتیراژ کمتر از ۳۰۰۰ نسخه، و مجلات با تیراژ کمتر از ۵۰۰۰ نسخه بدستور دولت بسته شده‌اند. نشریاتی که مخالفت خود را با سیاستهای دولت ابراز داشته‌اند. بسته شده‌اند. افرادی که علناً دولت را بزیر سؤال می‌کشند، برخلاف حقوق سیاسی و مدنی، توقیف شده، بزندان افتاده و تهدید شده‌اند.

۳ - مدارک فراوانی وجود دارند حاکی از استفاده مداوم از شکنجه روحی و جسمانی مظنونین سیاسی در مدت بازپرسی. مقامات مسئول ایرانی پیرامون این شواهد تحقیق نکرده‌اند.

۴ - شیوه توقیف و زندانی کردن مظنونین سیاسی توسط ارتش و ساواک، پلیس مخفی، مظنونین را از حقوق قانونی آنان مبنی بر حق حضور در مقابل یک محکمه مستقل در مدت ۲۴ ساعت بعد از توقیف، محروم کرده است. مضافاً اینکه، مظنونین سیاسی، با محاکمه شدن در دادگاه

نظامی، از استفاده از مراحل قانونی محروم می‌شوند. این محرومیت همچنین مشتمل بر محرومیت از: "محاکمه علنی و عادلانه توسط محاکم ذی صلاحیت، مستقل و بی‌طرف"، "حق مشاوره با وکیل"، "حق" امتحان و یا مواجهه دادن شهود دولت"، "حق" عدم اجبار به شهادت دادن بر علیه خود و یا اعتراف بگناه"، و "حق" فرجام خواهی از دادگاه‌هایی که بنحو صحیح تشکیل شد. بگونه‌ای که در ماده ۱۴ قرارداد‌های جهانی پیرامون حقوق مدنی و سیاسی فراهم شده است.

سازمان عفو بین‌المللی، یک‌گروه بین‌المللی حقوق انسانی که مشاور سازمان ملل است، در گزارش کوتاه خود در باره ایران مورخ نوامبر ۱۹۷۶، گزارش داد که شیوه‌های قضائی در ایران موجود نیست و شکنجه بطور وسیعی اعمال می‌شود. نتیجه‌گیری آنان را می‌توان بشرح زیر خلاصه کرد:

۱ - با وجودیکه ماده ۱۳۱ قانون جزائی ایران بوضوح شکنجه را ممنوع ساخته ولی اطلاعاتی که در عرض دهه گذشته بدست سازمان عفو بین‌المللی رسیده تأیید میکند که در مدت‌زمان بین دستگیری و محاکمه در اغلب موارد از شکنجه استفاده می‌شود. متدهای شکنجه شامل است بر شلاق زدن و کتک زدن، شوک الکتریکی، تجاوز به زندانی، کشیدن ناخن‌ها و دندانها، تنقیه آب‌جوش در مقعد، آویزان کردن و زنه‌سنگین از بیضه‌ها، بستن زندانی به یک میز فلزی که بتدریج گرم و سرخ می‌شود، وارد کردن بطری شکسته در مقعد زندانی.

۲ - مطابق ادعای مخبرین خارجی و گروه‌های تبعیدی ایرانی، برآورد می‌شود که هزاران زندانی سیاسی در ایران وجود دارند. سازمان عفو بین‌المللی مخالف مشاهدات شما است که می‌گوید کلیه زندانیان سیاسی در ایران ترور نیست هستند. زیرا بسیاری از زندانیان سیاسی که معرف حضور سازمان عفو بین‌المللی می‌باشند بروشنی در مخالفت قهرآمیز درگیر نبوده‌اند. این زندانیان شامل اند بر عالمان الهیات، نویسندگان، کارگردانان تاتر، هنرپیشگان و استادان دانشگاه.

۳ - از اوایل سال ۱۹۷۲، بمراتب بیش از ۳۵۰ نفر از کسانی که توسط

دادگاههای نظامی محاکمه شده بودند اعدام شده‌اند. در عرض ۹ ماهه اول سال ۱۹۷۶، مقامات دولتی اعدام ۲۲ نفر از زندانیان سیاسی را اعلام کردند. بعلاوه، گزارش شده که تعداد زیادی از فعالین سیاسی بهنگام "مقاومت در مقابل توقیف" در خیابان و یا بهنگام یورش پلیس کشته شده‌اند. در عرض ژانویه تا اکتبر ۱۹۷۶ وسایل خبری ایران، به نقل از بی‌انیه‌های رسمی، ۶۹ مورد از چنین قتل‌هایی را گزارش داده‌اند.

۴- آزادی اجتماع از مردم سلب شده، حق داشتن سندیکای کارگری - یک حقوق اساسی اجتماعی و اقتصادی - سرکوب شده، و با اعتراضات کارگران باخسوت پاسخ داده میشود، که گاهی بزندان کردن کارگران نیز ختم می‌شود. فعالیت سیاسی محدود شده به شرکت در حزب رستاخیز.

۵- آزادی آکادمیک محدود شده و دانشجویان، استادان دانشگاه و روشنفکران تحت مراقبت پلیس می‌باشند. گزارش سازمان عفو بین‌المللی توضیح می‌دهد که چگونه یک استاد ادبیات را بعلت اینکه تدریس او به "انقلاب سفید" شاه اشاره نمی‌کند دستگیر کرده و شکنجه کرده‌اند.

سایر گروه‌های معتبر بین‌المللی یافته‌های ما و کمیسیون بین‌المللی قضا و سازمان عفو بین‌المللی را تایید کرده، و بربیک شیوه پیگیر از تجاوز شنیع به حقوق انسانی در ایران شهادت می‌دهند. در سال ۱۹۷۱، تیری میگنون از فدراسیون جهانی حقوق بشر (پاریس) از مطالعات خود پیرامون حقوق بشری در ایران بشرح زیر نتیجه گرفت:

" بطور خلاصه، واضح است که نقض دائمی حقوق بشر توسط پلیس مخصوص، باضافه همکاری ضمنی دادگاههای نظامی، مناسبترین وسیله‌ایست که مقامات ایرانی بر علیه کسانی که می‌توانند در کشورشان خطری بوجود بیاورند، بکار می‌برند. اعلامیه حقوق بشر جدا از اجرای روزانه آن نیست. معهدا، این دقیقا آن چیزی است که امروزه در ایران در حال وقوع است."

بعلاوه، "ماتیربوس بودولت" از دادگاه استیناف پاریس، در گزارش ماموریت خود به ایران که از طرف انجمن قضا کاتولیک و انجمن جهانی قضا دمکرات در

سال ۱۹۷۴ صورت گرفت، به تفصیل شیوه شکنجه را که پلیس بر علیه زندانیان سیاسی بکار می برد توضیح می دهد.

وکیل دعاوی ویلیام آر، رینارد، که در سال ۱۹۷۴ از طرف کمیته خدماتی یونیوتارین یونیورسالیست به ایران سفر کرد، در کنفرانس مطبوعاتی این کمیته (دسامبر ۱۹۷۴) اظهار داشت که بسیاری از اشخاص دانشگاهی، حرفه ای، هنرمند و ادیب اعدام شده اند و دیگر اینکه هزاران زندانی سیاسی در ایران وجود دارند. گزارش سال ۱۹۷۶ کنفرانس کاتولیکهای ایالات متحده اتهامات فوق الذکر را تأیید کرده و اضافه کرد که در حال حاضر "در حدود ۴۰۰۰ نفر از زندانیان سیاسی ایران زن هستند."

علاوه بر اسنادی که از طریق مطالعه و بررسی وضع ایران توسط گروه های معتبر جهانی تهیه شده، درخواستهایی نیز از طرف اتباع ایران برای دخالت بین المللی وجود داشته اند. گزارش های متعددی در نشریات معتبر چاپ و در وسایل خبری جهانی پیرامون خفقان در ایران پخش شده، و بالاخره باید از اظهارات اعلیحضرت حاکی از اقرار به استفاده از شکنجه (لوموند، اول اکتبر ۱۹۷۶)، و اعلام لغو نظام دو حزبی (نیویورک تایمز، ۳ مارس ۱۹۷۵) نام برد.

همچنین اعلیحضرت در برنامه تلویزیونی سیکستی مینیتر سی. اسی. اس (۲۴ اکتبر ۱۹۷۶) اقرار کردند. که مامورین ساواک در خارج فعالیت می کنند، "در باره کلیه افرادی تحقیق می کنند که با محافل و سازمانهایی که نسبت به کشور من دشمنی می ورزند، همکاری می کنند. . . . این مجمع شکایتهای بیشماری دریافت کرد. دایر بر اینکه فعالیت های مامورین ساواک در خارج از ایران همچنین مشتمل است بر: نصب وسایل استراق سمع، ورود مخفیانه به اماکن و منازل، اخلاص جلسات عمومی و تهدید نسبت به جان ایرانیانی که علناً مخالف دولت هستند. تازه ترین اتهام، که در برنامه سیکستی مینیتر کانال سی. بی. اس. (۶ مارس ۱۹۷۷) پخش گردید، مربوط است به توطئه سوء قصد به جان نویسنده مخالف صادق قطب زاده و ناصر افشار، ناشر روزنامه ایران آزاد، از طرف ساواک.

واضح است که اعمال فوق الذکر، که مطابق اطلاعات ما هنوز ادامه دارند، مرکب اند از نقض قانون اساسی ایران، نقض اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد، اعلامیه سازمان ملل پیرامون شکنجه و سایر اعمال بیرحمانه، غیر انسانی

و خفیف کننده، مقررات سازمان ملل درباره رعایت حداقل ضوابط برای رفتار با زندانیها، و نیز قراردادهای بین‌المللی پیرامون حقوق مدنی و سیاسی، که به تصویب دولت ایران نیز رسیده‌اند.

اعلیحضرت، شما در نطق خود در کنفرانس جهانی حقوق بشر (تهران، سال ۱۹۶۸)، اظهار داشتید:

"به‌تحقق رسانیدن مؤثر عدالت در تحت لوای قانون، و نیز به‌تحقق رسانیدن حقوق مدنی و دموکراسی سیاسی که بدرستی همراه عدالت اجتماعی، حقوق اجتماعی و دموکراسی اقتصادی باشد، در عصر ما تنها مرکب است از وظیفه ملی کلیه کشورها، بلکه ذی قیمت‌ترین هدیه‌ایست که هر دولتی می‌تواند به جامعه بشری و صلح جهانی تقدیم کند. این شرایطی است که برپایه آنها حقوق انسانی حقیقتاً می‌تواند تضمین گردد..."

ما از اعلیحضرت اکیدا می‌خواهیم که قدمهای فوری در جهت اجرای این اظهارات بردارند و شرایط انزجارآور گزارش شده پیرامون حقوق انسانی در ایران را اصلاح کنند. ما، با رعایت احترام، توصیه‌های زیر را تسلیم می‌کنیم، که تا اندازه‌ای برپایه همان توصیه‌هایی است که توسط کمیسیون جهانی قضاات در سال ۱۹۷۶ پیشنهاد شد. ما از دولت شما اکیدا می‌خواهیم:

۱- حق قضاوت دادگاههای نظامی بر افراد غیر نظامی را به دادگاههای غیرنظامی بازگردند، و مراحل اساسی قانونی فراهم شده در قانون اساسی ایران مورخ ۱۹۰۶ و مواد ۱۴ بند ۳ از تبصره (الف) تا (جیم) قراردادهای جهانی پیرامون حقوق سیاسی و مدنی را برای مردم ایران تضمین کند.

۲- استقلال قوه قضائی را تضمین کند.

۳- کسانی را که بعلت انتقاد از دولت ایران و سیاست‌هایش دستگیر، متهم و محکوم شده‌اند مورد عفو عمومی قرار دهد.

۴- اجازه دهد ناظرین قضائی جهانی و اعضاء مطبوعات خارجی در محاکمات و محاکم استیناف زندانیان سیاسی شرکت کنند.

۵- اختیاراتی را که در سال ۱۹۵۷ در اختیار افراد معینی از افسران ساواک گذارده و حاکی از اینست که "بعنوان قاضی نظامی عمل کنند و مسئولیت چنین

اداراتی را بعهدہ بگیرند " لغو کند و این اختیارات را به دادگاههای نظامی ، و ترجیحا به دادگاههای غیر نظامی بازگرداند .

۶- تعیین مقررات سخت اداری برای جلوگیری از شکنجه و یا رفتار زشت با افرادی که در توقیف بسر می‌برند . و تحقیقات بی‌طرفانه‌ای را درباره شکایات مربوط به شکنجه شروع کند . و مرتکبین را بسزای اعمال خود برساند .

۷- آزادی مطبوعات را تشویق کند و اجازه دهد طبقات دانشگاهی ، ادبی ، و علمی به کار مورد علاقه خود بدون ترس از دخالت و آزار و اذیت دولت ادامه دهند .

۸- فعالیت‌های مامورین ساواک در ایران و خارجه را بررسی کند و هرگونه اعمال خلافی را که پیدا شد تصحیح کند .

هر از چند گاهی ، مقامات رسمی دولت شما کوشش کرده‌اند تا برای نقض حقوق مدنی و سیاسی بعدزاینکه شما بدنبال تحقق حقوق اقتصادی و اجتماعی هستید بهانه‌ای بتراشند . این توضیح قابل قبول نیست . مجموعه‌ای از حقوق درگرو مجموعه‌ای دیگر از حقوق نیستند . مضافا " اینکه ، حقایق نشان می‌دهند که دولت ایران مدتهاست که حقوق تشکیل سندیکای کارگری و سایر حقوق اقتصادی و اجتماعی را نقض کرده است . اعلیحضرت ، تجربه طولانی ما حاکی از اینست که حقوق اقتصادی و اجتماعی و نیز حقوق مدنی و سیاسی بهم بستگی داشته و کسورهای که یکی از این مجموعه‌ها را نقض کنند به مجموعه دیگر نیز تجاوز می‌کنند . در حالیکه کسورهاییکه حقیقتا " به حقوق انسانی ایمان دارند ، در پی اجرای هم حقوق اقتصادی و اجتماعی و هم حقوق مدنی و سیاسی در یک زمان بر می‌آیند . ما موکدا " از اعلیحضرت می‌خواهیم این روش را دنبال کنند .

ما برآنیم که درخواستهایی که در این نامه مطرح کردیم کاملا " موجه هستند و نیز برآوردن این درخواستها درجهت جلب اطمینان خاطر جامعه جهانی از اینست که اعلیحضرت واقعا " به تقویت حقوق انسانی علاقه دارند .

ما ، محترماً " ، درخواست می‌نمائیم به این نامه پاسخ داده شود .
ما احترامات خود را نسبت بشما تاکید می‌کنیم .

با اظهار صمیمیت ،

جروم جی . شستاک

رئیس مجمع جهانی حقوق بشر

امضا-

Jerome J. Shustak

نامهٔ رئیس مجمع جهانی حقوق بشر به وزیر خارجه آمریکا

عالیجناب سایروس ونس

وزارت خارجه

واشنگتن ، دی . سی .

وزیر عزیز :

نامه‌ای را که پیرامون وضع انزجارآور حقوق انسانی در ایران برای شاه‌ایران فرستاده‌ایم ، برای اطلاع شما به پیوست ارسال می‌داریم .

مدارک چشم‌گیری توسط سازمانهای جهانی و آمریکائی گردآوری شده که شاهدهی است بوجود یک شیوه پیگیر از تجاوز شنيع به حقوق انسانی در ایران ، و نیز زندانی کردن مردم بدون گذشتن از مراحل قانونی ، استفاده از شکنجه ، محدودیت برای مخالفت سیاسی ، سرکوبی آزادی سخن ، آزادی مطبوعات واجتماع ، تحقیقات کنگره نیز این گزارشات را تایید می‌کند .

در نتیجه ، ما از گزارش وزارت خارجه پیرامون وضع حقوق انسانی در ایران ، که در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۷۶ و مارس ۱۹۷۷ (اسناد ۷۵۶ - ۸۵ و ۷۳۵ - ۸۵) تسلیم کنگره شد ، مایوس گشتیم . این گزارشات وضع حقوق انسانی در ایران را صادقانه بررسی نکرده‌اند . ما متوجه هستیم که این گزارشات بیش از انتصاب شما به این پست تهیه گردیده‌اند . ولی ، برای تهیه گزارشات آینده ، برای کارمندان شما مفید خواهد بود که از نکات مشخصی که در این گزارش مورد اعتراض ماست اطلاع یابند .

۱ - بخش (۱) گزارش مارس ۱۹۷۷ می نویسد که "برنامه اصلاحات" ایران ، "که به نفع اکثریت مردم بوده ، از پشتیبانی وسیع عمومی برخوردار بوده است . " در اینجا فرض شده که مخالفت نسبت به شاه فقط محدود است به گروههای کوچک و قاهر ماوراء راست و ماوراء چپ . این فرض درست نیست . اپوزیسیون نه محدود است به تروریستها ، و نه فقط با اعمال قهر آمیز متجلی می شود . لیست زندانیان سیاسی که در نزد ما موجود است نشان می دهد که مخالفین رژیم شامل نویسندگان ، دانشمندان ، دانشجویان ، رهبران مذهبی و کارگران است . همچنین واضح است که نارضایتی عمومی در ایران نه تنها ناشی از سیاستهای سرکوب کننده دولت است ، بلکه همچنین از شکست این اصلاحات برمیخیزد که در گزارش گفته شده "به نفع اکثریت مردم بوده ."

۲ - بخش (۲) همین گزارش می نویسد که در حال حاضر "در حدود ۳۵۰۰ - ۲۸۰۰ نفر زندانی ، که بدانان بنام زندانی سیاسی اشاره می شود ، در زندان بسر میبرند . " از این تعداد با استثناء "در حدود ۱۰۰ - ۱۵۰" بقیه بعنوان تروریست و یا "خطری برای امنیت کشور" دستگیر شده اند . اغلب گروههای حقوق انسانی برآورد می کنند که تعداد زندانیان سیاسی بمراتب و بخوبی بیش از ۵۰۰۰ نفر است . این گزارش همچنین عاجز است روشن کند که در نظر دولت ایران چه چیزی "خطر برای امنیت کشور" محسوب می شود . خود شاه معنی حقیقی آنرا بخوبی بهنگام لغو نظام دو حزبی در سال ۱۹۷۵ نشان داد . او اعلام کرد که کلیه کسانی که مایل به پیوستن به حزب او نیستند یا می توانند کشور را ترک کنند و یا اینکه بزدان بروند . مضافاً ، همین "نه پیوستگانند" که توسط ساواک دستگیر شده ، شکنجه شده و در دادگاههای نظامی محاکمه شده اند .

۳ - بخش (۳ الف) گزارش مارس ۱۹۷۷ می نویسد "که مدارک قابل اثباتی مبنی بر استفاده از شکنجه در دست نیست" و اینکه "ادعاهای کمتری نسبت به استفاده از شکنجه در سالهای اخیر شده . . ." این مطالب با اقرار خود شاه مبنی

براینکه در زندانهای ایران شکنجه بکاربرده می شود (لوموند، اول اکتبر ۱۹۷۶) نا سازگار است. این اظهارات همچنین در تناقض است با گزارش ناظران خارجی از محاکمات ایران، و گزارش یک شاعر معروف ایرانی که در شهادت خود در کمیته فرعی سازمانهای بین المللی کنکره آمریکا در سپتامبر ۱۹۷۶ توضیح داد که شکنجه شده است. بعلاوه، سازمان عفو بین المللی در گزارش ۷۶ - ۱۹۷۵ خود می نویسد (در بخش ۵ گزارش وزارت خارجه نقل قول شده) که "تشدید قابل تمیزی در امر سرکوبی اپوزیسیون در ایران صورت گرفته" و اینکه "شکنجه زندانیان سیاسی... . . . نظر می رسد که بصورت یک اقدام عادی درآمده." در واقع، ادعاهای مربوط به استفاده از شکنجه در ایران، در سالهای اخیر افزایش یافته.

۴ - بخش (۳ ب) می نویسد که "حق مالکیت و حق آزادی اندیشه و مذهب در ایران رعایت می شود... ." این اظهار در تناقض است با جمله بعدی که می گوید "کلیه ناشران و نویسندگان باید، از ترس مجازات، از قانون مطبوعات اطاعت کنند" و نیز تناقض دارد با نقل قول از گزارش کمیسیون جهانی قضات، که می گوید "آزادی مطبوعات عملاً وجود ندارد." مضاف بر این، بقول خود وزارت خارجه، "محدودیت هائی بر اجتماع صلح آمیز گروه هائی وجود دارد که بزعم دولت سیاسی و یا توطئه گر هستند." با اینکه اتباع ایران ممکن است حق مالکیت، حق آزادی اندیشه و حق انتخاب مذهب خود را دارا باشند، ولی با این حال، روشن است که اگر افکار و عقاید مذهبی آنان در تناقض با سیاست دولت باشند اجازه دارند افکار و عقاید مذهبی خود را آزادانه بیان کنند، و نه اینکه مالکیت ملک مانع از تجسسات غیر قانونی، و یورش غیر قانونی به خلوتگاه شخصی مردم و ضبط غیر قانونی اموال آنان توسط مقامات ایرانی می شود. بطور خلاصه، بخش (۳) گزارش نتیجه گزارش کمیسیون جهانی قضات را منکر می شود که میگوید "دولت ایران حقوق ابتدائی و اساسی مدنی و سیاسی اتباع ایرانرا اجرا نکرده است." بالاخره، ما مخالف نظریاتی هستیم که توسط آقای آلفرد آرتون، معاون وزارت خارجه در امور خاور نزدیک، در مقابل کمیته فرعی سازمانهای بین المللی، در سپتامبر ۱۹۷۶ بیان شد. آقای آرتون، در نتیجه گیری از شهادت خود،

اظهار داشت: " من معتقدم پیشرفتهائی که علی‌رغم مخالفت‌های شدید در راه پیشبرد حقوق انسانی اکثریت جمعیت ایران حاصل شده و زنهاش بمراتب سنگین‌تر از زیاده رویهائی است که در جریان کنترل حملات خشونت‌آور به دولت انجام شده است. "

ما برآنیم که حقوق اقتصادی و اجتماعی که مورد اشاره آقای آشرتون هستند نباید برتر از حقوق مدنی و سیاسی در نظر گرفته شوند. چنین ترجیحی تمایل دارد به چشم پوشی از تجاوز به حقوق اساسی انسانی از قبول شکنجه، زندانی کردن بدون محاکمه و سرکوبی آزادی سخن و مطبوعات بنام پیشبرد حقوق اقتصادی. من معتقدم، همانگونه که اطمینان دارم شما نیز معتقدید، که اگر خواسته شود بطور قابل فهمی بحقوق انسانی دست یافت، هر دو این مجموعه از حقوق باید بطور یکسان رعایت شوند.

با در نظر گرفتن خطیر بودن پیگیری در تجاوز به حقوق انسانی در ایران، ما، با رعایت احترام، اکیدا" می‌خواهیم که وزارت خارجه در آینده گزارش سر راست‌تری از وضع حقوق انسانی در ایران تهیه کند.

ما همچنین موکدا" درخواست می‌کنیم که تحقیقی کامل از فعالیتهای ساواک در ایالات متحده بعمل آید. علی‌رغم تحقیقات محدود وزارت خارجه در نوامبر گذشته و اظهار اطمینانش از اینکه هیچگونه شاهدهی مبنی بر فعالیت غیر قانونی ویانامناسب توسط مقامات ایرانی پیدا نکرده، اعتراف خود شاه ("سیکستی مینیتر"، سی. بی. اس.، ۲۴ اکتبر ۱۹۷۶) حاکی از اینکه ساواک در ایالات متحده بوده و "درباره کلیه کسانی تحقیق می‌کند که با محافل و سازمانهائی که نسبت به کشور من دشمنی می‌ورزند، همکاری می‌کنند،" و گزارش پیگیر پیرامون اذیت و آزار ایرانیان در ایالات متحده توسط ساواک، که در مطبوعات گزارش شده و به اداره ما رسیده، بنظر می‌رسد که تحقیقات کاملتر و دیگری را در مورد این فعالیتها لازم می‌دارد.

آقای وزیر، ما دلبستگی شما به پیشبرد حقوق بشر در جهان را عمیقا" تحسین میکنیم و در پرتو این سیاست، ما امیدواریم که ایالات متحده وضع حقوق انسانی در ایران را دوباره بررسی کرده و در راه رعایت این حقوق در این کشور فعالیت

کند .

ما احترامات فائقه خود را نسبت بشما تاکید می کنیم .

صمیمی شما ،

جروم جی . شستاک

رئیس مجمع جهانی حقوق بشر

امضاء

Jerome J. Shustack

گزارش ماموریت آقای نوری البلاء
وکیل دادگستری دادگاههای استیناف پاریس

به :

انجمن بین المللی حقوقدانان دموکرات
فدراسیون بین المللی حقوق بشر
نهضت بین المللی حقوقدانان کاتولیک

(ماموریت از ۲۴ فوریه تا ۴ مارس ۱۹۷۸)
(از ۵ تا ۱۳ اسفند ۱۳۵۶)

این ماموریت رامن بهمراهی خانم "مارجوری کهن" مشاورقضائی دفترروابط
اجتماعی و کشاورزی ایالت کالیفرنیا (آمریکا) انجام دادم .
هدف ماموریت ما عبارت بوده است از :

- ۱- تحصیل اجازه برای شرکت در محاکمات سیاسی دادگاههای نظامی .
 - ۲- بازدید زندانها و ملاقات با زندانیان .
 - ۳- تماس با سازمان حقوقدانان و سازمانهای طرفدار حقوق بشر .
- با توجه بحوادث بسیار مهمی که روزهای ۱۸ و ۱۹ فوریه در تبریز اتفاق
افتاده بود ، لازم دانستیم در باره این حوادث نیز تحقیق نمائیم .

۱ - محاکمات سیاسی در دادگاههای نظامی

هم شاه وهم نخست وزیر وی و هم شخصیتهای متعدد هیئت حاکمه ایران ،

اعلام کرده بودند که از ماه اوت ۱۹۷۷ (مرداد ۱۳۵۶) محاکمات سیاسی در دادگاههای نظامی بعمل نمیآید و از آن به بعد "مخالفین یا تروریست‌ها" در مراجع دادرسی عمومی محاکمه میگردند.

مادلائل دروغ بودن این اظهارات و دعاوی دولت ایران رافراهم آورده‌ایم. درحقیقت رسماً نیز اعلام شده بود که برای اولین بار وکلای عمومی اجازه دفاع در دادگاههای نظامی خواهند داشت.

در اولین برخورد این دو خبر متناقض نمیآیند، زیرا دادگاههای نظامی نه فقط برای قضایای سیاسی بلکه برای دعاوی مربوط به قاچاق مواد مخدر و جرایم ارتكابی بوسیله نظامیان در اجرای وظایفشان و غیره صلاحیت دارند.

در واقع یک سری تدابیر تبعیضی امکان دفاع در دادگاههای نظامی را برای وکلای دادگستری بسیار محدود کرده‌است. آنها باید از یک کمیسیون نظامی برای دفاع اجازه بخواهند و برای هر محاکمه‌ای که در دادگاههای نظامی قبول میکنند، تعهد کنند که مجاناً وکالت دو محاکمه دیگر را هم بعهده بگیرند و بفرض آنکه وکالتشان قبول شود تابع آئین نامه انضباطی یک کمیسیون نظامی هستند نه آئیننامه انضباطی کانون وکلا.

بهر تقدیر، لاقلاً در سه مورد که توانستیم دلایل کافی بدست بیاوریم که اشخاص غیر نظامی متهم به تروریسم تقاضا کرده‌اند، دفاعشان در دادگاههای نظامی توسط وکلای عمومی انجام پذیرد. این سه مورد مربوط به ماههای نوامبر ۱۹۷۷ (آذر ۱۳۵۶) و دسامبر ۱۹۷۷ (دی ۱۳۵۶) و ژانویه ۱۹۷۸ (بهمن ۱۳۵۶) است.

در هر سه مورد وکلای عمومی‌ای که متهمین برگزیده‌اند (وکلای مدافع لاهیجی و صدر) از مدافعه متهمین در دادگاه نظامی ممنوع شده‌اند. باین ترتیب برای ما مسلم شد که محاکمات سیاسی همواره در دادگاههای نظامی انجام میگیرد. بدیهی است که ما نتوانستیم در آن شرکت کنیم چرا که رسماً وجود ندارد.

۲- بازدید زندانها و ملاقات با توقیف شدگان

این تقاضا در تعقیب ماموریت‌های گذشته صورت میگرفت. (وکیل مدافع "کهن سات" از طرف انجمن بین المللی حقوقدانان دموکرات در ماه مه ۱۹۷۷

وکیل مدافع "لافورن" از طرف نهضت بین‌المللی حقوقدانان کاتولیک در سامبر (۱۹۷۷) انجمن بین‌المللی حقوقدانان دموکرات از ۱۴ فوریه ۱۹۷۸ کتاب این مساله را بمقامات ایرانی اطلاع داده بود.

درست پیش از حرکت ما، سفارت ایران در بروکسل پیام زیر را بمقر انجمن بین‌المللی حقوقدانان دموکرات فرستاده بود.

"نظر باینکه در طول سال جاری ایرانی (۲۱ مارس ۷۷ - ۲۱ مارس ۷۸) برای سومین بار یک هیئت نمایندگی از طرف کمیته صلیب سرخ بین‌المللی به ایران خواهند آمد، هیچ اجازه‌ای از این نوع بسازمان بین‌المللی دیگری نمیتوان داد. انجمن بین‌المللی حقوقدانان دموکرات چنانچه اطلاعی بخواهد احتمالا میتواند با کمیته صلیب سرخ بین‌المللی تماس بگیرد."

از آنجاکه برای صلیب سرخ بین‌المللی امکان ندارد اطلاعاتی را که احتمالا توانسته است فراهم آورد منتشر نماید. معنای جواب سفارت ایران آنست که ممکن نیست افکار عمومی جهان از آنچه در زندانهای ایران میگردد آگاهی یابند. با ندانستن مضمون این پیام صبح چهارشنبه اول مارس (۱۵ اسفند ۱۳۵۶) بملاقات آقای ناظمی مدیر سرویس مطبوعات خارجی در وزارت اطلاعات ایران رفتیم.

آقای ناظمی که ظاهراً از پیام چند روز قبل سفارت ایران به انجمن حقوقدانان دموکرات بی اطلاع بود بما توضیح داد که اجازه بازدید زندانها در صلاحیت او نبوده ولی میتواند تقاضای ما را بمقامات صلاحیتدار ارجاع نماید. او همچنین بما توضیح داد که امکان دارد با مشکلاتی از ناحیه خود زندانیان مواجه شود چرا که آنها از بازدیدهای مکرر روزنامه‌نگاران خسته شده‌اند، زیرا در این اواخر حداقل در حدود ۱۰ روزنامه نگار زندانیهای سیاسی را ملاقات کرده‌اند. ولی خود ما فقط از بازدید یک روزنامه نگار در زندانهای سیاسی اطلاع داشتیم و آن بازدید آقای "توسن" روزنامه نویس "دوسوارد بروکسل" تقریباً در یک سال پیش بود.

بهمین جهت ما از آقای ناظمی خواهش کردیم لطف کنند و نام این روزنامه‌نگاران متعدد را که بقول ایشان زندانیان را ملاقات کرده‌اند بما بدهند.

تا این لحظه که گزارش حاضر نوشته شده است مانام هیچ روزنامه‌نگاری را دریافت نکرده‌ایم .

روز بعد ۲ مارس (۱۱ اسفند ۱۳۵۶) آقای ناظمی به هتل ما تلفن کرد و اطلاع داد که با هیچ گونه اجازه بازدید ما از زندانها نمیتوان موافقت کرد . و دلیل نیز دقیقا همان بود که بوسیله سفارت ایران در بروکسل عنوان شده بود . در عین حال توانستیم یک اطلاعات دقیقی درباره وضع زندانیان سیاسی در زندانها بدست آوریم (۱)

۳- تماس با سازمانهای مختلف

از یکطرف معاون دبیر کل کمیته ایرانی حقوق بشر آقای " حداد " را ملاقات کردیم و از سوی دیگر توانستیم تعدادی از اعضای جمعیت حقوقدانان ایران و کمیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر و کانون نویسندگان ایران و نیز تعداد زیادی از دانشجویان و استادان و رهبران مذهبی را دیدار نمائیم .

الف - آنچه باید مورد توجه واقع گردد اینستکه اکثر کسانی را که ملاقات کردیم بما اجازه دادند که نامشان را نیز ذکر کنیم و مضمون گفتارشان را بیان نمائیم . این نکته فوق العاده مهم است زیرا اولین بار است که در ایران اشخاصی که ملاقات میشوند ، سوی سازمانهای رسمی " با طیب خاطر " خطر ملاقات و تماس با ناظران حقوقی را قبول میکنند .

ب - ملاقات با معاون دبیر کل کمیته حقوق بشر .

این کمیته بریاست شاهزاده خانم اشرف ، خواهر دوقلوی شاه وجود دارد . و تا این اواخر تنها کمیته موجود حقوق بشر در ایران بوده است . آقای حداد ساعت ۳ بعد از ظهرشنبه اول مارس ما را پذیرفت وی متذکر شد که این کمیته که مرکب از اشخاص متنفذاست . سالهاست انجام وظیفه میکند و نقش مهمی داراست و چندین دفتر در استانهای مختلف دارد (فعلا ۷ دفتر) و مرتبا بنامه‌های زیادی پاسخ میدهد .

بودجه این کمیته معادل ۳۰/۰۰۰ دلار امریکا در سال است که فقط از محل

(۱) - این اطلاعات در بخش ۳ گزارش حاضر قسمت ط آمده است .

حق عضویت و عطایا تامین میگردد. آقای حداد روی این امر تاکید کرد که کمیته از طرف دولت هیچ کمکی دریافت نمیکند و گفت اگر تقاضای چنین کمکی بنمایید، مسلماً دریافت خواهد کرد اما مایل است که استقلال کمیته را حفظ کرده و هیچ کمک دولتی را تقاضا ننماید.

آقای حداد اضافه کرد که صرف اینکه خواهر شاه رئیس کمیته است تضمینی برای اثر بخشی کار آن نمیباشد. همچنین گفت که بر اثر وجود نام رئیس کمیته هرگاه بیک وزارتخانه و یا ساواک نامه بنویسد مطمئن بدریافت جواب است.

آقای حداد خاطر نشان ساخت که روابط کمیته با سازمان ملل متحد عالی است و بعضی انتشارات آن سازمان را نیز چاپ مینماید. وی افزود که این کمیته بطور وسیعی از لحاظ بین المللی برسمیت شناخته شده و بطور عادی با سازمان عفو بین المللی مکاتبه دارد.

وی گفت که کمیته گاهی درباره موارد ادعائی شکنجه در زندانها نامه‌هایی دریافت میکند اما این نامه‌ها همگی از خارج واصل میگردد و هرگز از ناحیه یک زندانی ایرانی نامه‌ای نرسیده است. هر بار که کمیته راجع بموارد ادعائی شکنجه تحقیق کرده است باین نتیجه رسیده است که شخص مورد نظر یا ابداً در زندان نبوده و یا اگر واقعا زندانی بوده بهیچوجه شکنجه نشده است. و یادآوری کرد که "ما در موارد بسیار زندانیان را در کمال سلامت در سلولهای زیبائی ساکن یافته‌ایم که نگهبانان که عملاً چون خدمتکارانی حقیقی در خدمت ایشان هستند." "یک وکیل عضو کمیته که اجازه دیدار زندانیان را (نه فقط زندانیان سیاسی) یافته است اظهار کرد که شرایط سکونت در زندانها بسیار قابل توجه است. و زندانیان خیلی شانس دارند از اینکه در چنین شرایط خوبی توقیف هستند." "کمیته همواره به برنامه‌ای که میرسد بطریق منظم و قاطعانه پاسخ میدهد" معهذ آقای حداد اظهار داشت که "در مواردی نامه‌هایی بدون امضاء و آدرس واصل میگردد این نامه‌ها بصورت کارت پستالهایی هستند که تنها حاوی جمله "زندانیان سیاسی را آزاد کنید" میباشد. نام فرستنده ذکر نشده و این جمله نیز مستقیماً خطاب بشاه ایران یا نخست وزیر است.

آقای حداد بما گفت: "چطور میخواهید که ما بچنین کارتهائی که نمیدانیم

از طرف چه کسانی ارسال میشوند پاسخ دهیم؟"

در اینموقع ما از وی پرسیدیم که آیا نامه‌های مربوط بحقوق بشر را که برای شاه و حکومت ارسال میگردد، کمیته ایرانی حقوق بشر بجای آنان پاسخ میدهد؟ وی پاسخ داد بله.

و بالاخره آقای حداد اظهار داشت که حکومت ایران صبر نکرده است که مبارزه و جبهه‌گیری در مورد حقوق بشر و بمنظور وصول بخط مشی موافق با این حقوق "مد" شود، بلکه کوشش حکومت ایران در این جهت همواره بوسیله قطعنامه‌های بین المللی حقوق بشر و قانون اساسی ایران هدایت شده است. و آقای حداد نتیجه گرفت که در ایران آزادی کامل بیان و اندیشه و آزادی کامل اجتماعات وجود دارد. سانسور بهیچ شکلی موجود نیست.

آنطور که ذیلا خواهیم دید مطالب مذکور با آنچه ما بسهم خودمان توانستیم برداشت کنیم تطبیق نمیکند.

ج - کمیته ایرانی دفاع از آزادیها و حقوق بشر

این کمیته در ماه دسامبر ۱۹۷۷ (دیماه ۵۶) تشکیل شده است و اولین نمود آن نامه‌ای است خطاب بدبیرکل سازمان ملل متحد جهت اعلام تاسیس کمیته بوی. بعلاوه همه مطبوعات از ایجاد این کمیته اطلاع دارند. کمیته با شرکت سی نفر از شخصیت‌های مختلف تشکیل شده است و از هیچ نوع شناسایی رسمی برخوردار نیست. اما آنچه بسیار اهمیت دارد اینست که روابطش با سازمانهای مختلف بین المللی موجب تضمین حقیقی گسترش آن است. بنابراین نمایندگان این کمیته مخصوصا از ملاقات نمایندگان اعزامی "جمعیت بین المللی حقوقدانان دموکرات" و "فدراسیون بین المللی حقوق بشر" و "نهضت بین المللی حقوقدانان مسیحی" ابراز خوشوقتی میکردند. اعضای این کمیته کسانی هستند که مصمم بمبارزه‌ای همه جانبه برای حمایت از آزادیهای اساسی و حقوق بشرند و این کار را آشکارا و بی آنکه خود را مخفی کنند انجام میدهند. و از دادن نام و کارت ویزیت خود و تلفن کردن به هتل ماتریدید بخود راه نمیدادند و همه اینها علیرغم حضور ساواک در همه جا هست. سازمانی که با اندوه تمام معروف خاص و عام است. با توجه بهمین امر کمیته در ماه ژانویه ۱۹۷۸ (بهمن ماه ۱۳۵۶) در خود

تهران یک کنفرانس مطبوعاتی راجع به نقض حقوق بشر ترتیب داد. برای اعضاء کمیته یقیناً یک خطر همیشگی وجود دارد، اما بعلت آنکه بضرورت اینکار آگاهی دارند و باتوجه باینکه تلاششان ترجمان یک خواست عمیق مردمی است، این خطر را پذیرا شده‌اند.

د - جمعیت ایرانی حقوقدانان

این جمعیت که در حال حاضر دارای ۱۴۱ عضو است در پنج نوامبر ۱۹۷۷ (۴ آبان ۵۶) تشکیل شده است. و خواستار تفکیک قوا و استقلال قوه قضائیه و بطور کلی احترام بشکلیات قانونگذاری و حقوق اساسی افراد انسانی است. برخی از اداره کنندگان آن عضو کمیته دفاع از آزادیها و حقوق بشر نیز هستند. هدف و تلاش جمعیت ایرانی حقوقدانان تقریباً همان هدف کمیته ایرانی دفاع از آزادیها و حقوق بشر است.

ه - کانون نویسندگان

کانون نویسندگان ایران ده سالی است که وجود دارد، اما پس از یک دوره کوتاه فعالیت در نتیجه خفقان و نیز فشاری که نسبت به اعضاء آن اعمال میشد عملاً دچار وقفه شده بود.

فرصت یافتیم بعضی از اعضاء این کانون را ملاقات کنیم اینها نیز نظیر اعضاء جمعیت حقوقدانان و اعضاء کمیته ایرانی دفاع از آزادیها و حقوق بشر، حاضر بملاقات با ما شدند. از جمله اعضاء این کانون عبارتند از: خانم طاهره - صفارزاده شاعره، خانم سیمین دانشور نویسنده و همسر جلال آل احمد، آقای شمس آل احمد نویسنده و ناشر کارهای برادرش جلال آل احمد، آقای اسلام کاظمیه، آقای به آذین (نام مستعار آقای اعتماد زاده)، آقای علی اصغر حاج سید جوادی و غیره...

روشن است که در شرایط کنونی نویسندگان و دانشجویان و استادان و هنرپیشگان و کارگردانان تاتر بیش از همه افراد زیر فشار قرار دارند. اولین بار قهر و فشاری که علیه روشنفکران اعمال میشود در سال ۱۹۷۷ در گزارش "لافورن" وکیل اعزامی که از طرف نهضت بین المللی حقوق دانان کاتولیک (دسامبر ۱۹۷۷) بیان گردیده است.

اطلاعات و مدارکی که درباره این نوع خاص خفقان فراهم آوردیم قابل ملاحظه است و بتنهایی میتواند مبنای یک گزارش خاص گردد .
در گزارش حاضر بچند نکته اساسی اشاره میکنیم :

تعدادی از نویسندگان وجود دارند که نوشته‌هایشان در هیچ مورد ابداء در ایران چاپ نمیشود . علت آن یا اینستکه تالیفات این نویسندگان میتواند برخورد های سیاسی ، اجتماعی ، یا مذهبی گردد و یا بدین علت است که خود مولفین ممنوع محسوب میگردند . در واقع کافی است که شخصی از لحاظ سیاسی مورد اعتماد محسوب نشود و همین امر سبب گردد که انتشار کتابش ممنوع شود ولو آنکه کتاب جنبه فنی داشته باشد . نمایان‌تر و مشهورتر از همه مورد آقای بازرگان است که در سال ۱۹۵۱ (۱۳۳۰ هجری شمسی) اولین مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران بوده است و انتشار کتابهای وی حتی کتابهاییکه صرفاً جنبه علمی دارد غیرممکن است . (آقای بازرگان مهندس است و یک رشته کتاب نیز در زمینه‌های فنی نوشته است که نمیتوانند انتشار یابند . حتی چاپ‌های گذشته آنها از کتابفروشیها جمع‌آوری گردیده‌اند .)

علی شریعتی که در شرایط کاملاً مشکوک در سال ۱۹۷۷ (خرداد ۵۶) در انگلستان درگذشت قبل و پس از آزادی از زندان در حدود ۲۰۰ کتاب نوشته بود که اغلبشان ممنوع میباشد .

در حال حاضر دست کم ۲۵ نویسنده وجود دارند که در چنین وضعی قرار دارند و کتابهایشان نمیتواند منتشر شود . اغلب آنها فتوکپی کتابهایشان را تکثیر مینمایند (صدتا دویست نسخه از کتابها یا از مقالاتشان با این امضاء که بایشان اظهار شده که قانون اساسی بانان حق تکثیر فتوکپی را میدهد بنابراین قانوناً نمیتوان آنها را باین خاطر بازخواست کرد .)

چندین بارتوینسندگان خواستار تاسیس "خانه‌ای برای نویسندگان" شده‌اند . به هیچیک از سه تقاضایشان در این مورد پاسخی داده نشده است ، چرا که رژیم از ایجاد روابط مستمر میان نویسندگان بیم دارد ، در واقع هر روشنفکری یک خرابکار بالقوه محسوب میشود .

در آغاز ماه ژانویه ۱۹۷۸ (دیماه ۵۶) کانون نویسندگان تصمیم گرفت برای

انتخابات کمیته اجرائی خود مجمع عمومی منعقد سازد. کسانی که بدعوت اعضا جهت انعقاد مجمع اقدام کرده بودند سازمان امنیت احضار شدند و بایشان توجه داده شد که تشکیل مجمع عمومی شان ممنوع است. با وجود این نویسندگان میکوشند حرفهای خود را از طریق سخنرانیهای بیان کنند که خصوصا در دانشگاه بایراد آن دعوت میشوند.

اغلب این سخنرانیها هم ممنوع میگرددند. نیز گاهی بمسجد میروند و خطاب بمعتمدین مذهبی سخن میگویند. اغلب ورودشان بمسجد نیز توسط پلیس ممنوع شده است. بعضی اوقات نیز خود مسجد را هم بدون ریا میبندند در حقیقت حتی در مساجد هم امکان اظهار عقیده وجود ندارد.

مثلا پس از مرگ، مذهب پیش بینی مجلس ختمی برای متوفی کرده است اما خانواده متوفی آزادانه نمیتواند خطیبی را که میخواهد برگزیند. لیستی از خطبای مجاز موجود است که باید در کلانتری بآن مراجعه کرد.

در طول ماه رمضان، سپتامبر ۱۹۷۷ (شهریور ۵۶) نویسندگانی بمسجد قبا در تهران رفته سخنرانیهای نمودند (از جمله بازرگان و بعد سحابی) مسجد چندین روز بسته شد و از آن زمان ببعده نیز فقط برای نماز باز است. اما ایراد هیچ خطابه ای در آن مجاز نیست همین امر در مساجد متعدد از جمله در قم صورت گرفته است.

"آزادی" در سطح مطبوعات هم بهمین ترتیب است مدیران داخلی روزنامه های منتشر در تهران هر هفته اجتماعی در وزارت فرهنگ دارند. در این اجتماع نماینده ای از ساواک هم شرکت مینماید. در آنجا خطوط کلی ای که در هفته آینده لازم است مدنظر مدیران باشد، بدانها تفهیم میگردد. علاوه بر این هر بار که خبری بروزنامه میرسد و این خبر که بنظر "حساس" می آید هیئت تحریریه روزنامه بوزارت تلفن میزند تا بدانند بچه نحوی باید خبر را مطرح کند.

این موضوع تاجائی کشانده میشود که در روزنامه ها نوشته هائی را چاپ میکنند و بدروغ به نویسنده ای مشهور انتساب میدهند تا ویرا از اعتبار و ارزش بیندازند. مثلا "روزنامه اطلاعات مقاله ای بامضاء "مردمک" که نام مستعار شاعر صفا رزاده است انتشار داد. این مقاله استفاده از مواد مخدر و زیاده رویهای جنسی و غیره

را میستود. خانم صفارزاده نامه تندى در این باب به روزنامه نوشت. اما نه فقط روزنامه مطلب وی را منتشر نساخت بلکه خانم صفارزاده نامه‌ای هم دریافت کرد، مبنی بر اینکه مضمون مقاله ایشان افتضاح آمیز بوده و روزنامه بخاطر درج آن در برابر خوانندگانش دچار مشکلات و ناراحتی‌های فراوان شده است.

و- اجرای سانسور

رسماً "هیچ نوع سانسور قبلی وجود ندارد. اما در واقع سانسور بطور فوق العاده موثر و خوب انجام میگیرد.

در روز یکشنبه ۲۶ فوریه (۷ اسفند ۵۶) شمس آل احمد را که نویسنده و ناشر است ملاقات کردیم وی بما گفت که کنترل انتشارات در عمل چگونه صورت میگیرد. برای اینکه کتابی منتشر شود. باید آنرا بکتابخانه ملی سپرد تا روی آن شماره ثبت بزند و این عمل کاملاً عادی است.

در واقع ناشر باید دو نسخه از کتابش را مستقیماً "بکتابخانه ملی بسپارد و علاوه بر آن نسخه‌هایی بوزارت فرهنگ و هنرهای زیبا بدهد. این وزارتخانه علی‌الاصول باید ظرف ۴۸ ساعت شماره ثبت قانونی کتاب را بزند. اما در عمل رئیس سرویس مربوطه وزارت فرهنگ، خانم زعیمی که اطاقش در طبقه دوم وزارتخانه (پهلوی اتاق وزیر) قرار دارد و بوسیله ۴۴ مشاور مطالعاتی احاطه گردیده است دست بیک سانسور حقیقی میزند. بدین معنی که ناشر را احضار میکند و باوی مواردی را که باید تغییر دهد تا کتاب برای انتشار مجاز باشد، مطرح مینماید. (رونوشت بعضی از احضاریه‌های این چنانی بما سپرده شده است)

چنانچه کتاب "غیر قابل انتشار" شناخته شود، ناشر صاف و پوست کنده هیچ پاسخی دریافت نمیکند و بنابراین نه شماره ثبت قانونی دارد و نه حق دارد کتاب را انتشار دهد. مهمتر آنکه دو نسخه‌ای که باید سپرده شود نسخه دست نویس نیست بلکه نسخه‌های چاپ شده کتاب هستند. و معنای این امر بروشنی آنست که ناشر باید کلیه مخارج چاپ کتاب را حتی پیش از آنکه بداند آیا نشر آن مجاز خواهد بود، یانه متحمل گردد. بدین ترتیب در اینجا یک وسیله فوق العاده قوی انصراف وجود دارد. "به آذین" بما توضیح داد که نمایشنامه‌ای با عنوان "گاوه" نوشته است این نمایشنامه گزارشی از حماسه گاوه آهنگر است. که در راس شورشی مردمی

قرارداشته است. با توجه بموضوع، روشن است که هرگز موفق به انتشار آن نخواهد شد. "به آذین" هنوز ناشری نیافته است که بتواند نه فقط خطر سیاسی، بلکه خسارت اقتصادی چاپ این نمایشنامه را بعهده گیرد. بنابراین نمایشنامه بواسطه پدیده صریح سانسور چاپ نشده باقیمانده است. اما میتوان گفت که از لحاظ قضائی این نمایشنامه هرگز ممنوع نشده است.

ناشر "شمس آل احمد" نیز با دشواریهای حقیقتاً زیاد بالاخره توانست اجازه چاپ مجدد تالیف برادرش را بنام "غرب زدگی" کسب کند. این کتاب که در ۵ ژانویه ۱۹۷۸ (۱۵ دی ماه ۵۶) اجازه انتشار یافته بود، بفروش گذاشته شد. اما در تاریخ ۲۰ فوریه (۱۱ اسفند ۵۶) ناگهان از کلیه کتابفروشیها جمع آوری گردید. وقتی او را ۲۶ فوریه (۱۷ اسفند) دیدار کردیم بما اظهار داشت که برای روز بعد به پلیس احضار شده است. و برایش این سوال مطرح بود که آیا تهدید صرف است یا اینکه پس از اجازه دادن انتشار کتابها تغییر عقیده داده اند و میخواهند علیه وی اقداماتی بکنند.

متأسفانه فرض دوم درست بود و او در روز دوشنبه ۲۷ موقع معرفی خود بموجب احضاریه توقیف شد. انگیزه رسمی توقیفش را بدین شرح بدست آورده اند: این بار کتاب بعنوان چهارمین بار چاپ شده بود. اما گویا شماره ثبت کتابخانه ملی همان شماره ثبت چاپ سوم بوده است، و نه چهارم. بنابراین شمس آل احمد متهم به جعل شده است و اینکار جرمی است که مجازاتش ۱۰ سال زندان جنائی با اعمال شاقه است.

سانسور رسماً "بهیچوجه وجود ندارد. ولی در واقع با شدت فراوان رواج داشته و قابل لمس است. این سانسور حتی تا آنجا گسترش دارد که وقتی بعضی از اشعار دارای کلماتی است که اشارات خرابکارانه را میتواند برساند، آن کلمات حذف میشوند. یک شاعر نمیتواند از رنگ سرخ یا سیاه حرف بزند (گفتن اینکه گل سرخ است بعنوان اشاره ای بمارکسیسم تلقی میشود و اینکه شب سیاه است کنایه ای بلباس بزرگان مذهبی تلقی میگردد.)

میان گلها گل سرخ از نمود ویژه ای برخوردار است. از گل سرخ نباید سخن گفت زیرا میتواند اشاره بجوانی باشد که سابقاً "محکوم به تروریسم شده و نامش

این گل را بیاد می‌آورد .

مثال‌واژه‌های ممنوع خیلی بیشتر از آن است که بتوان همه را اینجا ذکر کرد . معهدان نقل قسمتی از کتاب "غرب زدگی" که کارکنان خانم زعیبی حذفش را خواستار شده بودند ، مفید بنظر میرسد تا قضاوت شود چه مقدار ناچیزی این قسمت "مخرب" است .

"فیلمهایی که روی پرده سینما می‌آید ، هیچ ارزش آموزشی ندارد و بتکامل اندیشه مردم مدد نمیرساند . در واقع هر سینما در اینجا فلکی است که مردم ۲۰ یا ۳۰ ریال هفته‌ای یکبار در آن میریزند تا "متروگلدین مایر" را غنی سازند . طرز تفکر مردم با این فیلمها و رادیوی حکومتی یا مجلات مسخ شده ، منتهی بحالتی تطابقی میگردد یعنی همشکل شدن مردم یک شکل خانه و لبه و چمدان و اشیاء پلاستیکی و یکنوع ادا و اطوار و خطرناکتر از همه یک شکل تفکر و این برزگترین خطر برای نسل جوان ماست ."

این نمونه‌ای مشخص است از نوشته‌ای که بلحاظ سانسور ایران غیر قابل قبول شمرده میشود . در یک چنین شرایطی است که نویسندگان بما اصرار کردند تا خبر دهیم که در واقع دو چهره از ایران وجود دارد . چهره‌ای که حکومت کوشش مینماید از خودش بخارج معرفی کند و سیمائی که ایرانیان بحقیقت میشناسند .
ز - دیدار استادان و دانشجویان

دانشگاهها محل اندیشه و مباحثه‌اند و این خود دلیل کافی است تا مخصوصاً هدف فشار و خفقان قرار گیرند . سخنرانیها ، نمایشنامه‌ها ، نمایشگاههای کتاب مرتباً "قدغن میشوند . پلیس متوالیا" بدانشگاهها یورش میبرد اگر چه قانوناً چنین حقی را ندارد . هنگامیکه استادانی مداخله میکنند و برئیس پلیس تذکر میدهند که حق هجوم بدانشگاهها را ندارد . آنها نیز همچون دانشجویانشان مورد ضرب و شتم قرار میگیرند .

همه چیز برای کنترل کردن ، تحت فشار قرار دادن و از اعتبار انداختن مدرسین دانشگاه انجام شده است .

در این زمینه وکیل مدافع "لافوورن" در گزارش خویش آزار و اذیتهایی را

که در مورد خانم هماناطق استاد تاریخ صورت گرفته نقل کرده است. این استاد که قصد شرکت در سخنرانی نویسندگی را داشته توسط پلیس ربوده شده، کتک خورده و حتی قصد تجاوز به ویرا داشته‌اند. بلافاصله از شغل تدریس اخراج گردیده و برای اینکه آن اقدام خوب تلقی شود توی تراکتی، بی‌امضاء که بوجه گسترده‌ای در دانشگاه‌ها توزیع شده، دشنامهایی باور نکردنی بوی داده‌اند. در این نشریه نوشته شده که استاد مزبور در حقیقت فاحشه‌ای وحشتناک است که با همه مردانی که ملاقات میکرده هم‌خوابی مینموده و حتی تاکید شده که تنها تأسّفش این بوده که مورد تجاوز قرار نگرفته است.

آنچه فوق العاده مورد توجه و کاملاً تازه است اینکه در تعقیب این بیورش هتاکانه علیه وی، نامه‌ای اعتراض‌آمیز با مضاء ۱۰۶ نفر از همکارانش رسیده است. این اعتراض در ردیف فعالیت‌های عمومی و شجاعانه روشنفکران معتابه ایرانی که امروز قاطعانه برای تحصیل آزادی‌پایان‌شان خطر مبارزه را بجان می‌خرد ثبت میگردد. یکی از استادان شاغل دانشگاه که ریاست یکی از دوایر را در دانشگاه عهده‌دار است بمنشی احتیاج داشت، از رئیس دانشکده خواست برایش کسی را استخدام نماید. چند روز بعد منشی تازه‌ای بدفتر وی آمد. اما رئیس دانشکده که از قرار ازدوستان آن استاد بود ویرا احضار کرده سفارش نمود بمنشی جدید اعتماد نکند با این توضیح که "من نتوانستم ردش کنم اما توجه داشته باش که ساواک او را بر من تحمیل کرده است. پس تو خودت باید از او برحذر باشی."

ح - ملاقات شخصیت‌های دینی

ما توانستیم دیداری با آیت‌الله شریعتمداری در قم و با آیت‌الله قاضی و آیت‌الله واعظی و نیز آیت‌الله هاشمی، در تبریز داشته باشیم. آنها یک مقدار اطلاعاتی را که اینجا و آنجا در گزارش آمده در اختیارمان گذاشتند.

بزرگان مذهبی فوق از جمله بما خاطر نشان ساختند که تنها حکومت مسئول تمام اغتشاشاتی است که در کشور و بویژه در قم و تبریز رخ داده است. اراده حکومت در منع آزادی مذهبی فقط میتواند سبب اغتشاشات تازه‌ای در آتیه گردد. و نیز برخلاف آنچه توسط تبلیغات حکومت تاکید شده زعمای مذهبی ابداً دشمن اصلاحات ارضی نبوده بلکه با روش نامربوط و غیر متناسب اجرای آن مخالفند.

آنها بشدت نام "مارکسیستهای اسلامی" را که حکومت خیلی راحت و آسان بایشان اطلاق کرده است، رد میکنند. بدیهی است که آنها ایدا" مارکسیست نیستند. این نامگذاری یکپارچه وهم است و فقط وسیله است که قدرت حاکم از آن در جهت بی اعتبار کردن آنان و باوراندن این امر استفاده میکند که بین مارکسیستها و مذهبی ها پیوندی "خلاف طبیعت" وجود دارد.

ط- دیدار با زندانیان سابق که بنازگی آزاد شده اند

زندانیان سابق تنها کسانی هستند که از ما خواسته اند بدلائل مسلم امنیتی نامشان را فاش نسازیم.

من باید روی این نکته تکیه کنم. زیرا مخصوصا" نباید گمان رود که اگر اشخاص دیگر قبول کردند نامشان را بدهند، برای اینست که رژیم آزادی داده است. مطلقا" چنین نیست. بلکه نظر باوضاع واحوال، اشخاص بیش از پیش خطر موضع گیری در برابر ساواک را قاطعانه میپذیرند و امید دارند که خصوصیت عمومی کارشان و حمایت افکار عمومی جهان هم سبب محدود شدن خطر بشود.

راجع به زندانیان سابق که اخیرا" آزاد شده اند یقینا" خطر شایان توجه است. وضع در داخل زندانها برخلاف اظهارات موکدرسمی بهبود چندان نیافته است. اینجا و آنجا چند تغییر در مورد تعدادی سلول آنها در بعضی از قسمتهای چند زندان صورت گرفته و این امر بمقامات ایرانی اجازه میدهد تاکید نمایند که بهبودی قابل توجهی در وضع کلیه زندانها پیدا شده است.

شکجه همچنان انجام میگیرد گرچه ظاهرا" فقط در موردی است که ساواک فکر میکند برای بیرون کشیدن محیلانه اطلاعات توسل بان ضروری است.

تنها بهبودی واقعی اینست که شکجه بطور منظم و حساب شده نسبت بهمه زندانیان سیاسی بگونه ای که چند ماه پیش صورت میگرفت انجام نمیشود.

از اینکه بگذریم، شرایط بازداشت توقیف شدگان سیاسی تغییری نیافته است. آنهایی را که ما دیدیم اعلام داشتند که در هر سلول ۲۵ نفر محبوس میباشد. همیشه ساواک است که در مورد تعداد زندانیانی که اجازه ملاقات خانواده هایشان را دارند تصمیم میگیرد. اما بنظر میرسد ملاقات خانواده ها اکنون، اندکی بیش از آنچه در گذشته بوده، انجام میشود.

همچنین اکنون زندانیان غالباً " اجازه داشتن کتاب، کاغذ و مداد را دارا هستند این امری است که برای خیلی از آنها بهبودی فوق العاده مهمی است حتی اگر این سامان یافتن شامل حال همگی نگردد .

زندانیان سابق از ما خواستند خبر دهیم که وجود تغییر فوق را بفشار افکار عمومی جهان در باره وضع زندانهای ایران نسبت میدهند و خواستار آن شدند تا جایی که در امکان داریم توجه مردم خود را باین نکته جلب نمائیم .

۴ - وقایع تبریز

سه شنبه ۲۸ فوریه (۹ اسفند ۵۶) برای فراهم آوردن اطلاعات راجع بوقایعی که هفته قبل از آن رخ داده بود به تبریز رفتیم .

الف - با آقای مصباحی دادستان تلفنی تقاضای ملاقات کردیم . پاسخش فوق العاده روشن بود " غیر ممکن است متاسفم " .

ب - آقایان آیات اللهی را که نامشان در بخش ۳ - قسمت ح آمد ملاقات کردیم . چگونگی وقایعی که رخ داده است بشرح زیر است :

در پاسخ بدعوت رهبران مذهبی ، انبوه فوق العاده شگرف مردم قصد داشتند طبق سنت اسلامی برای برگزاری مراسم چهارم مقتولین ۹ ژانویه (۱۹ دیماه ۵۶) بدست پلیس در قم وارد مساجد شوند . به نشانه عزا و بخواست رهبران مذهبی اکثریت مغازه ها بسته بود و این امر در کلیه شهرهای ایران صورت میگرفت . البته این نکته بی نهایت مهم است . چرا که تظاهرات سوگواری در تمام شهرها جز تبریز بدون هیچ حادثه ای انجام گرفت . در تبریز تعداد معتنا بهی از افراد بسوی مسجد جامع میرزا یوسف که مسجدی بسیار بزرگ است در حرکت بودند . در ساعت ۹ صبح نیروهای پلیس در اطراف این مسجد موضع گرفته بودند . (در اینوقت) مقابل انبوه معتقدین " حق شناس " رئیس کلانتری منطقه ۶ تبریز اعلامیه هائی را که مردم را به بزرگداشت خاطره جان باختگان قم دعوت مینمود ، پاره پاره کرده و ورود بمسجد را ممنوع نموده و نیروهای پلیس درهای مسجد را بستند . جوانی بنام تجلی بافسر شهربانی نزدیک شده و ویرا بخاطر کاری که کرده بود سرزنش نمود . افسر روی وی تیراندازی کرد و تجلی کشته شد . در این لحظه انبوه جمعیت پیکر این دانشجو را روی برانکارد گذاشته در خیابانهای شهر بحرکت درآمد .

توجه باین نکته اساسی است که در این مرحله تظاهر، یک تظاهر صرفاً " مذهبی بوده تنها و تنها یک مراسم سوگواری محسوب میشده است خشونت و وقایع ناشیانه، از کار پلیس سرچشمه گرفت که این مراسم دینی را در شرایطی عجیب و وحشیانه مانع شده بود. توده مردم بخیا بانهای شهر ریختند و ویتترین مغازه‌ها و بانکهای را که باز بودند، سنگباران کردند. در اینمورد باید توجه داد که حتی از طرف منابع حکومت هیچکس مدعی نیست حتی یک شاهی از هیچ بانک یا مغازه‌ای بسرقت رفته باشد.

انبوه جمعیت خشمناک تنها مدارک محاسباتی بانکها را نابود کردند بی آنکه در هیچ جا چیزی دزدیده شود. در این هنگام پلیس شروع به تیراندازی بسوی انبوه جمعیت نمود، در حالیکه ارتش تحت فرماندهی تیمسار بیدآبادی از تیراندازی روی مردم امتناع کرده به شلیک‌های هوایی اکتفا مینمود. برعکس نیروهای پلیس تردیدی در هدفگیری مردم چه با تفنگ و چه با اسلحه کمری نشان نمیدادند. و عوامل ساواک هم از داخل ماشینهایی که در خیابانهای عمود برخیا بان اصلی موضع گرفته بودند، مردم را با مسلسل هدف قرار میدادند.

در پایان روز واحدهای جدید ارتشی می‌آیند و فرانسویان مقیم تبریز یک دستگاه مسلسل خودکار را دیده بودند که مشرف برخیا بان اصلی (پهلوی) مستقر شده و متوالیا " بروی انبوه مردم تیراندازی مینمود. شماره کشته شدگان را نمیتوان با اطمینان محاسبه و تشبیت کرد ولی بهر حال بیش از صد نفر میباشد احتمالاً " حداقل ۶۰۰ یا ۷۰۰ مجروح وجود دارد.

در اینمورد هم تخمین دشوار است چرا که بیشتر مجروحین از ترس " شناخته شدن " به بیمارستان یا خانه پزشکان مراجعه نکرده اند. ۱۶ نفر از رهبران اصلی مذهبی تبریز برای محکوم کردن قتل عام در تظاهرات مسالمت آمیز و نیز علیه ممنوعیت مراسم سوگواری بعنوان سنتی اسلامی نامه‌ای بدستگاه حاکمه نوشته اند. در مقابل هیچ چیز نمیتواند اطلاعات منابع حکومتی را مبنی بر وجود " تروریستهای حرفه‌ای " در میان توده‌ای که قاطعانه آن حوادث را بوجود آوردند. تأیید نماید. یا اثبات کننده این باشد که انبوه مردم اسلحه وارداتی بیگانه را در اختیار داشته است. وانگهی مطبوعات دستگاه حاکمه خود در برابر تناقضات عقب نشینی میکند.

همزمان با اعلام موکد مبنی بر اینکه شورشیان به اسلحه دقیق مجهز بوده‌اند که "از خارج" تهیه کرده‌اند، مینویسد که عمال پلیس با ضربه‌های سنگ و چماق مجروح شده‌اند و حتی "گاردی خون‌آلود" پیدا شده است. چندین مسئول عالی‌رتبه اداری استان از استاندار گرفته تا افسر شهربانی "حق شناس" تاکنون از طرف دستگاه حاکمه ایران احضار شده‌اند. بخاطر اینکه نتوانسته‌اند خونسردی خود را حفظ کرده وقایع را پیش بینی نمایند.

ح - وقایع تبریز از سوی منابع بسیاری برایمان نقل و تصدیق شده است. سوی فرانسویان فوق‌الذکر یک راننده تاکسی و یک تاجر تبریزی تقدم و تاخر حوادث را بهمان نحو اظهار کردند با اضافه نمودن اینکه اولین کار لازم تیرباران کردن افسر شهربانی "حق شناس" میباشد.

د - برگردان رسمی وقایع تبریز بطور صریح مخالف واقعیت است. از طرفی رقم مقتولین (اینکه تاکنون $11 = 2 + 9$ مجروح فوت کرده‌اند) مطلقا نادرست بوده، فقط ترجمان رسمی این هدف است که از اهمیت سنگینی وقایع بکاهند. از طرف دیگر تاکید روی توطئه "سرخ و سیاه" (یعنی مارکسیسم و مذهب) با توجه به تحقیق امر نامربوط است و بوسیله کلیه اشخاص ملاقات شده تکذیب میشود. اضافه بر این لازم است افزوده شود که با توجه بموقعیت سیاسی ایران یک چنین توطئه‌ای کاملا غیر قابل تصور و غیر حقیقی است.

ه - پس از تبریز وقایع خشونت‌آمیز دیگری در تاریخ ۲۷ فوریه (۸ اسفند ماه) در شهر زاهدان (بلوچستان) رخ داده است. این وقایع رسماً اعلام نشده‌اند، اما ما توانستیم درباره‌شان اطلاعات دقیقی کسب نمائیم.

یکشنبه ۲۶ فوریه (۷ اسفند) دکتر پیمان نویسنده جامعه‌شناس (متخصص جراحی دندان) برای یک سخنرانی در زاهدان دعوت شده بود. دکتر پیمان که ساکن تهران است روز ۲۶ فوریه به زاهدان می‌رود اما موقع ورود خیر می‌یابد که سخنرانی‌اش از طرف پلیس ممنوع شده است. بنابراین به تهران باز میگردد. ولی روز بعد در زاهدان تظاهراتی برای اعتراض علیه ممنوعیت سخنرانی وی صورت می‌گیرد و منجر بحوادث خشونت‌آمیزی میگردد.

سه شنبه ۲۸ (۹ اسفند) دکتر پیمان به تقاضای دادستان زاهدان با اتهام

"تحریکاتی که منجر بشورش شده است" در تهران بازداشت میشود. وکیلش روز جمعه ۳ مارس (۱۲ اسفند) قرار آزادی ویرا بقید ضمانت یک میلیون ریال از بازپرسی تهران بدست میآورد. اما دادستان تهران اعلام میکند که موافق آزادی وی نیست (بموجب مقررات شایان توجه قانون آئین دادرسی کیفری ایران وقتی دادستان تقاضای توقیف احتیاطی متهمی را مینماید بازپرس قادر نیست ویرا بدون موافقت دادستان آزاد کند).

دادستان تهران بوکیل دکتر پیمان اطلاع میدهد که تنها زاهدان میتواند قراروی درباره بازداشت یا آزادی وی صادر نماید. بنابراین لازم است که دکتر پیمان بزاهدان انتقال یابد. اما بخانواده اش خبر میدهند که ممکن است این سفر خیلی طول بکشد زیرا مسافرت در تاریخی نامعلوم با اتوبوس صورت میگیرد و این نکته را هم ذکر میکنند که خانم پیمان میتواند با پرداخت هزینه مسافرت هوایی شوهرش و سه نگهبان همراه او روال کار را تسریع نماید.

و - تمام کسانی که ملاقات کردیم مارا متوجه اهمیت وقایعی نمودند که برای ۱۵ مارس (۲۴ اسفند) تدارک دیده میشود.

درواقع دربار شاهنشاهی تصمیم گرفته است بمنظور بزرگداشت سالروز تولد پدر شاه فعلی و پایه گذار سلسله پهلوی تظاهراتی نمایشی ترتیب دهد. یک سری بخشنامه برای دعوت باین تظاهرات صادر شده است. از جمله بخشنامه ای است "فوری بسیار محرمانه" از وزارت دربار شاهنشاهی بشماره ۲۴ - ۲۵۰ تاریخ ۱۶/۱۱/۲۵۳۶ مطابق تقویم ایران (۶ فوریه ۱۹۷۸) این بخشنامه، بخشنامه دیگری بشماره ۶۷۸ - ۷۵ تاریخ ۶ فوریه ۱۹۷۸ را تأیید مینماید. روز ۱۵ مارس در کلیه شهرهای ایران باید سوت کارخانه و قطارها در ساعت ۱۲ و ۲۷ دقیقه بمنظور دعوت مردم به تظاهرات طرفداری از حکومت بصدا در آید.

در حقیقت بودجه ای یک میلیارد ریالی (۷۰ میلیون فرانک فرانسه) برای این تظاهرات کنار گذاشته شده است. بیم آن وجود دارد که این تظاهرات بیک تحریک عظیم ضد مذهبی تغییر ماهیت دهد. تمام آنهایی که ملاقات کردیم هراس شدیدشان را از اینکه ۱۵ مارس روز حمام خون تازه ای در کلیه شهرهای ایران

باشد، ابراز داشتند.

۵- نتیجه

پیش از این یکبار در ۱۹۷۲ (۱۳۵۱) یک تحقیق قضائی را در ایران انجام دادم. از آن زمان تا کنون وکلای و خبرنگاران متعددی آنجا رفته‌اند. و تمام آنان در مورد حضور همه جاگیر ساواک و حالت وحشت و تروری که این امر بر میانگیزد متفق القول بوده‌اند. خلق ایران سیمای مردمی محصور در اختناق و مستضعف را دارا است.

باری در این اواخر مردم زبان بسخن گشوده‌اند و نهضتی برای کسب آزادیها برپا شده است و سازمان میگیرد و توسعه مییابد. تمام اشخاصی که مورد سوءال قرار گرفته‌اند، تولد و توسعه این نهضت را به تشدید بسیار واضح نارضائی مردم نسبت میدهند و این خود نه فقط نتیجه اختناق است که از اولین نشانه‌های بیمارگونه یک بحران جدی اقتصادی نیز میباشد.

این بحران بوجهی کامل در قصه‌ای که در ایران خیلی نقل میشود یادآوری شده است و آن چنین است:

"مردی روستائی ماهی صید میکند و آنرا هنوز که میطهد پیش زنش می‌آورد و باو میگوید ماهی پلو درست کنیم."

زن جواب میدهد "غیر ممکن است خوب میدانی که نمیتوانیم برنج پیدا کنیم." بنا بر این شوهر میگوید "خوب پس بریانش کنیم." وزن جواب میدهد "غیر ممکن است خوب خوب میدانی که روغن نمیتوان یافت." شوهر میگوید "پس مجبوریم کبابش کنیم" وزن جواب میدهد: "غیر ممکن است خوب میدانی که نه چوب میشود پیدا کرد نه زغال" شوهر فوق‌العاده خسته ماهی را مجدداً در رودخانه می‌افکند و ماهی در حالی که دوباره حیات یافته برمی‌جهد و در هر جهش فریاد میزند "زنده باد شاه زنده باد شاه."

قصه کاملاً مناسب حال است... مشکلات گرانی آذوقه، گرانی مسکن، فقر دائمی روستائیان و خالی شدن مناطق روستائی از سکنه دستمزدهای پائین، بالا رفتن مستمر خرج زندگی، افزایش بیش از پیش شدید قیمتها، اینهاست دلایل عمیق نهضت نارضائی مردم که مخصوصاً در مطالبه بس فعال آزادیها جهت یافته

است .

باید بروشنی گفت که این نهضت رهایی بخش ابداً از "آزاد گذاشتن ادعایی رژیم" نتیجه نمیشود چرا که وقایع تبیین شده در این گزارش بطور مستمر آن "آزادگذاری" ادعایی را تکذیب مینماید . میتوان نمونه‌ای تازه و مشخص در این مورد داد :

مثلاً "مقامات ایرانی اعلام کرده‌اند که بمناسبت نوروز (۲۱ مارس ۱۹۷۸) یک عفو عمومی صورت خواهد گرفت و این عفو عمومی که شامل حال تمام مخالفین میگردد . حتی شنیدیم که این اعلام بوجهی غیر محتاطانه بوسیله یک سیاستمدار سفارت آمریکا تصدیق شده است . در واقع کافی است که بخود متن قانون عفو مصوبه ۲۶ فوریه ۱۹۷۸ مراجعه کنیم . این قانون روز بعد از تصویب بوسیله روزنامه بسیار حکومتی "کیهان" چاپ گردید .

"در آنچه به امور امنیت دولت صدمه میزند قانون به وزارت جنگ اجازه میدهد که از شاه تقاضای عفو خاص یا عمومی بنماید ."

بالاخره آزادی مورد ادعا چیزی جز آنچه که "لاروش فوکو" میگوید نیست "ردالت به تزویر فضیلت را اجر میدهد" .

اختناق همواره اینقدر نیرومند است که حتی می‌تواند خطرناکتر باشد چرا که اشکال جدیدی پیدا می‌نماید .

بویژه اکنون مردم ایران مقاومت خود ساخته‌ای علیه دیکتاتوری عهده‌دار شده‌اند و وسایل کسب آزادیهای اساسی خویش را خود فراهم می‌آورند . در این وظیفه دشوار و اساسی این ملت بگسترده‌ترین حمایت افکار عمومی بین المللی نیازمند است .

نظر پرفسور کاتم در مورد رعایت حقوق بشر در ایران

خبرگزاری یونایتد پرس ۲۴ بانماه ۱۳۵۷

یونایتد پرس ۲۶ - اکتبر - وزارت خارجه آمریکا اظهار میدارد که ایران در راه رعایت حقوق بشر پیشرفت نموده است لکن آقای ریشارد کاتم استاد دانشگاه

پیتسبورگ چهارشنبه اظهار داشت که در ایران با مخالفین رفتاری خشونت آمیزتر انجام میگیرد.

ریشارد کاتم در یک کمیته نمایندگان اضافه مینماید نویسنده ایرانی علی اصغر سید جوادی در این باره نامه بسیار مؤثری نوشته است که بسبب آن عنوان ساخارف ایران را بدست آورده است.

منظور آقای کاتم از آندراساخارف دانشگاهی سرشناس شوروی است که در پیشبرد برنامه تهیه بمب هیدروژنی شوروی نقش رهبری داشت لکن بعلت پیوستن به نهضت حقوق بشر مورد بی مهری قرار گرفت

پرفسور کاتم می پذیرد که برنامه حقوق بشر کارتر در ایران آثار قابل ملاحظه‌ای داشته است لکن تأکید مینماید که این تغییر ناشی از علاقه شدید ایران برای امکان خریدهای هنگفت اسلحه در آمریکا است.